# گزیدهٔ اسناد خلیج فارس

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت امور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

گزیدهٔ

# اسناد خلیج فارس

## جلد اول

## جزایر خلیج فارس

از سال ۱۳۲۰ه.ق(۱۲۸۰ه.ش)
تا سال ۱۳۶۰ه.ق(۱۳۲۰ه.ش)



دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران، ۱۳۶۸

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد اول)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۶۸

حروفچینی، چاپ و صحافی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۳هزار جلد

# فهرست

# پیشگفتار

اسناد تاریخی همواره از مهمترین منابع اطلاعاتی محققین، پژوهشگران و سیاستمداران به منظور نگارش هر نوع کتاب و یا تدوین هر سیاستی است و بی‌تردید هر اندازه مجموعه‌های منتشر شدهٔ اسناد زیادتر باشند، واقعیتها ملموستر و امکان خطا کمتر می‌گردد.

به همین جهت با تصویب مادهٔ واحدهٔ «قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شدهٔ وزارت امور خارجه» توسط مجلس شورای اسلامی، زمینهٔ نشر گرانبهاترین و با ارزشترین مجموعهٔ اسناد وزارت امور خارجه که سالها در آرشیو این وزارتخانه بلااستفاده مانده‌بود و یا به‌صورت بسیار محدود از آنها بهره گرفته می‌شد، فراهم آمد.

اهمیت استراتژیکی خلیج فارس و بخصوص پیوندهای مذهبی و فرهنگی مردم منطقه چنان وسیع و قابل توجه است که هر نوع تحقیق را پذیرا گردیده و می‌تواند برای بسیاری از مردم جهان و منطقه مفید باشد. با عنایت به این امر، مجموعهٔ کتابهای مربوط به اسناد خلیج فارس که کتاب حاضر اولین جلد آن است و در لابلای اسناد آن بوضوح ترفندهای استعمار دیده می‌شود، تدوین و منتشر می‌گردد تا همگان آن را مطالعه نموده و از این بهره‌مند شوند.

این جانب از زحمات «شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد» به‌عنوان تعیین کنندهٔ خط مشی‌ها و سیاستها، جناب آقای عباس ملکی، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و جناب آقای رضا حسین میرزا طاهری، سرپرست واحد نشر اسناد، و جناب آقای علیرضا پروین، تهیه کنندهٔ مجموعهٔ حاضر، و سایر همکاران واحد نشر اسناد که با تلاش خود در ایجاد این اثر نقش فعّال داشته‌اند، تشکر نموده و موفقیت آنها را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

**علی اکبر ولایتی**

وزیر امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

## مقــدمه

### موقعیّت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس دریای کمی‌عمقی است به موقعیت جغرافیایی ۲۴ و ۳۰ درجهٔ عرض شمالی و ۴۸ و ۵۷ درجهٔ طول شرقی که در حاشیهٔ شمال غربی اقیانوس هند واقع شده و از شمال‌شرقی به کرانه‌های ایران، از شرق به بحر عمان و از جنوب و مغرب به شبه‌جزیرهٔ عربستان محدود می‌گردد.

مساحت تقریبی خلیج فارس معادل ۲۵۱۲۲۶ کیلومترمربع و عمق متوسط آن معادل ۳۵متر است. طول خلیج فارس از دهانهٔ اروندرود (شط‌العرب) تا تنگهٔ هرمز معادل ۱۲۵۹ کیلومتر و عرض آن از دهانهٔ مذکور تا ساحل عمان بتقریب بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیّر و در تنگهٔ هرمز تقریباً معادل ۸۵ کیلومتر است. قابل ذکر است که در تمامی نقاط تنگهٔ هرمز که از رأس‌المسندم تا بندرعباس امتداد دارد، به‌علّت عمق کم آب، کشتی‌های بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبور هستند از ناحیهٔ محدودی که معادل ۱۵ کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آنها کافی است حرکت نمایند. در قسمت شمالیِ این معبر، جزایر ایرانیِ قشم، هرمز و لارک قراردارند. علاوه‌بر این، در امتداد این راه عبور، کشتی‌های بزرگ جنگی و نفتکشها مجبور هستند از کنار جزایر ایرانی تمب بزرگ و کوچک، ابوموسی، فرور و سیری عبور کنند. از نظر شرایط اقلیمی، خلیج فارس در منطقهٔ فوق حارّه‌ای نیمکرهٔ شمالی قرار دارد و هوای گرم پدیدهٔ غالب اقلیمی در این منطقه محسوب می‌گردد.

### تاریخچهٔ خلیج فارس

در این بخش از مقدمه، سعی شده‌است فهرست‌وار و گذرا تاریخچه‌ای از وقایع مهم خلیج فارس تا پیش از ارائهٔ اسناد حاضر در این کتاب که با تاریخ استعمار در خلیج فارس عجین است، بیان گردد.

همان‌طور که می‌دانیم، کرانه‌های خلیج فارس، خصوصاً کرانه‌های شمالی و شمال غربی آن، یکی از عرصه‌های مهم تاریخ تمدن بشری محسوب می‌گردد. قبل از

استقرار قوم پارس و تشکیل امپراتوری هخامنشی در این خطّه، امپراتوری‌های عیلام، بابل، سومر و آکاد در منتهی‌الیه شمال‌غربی خلیج فارس واقع بودند.

اولین دریانوردان مقتدر خلیج فارس ایرانیان بودند که در حدود پانصد سال قبل از میلاد مسیح و در زمان حکومت داریوش اول و بعد از آن پسرش خشاریارشا بزرگترین ناوگان نظامی جهان را در اختیار داشته‌اند.

داریوش اول برای نخستین‌بار دریاسالار خود به‌نام سیلاک را برای کشف موقعیّت سواحل خلیج فارس و از طریق خلیج عدن و باب‌المندب و سواحل بحر احمر، به همراه ۲۰۰ کشتی گسیل داشت که حاصل آن اکتشافات بسیار مهمی بود که منجر به تسخیر مصر و دستور حفر ترعهٔ سوئز و راهیابی از طریق بحر احمر به دریای مدیترانه گردید.

در زمان سلطنت داریوش اول و خشایارشا شاهد جنگهای عظیم ایران و یونان هستیم که عظمت و گستردگی نیروهای ایرانی در این تهاجم به سرزمین یونان که مهمترین صفحه از تاریخ یونان قدیم نیز محسوب می‌گردد، بارها و بارها توسط تاریخ‌نویسانی چون هرودت با اعجاب نگریسته شده‌است. هر چند اصولاً اسناد و مدارک فراوان و دقیق درخصوص چگونگی عظمت و قدرت نیروی دریایی ایران در طول کشمشکهای تاریخی در کشورما از میان رفته‌است، اما آثار برجای مانده، همچون کتیبه‌هایی که در نقاط مختلف یافت شده‌است ــ از جمله کتیبه‌ای که داریوش اول در آن فرمان کندن ترعهٔ سوئز را صادر نموده ــ و نیز آثار باقی‌مانده از تاریخ‌نویسان یونانی که البته به انگیزهٔ دشمنی با ایران، بدون غرض هم ننوشته‌اند، گواه این مدعاست.

بعد از هخامنشیان، در زمان حکومت سلسلهٔ اشکانیان و ساسانیان همواره ایرانیان دارای ناوگان عظیم دریایی در خلیج فارس بودند و قدرت بلامنازع تمامی سواحل خلیج فارس محسوب شده و هم از این طریق با جهان متمدن هم‌عصر خود ارتباط تجارتی گسترده داشتند.

بعد از ظهور اسلام، اقتدار نظامی ایرانیان در خلیج فارس روبه زوال نهاد و در امر تجارت از نیمهٔ دوم قرن یکم پیش از میلاد مسیح که رومیان بر سوریه و مصر مسلط شدند، به انگیزهٔ دشمنی قدیمی که مابین ایرانیان و رومیان وجود داشت و احساس عدم امنیت از جانب تجار رومی، خط تجارتی هند که از طریق خلیج فارس در حال شکوفایی بود با رکود مواجه شده‌بود.

با گسترش اسلام و تسلط مسلمین بر ایران، تجار عرب و ایرانی در آبهای گرم خلیج فارس تجارت را آغاز کردند. اما باز هم به سبب اختلافات مذهبی بین مسیحیان و مسلمانان از قرن دوازدهم میلادی به‌بعد، به مدت ۵ قرن، رکودی تجاری بین غرب و شرق به‌وجود آمد.

بعد از پایان جنگهای صلیبی، مجدداً بازرگانان اروپایی روابط تجاری با شرق و بخصوص هندوستان را به‌علّت نیاز مبرم مغرب‌زمین به کالاهایی مانند انواع ادویه (که برای بالا بردن مقاومت مواد غذایی در برابر فساد به‌کار می‌رفت) و ابریشم (که مشتری فراوانی در بین طبقهٔ متمول اروپایی داشت) آغاز کردند. در این میان، کشف دماغهٔ امیدنیک توسط واسکودوگاما و گشوده‌شدن راه تجاری کوتاه و امن دریایی از اروپا به هندوستان بر توسعهٔ روابط تجاری غرب و شرق افزود و بدین‌ترتیب پرتقالی‌ها توانستند با قدرت و اقتدار کامل و تسلّط بر این راه دریایی تا حدودی کنترل روابط تجاری غرب و شرق را به‌دست گیرند؛ تا اینکه در سال ۱۵۰۶، آلفوس دالبوکرک به همراه تعدادی کشتی جنگی پرتقالی، برای حفظ منافع این کشور و انحصار کامل تجارت غرب و شرق و جلوگیری از گسترش تجارت ونیزی‌ها که از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت، متوجه جزیرهٔ هرمز شد و به‌رغم مقاومت دلیرانهٔ مردم هرمز، آنجا را به اشغال خود درآورد. شایان ذکر است که جزیرهٔ هرمز در انتهای راههای کاروان‌رو از هندوستان و چین قرار داشت و کشتی‌های تجاری، کالاها و مصنوعاتی را که از هند و چین و سرزمینهای بین راه حمل می‌شد، از طریق مدیترانه به اروپا منتقل می‌کردند. لذا تصرّف هرمز برای پرتقالی‌ها بسیار پراهمیت بود و این تسلط تا بیش از یک قرن، نه تنها بر هرمز، بلکه بر سایر نقاط حساس خلیج فارس مانند مسقط، الخضیف، بحرین و... ادامه داشت.

در هر حال حکومت مرکزی ایران به‌علت بی‌سروسامانی و مشکلات داخلی از یک طرف و فقدان نیروی دریایی کارآمد از طرف دیگر قادر به دفع بیگانگان از خلیج فارس نبود. حتی شورش اهالی هرمز در مقابل پرتقالی‌ها بدون حمایت دولت مرکزی صورت گرفت و حملهٔ مجدد پرتغالی‌ها و تصرّف دوبارهٔ هرمز و بندرگامبرون (بندرعباس) طّی همین قرن، با واکنش مؤثری از طرف حکومت مرکزی ایران مواجه نشد.

در اینجا باید به راهیابی عثمانی‌ها به خلیج فارس، بعد از پیروزی جنگهای متعددی که به تصرّف بغداد و بصره منجر شد و ایجاد نیروی دریایی عثمانی در آبهای خلیج فارس اشاره کرد؛ هر چند که عثمانی‌ها هرگز نتوانستند به‌شکلی مؤثر در مقابل پرتقالی‌ها قرار بگیرند و از سلطه و اقتدار آنها بکاهند. گویا همواره در طول تاریخ تنها کشوری که در مقابل بیگانگان در خلیج فارس وظیفهٔ مقاومت و ایستادگی دارد، ایران است و اگر در مقاطعی فاقد قدرت و انسجام داخلی می‌گردید، راه برای صاحبان قدرت و زور هموار بوده‌است. به عبارتی، اگر نیروی دریایی ایران در خلیج فارس به عنوان تنها کشور قدرتمند منطقه و همچنین به‌عنوان کشوری با کیلومترها مجاورت با دریا توسعه می‌یافت، با عنایت به حضور مردم غیور جزایر و سواحل خلیج فارس، شاید هرگز پرتقالی‌ها نمی‌توانستند آغازگر سلطهٔ نظامی بیگانه در این منطقه باشند.

در اواخر قرن شانزدهم میلادی، رویدادهایی پیش آمد که همه چیز را رفته‌رفته تغییر داد. از یک طرف در سال ۱۵۸۱ پرتقال ضمیمهٔ اسپانیا شد و بدین‌ترتیب قدرت این کشور رو به زوال نهاد و از طرف دیگر در سال ۱۵۸۷ در ایران شاه‌عباس اول، پادشاه مقتدر صفوی، که از حضور و نفوذ پرتقالی‌ها بشدّت رنج می‌برد، زمام امور را به‌دست گرفت. در کنار این دو تحوّل عمده که بعدها تأثیر بسیار زیادی در موقعیت پرتقال در خلیج فارس به همراه داشت، تحولات دیگری به‌وقوع پیوست که در تاریخ خلیج فارس حائز اهمیت است. نخست ورود دو برادر انگلیسی به‌نامهای آنتونی و رابرت شرلی به ایران در سال ۱۵۹۸ بود که می‌توان آن را نقطهٔ شروع روابط ایران و انگلیس دانست. هدف از مأموریت این دو برادر، نخست گسترش تجارت ایران و انگلیس بود که با استقبال شاه‌عباس نیز مواجه شد؛ و دوم، تأسیس کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۶۰۰ بود که یک شرکت تجارتی بازرگانان لندن که با هند شرقی معامله و تجارت می‌کند محسوب می‌شد.

متعاقب آن در سال ۱۶۱۵، نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس که به دنبال بازار فروش مناسب در منطقه بودند، با توجه به شرایط آب‌وهوایی ایران، خصوصاً در مناطق شمالی که دارای هوای نسبتاً سرد در فصل زمستان است، زمینه را برای فروش منسوجات انگلیسی فراهم دیده و عازم ایران شدند و نهایتاً توانستند طی فرمانی که از شاه‌عباس اخذ کردند، موقعیت مناسبی به‌دست آورده و تجارت با ایران را شروع کنند. با گسترش روابط تجارتی بین ایران و انگلستان، بزودی از یک طرف تضاد منافع بین پرتقالی‌ها و انگلیسی‌ها و از طرف دیگر صلحی که بین ایران و عثمانی در سال ۱۶۲۱ برقرار شد و باعث فراغت شاه‌عباس گردید، زمینه را برای اقدام جدّی جهت اخراج پرتقالی‌ها ــ با همکاری انگلیسی‌ها ــ از هرمز به‌وجود آورد.

ناگفته نماند که قبل از آن و در سال ۱۶۰۲، شاه‌عباس توانسته بود پرتقالی‌ها را از بحرین اخراج کند و در سال ۱۶۲۰ آنها را از رأس‌الخیمه بیرون براند.

به هر صورت آخرالامر در سال ۱۶۲۲ بعد از یک جنگ سخت، پرتقالی‌ها از هرمز رانده شدند و پرچم پرتقال پس از یک قرن از فراز قلعهٔ آلبوکرک برای همیشه به پایین کشیده‌شد. بعد از زوال قدرت پرتقالی‌ها، انگلیسی‌ها که بدون رقیب مانده‌بودند، گرفتار رقابتهای شدید سیاسی و تجارتی با هلندی‌ها شدند؛ زیرا هلندی‌ها توانسته بودند در حالی که شاه‌عباس مشغول جنگ با دولت عثمانی و دفاع از بغداد بود، اجازهٔ تجارت ابریشم را اخذ کنند و چندی بعد نیز با کسب امتیازات جدیدی از شاه‌عباس، موقعیت تجاری انگلیس را تضعیف نمایند. بدین‌ترتیب، به‌رغم مشکلات داخلی و جنگهای ایران و عثمانی در این دوره، هرگز مواجه با قدرت بی‌رقیبی مثل پرتقالی‌ها در خلیج فارس نبوده‌ایم و همواره رقابت بین انگلیسی‌ها از یک طرف و هلندی‌ها از طرف دیگر و امتیازاتی که شاه‌عباس به هر یک از آنها اعطا

می‌کرد، نه تنها از قدرت‌گیری انحصاری این دو رقیب تجاری جلوگیری می‌نمود، بلکه باعث گسترش امر تجارت در ایران می‌شد.

بعد از وفات شاه‌عباس این وضع تا مدتی ادامه داشت، اما نفوذ هلندی‌ها و رقابت شدید تجارتی با انگلیسی‌ها توازن را به‌شکل فزاینده‌ای به‌نفع هلندی‌ها تغییر می‌داد به حدی که انگلیسی‌ها از سال ۱۶۳۹ به‌بعد رفته‌رفته تصمیم گرفتند فعالیت تجارتی خود را در خلیج فارس به‌جای بنادر ایران، در بصره گسترش دهند؛ و این در حالی بود که هلندی‌ها مصمم می‌شدند تا بتوانند حق تجارت انحصاری در ایران را کسب نمایند. به‌دنبال این تصمیم، سرانجام در سال ۱۶۴۵ متوسل به قوهٔ قهریه شده و به قشم حمله کردند و حاصل آن قرارداد صلحی بود که بین شاه ایران و هلندی‌ها به‌امضا رسید و به موجب آن هلندی‌ها اجازه یافتند در هر نقطه از ایران، هر اندازه که بخواهند، ابریشم خریداری و بدون پرداخت حقوق گمرکی صادر نمایند. متعاقب آن هلندی‌ها به بصره حمله برده و تجارتخانهٔ نوپای انگلیسی‌ها را در این بندر ویران ساختند و متعاقب آن، بسرعت قدرت و نفوذ خود را در خلیج فارس گسترش دادند. در نتیجه موقعیـــت‌تجاری انگلیسی‌ها بشدت ضعیف گردید تا اینکه بعد از یک سلسله تحولات در اروپا که منجر به اتحاد انگلستان و هلند در سال ۱۶۸۸ شد، سیاست خارجی هلند تحت‌الشعاع انگلیس واقع شد و رفته‌رفته انگلستان زمینهٔ مساعدی برای توسعهٔ فعالیت خود در خلیج فارس به‌دست آورد. این در حالی بود که از یک سو اصولاً هلندی‌ها به سبب اجحاف و تعدیات خود در ایران، به‌شکل گسترده‌ای اعتبار خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر رفته‌رفته سیاست کمپانی هندشرقی انگلیس نیز علاوه‌بر درنظر گرفتن مصالح اقتصادی و تجارتی، به لزوم استملاک اراضی و اتخاذ سیاست استعماری توجه مخصوصی می‌نمود و به‌دنبال همین سیاست بود که در سال ۱۷۰۸ میلادی پادشاه انگلستان رؤسای کمپانی را رسماً به سفارت و رؤسای تجارتخانه‌ها را نیز در هندوستان به‌سمت کنسولهای رسمی و دولتی تعیین کرد.

اما در خلیج فارس گسترش دزدی دریایی و اشغال بحرین توسط اعراب مسقط در سال ۱۷۱۸ که از اغتشاشات داخلی ایران و حملهٔ افغانها سوءاستفاده نموده بودند و متعاقب آن دست‌اندازی برپاره‌ای از جزایر، نفوذ و اعتبار ایران را در خلیج فارس مورد سؤال قرار می‌داد تا اینکه در سال ۱۷۳۶ نادرشاه ــ که مدتها با افغانها مشغول جنگ بود و توانست آنها را از ایران بیرون براند ــ تاج‌وتخت را نصیب خود کرد. شاه مقتدر افشار فرمان تشکیل یک نیروی دریایی مقتدر را به لطیف‌خان، یکی از سرداران خود، صادر کرد و به‌دنبال آن توانست از کمپانی هند شرقی دو کشتی بزرگ خریداری و سپس از سورات هند نیز چند کشتی دیگر تهیه کند. وی همچنین در بوشهر اقدام به تأسیس مرکز ساخت‌وتعمیر کشتی نمود و هر چند که از نظر تهیهٔ الوار برای ساختن کشتی با مشکلات زیادی روبه‌رو گردید، اما نهایتاً در این دوره توانست با ایجاد یک

ناوگان قدرتمند دریایی، بحرین و عمان را به تصرف درآورده و نقش ارزنده‌ای در انتظام خلیج فارس ایفا نماید. علاوه‌بر این، در زمان نادرشاه عواملی مثل امنیت نسبی بعد از شکست افغانها در داخل کشور، نظم حاکم‌بر خلیج فارس و همچنین ورود گنجینه‌های ثروت از هندوستان بعد از حملهٔ نادرشاه به آنجا، موجب رونق تجارتی ایران گردید. اما این وضعیت دیری نپایید و با توجه به مشکلات داخلی در سالهای آخرین سلطنت نادرشاه و عدم تعادل روانی وی و همچنین فقدان تجربهٔ کافی فرماندهان دریایی ایران و آخرالامر قتل نادرشاه در سال ۱۷۴۷ و ایجاد هرج‌ومرج داخلی، متأسفانه نیروی دریایی نوپای ایران نتوانست به رشد و توسعهٔ خود و کنترل تحولات در خلیج فارس در سالهای بعد ادامه دهد؛ شاید اگر بجـــزاین می‌شد، تاریخ خلیج فارس به‌گونه‌ای دیگر تقریر می‌گردید.

به هر صورت هرج‌ومرج داخلی ایران بعد از قتل نادرشاه تا ظهور کریم‌خان زند و تسلط وی بر قسمت اعظم ایران ادامه داشت. در زمان کریم‌خان زند، در حالی که اوضاع داخلی رفته‌رفته روبه بهبود می‌گذاشت، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها کم‌وبیش به فعالیت تجارتی خود در بندرعباس ادامه می‌دادند تا اینکه در سال ۱۷۵۹ چهار کشتی جنگی فرانسوی در آبهای ساحلی بندرعباس ظاهر شدند، تأسیسات انگلیسی‌ها را به توپ بستند و در بندرعباس پیاده شده، اموال دفاتر شرکت هندشرقی انگلیس را مصادره و افراد آن را اسیر کردند (لازم به تذکر است که مرکز نیروهای فرانسوی در جزیرهٔ موریس و ریونیون در نزدیکی تنگهٔ موزامبیک قرار داشت و اصولاً فرانسه برای اجرای نقشه‌های سوق‌الجیشی خود و روابط بازرگانی با شرق و دستیابی به هندوستان، دریای سرخ را مناسبتر از خلیج فارس می‌دانست؛ بدین‌جهت عمدهٔ سیاست استعماری فرانسه در مصر متمرکز بود و به‌دنبال همین سیاست بود که در سال ۱۷۹۸ ناپلئون بناپارت مصر را متصرف شد. البته این بدان معنی نیست که فرانسوی‌ها به خلیج فارس کاملاً بی‌توجه بودند، زیرا همواره می‌کوشیدند بتوانند به رغم کارشکنی و مقاومت انگلیسی‌ها با عمان ارتباط نزدیک داشته، و نیز با عرضهٔ کالاهای ارزان و ایجاد روابط حسنه با ایران، مواضع مناسبی به‌دست آورند). به‌هر صورت پس از این واقعه، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها دفاتر خود را به بصره منتقل کردند تا اینکه در سال ۱۷۶۳ انگلیسی‌ها موفق شدند فرمانی از کریم‌خان زند اخذ کنند که به موجب آن توانستند یک مرکز تجارتی جدید در بوشهر تأسیس نمایند. به‌شکلی که دولت ایران متعهد شد تا زمانی‌که انگلیسی‌ها در بوشهر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، به‌هیچ کشور دیگری اجازهٔ فعالیت تجارتی در این شهر داده نشود. علاوه‌بر این، کمپانی انگلیسی انحصار واردات منسوجات پشمی به ایران را به‌دست آورد و اجازه یافت که مال‌التجارهٔ هر کس دیگری را که بخواهد این‌گونه اجناس را وارد نماید، توقیف کند. البته چند سال بعد به علت دخالت انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران و ایجاد ارتباط با

حکام محلی و خوانین، مابین کریم‌خان زند و انگلیسی‌ها اختلافاتی بروز کرد که منجر به تعطیل دفتر آنها در بوشهر گردید و دنبال آن انگلیسی‌ها دفاتر خود را بار دیگر به بصره منتقل کردند. البته ناگفته نماند که پس از تصرف بصره توسط نیروهای ایرانی و نامساعد شدن امر تجارت، عمال کمپانی مرکز عملیات خود را دوباره از بصره به بوشهر منتقل نمودند.

پس از درگذشت کریم‌خان زند، تسلط و نفوذ ایران بر خلیج فارس رفته‌رفته کاهش یافته، ایران بار دیگر دچار هرج‌ومرج و اغتشاش گردید و شاهزادگان زندیه بر سر تاج‌وتخت با یکدیگر به مجادله و نزاع پرداختند تا اینکه سرانجام آقامحمدخان قاجار بعد از غلبه بر لطفعلی خان زند، سلسلهٔ زندیه را منقرض کرد و بر تخت نشست. بعد از گذشت کریم‌خان تا تسلط آقامحمدخان قاجار که ایران مجدداً دارای نظم و انسجامی نسبی گردید، از اتفاقات مهم خلیج فارس می‌توان به تصرف بحرین به‌دست اعراب عتیبی در سال ۱۷۸۳ و تصرف مسقط و سایر بنادر آن حدود توسط سیدسلطان حاکم عمان و سپس دست‌اندازی وی بر بعضی از جزایر و سواحل ایرانی خلیج فارس اشاره کرد. البته بزودی طوایف وهابی و متحدین آنها، جواسم، در صحنهٔ عمان و مسقط ظاهر شدند و در نتیجه، قدرت‌یابی سلطان مسقط را با اشکال مواجه کردند. درخصوص دزدان دریایی خلیج فارس باید گفت که آنها عمدتاً در شارجه و رأس‌الخیمه مستقر بودند و همواره در طول تاریخ، هرگاه در ایران حکومت مرکزی قوی و منسجمی وجود داشته، قدرت ایشان کاهش می‌یافته و هرگاه با دوران هرج‌ومرج مواجه شده‌ایم، آبهای خلیج فارس را ناامن می‌کرده‌اند. پس از مرگ نادرشاه در سال ۱۷۴۷، با کاهش نفوذ و تسلط ایران بر خلیج فارس، دزدان دریایی، بویژه جواسم، بشدت قدرت یافته و تجاوزات خود را بسط دادند؛ حتی توانستند در سال ۱۷۶۰ جزیرهٔ قشم و سپس بندرلنگه را تصرف نمایند تا اینکه کریم‌خان زند در سال ۱۷۶۳ آنها را از نقاط مذکور بیرون راند. در اواخر قرن هجدهم میلادی، با قدرت‌گیری وهابی‌ها، جواسم تحت نفوذ آنها درآمدند و بر دامنهٔ فعالیتهای خود افزودند.

به‌هر صورت، به رغم اینکه سیاسیون انگلستان سعی می‌نمودند با دزدان مواجه نشوند، ولی حملهٔ جواسم به کشتی‌های انگلیسی باعث شد که کمپانی انگلیسی وادار به مواجهه با آنها شود درسال ۱۸۰۹ کشتی‌های جنگی انگلیسی وارد خلیج شدند و اماکن دزدان را تصرف و آنها را تارومار کردند. اما یک سال بعد، بار دیگر جواسم به فعالیت خود ادامه دادند و مجدداً به کشتی‌های کمپانی هند شرقی انگلیس حمله‌ور شدند تا اینکه بار دیگر در سال ۱۸۱۹ حکومت انگلیسی بمبئی ناوگان مجهزی عازم خلیج فارس نمود و قوای مذکور مراکز جواسم را نابود کرده، و کشتی‌های آنها را آتش زدند و سرانجام مذاکرات بین انگلیسی‌ها و شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس آغاز شد و منجر به قرارداد عمومی صلح سال ۱۸۲۰ گردید. محور دیگری که انگلستان با شیوخ

سواحل جنوبی خلیج فارس ارتباط برقرار کرد، در خصوص منع خرید و فروش و حمل برده و همچنین قاچاق اسلحه بوده است که قراردادهای مذکور رفته رفته در حالی که با ظاهر کاملاً مشروع و مقبول جلوه‌گر بود، در سنوات بعدی به شکل قراردادهای تحت‌الحمایگی درآمد؛ به‌گونه‌ای که حتی شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس اجازهٔ هرگونه ارتباط و ایجاد رابطه با هیچ‌یک از کشورهای دیگر را نداشتند، مگر به اذن انگلستان، وحتی درخصوص مسائل داخلی هم نظریات نمایندگان انگلستان در این کشورها حاکم بود. از این به‌بعد می‌توانیم نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان را بیش از هر زمان دیگر در خلیج فارس مشاهده کنیم.

از دیگر اتفاقات مهم خلیج فارس، حملهٔ انگلیسی‌ها به جزیرهٔ خارک در زمان محمدشاه قاجار بود. محمدشاه با تحریک روسها به هرات حمله کرد و این امر بشدت مورد اعتراض انگلیسی‌ها واقع گردید و به دنبال آن، انگلیسی‌ها در سال ۱۸۳۸ به جزیرهٔ خارک حمله برده و آنجا را تصرّف کردند تا آنکه در سال ۱۸۴۲ شاه مجبور به تخلیهٔ هرات شد. در سال ۱۸۵۶، مقارن حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار، بار دیگر بر سر قضیهٔ هرات بین ایران و انگلستان اختلاف بروز کرد و مجدداً جزیرهٔ خارک و سپس بوشهر و محمره (خرمشهر) و چندین نقطهٔ دیگر توسط انگلیسی‌ها به تصرف درآمد که نهایتاً منجر به قرارداد پاریس گردید که به موجب آن دولت ایران متعهد شد به‌هیچ وجه در امور افغانستان دخالت نکند. پس از این معاهده، مجدداً روابط ایران و انگلستان روبه بهبود گذاشت.در اینجا شایان ذکر است که در زمان صدارت امیرکبیر، وی به فکر ایجاد یک نیروی دریایی قوی برای ایران افتاد، اما با درگذشتش، این فکر نیز هرگز تحقق نیافت. چند سال بعد، ناصرالدین‌شاه مبادرت به خرید دو فروند کشتی از آلمانها به‌نامهای پرسپولیس و شوش نمود که اولی مأموریت مراقبت از بنادر را داشت و دومی به حمل مسافر و کالا در رود کارون اختصاص یافت. اما ایران هرگز در این زمان دارای یک نیروی دریایی کارآمد و مؤثر که بتواند تعیین‌کنندهٔ سیاست و تأمین‌کنندهٔ امینت در خلیج فارس باشد نبود.

**نام خلیج فارس**

درخصوص نام خلیج فارس، هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد و از دیرباز به‌همین نام خوانده می‌شده‌است، به قسمی که هیچ‌گونه نیازی به اثبات آن نیست. اما به جهت پاره‌ای از ادعاهای مجعول، لازم است بازنگری سریعی بر متون پژوهشگران و دانشمندان قرون مختلف قبل و بعد از ظهور اسلام نموده و آنها را یادآوری کنیم.

۱. در کتیبهٔ داریوش اول که در تنگهٔ سوئز به‌دست آمده، به «دریای پارس» اشاره شده و عبارت «درایه‌تیه هچاپارساآئی‌تی»، یعنی دریایی که از پارس سرچشمه می‌گیرد، مشاهده می‌شود.

۲. فلاویوس آریانوس در سدهٔ دوم میلادی در کتاب خود به‌نام آناباژیس که تاریخ سفرهای جنگی اسکندر را منعکس می‌کند، این خلیج را «پرسیکون کا ای تاس» ذکر نموده که ترجمهٔ آن، خلیج فارس است.

۳. استرابون جغرافی‌دان یونانی در نیمهٔ آخر قرن اول قبل از میلاد، مکرر به همان‌نام– «پرسیکون کا ای تاس»، یعنی خلیج فارس– اشاره نموده‌است.

۴. کوین‌توس کورسیوس روفوس، مورخ رومی در قرن اول میلادی، خلیج فارس را «آکواروم پرسیکو» به معنی آبگیر فارس نام برده‌است.

۵. بطلمیوس عالم و جغرافیدان شهیر قرن دوم میلادی در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته‌است از این آبراه به‌نام «پرسیکوس سینوس»، به معنی خلیج فارس یاد کرده‌است.

قابل توجه آنکه ترجمهٔ اصطلاح لاتینی «سینوس پرسیکوس» در دیگر زبانهای زندهٔ جهان باقی مانده‌است و همگان آن را به همین نام می‌خوانند: به فرانسوی «Golfe Persique»، به انگلیسی «Persian Gulf»، به آلمانی «Persidski Zaliv»، به ژاپونی «Perushawah» و به ترکی «Farsikorfozi» آمده که در تمام آنها کلمهٔ «پارس» وجود دارد.

بعد از ظهور اسلام نیز در کتب تاریخی و جغرافیایی دانشمندان بزرگ دورهٔ اسلامی، خلیج فارس به‌نام بحر فارس یا البحرالفارسی یا الخلیج‌الفارسی ذکر شده که تعدادی از معروفترین آنان از این قرار است:

۶. احمدبن محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم همدانی معروف به ابن‌فقیه، در کتاب مختصر کتاب‌البلدان، خلیج فارس را دریای پارس ذکر نموده‌است.

۷. ابوعلی احمدبن رسته، صاحب کتاب، الاعلاق‌النفسیه، آن را خلیج فارس می‌خواند.

۸. سهراب، جغرافیدان مشهور قرن سوم هجری، در کتاب خود به‌نام عجایب‌الاقالیم السبعة‌الی نهایة‌العمارة، در توصیف خلیج فارس می‌گوید: «بحر فارس و هوالبحرالجنوبی‌الکبیر»، یعنی دریای پارس دریای بزرگی است. در جنوب.

۹. ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله‌بن احمـد بن‌خردادبه خراسانی (متوفی به سال ۳۰۰ هجری) در کتاب المسالک و الممالک به دریای پارس اشاره نموده‌است.

۱۰. بزرگ‌بن شهریارالناخدا هرمزی (ناو خدای رامهرمزی) در کتاب عجایب‌الهند بر بحر وجزایره، در سال ۳۴۲هجری، این دریا را بحر فارس نامیده‌است.

۱۱. ابواسحق ابراهیم‌بن محمدالفارسی الاصطخری (متوفی به سال ۳۴۶هجری) در دو کتاب خود به نامهای مسالک‌الممالک و کتاب‌الاقالیم از آن به‌نام بحر فارس یاد کرده‌است.

۱۲. ابوالحسن علی بن الحسین بن علی مسعودی (متوفی به سال ۳۴۶ هجری) در دو کتاب خود به‌نامهای مروج الذهب معادن الجوهر و التنبیه الاشراف خلیج فارس را دریای پارس می‌خواند.

۱۳. ابوریحان بیرونی (متوفی در سال ۴۴۰ هجری) در سه کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم و تحدید نهایات الاماکن و قانون مسعودی این دریا را دریای پارس و خلیج پارس ذکر کرده‌است.

۱۴. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که قدیمترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی محسوب می‌گردد و در سال ۳۷۲ هجری نوشته‌شده، این دریا خلیج پارس ذکر شده و آمده‌است: «خلیج پارس از حدّ پارس برگیرد با پهنای اندک تا به حدود سند».

۱۵. شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابوبکر شامی مقدسی معروف به بشاری در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم در سال ۳۷۵ هجری این دریا را بحر فارس خوانده‌است.

۱۶. محمدبن نجیب بکیران در کتاب جهان‌نامه این دریا را بحر پارس نگاشته‌است.

۱۷. ابن‌البلخی در کتاب فارسنامه در سال پانصد هجری این دریا را بحر فارس و دریای پارس نامیده‌است.

۱۸. شرف‌الزمان طاهر مروزی در کتاب طبایع الحیوان در حدود سال ۵۱۴ هجری این دریا را «الخلیج الفارسی» نام‌برده‌است.

۱۹. شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله حمومی رومی (متوفی به سال ۶۲۶ هجری) در کتاب خود به‌نام معجم البلدان این دریا را بحر فارس خوانده‌است.

۲۰. ابوعبدالله زکریابن محمدبن محمود قزوینی (متوفی به سال ۶۸۲ هجری) در دو کتاب خود به‌نامهای آثار الباقیه و اخبار العباد و عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات این دریا را بحر فارس نامیده‌است.

۲۱. شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن ابی‌طالب الانصاری الدمشقی الصوفی (متوفی به سال ۷۲۷ هجری) در کتاب نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر نام این دریا را بحر فارس و یا بحرالفارسی و یا خلیج فارس آورده‌است.

۲۲. حمدالله‌بن ابی‌بکر مستوفی قزوینی (متوفی به سال ۷۴۰ هجری) در کتاب نزهة القلوب این دریا را بحر فارس خوانده‌است و می‌نویسد: «جزایری که از حد سند تا عمان در بحر فارس است از حساب ملک فارس شمرده‌اند و بزرگترین آن به کثرت مردم و نعمت جزایر قیس (کیش) و بحرین است.»

۲۳. شرف‌الدین ابوعبدالله محمدبن عبدالله طنجی معروف به ابن بطوطه (متوفی به سال ۷۷۷ هجری) در کتاب تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الافسار

این دریا را بحر فارس آورده است.

۲۴. احمد بن علی بن احمد القلقشندی (متوفی به سال ۸۲۱ هجری) در کتاب خود به‌نام صبح الاعشی فی کتابة الانشاء باز هم این دریا را دریای پارس خوانده و مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطینی، مشهور به حاجی خلیفه (متوفی به سال ۱۰۶۷ هجری) در کتاب معروف کشف الظنون و جهان‌نمای خود نیز همان نام را به‌کار برده است.

۲۵. طه الهاشمی یکی از رؤسای ستاد اسبق ارتش عراق در کتاب خود به‌نام جغرافی العراق خلیج فارس را به‌نام الخلیج الفارسی خوانده است.

بجز در موارد فوق، بسیاری دیگر از نویسندگان و اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی و همچنین اگر معدود سیاست‌بازان مغرض را در محاسبه نیاوریم، مابقی سیاسیون و زمامداران واقع‌بین کشـورهای جهان چه به‌صورت مکتوب و چه در بیانات خود در سنوات مختلف، حقیقت فوق را اقرار نموده‌اند و در آثار و گفتار خود خلیج فارس را به‌نام حقیقی آن آورده‌اند.

اما در اینجا نکته‌ای که قابل ذکر است و بهتر است قدری دربارهٔ آن توضیح داده‌شود، اصطلاح «خلیج عربی» است که از دیرباز وجود داشته و به‌طور خاص به بحر احمر اطلاق می‌گردیده است. با این وجود، استعمار غرب با عنایت به اهداف سیاسیِ خاصی که دنبال می‌کرده‌است، برای اولین‌بار در سال ۱۹۶۶ در کتابی که سرچارلز بلگریو، نمایندهٔ سیاسی انگلستان در خلیج فارس، بعد از پایان مأموریتش در این منطقه منتشر کرد، خلیج فارس را به‌طور مجعول «خلیج عربی» ذکر نمود که به‌رغم علم به جعلی بودن عنوان فوق، مورد بهره‌برداری پاره‌ای از زمامداران کشورهای عربی منطقه قرار گرفت؛ هر چند که اصولاً نامیدن خلیج فارس تحت‌عنوان «خلیج عربی» بدون هیچ‌گونه پایه و مبنایی است و در آینده در هیچ فرهنگ و زبانی مقبول نخواهد شد. اما این امر وظیفهٔ ما را به‌عنوان ساکنان اصلی و قدیمی خلیج فارس در بیان واقعیات و رفع شبهه کاهش نخواهد داد.

همان‌طور که گفته شد اصطلاح «خلیج عربی» وجود داشته و به رومی آن را «سینوس آرابیکوس»، یعنی خلیج عربها می‌گفتند و مطلقاً به بحر احمر که بین تنگهٔ باب‌المندب و کانال سوئز قرار دارد اطلاق می‌شده‌است. ضمناً به جهت شنهای سرخ ساحل آن، به یونانی آن را «اری‌تره» و به لاتین آن را «ماره روبروم»، به معنی دریای سرخ و همچنین بحر قلزم خوانده‌اند. اینک لازم است جهت تأیید مطلب فوق، به ذکر چند نمونه از شواهد تاریخی و جغرافیایی در آثار نویسندگان قرون مختلف بپردازیم.

۱. هکاتایوس ملطی از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال ۴۷۵ قبل از میلاد در نقشه‌ای که از جهان خود ترسیم نموده، بحر احمر را «خلیج عرب» ذکر کرده‌است.

۲. هردوت مورخ مشهور یونانی به سال ۴۲۵ قبل از میلاد در کتاب تاریخ معروف خود، نام بحر احمر را مکرر «خلیج عرب» نوشته است.

۳. اراتوس تنوس یونانی که در سال ۱۹۶ قبل از میلاد درگذشته است، باز هم در نقشه‌ای که از جهان ترسیم نموده، بحر احمر را «خلیج عرب» ذکر می‌نماید.

۴. استرابن جغرافیدان یونانی نیمهٔ دوم قرن اول پیش از میلاد و نیمهٔ اول قرن اول بعد از میلاد، می‌نویسد: «عربها بین خلیج عرب و خلیج فارس جای دارند».

۵. بطلمیوس جغرافیدان مشهور یونانی قرن دوم میلادی، بحر احمر را «آرابیکوس سینوس»، یعنی خلیج عربها آورده است.

۶. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که در سال ۳۷۲ هجری تألیف گردیده، بحر احمر «خلیج العربی» ذکر شده است.

۷. حاج خلیفه کاتب چلبی که به سال ۱۰۶۷ هجری وفات یافته، در کتاب جهان‌نما که به ترکی تقریر نموده، می‌نویسد: «اما بحر قلزم که دریای مکه است، به‌مناسبت اینکه مشرقش جزیرة‌العرب «سینوس آرابیکوس» نامیده می‌شود و به‌مناسبت آنکه در کتب قدیمه بحر احمر نوشته‌شده، به‌معنی ماره بروم و ماره‌روسو آمده است.»

٭

واحد نشر اسناد وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران مفتخر است با عنایت به قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شدهٔ وزارت امور خارجه، مصوب جلسهٔ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ نهم آذرماه همان سال به تأیید شورای محترم نگهبان نیز رسیده است و همچنین تصویب‌نامهٔ مورخ ۶۵/۴/۴ هیئت معظم دولت، اسناد مربوط به خلیج فارس را که یکی از نقاط استراتژیکی جهان محسوب می‌گردد در اختیار عموم، بویژه دانشمندان و پژوهشگران ارجمند قرار دهد.

اسناد حاضر در این کتاب که جلد اول از سری اسناد خلیج فارس محسوب می‌گردد، شامل اسناد مربوط به جزایر خلیج فارس از تاریخ ۱۳۲۰ هجری‌قمری تا پایان حکومت رضاخان پهلوی است که یکی از مهمترین مقاطع تاریخ خلیج فارس و نمایانگر تحولات سرنوشت‌ساز اکثر جزایر آن است. در این مجموعه سعی شده است با مطالعهٔ هزاران سند موجود در آرشیو وزارت امور خارجه، اسناد مهم و کلیدی انتخاب شده و پس از بازخوانی به شکلی در کنار یکدیگر قرار گیرند که تا حدممکن پیوستگی اسناد حفظ شده و خود گویای واقعیت باشند.

در اینجا جای دارد از اشخاصی که در به‌وجود آوردن این کتاب نقش داشته‌اند نام ببریم:

۱. آقای رضا حسین میرزا طاهری، مسئول واحد نشر اسناد، برنامه‌ریزی و هماهنگی کلی امور را برعهده داشته و با درایت خود راهگشای مراحل مختلف

بوده‌اند.

۲. آقای علیرضا پروین کار تهیه، بررسی، بازخوانی اسناد و تدوین کتاب را برعهده داشته‌اند.

۳. آقای علیرضا سماواتی در تصویربرداری و بازخوانی اسناد همکاری داشته‌اند.

۴. آقای داود کریملو، سرپرست آرشیو، و دیگر همکاران محترم آرشیو در مرحلهٔ تهیه و تدارک اصل اسناد جهت تصویربرداری صمیمانه همکاری داشته‌اند.

۵. خانمها فریبا شعبانی نصر، مهوش شکرایی و خدیجهٔ افخمی روحانی از همکاران واحد نشر اسناد در مقوله‌بندی، تصحیح و تایپ مطالب کوشش فراوان کردند.

والسلام علی من اتبع الهدی
واحد نشر اسناد

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | |

فصل ۱

# بحـــرین

شماره: ۱
فرستنده:
گیرنده:
تاریخ: ۲۵رجب ۱۳۲۲
متن سند:

**فهرست عرض وزارت خارجه**

از کارگذاری بوشهر شرحی نوشته بودند که اگر مابین رعایای دولت ابد آیت و اهالی کویت و بحرین اختلافی مستحدث شود به عثمانی‌ها باید مراجعه کرد یا انگلیس‌ها. مراتب از عرض خاکپای اقدس اعلی ارواحنافداه گذشت. مقرر گردید از سفارت عثمانی تحقیق شود، استفسار شد جواب دادند که هرکاری باشد تسویهٔ آن را باید از مأمور عثمانی بخواهند قونسول انگلیس در بوشهر لهذا مداخلهٔ عثمانی‌ها را در بحرین و کویت نمی‌پذیرد. حالا به هرنحو رأی عالم آرای اقدس اعلی ارواحنافداه‌مقرر فرماید، اطاعت خواهد شد.

والامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع

فهرست وزارت خارجه است، از عرض خاکپای ملک فرسای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه‌می‌گذرد.

[پی نوشت:]
جناب اشرف صدراعظم
وزیر خارجه تلگرافاً از سفارت خودمان در لندن و اسلامبول بخواهد که آنجا مذاکره نموده، تکلیف را معین نماید.
[امضا: مظفرالدین شاه]

# وزارت امور خارجه

اداره        دائره

مورخه

نمره

فهرست عرض وزارت خارجه

از کارگذاری [illegible] شرحی [illegible] که از جانب رعایای دولت ایران وارد گردیده

و جمعی [illegible] شده اند [illegible] که از انگلیس [illegible] از عرض حالی

[illegible] که مشغول گردیده از [illegible] خیلی [illegible]

[illegible] در کار [illegible] انگلیس در [illegible]

[illegible] حاله [illegible]

[illegible]

نمره ۳۳
۶ رجب ۱۳۲۲

۲۵ رجب برگشت

وزارت امور خارجه

فهرست [illegible] از سفر گاری ملک فرمان آقای [illegible] شاه [illegible] گردد

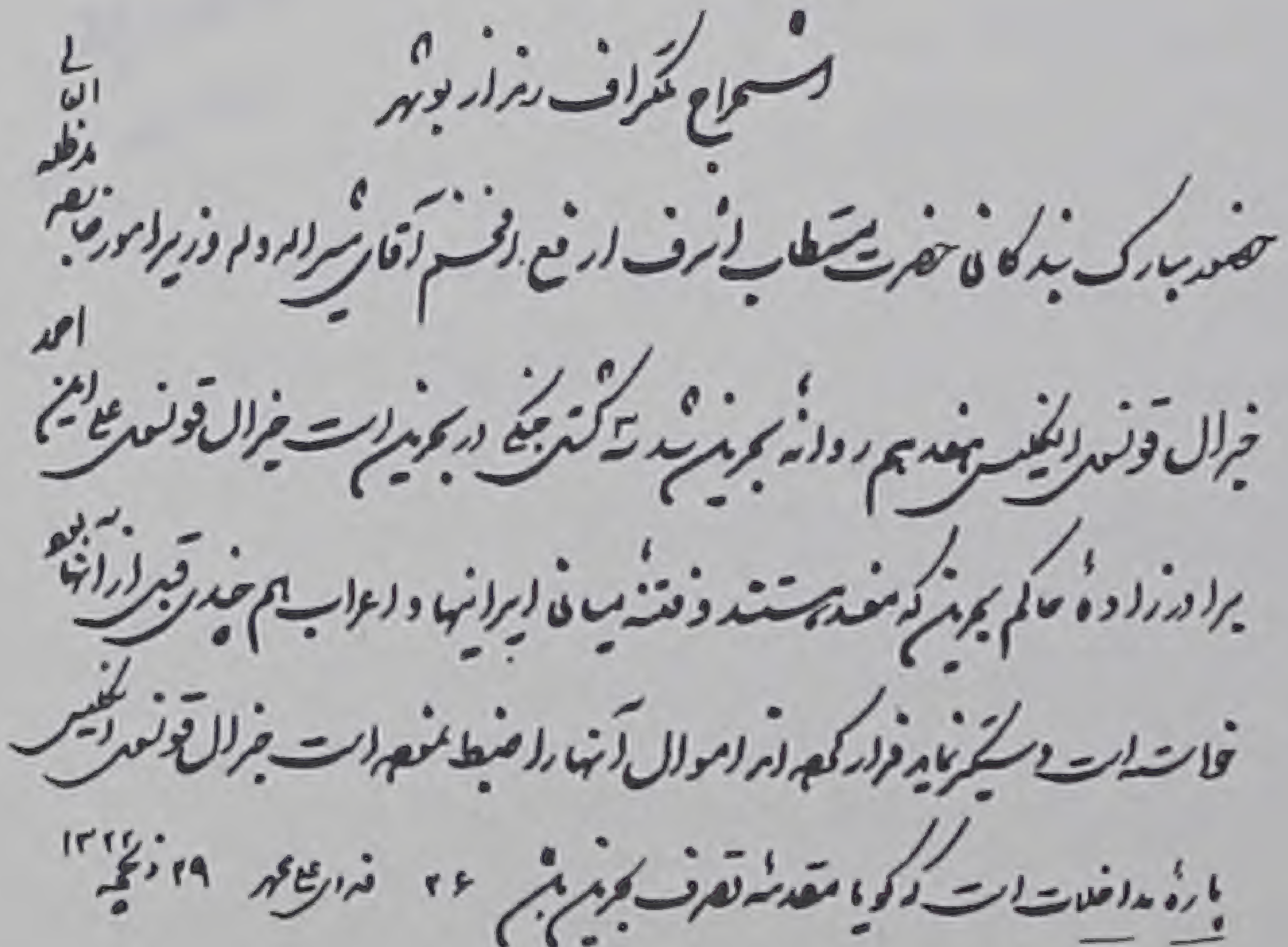
[illegible]
[illegible] از نظارت [illegible]
[illegible]

شماره: ۲
فرستنده: [کارگذاری بوشهر]
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۲
متن سند:

استخراج تلگراف رمز از بوشهر

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مدّظله العالی، جنرال قونسول انگلیس هفدهم روانهٔ بحرین شد، سه کشتی جنگی در بحرین است، جنرال قونسول علی ابن احمد، برادر زادهٔ حاکم بحرین که مفسد هستند و فتنه میان ایرانی‌ها و اعراب هم چندی قبل از آنها بود خواسته است، دستگیر نماید، فرار کرده‌اند. اموال آنها را ضبط نموده است. جنرال قونسول انگلیس پاره مداخلات است که گویا مقدمهٔ تصرّف بحرین باشد.

فدوی علی محمد


استخراج تلگراف رمز از بوشهر
حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مدظله العالی
جنرال قونسول انگلیس هفدهم روانهٔ بحرین شد سه کشتی جنگی در بحرین است جنرال قونسول علی ابن احمد
برادر زادهٔ حاکم بحرین که مفسد هستند و فتنهٔ میان ایرانیها و اعراب هم چندی قبل از آنها بود
خواسته است دستگیر نماید فرار کرده‌اند اموال آنها را ضبط نموده است جنرال قونسول انگلیس
پارهٔ مداخلات است که گویا مقدمهٔ تصرف بحرین باشد ۲۶ فدوی علی محمد ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۲

شماره: ۳
فرستنده: کارگذاری کل عربستان و شط‌العرب و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخی: ۲۵جمادی‌الثانی ۱۳۲۳
متن سند:

اگرچه از مدتی قبل دولت انگلیس، بحرین و بحرینی‌ها را در تحت حمایت خود می دانست، ولی رسمی و تااین درجه علنی نبود و اقداماتشان به طور خواهش و توسط و دوستانه و غیر رسمانه بود. حال به قرار معلوم در این اوقات به کلی آشکار کرده و رسمیت داده است و رسماً آنجا و آنها را زیر حمایهٔ خود می داند و تذکرهٔ رسمی می دهد و رسماً از آنها حمایت می‌نماید.

الامرالاشرف مطاع
فدوی حسین

کارگذاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون

اداره [illegible]

مورخه ۱۵ شهر [illegible] سنه ۱۳۲۲

نمره عمومی ۲۴۵۱ خصوصی ۶۶۹

[illegible]

[illegible]

شماره: ۴
فرستنده: کارگذاری عربستان و شط‌العرب و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴شعبان ۱۳۲۳
متن سند:

از قرار اطلاعات حاصله این اوقات مأمورین انگلیس به القاب و مراتب شیوخ این صفحات عنوان صاحب زیاد کرده‌اند، مثلاً به شیخ بحرین صاحب البحرین و به شیخ کویت صاحب الکویت می‌نویسند که معلوم است این فقره با تصویب دولتِ مشارالیها و برحسب مقتضیات پلتیک امروزی آنهاست و حاکی از این است که آنها را به این صفت و سمت شناخته‌اند و به این وسیله می‌خواهند خود را ذی‌حق بکنند که مستقیماً با آنها به دلخواه بعض معاملات و مراودات نمایند، که اولاً بدیهی است باید این را در تحت نظر تحقیق و تدقیق داشت و اگر مقتضی باشد، دولت ابد مدت علیه پوروتست فرمایند ثانیاً بیشتر می‌بایست مراقبت نمود مبادا با سایر شیوخ سرحدات که حالاً تبعهٔ این دولت علیه‌اند و آنها با انگلیسها یا انگلیسها با آنها بنای مراوده گذارده‌اند (،) رفته رفته مثل اماثلشان به آنها هم همچو عنوانی ببندند، چرا که شک نیست پلتیک آن دولت در این حدود خیلی شایان دقت است.

الامرالاشرف مطاع فدوی حسین

[پی نوشت:]
جناب اشرف اتابک اعظم به عرض رسید و این مطلب جالب دقت است، باید مراقب باشید و این پروتست هم بشود.

شهر شوال
[امضاء: مظفرالدین شاه]

کارگذاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
اداره مهام کارگذاری
مورخه ۱۴ شهر شوال المعظم سنه ۱۳۲۲
نمره عمومی ۲۵۸۱ خصوصی ۷۲۰

از قرار اطلاعات حاصله این اوقات در بین انگلیس‌ها [illegible] در باب شرح این صفحات عنوان صاحب [illegible]
بحرین صاحب البحرین و شیخ کویت صاحب الکویت می‌نویسند که مسلم است این فقره با تصویب دولت انگلیس [illegible]
مقتضیات پلتیک امروزی آنهاست و حاکی از این است که آنها را بدین صفت شناخته‌اند [illegible]
خود را ذی حق می‌کنند که مستقیماً با آنها به نحو [illegible] بعض معاهدات و قرار دادها نمایند که [illegible] است [illegible]
دقیق داشت و اگر مقتضی باشد دولت ابد مدت علیه [illegible] وقت قرار [illegible] تا بیشتر مراقبت [illegible]
با بیان شرح [illegible] که حالا بعد از این [illegible] آنها با انگلیس‌ها یا انگلیس با آنها بنای قرار داد گذارده‌اند [illegible]
شان به آنها هم هیچ عنوانی نبندند چرا که [illegible] پلتیک آن دولت در این صدد [illegible] است

شماره: ۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: کارگذاری عربستان
تاریخ: ۱۹ شعبان ۱۳۲۳
متن سند:

**سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگذاری عربستان، ۱۹ شهر شعبان ۱۳۲۳**

از ملاحظهٔ راپرت نمره ۹۶۶ آن جناب در باب بحرین و بحرینی‌ها استحضار حاصل شد در این خصوص بتازگی مراسله از سفارت انگلیس رسیده است که سواد آن را برای اطلاع شما فرستاده، مراسلهٔ مزبوره به عرض می‌رسد، به هر طور مقرر شد و جواب سفارت داده شد، نتیجه را به شمـــا می‌نویسم که مستحضر باشید.

نصراله مشیرالدوله

سواد نامه وزارت جلیله [illegible] به [illegible]

۱۴ شهر شعبان ۱۳۲۳

از ملاحظه راپرت نمره ۹۶۶ آنجناب در باب [illegible] اشخاص [illegible] در اینخصوص تاکنون مراسله از سفارت انگلیس رسیده است [illegible] آنرا برای اطلاع [illegible] مراسله [illegible] بهر طور [illegible] و جواب سفارت داده شد نتیجه را ثانیا مینویسم [illegible] باشید [illegible]

شماره: ۶
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹رجب ۱۳۲۶
متن سند:

جناب مستطاب اشرف ارفع افخم را با کمال احترام تصدیع‌افزا می‌گردد

شرف دارم خاطر محترم جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه بیست‌ویک نفر بحرینی از زیارت مشهد مراجعت می‌کرده، در سکند حوالی یزد آنها را دزد می‌زنند و مبلغ پانصدوبیست‌وپنج تومان پنج‌هزار از آنها می‌برند. خواهشمندم اقدامات لازمه را برای به دست آوردن و تنبیه سارقین و استرداد وجه مسروقه به عمل آورند. در این موقع احترامات فائقهٔ قلبیهٔ خود را تجدید می‌نماید.

British Legation,
Tehran.

۲۹ رجب
۱۳۲۶

جناب مستطاب اشرف ارفع امجد والا [illegible] اجل [illegible] دام اقباله

شرف دارم خاطر محترم جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه سفارت [illegible] بحری [illegible]

[illegible] را حبس میکرده در اسکله حوالی نزد آنها [illegible] بجهت [illegible] از [illegible]

خواهشمند است [illegible] دوستدار [illegible] تحریر شد

Charles M. Marling

شماره: ۷
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: مشیرالسلطنه
تاریخ: ۶شعبان ۱۳۲۶
متن سند:

**سواد کاغذ وزارت خارجه به مشیرالسلطنه**

مراسله به تاریخ بیست‌ونهم شهر رجب از سفارت انگلیس به وزارت خارجه رسیده وچنانکه از ملاحظهٔ سواد آن خاطر شرافت مظاهر عالی مسبوق خواهد گردید، اظهار می‌دارند بیست‌ویک نفر بحرینی از زیارت مشهد مراجعت می‌کردند در سکند حوالی یزد آنها را دزد می‌زند و مبلغ پانصدوبیست‌وپنج تومان وپنج هزار از آنها می‌برند به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، دولت علیه، بحرین را خاک خود می‌داند و اهالی آنجا را نیز از اتباع مسلمهٔ خود محسوب می‌دارد و سالهاست در این خصوص مابین وزارت خارجه و سفارت انگلیس مکاتبات شده و می‌شود و کلیتاً وزارت خارجه کمال احترازرا دارد ازا ینکه این قبیل اتفاقات، وسیلهٔ مداخله سفارت و اظهاربحرینهاشود. لازم است از طرف و به شرافت عالی احکامات بسیار سخت تلگرافی در دستگیری سارقین و اخذ اموال مسروقه آنها به جای لازم صادر گردد که به هر زودی که ممکن باشد، موجبات آسایش آنها را فراهم نمایند تا اظهارات سفارت دنباله پیدا نکرده و دولت علیه را به مشکلات و محذوراتی که وزارت خارجه از آن پرهیز می‌کند، دچار نکند و نتیجه را هم مقرر خواهد فرمود. عاجلاً اطلاع بدهند و این نکته را هم در احکامات مبارکه قید کنند، همین که اموال مسروقهٔ آنها را به دست آوردند مستقیماً بدون وساطت انگلیسی‌ها به خودشان برسانند و اگر خودشان رفته باشند، اطلاع بدهند تا وزارت خارجه ترتیب رساندن آن را مرتب دارد.

محمدعلی علاءالسلطنه

وزارت امور خارجه

| | |
|---|---|
| نمره کتاب ثبت | ۱۰۰۴۰ |
| کارتن ۲۱ | دوسیه ۳۳ |
| نمره های قبل | |
| ضمیمه | |

تاریخ خروج ۹ شعبان ۱۳۲۶

سواد کاغذ وزارت خارجه به [illegible])

در جواب یادداشت دهم شهر رجب از سفارت انگلیس به وزارت خارجه رسیده جنابعالی از [illegible] خاطر [illegible]

مسبوق خواهند گردید اظهار رسیده از رجب و کیفیت بحرین از زیارت مشهد در رجب [illegible]

آنها را از دو نیز مرد مبلغ یکصد و [illegible] و پنج [illegible] آنها [illegible]

سفارت دولت علیه بحرین را [illegible] اکار [illegible]

و مسائل [illegible] در این خصوص همین وزارت خارجه و سفارت انگلیس [illegible]

وظیفه وکلیه وزارت خارجه کمال احتراز را دارد [illegible]

در جمله سفارت [illegible]

[illegible] در دستگیری سارقین [illegible] اموال مسروقه آنها [illegible]

[illegible] موجبات [illegible] آنها را فراهم [illegible] سفارت [illegible]

[illegible] دولت علیه را [illegible] وزارت خارجه از [illegible]

به [illegible] و [illegible] را هم [illegible]

شماره: ۸
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶صفر ۱۳۲۸
متن سند:

به تاریخ بیست‌وپنجم ژانویهٔ گذشته نمرهٔ (۱۰۰۳۴) تلگراف رئیس گمرک بوشهر را در خصوص اهالی بحرین به عرض رسانده ضمناً مستدعی است، معلوم فرمایند که آیا بحرین از متصرفات دولت انگلیس و در اختلافاتی که بین اهالی آنجا و گمرک پیش می‌آید، مأمورین دولت انگلیس رسماً حق مداخله درمذاکرات دارند یا نه.
زیاده عرضی ندارد.

وزارت مالیه

اداره مرکز

سواد مراسله گمرک ... ۱۳۴۸ [illegible] ۱۰۷۳۳

مورخه ۶ صفر ۱۳۴۸

نمره ۷۷۴۶

بتاریخ بیست و پنجم ژانویه گذشته نمره (۱۰۰۳۴) تلگراف رئیس گمرک بوشهر را در خصوص اهالی بحرین

عرض [illegible] فرمایید [illegible] از تعرضات دولت انگلیس و [illegible]

[illegible] گمرک ... دولت انگلیس ... مذاکرات ...

مطابق با اصل است

وزارت مالیه

اداره مرکزی

شماره: ۹
فرستنده: ادارهٔ گمرک
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۰
متن سند:

**فوری است**

وزارت جلیلهٔ امور خارجه
محض جلوگیری از بعضی گفتگو و مذاکرت با مأمورین خارجه مستدعی است، مرحمت فرموده معلوم دارند، آیا از نقطه‌نظر ادارهٔ تفتیش تذکره می‌توان جزیرهٔ بحرین واقعه در خلیج‌فارس را خاک خارج تصور نمود یا اینکه جزو ایران محســوب می‌شود
زیاده جسارت است
از طرف مدیر کل منامه
مفتش کل

[پی نوشت:]
آقای معاضه‌السلطان
فوراً جواب را مطابق سابقه حاضر کنید.

ADMINISTRATION
DES
DOUANES DE PERSE

۱۴۵۰۰۷

فوری

Téhéran, le ۲۶ ... ۱۳۳۰ = ۱۲ ... 1912

وزارت جلیله امور خارجه

محض جلوگیری از بعضی گفتگو و مذاکرات با دول خارجه مستدعی است مرحمت فرموده معلوم دارید
آیا از نقطه نظر اداره تفتیش مذکوره میتوان جزیره تنب واقعه در خلیج فارس را از خاک خارج
تصور نمود یا اینکه جزو ایران محسوب شود [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۰
فرستنده: ادارهٔ گمرکات
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چون باید جواب استفسار رئیس گمرک بوشهر داده شود، لزوماً مفاد معروضهٔ مورخهٔ شانزدهم مارس جاری نمرهٔ (۵۰۰۷) را یادآوری نموده مستدعی است، معلوم فرمایند آیا جزیرهٔ بحرین واقعه در خلیج‌فارس از نقطه‌نظر تفتیش تذکره باید جزو خاک خارجه یا ایران ملحوظ شود.

از طرف مدیر کل گمرکات منامه مفتش کل

ادارهٔ گمرکات
ADMINISITRATION
DES
DOUANES
Ind : № ۵۰۳۹
ANNEXE I

۱۳۳۰
۲۱ مارس ۱۹۱۲ = ۲ ربیع‌الثانی

وزارت جلیله امور خارجه

چون باید در جواب مکتوب رئیس گمرک بوشهر داده شود از وزارت متبوعه
مورخهٔ شانزدهم مارس جاری نمره (۵۰۰۷) را یادآوری نموده
مستدعی است مرحمت فرمایند آیا جزیره بحرین واقعه در خلیج فارس از نقطه
نظر تفتیش شده که باید جزو خاک خارجه یا ایران محسوب شود

[signature]

شماره: ۱۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: اداره گمرک
تاریخ: ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰
متن سند:

از مدلول لایحهٔ نمره ۵۰۰۷ و نمرهٔ ۵۰۳۹ درباب بحرین استحضار حاصل شد، جزیرهٔ مزبور به ملکیت خارجه تصدیق نشده است تفتیش تذکره عجالتاً نقطه نظرخود را احتراز از اشکالی که موجب تجدید مکاتبات سیاسیه می‌تواند شد، باید قرار بدهد

به امضای مبارک حضرت وزارت پناهی خواهد رسید.

۱۱۶۹۱

| | | |
|---|---|---|
| نوع مسوده: رقعه با دال کوچک<br>موضوع مسوده: ............<br>ضمیمه: ............<br>پاک‌نویس کننده: ...... ۱۴ ربیع الثانی | وزارت امور خارجه<br>اداره: انگلیس<br>بتاریخ ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۳ | نمره عمومی: ۷۶۲۲۴<br>نمره خصوصی: ......<br>کارتن: ۲۹<br>دوسیه: ۲۲ |

از مراسله نمره ۵۰۰۶ و ۵۰۳۹ در باب بحرین اشعار داشته‌اند ... قابل

تصدیق ... تعیین شده ... نقطه نظر خود را ... که موجب ...

سیاسی ... قرار ...

با اطلاع ... حضرت

وزارت پناهی خواهد رسید

شماره: ۱۲
فرستنده: کارگذاری بوشهر
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

قونسولگری انگلیس به رعایای بحرین که از بوشهر به آنجا مسافرت می کنند، به عنوان رعیت شیخ بحرین در تحت حمایت انگلیس ورقهٔ پاس می دهند. سابقاً معمول بوده است که ورقهٔ مزبوره را به کارگذاری می‌آورده‌اند و کارگذار امضا می کرده، ولی بنده از بدو مأموریت تاکنون یک ورقه از این اوراق را امضا نکرده است و پیوسته این مسئله با قونسولگری انگلیس موضوع مذاکره بوده و از کارگذاری خواستارند که همان معامله را که با رعایای سایر نقاط که در تحت حمایت انگلیس اندمعمول است، با رعایای بحرین بنماید. بنده حتی‌الامکان ورقهٔ پاس را از رعایای بحرین گرفته و ورقهٔ علم و خبر داده است ولی هر جا که خودشان به این ترتیب راضی نشوند، مولد اشکال، و مورث تجدید مذاکرات قونسولگری است.

مستدعی است، تکلیف صریحی در این ماده تعیین فرمایند.

قونسولگری انگلیس اصرار دارند که به مستخدمین ایرانی خودشان در هنگام مسافرت ورقه پاس بدهند، بنده در این خصوص ایراد نموده است که چون مستخدمین مزبور ایرانی‌اند باید از کارگذاری تذکره بگیرند، آقامیرزا محمد منشی اول جنرال قونسولگری انگلیس چندی قبل از بوشهر عازم عتبات عالیات بود از قونسولگری می خواستند ورقهٔ پاس به او بدهند، بنده در عدم قبول این مسئله مساعی لازمه نموده و ورقهٔ تذکره بدون اخذ قیمت به مشارالیه دادم، چون اصرار قونسولگری در این خصوص و انکار بنده منجر به مذاکرات مفصلهٔ اتصالی شده، استدعا دارد که دستورالعملی در این باب مرقوم فرمایند که از آن قرار رفتار نماید.

۱۰ ربیع ثانی
۱۳۳۱
نمره ۴۱۵

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

قونسولگری انگلیس برعایای بحرین که از بوشهر بانجا مسافرت میکنند بعنوان رعیت شیخ بحرین در تحت حمایت انگلیس ورقه پاس میدهند. سابقاً معمول بوده است که ورقه مزبوره را بکارگذاری میآورده اند و کارگذاری امضا میکرده ولی بنده از بدو مأموریت تاکنون یک ورقه از این اوراق را امضا نکرده است و پیوسته این مسئله با قونسولگری انگلیس موضوع مذاکره بوده و از کارگذاری خواستارند که همان معامله را که با رعایای سایر نقاط که در تحت حمایت انگلیسند معمول است با رعایای بحرین بنماید. بنده حتی الامکان ورقه پاس را از رعایای بحرین گرفته و ورقه علم و خبر داده است ولی هر جا که خودشان باین ترتیب راضی نشوند مولد اشکال و موجب تجدید مذاکرات قونسولگری است. مستدعی است تکلیف صریحی در این ماده تعیین فرمایند.

قونسولگری انگلیس اصرار دارند که بمستخدمین ایرانی خودشان در هنگام مسافرت ورقه پاس بدهند بنده در این خصوص ایراد نموده است که چون مستخدمین مزبور ایرانیند باید از کارگذاری تذکره بگیرند. آقا میرزا مهدی منشی اول جنرال قونسولگری انگلیس چندی قبل از بوشهر عازم عتبات عالیات بود از قونسولگری میخواستند ورقه پاس باو بدهند بنده در عدم قبول این مسئله ساعی لازمه نموده و ورقه تذکره بدون اخذ قیمت بمشارالیه دادم چون اصرار قونسولگری در این خصوص و انکار بنده منجر بمذاکرات مفصله [illegible] شده استدعا دارد که دستورالعمل در این باب مرقوم فرمایند که از آن قرار رفتار نماید

[illegible]

شماره: ۱۳
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج ایران—بوشهر
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳
متن سند:

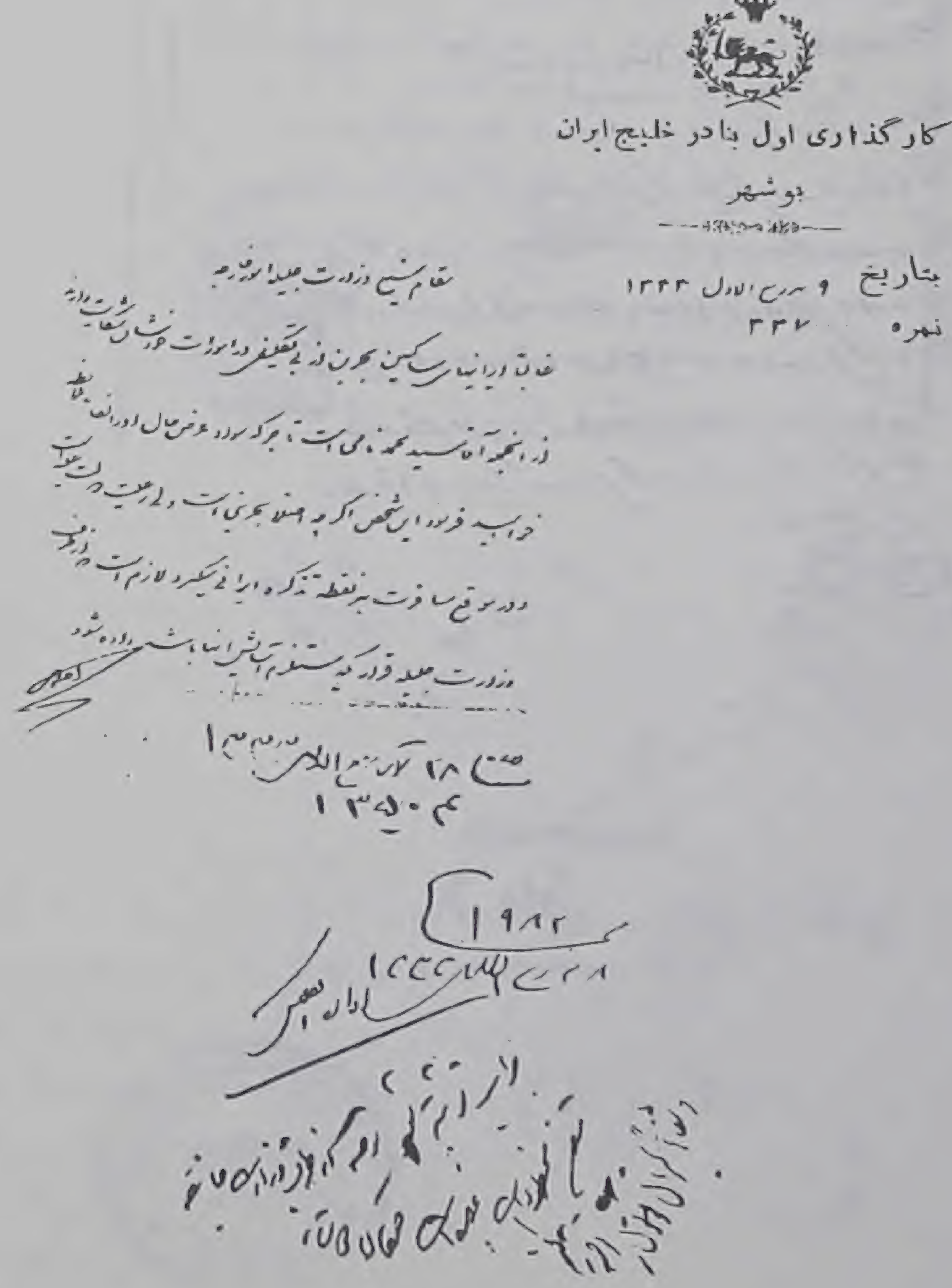
مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
غالباً ایرانی‌های ساکنین بحرین از بی‌تکلیفی در امورات خودشان شکایت دارند از آن جمله آقا سید محمد نامی است تاجر که سواد عرض حال او را لفاً ملاحظه خواهید فرمود. این شخص اگرچه اصلاً بحرینی است ولی رعیت دولت علیه است و در موقع مسافرت به هر نقطه تذکرهٔ ایرانی می‌گیرد، لازم است که از طرف وزارت جلیله قراری که مستلزم آسایش آنها باشد، داده شود.

[پی نوشت:]
ادارهٔ انگلیس
جواب نوشته شود، توصیه از طرف وزارت خارجه متضمن محظورات عمده است. خودتان دوستانه و شفاهاً به جنرال قونسول توصیه کنید.

از بحرین الی بندر بوشهر
به شرف خدمت ذی مرحمت جناب مستطاب عمده‌الاعیان اقائی آقای مسعودالسلطان کارگذار دولت علیهٔ ایران در بوشهر دام اقباله تعالی عرض می‌شود:
که امیدوار به درگاه قادر متعال که وجود ذیجود مبارک به سلامت بوده باشد و سایهٔ حضرت متعال از سر آن جناب کم نگردد، بعد از درود و سلام عرض می‌شود از بابت اینکه مقدماتی داشتم در بندر بحرین رفتم در خانه بالیوزگری که شکایت خود را داخل بکنم بالیوزگری جواب حقیر داد که شما مستحق حمایت نیستید و گفتم که جهت چه است که حقیر مستحق حمایت نباشم، جواب داد که مراجعه به بالیوزگری بوشهر کردم و گفت که شما مستحق حمایت نیستید و بنده آن حال لازم و واجب بر خود دانستم که اطلاع به جناب عالی داده باشم و حال خواهش از جنابعالی دارم که نوعی بکنید که بالیوزگری شکایت حقیر را قبول کند، چرا که حقیر از دعاگویان دولت ایران هستم و لازم

است که حضرت عالی حمایت حقیر بکنید و وارسی به کار بنده بکنید، زیاده زحمت و مزاحم نمی‌شوم.

سید محمدبن سید علوی


کارگذاری اول بنادر خلیج ایران

بوشهر

بتاریخ ۹ ربیع الاول ۱۳۴۳

نمره ۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

کارگذاری اول بنادر خلیج ایران

بوشهر

مورخه ۲۹ محرم ۱۳۳۳ از عربی الی بندر بوشهر

نمره

سواد مراسله

بشرف حضور ذیرحمت جناب مستطاب عمدة الاعیان [illegible] سعود السلطان کارگذار دولت علیه ایران در بنادر [illegible]

عرض میشود که امیدوار به درگاه خدا در تمام وجود مبارک بسعادت [illegible] و سایه حضرت مستطاب [illegible]

از سر اعجاب کم نشود بعد از دعا و سلام عرض میشود از بابت آنچه [illegible] داشتم در [illegible]

رفتم در خانه بالیوز کری که شکایت خود را عرض کنم بالیوز کری جواب حقیر داد که شما تحت حمایت

نیستید و گفتم به چه جهت حقیر تحت حمایت نباشم جواب داد که مراجعه به بالیوز کری

بوشهر کردم و گفت شما تحت حمایت نیستید و تبعه اهالی [illegible] و [illegible] داشتم

اطلاع [illegible] داده باشم و حال خواهش از جناب عالی دارم که [illegible] کنید

شکایت حقیر را [illegible] کند چرا که حقیر [illegible] دولت ایران هستم و [illegible]

حضرت عالی حمایت حقیر کنید و داد رسی [illegible] کنید [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمرهٔ تعرفه

نمرهٔ خصوصی محلی ۱۲۷۸

( علم وخبر )

( مخصوص مسافرت از بندر داخله به بنادر داخله است )

دارندهٔ این علم وخبر محمد رفیع ـــ ولد جعفر خنجی تبعهٔ
دولت علیهٔ ایران از بندر لنگه عازم وروانهٔ بندر بحرین است
چون مسافرت او از داخله بداخله است ـ لهذا مأمورین تذکره وتفتیش
این بندر مانع عزیمت او نشوند و در بندر مقصود کسی متعرض او نگردد

بتاریخ ۲۱ برج سنبله سنه ۱۲۹۹

امضاء

( کارگذار ورئیس تذکره )

علم وخبر بدون تمر کارگذاری معتبر
نیست ودو مقابل جریمه خواهد شد

**Countersigned**

Head Clerk

H. B. M. Political Agent.
Bahrain.

18/1/20

H.B. M'S POLITICAL AGENT. BAHRAIN.

شماره: ۱۴
فرستنده: ادارهٔ کل گمرکات ایران
گیرنده: وزارت خارجه
تاریخ: ۴ژوئیهٔ ۱۹۲۲ (۱۳۴۰ق)

ترجمهٔ مراسلهٔ ادارهٔ گمرک
جناب مستطاب اجل آقای انتظام‌الملک

اطلاعاتی را که در خصوص طرز ترتیب احصائیهٔ گمرکی و پرداخت حقوق گمرکی مال‌التجارهٔ وارده یا صادره از بحرین خواسته بودید، ذیلاً معروض می‌دارد:

در احصائیهٔ گمرکی این مال‌التجاره‌ها را جداجدا از روی صورتهایی که دفاتر گمرکی جنوب تهیه کرده‌اند جمع‌آوری نموده و بعد آنها را یک قلم کرده و در تحت عنوان مال‌التجاره واردی از یا صادره به ممالک امپراطوری انگلستان در جزو صورتهای کل تجارت ایران قرار می‌دهند. این ترتیب از ۱۹۰۴ به این طرف یعنی اگر اشتباه نکرده باشم، از موقعی که حمایت انگلستان در بحرین می‌بایستی عملاً به رسمیت شناخته شود، معمول و متداول گردیده است.

اما در باب اینکه از نقطه‌نظر گمرکی بحرین را محل ورود یامحل صدور ایرانی دانسته و مال‌التجاره را که از آن نقطه می‌آید یا به آن محل می‌رود از حقوق گمرکی معاف داریم این اظهار فوق‌العاده غریب بوده و تا زمانی که دولت ایران بحرین را تملک ننموده است کاملاً مخالف منافع دولت ایران می‌باشد.

و چنانچه بخواهیم از حالا مال‌التجاره‌های وارده از یا صادره به بحرین را از پرداخت حقوق گمرکی معاف داریم، خواهیم دید که کلیهٔ مال‌التجاره‌ها را به همین اسم اظهار خواهند نمود و نقض کلّی در عواید گمرکات جنوب حاصل خواهد شد.

تا زمانی که در بحرین یک حاکم ایرانی و یک قوهٔ نظامی ایرانی و یک ادارهٔ گمرک ایرانی موجود نباشد، اجرای این ترتیب غیرممکن است.

خاتمتاً اشعار می‌دارد که به عقیدهٔ این جانب، این مسئله که فهرست کل تجارت ایران بحرین را محل وارده یا صادرهٔ مجزایی از عمان و امپراطوری انگلیس قلمداد نمی‌نماید به هیچ‌وجه سند یا علامت آن نیست که بحرین متعلق به ایران باشد یا نباشد، لیکن این مسئله از حدود اختیارات و صلاحیت این جانب خارج بوده و مربوط به من نیست.

مراتب... مولیتور

◄ دارالترجمه وزارت امور خارجه ►

ترجمه راپورت اداره گمرک مورخه ۹م ژوئن ۱۹۲۲

جناب مستطاب اجل آقای نظام الملک . .

اطلاعاتی را در خصوص طرز ترتیب جدید گمرکی و پرداخت حقوق گمرکی مال التجاره
وارده یا صادره از بحرین خواسته بودید ذیلاً معروض میدارد:
در جدید گمرکی بحرین مال التجاره را جدا جدا از روی صورتهائی که دفتر گمرک خوب تهیه
کرده لذا جمع آوری نموده و بعد آنها را یک قلم کرده و در تحت عنوان مال التجاره وارده
از یا صادره به آن بطوری که انگلیسان در جزو صورتهای کلی تجارت ایران
قرار میدهند . این ترتیب از ۱۹۰۴ به طرف یعنی اگر اشتباه نکرده باشم
از ترقی مراجعت انگلیسان در بحرین جا پا تمسکی جلب ریاست شخصی نمود معمول و متداول
گردیده است

اما در باب اینکه از نقطه نظر گمرکی بحرین را جزو و یا جزء ممالک ایران دانسته
و مال التجاره را که از آن نقطه میآید یا بآن حمل میرود از حقوق گمرکی معاف داریم

این اطلاع حقوق العالیه خوب بود تا زمانی که دولت ایران بحرین را ملک [illegible]
که الحال مخالف منافع دولت ایران میباشد
و چنانچه بخواهیم از معامله مال التجاره های وارده از یا صادره به بحرین را
از پرداخت حقوق گمرکی معاف داریم خواهیم دید که کلیه مال التجاره بآنجا حمل
اظهار خواهند نمود و نقص کلی در عوائد گمرکات جنوب حاصل خواهد شد
تا زمانی که در بحرین یک حاکم ایرانی و یک قوه نظامی ایرانی و یک اداره گمرک
ایرانی موجود نباشد اجرای این ترتیب غیر ممکن است
فدوی اظهار میدارد که بعقیده اینجانب این مسئله که فهرست کلی تجارت ایران
بحرین را جزو وارده یا صادره مجزا از عمان و ایران بطوری که انگلیسها قید مینمایند
هیچ جنبه اهمیت آن نیست که بحرین متعلق بایران باشد یا نباشد
لیکن این مسئله از جهت اختیارات و صلاحیت اینجانب خارج و مربوط بسیاست
است . . . رئیس

شماره: ۱۵
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸مهر ۱۳۰۰

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

راجع به دخالت قونسول انگلیس مقیم بحرین در امورات اتباع ایران، مکتوبی تحت نمرهٔ ۲۷ از کارگذار لنگه، محتوی دو ورقهٔ علم و خبر صادره از قونسولگری انگلیس جهت رعایای ایران به کارگذاری کل واصل شده که سواد مراسله و یک ورقه از علم و خبر مزبور لفاً تقدیم شده، نسخه دیگر از جهت دفتر کارگذاری کل ضبط گردید و در این مسئله هر تصمیمی که اتخاذ خواهید فرمود مرقوم بفرمایند که به کارگذاری لنگه هم تعلیمات داده شود.

سواد مکتـــوب کارگذار لنگه به کارگذاری کل

مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج فارس و عربستان

قونسول انگلیس مقیم بحرین به عنوان سرپرستی در امورات اتباع دولت علیه دخالت می کند و در مراجعت اتباع دولت علیه از بحرین اوراق تصدیق تابعیت ایرانیه به آنها می دهد. محض استحضار خاطر مبارک دو ورقه از آن تصدیق نامه ها لفاً ایفاد داشته است.

حسین حسام السادات

از ادارهٔ جلیلهٔ بالیوزگری دولت انگلیس در بحرین نمرهٔ $\frac{۲۵۳}{۱۹۱۹}$ دارندهٔ این علم و خبر حاجی محمد ابن ملا مجید عبد الرحیم خنجی از رعایای دولت ایران هست و چندی در بحرین اقامت می داشت حالا مراجعت به موطن خود می نماید می گوید که در جهازستان سفری هست. بندرلنگه تاریخ ۳۰ماه اکتبر سنهٔ ۱۹۱۹ عیسوی مطابق تاریخ ۵ ماه صفر سنه ۱۳۳۸ هجری.

امضا: صاحب السعاده بالیوزالدوله البهیه القیصریه الانگلیزیه در بحرین

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

بتاریخ ۲۸ مهر ۱۳۰۰
نمره ۱۷۶
ضمیمه سواد مراسله کارگذاری لنگه و دیگری ترجمه خبر

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

باج بر جالت و قنصل انگلیس مقیم بحرین در امورات اتباع ایران مکتوبی تحت نمره ۲۷
به کارگذاری لنگه تحریر و در قوه علم و خبر صادره از قنسولگری انگلیس در بهر غارات ایران
که به کارگذاری کمک داده شده در سواد او و مراسله و دیگری ترجمه از علم و خبر ورود
لفاً تقدیم شد نسخه دیگر از جمله دفتر کارگذاری کل ضبط گردید در
این مسئله هر تصمیمی در اتخاذ خواهید فرمود مرقوم فرمایید به کارگذاری
لنگه هم تعلیمات داده شود

مورخه ۲۷ شهر رجب ۱۳۳۹
مطابق ۱۷ برج حمل تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
سواد مکتوب کارگزاری بحرین بکارگزاری کل
نمره ۲۷
ضمیمه

مقام منیع کارگزاری کل بنادر خلیج فارس و عربستان

قونسول انگلیس مقیم بحرین بعنوان سرپرستی در امورات اتباع اهل عمان

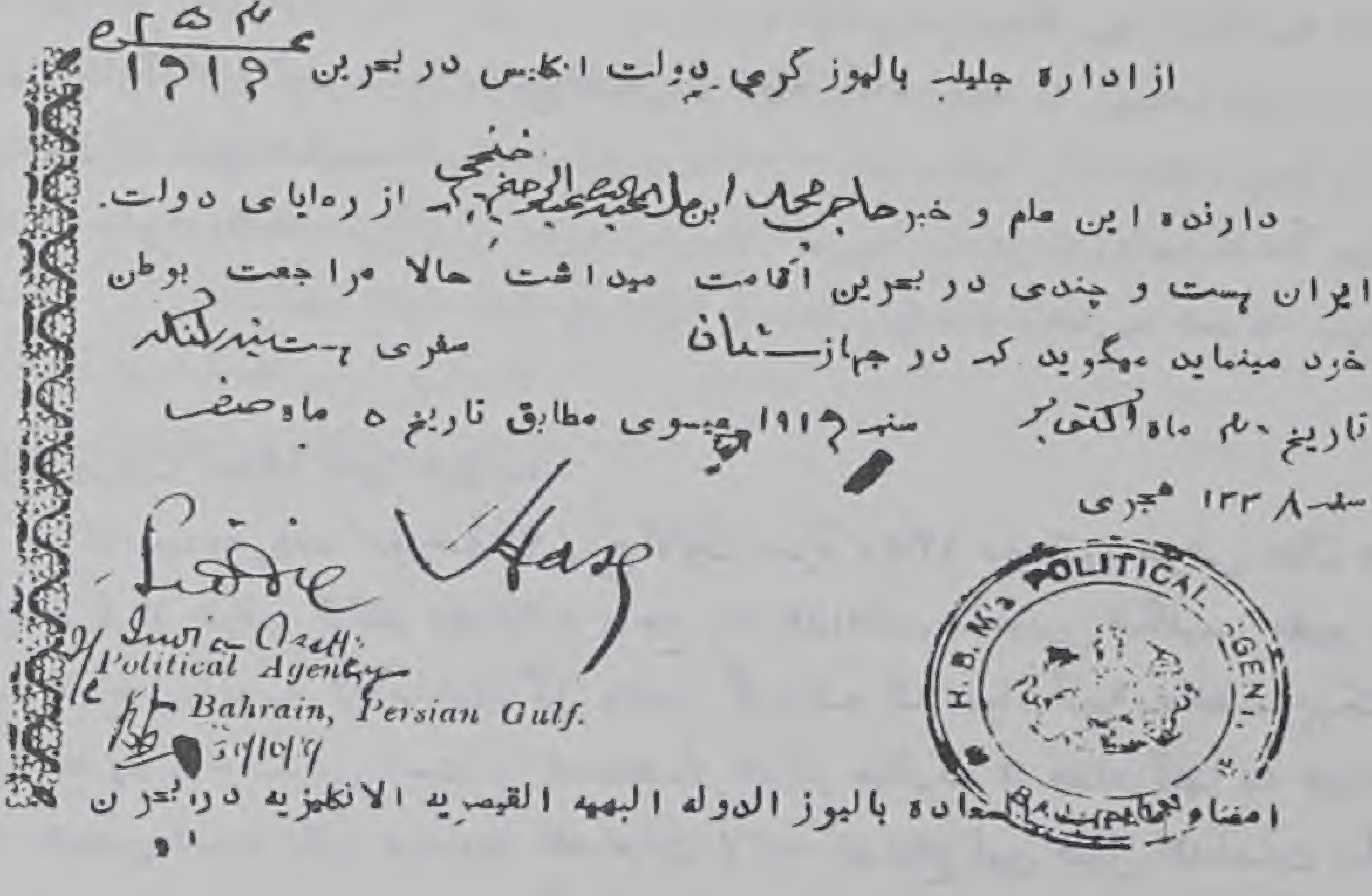
سکنه در جهت اتباع دولت علیه از بحرین اوراق تصدیق تبعیت

ایرانیه بآنها میدهد محض استحضار خاطر مبارک که در رفع آن اقدام نمایند

۲ لفاً ایفاد [illegible]

کارگزار بنادر

[illegible]



۲۵۴
۱۹۱۹

ازاداره جلیله بالیوز گری دولت انگلیس در بحرین

دارنده این علم و خبر حاجی محمد ابن ... عبدالرحمن خنجی که از رعایای دولت
ایران هست و چندی در بحرین اقامت میداشت حالا مراجعت بوطن
خود مینماید ومیگوید که در جهاز ... سفری ...
تاریخ ۲ ماه اکتوبر سنه ۱۹۱۹ عیسوی مطابق تاریخ ۵ ماه صفر
سنه ۱۳۳۸ هجری

Political Agency
Bahrain, Persian Gulf.



امضاء ... بالیوز الدوله البهیه القیصریه الانگلیزیه در بحرین

شماره: ۱۶
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ دلو ۱۳۰۰
متن سند:

**مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه**

**در تعقیب معروضهٔ مورخهٔ ۲۲ ربیع الاول نمرهٔ ۱۳۵۷ دو فقره عرض حال متضمن اوراق (پاس) از طرف کاظم رضازاده راجع به اقدامات مأمورین انگلیس مقیم بحرین نسبت به اتباع ایران به کارگذاری کل واصل گردیده که سواد آنها به انضمام یک ورقهٔ پاس لفاً تقدیم و مستدعی است با استحضار خاطر مبارک از مفاد آنها به هرنحو که صلاح و مقتضی است مقرر فرمایند اقدامات لازمه در رفع این قبیل اقدامات مأمورین انگلیس نسبت به ایرانی‌ها به عمل آورند و البته هر دستوری هم که به کارگذاری کل صادر فرمایند، اجرا و معمول خواهد داشت.**

**سواد عرض حال کاظم رضازاده بوشهری ساکن بحرین، مورخهٔ ۲۰ جمادی‌اولی ۱۳۴۰**

**مقام منیع حضرت اجل اشرف عالی آقای یمین‌الممالک کارگذاری کل بنادر فارس و عربستان زید اجلاله تعالی**

**به شرف عالی می‌رساند ــ چون همواره اوقات مطرح نظر مظلومان بوده و هستید و هر فرد مظلومی از آن مقام منیع توقع مساعدت دارد لذا با قلبی مملو از غم و کبدی حرا عرضه می‌دارد که چون ما مشتی از رعایای دولت علیهٔ ایران در زیر فشار اجانب گرفتاریم و هر روزه ما را برای عبرت دیگران به میدانهای هولناک می‌اندازند گهی برای سرمشق دیگران افترای دزدی می‌زنند و ما را حبس یک ساله و گهی افترای دزدی ما را در زیر چوب می‌کشند و تمام اوقات حقوق ما را باطل می‌کنند و بدون بابت تقصیر به گردن ما می‌اندازند. برای شهادت این حرفها این بنده در سال گذشته با اختر نام هندی مرافعه داشتیم با وجودی که اختر نام به بنده زده بود و یک نفر شاهد بنده که همراه بنده سوی محکمه می‌آمد به ایشان هم در راه زد که خون از او جاری شد، در محکمه آمدیم شکایت کردیم باز تقصیر بر گردن ما انداختند ــ هرچند که وقت تنگ است و بنده هم عازم بحرین هستم بیشتر نمی‌توانم درج کنم زیرا که اگر بخواهم درج نمایم**

شاهنامه هم رقیب این ظلمها نمی‌شود و چندی است برخلاف قانون بین المللی وبرخلاف امورات داخله بحرین را خارجه می‌گویند و علم و خبر ایرانی سقوط دادند و پاسپرت خودشان اجرا داشته‌اند. اینک یک عدد در جوف است، تقدیم حضرت عالی می‌نمایم. امیدوارم که قدمهای سریع در این راه خیر بردارید که باعث رضای خداست با کمال امیدواری خاتمه می‌دهد و مزید عمر و عزّت از خدا خواهانم.

ارادت کیش شما مخلص صمیمی

کاظم رضازادهٔ بوشهری، ساکن بحرین

ع ۲۱۷۸

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

دایره

بتاریخ ... ۱۳

نمره ۹۷۲۴

نمره ۵۹۸۰

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب معروضه نمره ۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ در فقره جرحنامه شیخ احمد آقا پاس) از طرف

کاظم رضازاده راجع باقدامات مامورین انگلیس مقیم بحرین نسبت باتباع ایران به کارگذاری گمرک ... صادر

در سواد اینها بانضمام یک ورقه پاس لفاً تقدیم و مستدعی است با استحضار خاطر مبارک از مفاد اینها

بهر نحو که صلاح و مقتضی است مقرر فرمایند اقدامات مقتضیه در رفع این قبیل اقدامات مأمورین

پس ثبت با اینها بعمل آورند و نتیجه هر دستوری که در این کارگذاری گمرک صادر فرمایند اجرا

معمول خواهد داشت

اداره ...

۲۰ ...

مورخه ۳۰ شهر جمادی الاولی ۱۳

مطابق ... برج ... ئیل

کار گذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد عرض حال کاظم رضا نواده بوشهری ساکن بحرین

نمره مراسله

مقام منیع حضرت اجل اشرف عالی آقای معین الممالک کارگذاری کل بنادر فارس و عربستان زید اجلاله العالی

بشرف عالی میرساند — چون همواره اوقات معطوف نظر مظلومان بوده و هستید هر فرد مظلومی از آن مقام منیع توقع دادرسی دارد

لذا با قلبی مملو از غم و لبدی مراعرضه میدارد ما چون مشتی از رعایای دولت علیه ایران در زیر فشار اجانب گرفتاریم ... میبینند

روزه ما را برای عبرت دیگران بمیدانهای پول هلاک می اندازند گرای سرمشق دیگران افترای دزدی ... بست

و ما را حبس ... ده گانی ... دزدی ما را در زیر چوب میکشند و تمام اوقات حقوق ما را پایمال میکنند و بدون ... 

تعقیر (؟) گردن ما می اندازند — برای شهادت این حرفها این بنده در سال گذشته با اخذ نام هندی ... خون

با وجود دیدار ... زده بود ... همراه بنده سوی محکمه ... در راه ... هم

از ... در محکمه ... شکایت کردیم باز تعقیر گردن ما انداختند — هر چند ... وقت ... خدمت

عازم ... هستم ... زیرا که ... رقیب این ظلمها نیست ... بتوسط

برخلاف قانون بین المللی و برخلاف امورات داخله بحرین را خارجه میگویند و علم دخترانی ... تمام

دادند و ... خودشان ... داشته اند — اینک ... در حوف است تقدیم حضور عالی نمودیم

امیدوارم ... سریع ... برای ... خدا است با کمال امیدواری خاتمه میدهد

# CERTIFICATE OF IDENTITY.

No. 46

No Photograph.

Ticket No. 21

This is to certify that Hajji Abdullah Bin Hajji Ali,

who is proceeding from Bahrain

to Bushire for the purpose of trade

and whose description is given on the reverse is a Persian Subject by

Birth.
~~Naturalization~~

~~He / She is accompanied by the following members of his / her family:~~

This certificate of identity is available for Voyage ...

Given at Bahrain the 2nd day of January 192 .

By order of the Civil Commissioner in Mesopotamia.

Rs. 2-8.

H.B.M.'S POLITICAL AGENT 2/1/22

Signature of competent authority.

Designation.

POLITICAL AGENT, BAHRAIN, PERSIAN GULF

(On reverse).

(2) Signature (with transcription in English if signature is in Vernacular).

(3) Thumb impression.

(4) General description, including height.

(5) Any real distinctive marks.

(6) Profession.

(7) Age.

(8) Address of destination.

Remarks—

I.G.P.B.—176—...—500 Bks.—...

١٣٠٠ / ١٧٤١

٥١ / ٢٩

شماره: ۱۷
فرستنده: (کارگذاری بوشهر) رمز
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ حوت ۱۳۰۰
متن سند:

**از بوشهر**

از قرار مذکور پس از ورود کلنل تریور جنرال قنسول انگلیسی به بحرین، مجلسی در قونسولگری تشکیل و اختلافات حاصله بین اهالی و شیخ را اصلاح می‌نمایند. ولی اهالی باطناً از عملیات شیخ ناراضی هستند. اطلاعاً به عرض رسانید نمرهٔ ۱۸۲۹—۷ حوت

[صدیق‌الملک]

وزارت امور خارجه

اداره رمز دائره

مورخه ۹ حوت ۱۳۰۰

نمره ۸۹۰

ضمیمه

از بوشهر

نمره

از قرار مذکور پس از ورود کشتی تروپ جنرال

انگلیسی به بحرین مجلس در معرکه کشتی و شهیدان

صدمه اهالی و شیخ را — اجتماع سه شنبه

ولی اهالی طلبند از جمعیت شیخ ناراضی تهیه

بلدیه مرضی رسانده نمره ۱۸۲۹ ۷ حوت

حرقی حکمت

ملاحظه شد

۱۰/۱/۱۳۰۱

۱۰ حوت

شماره: ۱۸
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴جوزا ۱۳۰۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
از قرار راپورتی که تحت نمرهٔ ۹ ازکارگذاری بندرعباس به کارگذاری کل واصل شده، ادارهٔ گمرک بندر مزبور در استاتستیک سنهٔ ۱۳۰۰ بحرین را متعلق به انگلیس مندرج نموده به این عنوان (بحرین امپراطوری بریتانیا) چون مفاد راپورت مزبوربی نهایت قابل توجه خاطر مبارک وزارت جلیله خواهد بود، سواد آن لفاً تقدیم و مستدعی است با عطف توجه کامل به مفاد آن امر و مقرر فرمایند اقدامات جدّی برای تغییر این عنوان به عمل آورند که به این وسایل سلب حقانیت ایران از بحرین نشود و مجدداً کارگذاری کل توضیحات لازمه در این موضوع از کارگذاری بندرعباس خواسته است که پس از وصول جواب از مراتب خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت.
[صدیق الملک]

**سواد راپورت کارگذاری بندرعباس نمرهٔ ۹ به تاریخ پنجم جوزا ۱۳۰۱**

موقع منیع کارگذاری بنادر دامت شوکته
وزارت جلیله خارجه این همه مراقبت در علم و خبر بحرینی ها می فرمایند از طرف دیگر ادارهٔ گمرکات عباسی که ادارهٔ رسمی دولت است در استاتستیک سنهٔ ۱۳۰۰ هرجا که واردات از بحرین یا صادرات بحرین را درج کرده، بحرین را متعلق به انگلیسها شمرده و نوشته است، بحرین امپراطوری بریتانیا ــ به فرانسه این گونه نگاشته است: **Empr-brit bahrain** در سنوات ماضیه این قید را در استاتستیک نه می‌نمودند تاکنون هم در اسم مسقط و عمان این قید را نه می‌نمایند استاتستیک ادارهٔ گمرکات که به قونسولها داده می‌شود نوشتهٔ رسمی دولت محسوب شود، برای انگلیسها سندیت خواهد داشت. اطلاعاً عرض نمود.

کارگذاری عباسی
محمد علی

کار گذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

دایره ........ مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

تاریخ ۱۴ جوزا ۱۳۰۰

نمره ۲۰۹

لفاً سواد راپورت تلگرافی نمره ۹ که از کارگذاری بندرعباس بکارگذاری کل صادر شده [illegible]

به استناد تلگراف سنه ۱۳۰۰ بحرین را مستقل انگلیس شناخته [illegible] (بحرین را بطور کلی ...)

چون مفاد راپورت مزبور به نهایت قابل توجه خاطر مبارک وزارت جلیله خواهد بود لذا سواد آن

تقدیم و مستدعی است با عطف توجه کامل بمفاد آن امر و دستور فرمایند اقدامات جدی برای تغییر

این عنوان بعمل آورند که باین وسیله حقانیت ایران از بحرین فوت و محو نگردد. کارگذار کل

اداره ...

توضیحات لازمه در این موضوع از کارگذاری بندرعباس خواسته است که پس از وصول جواب از لحاظ

مبارک را مستحضر خواهد داشت.

مورخه ... شهر ... ۱۳

مطابق ۵ برج جوزا ئیل ۱۳۰۹

کار گذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد راپورت کارگذاری بندرعباس — مقام منیع کارگذاری بنادر دامت برکاته

نمره مراسله ۹

وزارت جلیله خارجه انتهیه و رفعت در عرض و خبر بحرینی‌ها سیفرمایند در طرف دیگر اداره گمرکات عباسی که اداره رسومات ایرانیست

سنه ۱۳۰۰ هر جا که واردات از بحرین یا صادرات بحرین را درج کرده بحرین را متعلق با انگلیس باشد ده و نوشته است

بحرین امپراطوری بریتانیا — نمونه انگلیسی نگاشته که emp. brit bahrain

در سنوات ماضیه این قید را در ستاتیستیک نمینمودند اکنون هم در سهم مسقط و عمان این قید را نمینمایند

ستاتستیک اداره گمرکات که اعلانها داده میشود نوشته سرحدات محسوب شود برای انگلیسیها سندیست خواهد بود

اطلاعاً عرض نمود کارگذاری عباسی

مهر محمد ...

شماره: ۱۹
فرستنده: قونسولگری ایران در کربلای معلی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳۱سرطان ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکتها

در جریدهٔ الاستقلال شمارهٔ ۱۷۱ مورخه ۲ ذیقعده سنهٔ ۱۳۴۱ شرحی راجع به احوالات بحرین نوشته بود. چون نکات قابل توجهی دارد شرح مزبور را با ترجمهٔ آن منضماً با این راپورت حضور مبارک تقدیم نمود.

چاکر
محمدحسن بدیع

[پی نوشت:]
ادارهٔ اوّل به نظر حضرت آقای وزیر برسانید
۲۸ اسد

[پی نوشت:] به عرض رسید، فرمودند ضبط شود.

**ترجمه از جریدهٔ الاستقلال، شمارهٔ ۱۷۱ مورخهٔ ۲۰ ذیقعده سنه ۱۳۴۱ منطبعهٔ بغداد**
(اخبار بحرین)
خبرنگار مخصوص ما از کویت می‌نویسد

حالت خود سری که در بعضی از ممالک عرب حکمفرماست موجب تأسف شده و علت آن سستی و تهاون بعضی از امرای عرب است. از خداوند مسئلت می‌نماییم که ایشان را به راه راست هدایت فرماید. در ماه رمضان گذشته چند اتفاق در بحرین واقع شد. قضیهٔ اول در غرهٔ رمضان میان حمّالان ایرانی و اعراب نجدی واقع و منتهی به چوب کاری شد، ولی کسی تلف نشد و در ۹ رمضان آن نزاع به شکل سخت‌تری تجدید یافت و در ۱۴ رمضان آثار فتنه هویدا و بدتر از سابق نزاع شروع شد و در ۱۸ رمضان دعوای دیگری میان اهالی (البدیّع) و اهالی (عالی) که هر دو از رعایای حکومت بحرین

هستند، واقع شد و در شب ۲۳ رمضان اهالی البدیع بر اهل عالی هجوم کرده از ایشان سه نفر مقتول و پنج نفر مجروح نمودند و در ۲۴ رمضان یک جنگ خونینی میان ایرانی ها و اهالی نجد درگرفت و طرفین از چوب و آهن آنچه دستشان رسید در آن زد و خورد استعمال کردند انبارهای هیزم که نزدیک میدان معرکه بود به طرفین مساعدت کرد، در هنگامی که هنگامهٔ گیرودار گرم بود، محمدشریف ایرانی رئیس بلدیهٔ شهر در این معرکه شرکت جسته به آدمهای خود یا به عبارت اخری به پولیسهایی که به نام حکومت بحرین تشکیل یافته، امر به تیراندازی می کند و اهالی نجد را تیرباران کردند. با این وضع حکومت بحرین کناره‌جویی اختیار کرده بود مثل اینکه این مملکت، مملکت او نیست و این اتفاقات در نظر او هیچ اهمیتی ندارد. در آن وقت میجر دایلی قونسول انگلیس مقیم بحرین در این قضیه مداخله کرده، از بعضی اعیان شهر تقاضا نمود که طرفین را از جنگ و فتنه‌جویی جلوگیری نمایند. به تقاضای او عمل شد و کاش زودتر در این کار مداخله می کرد، یعنی قبل از اینکه عده از طرفین کشته و زخمی و قربانی جهالت و اغراض خسیسهٔ خود شوند پس از آن میان خلیج منامه و محرق (جزیرهٔ بحرین دو قسمت است یکی را منامه و دیگر را محرق می‌نامند و یک شعبه از دریا، آن دو قسمت را از هم جدا می کند) چند کشتی دیده شد که در آن جمعیتی از نجدی ها برای کمک و امداد هموطنان نجدی خود آمده بودند. میجردایلی از عبدالله قصیبی برادر نمایندهٔ سلطان نجد تقاضا کرد که آنها را برگرداند والاّ با مترالیوز آنها را تیرباران خواهد کرد. کشتی‌های نجدی مجبوراً مراجعت کردند. تلفات نجدی‌ها سه نفر کشته و پنج نفر زخمی و ۱۸ نفر مفقودالاثر و از ایرانی‌ها دو نفر کشته و پنج نفر زخمی بوده و روز دوم و سوم این حادثه، دو کشتی جنگی وارد لنگرگاه بحرین شد، در یکی از آن کشتی‌ها کرنل نوکس رئیس قونسولهای (جنرال قونسول انگلیس در بوشهر) خلیج فارس بود و مجلسی از برای تحقیقات تشکیل نمود و عبدالله قصیبی را به سمت نمایندگی از طرف سلطان نجد در آن مجلس دعوت کرد و او عذر آورد که من در این کار مداخله ندارم و نمایندهٔ رسمی سلطان نجد برای انجام بعضی کارهای شخصی خود به بمبئی رفته. کرنل نوکس به او امر کرد که از بحرین خارج شود و ۲۴ ساعت به وی مهلت داد. ظاهراً قصیبی بعد از دو ساعت از بحرین به سمت حساَء حرکت کرد که ماجرا را به ابن سعود سلطان نجد اطلاع بدهد و اما کرنل نوکس مشغول اجرای **تحقیقات** گردید و پس از اتمام تحقیقات پولیسها را از کار خارج و فداوی ها یعنی خدام شیوخ را به جای پولیسها گماشت و مختصر تغییرات و اصلاحاتی در حکومت بحرین داد و از شیخ عیسی پسر علی حاکم بحرین تقاضا نمود که خود را از

حکومت بحرین خلع نموده و حکومت را به شیخ حمد پسر و ولیعهد خود واگذار نماید و به شیخ عیسی اظهار کرده بود که شما به واسطهٔ کبرسن از عهدهٔ حکومت بر نمی‌آیید و مملکت محتاج به ترقی و تجددی است که هیچ حکومتی از حکومتهای عالم از آن مستغنی نتواند شد. شیخ عیسی اول قدری امتناع، بعد در مقابل دلایل مقنعهٔ کرنل نوکس اگر نخواهیم سیاست بگوییم به این شرط قبول کرد که خود حاکم رسمی مملکت و ادارهٔ حکومت با پسرش شیخ حمد باشد و پسر کوچکش شیخ عبدالله معاون برادرش باشد و به این ترتیب قراردادی بسته شد و کرنل نوکس با ایشان شرط بست که هیچ کاری را بدون مشورت و مراجعت با قونسول انگلیس در بحرین نکنند و آنها قبول کردند و آنچه اظهار او لازم است این است که ما عربها اگر به عقل و تدبیر و اتحاد ممالک موروثی خود را حفظ نکنیم که غیر از آن امید موفقیت برای ما نیست، شکی نیست که ما محو خواهیم شد. بالأخره کرنل نوکس شیخ حمد و بعضی افراد خانوادهٔ شیخ بحرین و اعیان شهر را دعوت کرده در میان ایشان خطابه خواند و علت مداخلهٔ دولت انگلیس را در کار حکومتی بحرین بیان و قدر و منزلت شیخ عیسی را در نظر دولت انگلیس ضمناً اظهار کرد که شیخ مشارالیه در خلیج فارس از قدیمترین دوستان امپراطوری انگلیس است ولی پیری و سالخوردگی و عجز او سبب کنارجویی ایشان از کار حکومت گردیده و شیخ حمد بهترین خلف سلف خود می‌باشد و به شیخ حمد خیلی تأکید کرد که میان رعایا به طور عدالت و رأفت رفتار و در حقوق میان مردم مساوات کند و از افراد خانوادهٔ شیخ تقاضا کرد که به شیخ حمد کمک و همراهی نمایند والاّ حقوق آنها را قطع خواهد کرد و مالیهٔ بحرین را در تحت نظارت و کنترل انگلیس قرار داد که از حیف و میل حکام محفوظ بماند. قسمتی از مالیات بحرین را برای حقوق و معاش خانوادهٔ حاکمه تخصیص و قسمتی از برای صرف اصلاحات مملکت تعیین نمود و باقی مالیه را امر کرد در خزانهٔ دولت انگلیس یا یکی از بانکها محفوظ بماند. این بود خلاصهٔ وقایع اخیرهٔ بحرین و یک مسئلهٔ دیگر در اینجا مانده و آن عقیدهٔ عمومی اهالی بحرین است آن را ذکر می‌کنیم که بی فایده نیست: قسم اعظم مردم از این حادثه بدبین هستند و عقیده‌شان این است که این فتنه به واسطهٔ ایرانی‌ها و رئیس بلدیه شده و این تغییر و اصلاحی که در حکومت بحرین شده یک حرکتی است که غرض از آن اشغال شهر به قوای خارجه است و گمان نمی‌کنم این حد سیاست صحیح باشد، چون با اظهارات صریحهٔ مأمورین انگلیس منافات دارد، زیرا که همیشه مأمورین انگلیس عدم میل و رغبت خود را در اشغال بحرین اظهار می‌کردند، فلذا هیچ محلی از برای بدبینی مردم نیست. بالأخره ما طلوع عصر جدیدی از برای بحرین در

دست شیخ حمد و برادر او آرزو می کنیم.

قنسولگری دولت علیه ایران در کربلا معلی
تاریخ ۳۱ سرطان ۱۳۰۲ سنة ۱۳۴
نمره ۳۶۵۰
ضمیمه مندرجات الاستقلال راجع به بحرین

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکتها

در جریده الاستقلال شماره ۱۷۱ مورخه ۲ ذی‌قعده ۱۳۴۱ شرحی راجع به حالات بحرین نوشته بود چون کلمات قابل توجهی دارد شرح مزبور را با ترجمه آن منضماً با این راپورت حضور مبارک تقدیم نمود

ذاکر
محمد حسین [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۰۲/۵/۲۸

نمره ۹۱۸۸
به نظر حضرت [illegible] دارالاداره
۲۸

. لگری دولتعلیه ایران در کربلا معلی

خ سنة ۱۳۴ ترجمه از جریده الاستقلال نمره ۱۷۱ مورخه ۲۰ ذی قعده سنه ۱۳۴۱ مطبوعه بغداد

( اخبار بحرین )

خبرنگار مخصوص ما از کویت می نویسد

حالت خونریزی در بعضی از ممالک عرب حکمفرماست موجب تأسف شده علت آن سستی و تهاون بعضی از امرای عرب است از خداوند مسئلت می نمائیم که آنها را براه راست هدایت فرماید در ماه رمضان گذشته چند اتفاق در بحرین واقع شد قضیه اول در غره رمضان میان حمالان ایرانی و اعراب نجدی واقع و منتهی بچوب کاری شد ولی کسی تلف نشد و در ۹ رمضان آن نزاع بشکل سخت‌تری تجدید یافت و در ۱۴ رمضان آثار فتنه هویدا و بهتر از سابق نزاع شروع شد و در ۱۸ رمضان دعوای دیگری میان اهالی ( البدیع ) و اهالی ( عالی ) که هر دو از رعایای حکومت بحرین هستند واقع شد و در شب ۲۳ رمضان اهالی البدیع بر اهل عالی هجوم کرده از ایشان ۳ نفر مقتول و پنج نفر مجروح نمودند و در ۲۴ رمضان یک جنگ خونینی میان ایرانیها و اهالی نجد درگرفت و طرفین از چوب و آهن و آنچه بدستشان رسید در آن زد و خورد استعمال کردند و انبارهای هیزم که نزدیک میدان معرکه بود بطرفین مساعدت کرد در هنگامیکه هنگامه گیرودار گرم بود مشهدی شریف ایرانی رئیس بلدیه شهر در این معرکه شرکت جسته بر آدمهای خود با عبارة اعزبی به پولیسهائی که بنام حکومت بحرین تشکیل یافته امر بتیراندازی می کنند [illegible] تیرباران کردند با این وضع حکومت بحرین کناره جوئی اختیار کرده بود مثل اینکه این تکلیف مملکت او نیست و اتفاقات در نظر او هیچ اهمیت ندارد در آن وقت

قونسولگری دولتعلیه ایران درکربلا معلی
تاریخ سنة ۱۳۴
نمره

ص ۲

میجر دالی قونسول انگلیس مقیم بحرین در این قضیه مداخله کرده از بعضی اعیان شهر تقاضا نمود طرفین را از جنگ و فتنه جوئی جلوگیری نمایند بتقاضای او عمل شد و کسی زیادتر در این کار مداخله نکرد یعنی قبل از اینکه عده از طرفین کشته و زخمی و قربانی جهالت و اغراض خبیثه خود شوند و پس از آن میان خلیج منامه و محرق (جزیره بحرین دو قسمت است یکی را منامه و دیگری را محرق می نامند و یک شعبه از دریا آن دو قسمت را از هم جدا میکند) چند کشتی دیده شد در آن جمعیتی از نجدیها بطمع کمک و امداد هموطنان نجدی خود آمده بعد میجر دالی از عبداله قصیبی برادر نماینده سلطان نجد تقاضا کرد که آنها را برگرداند والا با امر النور آنها را تیرباران خواهد کرد کشتیهای نجدی مجبور امراجعت کردند تلفات نجدیها ۳ نفر کشته و پنج نفر زخمی و نه نفر مفقود الاثر و از آنها ۱ نفر کشته و پنج نفر زخمی بوده و روز ۲۵ و سوم این حادثه کشتی جنگی وارد لنگرگاه بحرین شد در یکی از آن کشتیها کرنل نوکس رئیس قونسولهای جنرال قونسول انگلیس در بوشهر (خلیج فارس) بود و مجلسی از برای تحقیقات تشکیل نمود و عبداله قصیبی را بسمت نماینده که از طرف سلطان نجد در آن مجلس دعوت کرد و او عذر آورده که من در این کار مداخله ندارم و نماینده رسمی سلطان نجد بطمع انجام بعضی کارهای شخصی خود به بمبئی رفته کرنل نوکس باو امر کرد که از بحرین خارج شود و ۲۴ ساعت باو مهلت داد ظاهراً قصیبی بعد از ۵ ساعت از بحرین بسمت حسا حرکت کرد که ماجرا را با ابن سعود سلطان نجد

...نسولگری دولتعلیه ایران در کربلا معلی

تاریخ سنة ۱۳۴

نمره

ضمیمه ص ۳

اطلاع بدهد و آقای کرنل نوکس مشغول اجرای تحقیقات گردید در اتمام تحقیقات پولیسها را از کار خارج و فداویها
یعنی خدام شیوخ بحرین را بجای پولیسها گماشت و مختصر تغییرات و اصلاحاتی در حکومت بحرین داد و از شیخ عیسی پیر علیل حاکم بحرین
تقاضا نمود که خود را از حکومت بحرین خلع نموده و حکومت را به شیخ حمد پسر و ولیعهد خود واگذار نماید و شیخ عیسی اظهار
کرده بود که شما بواسطه کبر سن از عهده حکومت بر نمی آئید و مملکت محتاج به ترقی و تجدد است که هیچ حکومتی از
حکومتهای عالم از آن مستغنی نمیتواند شد شیخ عیسی اول قدری امتناع بعد در مقابل دلایل مقنعه کرنل نوکس اگر
نخواهیم سیاست بگوئیم با این شرط قبول کرد که خود حاکم رسمی مملکت و اداره حکومت با پسرش شیخ حمد باشد
و پسر کوچکش شیخ عبدالله معاون برادرش باشد و با این ترتیب قرارها بسته شد و کرنل نوکس با ایشان
شرط بست که هیچ کاری را بدون مشورت و مراجعه با قونسول انگلیس در بحرین نکنند و آنها قبول کردند
و آنچه اظهار او لازم است این است که ما هم باید بقدر تدبیر و اتحاد ممالک محروسه خود را حفظ بکنیم
که غیر از آن امید موفقیت برای ما نیست شکی نیست که ما محو خواهیم شد بالاخره کرنل نوکس شیخ حمد و بعضی افراد
خانواده شیخ بحرین و اعیان شهر را دعوت کرده در میان ایشان خطابه خواند و علت مداخله دولت انگلیس را
در کار حکومت بحرین بیان و قدر و منزلت شیخ عیسی را در نظر دولت انگلیس ضمناً اظهار کرد که شیخ معزی الیه در خلیج فارس

ـو لکری دولتعلیه ایران درکربلا معلی
سنة ۱۳٤
بعه ص ۴

از قدیمترین دوستان امپراطوری انگلیس است ولی پیری و سالخوردگی و عجز او سبب کناره جوئی ایشان از کار حکومت گردید
و شیخ حمد بهترین خلف سلف خود می باشد و به شیخ حمد خیلی تأکید کرد در میان رعایا بطور عدالت و رأفت رفتار
و در حقوق میان مردم مساوات کند و از افراد خانواده شیخ تقاضا کرد به شیخ حمد کمک و همراهی نمایند
و الا حقوق آنها را قطع خواهد کرد و مالیه بحرین را در تحت نظارت و کونترول انگلیس قرار داد به از حیف
و میل حکام محفوظ باشد قسمتی از مالیات بحرین را برای حقوق و معاش خانواده حاکمه تخصیص و قسمتی از برای مصرف
اصلاحات مملکتی تعیین نمود و باقی مالیه را امر کرد در خزانه دولت انگلیس یا یکی از بانکها محفوظ باشد این بود
خلاصه وقایع اخیره بحرین و یک مسئله دیگر در اینجا مانده عقیده عمومی اهالی بحرین است از ذکر میکنیم
بی فایده نیست: قسم اعظم مردم از این حادثه بدبین شدند و عقیده شان این است که این فتنه بواسطه ایرانیها
و دسیسه بلدیه شده و این تغییر و اصلاحی که در حکومت بحرین شده یک حرکتی است بغرض از ایران اشغال شد بقوای
خارجه است و گمان نمیکنم این حدسیات صحیح باشد چون با اظهارات صریحه مامورین انگلیس منافات دارد زیرا که
همیشه مامورین انگلیس عدم میل و رغبت خود را در اشغال بحرین اظهار میکردند فلذا هیچ محلی از برای بدبینی مردم نیست
بالاخره ما طلوع عصر جدیدی از برای بحرین در دست شیخ حمد و برادر او آرزو میکنیم

شماره: ۲۰
فرستنده: کارگذاری مهام خارجهٔ عربستان و مدیریت سیر سفاین
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ ذی حجه ۱۳۴۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
آقای آقا سید حسین ولد سید محمد روضه خوان بحرینی که اخیراً از بحرین به محمره آمده است تحقیقات ذیل را از مشارالیه نموده، راپرتاً به عرض می‌رساند. درتاریخ ۱۹ رمضان هذه‌السنه بین دو نفر حمّال ایرانی و بحرینی در حمل یک لنگه بار تولید نزاع و گفتگو می‌شود، حمال ایرانی می‌گوید یک روپیه می‌گیرم لنگهٔ بار را حمل می‌کنم، حمال بحرینی اظهارمی‌دارد برای حمل آن نیم روپیه می‌گیرم. این گفتگودنباله پیدا نموده، به همین واسطه فی‌مابین عجمها و بحرینی‌ها رشتهٔ عداوت محکم گشته، حمّال ایرانی به حاج علی ولد کاظم که حاکم ایرانی‌ها در بحرین است، تظلم و شکایت نمود. حاج مزبور به عجمها اظهار داشت شما اگر می‌توانید با بحرینی‌ها جنگ کنید من هم نهایت مساعدت و تقویت را با شما می‌نمایم. حمّال بحرینی می‌رود نزد حاکم بحرین که عبدالعزیز نام (الک سیبی) و از طایفهٔ بن‌سعود وفعلاً دربحرین برحسب ظاهرحکومت دارد، شکایت و تظلم می‌نماید، حاکم مشارالیه موافقت و مساعدت کرده، تقریباً هفت هزار نفر جمعیت مسلح از طایفهٔ بن‌سعود تهیه نموده در (۲۵ رمضان) بین بحرینی‌ها و عجمها جنگ شروع و نایرهٔ شرارت و هرزگی از طرف طایفهٔ بن‌سعود در شهر در نهایت شدت اشتعال یافت واین جمعیت مسلح که به بحرین هجوم آوردند، اسباب بی‌نظمی شهر و اغتشاش شدند قونسولگری انگلیس پلیس فرستاد تا طرفین را منع از جنگ و مهاجمه نمایند. عجمها کناره‌گیری نموده، مخفی شدند و پس از آن یک عده از عجمها به‌قونسولگری انگلیس رفته از طرف قونسولگری نسبت به آنها اظهار تقویت و مساعدت به عمل آمده، قونسول فرستاد (الک سیبی) عبدالعزیز حاکم بحرین را حاضر نموده، سه ساعت به مشارالیه مهلت داد تا هفت هزار نفر جمعیتی که مسلحاً از طایفه بن‌سعود تدارک نموده بوده از بحرین خارج نماید. پس از آن قونسول بحرینی‌ها را دو لک روپیه جرم نمود و مقدار یک هزاروهفصد قبضه تفنگ هم از طایفهٔ بن سعود گرفتند، چهار نفر از طایفهٔ بن‌سعود را تبعیدکردند. معلوم نشد به کدام نقطه آنها را تبعید نمودند. بعد از آن

جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین حاضر شدند می‌خواستند با بن‌سعود بنای زدوخورد و جنگ را بگذارند، از طرف قونسولگری به احتمال اینکه مبادا اسباب خسارت بشود جنگ را موقوف نمودند. از عجمها هیجده نفر کشته و بیست‌وپنج نفر مجروح شدند. از طایفهٔ بن‌سعود ده نفر کشته و پانزده نفر مجروح گردیدند و کلیهٔ جمعیت‌جنگی طایفهٔ بن‌سعود را ازبحرین خارج نموده، فعلاً حکومت‌بحرین‌با قونسولگری انگلیس است. جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین همان طور ایستاده بودند که سید مشارالیه از بحرین خارج شده است، لکن فدوی سپرده‌ام هر مسافر بحرینی که به محمره می‌آید به کارگذاری بیاورند تا تحقیقات نموده، راپرت وقایع مهمهٔ آن صفحات را به عرض برساند. هرگاه آن وزارت جلیله اجازه و تصویب می‌فرمایند، چون از محمره تا بحرین بیش از دو روز راه نیست در اوایل زمستان که هوای آنجا خوب است فدوی به آنجا رفته با نهایت دقت از جزئی و کلی امور جاریه و سیاسیات آنجا مطالعات و تحقیقات نموده، راپرت آن را معروض دارد. تصور می‌کنم با اسنادی که دولت علیه ایران راجع به استملاک بحرین در دست دارد با وضع بی‌ترتیبی فعلی آنجا و طلوع نقاضت و مخالفت که بین اهالی بحرین و طایفه بن‌سعود حاصل شده است، اگر یک نفر مفتّش یا مأمور ایران به آنجا برود و از اتباع ایران که در آنجا بدون سرپرست می‌باشند دلجویی نموده، به موافقت اهالی آنجا خیلی زود می‌شود موفقیت حاصل نمود و از قرار اطلاعات واصله اهالی بحرین نهایت رغبت و میل را دارند که در تحت حکومت ایران واقع شده تا جلوگیری از تعدیات و تجاوزات حقوقی که از طرف طایفهٔ بن‌سعود و جاهای دیگر نسبت به آنها می‌شود، به عمل آید و اگر اطمینانی از طرف اولیای دولت ایران حاصل نمود. رفع ناامیدی و یأس آنها بشود. خودشان از هرگونه اقدامی که اسباب پیشرفت کار شود مضایقه و خودداری نخواهند نمود، اطلاعاً عرض شد.

[پی نوشت:]

فرمودند جواب ندارد.

کارگذاری مهام خارجه عربستان
( و مدیریت سر سفاین )

نمره ۱۲۷۰ / ۲۷۶

تاریخ ۹ شهر ذیحجه سنه ۱۳۴۱
مطابق برج اسد تنگوزئیل ۱۳۰۲

ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

آقای آقا سید حسین ولد سید محمد روضه‌خوان بحرینی که اخیراً از بحرین به محمره آمده است تحقیقات ذیل را از مشارالیه نموده راپرت عرض می‌نمایم

در تاریخ ۱۹ رمضان امسال بین دو نفر حمال ایرانی و بحرینی در حین حمل یک لنگه بار تولید نزاع و کشمکش می‌شود حمال ایرانی می‌گوید من پیشتر آن لنگه بار را حمل می‌کنم حمال بحرینی اظهار می‌دارد که برای حمل آن نیم روپیه می‌گیرم این کشمکش دنباله پیدا نموده بهمین وسیله فیمابین عجم‌ها و بحرینی‌ها رشته عداوت محکم گشته حمال ایرانی به حاج [illegible] ولد کاظم که حاکم ایرانی‌ها در بحرین است تظلم و شکایت می‌نماید حاج مزبور به عجم‌ها اظهار داشت شما اگر می‌توانید با بحرینی‌ها جنگ کنید من هم نهایت مساعدت و تقویت را با شما می‌نمایم حمال بحرینی مراجعه نزد حاکم بحرین که عبدالعزیز نام (برادر شیخ عیسی) و از طایفه بنی سعود و فعلاً در بحرین برحسب ظاهر حکومت دارد و شکایت و تظلم می‌نماید حاکم مشارالیه موافقت و مساعدت کرده تقریباً شصت نفر جمعیت مسلح از طایفه بنی سعود تهیه نموده در (۲۰ رمضان) بین عجم‌ها و بحرینی‌ها جنگ شروع و نائره شرارت و خونریزی از طرف بنی سعود در شهر و دهات به نهایت شدت اشتعال یافت و این جمعیت مسلح به بحرین هجوم آورده بیست نفر مقتول شد و اغتشاش شد قونسولگری انگلیس حسب قرار [illegible] تا طرفین رفع از جنگ و مصالحه نمایند عجم‌ها که از مصالحه گریزان بوده تسلیم نشدند. پس از آنکه عده عجم‌ها به قونسولگری انگلیس رفته از طرف قونسولگری نسبت به آنها اظهار تقویت و مساعدت بعد از آن قونسول فرستاده [illegible] (اکه سیبی) عبدالعزیز حاکم بحرین را حاضر نموده [illegible] ساعت [illegible] ابلاغ داده است از این نفر جمعیتی [illegible] از طایفه بنی سعود [illegible] از بحرین خارج نمایند پس از آن قونسول بحرینی‌ها را [illegible] یک روپیه جریمه نمود رشته [illegible] قضیه [illegible] هم از طایفه بنی سعود گذشته چهار نفر از طایفه بنی سعود را [illegible]

تبعید نموده سبب از آن جهازات جنگ ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین حاضر شده سوار گشته با بنی سعود زد و خورد جنگ رد

گذاردند از طرف قونسولگری با احتمال اینکه مبادا اسباب جسارت شود جنگ را موقوف نمودند     از جمع ۱۸ نفر کشته و ۵۰ نفر

مجروح شدند از طایفه بنی سعود ۱۰ نفر کشته و ۵۰ نفر مجروح گردیده دیگر جمعیت جنگ طایفه بنی سعود را از بحرین خارج نموده فعلاً

حکومت بحرین با قونسولگری انگلیس است جهازات جنگ ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین ۲۱ نفر ایستاده [illegible] از بحرین

خارج شده است     [illegible] فعلی سرپره ۱۱ [illegible] بحرین و به جسر [illegible] گذاری [illegible] تا تحقیقات نموده راپرت

وقایع مهم این صفحات را بعرض برساند     هرگاه اولیای دولت علیه اجازه [illegible] میفرمایند چون از [illegible] تا بحرین شش روزه بلد

راه نیست در اداره [illegible] خوب است     فدوی [illegible] رفته با نهایت دقت از جزئی و کلی امور جاریه و سیاست اینجا

ملاحظات و تحقیقات نموده راپرت آن را معروض میدارد     تصدیق میکنم با اینکه در [illegible] دولت علیه ایران را تبعه که

بحرین [illegible] دارد با وضع [illegible] اینجا و طلوع [illegible] و مخالفت و بین اهالی بحرین و بنی سعود حاصل است اگر

[illegible] ماموران ایران اینجا بروند و از تبعه ایران [illegible] سرپرست [illegible] و جلوگیری نمایند [illegible] اهالی اینجا

جمع [illegible] میشود موفقیت [illegible] نمود     و از قرار اطلاعات جمیع اهالی بحرین نهایت رغبت را دارند که در تحت حکومت ایران

واقع شوند جلوگیری از تعدیات و تجاوزات حقوقی از طرف طایفه بنی سعود و جاهای دیگر [illegible] با اینها میشود میسر آید و اگر

الحمد [illegible] از طرف [illegible] دولت ایران [illegible] نموده رفع ناامیدی [illegible] آنها بشود خدمات از هرگونه برای اینها پیشرفت

کارپرداز [illegible] الاحقر [illegible]

[illegible]

نمره ۲۰ [illegible]

اداره [illegible]

۲۰ [illegible] ۰۲

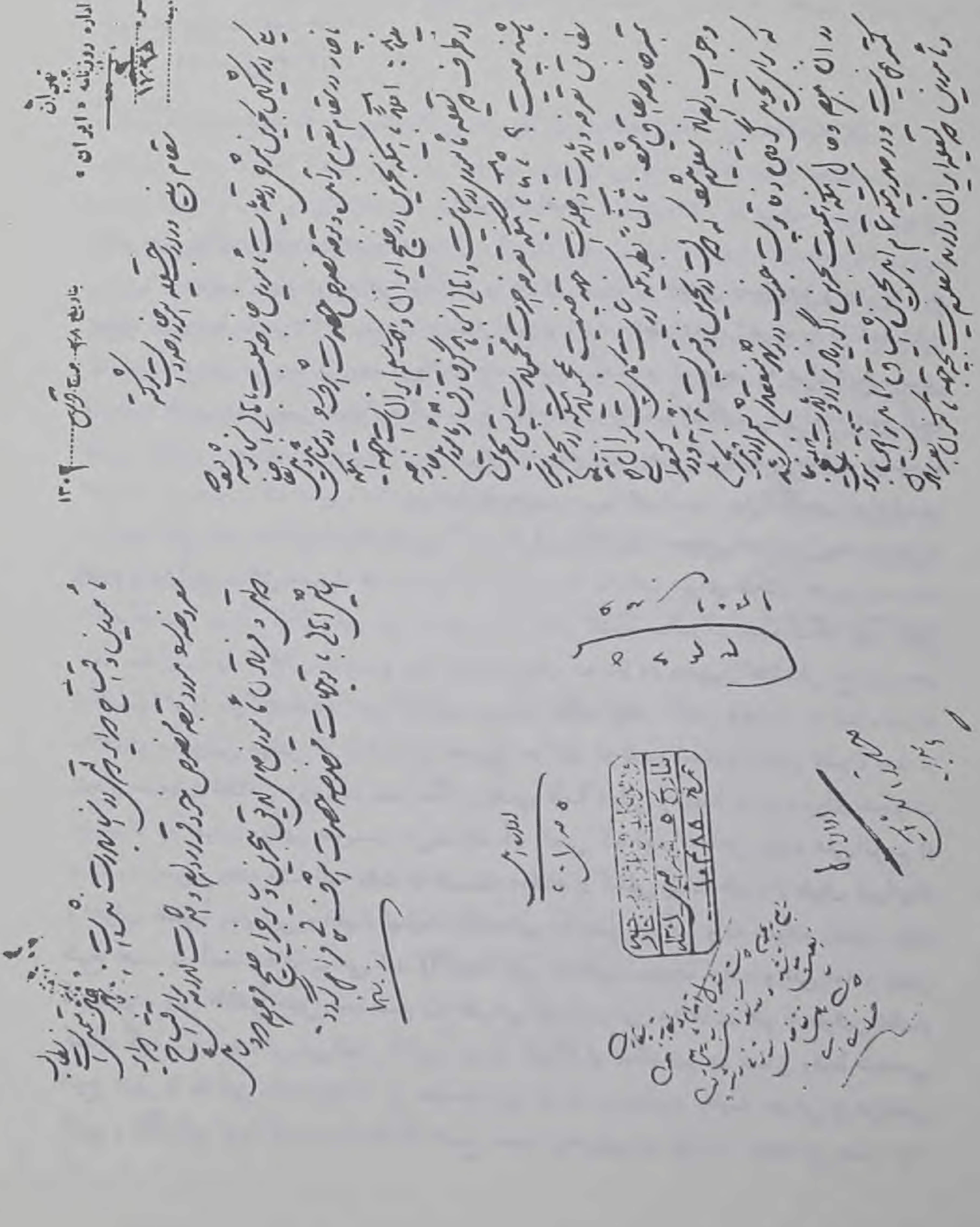
۱۸۸۵

۵۷

شماره: ۲۱
فرستنده: اداره روزنامه ایران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸قوس ۱۳۰۲
متن: سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته
یکی از ساکنین بحرین شرحی در تعدیات مأمورین خارجه نسبت به اهالی آنجا نوشته بود که ناچار در مقام تصدیع برآمده و توجه مخصوص حضرت اشرف را در مسائل ذیل تقاضا می‌نماید:
اولاً با اینکه بحرین در خلیج ایران و ملک مسلم ایران است جهت اینکه از طرف دولت علیه مأموری در آنجا نیست و اهالی آنجا باید گرفتار فشار مأمورین خارجه باشند، چیست؟؛ ثانیاً با اینکه تعرفهٔ اجرت محمولات پستی بحرین مطابق تعرفهٔ ولایات داخله است جهت چیست به محمولاتی که از بحرین می‌رسد تمبر خارجه الصاق می‌شود؛ ثالثاً به طوری که از ریاست کل پست سؤال شده و جواب داده‌اند معلوم می‌شود که دولت در بحرین دفتر پست نداشته و در کنفرانسی که برای تحویل گرفتن دفاتر پست جنوب در بوشهر منعقد شده اسمی از دفتر بحرین در آن نبوده و حال اینکه اهمیت بحرین اگر زیادتر از ولایات خلیج نباشد کمتر هم نیست و در صورتی که تمام اهل بحرین اشتیاق کامل به داشتن سرپرست و مأمورین دولت علیهٔ ایران دارند، معلوم نیست به چه جهت تاکنون به فرستادن مأمورین و افتتاح دوایر دولتی در آنجا مبادرت نشده است؟ به هر حال متمنی است مطالب معروضه را مورد توجه مخصوص خود قرار داده و اقدامات لازمه برای افتتاح دوایر دولتی و فرستادن مأمورین جدّی لایق به بحرین و سایر جزایر خلیج فرموده که وسایل آسایش اهالی با توجهات مخصوص حضرت اشرف عالی فراهم گردد.

[پی نوشت:]
راجع به بحرین دولت مشغول اقدام و مکاتبه با سفارت انگلیس می‌باشد و در کنفرانس بوشهر هم حق دولت برای تقاضای موقوفی دفتر پست حفظ شده است.


طهران
اداره روزنامه « ایران »

شماره: ۲۲
فرستنده: کارگذاری اوّل بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ حمل ۱۳۰۳
متن سند:

**محرمانه است**

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

اخبار و حوادث اتفاقیهٔ بحرین را در هر مورد به عرض رسانیده و چنانکه در ضمن معروضه نمرهٔ ۲۰۳۳ عرضه داشته است. اینک اطلاعات اخیره را با تحقیقات کامله به عرض می‌رساند: بعد از واقعهٔ ماه رمضان گذشته که منجر به عزل شیخ بحرین و نصب شیخ حمد پسر مشارالیه گردید و مداخلات مستقیم انگلیس در تمام امور آنجا تقرب اهالی و ساکنین بحرین اعم از ایرانیان و اعراب بومی که شیعی مذهب هستند و اعراب بنی عبوث که عشیرهٔ مشایخ حالیهٔ بحرین می‌باشد نسبت به انگلیس زیادشده‌و می‌شود شیخ حمد حاکم حالیهٔ بحرین که از طرف انگلیسها منصوب است با چند نفری از اقوام و مشایخ موافق معمول همه ساله در دو سه ماه قبل برای شکار آهوبره به بندر لنگه آمدند؛ در آن اوان یاور علی اصغرخان رئیس قشون بنادر در بندر لنگه بود. شیخ حمد مشارالیه را ملاقات نموده و بعد از چند روزی که باز در بحرین اغتشاش رخ می‌دهد انگلیسها او را حرکت داده، نمی‌گذارند در بندر لنگه توقف کند. (شاید به علت همان ملاقات مأمورین دولتی از او اسباب تسریع حرکت او شده است) رئیس قشون بعد از انجام خدمات نظامی خود، در بندر لنگه و تعمیر قلعهٔ دولتی و ابنیهٔ جدیده برای سکونت نظامیان به طرف بوشهر عزیمت می‌نماید آن کسی که او را حامل بوده علی‌الرسم از لنگه به بحرین رفته مشارالیه وقت را غنیمت داشته از کشتی پیاده شده از طرف ایرانیان و اعراب عموماً پذیرایی و اظهار نهایت شادمانی به عمل می‌آید و به عنوان بازدید بازار شیخ حمد در آنجا ملاقات می‌کند (اگرچه این مسافرت بدون اراده و علی‌العقله پیش آمده بود، ولی ظاهراً خیل مستحسن به نظر می‌آید) در این ملاقات هم از طرفین اظهار کمال گرمی و مهربانی می‌شود با این پست کارگذار لنگه نیز در ضمن رقعهٔ شخصی شرح ذیل را به این بنده نوشته و خواسته بود او را به وزارت جلیله معرفی و عرایض کتبی و تلگرافی او را که به واسطهٔ آقا شیخ احمد فرامرزی به وزارت جلیله می‌رسد مورد

اعتماد و اطمینان بدانند. من جمع‌الجهات وضعیات محلهٔ بحرین برای استیلای دولت علیه بسیار مساعد است مگر محظورات خارجی موقع را مقتضی ندانند.

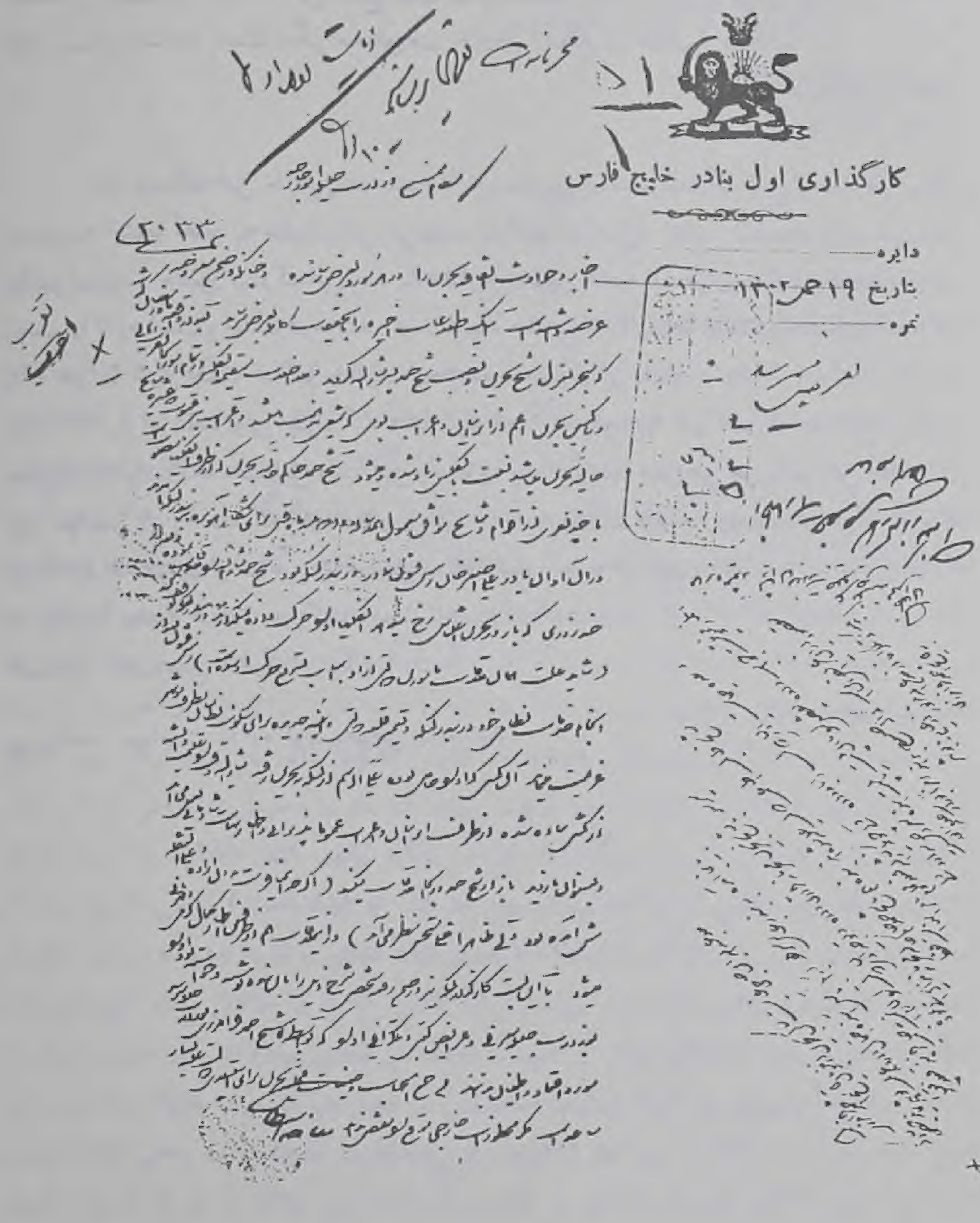
معاضه‌السلطان

ملا عبدالله ابن حاجی عنایت ساکن بحرین از منسوبان آقا شیخ احمد فرامرزی است، به اینجا آمده به بندرعباس می‌رود، در آنجا با میل، آینده احتمال دارد عزیمت بوشهر نماید. حضور مبارک می‌رسد با مشایخ بحرین محرمانه قراری داده و توجه اولیای دولت را لازم است، جلب فرمایند. فعلاً قبیلهٔ مشایخ طالب اطاعت دولت علیه شده‌اند بنده هم با شیخ حمد حاکم حالیه، محرمانه مذاکراتی نموده وعدهٔ حمایت اولیای دولت را به او داده ولی چون که مشارالیه فعلاً محکوم به امر آنها است، فقط اظهار ممنونیت جواب داده تفصیل را با این پست یا پست آینده معروض می‌دارد ولی مقصود از این عرایض این است که اگر صلاح بدانید رمزاً به وزارت جلیله راپورت بدهد که تلگرافاً از ملاعبداله مزبور از عباسی یا بوشهر به آقا شیخ احمد فرامرزی مخابره می‌شود و ایشان به وزارت جلیله عرض می‌کنند محل اطمینان است.

اظهارات خصوصی کارگذار لنگه است.

معاضه‌السلطان

پی‌نوشت: ریاست اداره اول بعرض برسانید



کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دایره

تاریخ ۱۹ حمل ۱۳۰۲

نمره

شماره: ۲۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۱۰ ثور ۱۳۰۳
نمره: ۱۱۶۶
متن سند:

موافق اطلاعی که به وزارت امور خارجه رسیده است، رئیس قشون جنوب در موقع عبور از لنگه به بوشهر در بحرین پیاده شده و با احمدبن‌عیسی، حکومت بحرین ملاقات نموده و ایرانیان آنجا نیز از رئیس قشون ملاقات کرده‌اند علی‌هذا متمنی است، قدغن فرمایند رئیس قشون جنوب راپورت این مسافرت و مدتی را که در بحرین توقف نموده به انضمام اطلاعاتی که از احساسات و توجهات اهالی و ایرانیان بحرین تحصیل کرده است، به توسط آن وزارت جلیله به وزارت امور خارجه بفرستند که استحضار حاصل شود.

۴ نمونه (۳)

نمرهٔ عمومی ۱۱۶۶
نمرهٔ خصوصی
کارتن ۱۵۱
دوسیه ۱۷

نوع مسوده بوزارت [illegible]
موضوع مسوده
ضمیمه
مسئول پاکنویس

وزارت امور خارجه
اداره [illegible]
دایر به

تاریخ پاکنویس — برج ... تاریخ ثبت [illegible] برج ... تاریخ تحریر ... برج ... تاریخ خروج [illegible] برج [illegible] ئیل ۱۳۰

راپرت اطلاعاتی که بوزارت امور خارجه رسیده است رئیس قشون
جنوب در موقع عبور از لنگه ~~[illegible]~~ به دو شهر در بحرین پیاده شده
و با اجازه حکومت بحرین مقدمات [illegible] ایرانیان آنجا [illegible]
رئیس قشون مقدمات [illegible] که از عهده [illegible] است تدارک و آماده [illegible] رئیس
قشون جنوب راپرت [illegible] ساخت و وعده داده در بحرین
ترتیب [illegible] ~~[illegible]~~ با نظام [illegible] اطلاعات
[illegible] احساسات [illegible] اهالی و ایرانیان بحرین [illegible]
[illegible] از وزارت جلیله بوزارت امور خارجه نوشته شده [illegible] گردد

[illegible]

[illegible]

شماره: ۲۴
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ ثور ۱۳۰۳
نمره ۴۸۷
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

برطبق مرقومهٔ محترمهٔ نمرهٔ ۱۱۶۶ اینک سواد راپورت رئیس گردان بنادر را که قبلاً به وزارت جنگ رسیده بود، برای استحضار خاطر محترم تلواً ایفاد می‌دارد.

رئیس ارکان حرب کل قشون

**راپورت رئیس ساخلو بندر لنگه**

پس از حرکت از بندر لنگه نظر به اینکه در زمان توقف در لنگه شیخ حمد خلیفه یا (سلطان) بحرین که به عزم شکار در آن بندر آمده بود به دیدن بنده آمده و خیلی اظهار مسرّت از ورود نظامیان به بنادر و مخصوصاً ساختن سربازخانهٔ جدید نمود ولی به محض اینکه انگلیسها از ملاقات مشارالیه با بنده مطلع شدند به عناوین مختلف که در بحرین نزاع سخت شده و وجود شما فوق‌العاده لازم است، مشارالیه را بفوریت با متور (کشتی جنگی) (لاربس) به طرف بحرین حرکت داده و از ملاقات او با این بنده فوق‌العاده نگران بودند. لذا پس از حرکت از بندر لنگه در موقع توقف کشتی در بحرین این بنده نیز از نقطه‌نظر سیاست لازم دانستم که در این چند ساعتی که کشتی توقف در ساحل بحرین دارد، بازدیدی از شیخ حمد سلطان بحرین نموده باشم. لذا در بحرین پیاده شده و زمان ورود ایرانیان حساس که بالغ بر دوازده‌هزار نفر می‌باشند و مدتها آرزو داشتند که یک نفر از صاحب‌منصبان قشونی ایران را ببینند به استقبال آمده و یک مرتبه در شهر فریاد هلهلهٔ زنده‌باد فرماندهٔ قشون نیرومند ایران، زنده‌باد ریاست قشون فارس و بنادر، بلند شده حتی پلیسها تمام با صدای بلند زنده‌باد گفتند و هورا می‌کشیدند حقیقتاً با یک حرارت فوق‌العاده استقبال نمود و بنده هم اول برای تشویق از عموم اهالی اظهار قدردانی کرده و بعد به مدرسهٔ اتحادیهٔ ایرانیان بحرین رفته و در آنجا نیز از طرف اطفال

مدرسه سرودی خوانده شد که عین آن نیز لفاً تقدیم گردید پس از آن هرچه جاسوسان انگلیس که در اطراف به اشکال مختلف در آمده و می‌خواستند بلکه قسمی شود که بنده با شیخ حمد خلیفه ملاقات ننمایم، اگرچه شیخ هم در سخیر که پانزده میلی بحرین است، بود. ولی باز بفوریت اتومبیل سوار شده و به دیدن مشارالیه رفتم. حقیقتاً می‌توان امیدوار بود از احساسات ایرانیان حساس بحرین چون در حدود پارهٔ مذاکرات که با ایشان شد حاضرندکه اکتفا به یک اجازه از طرف دولت نمایند و چنانچه حقیقتاً امری از طرف دولت به ایرانیان بحرین صادر شود، می‌توان گفت دولت ایران در بحرین دوازده‌هزار نفر قشون مسلح خواهد داشت که خودشان انگلیسها را خارج نمایند و شیخ حمد خلیفه هم که فوق العاده طرفدار تبعیت ایرانی و از انگلیسها متاذی است و قول داده است که در آتیه مرتباً داخل مکاتبات با بنده شده و فدوی را از حقایق اتفاقات بحرین آگاه سازد، چون پیش از این مداخله در این موضوع مهم از وظیفهٔ این بنده خارج است، لذا راپورتهای خود را تا همین درجه مکفی و بقیه را موکول به نظریه و پیشنهاد ریاست محترم در نزد اولیای دولت می‌دانم در خاتمه اهالی بحرین درخواست مجلهٔ قشون از این بنده نموده‌اند چنانچه اجازه فرمایند برای آنها مرتباً ارسال شود. علی‌اصغر و نیز از بندر لنگه جمعهٔ قبل روز حرکت مهمانی از هزار نفر فقرا نموده در سربازخانه نهار داده شد. مخارج دعوت را نیز آقا سید یوسف تاجر بحرینی متقبل گردید و این قسم مهمانی خیلی جالب توجه عموم اهالی گردید. (علی‌اصغر)

سواد مطابق سواد واصله است

وزارت جلیله جنگ

اداره [illegible]

دائره [illegible]

نمره ۴۸۷

تاریخ ۱۸ برج [illegible] ئیل ۱۳۰۳

ضمیمه [illegible]

[illegible]

برطبق مراسله محترمه نمره (۱۱۹۶) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۳

بعرض رسید

۵ ثور ۱۳۰۲

[illegible]

۱۹ [illegible]

وزارت جنگ

سواد راپورت ریاست سرحد بندر لنگه

مورخه ــــــــــ

نمره ــــــــــ

پس از حرکت از بندر لنگه نظر باینکه در زمان توقف در لنگه شیخ حمد خلیفه یا (سلطان) بحرین که بعزم شکار
در آن بندر آمده بود بدیدن بنده آمده و خیلی اظهار مسرت از ورود نظامیان به بنادر و مخصوصاً ساختمان
سربازخانه جدید نمود ولی بمحض اینکه انگلیسها از ملاقات مشارالیه با بنده مطلع شدند به عناوین مختلف که در بحرین
نزاع سخت شده و وجود شما فوق العاده لازم است مشارالیه را بالفوریت با موتور (کشتی فنگ) (هدرسن)
بطرف بحرین حرکت داده و از ملاقات او با این بنده فوق العاده نگران بودند لذا پس از حرکت از بندر لنگه
در موقع توقف کشتی در بحرین این بنده نیز از نقطه نظر سیاست لازم دانستم که در این چند ساعتی که کشتی توقف
در سواحل بحرین دارد بازدیدی از شیخ حمد سلطان بحرین نموده باشم لذا در بحرین پیاده شده و زمان ورود ایرانیان
هائی که بالغ بر چهارده هزار نفر میشدند [illegible] آرزو داشتند که یکنفر از صاحبمنصبان قشون ایران را ببینند
باستقبال آمده و چندین مرتبه در شهر فریاد اعلیحضرت زنده باد فرمانده قشون نیرومند ایران زنده باد ریاست قشون
فارس و بنادر بلند شده حتی پلیسهای تمام با صدای بلند زنده باد گفته و هورا میکشیدند حقیقتاً با یک حرارت
فوق العاده استقبال نمود و بنده هم اتی برای تشویق از عموم اهالی اظهار قدردانی کرده و بعد بمدرسه اکادیه

وزارت جنگ

سواد ______

مورخه ______

نمره ______

ص ۲

ایرانیان بحرین رفته و در آنجا نیز از طرف اطفال مدرسه سرودی خوانده شد که عین آن نیز لفاً تقدیم گردید
پس از آن هرچه جاسوسان انگلیس که در اطراف با اشکال مختلف درآمده و میخواستند بلکه قسمی شود که بنده
با شیخ حمد خلیفه ملاقات نمایم اگرچه شیخ هم در سفری که پانزده میلی بحرین است بود ولی باز بفوریت اتومبیل
سوار شده و بدیدن [illegible] حقیقتاً میتوان امیدوار بود از احساسات ایرانیان ساکن بحرین چون در حدود
پاره مذاکرات که با ایشان شد حاضرند که اکتفا بیک اجازه از طرف دولت نمایند و چنانچه حقیقتاً امری
از طرف دولت با ایرانیان بحرین اظهار شود میتوان گفت دولت ایران در بحرین دوازده هزار نفر قشون
مسلح خواهد داشت که خودشان انگلیسها را خارج نمایند و شیخ حمد خلیفه هم فوق العاده طرفدار تبعیت ایرانی
و از انگلیسها متنفر است و قول داده است که در آتیه مرتباً داخل مکاتبات با بنده شده و قضایا را از
حقایق اتفاقات بحرین آگاه سازد - چون بیش از این مداخله در این موضوع مهم از وظیفه این
بنده خارج است لذا راپورت خود را تا همین درجه ملغی و بقیه را موکول به نظریه و پیشنهاد ریاست محترم
[illegible] نزد اولیای دولت میدانم در خاتمه اهالی بحرین درخواست حمله قشون از این بنده نموده اند

وزارت جنگ

سواد ——————

مورخه ——————

نمره ——————

ص ۳

چنانچه اجازه فرمائید برای آنها مرتباً ارسال شود ۱۲ صفر ونیز از بندر لنگه جمعه قبلی روز حرکت
مهمانی از هزار نفر فقرا نموده در سربازخانه نهار داده شد خارج دعوت را نیز آقا سید یوسف تاجر
بحرینی متقبل گردید واین قسم مهمانی خیلی جالب توجه عموم اهالی گردید ۱۲ صفر )

سواد مطابق سواد اصل است

شماره: ۲۵
فرستنده: کارگذاری مهام خارجهٔ عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ سرطان ۱۳۰۳
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

از وقتی که فدوی محمره آمده، کوشش کرده است که نسبت به اهالی بحرین معاملات ایرانی به عمل آمده و جلوگیری از مداخلات مأمورین انگلیس در امور آنها بنماید و به وسایل مختلفهٔ آنها را به ایرانیت ترغیب و تشویق نموده. حالا اکثر آنها در موقع مسافرت به کارگذاری مراجعه نموده تذکرهٔ ایرانی می‌گیرند و وقتی هم که می‌خواهند به بحرین مراجعت نمایند، مثل سایر بنادر داخله ایران ورقهٔ جواز مسافرت به آنها داده می‌شود و چون این ترتیب به جریان افتاده، قونسولگری انگلیس هم تذاکری که به اهالی بحرین داده می‌شود امضا و ویزا می‌نماید و در بحرین هم با همان ورقه جواز مسافرت اجازه ورود می‌دهند و اخیراً عده‌ای از بحرینی‌ها برای عزیمت به عتبات عالیات به کارگذاری مراجعه و تقاضای گرفتن تذکره نمودند؛ فدوی حسب‌الامر به آنها تذکره نداد بعد شنید به قونسولگری انگلیس رفته‌تذکرهٔ‌انگلیسی بگیرند. قونسولگری از دادن تذکره استنکاف نموده و به آنها نداده است اطلاعاً عرض و در صورتی که تعلیمات دیگری باشد، مرحمت فرمایند که از همان قرار رفتار شود. امر امر مبارک است.

کارگذاری مهام خارجه عربستان

نمره ۳۵۸

بتاریخ شهر سنه ۱۳
مطابق ۱۸ برج سرطان ئیل ۱۳۰۳
ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

از وقتی که عده‌ای [illegible] آمده گزارش کمپانی نفت به اهالی بومی [illegible] ایرانی یعنی آمده و کارگری [illegible]
مأمورین انگلیسی که در [illegible] باید در سایر محلها آنها را به ایرانیت ترغیب و تشویق نموده حالا اکثر آنها در [illegible]
به کارگذاری مراجعه نموده تذکره ایرانی میگیرند و وقتی هم که میخواهند به بومی مراجعت نمایند [illegible] باید از داخله ایران
در [illegible] جواز مسافرت به آنها داده شده و چنین این ترتیب برپا افتاده قونسولگری انگلیس [illegible] [illegible] مبلغ
از آنها [illegible] هم با ۵ [illegible] جواز مسافرت اجازه [illegible] عده‌ای [illegible]
به عنوان [illegible] به کارگذاری مراجعه و تقاضای [illegible] تذکره نموده [illegible] آنها تذکره نداده [illegible] قونسولگری انگلیس
رفته تذکره انگلیسی بگیرند قونسولگری از دادن تذکره [illegible] نموده و به آنها نداده است البته [illegible] عرض [illegible]
مرحمت فرمایند [illegible] امر امر مبارک است [illegible]

[illegible]

۱۳۰۷
[illegible]

شماره: ۲۶
فرستنده: کارگذاری اوّل بنادر و جزایر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲ اسد ۱۳۰۳
نمره: ۶۸۰
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

متعاقب معروضهٔ مورخهٔ امروز نمرهٔ (۶۷۹) عرضه می‌دارد و اگرچه هنوز معلوم نیست، انگلیسها شیخ بحرین‌را به‌چه ملاحظه بوشهر آورده، در اینجا از او پذیرایی می‌کنند؛ کمترین ملاحظهٔ پلتیکی که در این امر متصور است یکی آن است که قدرت و استیلای خود را در سواحل این طرف می‌خواهند به او بفهمانند، دیگر اینکه در نقطه‌ای که او را پیاده می‌کنند تا عمارت جنرال قونسول تقریباً یک میل مسافت دارد از نقطهٔ اول که پا به ساحل می‌گذارد، تا به عمارت جنرال قونسول برسد، تمام مؤسسهٔ انگلیس [ را] مشاهده می‌کند (کارخانهٔ تقطیر آب، کارخانهٔ یخ‌سازی، کارخانه چراغ برق، عمارات متعددهٔ تلگرافخانه، دستگاه عظیم تلگراف، بی‌سیم، جایگاه سپاهیان هندی که فعلاً دو ثلث آن خالی و ثلث دیگر سربازان هندی جای دارند، عمارت کلوب که این امر خود یکی از شاهکارهای سیاسی انگلیس است که عرب بیچاره را بیشتر مرعوب و به ا و بنمایانند) این طرف خلیج هم مانند بحرین در تحت مؤسسات و استیلای انگلیس است و اگر به واسطهٔ هیجانات اهالی و رغبت آنها به دولت علیه تمایلی به ایران داشته باشد، به کلی محو و زایل سازند.

معاضه السطان

[illegible]

کارگذاری اول بنادر و جزایر خلیج فارس

دایره

بتاریخ ۲ [illegible] / ۱۳۰۳

نمره ۶۸۰

وزارت جلیله امور خارجه

تعقیب مرقومه مورخه [illegible] نمره (۷۹ [illegible]) [illegible]

انگلیسها شیخ بحرین را که مطلقا زیر اداره درآورده [illegible] [illegible]

[illegible] مطلقا [illegible] از تصرفات [illegible] است [illegible]

[illegible] دیگر هم [illegible] [illegible]

جزایر قزل تقریبا یک [illegible] دارد از نقطه اول [illegible]

تجارت جزایر قزل [illegible] تمام موسسه انگلیسها [illegible]

[illegible] کارخانه [illegible] کارخانه چراغ برق [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۲۷
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ اسد ۱۳۰۳
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

شیخ احمد ولیعهد شیخ بحرین، با چند نفر از بستگان خود هفتهٔ گذشته با کشتی لورنس (کشتی مخصوص سرویس خلیج فارس) انگلیسی وارد بصره شده جمعی از اعیان شهر و مأمورین انگلیس از او دیدن نمودند و چند روزی در بصره توقف داشت و مفتش پولیس کپتان کویت همه جا همراه او بوده. بعضی ها می گویند برای قضیهٔ نفت بحرین بصـــره آمده و پاره‌ای می‌گویند به او تکلیف شده، لندن برود. اگر شایعهٔ اخیر مقرون به صحت باشد، البته در لندن یک قراردادی با او خواهند بست و چون دولت ایران بر بحرین ادعا دارد، نباید در این مسئله بی‌طرف بماند اطلاعاً عرض شد.

چاکر

محمد حسن بدیع

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

مورخه ۱۴ اسفند ۱۳۰۳

نمره ۳۶۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

شیخ احمد ولیعهد شیخ بحرین با چند نفر از بستگان خود هفته گذشته با کشتی لورنس (کشتی مخصوص
سرویس خلیج فارس) انگلیسی وارد بصره شده و جمعی از اعیان شهر و مامورین انگلیس از او دیدن
نمودند و چند روزی در بصره توقف داشت و نقشه نویس کمپانی گوت همه جا
همراه او بود بعضیها میگویند برای قضیه نفت بحرین بصره آمده و بعضیها میگویند
باو تکلیف شده لندن برود اگر شایعه اخیر مقرون به صحت باشد البته در لندن
یک قرار دادی با او خواهند بست و چون دولت ایران به بحرین ادعا دارد
نباید در این مسئله بیطرف باشد اطلاعاً عرض شد

چاکر

شماره: ۲۸
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۰ جدی ۱۳۰۳
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه
تلگرافاً خاطر محترم را مستحضر داشت که در روزنامهٔ تایمز اشاره به عهدنامهٔ بین ابن‌سعود امیر نجد و دولت انگلیس شده است که در هشت سال قبل امضا شده و ابن‌سعود متعهد شده که به‌امورات بحرین و کویت مداخله ننموده، استقلال آنها را احترام نماید و دولت انگلیس خود نیز با بحرین و عمان و کویت در مواقع مختلفه قراردادهایی بسته است.

در این وقت هم که پست عازم است مجدداً برای مزید استحضار خاطر محترم تصدیع می‌دهد که مطلب فوق چندی قبل در روزنامهٔ تایمز درج شده بود، ولی چون در جزو اخبارات ایران منتشر نشده و مربوط به‌عربستان بود، لهذا در بدو امر توجه سفارت به آن جلب نشده بود ولی بعد از آنکه متوجه آن گردید، فوراً با تلگراف رمز خاطر مبارک را مستحضر داشت که هر اقدامی را مقتضی و صلاح دانند به موقع اجرا بیاید. اینک هم عین قطعهٔ روزنامه تایمز را لفاً ارسال می‌دارد که اشارهٔ که تایمز نموده است از نظر مبارک بگذرد.

داود مفتاح

ترجمهٔ جریده تایمز مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۲۴
شرایط معاهدهٔ انگلستان و وهابی‌ها

تشویش خاطر مسلمین که مبادا (بن‌سعود) سلطان فاتح وهابی‌های نجد در امور مسافرت حجاج مکه و مدینه مداخله نموده و یا از آنها جلوگیری نماید، باید از استحضار به پاره‌ای مواد عهدنامهٔ بین انگلستان و سلطان مذکور تا حدی تخفیف حاصل کند. معاهدهٔ مزبور در تاریخ ۲۶ دسامبر سنه ۱۹۱۵ بین (سرپرسی کاکس) وزیر مقیم انگلستان در خلیج و سلطان نجد انعقاد یافته و در تاریخ ۱۸ ژوئیهٔ سنهٔ ۱۹۱۶ از طرف نایب‌السلطنه هندوستان و حکومت آنجا تصویب گشت.

به موجب مادهٔ ۵ عهدنامهٔ سلطان نجد و مضافات آنجا یعنی **(قطیف)**، (الحصا)، و(جلبیل) بانهایت صراحت متعهد شده است که جاده‌های اماکن مشرفّه را که در خاک وی واقع است، مفتوح نگاه داشته و حجاج را حفظ و حراست نماید و تاکنون هم علامت و آثاری ظاهر نشده است از اینکه سلطان مذکور از رعایت مواد معاهده منصرف شده باشد.

علاوه بر این، نکتهٔ جالب توجه دیگر معاهدهٔ مزبوره آن است که سلطان نجد متعهد شده است، استقلال و اراضی مشایخ (کویت)، بحرین، عمان، و قطّار را که دولت انگلیس چندین مرتبه با آنها عهدنامه منعقد ساخته است، محترم شمارد.

سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در لندن

نمره ۷۰۱/۳۰۲

مورخه ۳۰ ... ۱۳۰۳

۱۰ ژانویه ۱۹۲۵

ضمیمه ۱

وزارت جلیله امور خارجه

تلگرافاً خاطر محترم را مستحضر داشت که در روزنامه تایمز اشاره بعهدنامه بین ابن سعود امیر نجد و دولت انگلیس شده است که در هشت سال قبل امضی شده و ابن سعود متعهد شده که با امرات بحرین و کویت مداخله ننموده استقلال آنها را احترام نماید و دولت انگلیس خود نیز با بحرین و عمان و کویت در مواقع مختلفه قراردادهائی بسته است .

در این وقت هم که پست عازم است مجدداً برای مزید استحضار خاطر محترم تصدیع میدهد که مطلب فوق چندی قبل در روزنامه تایمز درج شده بود ولی چون در جزو اخبارات ایران منتشر نشده و مربوط به عربستان بود لهذا در بدو امر توجه سفارت بآن جلب نشده بود ولی بعد از آنکه متوجه آن گردید فوراً با تلگراف رمز خاطر مبارک را مستحضر داشت که هر اقدامی را مقتضی و صلاح دانند بموقع اجرا بیاید . اینک هم عین قطعه روزنامه تایمز را لفاً ارسال میدارد که اشاره‌ئی که تایمز نموده است از نظر مبارک بگذرد

۱۱ ... ۱۳۰۴

۲۱۴۵۴

G.S. S.-160

نمونه [۵۸]

دارالترجمه وزارت امور خارجه

ترجمه ورقه تایپ مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۲۴

شرایط معاهده انگلستان و وهابیها

تشویش خاطر مسلمین که مبادا (ابن سعود) سلطان فاتح وهابی‌های نجد در موقع مسافرت حجاج که به مدینه منوره و مکه معظمه میروند از آنها جلوگیری نماید باید از اشعار به مواد عهدنامه بین انگلستان و سلطان مذکور تا حدی تخفیف حاصل کند. معاهده مزبوره در تاریخ ۲۶ دسامبر سنه ۱۹۱۵ بین (سر پرسی کاکس) وزیر مقیم انگلستان در خلیج و سلطان نجد انعقاد یافته و در تاریخ ۱۸ ژوئیه سنه ۱۹۱۶ از طرف نایب السلطنه هندوستان و حکومت انگلیس به تصویب گذشت.

بموجب ماده ۵ عهدنامه سلطان نجد و متصرفات او یعنی (قطیف) ، (الحساء) ، و (جُبیل) با نهایت صراحت متعهد شده است که جاده‌های اماکن مشرفه را که در خاک وی واقع است مفتوح نگاه داشته و حجاج را حفظ و حراست نماید و تاکنون هم علامت و آثاری ظاهر نشده است لذا اینکه سلطان مذکور از رعایت مواد معاهده منصرف شده باشد.

علاوه براین نکته جالب توجه دیگر معاهده مزبوره است که سلطان نجد متعهد شده است استقلال و اراضی شیخ (کویت) ، بحرین ، عمان ، و قطر را که دولت انگلیس چندین مرتبه با آنها عهدنامه منعقد ساخته است محترم شمارد.

شماره: ۲۹
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۴
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چند روز قبل در بصره در کشتی لورنس که یکی از کشتی‌های نقالهٔ حکومت انگلیس در خلیج فارس است، کنفرانسی داده شد و اشخاصی که در آن مجلس حضور داشته و اجزای کنفرانس بوده‌اند: شیخ بحرین و قونسول انگلیس در بحرین و شیخ کویت و قونسول انگلیس در کویت و شیخ ابراهیم شیخ سابق زبیر و سید طالب پاشا از اعیان بصره و میجر ویلسن مفتش اداری بصره و احمد پاشا متصرف بصره و چند نفر از مأمورین سیاسی و نظامی انگلیس بوده‌اند، موضوع مشاورهٔ آنها هیچ معلوم نشد، چون خیلی به طور محرمانه بود ولی آنچه مردم حدس می‌زنند و در اطراف این کنفرانس مذاکره می کنند، یکی راجع به قضیهٔ موصل و اتخاذ تدابیر احتیاطی در مقابل حملات متصورهٔ ترکهاست و دیگری راجع به انفصال بصره از حکومت عراق است و می‌خواهند کویت و بحرین و حسا و قطیف را ضمیمهٔ بصره نمایند و یک حاکمی به نام خدیو برای بصره معین کنند و احتمال می‌رود سید طالب پاشا به سمت خدیوی معین شود و حکومت ملک فیصل در عراق منحصر بر بغداد و موصل باشد و اگر این نظریه از قوه به فعل آید، دولت نباید حقوق خود را راجع به بحرین فراموش بفرماید، چون لازم بود عرض شد.

چاکر

محمد حسن بدیع

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

بتاریخ ۲۱ برج اردیبهشت اوود ئیل ۱۳۰۴

نمره ۱۶۴ ضمیمه

[illegible]

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

چند روز قبل در بصره در کشتی لورنس که یکی از کشتیهای متعلقه به حکومت
انگلیس در خلیج فارس است کنفرانسی داده که [illegible] در آن حضور
داشته و اعضای کنفرانس بوده اند شیخ بحرین و قونسول انگلیس در بحرین
و شیخ کویت و قونسول انگلیس در کویت و شیخ [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] سید طالب پاشا از اعیان بصره و مستر [illegible] مستشار اداری
بصره و احمد پاشا [illegible] بصره و چند نفر از مامورین سیاسی و نظامی
انگلیس بوده اند موضوع و آنچه معلوم شده چون خلیج
بطور انحصار به یک دولت راجع [illegible] مردم [illegible] و در اطراف

در صفحه [illegible] ۲/۱۸

این کنفرانس مذاکره میکنند که راجع بقضیه بحرین و آنچه
در اثر [illegible] در مقابل حملات [illegible] اتخاذ [illegible]
راجع بانفصال بصره از حکومت عراق است و [illegible]
و بحرین و قطیف را ضمیمه بصره نمایند و یک حاکم نام
[illegible] برای بصره معین کنند و احتمال میرود سید طالب پاشا
بسمت مذکور معین شود [illegible] ملک فیصل در عراق
منحصر به بغداد و موصل باشد و اگر این نظریه از قوه به فعل آید
دولت باید حقوق خود را راجع به بحرین فراموش ننماید

[illegible]

[illegible]

شماره: ۳۰
فرستنده: ژنرال قونسولگری دولت علیهٔ ایران در شام
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۲صفر ۱۳۴۴ (۱۵ شهریور ۱۳۰۴)
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً به عرض مبارک می‌رساند، چند روز است پسر و برادر امیر بحرین با چند نفر از حاشیهٔ خود به شام وارد و عازم لندن هستند، مشهور است که برای مشاهدهٔ اکسپوزسیون وامبلی به لندن می‌روند و چند روزی درشام توقف خواهند نمود. نظر به اینکه چندی پیش مطلبی راجع به بحرین در روزنامه‌جات طهران مطالعه شد، تصور می‌رود که این مسافرت این اشخاص تعلق به همان مطلب داشته باشد و اکسپوزسیون وامبلی شهرت بی‌اساس است. دیگر امر امر مبارک است.

فدوی
حبیب‌الله هویدا

ژنرال قنسولگری دولت علیه ایران

۱۵ شهریور ۱۳۰۴

۱۲ صفر ۱۳۴۴

نمره ۱۲۶

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً بعرض مبارک میرساند چندروز است پسر و برادر امیر بحرین با چند نفر از حاشیه خود بشام وارد و عازم لندن هستند مشهور است که بجهت شکایت از کمیسیون واسطی بلندن میروند و چندروزی در شام توقف خواهند نمود نظر باینکه چندی پیش مطلبی راجع به بحرین در روزنامه جات طهران مطالعه شد تصور میرود این مسافرت این اشخاص تعلق بهمان مطلب داشته باشد و کمیسیون واسطی شهرت بی اساس است دیگر امر امر مبارک است

فدوی

[illegible]

[illegible]

شماره: ۳۱
فرستنده: وزارت دربار پهلوی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ آبان ۱۳۰۶
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه
متمنی است جواباً معلوم فرمایند که آیا برطبق تصمیم هیئت محترم دولت در باب بحرین به جامعهٔ ملل اعتراض شده است یا خیر.
وزیر دربار پهلوی ــ تیمور تاش

وزارت دربار پهلوی

اداره کابینه

نمره ۴۰۴۸

تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۰۶

ضمیمه

وزارت جلیله امور خارجه

تمنی است جواباً معلوم فرمائید ۵ آبان برطبق تصمیم هیئت محترم

دولت وزیر … بنامه … اعتراض شده است یا خیر

وزیر دربار پهلوی تیمورتاش

شماره: ۳۲
فرستنده: ترجمه توسط ادارهٔ کابینهٔ دایرهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷
متن سند:

ترجمه از (تیمز) لندن ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷
وضعیت بحرین

اعتراض ایران (از مخبر ما در جامعهٔ ملل)
ژنو ۲۸ دسامبر

منشی کل جامعهٔ ملل برحسب تقاضای وزیر خارجهٔ ایران، یک فقره اعتراضنامه که به دولت انگلیس برای حفظ حقوق مسلمهٔ ایران بر جزایر بحرین داده است، بین اعضای جامعه انتشار داده است. این اعتراض مبتنی بر مادهٔ شش عهدنامه که در جده بین انگلستان و حجاز در ۲۰ مه ۱۹۲۷ امضا شده می‌باشد. متن اعتراض مورخهٔ ۲۲ نوامبر که به عنوان سرهنری کلایو وزیرمختار انگلیس در طهران فرستاده شده، به قرار ذیل است.

برطبق اطلاعی که به دولت ایران رسیده، مادهٔ ششم عهدنامه که بین سلطان عبدالعزیز ابن سعود و دولت انگلستان در جده در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ به امضا رسیده، از این قرار است: پادشاه حجاز و نجد و توابع متعهد می‌شود که با اراضی کویت و بحرین و شیوخ کاتار و سواحل عمان که روابط عهدنامه مخصوص با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دارند روابط صلح و دوستی را حفظ نماید.

چون بحرین بدون معارضه یکی از مستملکات ایران است و در موقع انعقاد قرارداد مخصوص بین دولت انگلستان و شیوخ بحرین دولت ایران حقاً به این قرارداد اعتراض نمود و لردکلارندن در جواب خود به وزیرمختار ایران در لندن مورخهٔ ۲۹آوریل ۱۸۶۹ رسماً حقانیت آن اعتراض را تصدیق نمود. جنابعالی تصدیق می‌نمایید، که قسمتی از مادهٔ فوق‌الذکر که راجع به بحرین است، تخطی به تمامیت ارضی ایران محسوب شده و با روابط دوستی که همیشه مابین دو همسایه دوست وجود داشته، منافات دارد. لهذا دولت ایران قویاً به قسمتی از عهدنامه که ذکر شد اعتراض نموده، و از دولت انگلستان انتظار دارد که بدون تأخیر اقدامات لازمه در خنثی‌نمودن اثر آن

بنماید. برای اطلاع جنابعالی اضافه می‌نمایم که چون ایران عضو جامعهٔ ملل است برطبق مادهٔ ده اساسنامهٔ جامعه که تمامیت ارضی دول عضو جامعه را تأمین می‌نماید. یک نسخه ازاین مراسله را به جامعه فرستاده است، تا این اعتراض به اطلاع آنها برسد.
امضا: پاکروان کفیل وزارت خارجه

بحرین یک مملکت جزیره است که عبارت از پنج جزیره می‌باشد و ۱۲,۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در خلیج‌فارس به فاصلهٔ ۱۵ الی ۲۰میل از سواحل عربستان واقع است. امیر آن شیخ عیسی‌بن علی‌الخلیفه (صاحب نشان امپراطوری هندوستان و نشان ستارهٔ هند) است، که با رابطهٔ عهدنامه با حکومت هندوستان دارد و این امتیاز حق یازده تیر توپ به جناب ایشان می‌دهد و یک نفر آژان سیاسی (ماژور س.س.بارت) که دارای حقوق قضایی وسیعی است در منامه پایتخت آنجا توقف دارد. به مناسبت کهولت شیخ نیابت امارت به پسر شیخ حمدبن‌عیسی واگذار شده که حق شلیک پنج تیر توپ در محل برای مشارالیه داده شده. در نیم قرن گذشته اهالی بحرین در خارجه از حقوق محافظت قونسولی انگلیسی برخوردار شده‌اند.

در قرن ۱۶ پرتقالی‌ها جزایر بحرین را متصرف شدند ولی در ۱۶۰۲ ایرانی‌ها آنها را بیرون کردند.

در ۱۷۸۳ اعراب (اتابی) جزیره را فتح نمودند و در سنهٔ ۱۸۰۰ امام مسقط آن را از تصرف اتابی‌ها خارج نمود. یک سال بعد امام را وهابی‌ها خارج نمودند و جزایر را تا ۱۸۱۱ در دست داشتند و در آن موقع دو مرتبه اتابی‌ها جزایر را متصرف شدند. کمپانی (ایست‌اندیا) برای‌جلوگیری از دزدی دریایی قراردادی با شیخ اتابی منعقد نمود و پس از آن چندین مرتبه در موقع دعاوی مصر و ایران و ترکیه بر استقلال جزایر بحرین، دولت انگلستان از شیخ بحرین‌حمایت کرد. چه انگلستان عقیده داشت که شیخ امیر مستقلی است که با حکومت هندوستان متحد است در ۱۸۴۷ و ۱۸۵۶ عهدنامه‌های دیگری برای جلوگیری از غلام فروشی منعقد شد. در ۱۸۶۱ شیخ عهدنامهٔ صلح و دوستی دایمی با حکومت هندوستان امضا نمود و در ۱۸۸۰ امیر حالیهٔ خود را مقید ساخت که با دول دیگر عهدنامه نبندد و به آنها بدون رضایت انگلستان اجازه ندهد که در بحرین نمایندگی سیاسی و قونسولی و یا استاسیون زغال‌سنگ برپا کنند. در ۱۸۹۲ شیخ اتابی عهدنامهٔ منحصرهٔ دیگری با انگلستان امضا نمود. به دفعات مختلف انگلستان در بحرین برای تنبیه اشخاصی که صلح را مختل نموده بودند و همچنین برای تعین‌وراثت مداخله نمود. و در سال ۱۹۰۵ مداخلهٔ مسلح انگلستان بحرین را از خطر تصرف اعراب

که از سواحل عربستان در تحت تحریک ترکها اقدام می‌نمودند نجات داد.

وزارت امور خارجه ترجمه از (تیمز) لندن ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷

اداره کابینه

دائره انتشارات و مطبوعات

وضعیت بحرین

اعتراض ایران

(از مخبر ما در جامعه ملل)

ژنو ۲۸ دسامبر –

منشی کل جامعه ملل برحسب تقاضای وزیر خارجه ایران یک فقره اعتراضنامه که به دولت انگلیس برای حفظ « حقوق مسلمه ایران بر جزائر بحرین » داده است بین اعضاء جامعه انتشار داده است.

این اعتراض مبتنی بر ماده شش عهدنامه که در جده بین انگلستان و حجاز در ۲۰ مه ۱۹۲۷ امضا شده میباشد.

متن اعتراض مورخه ۲۲ نوامبر که بعنوان سر هنری کلایو وزیر مختار انگلیس در طهران فرستاده شده بقرار ذیل است :–

« بر طبق اطلاعی که به دولت ایران رسیده ماده ششم عهدنامه که بین سلطان عبدالعزیز ابن سعود و دولت انگلستان در جده در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بامضاء رسیده از این قرار است : « پادشاه حجاز و نجد و توابع متعهد میشود که با اراضی کویت و بحرین و شیوخ قطار و سواحل عمان که روابط عهدنامه مخصوص با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دارند روابط صلح و دوستی را حفظ نماید. »

چون بحرین بدون معارضه یکی از متصرفات ایران است و در موقع انعقاد قرارداد مخصوص بین دولت انگلستان و شیوخ بحرین دولت ایران فوراً باین قرارداد اعتراض نموده و لرد کلارندن در جواب خود به وزیر مختار ایران در لندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ رسماً حقانیت آن اعتراض را تصدیق نمود جنابعالی تصدیق میفرمائید که مضمون از ماده فوق الذکر که راجع به بحرین است نقض به تمامیت ارضی ایران محسوب شده و با روابط دوستی که همیشه ما بین دو مملکت به خوشبختی وجود داشته منافات دارد. لهذا دولت ایران قویاً به مضمون از عهدنامه که ذکر شد اعتراض نموده و از دولت انگلستان انتظار دارد که بدون تأخیر اقدامات لازمه در حفظ حقوق ایران بنماید. برای اطلاع جنابعالی اشعار مینمایم که چون ایران عضو جامعه ملل است بر طبق ماده ده اساسنامه جامعه که تمامیت ارضی دول عضو جامعه را تأمین مینماید یک نسخه از این مراسله را به جامعه فرستاده است تا این اعتراض به اطلاع آنها برسد. امضا : پاکروان کفیل وزارت خارجه.

بحرین یک مملکت جزیره است که عبارت از پنج جزیره میباشد و ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در خلیج فارس بمسافه ۱۵ الی ۲۰ میل از سواحل عربستان واقع است. امیر آن شیخ (سر) عیسی بن علی الخلیفه (صاحب نشان امپراطوری هندوستان و نشان ستاره هند) است که با رابطه عهدنامه با حکومت هندوستان دارد و این امتیاز حق یازده تیر توپ به جانب ایشان میدهد و یک نفر آژان سیاسی (مانند س. جی. پاورز) که دارای لقب عالی

وسیع است درمنامه که پایتخت آنجا توقف دارد . بعلت کهولت شیخ نیابت امارت به پسرش شیخ حامد بن عیسی آل عیسی الخلیفه واگذارشده که حق شلیک پنج تیر توپ درمحل برای مشارالیه داده شده . درایام قدیم گفته اهالی بحرین درخارجه ازحقوق محافظت قونسولی انگلیس برخوردار شده اند . درقرن ۱۶ پرتغالی ها جزائر بحرین را متصرف شدند ولی در ۱۶۰۲ ایرانیها آنهارا بیرون کردند . در ۱۷۸۳ العرب ( اتابی ها ) جزیره را فتح نمودند ودرسنه ۱۸۰۰ امام مسقط ... ف اتابی ها خارج نمود . یک سال بعد امام را وهابیها خارج نمودند وجزائر را ۱۸۱۱ در... د . ودرآن موقع دومرتبه اتابی ها جزائررا متصرف شدند . کمپانی ( ایست اندیا ) برای جلوگیری ازدزدی دریائی قراردادی باشیخ اتابی منعقد نمود وپس ازآن چندین مرتبه درموقع دعاوی مصروایران وترکیه براستقلال جزائر بحرین دولت انگلستان ازشیخ بحرین حمایت کرد . چه انگلستان عقیده داشت که شیخ امیرمستقلی است که باحکومت هندوستان متحد است.
در ۱۸۴۷ و ۱۸۵۶ عهدنامه های دیگری برای جلوگیری ازغلام فروشی منعقد شد . در ۱۸۶۱ شیخ عهدنامه صلح ودوستی دائمی باحکومت هندوستان امضاء نمود ودر ۱۸۸۰ امیرحالیه خودرا متعهد ساخت که بادول دیگر عهدنامه نبندد و به آنها بدون رضایت انگلستان اجازه ندهد که دربحرین نمایندگی سیاسی وقونسولی ویا لغاسیون ذغال سنگ برپا کنند . در ۱۸۹۲ شیخ اتابی عهدنامه منحصره دیگری باانگلستان امضاء نمود . بدفعات مختلف انگلستان دربحرین برای تنبیه اشخاصیکه صلح را مختل نموده بودند وهمچنین برای تعیین وراثت مداخله نمود . ودر ۱۹۰۵ مداخله صلح انگلستان بحرین را ازحمله متصرف العرب که ازسواحل عربستان درتحت تحریک ترکها اقدام مینمودند نجات داد . — ( ترجمه دائرة المعارف )

---------------

شماره: ۳۳
فرستنده: توسط ادارهٔ کابینهٔ دایرهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۵ ژانویهٔ ۱۹۲۸
متن سند:

از (تیمز) لندن ۵ ژانویه ۱۹۲۸
یک اعتراض ایران

حکومت شاه یک ادعای مخصوص و غیرقابل انتظاری نسبت به جزایر بحرین که عبارت از یک جزیرهٔ بزرگ و چهار جزیرهٔ کوچک و در حدود بیست میلی سواحل عربستان واقع است، نموده است. این جزایر مرکز مهمترین صنایع خلیج فارس یعنی صید مروارید است که از بدو طلوع تاریخ تا به حال معمول بوده است و به همین جهت این جزایر مطمع نظر دولی که منافع تجارتی و بحری در شرق وسطی داشته‌اند، بوده است و تجار به این جزایر از زمان عظمت بابل به این طرف رفت وآمد داشته‌اند. این تجار دزدان دریایی را به آن محال جلب نموده تا اینکه قوای بحری انگلیس در پنجاه سال اوّل قرن گذشته دست آنها را پس از جنگ و جدال زیاد از این شغل کوتاه نمود. روابط دولت انگلیس با بحرین از ۱۸۲۰ به این طرف شروع شده یعنی وقتی که امیر محل قراردادی با کمپانی (جان) برای جلوگیری از دزدی دریایی برقرار نمود، و به عنوان رئیس مستقلی که با حکومت هندوستان متحد است، شناخته شد.

دیپلماسی انگلیس امیر محلی را برضد دعاوی ترک و ایران و مصر و وهابی حمایت نمود و بعد از یک عده معاهدات، شیخ بحرین در ۱۸۸۰ قراردادی بست و خودش را مقید ساخت که بدون رضایت انگلیس داخل در عقد معاهدات با سایر دول نشود.

در ۱۸۹۲ بحرین قرارداد انحصاری دیگری با دولت انگلیس بست و در ۱۹۰۵ یک نفر نمایندهٔ انگلیس برای اقامت در بحرین مأمور شد. لهذا طبیعی به نظر می‌آید که در قراردادی که در ماه مه گذشته منعقد شد، شرطی باشد که وهابی‌ها روابط دوستانهٔ خود را با بحرین حفظ نمایند. وهابی‌ها جزایر را در ۱۸۰۷ به تصرف درآورده و آن را محل و مقر غارت دریایی قرار دادند. چهار سال بعد سلطان عمان آنها را خارج نمود ولی چندین مرتبه تهدید به تصرف جزایر و شروع به عملیات خود نمودند و چون پس از ظهور

وهابی‌ها تاریخ عرب چندین مرتبه تکرار شده است، واضح است که دولت انگلستان مایل است معانتی برای استقلال بحرین به دست آورد. ادعای دولت ایران بر بحرین اولاً مبنی بر تصرف متناوب آن جزایر از طرف آن دولت در قرن ۱۷ و ۱۸ می‌باشد، و ثانیاً متکی بر تصدیق رسمی لردکلارندن در حقانیت اعتراض ایران است با اینکه اکثریت ساکنین بحرین مدتهاست عرب هستند و در نژاد و زبان با ایرانی‌ها فرق دارند و مذهب آنها نیز طریقهٔ دیگر اسلام است. راست است که شاه عباس کبیر جزایر را در ۱۶۰۲ از چنگ پرتقالی‌ها بیرون آورد و قوای ایران تا ۱۷۸۳ به غیر از اوقاتی که از طرف یاغی های محلی طرد می‌شدند در قلاع بحرین ساخلو داشتند در آن تاریخ اجداد امیر حالیه از ساحل به جزیره آمده و با کمک اهالی ایرانی‌ها را خارج نمود. از آن به بعد ایران بر بحرین حکومت نداشته و به همین جهت در آبهای خلیج‌فارس نیز حاکمیت نداشته و وظیفهٔ قلع و قمع دزدان دریایی به عهدهٔ جهازات انگلیسی واگذار شد.

هرچند لردکلارندن تقریباً در شصت سال قبل گفته باشد و هر اعتراضی که از طرف دولت شاه به قراردادهای سابق انگلیس با بحرین شده است، ادعایی که متکی بر تصرف است که از طرف بحرینی‌ها و اتابی‌ها در ۱۴۴ سال قبل با زور به آن خاتمه داده شده، مبنای حقیقی نمی‌تواند داشته باشد.

مادهٔ ۱۰ اساسنامهٔ جامعهٔ ملل که برطبق آن دولت ایران اعتراض خود را به جامعه ارسال داشته، راست است. تمامیت ارضی تمام اعضا را ضمانت می‌نماید ولی اثبات اینکه بحرین حالا جزو اراضی ایران است، به عهده طهران است و به نظر می‌آید که این مراجعه به اساسنامه خود سائل مسئلهٔ حقیقت است؛ کیفیت جوابی که وزارت خارجه انگلیس به این اعتراض ایران خواهد داد هنوز معلوم نیست ولی گویا کثرت دلایل انگلستان برای تأیید نظریهٔ خود به قدری است که برای وزارت خارجه مزاحم خواهد بود. عللی که دولت ایران را وادار به این اعتراض نموده، غیر معلوم است. ایرانی‌ها با عراق با چشم عدم دوستی نگاه می‌نمایند ولی بحرین هیچ نوع مناسبتی با دولت جوان عرب ندارد. نمی‌توان تصور نمود که مرواریدهای این جزایر منافع ایران را به آنجا جلب نموده، چه زمانی مرواریدهای پست‌تر انگلستان قیصر روم را جلب نموده بود. استناد این اعتراض به تشویق از طرف روسیه سویتی که اخیراً عهدنامهٔ تأمینیه با تهران امضا نمود چندان برای استقلال ایران که در چند سال گذشته خط‌مشی آمال ملی را تشکیل داده، پسندیده نیست.

ممکن است عدم میل دولت شاهنشاهی برای امتناع یک خط تجارتی هوایی در

سواحل جنوبی و مخصوصاً پیشنهاد انگلستان برای خط هوایی انگلیس از قاهره به کراچی تأثیری در این اعتراض داشته باشد* مذاکرات بعدی چندان پیشرفتی ننموده و اقلاً ممکن است تصمیم وزارت خارجه ایران که (بنته مفهوم نیست) قضیه ادعای بحرین را احیا و یا در واقع از قبر بیرون آورده، برای این است که بهانه به دست آورده از ایفای مواعید سابق خود خودداری نماید. (ترجمهٔ دایرهٔ اطلاعات)

* متجاوز از دو سال قبل قراردادی در این خصوص بین ایران و این مملکت به امضا رسید ولی دولت ایران ناگهان سیاست خود را تغییر داد.

وزارت امورخارجه
اداره کابینه
دائره اطلاعات ومطبوعات

ـــــ . ـــــ

از (تیمز) لندن ۵ ژانویه ۱۹۲۸
--------------------------

## یک اعتراض ایران

حکومت شاه یک ادعای مخصوص وغیرقابل انتظاری [illegible] به جزائر بحرین که عبارت ازیک جزیره بزرگ وچهار جزیره کوچک ودرحدود بیست میلی سواحل عر[illegible]ع است نموده است. این جزائر مرکز مهمترین صنایع خلیج فارس یعنی صید مروارید است که ازعهد طلوع تاریخ تا بحال معمول بوده است. وبهمین جهة این جزائر مطمح نظر دولی که منافع تجارتی وبحری درشرق وسطی داشته اند بوده است. وتجار به این جزائر اززمان عظمت بابل با بنطرف رفت وآمد داشته اند. این تجار مردان دریائی را به آن محال جلب نموده تا اینکه قوای بحری انگلیس در پنجاه سال اول قرن گذشته دست آنهارا پس از جنگ وجدال زیاد ازاین شغل کوتاه نمود. روابط دولت انگلیس با بحرین از ۱۸۲۰ باینطرف شروع شده یعنی وقتی که امیر[illegible] محل قراردادی با کمپانی (جان) برای جلوگیری ازدزدی دریائی برقرار نمود ومعنوناً رئیس مستقلی که باحکومت هندوستان متحد است شناخته شد. دیپلوماسی انگلیس امیرمحلی را بر ضد دعاوی ترک و ایران و مصر ووهابی حمایت نمود وبعد از یک عده معاهدات شیخ بحرین در ۱۸۸۰ قراردادی بست وخودش را مقید ساخت که بدون رضایت انگلیس داخل درعقد معاهدات باسائر دول نشود. در ۱۸۹۲ بحرین قرارداد انحصاری دیگری بادولت انگلیس بست ودر ۱۹۰۵ یک نفر نماینده انگلیس برای اقامت دربحرین مامور شد. لهذا طبیعی بنظرمی آید که درقراردادی که درماه مه گذشته منعقد شد شرطی ماند که وهابی ها روابط دوستانه خودرا با بحرین حفظ نمایند. وهابیها جزائر را در ۱۸۰۲ بتصرف درآورده وآنرا محل ومقر غارت دریائی قرارد[illegible] . چهارسال بعد سلطان عمان آنهارا خارج نمود ولی چندین مرتبه تهدید به تصرف جزائر وشروع به عملیات خود نمودند وچون پس ازظهور وهابی ها تاریخ عرب چندین مرتبه تکرارشده است واضح است که دولت انگلستان مایل است معاهدتی برای استقلال بحرین بدست آورد. ادعای دولت ایران بر بحرین اولا مبتنی بر تصرف متناوب آن جزائر ازطرف آندولت در قرن ۱۷ و ۱۸ میباشد وثانیا متکی بر تعهدی رسمی لرد کلارندن درحقانیت اعتراض ایران است بااینکه اکثرسکنین بحرین مذهباً شیعه هستند ودر نژاد وزبان با ایرانیها فرق دارند ومذهب آنها نیزطریقه دیگر اسلام است. راست است که شاه عباس کبیر جزائررا در ۱۶۰۲ ازدست پرتغالی ها بیرون آورده وقوای ایران تا ۱۷۸۳ بغیرازاوقاتیکه ازطرف یاغیهای محلی طرد میشدند درقلاع بحرین ساخلو داشتند درآن تاریخ اجداد امیرحالیه ازساحل به جزیره آمده ومالک اهالی ایرانیهارا خارج نمود. ازآن ببعد ایران بربحرین حکومت نداشته وبهمین جهة درآبهای خلیج فارس نیزحاکمیت نداشته

و وظیفه قلع و قمع دزدان دریائی بعهده جهازات انگلیس واگذار شد . هرچند لرد کلارندن تقریبا در شصت سال قبل گفته باشد و هر اعتراضی که از طرف دولت ایران به قرارداد ادعای سابق انگلیس با بحرین شده است ادعائی که متکی بر تصرف است که از طرف بحرینی ها و اتابی ها در ۱۴۴ سال قبل باشد به آن خاتمه داده شده مبنای حقیقی نمیتواند داشته باشد .

ماده ۱۰ اساسنامه جامعه ملل که بر طبق آن دولت ایران اعتراض خود را به جامعه ارسال داشته راجع است تمامیت ارضی تمام اعضاء را ضمانت مینماید ولی اثبات اینکه بحرین حالا جزو اراضی ایران است بعهده طهران است و بنظر می آید که این مراجعه به اساسنامه خود سائل مسئله حقیقت است کیفیت جوابی که وزارت خارجه انگلیس به این اعتراض ایران خواهد داد هنوز معلوم نیست ولی گویا کثرت دلائل انگلستان برای تائید نظریه خود بقدری است که برای وزارت خارجه مزاحم خواهد بود . عللی که دولت ایران را وادار به این اعتراض نموده غیرمعلوم است . ایرانیها باعراب بچشم دشمنی نگاه مینمایند ولی بحرین هیچ نوع مناسبتی با دولت جوان عرب ندارد . نمیتوان تصور نمود که مروارید های این جزائر منافع ایران را به آنجا جلب نموده چه زمانی مروارید های پست تر انگلستان قیصر روم را جلب نموده بود . احتمالا این اعتراض به تحریک از طرف روسیه سویتی که اخیرا عهدنامه تامینیه با طهران امضا نمود چندان برای استقلال ایران که در چندسال گذشته خط مشی آمال ملی را تشکیل داده پسندیده نیست . ممکن است عدم میل دولت شاهنشاهی برای امتناع یک خط تجارتی هوائی در سواحل جنوبی و مخصوصا پیشنهاد انگلستان برای خط هوائی انگلیس از قاهره به کراچی تاثیری در این اعتراض داشته باشد * مذاکرات بعدی چندان پیشرفتی ننموده واقلا ممکن است تصمیم وزارت خارجه ایران که بغتة قضیه ادعای بحرین را احیا و ما هو واقع از قبر بیرون آورده برای این است بهانه بدست آورده از ایفای مواعید سابق خود خودداری نماید (ترجمه دائره اطلاعات)

---

* متجاوز از دو سال قبل یک قراردادی در این خصوص بین ایران و این مملکت به امضا رسیده ولی دولت ایران ناگهان سیاست خود را تغییر داد .

شماره: ۳۴
فرستنده: اداره تذکره خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۰۶
متن سند:

موقع منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

تاکنون اتباع ایران با صدور ورقهٔ جواز مسافرت، به جزیرهٔ بحرین رفته و از آنجا پاس از قونسولگری انگلیسها گرفته به هندوستان یا بین النهرین مسافرت می‌نمودند، به موجب اطلاعی که اخیراً رسیده انگلیسها صدور پاس در بحرین برای اتباع ایران موقوف داشته اند.

رئیس تذکرهٔ بنادر محمدعلی

[پی نوشت:] سواد به ریاست وزرا و وزارت دربار بفرستید

۳بهمن

اداره گمرک بنادر خلیج فارس

بتاریخ ۱۶ شهر رجب سنة ۱۳۳۶

نمره ۳۰۹۰
۱۹/۱۰/۶

موقع منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

تاکنون اتباع ایران با صدور ورقه جواز مسافرت به جزیره بحرین رفته و از انجا پاس از
قونسولگری انگلیس گرفته به هندوستان یا بین‌النهرین مسافرت می‌نمودند بموجب اطلاعی که
اخیراً رسیده انگلیسی‌ها صدور پاس در بحرین برای اتباع ایران موقوف داشته‌اند [illegible]

اداره عربی — اداره گمرکات ۲/۱۲/۰۶

نمره ۱۸۹۱۱

[illegible]

شماره: ۳۵
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در کربلای معلی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
راجع به بحرین که در معاهدهٔ منعقده بین دولت انگلیس و حجاز اشاره شد و دولت ایران به مناسبت تباین معاهدهٔ مزبوره با حقوق حاکمیت آن در جزایر بحرین، اعتراض نموده در مجلس پارلمان انگلیس این موضوع مطرح، مذاکره واقع و در جریدة العراق شرحی نوشته اینک عین و ترجمهٔ آن را محض استحضار آن وزارت جلیله ارسال می دارد.
جریدة العراق نمره ۲۳۸۰

بین ایران و انگلیس

لوکار لامبصون در مجلس پارلمان جواب می‌دهد مسائلی را که مطرح مذاکره بوده،حکومت ایران احتجاجی را که در معاهده حجاز شده و اشاره هم راجع به بحرین شده بود، ادعا نمود که این عقد قراردادی که شده، منافی است بر حقوق سیادتمان به جزایر بحرین و حال آنکه دولت انگلیس می‌گوید ما یک معلومات قانونی که دولت ایران بتواند بر آن اساس تکیه‌گاه نماید، نمی‌بینم و دولت انگلیس از دولت ایران توضیح خواسته و نیز بیان نموده که مذاکرات بین این دولت راجع به بعضی از مسائل مهمهٔ جاری است. پس از آن یک نفر از وکلا سؤال کرد در این مسائل رها نمودن شیخ خزعل خان و نصبش به ریاست و دادنش صلاحیت بیشتر از سابق می‌باشد در جواب این وکیل لوکار لامبصون می‌گوید این سؤال فرعی شما خارج از این بحث و گفتگوهاست.

قونسولگري دولت عليهٔ ايران

در كربلاي معلى

اداره

مؤرخه ۷ اسفند ۱۳۰۶

نمره ۷۸۶

ضمیمه ۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

راجع بجزایر بحرین که در معاهده منعقده بین دولت انگلیس و حجاز اشاره شده
و دولت ایران بمناسبت تضمن معاهده مزبوره با حقوق حاکمیت آن
در جزایر بحرین اعتراض نموده در مجلس پارلمان انگلیس از موضوع مطرح
مذاکره واقع و در جریده العراق شرحی نوشته اینک عین درج
آن سواد محض استحضار آن وزارت جلیله ارسال میدارد

۱۶ / ۱۲ / ۶

جریدة العراق عدد ۲۳۸۰

بین ایران و انگلیس

لوکار لامپصون در مجلس پارلمان جواب [illegible] سؤالی را که مطرح مذاکره بوده
حکومت ایران احتجاجی را که در معاهده حجاز شده و اشاره به راجع بحرین شده بود
ادعا نمود که این عهد قرار داده شده خلاف است بر حقوق سیادتشان بجزائر بحرین
و حال آنکه دولت انگلیس میگوید ما یک معلومات قانونی که دولت ایران
بتواند بر آن اساس تکیه گاه نماید نمی بینیم دولت انگلیس از دولت ایران توضیح
خواسته و نیز بیان نمود که مذاکرات بین این دو دولت راجع ببعضی از مسائل
مهمه جاری است پس از آن یک نفر از وکلا سؤال کرد در این مسئله رها نمودن
شیخ خزعل خان و نفیش بایست و دادنش صلاحیت بیشتر از سابق میباشد
در جواب این وکیل لوکار لامپصون میگوید این سؤال وضعی تماماً خارج از
این بحث و گفتگوها است

## بين بريطانية وايران

### هل يطلق سراح

### الشيخ خزعل خان ؟

قال لوكار لامبصون جوابا على ما طرح من الاسئلة في مجلس الامة البريطاني : ان حكومة ايران احتجت على شروط المعاهدة الحجازية بحجة ان الاشارة وردت فيها الى جزائر البحرين وهذا ينافي حقوق السيادة الايرانية على تلك الجزائر وقال ان انكلترة لاتعلم لما اية حجة قانونية في وضع ايران اتخاذها اساسا لهذا الادعاء وقد اوضحت انكلترة لحكومة ايران هذا الامر وزاد في قوله ان المفاوضة لاتزال جارية بين الحكومتين بشأن عدة مسائل مهمة

ثم سأل احد النواب عما اذا كانت النقاط المختلف عليها بين الحكومتين تشمل طلب انكلترة القاضي باطلاق سراح الشيخ خزعل خان وتنصيبه على امارته بسلطة اوسع صلاحية من السابق فاجابه لوكار لامبصون بقوله ان هذا السؤال الفرعي خارج

شماره: ۳۶
فرستنده: وزارت امور خارجه ـ ریاست کل تذکره بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

اخیراً چون مطالب راجع به بحرین در روزنامه‌جات ملاحظه می‌شود سواد معاهدهٔ علی‌بن خلیفه با انگلیسها در اوراق خود یافته آن را به پارسی کرده بعضی توضیحات از خود مزید نموده، لفاً تقدیم داشت. با سواد عربی آن در موقعی که بنده کارگذار عباسی بود، کتاب معاهدات انگلیسها با دولت ایران و سایر شیوخ به دست آمد و صورت انگلیسی آن از کلیهٔ معاهدات انگلیسها با بحرین و عمان تا سنهٔ ۱۸۹۲ عیسوی در تحت نمرهٔ ۳۱۴/۶جدی۱۳۰۱ به کارگذاری بنادر فرستادم و کارگذاری هم سواد کرده به وزارت خارجه تقدیم داشته است. البته در دوسیهٔ مربوطهٔ آن وزارت متبوعه موجود است، هرگاه موجود نیست صورت آن که در دفتر کارگذاری است در صورت لزوم از حکومت مطالبه فرمایند.

رئیس تذکرهٔ بنادر
محمدعلی

[پی نوشت:]
مراجعه به دفتر بشود اگر موجود نباشد سوادها از دفتر کارگذاری خواسته شود. این راپورت هم با ضمیمه به عرض برسد.

سواد معاهدهٔ علی‌بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

شیوخ بحرین آل عتواب از احمدبن خلیفه که در سنهٔ ۱۱۹۷ هجری مطابق سنهٔ ۱۷۸۲ عیسوی هرج‌ومرج ایران را غنیمت شمرده و بحرین را از تصرف شیوخ آل مذکور خارج کرده و آنها را به بوشهر فرستاد و آن فرصت به واسطهٔ منازعات بین لطفعلی خان زند و آقا محمدخان قاجار بود. بعد از استقرار سلطنت قاجاریه، خود احمدبن خلیفه و اخلاف او مطیع دولت ایران بودند تا محمدبن خلیفه که انگلیسها مشغول مداخله شدند.

تقریباً در حدود ۱۲۸۰ واند هجری بود و محمد بن خلیفه زیر آن بار نرفت و نتیجه این شد که منفی به عدن و بعد به حجاز شد. پس از آنکه محمدبن خلیفه را در مرتبهٔ اوّل از بحرین قرار دادند علی بن خلیفه برادر محمد ابن خلیفه شیخ بحرین شده و مراسلهٔ ذیل که به پارسی کرده‌ام به کلنل پیلی جنرال قونسول وقت در خلیج فارس نگاشته و در آن مراسله معاهدات خود را شرح داده است و سواد نسخهٔ عربی آن هم لفاً تقدیم داشت.

ترجمه: به نام خداوند تعالی می‌گویم و من علی بن خلیفـــه‌ام با کافهٔ رعایای بحرین از خاص و عام آنکه محمدبن خلیفه به مرات و کرّات عدیده حاصل شده از او خلافها و دزدی در دریا و ا ز سبب همین افعال خود، حال گریزان شده است از بحرین و ترک نمود آنچه مستحق بود از مشخیت و حکومت و گریزان شد از شهر، و حال از حکّام و مشایخ موجوده من علی بن خلیفه پس به همین‌سبب دریافت داشتم خطی که شما نگاشته بودید و خطاب کرده بودید در او شیخ محمدبن خلیفه را و ملتفت شدم مطلب را و من قبول می‌نمایم و راضی می‌شوم و شرط می‌کنم بر نفس خود شروط نگاشته شده در ذیل این معاهده فقط من التماس می‌نمایم از جناب سرکارذی الاقتدار (در خلیج فارس تاکنون دولت انگلستان را سرکار خطاب می‌نمایند) بعضی گذشتها و مسامحات اولاً کشتی‌های بحریه محمدبن خلیفه و من که علی بن خلیفه‌ام سرکارذی الاقتدار بخشیده و به من بدهند بعد از آنکه تسلیم نمودم شروط ذیل (آن کشتی‌ها را بتیل گویند).

ثانیاً تسلیم نمایم برای جناب افخم بالیوز صاحب (جنرال قونسول انگلیس را در بنادر بالیوز می‌گویند گمان می‌نمایم کلمه‌ای است هندی) صدهزار ریال که معادل چارلک قران است (ریال سکه‌ای است متعلق به فرانسه و اطریش که تاکنون در عربستان جاری است در بنادر ایران حالت نقره از چند سال قبل پیدا کرده است و متداول نیست و اقوا و دلیل ایرانیت بحرین این است که در آن موقع قران ایران در آنجا متداول بوده) و به تحقیق کرم بنماید به ما جناب صاحب افخم (یعنی کلنل پیلی) در اقساط و فصول چهارگانه از آن مبلغ صدهزار قران نقداً داده شود و سیصد هزار قران تسلیم نمایم در سر هر سال از همین تاریخ هر قسط صدهزار قران.

ثالثاً بدانند همگی آنکه محمدبن خلیفه خارج از بحرین و تخلیه کنندهٔ آنجاست و هرگاه مراجعت نماید، محمدبن خلیفه به بحرین قبول می‌نمایم بر نفس خود و ملتزم هستم که به یاری خداوند او را به طیب خاطر یا بغیر طیب خاطر او را خارج کنم، هرگاه عمل ننمودیم به آنچه نوشته‌ایم، پس ما مانند محمدبه خلیفه خائن و مخرب از امور دریا هستیم. به رجوع شونده است برای رفع فساد و اغتشاش در دریا و امنیت برای

مدافعه پیش آمد. احوال بخصوص تکلیف بر اهل قطر که آنها باشند، رعیت من چنانچه بوده‌اند (در اینجا دولت ایران می‌توانند قطر را هم تصاحب کند) و همین گونه عادت همیشگی بوده است و واجب است بر من هر موقع ببینم چیزهایی که اسباب اغتشاش می‌شوند فوراً فرستادند. بفرستم برای جناب عالیجاه بالیوز صاحب (خود کلمهٔ عالیجاه باز در این مراسله دلیل است برای ایرانیت آنها) و بتحقیق راضی شدم به این شروط نگارش یافته برای خود و آنانی که بعد از من آیند.

الواثق بالله الولی عبده علی مهرالواثق بالمنان فهد بن احمد آل سلمان مهر: سلمان‌بن محمود ال خلیفه مُهر عبده احمدبن خلیفه مهر مُهر غیر خانا.

این همه نتایج و خیمه، نتیجهٔ تفویض انتظامات دریا به انگلیسهاست. در سنهٔ $\frac{۱۸۱۸}{۱۲۳۴}$ که باسعیدو را هم در همان موقع متصرف شده‌اند اطلاعاً عرض نمود.

محمدعلی

بتاریخ ۱۲/۶ ماه ۱۳۰۶

وزارت امور خارجه
ریاست کل تذکره بنادر خلیج فارس

نمره ۴۲۵
ضمیمه دارد

بوشهر
مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دولت متبوعه

اخیراً چون مطالب راجع به بحرین در روزنامجات ملاحظه میشود سواد

معاهده شیخ بحرین با انگلیس که از اوراق خود یافته از آن به پارسی ترجمه و بعضی
توضیحات از خود نیز علاوه نموده لفاً تقدیم داشت با سواد عربی آن
در موقعی که بنده کارگزار عباسی بودم کتاب معاهدات انگلیس
با دولت ایران و سایر شیوخ بدست آمد و صورت انگلیس
آن از کلیه معاهدات انگلیس با بحرین و عمان تا سنه ۱۸۹۲ میلادی تحت
نمره ۲۱۴ بکارگزاری بوشهر فرستادم و کارگزاری هم سواد داده به وزارت
مورخه ۱۳۰۱
خارجه تقدیم داشته است البته در دوسیه مربوطه آن وزارت متبوعه
موجود است هرگاه موجود نیست صورت آن در دفتر کارگزاری
است در صورت لزوم از خلوت مطالبه فرمایند [illegible]

[illegible]

ادام الله ... [illegible]

۷/۱/۹

۷/۱/۹
۵۰۶۱

## سواد معاهده علی بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

شیوخ بحرین آل عتوب از احمد بن خلیفه در سنه ۱۱۹۷ هجری مطابق سنه ۱۷۸۲ عیسوی بحرین و مرج ایران
را غنیمت شمرده و بحرین را از تصرف شیوخ آل مذکور خارج کرده و آنها را بوشهر فرستاده و آن
فرصت در وسط منازعات بین لطفعلی خان زند و آقا محمد خان قاجار بود بعد از استقرار سلطنت قاجاریه
خود احمد بن خلیفه و اخلاف او مطیع دولت ایران بودند تا محمد بن خلیفه که انگلیسها مشغول ما شدند
تقریباً در حدود ۱۲۸۰ و اند هجری بود و محمد بن خلیفه زیر آن بار نرفت و بجهة این شده که منفی به عدن
و بعد به حجاز شد پس از آنکه محمد بن خلیفه را مرتبه اول از بحرین فراری دادند علی بن خلیفه برادر محمد بن خلیفه
شیخ بحرین شده و مراسله ذیل را به پارسی کرده بود به کلنل پلی جنرال قونسول وقت در خلیج فارس نگاشته
و در آن مراسله معاهدات خود را ~~...~~ شرح داده است و سواد نسخه عربی آن هم تقدیم داشت

ترجمه بنام خداوند تعالی میگویم من علی بن خلیفه ام با کافه رعایای بحرین از خاص و عام که محمد بن خلیفه به مرات
و کرات عدیده حاصل شده از او خلافها و دزدی در دریا و از سبب همین افعال خود حالا گریزان شده است از بحرین
و ترک نمود آنکه مستحق بود از شیخیت و حکومت و دیگران شدند از شهر و حال از حکام و شایخ موجوده من علی بن
خلیفه پس بهمین سبب دریافت ... نگاشته بعید و خطاب کرده بود دید دادن شیخ محمد
بن خلیفه را و مقصد شده مطلب را من قبول نمایم و راضی بشوم و شرط میکنم بر نفس خود شروط نگاشته
شده در ذیل این معاهده فقط بر التماس نمایم از جناب سرکار ذی الاقتدار (در خلیج فارس تا کنون دولت
انگلستان را سرکار خطاب مینمایند) بعض گذشتها و مسامحات

اولاً کشتیهای بحریه محمد بن خلیفه و من که علی بن خلیفه ام سرکار ذی الاقتدار بخشیدن و به من بدهند
بعد از آنکه تسلیم نمودم شروط ذیل را (آن کشتی را بغلی گویند)

ثانیاً تسلیم نمایم برای جناب امجد بالیوز صاحب (جنرال قونسول انگلیس در بنادر بالیوز میگویند گمان میکنم
کلمه ... هندی است) صد هزار ریال که معادل چهار لک روپیه است (ریال سکه است متعلق به ... که تا کنون در عربستان جاری است ...)
داخل ... بحرین ... ایران ... تحقیق کرم نماید
جناب صاحب مخیر هستم (یعنی کلنل پلی) در اقساط و فصول چارگانه از آن مبلغ صد هزار قران نقد ادا شود و
سیصد هزار قران تسلیم نمایم در سه سال در هر سال از تاریخ قسط صد هزار قران

ثالثاً بدانند همگی آنکه محمد بن خلیفه خارج از بحرین دفعه گشته است هر گاه مراجعت نماید محمد بن خلیفه
به بحرین قبول نمایم بر نفس خود و ملتزم هستم که به یاری خداوند او را بطیب خاطر یا بغیر طیب خاطر او را
خارج کنم و هرگاه عمل ننمودم با آنچه نوشته ام پس مانند محمد بن خلیفه خائن و منحرف از امور دریا هستم

رابعاً ... است برای رفع فساد و اغتشاش در دریا و امنیت برای رافع ... آید احوال خصوص تعلیق
برای قطر که آنها شده رعیت من چنانچه بوده اند (در اینجا دولت ایران میتواند قطر را هم تصاحب کند)
و همچنین عادت همیشگی بوده است و واجب است بر من بر موقع ... اسباب اغتشاش
بکنند فوراً و فرستاده نوشته ام برای جناب عالیجاه بالیوز صاحب (خود کلمه عالیجاه ... است)
برای ... آنها و تحقیق راضی شدم باین شروط نگارش یافته برای خود و آنانکه بعد از من آیند الواثق
بالله الولی عبده علی مهر الواثق بالمنان فهد بن احمد آل عثمان مهر ... سلمان بن حمود آل خلیفه مهر

عبده احمد بن خلیفه مهر مهر غیر خوانا

## سواد معاهده علی بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

بسم الله تعالی    اقول وانا علی بن خلیفه وکافه رعایای البحرین من الخاص والعام    ان محمد بن
خلیفه مولد وا واکرا احصل منه الخلاف والسرقات فی البحر ومن سبب افعاله الآن هرب من البحرین
وترک ما یحقه من المشیخه والحکومه وهرب من البلاد والان الموجود من الحکام والمشایخ
وانا یا علی بن خلیفه فلذلک قبضت الخط الذی کتبه جنابکم وخاطبتم فیه الشیخ محمد بن خلیفه
وفهمت المطلب وانا اقبل وارضی واشرط علی نفسی الشروط محررة فی ذیل هذه المعاهده غیر انی
التمس من جناب السرکار ذی الاقتدار بعض المساعدات
اولاً البلابل البحریه وهم خشب محمد بن خلیفه وایضاً خشبی انا یا علی بن خلیفه قد غنموا غنمهم
السرکار ذی الاقتدار واعطونی ایام ملکی منهم بعد ما سلمتم لهم
ثانیاً اسلم الی جناب الافخم بالیوز صاحب الف ریال موجب دفعة کل قران وقد سلمتم
علی جناب الصاحب الافخم فی مواصلة اربع سنوات من ذلک مایه الف قران اسلم
حال التاریخ وثلاثة لک هسلم علی راس کل سنه من هذه ابشهر الحال مائة الف قران
ثالثاً ان یعرفوا الجمیع ان محمد بن خلیفه خارجاً ومحلیاً من البحرین واذا رجع محمد بن خلیفه
الی البحرین اقبل علی نفسی والزم ان شاء الله منعها بالطیب وبالغیر اطرده واذا
ما عملنا علی ما ذکرنا فنکون نحن مثل محمد بن خلیفه خائنین ومخرجین من البحرین وایضاً
لاجل دفع الفساد والاغتشاش فی البحر والامنیه لی انا یا علی بن خلیفه والی
دیرتی البحرین یکون دائماً جناب الافخم البالیوز صاحب مطلقاً لملاحظة الاحوال

لا سیما تکلیف علی اهل قطر لیکونون رعیتی کما کانوا وجرت علیه العادة و
یجب علی اذا رایت شیئاً یوجب الاغتشاش منهم ان اعمل لهم الی
جناب عالیجاه بالیوز صاحب وقد رضیت بهذه الشروط المحرره
فی والی من یلی لی    الواثق بالله الولی عبده علی    مهر الواثق بالمنان
فهد بن احمد آل سلمان مهر    سلمان بن محمود مال الخلیفه مهر    عبد احمد بن خلیفه مهر
مهر غیر خانا

این بند شامل وضعیة شیخیه تعویض اشغالات دریا با انگلیسهاست در سنه ۱۸۱۸ که با سعید وابر در عمان ۱۲۳۴
مورخ ... اطلاعاً عرض شود ... سید

شماره: ۳۷
فرستنده: نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بین‌النهرین
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب راپرت مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۰۶ نمره ۳۵۵۸ راجع به جزایر بحرین که متعلق به دولت علیه است، شرحی در جریدة العالم العربی مورخهٔ ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ شمارهٔ ۱۲۲۱ درج گردیده که ترجمه با عین قطعهٔ روزنامهٔ مزبور را لفاً تقدیم و در صورتی که رأی محترم عالی اقتضا فرمایند، قدغن خواهند فرمود. جراید مرکزی هم راجع به بحرین که از متعلقات دولت علیه است مقالاتی را درج و یا اینکه در صورت تصویب در جراید بین‌النهرین به نام یک نفر ایرانی دراین باب به ایراد جوابهای لازمه مبادرت ورزد که رفع سوءتفاهم در جامعهٔ ایرانی و عراقی بشود.

ترجمه از جریدة العالم العربی مورخ ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ نمرهٔ ۱۲۲۱ مسئلهٔ بحرین بیانات وزیر امور خارجهٔ انگلیس

لندن فی ۲۹ فوریه: جزایر بحرین جزایر کوچکی است که در خلیج فارس واقع و نسبت به جزایر دیگر اهمیتی ندارد مگر از وجههٔ تاریخی زیرا وطن اصلی فنیقی‌ها بوده و شیخ مشمول در تحت حمایت انگلیس در آنجا حکومت می کند. این جزایر مدتهاست بین ایران‌و انگلیس محل نزاع است زیرا ایران ادعای سیادت بر آن جزایر می کند. در یکی از مواد معاهدهٔ انگلیس و حجاز که در سنهٔ ماضیه منعقد شده نیز ذکری از این جزایر شده بود و حکومت ایران بر حقی که حکومت انگلیس برای اقدام در این امر تحصیل نموده و اظهاری که راجع به حمایت خودش بر آن جزایر در معاهدهٔ مزبور نموده است، در نزد حکومت انگلیس و سایر اعضای مجمع‌المللی اعتراض و ادعا نمود که سیادت جزایر مزبور با اوست.

سراوستین‌سمبر لین یادداشتی امروز در جواب ادعاهای ایران نوشته و در آن تصریح نمود که جزایر بحرین نه از وجهه جغرافیائی و نه از وجههٔ قومی جزو ایران نیست و دلایل تاریخی نیز اقامه نمود که ثابت می کند براینکه دولت ایران اعتراف کرده است که دولت انگلیس حق حمایت بر جزایر بحرین را دارد و در خاتمه اظهار نمود که دولت

انگلیس برای تغییر وضعیت جزایر بحرین و ترقی آن به طور مسالمت خیلی سعی و کوشش نمود و حالا سزاوار نیست تقاضاهای غیر مشروع همسایه رونق و صفای آنها را از بین ببرد و بدیهی است آن تقاضای همسایه برای این است که آنها را نسبت به حکم اجنبی فروتن کند و نیز اظهار نمود که انگلیس حاضر نیست از سیاستی که تاکنون بر جزایر بحرین اجرا نموده است دست بر دارد و نیز اظهار نمود که حکومت بخوبی می‌داند که قشون ایران در قرن هفدهم و در اواخر قرن هیجدهم داخل جزایر بحرین شدند ولی قبایل عرب در ۱۷۸۳ آنها را بیرون کردند و فرمانده قشون عرب هم در آن موقع جد شیخ حالیه بود و از آن تاریخ تاکنون جزایر بحرین عملاً در تحت حکم دولت ایران در نیامده است.

این یادداشت دولت انگلیس ادعای دولت ایران را که گفته بود دولت انگلیس سیادت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است تکذیب نموده و تصریح نمود که روابط مخصوص که بین مشایخ بحرین و انگلیس است مبتنی بر معاهداتی است که متجاوز از یک قرن است متدرجاً بین آنها منعقد شده است و تمام آن معاهدات استقلال حکام بحرین را تصدیق کرده است.

دلایلی را که دولت ایران اقامه کرده و مدعی بود که به موجب این دلایل دولت انگلیس سیادت دولت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است، تمام آن دلایل را سرسمبرلین مشروحاً رد نمود و مهمترین آن دلایل که ایران متمسک به آن است، اظهار (ارل کلارندن) این طور گفته است که حاضر است از بعضی تکالیف و وظایفی که در خلیج فارس بر عهدهٔ او هست صرف‌نظر کرده و آنها را به دولت ایران واگذار نماید مشروط بر اینکه مایل به آن بوده و بتواند از عهدهٔ آن برآید. این عبارت به طور واضح می‌رساند که دولت انگلیس ادعای سیادت دولت ایران را بر جزایر بحرین به هیچ وجه تصدیق نکرده است و سرسمبرلین صریحاً اظهار نمود که در یادداشتی که سفیر انگلیس در سنهٔ ۱۹۰۶ به دولت ایران داده، وضعیت حالیه کاملاً معین و محدود شده است و دولت انگلیس در این یادداشت خود اظهار کرده است که سیادت ایران را بر بحرین ابداً تصدیق نکرده است و هیچ‌گونه ادعایی را هم از طرف ایران راجع به این موضوع نمی‌پذیرد.

ترجمه مطابق اصل است

محمد حسن

مؤرخه ۱۸ اسفند سنه ۱۳۰۶

نمره [illegible] ضمیمه ........

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسلگری دولت علیه ایران

در بین النهرین

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب راپرت مورخه ۲۹ بهمن ۱۳۰۶ نمره ۳۵۵۸ راجع بحجز ایرانیان

متعلق بدولت علیه ایران شرحی در جریده العالم العربی مورخه ۱۲ رمضان ۱۳۴۶

شماره ۱۲۲۱ درج گردیده ترجمه با عین قطعه روزنامه مزبور را لفاً تقدیم و در صورتیکه

رای محترم عالی اقتضا فرماید قدغن خواهند فرمود جراید مرکزی هم راجع بحجز ایرانیان [illegible]

دولت علیه ایران مقالاتی را درج و یا دیگر در صورت تصویب در جراید بین النهرین

بنام یک نفر ایرانی در این باب بر ایراد جرائد [illegible] روزانه رفع

سوء تفاهم در جامعه ایرانی و عراقی بشود

[illegible]

اداره [illegible] ۱۳۰۷/۱/۹

[illegible]

سواد ____ نمره ____ مورخه ____ وزارت / اداره که اصل آن بنمره ____ ثبت شد

ترجمه از جریده العلم العربی مورخه ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ — ۱۳۲۱

## مسئله بحرین

## بیانات وزیر امور خارجه انگلیس

لندن فی ۲۹ فوریه جزایر بحرین جزایر کوچکی است که در خلیج فارس واقع و نسبت بجزایر دیگر اهمیتی ندارد لکن از جهت تاریخی زیرا وطن اصلی فینیقیها بوده و شیخ نشین آن در تحت حمایت انگلیس در آنجا حکومت میکند این جزایر مدتهاست بین ایران و انگلیس محل نزاع است زیرا ایران ادعای سیادت بر آن جزایر میکند و یکی از مواد معاهده انگلیس و حجاز که در سنه ماضیه منعقد شده نیز ذکری از این جزایر نشده بود و حکومت ایران بر جهتی که حکومت انگلیس برای اقدام در این امر سوء تعبیر نموده و اظهاری که راجع بحمایت خودش بر آن جزایر در معاهده مزبور نموده است در نزد حکومت انگلیس و سایر اعضای مجلس عالی اعتراض و ادعا نمود بر سیادت جزایر مزبور با ایران است.

سر اوستن چمبرلین یادداشتی امروز در جواب ادعاهای ایران نوشته و در آن تصریح نموده جزایر بحرین از هر جهه جغرافیائی و نه از جهه قومی جزو ایران نیست و دلیلی تاریخی نیز ذکر نموده که ثابت میکند براینکه دولت ایران اعتراف کرده است که دولت انگلیس حق حمایت بر جزایر بحرین را دارد و در خاتمه اظهار نمود که دولت انگلیس برای تضمین جزایر بحرین و ترقی آن بطور مسالمت جمیع مساعی در کوشش نموده و حالا سزاوار نیست ادعاهای غیر مشروع همسایه رونق و صفای آنها را از بین ببرد و بهتر است آن ادعاهای همسایه برای این است که آنها را نسبت بحکم اجنبی فروش کند و نیز اظهار نمود که انگلیس حاضر نیست در سیاستی که تاکنون بر جزایر بحرین اجرا نموده است دست بردارد و نیز اظهار نمود که حکومت ایران بحرین را بعد از قشون ایران در قرن هفدهم و در اواخر قرن هیجدهم داخل جزایر بحرین شدند ولی قبایل عرب در ۱۷۸۳

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسلگری دولت علیهٔ ایران – در بین النهرین

سواد ______ نمره ______ مؤرخه ______ وزارت / اداره که اصل آن بنمره ______ ثبت شد

آنها را بیرون کردند و خاندان قشون عرب هم در آن موقع جد شیخ حالیه بود و از آن تاریخ ببعد جزایر بحرین عملا در تحت حکم دولت ایران باقی مانده است

این یادداشت دولت انگلیس ادعای دولت ایران را که انگلیس سیادت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است تکذیب نموده و تصریح نموده که روابط مخصوصی در بین شیخ بحرین و انگلیس است مبتنی بر معاهداتی است که تا قریب یکصد سال است سنه قدیمترین آنها منعقد شده است و تمام آن معاهدات استقلال حکام بحرین را تصدیق کرده است

دلایلی را دولت ایران اقامه کرده و مدعی بود که بموجب بعضی دلایل دولت انگلیس سیادت دولت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است تمام آن دلایل را سر چمبرلین سر دفاع رد نموده و مهمترین آن دلایل که دولت ایران متمسک بآن است اظهار (ارل کلارندون) بوده که گفته است حاضر است در بعضی تکالیف دوستانه که در خلیج فارس بعهده اوست صرف نظر کرده و آنها را بدولت ایران واگذار نماید مشروط بر اینکه باعث آن نبوده و بتواند از عهده آن برآید

این عبارت بطور واضح میرساند که دولت انگلیس ادعای سیادت دولت ایران را بر جزایر بحرین هیچوقت تصدیق نکرده است و سر چمبرلین میرساند اظهار عقیده در یادداشتی که سفیر انگلیس در سنه ۱۹۰۶ بدولت ایران داده و وضعیت حالیه کاملا معین و محدود شده است و دولت انگلیس در این یادداشت خود اظهار کرده است که سیادت ایران را بر بحرین ابدا تصدیق نکرده است و همچنین

و ادعای آنرا هم از طرف ایران راجع باین موضوع نمی پذیرد

ترجمه مطابق با اصل است

محمد [illegible]

شماره: ۳۸
فرستنده: دفتر تذکرهٔ محمره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول خرداد ۱۳۰۷
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

حکمی به مهر حسام‌السلطنهٔ مرحوم که در سنهٔ ۱۲۷۷ فرمانفرمای فارس بود، راجع به برقراری سالی سی‌تومان وظیفه دربارهٔ شیخ محمدبن حسین به عنوان شیخ محمدبن خلیفه حاکم بحرین از مالیات آنجا موجود است. حکم مزبور دلالت می‌کند، تا آن سال حکام بحرین مالیات به ایالت فارس می‌پرداخته‌اند عکس آن که مستوفیان فارس در ظهر امضا کرده‌اند، لفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد، چنانچه جزء مدارک محسوب باشد، مقرر فرمایند که اصل آن را ایفاد دارد.

رئیس تذکره ـ حسین حسام

[مهر حسام‌السلطنه]

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه شیخ‌المشایخ حاکم بحرین سرافراز بود، بداند که نظر به ظهور مرحمت دربار عالیجناب فضایل مآب شیخ محمدبن حنیفه از هذه سنهٔ سچی‌ئیل فرخنده دلیل و مابعدها، مبلغ سی‌تومان به صیغهٔ وظیفه در حق عالیجناب مشارالیه برقرار فرمودیم که بابت مالیات وجوهات دیوانی بحرین از اهالی دریافت نماید. باید اهالی از هذه سنه سچی‌ئیل خدمت تحمیل و مابعدها هر ساله مبلغ مزبور را در وجه عالیجناب مشارالیه مهمسازی دارد که به خرج مالیات بحرین مجری خواهد شد. مقرر آنکه عالیجاهان مجدت و نجدت اکتسباهان مقرب‌الحضرت الوالا مستوفیان عظام گرام مبلغ مزبور را در حق عالیجناب شیخ محمد حسین برقرار دانسته به خرج مالیات دیوانی بحرین منظور دارند. المقرر آنکه عالیجاهان کتاب سعادت اکتساب دفترخانه مبارکه، شرح رقم مبارک را ثبت و ضبط نمایند و در عهده شناسند. تحریر فی شهر ربیع‌الثانیه ۱۲۷۷.

امضا و مهرجمعی‌از مستوفیان فارس

وزارت امور خارجه

دفتر تذکره — محرمانه

نمره (۱۲۸)

بتاریخ اول خرداد سنه ۱۳۰۷

نمره ۹۳ ضمیمه صورت عکس

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

حکمی به مهر حسام السلطنه مرحوم در سنه ۱۲۷۲ فرمانفرمای فارس به صحه رسیده برادر آقای

سالی سی تومان وظیفه درباره شیخ محمد بن حسین به عنوان شیخ محمد بن خلیفه حاکم بحرین

از مالیات آنجا موجود است حکم مزبور دلالت میکند که ارسال احکام

بحرین مالیات با ایالت فارس میپرداخته اند عکس آن را در شیراز

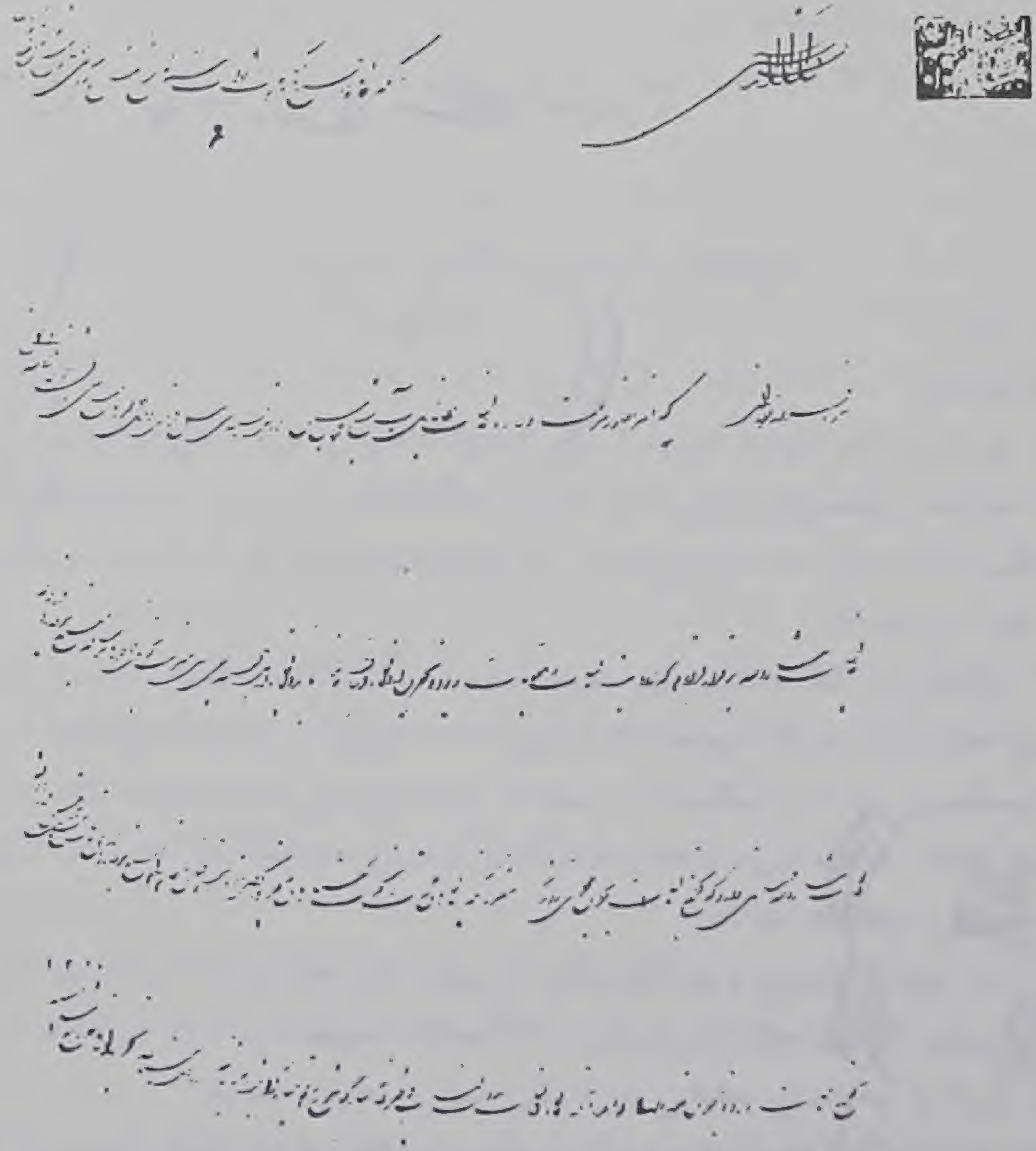
فارس نیز امضا کرده اند اگر از لحاظ مبارک گذشته و حاکم خودمان دارد محترم

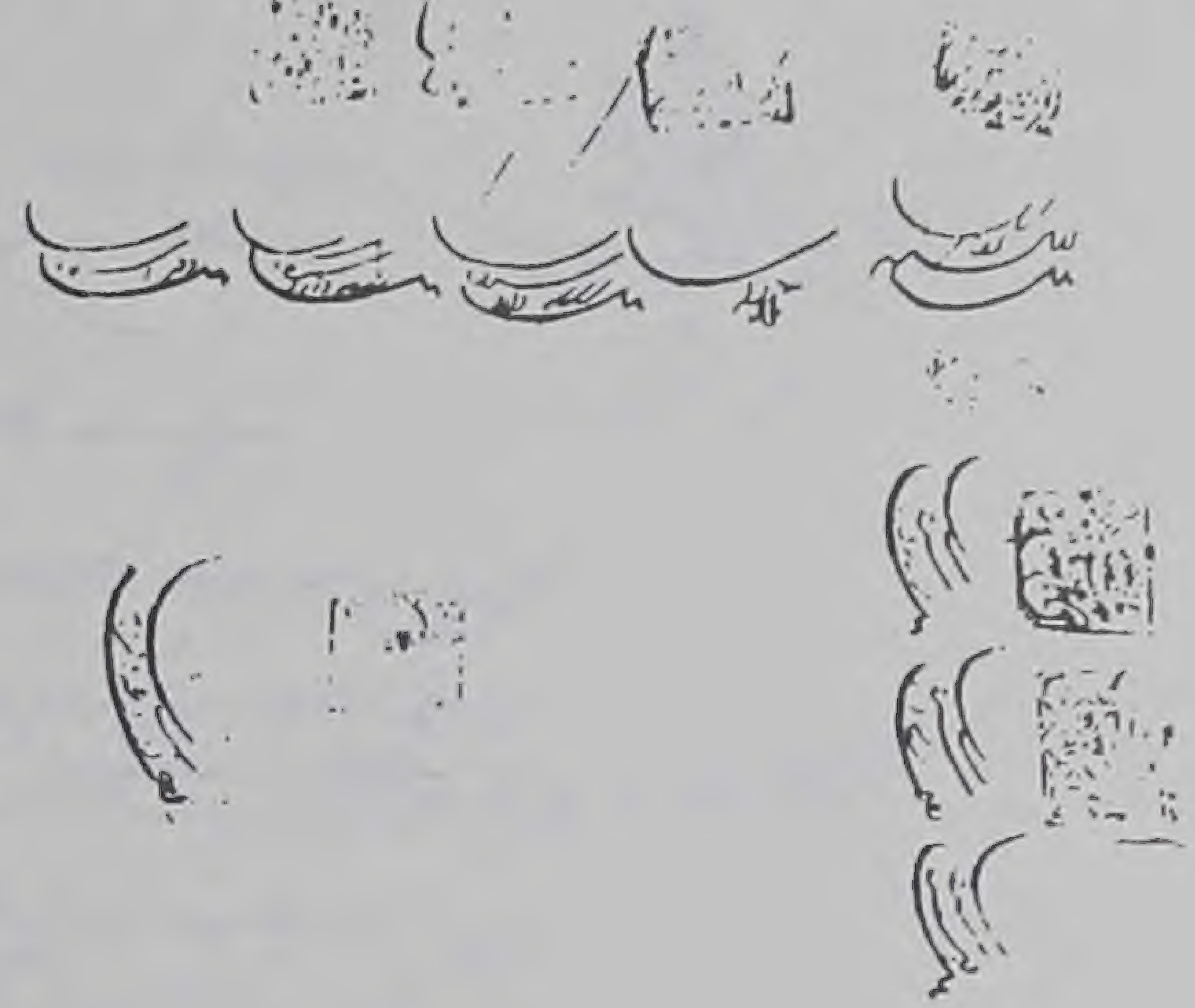
حسام

اداره ... ۱۲/۳/۳۰۷

۲۶ / ۳ / ۷ سنه ۱۳

۸۰۰۴







شماره: ۳۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۱ مرداد ۱۳۰۷
متن سند:

مراسله به سفارت انگلیس راجع به بحرین

۲ اوت ۱۹۲۸
آقای شارژدافر

برحسب امر دولت متبوعهٔ خود احتراماً جواب دولت ایران را به مراسله که جناب سراوستن چمبرلین وزیر امور خارجهٔ انگلستان در تاریخ ۱۸ ژانویهٔ ۱۹۲۸ نمرهٔ ۹۱ــ۵۱ــ۲۲۰ راجع به جزایر بحرین به وزیرمختار ایران در لندن اشعار داشته‌اند، به اطلاع شما می‌رساند:

دلایلی را که جناب وزیر امور خارجهٔ انگلستان در ضمن مراسلهٔ مزبور در رد اعتراض حقهٔ دولت ایران مورخهٔ ۲۲ نوامبر ۱۹۲۷ نسبت به مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده منعقده بین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سلطان عبدالعزیزابن سعود اقامه کرده‌اند، به هیچ وجه نمی‌تواند دولت ایران را متقاعد و آن را از طریق مدافعهٔ حق مسلم حاکمیت خود بر جزایر بحرین منحرف بدارد.

۲. قبل از تشریح و رد اظهاراتی که وزیر امور خارجهٔ انگلستان بر علیه اعتراض ایران و برای اثبات حقانیت سیاست انگلستان نموده‌اند، لازم می‌داند توجه دولت متبوعهٔ شما را به اصل حقوقی بین‌المللی ذیل معطوف نماید:

یک خاکی که متعلق به یک مملکت مستقلی باشد ممکن نیست از آن مملکت قانوناً مجزا شود و مادامی که حق مالکیت به واسطهٔ یک سند رسمی مثل قرارداد به دولت دیگری منتقل نشده و یا الحاق آن قطعه و یا استقلال آن از طرف مملکتی که مالک قانونی آن است رسماً شناخته نشده باشد. اینکه جزایر بحرین متعلق به ایران می‌باشد مثل تمام حقایق تاریخی بدیهی است هیچ وقت دولت مستقلی در عالم به اسم بحرین وجود نداشته و هیچ وقت دولت ایران از حاکمیت خود بر جزایر مزبوره صرف‌نظر نکرده و این حق خود را به دولت دیگری منتقل ننموده و هیچ یک از شیوخ جزایر مزبوره را به عنوان حکمران مستقل نشناخته است.

در تاریخ ایران بسا اتفاق افتاده است که حکام و خوانین و مشایخ یا سایر رؤسای محلی ایران برعلیه حکومت مرکزی عصیان نموده و بعد بلافاصله به اطاعت برگشته یا چندی به حال خود سری مانده و یا در میان رؤسای محلی مخاصمه رخ داده و آنکس که قویتر بوده است، ریاست محلی را ازدیگران منتزع نموده؛ ولی مانند آنها همیشه باز تابع و مطیع دولت مرکزی بوده است. بدیهی است این رقابتها و منازعات درونی هیچ وقت خللی به حق سیادت و تمامی ملکی ایران وارد نیاورده است. بنابر آنچه گذشت، به قطعی‌ترین وجهی به نام دولت خود اظهار می‌کنم که جزایر بحرین جزء لاینفک ایران بوده و دولت ایران نمی‌تواند قبول کند که خود سری موقتی با کم‌وبیش دوام یافتهٔ مشایخ بتواند به حق سیادت ایران بر آن جزایر خللی وارد آورد.

مطابق رسوم حالیهٔ بین‌المللی، هیچ وقت در موقع صلح از دولتی نمی‌توان تقاضا نمود که از حق سیادت خود بر یک قطعه از خاک خود صرف‌نظر کند به این عنوان که ساکنین آن قطعه به زبان ملی آن دولت متکلم نیستند یا اینکه آن قطعه به واسطهٔ دریا از آن مملکت جدا شده است. این حقیقت را دولت انگلستان کمتر از هر دولت دیگری می‌تواند انکار نماید. بحث در دلایل جغرافیایی و نژادی وقتی ممکن است مورد داشته باشد که یک دولتی دعوی الحاق یک قطعه خاک جدیدی را به مملکت خود به همین عنوان تقاضا نموده باشد.

گذشته‌ازحقوق ایران به جزایر بحرین، روابط نژادی و اقتصادی آن جزایر با ایران بیشتر از ارتباط آنها با هر مملکت مستقل متمدن دیگری است.

بحرین دایماً و بلا انقطاع در قرون سابقه جزء ایران بوده، جز در زمان تسلط پرتقالی‌ها از ۱۵۰۷ تا سال ۱۶۲۲ که در آن تاریخ ایران جزایر را مجدداً به تصرف درآورد.

مشایخ عرب که حکومت جزایر را داشتند حتی در قرون گذشته هم مانند حکمرانان یک مملکت مستقلی حکومت نداشتند بلکه مثل رؤسای قبایل و خوانین محلی از نواحی ایران که تا چند سال قبل هم حکومت دایم و یا ارثی داشته‌اند ولی همیشه در تحت تابعیت دولت ایران بوده‌اند.

مشایخ بحرین همیشه حاکمیت ایران را شناخته و نه فقط تا اواخر قرن هیجدهم بلکه بعدها هم به موجب اسناد معتبری که در دست است اطاعت کامل و وفاداری خود را به حکومت مرکزی ایران ابرازکرده‌اند و مالیات بحرین به خزانهٔ ایران عاید می‌شده است که این خود بهترین علامت انقیاد مشایخ بحرین نسبت به حکومت ایران است.

واضح است که این تبعیت تا وقتی که آنها در اثر مداخله یا تهدید و یا فشار دولت خارجی به عدم اطاعت تشویق نشده‌اند، مداومت داشته است.

۳. نه تنها بدیهی است که دولت ایران هیچ وقت تردیدی راجع به مالکیت و حاکمیت خود بر بحرین نداشته بلکه به دولت انگلیس هم در این حق ایران تردید نداشته است. گواه این حقیقت مکاتبه است که لرد کلارندون وزیر امور خارجهٔ انگلستان با سفارت ایران در لندن نموده است، لرد کلارندون بعد از اطلاع از اسنادی که سفارت ایران در لندن به او ارائه نموده و پس از شور با همقطار خود وزیر هندوستان در مراسلهٔ ۲۹آوریل ۱۸۶۹ خود اعلام داشته است: دولت انگلستان بسهولت اعتراف می‌کند که دولت شاه براینکه حق حاکمیت ایران نسبت به بحرین مورد اعتنا واقع نشده، اعتراض کرده و دولت انگلستان این اعتراض را مورد توجه لازمه قرار داده است.

به این ترتیب لرد کلارندون پس از استحضار از کیفیات و اسناد مربوطه اعلام می‌دارد که دولت انگلستان اعتراض دولت ایران را در مراعات نشدن حق حاکمیت او بر بحرین مورد توجهی که شایسته آن می‌باشد، قرار داده است. به عقیدهٔ ما ممکن نیست برای الفاظی که لرد کلارندون وزیر امور خارجهٔ وقت در مراسلهٔ خود استعمال نموده، معنای دیگری قایل شده و یا تعبیر دیگری غیر از آنچه مشهود است فرض نمود.

و همین که لرد مشارالیه در مراسلهٔ خود سعی می‌کند که علت مشروعی برای روابط انگلستان با مشایخ بحرین در مقابل دولت ایران اقامه نماید که البته این توضیحات در مقابل مالک مورد دارد و اینکه از طرف دیگر ساعی است که اقدامات انگلستان را در آنجا به جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده و حفظ امنیت خلیج محدود می‌نماید، خود بهترین دلیل حق حاکمیت ایران بر جزایر مزبوره می‌باشد. بی‌مورد نیست قسمت مربوطهٔ مراسلهٔ لرد مشارالیه در اینجا ذکر شود:

«خاطر شمار را مطمئن می‌سازم که دولت انگلستان شیخ بحرین را فقط برای جلوگیری از دزدی دریایی و تجارت برده و نگاهداری نظم خلیج وادار به اجرای این تعهدات می‌سازد.»

بنابراین هیچ صحبتی از حقی برای دولت انگلیس نسبت به بحرین یا استقلال جزایر مزبوره و شیوخ آن در بین نبوده است. باز در جای دیگر مراسلهٔ مزبوره، شناسایی حاکمیت ایران بر بحرین به طرز ثابتی تأیید شده است:

«اگر دولت ایران حاضر باشد که قوای کافی در خلیج برای این مقاصد نگاه دارد، این مملکت از یک وظیفهٔ پر زحمت و پر خرجی خلاص خواهد شد ولی اگر شاه

حاضر نیست که این وظایف را به عهده گیرد، دولت علیا حضرت ملکه نمی‌تواند تصور نماید که اعلیحضرت شاهنشاهی مایل هستند در آن آبها بی‌نظمی و جنایات به واسطهٔ عدم تنبیه تشویق شود.»

به این معنی که هر وقت دولت ایران مهیا به انتظام خلیج باشد، دولت انگلستان از «وظیفهٔ سنگین و مخارج گزافی که در آنجا متحمل می‌شود، رهایی یافته»، قوای خود را از آنجا خواهد برد و این وظایف را به عهدهٔ مالک حقیقی جزایر مزبوره که حقاً باید به آن عمل نماید، واگذار خواهد نمود.

و نیز لرد کلارندون اضافه می‌نماید:

«افتخار دارم به شما اشعار دارم که هر وقت عملی باشد دولت علیا حضرت ملکه از هر اقدامی که برای منقاد کردن شیخ در مواردی که رفتار شیخ مزبور لزوم آن را ایجاب کند، به عمل آورد، قبلاً دولت ایران را مطلع خواهد ساخت.»

این عبارت هم بخوبی می‌رساند که دولت انگلستان خود را موظف به اطلاع دادن مراتب به مالک واقعی جزایر مزبوره می‌دانسته است.

اظهارات صریح مذکوره فوق و تعهد رسمی دولت انگلستان در سال ۱۸۶۹ از طرفی دلیل بین بر سستی دعاوی انگلستان و از طرف دیگر شاهد قوی برای حق حاکمیت ایران نسبت به جزایر بحرین می‌باشد.

دولت ایران هیچ وقت اظهار نکرده است که شناسایی حق ایران بر بحرین از طرف اولیای دولت انگلستان موجد آن حق بوده، چنانکه بالعکس هم نمی‌تواند قبول نماید که عدم شناسایی حق ایران از طرف دولت مشارالیها حق مزبور را ساقط نماید زیرا حق حاکمیت ایران بر آن جزایر بدون تکیه به نظریات خارجی برقرار بوده و خواهد بود. مع‌هذا ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که دولت انگلیس که امروز معارض این حق ایران است که خود آن را مکرر در ادوار مختلفهٔ تاریخ شناخته است.

۴. تنها استدلالی که دولت انگلیس مکرر در موضوع بحرین بر رد حاکمیت ایران بر آن جزایر می‌نماید، موضوع دخول دولت انگلیس در بعضی تعهدات قراردادی با شیوخ حکام بحرین می‌باشد.

در مقابل این اعتراف انگلستان دولت ایران سؤالات ذیل را می‌نماید:

یکی نقض یکی از قواعد مقدماتی حقوق بین‌المللی حقی برای نقض کننده ایجاد و آن را مجاز می‌نماید نتایجی را که از این اقدام برای سیاست آن مناسب است، اتخاذ نماید.

اگر یک نفر حاکم یا یکی از رؤسای محلی قطعه از خاک یک مملکت مستقلی، بدون اجازهٔ صریح دولت مرکزی، داخل در روابط مستقیم با یک دولت خارجی بشود؛ آیا از لحاظ حقوق بین‌المللی هیچ اثری نمی‌توان بر آن قائل شد.

آیا یک دولت خارجی حق دارد با حکام یا رؤسای محلی بدون تصدیق دولتی که حکام و رؤسای مزبوره تابع آن هستند، عقد قرارداد بنماید. و چنانچه اصول مسلمهٔ حقوق بین‌المللی از طرف یک حاکم یا رئیس محلی طوعاً و کرهاً نقض شود، ویا یک دولت خارجی برخلاف قواعد عمومی حقوق بین‌المللی داخل در روابط قراردادی با حکام یا رؤسای متمرد بشود، آیا حق حاکمیت دولت مرکزی نسبت به نقاطی که این اعمال غیر قانونی در آنها واقع شده، ساقط می‌شود.

و آیا آن حکام ویا رؤسای متمرّد می‌توانند حقاً به قراردادهای مزبوره متکی شده، دعوی استقلال نمایند.

دولت ایران هر وقت از عقد چنین قراردادهایی مطلع شده از پروتست شدید رسمی نسبت به آنها خودداری نکرده است.

۵. اظهارات وزیرمختار انگلیس در طهران در سال ۱۹۰۶ در انکار حقوق ایران بر جزایر بحرین و دعوئ حمایت انگلستان نسبت به جزایر مزبوره که وزیر امور خارجهٔ انگلستان در مراسلهٔ خود به آنها اشاره فرموده‌اند، ابداً به دعاوی انگلیس قوت جدیدی نمی‌دهد.

در سنهٔ مزبوره، دولت ایران فوراً به آن اظهارات پروتست کرده و ضمناً به قرارداد مورخهٔ ۲۲ اوت ۱۸۲۲ منعقده بین‌کاپیتن بروس و شاهزاده حاکم فارس که حق حاکمیت ایران را نسبت به بحرین مشخص می‌نماید، متکی شده است.

بنا به اظهار وزیر امور خارجهٔ انگلستان، این قرارداد «به علت آنکه بدون اجازهٔ لازمه منعقده شده، فوراً در همان موقع از شناختن آن ابا شده است.»

بر فرض آنکه این قرارداد تصویب هم نشده باشد باز باید اعتراف نمود که قرارداد مزبور سند تاریخی فوق‌العاده گرانبهایی است که کاشف وضعیت دولت ایران و انگلیس در آن زمان نسبت به جزایر بحرین و مشایخ آن می‌باشد نکتهٔ مهم تاریخی که از آن قرارداد به دست می‌آید، همانا تصدیق و اذعان کاپیتن بروس بر این مطلب است که جزایر بحرین همیشه تابع ایالت فارس بوده است.

هیچ گونه تکذیبی نکتهٔ تاریخی مزبور را که در سال ۱۸۲۲ به وسیلهٔ یک شخص صلاحیتدار واقف به کیفیات آن حدود روشن شده، لطمه وارد نخواهد نمود. برای عدم

تصویب قرارداد مزبور هر نوع جهتی را ممکن است، فرض کرد به غیر از این علت که کاپیتن بروس تعلق بحرین را به ایران شناخته است. لرد کلارندون در مراسلهٔ مذکوره فوق که چهل و هفت سال بعد نوشته شده همان وضعیتی را راجع به بحرین تأیید و تقویت می‌نماید که کاپیتن بروس تشخیص داده است.

از طرف دیگر باید متذکر بود که اگر هم فتحعلی شاه قرارداد ۱۸۲۲ را تصویب ننموده باشد قطعاً به این علت نبوده است که حق حاکمیت او بر جزایر بحرین در قرارداد مزبور تصدیق شده است.

حقیقت این است که دولت ایران هیچ وقت حقی در تیره‌ترین مواقع تاریخ خود از اعلام حاکمیت خود بر بحرین غفلت نکرده و مخصوصاً راجع به قرارداد ۱۸۲۲، در جوابی که به تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۰۷ به مراسلات ۲ ژانویه و ۱۳ فوریهٔ ۱۹۰۷ وزیرمختار انگلستان در طهران داده، صریحاً اعلام داشته است:

«قرارداد ۱۸۲۲ ولو به طوری که آن جناب احتمال می‌دهند مجری نشده باشد، مزاحم با منظوری که اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند، نیست. مأمورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزایر و حقوق ایران را در آنجا آن طور دیده و شناخته‌اند که تصدیق کرده‌اند، حالا اگر قراردادی هم ضمناً داده باشند که آن قرارداد هم فرضاً اجرا نشده باشد، ربطی به اصل تصدیق مأمورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی همین نقطه است که دولت ایران منتظر حق‌گذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که از قدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده مرعی دارند.

۶. از زمان ارسال مراسلهٔ سابق‌الذکر لرد کلارندون که صریحاً متضمن اعتراف به حق حاکمیت ایران بر جزایر بحرین است تا این تاریخ هم هیچ گونه حقی برای دولت انگلستان در آن جزایر حاصل نشده و از این قرار دولت انگلستان حق نداشته‌است در قراردادی که با سلطان عبدالعزیزابن سعود در مه ۱۹۲۷ منعقد داشته، مداخله در این حق مسلم ایران بنماید.

این است که دولت ایران به مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده در قسمت راجعه به بحرین اعتراض کرده و به اعتراض خود باقی است.

در خاتمه دولت دوستدار امیدوار است که دولت انگلستان به دلایل تاریخی و حقوقی فوق توجه کرده تصدیق فرمایند چنین قیدی که در ماده ۶ عهدنامهٔ جده راجع به بحرین مندرج است فقط می‌تواند از طرف مالک حقیقی جزایر بحرین که ایران است،

بسته شود.

امضا ف. پاکروان
کفیل وزارت امور خارجه

## مراسله به سفارت انگلیس راجع به بحرین

۲ اوت ۱۹۲۸

آقای شارژه دافر

برحسب امر دولت متبوعه خود احتراما جواب دولت ایران را به مراسله که جناب سر اوستن چمبرلین وزیرامورخارجه انگلستان درتاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۲۸ نمره ۹۱ – ۵۱ – ۲۲۰ راجع به جزائر بحرین به وزیر مختار ایران درلندن اشعار داشته اند به اطلاع شما میرساند:

دلائلی را که جناب وزیرامورخارجه انگلستان در ضمن مراسله مزبور بر رد اعتراض حقه دولت ایران مورخه ۲۲ نوامبر ۱۹۲۷ نسبت به ماده ۶ عهدنامه جده منعقده بین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سلطان عبدالعزیز ابن سعود اقامه کرده اند بهیچوجه نمیتواند دولت ایران را متقاعد و آنرا ازطریق مدافعه حق مسلم حاکمیت خود بر جزائر بحرین منحرف بدارد.

۲ – قبل از تشریح و رد اظهاراتی که وزیر امورخارجه انگلستان بر علیه اعتراض ایران و برای اثبات حقانیت سیاست انگلستان نموده اند لازم میداند توجه دولت متبوعه شما را به اصل حقوقی بین المللی ذیل معطوف نماید:

یک خاکی که متعلق به یک مملکت مستقلی باشد ممکن نیست از آن مملکت قانونا مجزی شود مادامیکه حق مالکیت بواسطه یک سند رسمی مثل قرارداد به دولت دیگری منتقل نشده ویا الحاق آن تسلیم ویا استقلال آن ازطرف مملکتی که مالک قانونی آن است رسما شناخته نشده باشد. اینکه جزائر بحرین متعلق به ایران میباشد مثل تمام حقائق تاریخی بدیهی است هیچوقت دولت مستقلی درعالم به اسم بحرین وجود نداشته وهیچوقت

۲

دولت ایران از حاکمیت خود برجزائر مزبوره صرف نظر نکرده و این حق خود را به دولت دیگری منتقل ننموده و هیچیک از شیوخ جزائر مزبوره را بعنوان حکمران مستقل نشناخته است

در تاریخ ایران بسا اتفاق افتاده است که حکام و خوانین و مشایخ یا سائر روسای محلی ایران بر علیه حکومت مرکزی عصیان نموده و بعد بلا فاصله به اطاعت برگشته یا چندی به حال خود سری مانده و یا در میان روسای محلی مخاصمه رخ داده و آنکس که قویتر بوده است ریاست محلی را از دیگران منتزع نموده ولی مانند آنها همیشه باز تابع و مطیع دولت مرکزی بوده است . بدیهی است این رقابتها و منازعات درونی هیچوقت خللی به حق سیادت و تمامی ملکی ایران وارد نیاورده است .

بنابرآنچه گذشت به قطعی ترین وجهی بنام دولت خود اظهار میکنم که جزائر بحرین جزء لا ینفک ایران بوده و دولت ایران نمیتواند قبول کند که خود سری موقتی یا کم و بیش دوام یافته مشایخ بتواند به حق سیادت ایران برآن جزائر خللی وارد آورد .

مطابق رسوم حالیه بین المللی هیچوقت در موقع صلح از دولتی نمیتوان تقاضا نمود که از حق سیادت خود بر یک قطعه از خاک خود صرف نظر کند به این عنوان که ساکنین آن قطعه به زبان ملی آن دولت متکلم نیستند یا اینکه آن قطعه بواسطه دریا از آن مملکت جدا شده است . این حقیقت را دولت انگلستان کمتر از هر دولت دیگری میتواند انکار نماید . بحث در دلائل جغرافیائی و نژادی وقتی ممکن است مورد داشته باشد که یک دولتی دعوی الحاق یک قطعه خاک خارجی را به مملکت خود بهمین عنوان تقاضا نموده باشد.

گذشته از حقوق ایران بجزایر بحرین روابط نژادی و اقتصادی این جزایر با ایران بیشتر از ارتباط آنها با هر مملکت مستقل متمدن دیگری است.

بحرین دائما و بلا انقطاع در قرون سابقه جزء ایران بوده مگر در زمان تسلط پرتغالیها از ۱۵۰۷ تا

۳

سال ۱۶۲۴ که در آن تاریخ ایران جزایر را مجدداً بتصرف در آورد

منابع عرب که حکومت جزایر را داشتند حتی در قرون گذشته هم مانند حکمرانان یک مملکت مستقلی حکومت نداشتند بلکه مثل روسای قبائل و خوانین محلی از نواحی ایران که تا چند سال قبل هم حکومت دائم و یا ارثی داشته اند ولی همیشه در تحت تابعیت دولت ایران بوده اند .

منابع بحرین همیشه حاکمیت ایران را شناخته و نه فقط تا اواخر قرن هیجدهم بلکه بعد ها هم بموجب اسناد معتبری که در دست است اطاعت کامل و وفاداری خودرا به حکومت مرکزی ایران ابراز کرده اند و مالیات بحرین به خزانه ایران عائد میشده است که این خود بهترین علامت انقیاد منابع بحرین نسبت به حکومت ایران است .

واضح است که این تبعیت تا وقتی که آنها در اثر مداخله یا تهدید و یا فشار دولت خارجی به عدم اطاعت تشویق نشده اند مداومت داشته است .

۳ - نه تنها بدیهی است که دولت ایران هیچوقت تردیدی راجع به مالکیت و حاکمیت خود بر بحرین نداشته بلکه به دولت انگلیس هم در این حق ایران تردید نداشته است . گواه این حقیقت مکاتبه است که لرد کلارندون وزیر امور خارجه انگلستان با سفارت ایران در لندن نموده است لرد کلارندون بعد از اطلاع از اسنادی که سفارت ایران در لندن به او ارائه نموده و پس از شور با همقطار خود وزیر هندستان در مراسله ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ خود اعلام داشته است : -

" دولت انگلستان بسهولت اعتراف میکند که دولت شاه بر اینکه حق حاکمیت ایران نسبت به بحرین مورد اعتنا واقع نشده اعتراض کرده و دولت انگلستان این اعتراض را مورد توجه لازمه قرار داده است. "

به این ترتیب لرد کلارندون پس از استحضار از کیفیات و اسناد مربوطه اعلام میدارد که دولت انگلستان اعتراض دولت ایران را در مراعات نشدن حق حاکمیت او بر بحرین مورد توجهی که شایسته آن میباشد قرارداده است .

بعقیده ما ممکن نیست برای الفاظی که لرد کلارندون وزیر امور خارجه وقت در مراسله خود استعمال نموده معنای دیگری قائل شده و یا تعبیر دیگری غیر از آنچه مشهود است فرض نمود .

و همینکه لرد مشارالیه در مراسله خود سعی میکند که علت مشروعی برای روابط انگلستان با مشایخ بحرین در مقابل دولت ایران اقامه نماید که البته این توضیحات در مقابل مالک مورد دارد و اینکه از طرف دیگر ساعی است که اقدامات انگلستان را در آنجا به جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده و حفظ امنیت خلیج محدود مینماید خود بهترین دلیل حق حاکمیت ایران بر جزائر مزبوره میباشد . بیمورد نیست قسمت مربوطه مراسله لرد مشارالیه در اینجا ذکر شود :

" خاطر شما را مطمئن میسازم که دولت انگلستان شیخ بحرین را فقط برای جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده و نگاهداری نظم خلیج وادار به اجرای این تعهدات میسازد .

بنابراین هیچ صحبتی از حقی برای دولت انگلیس نسبت به بحرین یا استقلال جزائر مزبوره و شیوخ آن در بین نبوده است . باز در جای دیگر مراسله مزبوره شناسائی حاکمیت ایران بر بحرین بطرز ثابتی تائید شده است :

اگر دولت ایران حاضر باشد که قوای کافی در خلیج برای این مقاصد نگاهدارد این مملکت از یک وظیفه پرزحمت و پرخرجی خلاص خواهد شد ولی اگر شاه حاضر نیست که این وظائف را بعهده گیرد دولت علیاحضرت ملکه نمیتواند تصور نماید که اعلیحضرت شاهنشاهی مایل هستند در آن آبها بی نظمی و جنایات بواسطه عدم تنبیه تشویق شود .

باین معنی که هر وقت دولت ایران مهیا به انتظام خلیج باشد دولت انگلستان از وظیفه سنگین و مخارج گزافی که در آنجا متحمل میشود رهائی یافته " قوای خودرا از آنجا خواهد برد و این وظائف را بعهده مالک حقیقی جزائر مزبوره که حقا باید بدان عمل نماید واگذار خواهد نمود .

و نیز لرد کلارندون اضافه مینماید :

" افتخار دارم به شما اشعار دارم که هر وقت عملی باشد دولت علیا حضرت ملکه از هر اقدامی که برای منقاد کردن شیخ در مواردی که رفتار شیخ مزبور لزوم آن را ایجاب کند بعمل آورد قبلا دولت ایران را مطلع خواهد ساخت . "

این عبارت هم بخوبی میرساند که دولت انگلستان خودرا موظف به اطلاع دادن مراتب به مالک

واقعی جزائر مزبوره میدانسته است .

اظهارات صریح مذکوره فوق وتعهد رسمی دولت انگلستان در سال ۱۸۶۹ ازطرفی دلیل بین بر سستی دعاوی انگلستان و ازطرف دیگر شاهد قوی برای حق حاکمیت ایران نسبت به جزائر بحرین میباشد .

دولت ایران هیچوقت اظهار نکرده است که شناسائی حق ایران بر بحرین ازطرف اولیای دولت انگلستان موجد آن حق بوده چنانکه بالعکس هم نمیتواند قبول نماید که عدم شناسائی حق ایران ازطرف دولت مشارالیها حق مزبور را ساقط نماید زیرا حق حاکمیت ایران بر آن جزائر بدون تکیه به نظریات خارجی برقرار بوده و خواهد بود معهذا ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که دولت انگلیس که امروز معارض این حق ایران است خود آنرا مکرر در ادوار مختلفه تاریخ شناخته است .

٤ ـ تنها استدلالی که دولت انگلیس مکرر در موضوع بحرین بر رد حاکمیت ایران بر آن جزائر مینماید موضوع دخول دولت انگلیس در بعضی تعهدات قراردادی با شیوخ حکام بحرین میباشد .

در مقابل این اعتراف انگلستان دولت ایران سوالات ذیل را مینماید .

یکی نقض یکی از از قواعد مقدماتی حقوق بین المللی حقی برای نقض کننده ایجاد و آنرا مجاز مینماید نتایجی راکه از این اقدام برای سیاست آن مناسب است اتخاذ نماید .

اگر یکنفر حاکم یا یکی از روسای محلی قطعه از خاک یک مملکت مستقلی بدون اجازه صریح دولت مرکزی داخل در روابط مستقیم با یک دولت خارجی بشود آیا از لحاظ حقوق بین المللی هیچ اثری میتوان بر آن قائل شد .

آیا یک دولت خارجی حق دارد با حکام یاروسای محلی بدون تصدیق دولتی که حکام وروسای مزبوره تابع آن هستند عقد قرارداد بنماید .

و چنانچه اصول مسلمه حقوق بین المللی ازطرف یک حاکم یا رئیس محلی طوعا وکرها نقض شود و با یک دولت خارجی برخلاف قواعد عمومی حقوق بین المللی داخل در روابط قراردادی با حکام یا روسای متمرد بشود آیا حق حاکمیت دولت مرکزی نسبت به نقاطی که این اعمال غیرقانونی در آنها شده ساقط میشود .

۶

وآیا آن حکام و یا روسای متمرد میتوانند حقا به قراردادهای مزبوره متکی شده دعوی استقلال نمایند .

دولت ایران هروقت ازعقد چنین قراردادهائی مطلع شده ازبروتست شدید وسعی نسبت به آنها خود داری نکرده است .

۵ - اظهارات وزیر مختار انگلیس در طهران در سال ۱۹۰۶ در انکار حقوق ایران بر جزائر بحرین و دعوی حمایت انگلستان نسبت به جزائر مزبوره که وزیرامورخارجه انگلستان در مراسله خود به آنها اشاره فرموده‌اند ابدا به دعاوی انگلیس قوت جدیدی نمیدهد .

در سنه مزبوره دولت ایران فورا به آن اظهارات پروتست کرده و ضمنا به قرارداد مورخه ۲۲ اوت ۱۸۲۲ منعقده بین کابینت بروس و شاهزاده حاکم فارس که حق حاکمیت ایران را نسبت به بحرین مشخص مینماید متکی شده است .

بنا به اظهار وزیر امورخارجه انگلستان این قرارداد بجملت آنکه بدون اختیارلازمه منعقد شده فورا درهمان موقع از شناختن آن ابا شده است .

برفرض آنکه این قرارداد تصویب هم نشده باشد باز باید اعتراف نمود که قرارداد مزبور سند تاریخی فوق العاده گرانبهائی است که کاشف وضعیت دولت ایران و انگلیس درآن زمان نسبت به جزائر بحرین و منابع آن میباشد . نکته مهم تاریخی که ازآن قرارداد به دست می آید عجالتا تصدیق و اذعان کابینت بروس براین مطلب است که جزائر بحرین همیشه تابع ایالت فارس بوده است .

هیچ گونه تکذیبی نکته تاریخی مزبور که در سال ۱۸۲۲ بوسیله یک شخص صلاحیتدار واقف به کیفیات آن حدود روشن شده لطمه نمی توانند [?] نمود .

برای عدم تصویب قرارداد مزبور هرنوع جهتی را ممکن است فرض کرد بغیرازاین علت که کابینت بروس تعلق بحرین را به ایران شناخته است . لرد کلارندون در مراسله مذکوره

فوق که چهل و هفت سال بعد نوشته شده همان وضعیتی را راجع به بحرین تائید و تقویت مینماید که کابینت پروس تشخیص داده است.

ازطرف دیگر باید متذکر بود که اگر هم فتحعلی شاه قرارداد ۱۸۲۲ را تصویب ننموده باشد قطعاً به این علت نبوده است که حق حاکمیت او برجزائر بحرین بر قرارداد مزبور تصدیق شده است.

حقیقت این است که دولت ایران هیچوقت حتی در تیره ترین مواقع تاریخ خود از اعلام حاکمیت خود بربحرین غفلت نکرده ومخصوصاً راجع به قرارداد ۱۸۲۲ در جوابی که بتاریخ ۱۰ اوت ۱۹۰۷ به مراسلات ۲ ژانویه و ۱۳ فوریه ۱۹۰۷ وزیرمختار انگلستان درطهران داده صریحاً اعلام داشته است:

« قرارداد ۱۸۲۲ ولو بطوریکه آنجناب احتمال میدهند مجری نشده باشد مزاحم ما منظوریکه اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند نیست مامورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزائر وحقوق ایران را در آنجا آنطور دیده و شناخته اند که تصدیق کرده اند. حالا اگر قراردادی هم امضا داده باشند که آن قرارداد هم فرضاً اجرا نشده باشد دلیلی به اصل تصدیق مامورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی همین نقطه است که دولت ایران منتظر حق گذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که ازقدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده مرعی دارند. »

۶ - از زمان ارسال مراسله سابق الذکر لرد کلارندون که صریحاً متضمن اعتراف به حق حاکمیت ایران برجزائر بحرین است تا این تاریخ هم هیچگونه حقی برای دولت انگلستان در آن جزائر حاصل نشده واز اینقرار دولت انگلستان حق نداشته است در قراردادی که با سلطان عبدالعزیز ابن سعود در مه ۱۹۲۷ منعقد داشته مداخله در این حق مسلم ایران بنماید.

این است که دولت ایران به ماده ۶ عهدنامه جده در قسمت راجعه به بحرین اعتراض کرده و به اعتراض خود باقی است.

درخاتمه دولت دوستدار امیدوار است که دولت انگلستان بدلائل تاریخی و حقوقی فوق توجه کرده تصدیق فرمایند چنین قیدی که در ماده ۶ عهدنامه جده راجع به بحرین مندرج است فقط میتواند ازطرف مالک حقیقی جزائر بحرین که ایران است بسته شود. امضا ف. پاکروان
کفیل وزارت امور خارجه

---------

شماره: ۴۰
فرستنده: وزارت داخله، ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

محرمانه

مقام محترم وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به موجب تلگرافی که رمزاً از نظمیهٔ محمره به وسیلهٔ نظمیهٔ ناصری واصل گردیده است، سلمان نام بحرینی، برای مسافرت به بصره تذکرهٔ قراء سرحدی از گمرک اخذ و برای ویزا به قونسولگری انگلیس برده در آنجا برخلاف سابق تحت عنوان اینک بحرین متعلق به انگلیس است، تذکره را ویزا نکرده و به مشارالیه جواز داده‌اند. نظمیه هم از ویزای جواز مزبور خودداری و راجع به معامله که نسبت به بحرینی‌ها باید شود. کسب تکلیف نموده است. اینکه مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند امر به مقرر فرمایند هر نوع مقتضی است، تکلیف اقدام را معین نمایند که از همان قرار به نظمیه آنجا دستور داده شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی ـ سرتیپ درگاهی

وزارت داخله

مدل ۱

بتاریخ ... شهریور ماه ۱۳۰۷

نمره ... ضمیمه ...

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

اداره ...

شعبه ...

[illegible] وزارت جلیله خارجه

[illegible]

[illegible]

[illegible] تحت عنوان [illegible] انگلیس است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۴۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

ادارهٔ محترمه کل تشکیلات نظمیه

در جواب مراسلهٔ نمره ۱ زحمت اظهار می‌دهد، بحرین متعلق به ایران است. و اهالی آنجا نیز مثل سایر اتباع ایران در موقع مسافرت به خارجه باید تذکرهٔ قانونی داشته باشند. اهالی بحرین که با تذکرهٔ قانونی و مطابق مقررات مملکتی اجازهٔ مسافرت به خارجه حاصل کردند، ویزا نمودن قونسول انگلیس به طریق معمول در تذکرهٔ آنها یا دادن ورقهٔ جداگانه برای مسافرت جهت بصره و سایر ممالک خارجه مانعی برای عزیمت آنها نخواهد بود ولی به هیچ وجه این قبیل ورقه‌های جداگانه که به اسم جواز از طرف قونسولگری انگلیس ممکن است داده شود، نباید از طرف مأمورین مربوطهٔ ایران ویزا شود.

۵
۲

وزارت امور خارجه

اداره
دائره

(نمونه (۱۰

بتاریخ ۱۴ رجب سنه ۱۳۴۷
نمره ۲۳۴۴ ۱۶ ضمیمه

۱۴ [illegible]

در باره تعرفه گمرکی [illegible]

در جواب مراسله نمره ۴ [illegible] اظهار میدارد [illegible] متعلق به ایران است [illegible]

[illegible] ساز [illegible] ایران [illegible] ساخت باید [illegible] تا زمانی [illegible] باشند

[illegible] در اینکه قانونی [illegible] مقررات [illegible]

[illegible] قونسول انگلیس [illegible]

[illegible] برای [illegible] آنها [illegible] باشد [illegible]

از طرف قونسولگری انگلیس [illegible] نباید [illegible]

[illegible]

[illegible] اداره [illegible]

شماره: ۴۲
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

جریدهٔ (اسکاتزمن **Scatzman**) منطبعهٔ (ادنبور **Edinborg**) در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۸ شرحی به مناسبت اقامت سید تیموربن فیصل بن ترکی، سلطان مسقط در انگلستان نوشته و ضمناً اشعار می‌دارد که مسقط چندین دست گشته و زمانی ایران، گاهی عثمانی، وقتی وهابی‌ها، و حتی در زمان سلف، پرتغالی‌ها بر آن استیلا یافته و در اواخر قرن نوزدهم نیز اختلاف مهمی بین دولتین انگلیس و فرانسه در موضوع آن روی داد. قبل از جنگ نیز روسیه می‌خواست خود را به آبهای گرم خلیج فارس رسانده، آلمان خیال داشت (کویت) را منتهی‌الیه راه‌آهن بغداد قراردهد و فرانسه و امریکا هم با دیدهٔ حسادت بر انگلستان می‌نگریستند. لکن از خاتمهٔ جنگ بین ملل به این طرف تصور می‌رود خلیج فارس یک دریاچهٔ انگلیسی گردیده و مرکز ثقل دسایس بین مللی از آنجا به ایران و عراق انتقال یافته، در صورتی که این طور نمی‌باشد زیرا روسیه از آنجا چشم نپوشانیده و در چند هفته قبل یک کشتی روسی موسوم به (توبولشک) به آنجا مسافرت نمود و گذشته از این دولت ایران هم تجدید مطلع کرد و ادعای مالکیت بعضی نقاط خلیج فارس را از قبیل بحرین می‌نماید.

آوانس ملکم

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

مورخه ۱۱ ماه مهر ۱۳۰۷
۳ اکتبر ۱۹۲۸
نمره ۵۵۴/۳۰۷
ضمیمه ندارد

وزارت جلیله امور خارجه

جریده اسکاتزمن (Scotsman) منطبعه ادنبورگ (Edinburg) در تاریخ ۱۰ام سپتامبر ۱۹۲۸
شروع بمناسبت فوت سید تیمور بن فیصل بن ترکی سلطان مسقط در انگلستان نوشته و ضمناً اشاره نموده که مسقط چندین دست گشته و
زمانی [illegible]، گاهی هلندیها، وقتی ایرانیها، و حتی چند زمان سلطنت پرتغالها تا برسد به انگلیسها، [illegible] و در اواخر قرن نوزدهم نیز اختلاف
مهمی بین دولتین انگلیس و فرانسه در موضوع آن روی داد. قبل از جنگ نیز روسیه مقصود داشت چندی ابتدا [illegible] خلیج فارس [illegible]
خیال داشت (کویت) را [illegible] این مسئله [illegible] قرار دولتین و فرانسه و انگلیسها [illegible] در حال حاضر بریطانیا [illegible]
خاتمه جنگ بین [illegible] تفوق بر خلیج فارس [illegible] انگلیس [illegible] در مرکز نفت [illegible] و عراق [illegible]
[illegible] در [illegible] روسیه [illegible] و در چند [illegible] روسی [illegible] (آوبولک) [illegible]
[illegible] و گذشته از این [illegible] اکنون هم [illegible] و [illegible] خلیج فارس [illegible]
اوایل ملکم

۲۹/۶

[illegible]

۳۰۷/۸/۳

[illegible]

شماره: ۴۳
فرستنده: سفارت ایران در واشنگتن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۰۷ ش
متن سند:

وزارت امور خارجه

متحد المآل مورخ ۲۱ شهریور گذشته، نمرهٔ ۱۱۱۹۵ واصل شد. در خصوص جزیرهٔ بحرین از وزارت خارجهٔ امریکا تحقیق شد چه نوع اطلاعاتی دارند، اظهار داشتند اطلاعات زیادی ندارند و دوسیهٔ مربوطه را نشان دادند در آنجا فقط سواد نوشتجاتی که اخیراً بین آن وزارت جلیله و سفارت انگلیس تحاطی شده و قطعات روزنامه‌جات انگلیس که در اطراف این امر مقاله نوشته‌اند، دیده شد و می‌گفتند نظر به اینکه دولت امریکا هیچ وقت منافعی در جزیرهٔ بحرین نداشته، اطلاعاتی راجع به آنجا نیز جمع‌آوری نکرده‌ایم، نقشه‌جات و نوشته‌جات دیگری بجزآنچه محتوی این دوسیه است در وزارت خارجه امریکا نیست. البته آن وزارت جلیله مطلع هستند که دولت امریکا برحسب مسلک معروف به (منرو دکترین **Manro Doctorin**) به امورومسائل خارج از امریکا مداخله نکرده و فقط به امور راجعه به اتازونی مشغول بودند، تا موقع جنگ که از مسلک مزبور تجاوز کرده و در جنگ عمومی اروپا دخالت و شرکت نمودند و همین مطلب مورد این تنقیدات در جراید و مجامع گردید. لیکن اهمیت جنگ و موافقت رئیس جمهور وقت مانع اثر تنقیدات گردید و بعد از جنگ نیز منافع و مصالح وقت اقتضا کرد که دولت امریکا نظریات پلتیکی و تجارتی خود را در اروپا بلکه در سایر نقاط تعقیب خصوصاً مسئلهٔ نفت که یکی از نکات مهمهٔ رقابت امروزه است اما در هرحال از اغلب مسائل که سابقاً منافعی در آن تصور نمی‌کرده‌اند اطلاعات خیلی محدودی دارند، من جمله مسئلهٔ بحرین است که نظر به مسلک سابق خود در دفاتر و کتابخانه‌های اینجا اطلاعات مفیدی یافت نمی‌شود.

نمره ۷۹۰ ..............

ضمیمه ..... —

سفارت شاهنشاهی ایران

واشنگتن ۲۳ مهر ۱۳۰۷

وزارت امور خارجه

تعقیب مراسله مورخه ۲۱ شهریور گذشته نمره ۱۱۱۹۵ [illegible] در خصوص خبر بحرین [illegible] [illegible] خاطر وزارت جلیله [illegible]

[illegible] [illegible] دولت انگلیس [illegible]

انگلیس [illegible] نظر [illegible] دولت امریکا [illegible] بحرین [illegible]

[illegible] این [illegible] [illegible] دولت امریکا

[illegible] Manro Doctorim [illegible] خارج [illegible] امریکا [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] عمومی [illegible] دولت [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] [illegible]

دولت امریکا [illegible]

[illegible] بحرین [illegible]

[illegible] اطلاعات [illegible] ... امضاء

[illegible]

۲۲ / ۷ / ۸ / ۷

[illegible] ۲۱۱۶۹

شماره: ۴۴
فرستنده: وزارت داخله_ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۰۷
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب نمرهٔ ۵۰۷/۱ راجع به صدور جواز مسافرت. بحرینی‌ها از طرف قونسولگری انگلیس و خودداری نظمیه از ویزای جواز آنها، مجدداً از نظمیهٔ محمره به وسیلهٔ نظمیه ناصری رمزاً راپورت می‌دهد. قونسول انگلیس تذکرهٔ ایرانی بحرینی‌های مقیم محمره را ویزا نمی‌نماید؛ نظمیه نیز هرگاه بحرینی‌ها تذکرهٔ انگلیسی در دست داشته باشد، ویزا نمی‌کند. بدین واسطه هر یک از بحرینی‌ها که به بصره می‌روند دارای دو تذکره بوده به مأمورین سرحدی ایرانی تذکرهٔ ایرانی وبه‌مأمورین عراقی تذکرهٔ انگلیس را ارائه و عبور می‌نمایند. مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند که هر نوع امر و مقرر فرمایند به موقع اجرا گذارده شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی_سرتیپ درگاهی

مدل ۱

بتاریخ ۱۳ ... ماه ۷ ۱۳۰

نمره ۸۹۵/۱۷ ضمیمه

وزارت داخله

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

دائره ...

شعبه

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب نمره ۵۰۷/۱ ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... ریاست کل تشکیلات نظمیه مملکتی ... [illegible]

وزارت امور خارجه
تاریخ ۱۳/۹/۷
نمره ۶۹۷۶۳

۱۴ / ۹ / ۷

۱۲/۹/۷

شماره: ۴۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله ــ اداره کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۱۵ دی ۱۳۰۷
متن سند:

در جواب شرحی که تحت نمرهٔ ۸۹۵ راجع به مسافرت به بحرین و ورود بحرینی‌ها به بنادر خلیج اشعار داشته بودید، زحمت افزا می‌شود که به سفارت انگلیس از این تغییری که به ترتیب معمول سابق داده شده، اعتراض شد. لازم است به مأمورین مربوطه اکیداً و بفوریت قدغن فرمایید که به هیچ وجه تذکره برای مسافرینی که به بحرین عزیمت می‌نماید، صادر ننموده و جز با ورقهٔ علم و خبر به ترتیبی که معمول بوده است، مسافرت به بحرین را اجازه ندهند. همین طور نیز به وزارت مالیه نوشته شد.

نمونه (۲)

وزارت امور خارجه

| | |
|---|---|
| نمره عمومی: ۱۹۷۱۶ | نوع مسوده: با وزارت مالیه |
| نمره خصوصی: | موضوع مسوده: |
| کارتن: ۲۴ | ضمیمه: |
| دوسیه: ۱۷ | مسؤل پاکنویس: |

اداره ... دائره ... شعبه ...

تاریخ تحریر ۱۵ ماه ۱۰ تاریخ پاکنویس ... ماه ... تاریخ ثبت ۱۵ ماه ۱۰

تاریخ خروج ۱۹ ماه ۱۰ سال ۱۳۰۶

در جواب مرقومه نمره ۴۸۹۵ راجع به سفارت بحرین و ورود
بحرینیها به بنادر خلیج اشعار داشته بودید زحمت افزای شود که سفارت
انگلیس از این تغییر که در ترتیب سمت سابق داده شده اعتراض
نموده است بنابراین بمعزی الیه اگر تغییری خواسته شد که بهیچوجه مذاکره
برای سیاحی که به بحرین عزیمت مینمایند صادر نمیشود و ورقه عبور
دخیره تذکره سمت نهج است و سفارت بحرین را اجازه نمیدهند
~~[illegible]~~ نیز در ادارات مالیه نوشته اند
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~

حاشیه: [illegible]

شماره: ۴۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت ایران در لندن
تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۰۷
متن سند:

مطابق راپرتهای واصله مأمورین انگلیس به کمپانی کشتیرانی دستور داده‌اند که از قبول اوراق علم و خبر برای مسافرت به بحرین امتناع و فقط در مقابل تذکره و ویزای قونسولگری انگلیس مسافرین ایرانی را به بحرین ببرند، در حالی که تاکنون مسافرین به بحرین دارای جواز مخصوص عبور از بندر داخلی به بندر داخلی که از طرف مأمورین ایران داده می‌شد، بوده‌اند و برای این تغییر ترتیب به سفارت رسماً اعتراض شد و سواد مراسله به دارالانشای جامعهٔ ملل فرستاده می‌شود و قدغن شد با این ترتیب به مسافرین آنجا تذکره داده نشود و به مسافرینی هم که از بحرین می‌آیند و جواز ایران را نداشته باشند، اجازهٔ ورود به بنادر ندهند تا قضیه حل شود.

امضاء: پاک‌روان

اداره [illegible] نمونهٔ (۶)

☆(وزارت امور خارجه)☆

سواد مذکرات [illegible] بنمره [illegible] مورخه ۱۶/۱۰/۷ وزارت اداره که اصل آن بنمرهٔ [illegible] ثبت شد

مطابق راپرتهای واصله مأمورین انگلیسی [illegible] کشتیرانی و تجارتهائی [illegible] از قسمت اوراق علم و خبر بعضی

سفائن بحرین اشتغال [illegible] بندر کرده و نیز برای [illegible] انگلیس سفاین ایرانی را [illegible]

[illegible] تا کنون سفاین بحرین دارای جواز مخصوص عبور از بنادر داخله به بنادر داخله

[illegible] از طرف مأمورین ایران داده می‌شده‌اند ولیکن این تغییر ترتیب سفارت [illegible] اعتراض

[illegible] و [illegible] شد با این ترتیب سفاین [illegible]

تذکره داده نشود سفاین را [illegible] نداشته باشند اجازه

ورود به بنادر [illegible] میشود

[illegible]

۱۰۸۹
۷/۱۰/۱۶

شماره: ۴۷
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۰۷
متن سند:

ریاست محترم دایره تذکرهٔ وزارت جلیله امور خارجه

برطبق یادداشت متمم مورخ ۲۴ دی ماه، صورت مجلس ضمیمه را به امضا رسانده تلواً تقدیم می‌دارم. متأسفانه پریروز وقتی صورت مجلس از گمرک عودت داده شد که مقارن با تعطیل اداره بود و هذا با خبر شد.

صورت مجلس

حسب الامر برای مطالعه در ترتیب ورود بحرینی‌ها و مسافرینی که از بنادر ایران به بحرین می‌روند، کمیسیونی مرکب از امضاکنندگان ذیل دو ساعت قبل از ظهر روز یکشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۰۷ در وزارت امور خارجه تشکیل گردید. مسیوهس نیز که در مذاکرات بایستی شرکت و حضور داشته باشد، چون از طرف وزارت جلیلهٔ دربار پهلوی احضار شده و به قصر سلطنتی رفته بود، در کمیسیون حضور نداشت. مذاکراتی که در کمیسیون به عمل آمده از این قرار است:

۱. چون مأموری از ایران در بحرین نیست، بحرینی‌ها در موقع مسافرت از بحرین به ایران هیچ وسیله برای اخذ ورقهٔ علم‌وخبر ندارند. لذا هرگاه قایل شویم که بحرینی‌ها برای ورود به ایران باید یک سند هویتی داشته باشند، ناچار سند هویت خارجی تحصیل خواهند نمود زیرا فقط وسیلهٔ تحصیل سند خارجی برای آنها فراهم است و این خود بحرینی‌ها را به اخذ سند هویت خارجی تشویق می‌نماید و دال است بر عدم شناسایی آنها به تابعیت ایران بنابراین برای ورود بحرینی‌ها به بنادر ایران دو راه حل به نظر می‌رسد اولاً آنکه بحرینی‌ها را اجازه دهند بدون سند هویت وارد ایران شوند و به کلیهٔ بحرینی‌ها در موقع پیاده شدن از کشتی و ورود به ایران ورقهٔ علم و خبر داده شود؛ گرچه این اقدام موجب خواهد شد اشخاص خارجی هم بتوانند به طور قاچاق از بحرین به اسم بحرینی به ایران بیایند، در هرحال هرگاه در دست بحرینی‌ها در موقع ورود به ایران اسناد هویت خارجی دیده شود، باید مأمورین تفتیش تذکره، اوراق مزبور را از آنها

گرفته ضبط نمایند. ثانیاً به کلی ورود بحرینی ها را به بنادر ایران ممنوع داشت و برای اجرای این نظریه چون در بنادر جنوب بارانداز (اسکله) وجود ندارد و کشتی ها به مسافتی دور از ساحل لنگر انداخته به وسیلهٔ قایقهایی که از ساحل به طرف کشتی می روند مسافرین و مال التجاره محموله را به ساحل می فرستند فقط ممکن است به وسیله اعزام پلیس به کشتی ها ازپیاده شدن بحرینی ها از کشتی به قایق جلوگیری شود زیرا پس از پیاده شدن مسافر از کشتی به قایق جلوگیری از پیاده شدن مسافر از قایق به ساحل و مراجعت دادن آنها به کشتی غیر عملی است.

۲. بحرینی ها که در ایران هستند و می خواهند مراجعت به بحرین نمایند و همچنین سایر ایرانیانی که از بنادر ایران به بحرین می روند، مأمورین گمرکی علی المعمول به مشارالیهم فقط در صورت داشتن ورقه علم وخبر اجازهٔ مسافرت می دهند ولی چون کمپانی کشتیرانی تا ویزای مأمورین قونسولگری انگلیس را روی تذکره و اسناد هویت مسافرین مشاهده ننمایند بلیط به آنها نمی فروشند لذا بحرینی ها علاوه بر ورقهٔ علم و خبر از مأمورین قونسولی انگلیس نیز سند هویتی که اجازه مسافرت به بحرین به آنها می دهد برای ارائه به کمپانی کشتیرانی تحصیل می نمایند و در حین مسافرت به مأمورین ایران فقط ورقهٔ علم و خبر خود را نشان می دهند و به مأمورین انگلیس سند هویتی را که از قونسولگری انگلیس تحصیل نموده اند، ارائه خواهند داد. با این ترتیب منظور دولت حاصل نخواهد شد و طریق عملی برای استفادهٔ وسایل بر علیه کمپانی کشتیرانی که به مسافرین ایرانی که به بحرین می روند اعم از بحرینی و غیر بحرینی با داشتن ورقهٔ علم و خبر به تنهایی بلیط نمی فروشند، آن است که از طرف دوایر نظمیه قدغن شود که قایقها برای پیاده کردن مسافرین و مال التجاره کشتی هایی که از بحرین می آیند به طرف کشتی حرکت نکنند تا کمپانی مجبور شود مسافرین بحرین را با داشتن ورقهٔ علم و خبر صادره از طرف مأمورین گمرکی بدون شرط اخذ ویزا از مأمورین قونسولی انگلیس برای مسافرت به بحرین به کشتی قبول نماید.

بتاریخ ۲۶ دی ماه سنه ۱۳۰۷

نمره ضمیمه

موضوع

# وزارت مالیه

اداره

دایره

ریاست محترم دانشکده وزارت جلیله امور خارجه

بر طبق امریه محترم مورخ ۲۴ دیماه صورت تحصیلی ضمیمه را امضا و نشانه نموده تقدیم میدارم تا نقشه پر روز و قبض صورت تحصیلی از مرکز عودت داده شود

در تقاضای تعطیل اداره بود ولهذا تأخیر شد

۱۱۶

ل ۵۵۰۰

(نمونه ۸)
بتاریخ ............ ماه سنه ۱۳۰
نمره ............ ضمیمه ............

وزارت امور خارجه
اداره ............
دائره ............

صورت‌مجلس

حسب الامر برای مطالعه در ترتیب ورود بحرینی‌ها و مسافرینی که از بنادر ایران به بحرین میروند کمیسیونی مرکب از نمایندگان ذیل

در ساعت قبل از ظهر روز یکشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۰۷ در وزارت امور خارجه تشکیل گردید [illegible] که در مذاکرات ابتدائی

شرکت و حضور داشته باشد چون از طرف وزارت جلیله دربار پهلوی احضار شده و بتعجیل [illegible] رفته بود در کمیسیون حضور نداشت

مذاکراتی که در کمیسیون بعمل آمده از این قرار است:

permis de Passage

۱- چون مأمورین ما از ایران در بحرین هیئت بحرینی‌ها را در ترتیب مسافرت از بحرین بایران [illegible] وسیله برای آنها در قدم حرکت [illegible]

نداده‌اند و قانع شده‌اند که بحرینی‌ها برای ورود بایران باید یک سند هویتی داشته باشند ناچار سند هویت خارجی تحصیل خواهند نمود

زیرا فقط وسیله تحصیل سند خارجی برای آنها فراهم است و این خود بحرینی‌ها را باخذ سند هویت خارجی تشویق نموده و دال است

بر عدم شناسائی آنها بتابعیت ایران. بنابراین برای ورود بحرینی‌ها به بنادر ایران و راه حلی بنظر رسید [illegible] بحرینی‌ها را

اجازه داده شده بدون سند هویت وارد ایران شوند و بعلاوه بحرینی‌ها در ترتیب پیاده شدن از کشتی و ورود بایران [illegible]

داده شود. اگرچه این اقدام موجب خواهد شد اشخاص خارجی هم بتوانند بطور قاچاق از بحرین باسم بحرینی بایران بیایند

ولی بهرحال هرگاه وضعیت بحرینی‌ها در ترتیب ورود بایران بهمان هویت خارجی دیده شود باید [illegible]

از آنها گرفته شود [illegible] تا اینکه تکلیف ورود بحرینی‌ها را به بنادر ایران مشروع داشت و برای اجرای این نظر چون در بنادر جنوب

بارانداز (اسکله) وجود ندارد و کشتی‌ها بمسافت [illegible] لنگر انداخته بوسیله قایقهائی که از ساحل بطرف کشتی میروند

مسافرین و مال‌التجاره بطرف ساحل حمل میشود فقط ممکن است بوسیله اعزام مأمورین بکشتی تا از پیاده شدن بحرینی‌ها [illegible]

جلوگیری شود زیرا پس از پیاده شدن سلاح از کشتی تعاقب جلوگیری از پیاده شدن سلاح از قایق لنجی و در جهت راندن آنها کشتی غیر عملی است .

۲) بحرینیها اگر در ایران هستند دستگیر نشده راجع به بحرین مانند و همچنین مسافرین ایرانی که از بنادر ایران به بحرین بروند مأمورین گمرک علی الحال اشتباه

نقطه در صورت داشتن ورقه علم و خبر اجازه مسافرت نمیدهند ولی چون کمپانیهای کشتی رانی تا وقتی مأمورین ترکی گمرکی انگلیس را روی مرکز دهانه بین پیاده نمایند

مشاهده نمایند بلیط آنها تمشیه نشده لذا بحرینیها علاوه بر ورقه علم و خبر از مأمورین قنسولگری انگلیس نیز سند هویتی که اجازه مسافرت بحرین با نها میدهد

باید ارائه کنند و کمپانیهای کشتی رانی تحقیقی نمایند و در حین مسافرت مأمورین ایرانی فقط ورقه علم و خبر خود را نشان میدهند و مأمورین انگلیس شهادت نامه که

از قنسولگری انگلیس تحصیل نموده اند ارائه خواهند داد . با این ترتیب منظور دولت حاصل نخواهد شد و طریق عمل در این اثنا از راه سیاسی به پلیس کمپانیهای کشتی رانی

که مسافرین ایرانی که به بحرین بروند هم از بحرینی و غیر بحرینی با داشتن ورقه علم و خبر به تنهائی بلیط تمشیه نشده است از طرف حکومت نظمیه و غیره ترک کرده تعقیب

برای پیاده کردن مسافرین در سال چهارده گذشته که از بحرین می‌آیند بطرف کشتی حرکت کنند تا کپتانها مجبور شود مسافرین بحرین را با داشتن

ورقه علم و خبر پیاده کنند . از طرف مأمورین گمرک هم بدون شرط اضافه دیگری از مأمورین قنسولگری انگلیس برای مسافرت به بحرین تکلیف قبول دارند

محمد تقی اسفندیاری

رئیس اداره ... وزارت امور خارجه

شماره: ۴۸
فرستنده: وزارت امور خارجهٔ انگلستان
گیرنده: سفارت ایران در لندن
تاریخ: ۲۸ دی ۱۳۰۷
متن سند:

آقا

افتخار دارم وصول یادداشت نمرهٔ ۳۰۶ـ۹۱۰ مورخهٔ ۲۶ نوامبر جنابعالی را که شامل اعتراض رسمی است که دولت ایران مقتضی دیده‌اند بر علیه مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده منعقده در ۲۰ مه ۱۹۲۷ بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و توابع بنماید مبنی براینکه اشاره که در آن ماده نسبت به جزایر بحرین شده منافی تمامیت ارضی ایران است، اشعار دارم.

۲.متشکر می‌شوم اگر دولت خود را جواباً مطلع سازید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از هیچ زمینهٔ معتبری که دولت ایران بتواند ادعای خود را بر آن مبتنی بسازد، اطلاع ندارد. از نقطه‌نظر جغرافیایی، جزایر بحرین جزء ایران نیست و ساکنین آن نیز ایرانی‌نژاد نیستند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطلع است که در قسمتی از قرن هفدهم و چند سال آخر قرن هیجدهم بحرین از طرف قشون ایران یا پیروان بعضی رؤسای سواحل شرقی خلیج‌فارس تسخیر شده و تحت تصرف در آمده بود، ولی به نظر می‌آید که به تحقیق در سال ۱۷۸۳ یا در آن حدود در نتیجهٔ استیلای قبایل عرب در تحت ریاست جد مستقیم شیخ حالیه ، دولت شاهنشاهی مالکیت جزایر را از دست دادند و از آن به بعد هیچ وقت جزایر در تحت نظارت مؤثر ایران در نیامده است.

۳. دولت ایران در موارد مختلفه دعوی نموده‌اند که ادعای ایران دایر به حق حاکمیت جزایر به بحرین از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شده است. اگرچه این مسئله محقق نیست، ولی به فرض صدق این ادعا و تفویض حق مالکیت به ایران، به دلایل دیگری اثبات این حق مشکل به نظر می‌آید. دولت اعلیحضرت پادشاهی احساس می‌نماید که باید یک مرتبه و برای همیشه اظهار دارد که این اظهارات به کلّی غیر قابل قبول است.

۴. روابط عهدنامهٔ مخصوص بین دولت اعلیحضرت پادشاهی و شیوخ بحرین که بدان در عهدنامه جده اشاره شده، متجاوز از صد سال است وجود دارد. اولین قدمی که

در انعقاد این رشته قراردادها برداشته شده، در سال ۱۸۲۰ به امضا رسیده است و تمام قراردادها بر این اصول بسته شده که شیخ یک امیر مستقلی است. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انکار نمی‌نماید که گاه‌گاهی دولت ایران دعوی استقلال شیخ را مخصوصاً درمباحثاتی که درسنهٔ ۱۸۶۹ پیش آمده‌ودر یادداشت جنابعالی به‌آن اشاره شده است مورد ایراد قرار داده است. مع‌هذا مایلم اظهار دارم که برای دولت جنابعالی در تعبیر مراسلهٔ ارل‌اف کلارندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ به وزیرمختار ایران و تصور اینکه در آن موقع مقصود تصدیق اعتبار دعاوی حق مالکیت ایران بر بحرین بوده سوءتفاهم کاملی دست داده است. در مراسلهٔ مزبور اشاره شده بود که دولت علیا حضرت ملکهٔ انگلستان، اعتراض ایران را راجع به حقوق حاکمیت ایران بر جزایر بحرین که از طرف اولیای امور انگلستان مورد توجه واقع نشده، تحت توجه قرار داده ولی به هیچ وجه چنین حقی را تصدیق ننموده است. بالعکس لحن تمام یادداشت بایستی این مسئله را روشن نموده باشد که دولت علیا حضرت ملکه انگلستان حقوق خود را در اینکه مستقیماً داخل روابط عهدنامه با شیخ بحرین به عنوان امیر مستقل شوند، حفظ نموده است. و اگرچه در همان موقع اشاره نمود که دولت انگلستان حاضر است با میل بعضی وظایف را در خلیج فارس که برای اجرای آن روابط عهدنامه ترتیب داده شده در صورتی که ایران قادر و مایل به اجرای آن باشد، به آن دولت انتقال دهد و نیز نظر به احساسات دوستانه که دولت انگلیس به ایران داشت پیشنهاد نمود که در صورت عملی بودن دولت ایران را از اقداماتی که برای مطیع ساختن شیوخ (در صورتی که رفتار آنها لزوم آن را ایجاب کند) می‌نماید قبلاً مطلع سازد. واضح است که در یادداشت مقصود تصدیق اعتبار اعتراض ایران یا ادعای آن دولت در حق حاکمیت نبوده و به آن اشاره نشده است. در حقیقت به طوری که سرهنری الیوت سفیر کبیر علیا حضرت ملکهٔ انگلستان در ترکیه در دسامبر ۱۸۷۱ به سفارت ایران در اسلامبول یادآوری نمود، یادداشت فوق‌الذکر جز اظهار اینکه ادعای ایران راجع به حق حاکمیت، سابقاً هم شده بود شامل چیز دیگری نبوده است. قراردادهای اضافی متعددی که مابین دولت انگلستان و امرای بحرین از ۱۸۶۹ تا امروز منعقد شده مبنی بر این فرض بوده که ادعای دایر بر حق حاکمیت چه از طرف دولت شاهنشاهی و چه از طرف دولت ترکیه امکان ندارد، از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شود.

۵. پس از مراسله‌ای که وزیرمختار انگلستان در طهران در سال ۱۹۰۶ برحسب دستور سلف اینجانب به شرح ذیل به دولت ایران داد، رویهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان واضحتر گردید: دولت انگلستان هیچ وقت مالکیت و یا حق حاکمیت ایران را بر بحرین تصدیق ننموده و این ادعا به عقیدهٔ دولت انگلستان غیر قابل قبول است. دولت انگلستان جزایر بحرین و سکنهٔ آن را تحت حمایت انگلیس می‌شناسد و می‌بایستی از تعقیب مذاکرات در این موضوع خودداری نماید. در یادداشت مزبور اضافه شده بود که همین جواب بعینه به دولت عثمانی که چندین مرتبه دعاوی بر بحرین داشته است، داده شده است. در جواب یادداشت مذکور اعتراض رسمی از طرف ایران واصل گردید و در آن ادعای حاکمیت بر بحرین را بر قرارداد مورخهٔ ۳۰اوت ۱۸۲۲ که بین کاپیتن ویلیام بروس، کمیسر مخصوص دولت انگلستان و شاهزاده حکمران شیراز بسته شده بود، مبتنی می‌داشتند. به طوری که در مراسلات جوابیه وزیرمختار انگلیس مورخه ۲ژانویه ۱۹۰۷ و ۲۳ فوریه ۱۹۰۷ اظهار شد این قرارداد در همان وقت از طرف نمایندگان صالح دولت انگلیس به عنوان اینکه بدون اختیارات بسته شده تصدیق نگردید و اعلیحضرت فتحعلی شاه نیز از شناختن شرایط آن ابا نمود و از اینکه شاهزادهٔ شیراز بدون اطلاع و یا دستور او داخل تعهداتی با دولت انگلیس شده تنفر خود را اظهار داشت. با این ترتیب بنابر حقوق و عادات بین‌المللی این قرارداد را نمی‌توان قابل اجرا دانست.

۶. از اشارات فوق ملاحظه خواهید نمود که دولت ایران محق نیست فرض نماید که دولت انگلستان در ۱۸۶۹ یا هر موقع دیگر خواسته است تصدیق نماید بحرین جزو ایران است و یا اینکه تصدیق می‌نماید که هرچند وقت یک مرتبه دعاوی در این موضوع از طرف دولت ایران شده ولی دولت انگلستان هیچ وقت صحت این دعاوی را که دولت ترکیه و دولت ایران مکرر در گذشته پیش آورده‌اند تصدیق ننموده است. رویهٔ دائم دولت انگلستان در قضیهٔ بحرین این بوده که سعی نماید ترقی مسالمت‌آمیز جزایر و راحتی ساکنین عرب آن با اقدامات غیر محقانهٔ همسایگان آن که بخواهند آن را تحت سلطهٔ خارجی قرار دهند، مشوب نشود. دولت انگلستان حاضر نیست که از این خط مشی خویش منحرف گردد.

مراتب احترامات

امضا: استین چمبرلین

## ترجمه یادداشت جوابیه وزارت خارجه انگلیس به سفارت ایران در لندن

کابینه
اطلاعات ومطبوعات

لندن ۱۸ ژانویه ۱۹۲۸
نمره ۲۲۰ - ۵۱ - ۹۱

آقا

افتخار دارم وصول یادداشت نمره ۳۰۶ - ۹۱۰ مورخه ۲۶ نوامبر جنابعالی را که شامل اعتراض رسمی است که دولت ایران مقتضی دیده‌اند برعلیه ماده ۶ عهدنامه جده منعقده در ۲۰ مه ۱۹۲۷ بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان واعلیحضرت پادشاه حجاز ونجد وتوابع بنظایر مبنی براینکه اشاره‌که درآن ماده نسبت به جزائر بحرین شده منافی تمامیت ارضی ایران است اشعار دارم.

۲ - منتظرمیشوم اگر دولت خودرا جواباً مطلع سازید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازهیچ زمینه معتبری که دولت ایران بتواند ادعای خودرا برآن مبتنی بسازد اطلاع ندارد. از نقطه نظر جغرافیائی جزائر بحرین جزئ ایران نیست وساکنین آن نیز ایرانی نژاد نیستند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطلع است که درقسمتی ازقرن هفدهم وچندسال آخر قرن هیجدهم بحرین ازطرف قشون ایران یا پیروان یعنی روسای سواحل شرقی خلیج فارس تسخیر شده وتحت تصرف درآمده بود. ولی بنظرمی‌آید که به تحقیق درسال ۱۷۸۳ یا درآنحدود درنتیجه استیلای قبایل عرب درتحت ریاست جد مستقیم شیخ حالیه دولت شاهنشاهی مالکیت جزائررا ازدست دادند وازآن ببعد هیچوقت جزائر درتحت نظارت موثر ایران درنیامده است.

۳ - دولت ایران درموارد مختلفه دعوی نموده‌اند که ادعای ایران دائر به حق حاکمیت جزائر بحرین ازطرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شده است. اگرچه این مسئله مصرح نیست ولی بفرض صدق این ادعا وتعویض حق مالکیت به ایران بدلائل دیگری اثبات این حق منتفی بنظر میاید. دولت اعلیحضرت پادشاهی اظهار مینماید که باید یک مرتبه وبرای همیشه اظهار دارد که این اظهارات بکلی غیر قابل قبول است.

۴ - روابط عهدنامه مخصوص بین دولت اعلیحضرت پادشاهی وشیوخ بحرین که بدان در عهدنامه جده اشاره شده متجاوز از صد سال است وجود دارد. اولین قدمی که درانعقاد این رشته قراردادها برداشته شده درسال ۱۸۲۰ به امضا رسیده است وتمام قراردادها براین اساس بسته شده

(۲)

که شیخ یک امیر مستقلی است - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انکار نمی نماید که گاه گاهی دولت دولت ایران مدعی استقلال شیخ را مخصوصاً در مباحثاتی که در سنه ۱۸۶۹ پیش آمده و در یادداشت جنابعالی به آن اشاره شده است مورد ایراد قرار داده است. معهذا مایلم اظهار دارم که برای دولت جنابعالی در تعبیر مراسله ارل اف کلارندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ به وزیر مختار ایران و تصور اینکه در آن موقع مقصود تصدیق اعتبار ادعای حق مالکیت ایران بر بحرین بوده سوء تفاهم کاملی دست داده است - در مراسله مزبور اشاره شده بود که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان اعتراض ایران را . راجع به حقوق حاکمیت ایران بر جزائر بحرین که از طرف اولیاء امور انگلستان مورد توجه واقع شده . تحت توجه قرار داده ولی بهیچوجه چنین حقی را تصدیق ننموده است. بالعکس لحن تمام یادداشت بایستی این مسئله را روشن نموده باشد که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان حقوق خودرا در اینکه مستقیماً داخل روابط عهدنامه با شیخ بحرین بعنوان امیر مستقل شوند حفظ نموده است. واگرچه در همان موقع اشاره نمود که دولت انگلستان حاضر است با میل بعضی وظائف را در خلیج فارس که برای اجرای آن روابط عهدنامه ترتیب داده شده درصورتیکه ایران قادر و مایل به اجرای آن باشد به آن دولت انتقال دهد و نیز نظر به احساسات دوستانه که دولت انگلیس به ایران داشت پیشنهاد نمود که درصورت عملی بودن دولت ایران را از اقداماتیکه برای مطیع ساختن شیوخ (درصورتیکه رفتار آنها لزوم آن را ایجاب کند) میبایستی قبلا مطلع سازد . واضح است که در یادداشت مقصود تصدیق اعتبار اعتراض ایران یا ادعای آن دولت در حق حاکمیت نبوده و به آن اشاره نشده است. در حقیقت بطوریکه سر هنری الیوت سفیر کبیر علیاحضرت ملکه انگلستان در ترکیه در دسامبر ۱۸۷۱ به سفارت ایران در اسلامبول یادآوری نمود یادداشت فوق الذکر جز اظهار اینکه ادعای ایران راجع به [illegible] تفاهم شده بود شامل چیز دیگری نبوده است - قراردادهای اساسی متعددی که مابین دولت انگلستان و امرای بحرین از ۱۸۶۹ تا امروز منعقد شده مبنی بر این فرض بوده که ادعای دائر بر حق حاکمیت چه از طرف دولت شاهنشاهی و چه از طرف دولت ترکیه امکان ندارد از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شود .

۵ - پس از مراسله که وزیر مختار انگلستان در طهران در سال ۱۹۰۶ برحسب دستور سلف اینجانب

(۲)

بشرح ذیل داده روبه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان واقع گردید : . دولت انگلستان هیچوقت مالکیت و یا حق حاکمیت ایران را بر بحرین تصدیق ننموده و این ادعاء بعقیده دولت انگلستان غیر قابل قبول است دولت انگلستان جزائر بحرین وسکنه آنرا تحت حمایت انگلیس میشناسد ومیبایستی از تعقیب مذاکرات در این موضوع خودداری نماید . در یادداشت مزبور اضافه شده بود که همین جواب بعینه به دولت عثمانی که چندین مرتبه ادعای بر بحرین داشته است داده شده است . در جواب یادداشت مذکور اعتراض رسمی از طرف دولت ایران واصل گردید و در آن ادعای حاکمیت بر بحرین را بر قرارداد مورخه ۳۰ اوت ۱۸۲۲ که بین کاپیتن ویلیام بروس . کمیسر مخصوص دولت انگلستان . و شاهزاده حکمران شیراز بسته شده بود مبتنی میداشتند - بطوریکه در مراسلات جوابیه وزیر مختار انگلیس مورخه ۲ ژانویه ۱۹۰۷ و ۲۲ فوریه ۱۹۰۷ اظهار شد این قرارداد در همان وقت از طرف نمایندگان صالح دولت انگلیس بعنوان اینکه بدون اختیارات بسته شده تصدیق نگردید و اعلیحضرت فتح علی شاه نیز از شناختن شرائط آن ابا نموده و از اینکه شاهزاده شیراز بدون اطلاع و یا دستور او داخل تعهداتی با دولت انگلیس شده تنفر خودرا اظهار داشت - با این ترتیب بنا بر حقوق و عادات بین المللی این قرارداد را بعنوان قابل اجرا دانست.

۶ - از اشارات فوق ملاحظه خواهید نمود که دولت ایران محق نیست فرض نماید که دولت انگلستان در ۱۸۶۹ یا در موقع دیگر خواسته است تصدیق نماید بحرین جزو ایران است و با اینکه تصدیق مینماید که هر چند وقت یک مرتبه دعاوی در این موضوع از طرف دولت ایران شده ولی دولت انگلستان هیچوقت صحت این دعاوی را که دولت ترکیه و دولت ایران مکرر در گذشته پیش آورده اند تصدیق ننموده است - رویه دائم دولت انگلستان در قضیه بحرین این بوده که سعی نماید ترقی صالحت آمیز جزائر و راحتی ساکنین عرب آن با اقدامات غیر مخاصمانه همسایگان آن که بخواهند آن را تحت سلطه خارجی قرار دهند منوب نشود - دولت انگلستان حاضر نیست که از این خط مشی خودش منحرف گردد .

مراتب احترامات ..........

امضاء : استین چمبرلین

---------- (ترجمه دائره اطلاعات وزارت خارجه)

شماره: ۴۹
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ اسفند ۱۳۰۷ ش
متن سند:

ترجمهٔ شرق نزدیک و هندوستان مورخهٔ ۸ مارس ۱۹۲۸ ادعای ایران به بحرین

در جوابی که دولت انگلیس به یادداشت اخیر ایران راجع به مالکیت بحرین داد و هفتهٔ گذشته منتشر گشت، چیزی که موجب تعجب باشد، وجود ندارد. باید به خاطر آورد، دولت انگلیس در معاهدهٔ جدید الانعقاد خود با سلطان نجد و حجاز استقلال و حقوق سلطنتی بحرین را تذکر داده در صورتی که این رویه می‌باشد که بالغ بر یک صد سال می‌شود اتخاذ نموده است.

دولت ایران این نظریه را نپذیرفته و راجع به حق مالکیت بحرین لااقل ده مرتبه اعتراض نموده در صورتی که هر خردبین بی غرض که بخواهد در اعتراضات مزبور قضاوت و حکمیت کند آنها را ابلهانه خواهد خواند. شالوده کلیهٔ قراردادهای انگلیس با بحرین در سابق بر روی استقلال شیخ جزایر مزبوره قرار گرفته و بالصراحه معلوم است نمی‌توان عادت یکصد ساله را تغییر داد. چنانکه از نظریهٔ دولت ایران استنباط می‌شود، اگر بنا باشد اوضاع عصر جرج سیم تجدید گردد، اتازونی امریکا باید تحت مالکیت انگلستان درآید. نه ادعای ایران و نه ادعای ترکیه را (در صورتی که ادعای مملکت اخیرالذکر نکتهٔ قابل ملاحظه‌ای دارد که ادعای ایران ندارد) دولت انگلیس می‌تواند بپذیرد و مقصود دولت اخیرالذکر چنانکه مشهود افتاده است «ترقی صلح طلبانهٔ جزایر مزبور و سعادت اهالی عرب آنجا می‌باشد» باید تذکر داد که خارج کردن ادعای ایران راجع به بحرین از سایر قضایا به هیچ وجه با سایر اختلافات موجود بین انگلستان و ایران ارتباطی ندارد. اختلافات مزبوره از جنس دیگری بوده‌وما یقین داریم قابل حل و تصفیه می‌باشد، مشروط بر آنکه حسن نیتی را که قضیهٔ بحرین (احتمال نمی‌رود از میان ببرد) طرفین حفظ نمایند.

مورخه ............ ماه ............ ۱۳۰ / ۱۹۲

نمره ............

ضمیمه ............

سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

ترجمه شرق نزدیک و هندوستان مورخه ۸ مارس ۱۹۲۹

ادعای ایران بحرین

درجوابیکه دولت انگلیس به یادداشت دولت ایران راجع بمالکیت بحرین دو هفته گذشته منتشر گشت چیزی که موجب تعجب باشد وجود ندارد. باید بخاطر آورد دولت انگلیس در معاهده جدیدالانعقاد خود با سلطان نجد و حجاز استقلال و حقوق سلطنتی بحرین را که دولت در صورتیکه ایران ادعا میباشد که بالغ بر یکصد سال میشود اشغال نموده است. دولت ایران این نظریه را نپذیرفته و راجع بمالکیت بحرین لااقل ده مرتبه اعتراض نموده در صورتیکه بر فرض همین مفروض که بخواهد در اختلافات مربوطه قضاوت و حکمیت کند آنها را ملاحظه خواهد خواهند. شاید مکتوب و آراء دعاوی انگلیس با بحرین در سابق بر روی استقلال شیخ جزایر مربوطه قرار گرفته و با اعتراف ملکیت میتوان عادت یکصد ساله را تغییر داد. چنانکه از نظریه دولت ایران استنباط میشود اگر بنا باشد از ضمایم خصوصی تجدید کرد و دولت ... در اینجا ... مالکیت انگلستان در ... نه ادعای ایران و نه ادعای ترکیه را (در صورتیکه ادعای مملکت دیگر آنکه نگفته قابل ملاحظه دارد که ادعای ایرانی ندارد) دولت انگلیس میتواند بپذیرد و مقصود دولت دیگر آنکه چنانکه مشهود شده است لا ترقی ... طلبانه جزایر مربوطه و سواحل اهالی عرب را ... باشد باید شکر داد که خارج کردن ادعای ایرانی راجع به بحرین از مسائل قضایا بهیچوجه با سایر اختلافات مربوطه بین انگلستان و ایران ارتباطی ندارد. اختلافات مربوطه از جنس دیگری بوده و ما یقین داریم قابل حل و تصفیه میباشد مشروط بر اینکه حس ملی را اگر قضیه بحرین را احتمال میرود از میان برود طرفین حفظ نمایند.

شماره: ۵۰
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجهٔ انگلستان
تاریخ: ۱۳۰۷
متن سند:

مراسله از طرف وزیر مختار ایران به وزیر خارجهٔ لندن

برحسب امر دولت متبوعهٔ خود احتراماً خاطر جنابعالی را قرین استحضار می‌دارد که دلایلی که وزارت امور خارجهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ضمن مراسلهٔ مورخه هیجدهم ژانویه نمرهٔ ۲۲ـ۵۱ـ۹۱ اشعار فرموده‌اند، به هیچ وجه نمی‌تواند دولت ایران را متقاعد نماید و عقایدی را که دوستدار در طی مراسلهٔ سابقه خود بیان نمود، تعقیب نمایند. لهذا دولت متبوعهٔ دوستدار کاملاً حقوق حاکمیت خود را بر جزایر بحرین برای خود مُحرز می‌داند.

۲. به عقیدهٔ دولت ایران از نقطه نظر جغرافیائی و نژادی که در مراسلهٔ محترمه به آن اشاره شده، به هیچ وجه دلیلی بر عدم حاکمیت ایران در بحرین نبوده بلکه بالعکس روابط ملی و اقتصادی ثابتی سکنهٔ سواحل ایران را با اهالی جزایر بحرین از دیرزمانی مربوط نموده است.

۳. از نقطه نظر تاریخی تسلط ایران در جزایر مزبوره که جزء لایتجزای ایران است نه فقط تا آخر قرن هیجدهم بوده بلکه به موجب اسنادی که در دست است در قرن نوزدهم در موارد مختلفه شیوخ حکام بحرین تبعیت سلطنت ایران را شناخته و به خزانهٔ ایران مالیات بحرین عاید شده است.

۴. دولت ایران هیچ‌وقت تردیدی راجع به حاکمیت خود در بحرین به واسطهٔ اظهارات دولت انگلستان که شیخ بحرین شخصاً مستقل است حاصل نکرده، این عنوان از طرف دولت انگلستان چندین مرتبه شده است چنانکه لرد کلارندن هم در مراسلهٔ خود مورخهٔ ۵ مارس ۱۸۶۹ با یک طرز قطعی این عنوان را کرده بود ولی پس از ملاحظه اسنادی که توسط سفارت ایران در لندن ارائه شد، لرد کلارندن که نمایندهٔ عقیدهٔ دولت انگلستان بود، به موجب مراسلهٔ مورخهٔ ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ که مضمون آن به عقیدهٔ دولت ایران هیچ وقت نمی‌تواند مورد توجهی واقع شود، نقطه نظر خود را تغییر داد و به موجب مراسلهٔ مزبور دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق می‌نماید که دولت علیه ایران

از اینکه حقوق حاکمیت او نسبت به بحرین رعایت نشده، اعتراض نموده است و دولت انگلستان به این اعتراض ایرادی نکرده است، و هیچ عنوانی هم از حق حمایتی که تصور می‌نمود در آنجا داشته نکرده است فقط اظهار نموده است که شیخ بحرین با دولت انگلستان دارای قرارداد می‌باشد. در این مراسله دولت انگلستان پس از آنکه در مراسلهٔ سابقه خود حق حمایت خود را بر بحرین مسلم می‌دانست صریحاً تصدیق می‌کند که تعهدات دولت انگلستان نسبت به شیخ بحرین فقط برای این منظور است که از دزدی دریائی و خرید و فروش برده جلوگیری شود در این صورت چطور ممکن است و چگونه می‌توان تصور نمود که اجرای وظیفهٔ پلیس تبدیل به حق حمایت بشود. لردکلارندن در خاتمهٔ مراسله خود به دولت ایران این حق را صریحاً واگذار می‌کند که هرگاه دولت ایران وسایل پلیس خلیج را داشته باشد، دولت انگلستان این وظیفه را از خود سلب و دولت ایران را عهده‌دار خواهد داشت و تعهد نموده است که هر تعهدی را نسبت به شیخ بحرین نمایند، دولت ایران را مطلع سازند و علت این را هم بُعد مسافت بین خلیج و طهران دانسته است و این یک دلیل خیلی قوی بر حق حاکمیت دولت ایران است.

۵. اهمیت اثرات قرارداد ۱۸۲۲ راجع به بحرین، در مبادلهٔ یادداشتهای ۱۹۰۷ که فعلاً به آن اشاره می‌فرمایند با یک نظر موجه و بی‌تردیدی از طرف دولت ایران خاطر نشان شده است. اینک مضمون مراسلهٔ وزارت خارجهٔ ایران به سفارت انگلیس مورخ سلخ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵ هجری نمرهٔ ۶۴۸ را ذیلاً درج می‌نماید.

در قرارداد سنهٔ ۱۸۲۲ ولو به طوری که آن جناب احتمال می‌دهند مجری نشده باشد، مزاحم با منظوری که اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند، نیست. مأمورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزایر و حقوق ایران را در آنجا آن طور دیده و شناخته‌اند که تصدیق کرده‌اند حالا اگر قراردادی هم ضمناً داده باشند که آن قرارداد فرضاً هم اجرا نشده باشد، ربطی به اصل تصدیق مأمورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی این نقطه است که دولت ایران منتظر حقگذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که از قدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده، مرعی دارند.

۶. به موجب مراسلهٔ لردکلارندن حق حاکمیت مستقیم دولت ایران نسبت به بحرین اذعان گردیده و از این تاریخ به بعد هم برای دولت انگلستان حق دیگری حاصل نشده است بنا به مراتب فوق هیچ وقت حق حاکمیت دولت ایران در جزایر بحرین قطع نگردیده و چندین مرتبه هم این حق دولت ایران بر جزایر مزبوره چنانکه اشاره شده از

طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شیوخ حکام بحرین شناخته شده است.

در خاتمه این نکته را خاطرنشان می‌نماید که بنا به مقررات حقوق بین‌الملل هرگاه اجرای وظیفهٔ پلیس، قطعه از یک مملکتی را نظر به مقتضاتی دولت دیگری عهده‌دار شود، هیچ گاه این حق ولو به طریق مرور زمان نیز باشد، ممکن نیست تبدیل به حق حاکمیت بشود.

دولت دوستدار امیدوار است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق بفرمایند که مادهٔ که در عهدنامهٔ جده مذکور شده است، فقط می‌تواند به اسم مالک حقیقی جزایر بحرین که دولت ایران است بسته شود و هرگاه با دلایلی که در این مراسله تشریح شده است، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نخواهند خط مشی خود را تغییر بدهند، دولت علیهٔ ایران هم از حق حاکمیّت خود صرف‌نظر نخواهند کرد.

[illegible]

۴ نمونه (۸)

بتاریخ ............ ماه سنه ۱۳۰

نمره ............ ضمیمه ............

**وزارت امور خارجه**

اداره: ............

دائره: ............

نوشته از طرف وزیر مختار ایران بوزارت خارجه لندن

راجع به اینکه دولت متبوعه خود اخیراً اظهاراتی را در این خصوص نموده‌اند که مدعی که وزارت خارجه در جواب مراسله ... [illegible] دولت انگلیس در مراسله مورخه ۱۰ اوت ...
مورخه ... نمره (۲۲-۱۵۱-۹۱) اشعار داشته‌اند بهیچوجه تغییر در سیاست این دولت حاصل نشده ... [illegible]
تعقیب نماید لهذا دولت متبوعه اینجانب کماکان حقوق حاکمیت خود را نسبت بجزایر بحرین مخصوص بخود میداند.

۲ — بعقیده دولت اینجانب از نقطه نظر جغرافیائی و نژادی که در مراسله مورخه ... اشاره شده بهیچوجه دلیل بر عدم حاکمیت ایران در بحرین نمیباشد
بلکه همین روابط تاریخی و اقتصادی پیوستگی بحرین به ایران را ... اهالی جزایر بحرین از دیر زمانی مربوط به ایران است.

۳ — از نقطه نظر تاریخی تسلط ایران در جزایر بحرین ... جزیره بحرین جزو لاینفک ایران است نه فقط تا اواخر قرن هیجدهم ...
... در قرن نوزدهم در ... شیخ حاکم بحرین تحت سلطنت ایران ... و جزو ایران
باقی بوده است.

۴ — دولت ایران هیچوقت از ادعای حاکمیت خود در بحرین ... بتوسط ... دولت انگلیس ... بحرین ... ۱۸۶۹
... این عنوان از طرف دولت انگلیس ... حاکمیت ... در مراسله خود مورخه ۵ ...
با یک لحن قطعی این عنوان را ... [illegible]
عقیده دولت انگلیس بود بموجب نوشته مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ که مضمون آن عقیده دولت ایران هیچوقت تکرار ...
واقع شد نقطه نظر خود را تغییر ... بموجب نوشته ... دولت ... ۱۰ ... انگلیس ... حقوق
حاکمیت ... بحرین رعایت ... دولت انگلیس ... حقوق ایران ... [illegible]

۴ نمونه (۸)

بتاریخ.................. ماه سنه ۱۳۰

نمره.................. ضمیمه..................

وزارت امور خارجه

اداره..................

دائره..................

(۲)

[illegible] بحرین [illegible] انگلیس [illegible] قرارداد [illegible]

انگلیس [illegible]

[illegible] بحرین [illegible]

[illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] ایران [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] ایران است

۵ — اهمیت [illegible] قرارداد ۱۸۲۲ راجع به بحرین [illegible] ۱۹۰۷ [illegible]

[illegible] ایران [illegible] انگلیس [illegible]

۱۳۲۵ هجری نمره ۸۴۶ [illegible] درج شده:

«در قرارداد سنه ۱۸۲۲ [illegible] قرارداد [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] ایران [illegible]

[illegible] قرارداد [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] دارند»

۶ نمونه (۸)

بتاریخ ............ ماه سنه ۱۳۰

نمره ............ ضمیمه ............

وزارت امور خارجه

اداره:

دائره:

(۳)

۶ ـــ در جواب مراسله که در ضمن آن حق حاکمیت مسلّم دولت ایران نسبت بجزایر بحرین گوشزد وزارت امور خارجه سفارت اعلیحضرت پادشاه
انگلیس حق دیگری حاصل نشده است. با مراسله وقت بهیچوجه حق حاکمیت دولت ایران در جزیره بحرین قطع نگردیده و چون هم
این حق دولت ایران [illegible] بجزیره مزبوره [illegible] نشده از طرف دولت علیّه ایران به انگلیس و تسلیم [illegible]
نشده است

در تمام این مدت دولت ایران [illegible] که با تصدیق حقوق خود [illegible]. دولت ایران [illegible] از [illegible]
دولت دیگری [illegible] دارا شده [illegible] هیچگاه [illegible] مرهون [illegible] حکمیت [illegible] حاکمیت نشده.
دولت [illegible] سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس [illegible] که [illegible] مذکور [illegible]
فقط [illegible] حقیقی جزیره بحرین که دولت ایران است [illegible] هرگاه [illegible] که [illegible]
دولت علیّه ایران انگلیس [illegible] خود [illegible] دولت ایران از حق حاکمیت خود صرف نظر خواهد کرد

شماره: ۵۱
فرستنده: ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ تیر ۱۳۰۸ ش
متن سند:

محرمانه است

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

نظمیهٔ بنادر راپورت می‌دهد اهالی آنجا که برحسب ضرورت و احتیاج می‌خواهند به بحرین مسافرت نمایند، قبلاً به وسیلهٔ کسان و بستگان خود در بحرین تحصیل جواز از حکومت محل نموده و پس از آن از نظمیه‌های بنادر به طور فورمالیته جواز گرفته مسافرت می‌نمایند و نیز متذکر گردیده در لنگرگاه بحرین از قرار مشهودات کسانی که دارای پاس انگلیسی هستند، پس از ارائهٔ آن به پلیسهای بحرین به طور آزادانه اجازهٔ پیاده شدن را به آنها می‌دهند و برعکس کسانی که دارای جواز مسافرت دولت علیه بوده و پاس انگلیسی تحصیل ننموده‌اند؛ پلیس از پیاده شدن آنها ممانعت می‌نماید قضیه به ریاست محترم وزرای عظام نیز راپورت گردیده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی ــ سرتیپ درگاهی

مدل - ۱

تاریخ ۱۹ ... ماه ۱۳۰۸

نمره ۹۶۸ ضمیمه

محرمانه است

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

دایره تذکره

شعبه

وزارت جلیله امور خارجه.

نظمیه بنادر راپورت میدهد اهالی آنجا که برحسب ضرورت و احتیاج میخواهند به بحرین مسافرت نمایند قبلاً بوسیله کسان و بستگان خود در بحرین تحصیل جواز از حکومت محل نموده و پس از آن از نظمیه های بنادر بطور فورمالیته جواز گرفته مسافرت مینمایند و نیز متذکر گردیده در لنگرگاه بحرین از قرار مشهود است کسانیکه دارای پاس انگلیسی هستند پس از ارائه آن به پلیسهای بحرین بطور آزادانه اجازه پیاده شدن را بآنها میدهند و برعکس کسانیکه دارای جواز مسافرت دولت علیه بوده و پاس انگلیسی تحصیل ننموده اند پلیس از پیاده شدن آنها ممانعت مینماید قضیه بریاست محترم وزراء عظام نیز راپورت گردیده است —

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی — سرتیپ درگاهی

۱۸ ... ۱۳۰۸

انگلیس

شماره: ۵۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ تیر ۱۳۰۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

تذکرهٔ نمرهٔ ۳۴۳۰۰/۱۴۲/۳ که تلواً ایفاد می‌شود در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۶ از قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره به اسم حسن تبعهٔ ایران صادر و در تاریخ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۴۷ در بحرین ویزا شده و دو قطعه تمبر یک روپیه به آن الصاق گردیده این اولین مرتبه است که مصادر بحرین مبادرت به چنین اقدامی نموده و چون گمرک موظف است اوراق علم خبر به اتباع ایران که بین بحرین و بنادر جنوب مسافرت می‌کنند، بدهد؛ لذا همین قدر دفتر بوشهر تذکره را از صاحبش مسترد و به مرکز ارسال داشته است.

وزارت مالیه

اداره

دایره

بتاریخ ۸ ماه ۴ سنه ۱۳۰۸

نمره ۱۸۱۵۹ ضمیمه

موضوع

اداره کل تفتیش گمرک و ...

۹/۴/۱۳۰۸

وزارت جلیله امور خارجه

محترماً نمره ۳/۲/۱۴۲/۳۰۰/۳۴۳ که تلگرافاً اطلاع می‌دهد
در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۶ از قونسولگری دولت شاهنشاهی
در بصره باسم حسن تبعه ایران صادر و در تاریخ ۲۳ ذیحجه
۱۳۴۷ در بحرین ویزا شده و ده قطعه تمبر یک روپیه
بآن الصاق گردیده. این اولین مرتبه است در بنادر
بحرین مبادرت بچنین اقدامی نموده و چون گمرک
مرتبط است و در اوراق علم خبر با اتباع ایران که من
بحرین و بنادر جنوب مسافرت می‌کنند ... فقدان این
قبیل تذکره‌ها را از جانبین نموده و مرکز اطلاع بدهند

مدیر کل ... ۹/۴/۸

۸ تیر ۱۳۰۸

۱۸۱۵۹ / ۸ / ۴ / ۸

7 ۷

AU NOM DE SA MAJESTÉ IMPÉRIALE LE CHAHINCHAH DE PERSE

Le porteur du présent passeport

sujet persan, se rend via

à

Les autorités frontières persanes n'auront nullement à inquiéter le porteur du présent passeport.

Les autorités civiles et militaires des Puissances amies sont priées de laisser passer librement le porteur et de lui prêter aide et assistance.

S.) Délivré par

6 ۶

بنام همایون اعلیحضرت شاهنشاه ایران

دارنده این تذکره حسین پسر علی لنگرنی

۶۰ و نمبر

تبعه دولت علیه ایران از راه خشک عازم بحرین است مستحفظین حدود و ثغور ممالک محروسه دولت شاهنشاهی متعرض او نشده از مأمورین نظامی و غیر نظامی دول متحابه نیز خواهش میشود که موجبات تسهیل عبور مشار الیه را فراهم نموده لدی الاقتضاء رعایت و طرفداری نمایند

امضای دهنده تذکره




حامل هذا الجواز حسين بن علي [illegible]

بالسفر الى [illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

تحريرا في ٢٣ ذي الحجة ١٣٤٧
مطابق ٣ جون ١٩٢٩

[illegible]

16 ۱۶

Visas. امضاء

POLITICAL AGENCY, KUWAIT.

No. E 430, 10th December 1929.

Valid for the journey to Bahrain

FEE RUPEE ONE RECEIVED.

J. C. More
Major,
Political Agent, Kuwait.

POLITICAL AGENCY KUWAIT

۱۳۰۸/۹/۱۷

شماره: ۵۳
فرستنده: پادشاه حجاز و نجد و ملحقات
گیرنده: حاکم بحرین
تاریخ: ۱۳۰۸
متن سند:

ترجمهٔ سواد مکتوب اعلیحضرت ابن سعود پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن به جناب شیخ محمدبن شیخ عیسی حاکم بحرین

بعد از عنوان و القاب

مدتی است که اتباع ما از رفتار حکومت بحرین و سنگینی مالیات شکایت می‌نمایند، همین طور بعضی پیشامدهای دیگری راجع به بعضی از رعایا پیش آمده است؛ مثلاً جمعی از اهالی قطیف که مدت پنجاه‌وشصت سال بلکه صد سال است که در قطیف توقف دارند و همیشه معاملهٔ اتباع داخلی با آنها شده است، مدعی هستند که اتباع بحرین می‌باشند، البته مقصود از این حرف جز ایجاد نزاع و کشمکش چیز دیگری نیست.

بر جنابعالی معلوم است که ما هیچگاه از مطالبهٔ و احقاق حق خویش صرف‌نظر نکرده و نخواهیم کرد ولی در عین حال میل داریم که بین ما و بحرین در هیچ امری اختلافی روی ندهد و می‌خواهم مردم آسوده و مرفه باشند، لیکن چون آسایش مردم فراهم نگشت، مقتضی دانستم که در این باب به خود جنابعالی مراجعه نموده که خودتان در این مسئله غور فرموده و راجع به اتباع ما و مالیاتهایی که بر آنها تحمیل گشته است، نظر فرمایید. هرگاه جنابعالی مایل به اتفاق و رفع اختلاف باشید ما حاضریم که یک نفر نماینده از جانب خود به حضور شما ارسال داریم که در مسائلی که صلاح طرفین است مذاکره نمایید که ما و اتباع‌مان طریقی را که باید سلوک نماییم بفهمیم. می‌ترسم بفرمایید که مرجع این کار مقامات دیگری غیر از خود شما هستند البته این مسئله بسته برای خود شما است که به دیگری موکول نمایید یا ننمایید ولی باید خاطر شریف مستحضر باشد که ما حقوق خود را از هر دوستی اعم از خود شما و یا دیگری مطالبه خواهیم کرد تا آنکه مسائل بر یک اساس محکم و اطمینان‌بخش برقرار گردد و از تعدیات بر اتباع طرفین جلوگیری به عمل آید. البته بر جنابعالی معلوم است که آنهایی که در بعضی از امور بحرین مداخله دارند نیز با ما دوست هستند و از حفظ حقوق ما

خودداری نخواهند کرد ولی ما نمی‌توانیم قبل از اینکه به خود شما مراجعه نماییم به دیگری مراجعه کنیم، رجامندم که خوب در این مسئله غور و دقت نمایید تا آنکه مشکلات موجوده زایل گشته و اخوت و برادری برقرار گردد و مردم هم آسوده و فارغ‌البال شوند. هرگاه شما به حل این مسئله تمایل فرمایید، خیلی موجب امتنان برادر شما خواهد شد (چون اصلاً آل سعود حکام نجد و آل خلیفه مشایخ بحرین از یک خانواده هستند یعنی طرفین از بنی عتبه می‌باشند در مراسلات به همدیگر خطاب برادر می‌نمایند و ابن‌سعود به پدر شیخ حمد پدر خطاب می‌کند. مترجم)

خواهشمندم که در این باب بر ما خرده نگیرید زیرا هرکس مصالح خود و محل خود را در نظر می‌گیرد و اگر من هم برای حفظ مصالح مملکت و اتباع خود اقدام کرده‌ام باید مرا معذور بدارید والسلام

عبدالعزیز آل سعود

پس از وصول این مکتوب شیخ حمد با قونسل و مستشار حکومت و شیخ عبدالله برادر کوچک شیخ حمد مشوره نمود. جواب مبهمی به ابن‌سعود دادند، مفاد جواب مزبور این بود که محل و اتباع همه یکی هستند و هیچ گونه تفاوتی در میان نیست چنانکه بحرین و قطیف و احساء و نجد در حکم واحد هستند و همه به آن اعلیحضرت تعلق دارد تاکنون نتیجهٔ دیگری معلوم نشده است.

اینها راپرتی است که برای شخص من رسیده است و اینک بعد از ترجمه تقدیم می‌گردد.

احمد فرامرزی

٦٦ کل

وزارت امور خارجه

ترجمه سواد مکتوب اعلیحضرت ابن سعود پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن
به جناب شیخ حمد بن شیخ عیسی حاکم بحرین

بعد از عنوان و القاب

مدتی است که اتباع ما از رفتار حکومت بحرین و سنگینی مالیات شکایت مینمایند همینطور بعضی پیش آمدها دیگر راجع به بعض از رعایا پیش آمده است مثلاً جمعی از اهالی قطیف که مدت پنجاه و شصت سال بلکه صد سال است که در قطیف توقف دارند و حیثیت معامله اتباع داخل با آنها شده است مدعی هستند که اتباع بحرین میباشند البته مقصود از این حرف جز ایجاد نزاع و کشمکش چیز دیگر نیست

بر جنابعالی معلوم است که ما هیچگاه از مطالبه و احقاق حق خویش صرف نظر نکرده و نخواهیم کرد ولی در عین حال میل داریم که بین ما و بحرین در هیچ امری اختلافی رو ندهد و میخواهیم مردم آسوده و مرفه باشند یقین چون آسایش مردم فراهم نشده مقتضی دانستیم که در این باب به خود جنابعالی مراجعه نموده که خودتان در این مسئله غور فرموده و راجع به اتباع ما و مالیاتهائی که برای آنها تمدید گشته است نظر فرمائید. هرگاه جنابعالی مایل به اتفاق و رفع اختلاف باشید ما هم حاضریم که یک نفر نماینده از جانب خود بحضور شما ارسال داریم که در مسائلی که صلاح طرفین است مذاکره نماید که ما و اتباع مان طریقی را که باید سلوک نمائیم بفهمیم.

اگر هم بفرمائید که مرجع این کار مقامات دیگری غیر از شما هستند البته این مسئله بسته به اراده خود شما است که به دیگری محول نمائید یا ننمائید ولی باید خاطر شریف مستحضر باشد که ما حقوق خود را از هر حیث اعم از خود شما و یا دیگری مطالبه خواهیم کرد تا آنکه مسائل بر یک اساس محکم و اطمینان بخشی برقرار گردد و از تعدیات بر اتباع طرفین جلوگیری بعمل آید

وزارت امور خارجه

بقیه ترجمه مکتوب سلطان نجد

البته بر جنابعالی معلوم است که انگلیسی‌ها که در بعضی از امور بحرین مداخله دارند نیز با ما دوست هستند و از حفظ حقوق ما خودداری نخواهند کرد ولی ما نمیتوانیم قبل از اینکه به خود شما مراجعه نمائیم بدیگری مراجعه کنیم رجامندم که خوب در این مسئله غور و دقت نمائید تا آنکه مشکلات موجوده زائل گشته و اخوت و برادری برقرار گردد و مردم هم آسوده و فارغ البال شوند هرگاه با به همراهی این مسئله تائید فرمائید خیلی موجب امتنان برادرتان خواهد شد (چون اصلا آل سعود و آل خلیفه شیخ بحرین از یک خانواده هستند یعنی طرفین از بنی عتبه میباشند و بر اساس جد بزرگ خودشان به برادر میشناسند و ابن سعود به پدر شیخ حمد پدر خطاب میکند. مترجم)
خواهشمندم که در این باب بر ما خورده نگیرید زیرا هر کس مصالح خود و قوم خود را در نظر میگیرد و از من هم برای حفظ مصالح مملکت و اتباع خود اقدام کرده‌ام باید مرا معذور بدارید والسلام

عبدالعزیز آل سعود

پس از وصول این مکتوب شیخ حمد با حضور مستشار حکومت و شیخ عبدالله برادر کوچک شیخ حمد مشورت نموده جواب مبهمی به ابن سعود داده‌اند مفاد جواب مزبور این بود که بحرین و اتباع آن یکی هستند و هیچگونه تفاوتی در میان نیست چنانکه بحرین و قطیف و احساء و نجد در حکم واحد هستند و همه به آن اعلیحضرت تعلق دارد تاکنون نتیجه دیگر معلوم نشده است

اینها راپرتی است که برای شخص من رسیده است و اینک بعد از ترجمه تقدیم میگردد

احمد فرامرزی

شماره: ۵۴
فرستنده: ترجمه از روزنامهٔ شرق نزدیک
گیرنده:
تاریخ: ۵ ژوئن ۱۹۳۰
متن سند:

**نفت**

(ماژر فرانک هولمز **Major Frank Holmes**) نمایندهٔ یک شرکت نفتی وارد بحرین گردیده. این سندیکا چندین سال است امتیاز مهمی برای استخراج نفت این جزایر را تحصیل کرده، لکن تاکنون اقدامات آن از حدود تحقیقات و تفتیشات مقدماتی تجاوز نکرده بود ولی ازقرار معلوم حالیه تصمیم گرفته شده است که جداً کاراستخراج نفت شروع گردد. بناء علیه عما قریب شش دستگاه ماشین حفاری ویک عده مهندس وارد و عملیات حفر چاه در چندین نقطه شروع خواهد گشت. اهالی محل این قضیه را نقل هر مجلس قرار داده و جمعی از آنها معتقدند که بحرین در مدت قصیری تالی آبادان خواهد گردید. همین سندیکا امتیاز استخراج نفت کویت را نیز تحصیل نموده است. بعلاوه امتیاز حفر چاههای آرتزین را در بحرین گرفته و تاکنون در چند نقطه عمل حفر را خاتمه داده و حالیه آب از چاههای مزبور برداشته شده و به مصرف می‌رسد.

وزارت امور خارجه

ترجمه از روزنامه شرق نزدیک — تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۳۰

## خلیـــــج فارس

بحرین ۲ مه

### نفت

(ماژور فرانک هولمز Major Frank Holmes ) نماینده یک شرکت نفتی وارد بحرین گردیده ۰ این شخص یکی دو سال قبل امتیاز مهمی برای استخراج نفت این جزایر را تحصیل کرده لکن تاکنون اقدامات آن از حدود تحقیقات و تفتیشات مقدماتی تجاوز نکرده بود ولی از قرار معلوم حالیه تصمیم گرفته شده است که جداً کار استخراج نفت شروع گردد ۰ بناءً علیه عنقریب شش دستگاه ماشین حفاری و یک عده مهندس وارد و عملیات حفر چاه در چندین نقطه شروع خواهد گشت ۰ اهالی محل این قضیه را نقل هر مجلس قرار داده و بعضی از آنها معتقدند که بحرین در مدت قصیری ثانی آبادان خواهد گردید ۰ همین شخص یکی امتیاز استخراج نفت کویت را نیز تحصیل نموده است ۰ بعلاوه امتیاز حفر چاههای ارتزین را در بحرین گرفته و تاکنون در چند نقطه عمل حفر را خاتمه داده و حالیه آب از چاههای مزبور برداشته شده و بمصرف میرسد ۰ —

شماره: ۵۵
فرستنده: قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ:۲۲ مرداد ۱۳۰۹
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

از قراری که اطلاع حاصل نموده است، اخیراً بیانیه‌ای از طرف شیخ بحرین صادر شده که از تاریخ ۲۲صفر ۱۳۴۹ تذاکر مسافرت برای بحرینی‌ها از طرف حکومت بحرین صادر و به امضای شیخ بحرین خواهد بود و قونسول انگلیس مقیم بحرین دیگر پاسپورت انگلیسی مثل سابق برای رعایای بحرین صادر ننموده فقط در مورد مسافرت آنها به ممالکی که مربوط به انگلیس می‌باشد پاسپورت آنها را ویزا خواهد نمود. سواد بیانیهٔ مزبوربه دایرهٔ پاسپورت بصره دیروز ابلاغ شده است. چون لازم بود عرض شد.
فدوی ــ محمد حسن بدیع

قونسولگری شاهنشاهی ایران
(بصره)

تاریخ ۲۲ مرداد / ۱۳۰۹

نمره ۹۲۶

ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

از قراریکه اطلاع حاصل نموده است اخیراً بیانیهٔ از طرف شیخ بحرین صادر شده که از تاریخ ۲۲ صفر ۱۳۴۹ تذاکر مسافرت برای بحرینی‌ها از طرف حکومت بحرین صادر و بامضای شیخ بحرین خواهد بود و قونسول انگلیس مقیم بحرین دیگر پاسپورت انگلیسی مثل سابق برای رعایای بحرین صادر ننموده فقط در مورد مسافرت آنها به ممالکیکه مربوط بانگلیس میباشد پاسپورت آنهارا ویزا خواهد نمود . سواد بیانیه مزبور بدایرهٔ پاسپورت بصره دیروز ابلاغ شده است . چون لازم بود عرض شد .

انگلیس

۹/۶/۸

کابینه وزارت امور خارجه

۲۵۱۵۴

شماره: ۵۶
فرستنده: قونسولگری ایران بمبی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
اگرچه خبر روتر راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی ایران نسبت به اقدام سندیکای انگلیس در به دست آوردن امتیاز استخراج نفت بحرین تقریباً در تمام جراید محلی روز ۲۷ اگست درج بود، روزنامهٔ ایندین دیلی میل مختصر تاریخی نیز از گذشته این جزایر و ادعای دولت ایران بر آن نوشته است که چون قابل توجه بود، آن قطعه لفاً تقدیم گردید.

ترجمه از **Theindianmail**
مورخهٔ ۲۷ اوت ۱۹۳۰

**تهدید ایران**
**امتیاز نفت بحرین**
**اعتراض به اقدامات سندیکای انگلیسی**

ژنو ۲۶ اوت
وزیر امور خارجهٔ ایران سواد مراسله‌ای را که دایر به اعتراض از اقدام یک سندیکای انگلیسی برای تحصیل امتیاز نفت در جزیرهٔ بحرین از شیخ بحرین تسلیم سفارت انگلیس در طهران نموده است، به دارالانشای جامعهٔ ملل تقدیم کرده که نسخ آن را بین عموم اعضای جامعه توزیع نماید.
در مراسلهٔ مزبور ادعای ایران نسبت به مالکیت بحرین تکرار و اعلام شده است که دولت ایران خود را آزاد می‌داند هر نفع حاصله از اعطای امتیاز را مطالبه نماید، بدون آنکه خود را مسئول هرگونه خسارتی بداند.

## جزایر بحرین

### زمین فوق‌العاده متنازع فیه

جزایر بحرین عبارت از یک دسته جزایری است که در بیست میلی شرقی ساحل (الحصاء) در خلیج فارس واقع گردیده و از قدیم‌الایام مرکز تجارت هندوستان و مبدأ عزیمت کاروانان به عربستان بوده است.

جزیره که ا ز سایرین بزرگتر است بحرین نام دارد و طولش از شمال به جنوب ۲۷ میل و عرضش تقریباً ده میل است.

اهالی آن نژاد مختلطی از عرب، عثمانی و ایرانی هستند و در کلیهٔ نقاط خلیج به واحد بودن لیاقت و استعداد تجاری و صنعتی نامبردارند.

در ظرف چهارصد سال گذشته جزایر مزبوره دچار ابتلائات سیاسی متعدده گردیده‌اند. مثلاً در سنهٔ ۱۵۰۷ پرتقالی‌ها به تصرف آنها پرداختند لکن در سنهٔ ۱۶۲۲ شاه‌عباس آنها را از آنجا خارج ساخت. پس از آن بین ایرانیان و اعراب مابه‌النزاع واقع گردیده و عاقبت در سنه ۱۷۸۴ طایفه عرب بر آنجا استیلا یافت.

### مداخلهٔ انگلیس

شیخ فعلی بحرین (شیخ سر حمید عیسی‌بن علی‌الحنیفه) صاحب دو نشان (K.C.I) (C.S.I) می‌باشد که در حدود سنهٔ ۱۸۵۰ اجدادش را ترکها از داخلهٔ اقلیم آسیا که دارای ضیاع و عقار زیاد بودند بیرون کردند. در سنهٔ ۱۸۶۷ ایرانیان بحرین را تحت تهدید قرار دادند و در سنهٔ ۱۸۷۷ ترکها آنجا را متصرف شدند. مداخلهٔ انگلیس در هر دو مورد برای حفظ حیثیت حکومت عرب موفقیت حاصل کرده و اینک جزایر بحرین تحت حمایت انگلیس می‌باشند.

شیخ بحرین از سنهٔ ۱۸۲۰ با حکومت هندوستان دارای مناسبات عهدنامه بوده و یک نفر عامل سیاسی انگلیس هم در آنجا مأموریت دارد. بحرین از سنهٔ ۱۸۸۰ متعهد شده است با سایر ممالک عهدنامه منعقد نسازد.

اقتدار بحری انگلیس در سرتاسر خلیج فارس به پایه‌ای رسوخ پیدا کرده است، که تمام طوایف ساکن جزایر مأمور انگلیس را حکم و مستشار خویش می‌شمارند.

اگرچه صادرات اصلی جزایر مزبور غالباً مروارید، خرما، شکر، پنبه بوده ولی اخیراً به واسطهٔ کشف معادن نفت، حائز اهمیت جدیدی گردیده است.

در این اواخر دولت ایران مدعی شیخ بحرین گشت ولی دولت انگلیس ادعای مشارالیه را نسبت به تصرف مطلق و مالکیت جزایر تقویت نموده و در نتیجهٔ آن، مشاجرهٔ

ممتدی بین طهران و لندن روی داد. ادعای ایران رد شد ولی دولت ایران از هر فرصتی که به دست آید نسبت به آنکه انگلستان آنجا را تحت‌الحمایه قرار داده و یا نسبت به مالکیت شیخ اعتراض می‌کند و اعتراض قبلی نیز یکی از آن موارد می‌باشد.

تاریخ ۹ شهریور ۱۳۰۹

نمره ۲۶۶ ضمیمه

قونسولگری ایران
بمبئی

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

اگر چه خبر رویتر راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی ایران نسبت باقدام شرکت انگلیسی
در بدست آوردن امتیاز استخراج نفت بحرین تقریباً در تمام جراید مورخه ۲۶ اسد
درج بود روزنامه ایندین دیلی میل مختصر تاریخی نیز از گذشته‌های جزایر
و ادعای دولت ایران نوشته است در جوف قطعه و ترجمه آن

تقدیم میگردد

ترجمه و تقدیم شد

۱۵۹۱۲
۷۱۰
۹/۶/۱۵

وزارت امور خارجه

ترجمه از The Indian Mail مورخه ۲۷ اوت ۱۹۳۰

## تهدید ایران
## امتیاز نفت بحرین
## اعتراض باقدامات سندیکای انگلیسی

ژنو ۲۶ اوت

وزیر امور خارجه ایران سواد مراسله ئی را که دائر باعتراض از اقدام یک سندیکای انگلیسی برای تحصیل امتیاز نفت در جزیره بحرین از شیخ بحرین تسلیم سفارت انگلیس در طهران نموده است بدارالانشاء جامعه ملل تلگرافم کرده که نسخ آنرا بین عموم اعضاء جامعه توزیع نماید ۰
در مراسله مزبور ادعای ایران نسبت بمالکیت بحرین تکرار و اعلام شده است که دولت ایران خود را آزاد میداند هر نفع حاصله از اعطاء امتیاز را مطالبه نماید بدون آنکه خود را مسئول هرگونه خسارتی بداند ۰

## جزایر بحرین
## زمین فوق العاده متنازع فیه

جزایر بحرین عبارت از یک دسته جزائریست که در بیست میلی شرقی ساحل ( الحصاء ) در خلیج فارس واقع گردیده و از قدیم الایام مرکز تجارت هندوستان و مبداء عزیمت کاروانان بصره بوده است ۰
جزیره که از سایرین بزرگتر است بحرین نام دارد و طولش از شمال بجنوب ۲۷ میل و عرضش تقریباً ده میل است ۰
اهالی آن نژاد مختلطی از عرب ـ عثمانی ـ وایرانی هستند و در کلیه نقاط خلیج بواسطه بودن لیاقت واستعداد تجاری وصنعتی نامبردارند ۰
در ظرف چهارصد سال گذشته جزایر مزبوره دچار انقلابات سیاسی متعدده گردیده اند ۰
مثلا در سنه ۱۵۰۷ پرتقالیها بتصرف آنها پرداختند لکن در سنه ۱۶۲۲ شاه عباس آنها را

وزارت امور خارجه (۲)

ازآنجا خارج ساخت. بعد از آن بین ایرانیان و اعراب مابه النزاع واقع گردیده و عاقبت در سنه ۱۷۸۴ طایفه عرب بر آنجا استیلا یافت.

## مداخله انگلیس

شیخ فعلی بحرین ( شیخ سر حمد عیسی بن علی الخلیفه ) صاحب دو نشان ( K. C. I. ) و ( C. S. I. ) میباشد که در حدود سنه ۱۸۵۰ اجداد شیخ را ترکها از داخله اقلیم آسیا که داران خیل و تبار زیاد بودند بیرون کردند. در سنه ۱۸۶۷ ایرانیان بحرین را تحت تهدید قرار دادند و در سنه ۱۸۷۷ ترکها آنجا را متصرف شدند. مداخله انگلیس در هر دو مورد برای حفظ حیثیت حکومت عرب موفقیت حاصل کرده و اینک جزایر بحرین تحت حمایت انگلیس میباشند.

شیخ بحرین از سنه ۱۸۲۰ با حکومت هندوستان دارای مناسبات عهدنامه بوده و یک نفر عامل سیاسی انگلیس هم در آنجا ماموریت دارد. بحرین از سنه ۱۸۸۰ متعهد شده است با سایر ممالک عهدنامه منعقد نسازد.

اقتدار بحری انگلیس در سرتاسر خلیج فارس بپایه رسوخ پیدا کرده است که تمام طوایف ساکن جزایر مامور انگلیس را حکم و مستشار خویش میشمارند.

اگرچه صادرات اصلی جزایر مزبور غالبا مروارید - خرما - شکر - پنبه - بوده ولی اخیرا بواسطه کشف معادن نفت حائز اهمیت جدیدی گردیده است.

در این اواخر دولت ایران مدعی شیخ بحرین گشت ولی دولت انگلیس ادعای مشارالیه را نسبت بتصرف مطلق و مالکیت جزایر تقویت نموده و در نتیجه آن مشاجره شدیدی بین طهران و لندن روی داد. ادعای ایران رد شد ولی دولت ایران از هر فرصتی که بدست آید نسبت باینکه انگلستان آنجا را تحت الحمایه قرار داده و یا نسبت بمالکیت شیخ اعتراض مینماید و لغو امتیاز [illegible] نیز یکی از آن موارد میباشد.

شماره: ۵۷
فرستنده: وزارت دربار
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به استحضار از مدلول راپرت قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره که سواد آن را در ضمن مراسلهٔ نمرهٔ ۱۶۱۴۹ ارسال فرموده‌اند، زحمت می‌دهد که از نقطه‌نظر دعاوی ایران فرقی ندارد که شیخ بحرین تذکرهٔ مسافرین بحرینی‌ها را امضا کند یا مأمورین انگلیس؛ البته مأمورین ایران در موقع ورود بحرینی‌ها به خاک ایران هیچ یک از این تذکره‌ها را نباید معتبر بشمارند و باید مطالبهٔ تذکرهٔ ایرانی بنمایند. خوب است آن وزارت جلیله این نقطه‌نظر را به ادارات مربوطه خاطرنشان بفرمایند.

وزیر دربار پهلوی—تیمور تاش

۳۲۴۶
۹/۶/۲۰

وزارت جلیله امور خارجه

با استحضار از مدلول راپرت ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره راجع به
آن را در ضمن مراسله نمره ۱۶۱۴۹ ارسال فرموده‌اند
زحمت می‌دهد که از نقطه نظر دولت ایران فرقی ندارد در اینکه
بحرینی‌ها در کدام قسمت بحرینی‌ها را امضا کنند که ... انگلیس
آنچه مهم است این است که ایران در موقع ورود بحرینی‌ها به سواحل ایران از آنها
تذکره را بنام تبعه ... و با مهر ... تذکره ایرانی بنمایند
خوب است آن وزارت جلیله این نقطه نظر را با ادارات
مربوطه خاطرنشان نمایند

وزیر دربار پهلوی

۹/۶/۲۳

۹/۶/۲۵

شماره: ۵۸
فرستنده: نمایندگی ایران در جامعهٔ ملل ژنو
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ مهر ۱۳۰۹ ش
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

روزنامهٔ دو ژنو در شمارهٔ ۳۰ اوت خود شرحی تحت عنوان «جنگ نفت» اشاعت داد و چنین می نویسد که در اوایل این هفته دولت ایران به وزیر مختار انگلیس در طهران و همچنین به دارالانشای جامعهٔ ملل از جهت نقضی که به حقوق حاکمیت آن دولت در جزیره بحرین از طرف دولت انگلستان به عمل آمده است، اعتراض نموده زیرا شیخ بحرین حق استخراج منابع نفت جزیره را به یک سندیکای انگلیسی تفویض نموده است و حال آنکـه بحرین یکی از منضمات قطعی ایران بوده و هرگونه امتیازی که بدون اجازهٔ ایران داده‌شود باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

ضمناً روزنامه مزبور چنین می‌نویسد: دولت انگلیس که در ۱۸۷۹ حق حاکمیت ایران را نسبت به جزیره بحرین شناخته بود در ۱۹۲۷ به وسیلهٔ معاهده که با دولت حجاز منعقد کرد، استقلال شیخ بحرین را اعلام نمود و دولت ایران بر علیه این معاهده اعتراض نموده‌وموضوع اختلاف به جامعهٔ ملل نیز اطلاع داده شد. دولت انگلستان به وسیلهٔ وزیر امور خارجه وقت، سراوتسن چمبرلن جداً جواب داد که چون ایران حقوق مالکیت از ۱۷۸۳ به این طرف اعمال ننموده و تقاضای آن دولت قابل قبول نمی‌باشد و به همین جهت این مرتبه هم مانند دفعهٔ گذشته تصور نمی‌رود که انگلستان نظریهٔ ایران را بپذیرد؛ زیرا گذشته از مسئلهٔ ارضی که از لحاظ تاریخی قدری پیچیده و مبهم است، موضوع نفت در میان می‌باشد.

در لندن مصراً به این عقیده هستند که دولت ایران نه فقط از جهات نفع شخصی این اقدام را نموده بلکه احتمال کلی دارد که روسیهٔ ساوتی و همچنین دول معظمهٔ دیگری که با نهایت تأسف می بینند انگلستان دست روی یک جزیره که از حیث نفت سرشار است، انداخته و ممکن است روزی مرکز رقابت شدید برای منابع نفت عراق و بین‌النهرین بشود، حکومت طهران را به این اقدام واداشته‌اند. قسمت اخیر مقاله مربوط به سیاست نفتی دنیاست که عین آن تلواً تقدیم می‌شود.

نمایندگی ایران در جامعه ملل
ژنو

بتاریخ ۹ مهر ۱۳۰۹
نمرة ۲۴۵ ضمیمهٔ قطعهٔ روزنامه

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

روزنامهٔ ... در شماره ۳۰ اوت خود تحت عنوان «جنگ نفت» مقالتی دارد
و چنین می‌نویسد در اوایل این هفته دولت ایران بوزیر مختار انگلیس در طهران یادداشتی
ارسال داشته مبنی بر اعتراض بنقضی که بحقوق حاکمیت آن دولت در جزیره بحرین
از طرف دولت انگلستان بعمل آمده است اعتراض نموده زیرا شیخ بحرین حق استخراج
منابع نفت جزیره را بیک سندیکای انگلیسی تفویض نموده است و حال آنکه بحرین یک
از متصرفات قطعی ایران بوده و هرگونه امتیازی که بدون اجازه ایران داده شود باطل
و از درجه اعتبار ساقط است.

مشار الیه بعد چنین می‌نویسد دولت انگلیس که در ۱۸۷۹ حق حاکمیت ایران را
نسبت بجزیره بحرین شناخته بود در ۱۹۲۷ بر طبق معاهده که با دولت حجاز منعقد
کرد استقلال شیخ بحرین را اعلام نمود و دولت ایران بر علیه این معاهده اعتراض
نمود و موضوع اختلاف به جامعه ملل نیز اطلاع داده شد. دولت انگلستان بتوسط
وزیر امور خارجه وقت سرآستین چمبرلن جواب داد که چون ایران
حقوق حاکمیت از ۱۷۸۲ به این طرف اعمال ننموده و تقاضای آن دولت

۲

بتاریخ ۶ ۱۳

نمرهٔ ـــــــ ضمیمهٔ ـــــــ

نمایندگی ایران در جامعه ملل
ژنو

تا بی‌قبول نباشد و بهمین جهة این مرتبه ا مانند دفعه گذشته تصور نمی‌رود انگلستان
تقاضای ایران را بپذیرد زیرا گذشته از مسئله ارضی و از لحاظ تاریخی قدری پیچیده
مهم است موضوع نفت در میان باشد

در لندن متوجه این قضیه هستند حرکت ایران نه فقط از جهات نفتی
این اقدام را لازم بلکه اهمیت کلی دارد در روسیه ساکت و در ضمن حل مسئله [illegible] که
با نهایت تأسف می‌بینند انگلستان دست روی یک ذخیره مهم از منابع نفت
سرشار است انداخته و ممکن است روزی مرکز رقابت شدید برای منابع نفت
عراق و بین‌النهرین بشود حکومت طهران را باین اقدام وادار داشته‌اند قسمت اخیر
مقاله مربوط بسیاست نفتی دنیا است در همین آن تلگرافاً شده [illegible]

[illegible]

۹/۷/۲۲

۷۱۰۱۲۱۴

وزارت امور خارجه
۱۹۸۸۳
۹/۷/۲۲

۹/۷/۲۷

اداره [illegible]
۹/۷/۲۷

شماره: ۵۹
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ آبان ۱۳۰۹ ش
متن سند:

فوری است

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمد علی‌خان فروغی وزیرامورخارجه
وزیر عزیزم

از محمره یک راپرت تلگرافی به دوستدار رسیده حاکی از اینکه بار دیگر مأمورین محلی به اهالی بحرین فشار آورده‌اند که اوراق تابعیت ایرانی بگیرند. در یک مورد یک نفر بحرینی را مدت بیست وچهار ساعت حبس کرده بودند و فقط مشارالیه را وقتی آزاد نمودند که متعهد شده بود تابعیت ایرانی قبول نماید. در مورد دیگر ادارهٔ پلیس یک عدد پاسپورت صادره از طرف قونسول انگلیس در بصره را توقیف نموده بود، به وسایل مختلفهٔ دیگری نیزمتشبث شده‌اند که بحرینی‌ها را مجبور به گرفتن اوراق تابعیت ایرانی نمایند.

۲. چنانچه جناب اشرف تصدیق خواهند فرمود یک چنین اقدامی برخلاف وعده‌ای است که در ۹سپتامبر ۱۹۲۹ به‌سررابرت کلایوداده‌شده‌مبنی براینکه تا زمانی که مسئلهٔ وطن بحرینی‌های مقیم ایران هنوز به مناسبت عهدنامهٔ عمومی در تحت مذاکره است، متعرض و مزاحم بحرینی‌های مزبور نخواهند شد.

و چون به طوری که موافقت داریم که مذاکرات راجع به عهدنامه فقط موقتاً موقوف گردیده، نمی‌توانم تصور نمایم که قصد دولت ایران این باشد که وضعیت فعلی (Status quo) را در این مورد نقض نمایند، چنانچه جناب اشرف مستحضرند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به سهم خود از روی صداقت مراعات وضعیت فعلی (Status que) را نموده‌اند و با وجود حس روبه‌تزاید تکرر و انزجاری که در بحرین به واسطهٔ رفتار نسبت به بحرینی‌های مقیم ایران تولید شده، دولت انگلیس تا حال با زحمت و اشکال توانسته‌اند با سعی و کوشش حکومت بحرین در قضاوت و حکومت نسبت به رعایای ایران که از مدت زمانی قبل در جزایر مزبور سکونت یافته‌اند، مقاومت نمایند. بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را مُحق می‌دانند که به یک چنین روح

معاضدتی نیز از طرف ایران متکی شوند و ممنون خواهم شد جناب اشرف محبت فرموده مقرر دارند تعلیمات تلگرافی فوری به خوزستان مخابره شود که وضعیت فعلی (**Status que**) را مراعات کرده و از تشبث به اقدامات جبریه که در فوق به آن اشاره کردم، خودداری نمایند.

موقع را برای تجدید احترامات فایقه خود مغتنم می‌شمارم.

British Legation,

Tehran,

November 4th,1930.

**Urgent.**

My dear Minister,

I have received a telegraphic report from Mohammerah to the effect that the local authorities are once again bringing pressure to bear on Bahreinis to take out Persian nationality papers. In one case a Bahreini was imprisoned for twenty four hours and was only released on his undertaking to adopt Persian nationality. In another, the police confiscated a passport issued by His Britannic Majesty's Consul at Basrah; and various other means have been resorted to with a view to coercing Bahreinis to take out Persian nationality papers.

2. Such action, Your Highness will agree, is contrary to the promise made to Sir R.Clive on September 9th,1929, that Bahreinis resident in Persia would not be molested while the question of their

country

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi
Minister for Foreign Affairs.

سفارت انگلیس طهران

۱۳ آبان ۱۳۰۹

فوری

وزیر محترم

از محمره تلگرافاً راپرتی رسیده که مأمورین محلی باز دیگر به بحرینی‌ها فشار آورده‌اند که اوراق تابعیت ایران بگیرند. در یک مورد یک نفر بحرینی بیست و چهار ساعت حبس گردیده و فقط وقتی رها شد که تعهد نمود که تابعیت ایران قبول نماید. در مورد دیگر اداره نظمیه یک عدد پاسپورت صادره از طرف قونسول انگلیس در بصره را توقیف نمودند. و به وسایل مختلفه دیگر متشبث شده‌اند که بحرینی‌ها را مجبور به گرفتن اوراق تابعیت ایران نمایند.

۲ — حضرت والا تصدیق خواهند فرمود که چنین اقدام برخلاف وعده‌ایست که در ۹ سپتامبر ۱۹۲۹ به سر ر. کلایو داده شده مبنی بر اینکه تا زمانیکه مسئله وطن بحرینی‌های مقیم ایران [illegible]

۱

حضرت مستطاب اشرف آقای میرزا محمدعلی خان فروغی وزیر امور خارجه

-2-

country was still under discussion in connection with the General Treaty; and since we are agreed that our treaty negotiations are merely suspended temporarily, I cannot think that it is the intention of the Imperial Government to violate the status quo in the matter. On their side, as Your Highness is aware, His Britannic Majesty's Government have loyally observed the status quo, and in spite of the growing resentment in Bahrein at the treatment of Bahreinis in Persia, they have so far been able, not without difficulty, to resist all efforts of the Bahrein Government to extend its jurisdiction to Persian subjects long settled in the islands. In these circumstances His Britannic Majesty's Government feel justified in counting on a similar spirit of collaboration on the Persian side also, and I should be grateful if Your Highness would be so good as to cause urgent telegraphic instructions to be sent to Khuzistan to observe the status quo and abstain from the coercive measures to which I have alluded above.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

شاره: ۶۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش
متن سند:

جناب مستطاب اشرف آقای میرزامحمدعلی‌خان فروغی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

محترماً وصول مراسلهٔ جناب اشرف نمرهٔ ۲۸۱۱۱/۷۱۰۱۲۱۴ مورخهٔ ۹ بهمن (۲۹ ژانویه) را در باب ترتیب تذکرهٔ حکومت بحرین اطلاع می‌دهم

۲. در حالی که مایل نیستم وارد بحث بی حاصل در اصول بشوم از نقطه‌نظر روشن ساختن مطلب، خود را ناگزیر می‌بینم در اول وهلهٔ خاطرنشان نمایم که اختلافات عقیده که در این مورد پیش آمده تا اندازهٔ کلی در نتیجه تفسیر متفاوتی است که از اطمینانهای متقابله و متبادله راجع به وقایهٔ وضعیت کنونی (**Status quo**) به عمل آمده است.

جناب اشرف تفسیر دولت ایران را از بابت این مسئله در ضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۲۱۷۷۲/۷۱۰۱۲۱۴ موخهٔ اول آذر ۱۳۰۹ (۲۲ نوامبرگذشته) بیان فرمودند. در مراسلهٔ مزبور در جواب اعتراضی که راجع به اقدام پلیس خوزستان در مجبور ساختن بحرینی‌ها به گرفتن پاسپورتهای ایرانی شده مراتب ذیل را اظهار می‌فرمایید.

«...تصدیق می‌فرمایید که اگر اقدامی مخالف ترتیبات معموله یا حفظ **Status quo** شده از طرف مأمورین ایران‌نبوده برعکس تمام سعی دولت و مأمورین ایران در حفظ خود و برطبق معمولات جاریه بوده است...»

و نیز می‌فرمایند: «دلیل واضح دیگر براینکه مأمورین برخلاف **Status quo** رفتار نکرده‌اند این است که چون دولت ایران بحرین را جزء خاک ایران می‌داند بحرینی‌ها را هم طبعاً تبعهٔ ایران می‌شمارد...»

به عبارت اخری از قرار معلوم دولت ایران اطمینانهای مزبور را طوری تعبیر می‌نمایند که آنها را محق می‌سازد که اظهارات و دلایل طرف مقابل این موضوع متنازع فیه را به کلی تجاهل نموده و با بحرینی ها در موردی مانند رعایای ایران رفتار کنند.

۳. وقتی که مطلب از این قرار باشد، منطقاً نتیجه این می‌شود که حکومت

بحرین به سهم خود حق دارند کاملاً نظیر این تفسیر را بنمایند و نیز محق اند هرگونه اقداماتی را که مقتضی دانند نسبت به بحرینی ها مجری دارند. به علاوه دولت ایران به وسیلهٔ امتناع اخیر خود از شناختن صحت و اعتبار تصدیقنامه‌های موقتی تابعیت انگلیس، یک موضوع بکلی جدیدی در ترتیبات خود راجع به تفتیش تذکره ایجاد کرده‌اند؛ درضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۳ مورخهٔ ۲ژانویه (۱۲ دی)، مخصوصاً خاطر جناب اشرف را به برقراری این موضوع جدید معطوف ساختم و به واسطهٔ این مسئله باید در اینجا اعتراف کنم که‌نمی‌توانم انکار آن جناب را بفهمم در اینکه می‌فرمایند در این اواخر به‌هیچ‌وجه در ترتیبات راجع به تفتیش تذکرهٔ ایران تغییری داده نشده است.

از مراجعه به مکاتبات راجع به این مسئله، جناب اشرف ملاحظه خواهند فرمود که در حقیقت این ترتیب جدید باعث اشکال و عسرت زیاد جهت یک عده اشخاص گردیده که حفظ منافع آنها بر عهدهٔ سفارت است. در این مورد مایلم خاطر جناب اشرف را مراجعه دهم به شکایات متوالیه که این سفارت مجبور بوده است در باب اقدام بلامجوز مأمورین ایران در خلیج در اینکه اتباع ممالک مستقل عرب را از قبیل مسقط مجبور ساخته‌اند پس از ورود به ایران اوراق هویت ایرانی بگیرند، بنماید.

۴. در جملهٔ ۷ مراسلـهٔ فوق‌الذکر جناب اشرف اظهار به تعجب می‌فرمایندازاینکه بحرین در ردیف ممالک خارجه از قبیل عراق به طور مساوی اسم برده شده است. در این مورد چندان احتیاجی نمی‌بینم به جناب اشرف توضیح دهم که این مسئله به علت این است که به عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، بحرین یک دولت پادشاهی مستقلی می‌باشد.

۵. اما در باب شکایات جناب اشرف راجع به اقدام کمپانی کشتیرانی هند و انگلیس (برتیش اندیا استیم‌نویگشن کمپانی) در امتناع از قبول بحرینی‌هایی که می‌خواهند به بصره مسافرت نمایند ولی دارای پاسپورت بحرینی نیستند، فقط لازم است توضیح دهم که‌جهت و دلیلی مشاهده نمی‌شود که انتظار داشته باشند یک مؤسسهٔ تجارتی به واسطهٔ قبول مسافرینی که نتوانند در محلی که بلیطهای ایشان جهت آن صادر شده، پیاده شوند، متحمل ضرر و خسارت شود. هرگاه مؤسسهٔ مزبور یک چنین کاری را بنماید مجبور خواهد شد یا این اشخاص را مجاناً به نقطه مبدأ مجدداً حمل نماید یا اینکه کرایهٔ مراجعت را از آنها مأخوذ دارد و نتیجه این میشود که در هر دو صورت بلاجهت پولی تلف می‌گردد.

۶. در جملهٔ ۱۱ مراسله خود جناب اشرف شکایت می‌فرمایند که‌ویس قونسول

اعلیحضرت پادشاه انگلستان در محمره عادت کرده در اینکه اصرار نماید که بحرینی‌هایی که مایل‌اند به بصره مسافرت کنند، بایستی پاسپورت بحرینی منظم دریافت دارند؛ جواباً خاطرنشان می‌نمایم که نظر به تصمیم حکومت بحرین دایر به برقراری یک ترتیب منظم پاسپورت، واضح است که ویس قونسول اعلیحضرت پادشاه انگلستان محق نخواهند بود اسنادی را ویزا کند که صحت و اعتبار آنها را تصدیق ننموده باشد.

۷. بالأخره در ضمن جملهٔ ۱۲ جناب اشرف اظهار می‌فرمایند که لازم بود شکایات راجع به سوءرفتار نسبت به بحرینی‌های شیعه در ایران بفوریت به قونسول جنرال اعلیحضرت پادشاه انگلستان مراجعه می‌گردید که به ثبوت برسد.

جناب اشرف بیشتر از یک مورد را به خاطر دارند که این سفارت قضایایی را که کاملاً به ثبوت رسیده و راجع بوده است و تضییقاتی که نسبت به بحرینی‌ها در ایران وارد آمده و به استحضار خاطر شریف رسانیده است. از جمله قضیه راجع به حاجی حمید ابن حاجی عبود بحرینی اهل محمره را ذکر می‌نمایم (رجوع شود به مراسلهٔ سررابرت کلایو مورخهٔ ۲۵ فوریه ۱۹۳۰ به عنوان حضرت اشرف آقای وزیر دربار) که در آن باب با وجود مکاتبات مکرر رسمی و غیررسمی تا به حال توضیحات رضایت‌بخش داده نشده است. قضایای دیگری که از آن جمله قضیهٔ راجع به حبس یک نفر بحرینی تا زمانی که مشارالیه حاضر شده بود پاسپورت ایرانی بگیرد، باشد در ضمن مراسلهٔ دوستدار مورخهٔ ۴نوامبر به استحضار خاطر جناب اشرف رسیده، این وقایع قهراً در بین هموطنان این اشخاص که در بحرین اقامت دارند تولید حس انزجار شدیدی می‌نماید و دوستدار نمی‌توانم در تعجب جناب اشرف شرکت نمایم که وعاظ شیعه می‌بایستی توجه مأمور مقیم سیاسی را به‌این قبیل بی‌عدالتی‌ها معطوف ساخته باشند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نمایم.

سفارت انگلیس طهران

۶ اسفند ۱۳۰۹

نمره

آقای وزیر

مراسله رسمیه جناب اشرف نمره ۲۸۱۱۱/۷۱۰۱۲۱۴
مورخه ۹ بهمن (۲۹ ژانویه) را در باب
ترتیب تذکره حکومت بحرین اطلاع یافتم.

۲ — در حالتیکه مایل نیستم وارد بحث بی حاصل در اصول
بشوم از نقطه نظر روشن ساختن مطلب خود را مجبور
میبینم در وهله اول خاطر نشان نمایم که اختلافات عقیده
که در این مورد پیش آمده تا اندازه کلی در تفسیر
متفاوت تأمیناتیست که راجع بحفظ حال متقابله مبادله شده راجع
بوضعیت کنونی (ستاتو کو) میباشد.
جناب اشرف تفسیر دولت ایران را از این مسئله
در ضمن مراسله خود نمره ۲۱۷۷۲/۷۱۰۱۲۱۴
مورخه اول آذر ۱۳۰۹ (۲۲ نوامبر گذشته) بیان
فرموده‌اند در مراسله مزبور در جواب اعتراضی که راجع
باقدام پلیس خوزستان در مجبور ساختن بحرینی‌ها باخذ
تذکره‌های ایرانی شده مراتب ذیل را اظهار میدارید :-
«..... تصدیق میفرمائید که اگر اقداماتی مخالف

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی وزیر امور خارجه

سالم

British Legation,

Tehran,

February 25th,1931.

No. 81.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to acknowledge the receipt of Your Highness' note No. 28111/7101214 of January 29th concerning the Bahrein Government's passport system.

2. While I am unwilling to enter into an arid discussion of principles, I feel bound for the sake of clearness to point out in the first place that the differences of opinion which have arisen in this connexion are due in large measure to a divergent interpretation of the reciprocal assurances exchanged in regard to the maintenance of the status quo. Your Highness defined the Persian Government's interpretation of this question in the course of your note No. 21772/7101214 of November 22nd last, in which, in reply to a protest regarding the action of the Khuzistan police in forcing Bahreinis to take out Persian passports, you make the following observations :-

"..... you will agree that if acts contrary

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi
Minister for Foreign Affairs.

"contrary to the regulations in force
"or the maintenance of the status quo
"have been committed, they were not
"committed by Persian officials. On
"the contrary, the whole efforts of
"the Persian Government and of their
"officials have been directed towards
"upholding the rights of the Persian
"Government in accordance with the
"laws in force ......" and again :
"Another proof that (Persian) officials
"have not acted in a sense contrary
"to the status quo is that, as the
"Persian Government consider Bahrein
"as Persian territory, Bahreinis are
"naturally reckoned as Persian
"subjects.....". In other words, the
Persian Government appear to interpret
the assurances in question as entit
ling them to ignore completely the
contentions of the other party to the
dispute, and to treat Bahreinis in
every way as Persian subjects.

3. That being so, it follows
logically that the Bahrein Government
on their side are entitled to a
precisely similar interpretation, and
are justified in applying to Bahreinis
whatever measures they may deem
expedient. The Persian Government

have

مقررات حفظ وضع موجود تجاوزاتی شده از طرف مامورین
ایران نبوده بلکه تمام سعی دولت و مامورین ایران
در حفظ حقوق و بر طبق مقررات جاریه بوده است ....)
و نیز مینویسد: (دلیل واضح دیگر بر اینکه مامورین
برخلاف وضع موجود اقداماتی نکرده اند این است
که چون دولت ایران بحرین را جزو خاک ایران میداند
بحرینیها هم طبعاً تبعه ایران شمرده میشوند ......)
بنابراین از قرار معلوم دولت ایران اطمینانات
مزبور را طوری تعبیر مینماید که آنها را حق میدهد
که ادعاهای طرف مقابل در موضوع متنازع فیه را
کاملاً نادیده گرفته و با بحرینیها در هر مورد مانند رعایای
ایران رفتار کنند.

۳ـ وقتی که مطلب از این قرار باشد منطقاً نتیجه این میشود
که حکومت بحرین بسهم خود حق دارند که عین نظیر این تعبیر را
بنمایند و نیز محق اند هرگونه اقداماتی را که مقتضی دانند
نسبت به بحرینیها مجری دارند. علاوه دولت بهیه
بوسیله امتناع خود از شناختن صحت و اعتبار
تصدیق نامه های تابعیت بحرین که موضوع کتبی
جدیدی در ترتیبات خود راجع به تشخیص تبعه ایجاد کرده اند

[illegible]

have moreover introduced an entirely new element into their passport control system by their recent refusal to recognise the validity of British emergency certificates. It was to this innovation, in particular, that I referred in my note No. 3 of January 2nd and in the light of it I must confess myself unable to understand Your Highness' denial that there has been any recent change in the Persian system of passport control. Your Highness will see from the correspondence that in actual fact this innovation has been the source of considerable trouble and hardship to a large number of persons whose interests this Legation is bound to protect. In this connection I would also refer Your Highness to the repeated complaints which this Legation has been forced to make concerning the unwarrantable action of the Persian authorities in the Gulf in compelling the nationals of independent Arab States such as Muscat to take out Persian identity papers on their arrival in Persia.

4. In paragraph 7 of Your Highness' note under reference you express surprise that Bahrein should be referred to as on a par with foreign states such

عبث است زیرا که بعقیده دولت اعلیحضرت پادشاه
انگلستان بحرین یک دولت پادشاهی مستقل میباشد.
۵ - راجع به شکایات جناب اشرف راجع باقدام
کمپانی کشتیرانی هند انگلیس (بریتیش ایندیا استیم
نویگیشن کمپانی) در امتناع از قبول بحرینیهائی که
میخواهند بصره مسافرت نمایند ولی دارای پاسپورت
بحرینی نیستند فقط لازم است توضیح دهم که هیچ دلیلی
شامل نمیشود که انتظار داشته باشند یک موسسه تجارتی
بواسطه قبول مسافرینی که نتوانند در محلی که بلیطهای
ایشان برای آن صادر شده پیاده شوند متحمل ضرر و خسارت
شود. هرگاه موسسه مزبور چنین کاری را بنماید
مجبور خواهد بود یا این اشخاص را مجاناً بنقطه مبدء
حرکت عودت دهد یا اینکه کرایه مراجعت را از آنها دریافت دارد
و نتیجه این میشود که در هر دو صورت بیجهت پول
تلف میگردد.
۶ - در فقره ۱۱ یادداشت جناب اشرف شکایت
نموده‌اید که ویس قونسول اعلیحضرت پادشاه انگلستان در محمره
عادت کرده در اینکه اصرار نماید که بحرینیهائی که اراده
مسافرت بصره دارند باید پاسپورت بحرینی منظم دریافت
دارند. جواباً خاطرنشان میسازم که نظر بتصمیم حکومت بحرین

as 'Iraq. I need hardly explain to Your Highness at this juncture that this is due to the fact that in the view of His Britannic Majesty's Government Bahrein is an independent sovereign State.

5. With regard to Your Highness' complaints regarding the action of the British India Steam Navigation Company in refusing to accept Bahreinis wishing to travel to Basrah but not in possession of Bahreini passports, I need only observe that there can be no justification for demanding that a purely commercial concern should bear the loss entailed by accepting passengers unable to disembark at the place for which their tickets are made out. Were they to do so, they would be obliged either to re-convey such persons free to their point of departure, or recover the return fare from them, wasting money quite uselessly in either case.

6. In paragraph 11 of Your Highness' note you complain that His Britannic Majesty's Vice-Consul at Mohammerah has taken to insisting that Bahreinis desirous of travelling to Basrah should take out regular Bahreini passports. I would point out in reply that in view of the decision of the Bahrein Govern-

ment

ment to introduce a regular passport system, it is evident that His Majesty's Vice Consul would not be justified in visaing documents the validity of which is not recognised by the latter.

7. Finally, in paragraph 12 Your Highness observes that any complaints regarding the ill-treatment of Shia Bahreinis in Persia should have been immediately made to His Britannic Majesty's Consul-General for the purposes of substantiation. Your Highness will recall more than one instance in which this Legation has brought to your notice fully substantiated cases of hardships suffered by Bahreinis in Persia. I would cite for example the case of Haji Hamid ibn Haji Abood Bahreini of Mohammerah, - (see Sir Robert Clive's letter of February 25th 1930 to His Highness the Minister of Court) - concerning which, in spite of many official and unofficial representations, no satisfactory explanation has ever been forthcoming. Other cases, including the imprisonment of a Bahreini until he consented to take out a Persian passport, were brought to Your Highness' notice in my letter of November 4th. These incidents inevitably

ably

درباره برقراری یک ترتیب منظم پاسپورت را بنماید
که ویس قونسول اعلیحضرت پادشاه انگلستان حق نخواهد بود
بپاسپورتهائی ویزا بکنند که صحت و اعتبار آنها را تصدیق
نشود.
۷ - بالاخره در فقره ۱۲ جناب اشرف اظهار میفرمایند
که هر نوع شکایات راجع سوء رفتار نسبت به
بحرینیهای شیعه در ایران فوراً بایستی بتوسط جنرال قونسول
پادشاه انگلستان مراجعه گردد که به ثبوت برسد.
جناب اشرف البته از یک مورد در خاطر دارند که این سفارت
قضایائی را که کاملاً به ثبوت رسیده راجع به صدمات
و مشقاتی که نسبت به بحرینیها در ایران وارد آمده
باطلاع ذات اشرف رسانیده است. از جمله قضیه
راجع حاجی حمید ابن حاجی عبود بحرینی اهل محمره را ذکر
مینمایم (رجوع شود بمراسله سر رابرت کلایو مورخه
۲۵ فوریه ۱۹۳۰ بعنوان حضرت اشرف آقای وزیر دربار)
که در آن باب با وجود مکاتبات مکرر رسمی و غیر رسمی
تا بحال توضیحات رضایت بخشی داده نشده است. قضایای دیگر
که از آنجمله قضیه راجع حبس کردن بحرینی تا زمانیکه
حاضر شده بود پاسپورت ایرانی بگیرد در ضمن مراسله مورخه
۴ نوامبر باستحضار عالی جناب اشرف رسیده

-6-

ably cause much resentment among the compatriots of the victims in Buhrein, and I cannot share Your Highness' surprise that Shià priests should have called the attention of the Political Resident to such injustices.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

R. Clive

این وقایع طبعاً در بین هموطنان اشخاصی که در بحرین قربانی شده‌اند تولید حس انزجار شدیدی خواهد نمود و دوستدار نمی‌توانم در تعجب جناب اشرف شرکت نمایم که روحانیون شیعه بایستی توجه نماینده سیاسی را به چنین بی‌عدالتیها معطوف ساخته باشند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم

[illegible]
۹/۱۲/۱۰

وارده دفتر کابینه وزارت امور خارجه
نمره ۳۴۴۵۴
مورخه ۹/۱۲/۱۰

شماره: ۶۱
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در حجاز و نجد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ فروردین ۱۳۱۰
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً به عرض می‌رساند، دیروز شیخ یوسف یاسین مستشار اعلیحضرت ابن سعود برای دیدن و ملاقات به سفارت شاهنشاهی آمد؛ در اثنای مصاحبه ذکر جزیرهٔ بحرین به میان آمد. زیرا در روزنامهٔ الاحرار منطبعهٔ بیروت که علی‌حده تقدیم می‌نمایم، تلگرافی را از طهران نشر داده که دولت علیهٔ ایران پیشنهاد دولت انگلیس را در باب اشتراک در اداره کردن حکومت بحرین و شرکت در انتخابات بلدیه و فرستادن یک نفر کمیسر عالی از طرف دولت علیه ایران در بحرین رد کرده است و سؤال نمود که آیا این خبر صحت دارد یا نه، گفتم: خبر رسمی در این خصوص ندارم ولی من هم این روزنامه را مطالعه کرده‌ام و بدیهی است اگر چنین پیشنهادی شده باشد، دولت علیه ایران که خود را مالک مطلق جزیرهٔ مذکوره می‌داند و عملاً و تاریخاً حق ایران ثابت و تردیدپذیر نیست، جز تصرف مطلق جزیره هرگونه پیشنهادی را رد خواهد کرد. سپس گفت در صورتی که دو ثلث سکان جزیره بحرین از رعایای ابن السعود هستند و تجارت وسیعی در آنجا داشته و داریم دولت انگلیس مانع از این شده است که ما به آنجا نماینده و یا قنسل (قونسول) بفرستیم و هرچه مذاکره می‌نماییم حاضر به قبول نمی‌شود و می‌گوید اگر از طرف شما قنسلی را قبول نماییم سایر دول نیز همین تقاضا را خواهند نمود و ما مایل نیستیم که دول در آنجا نماینده داشته باشند. ولی اگر شما بخواهید قنسل به بحرین بفرستید ما نیز باید نماینده‌هایی به نجد بفرستیم و در قطیف و ریاض و احساء قنسل داشته‌باشیم. لهذا ما از قبول این پیشنهاد انگلیسها چون امتناع ورزیده‌ایم، آنها نیز در امتناع خود اصرار دارند و همین مطلب لاینحل مانده است. سپس گفت: ما خیلی آرزو داریم و مایل هستیم که دولت علیه ایران جزیره را تصرف کند زیرا با دولت ا یران بهتر و سهلتر می‌توانیم کنار بیاییم. گفتم شکی ندارم که بالأخره دولت ایران جزیره را متصرف می‌شود زیرا بحرین از املاک غیرقابل‌التجزیه ایرانی است و چون دولت متبوعهٔ من نسبت به دولت متبوعهٔ شما کمال دوستی و وداد را دارد، البته در مساعدت و همراهی با

اعلیحضرت ابن السعود کوتاهی نخواهد نمود. از طرز بیانات شیخ یوسف یاسین چنین استنباط می‌شود که از دولت انگلیس دل‌پری دارند. محض اطلاع به عرض رسانید.

حبیب‌الله هویدا

۲۸

سفارت شاهنشاهی ایران
در حجاز و نجد

۲۶ فروردین ۱۳۱۰

ضمیمه روزنامه الاحرار راجع به بحرین

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

راپرتا بعرض مبارک میرساند دیروز شیخ یوسف یاسین منشی اعلیحضرت ابن السعود برای دیدن و ملاقات بسفارت شاهنشاهی آمد در اثنای مصاحبه ذکر جزیره بحرین بمیان آمد زیرا در روزنامه الاحرار منطبعه بیروت که عقیده تقدیم مینمایم تلگرافی را از طهران نشر داده که دولت علیه ایران پیشنهاد دولت انگلیس را در باب اشتراک در اداره کردن حکومت بحرین و شرکت در انتخابات بلدیه و فرستادن یک نفر کمیسر عالی از طرف دولت علیه ایران در بحرین رد کرده است. پرسش نمود که آیا این خبر صحت دارد یا نه گفتم خبر رسمی در این خصوص ندارم ولی من هم این روزنامه را مطالعه کرده ام و بدیهی است اگر چنین پیشنهادی شده باشد دولت علیه ایران که خود را مالک مطلق جزیره مذکوره میداند و عقود و تاریخ حق ایران ثابت و تردید پذیر نیست جز تصرف مطلق جزیره هرگونه پیشنهادی را رد خواهد کرد. سپس گفت در صورتیکه دو ثلث سکان جزیره بحرین از رعایای ابن السعود هستند و تجارت بسیار در آنجا داشته و داریم دولت انگلیس مانع از این شده است که ما در آنجا نماینده و یا قنسول بفرستیم و هرچه مذاکره مینمائیم جواب قطعی نمیشود و میگویند اگر از طرف شما قنسولی تعیین نمائید سایر دول نیز همین تقاضا را خواهند نمود و ما هم نمیتوانیم هر دول در آنجا نماینده داشته باشند ولی اگر شما کمک نمائید قنسول به بحرین بفرستید ما نیز باید نماینده خود به بحرین بفرستیم و در قطیف و ریاض و احسا قنسول داشته باشیم لهذا ما از قبول این پیشنهاد انگلیسها چنین امتناع ورزیده ایم آنها نیز در امتناع خود اصرار دارند و همین مطلب لاینحل مانده است سپس گفت ما خیلی آرزو داریم و مایل هستیم هر دولت علیه ایران جزیره را تصرف کند زیرا با دولت ایران بهتر و سهل تر میتوانیم کنار بیائیم

گفتم شک ندارم که بالاخره دولت ایران جزیره را متصرف میشود زیرا بحرین از املاک غیر قابل التجزیه ایران است و چنین دولت متبوع من نسبت بدولت متبوعه شما کمال دوستی و وداد را دارد البته در سر عهدت و همراهی با اعلیحضرت ابن السعود کوتاهی نخواهد نمود

از طرز بیانات شیخ یوسف یاسین چنین استنباط میشود که از دولت انگلیس دل پری دارند [illegible] بعرض رسانید

حبیب‌الله هویدا

[illegible] ۱۰/۲/۱۵

۴۲۸
۱۹ ۲ ۱۰

شماره: ۶۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ آذر ۱۳۱۰
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

ادارهٔ تذکره و تابعیت با اشعار وصول مرقومهٔ ۲۴ آبانماه گذشته نمرهٔ ۲۴۶۰۳/۱۰۱۲۵۴ زحمت‌افزا می‌شود، نظمیه بوشهر و بندرعباس در نتیجهٔ سوء تفسیر تعلیمات آن وزارت جلیله، تقاضا نموده است دوایر گمرک محل جواز مسافرت معروف به علم و خبر به مسافرین تبعهٔ ایران که به عمان مسقط و کویت می‌روند، بدهند. و حال آنکه مسافرین مزبور باید برای رفتن به نقاط مزبور دارای تذکرهٔ معمولی باشند و ورقهٔ علم خبر مخصوص مسافرت به جزایر بحرین است که به منزلهٔ خاک ایران تلقی می‌شود برای رفع سوء تفاهماتی که در این خصوص بین گمرک و نظمیهٔ محل روی داده. متمنی است، دستور صریح به ادارهٔ تشکیلات نظمیه صادر فرمایند تا تکلیف مأمورین آن اداره در موضوع ترتیباتی که مسافرین فوق برای رفتن به بنادر خلیج (ساحل عربستان) باید اجرا نماید، مشخص گردد.

اما ملاحان و ناخداهای جهازات بادی ایران که بین بنادر عربستان و ایران ایاب و ذهاب می‌نمایند، مسلماً باید به این طبقهٔ مسافرین کماکان از طرف گمرک تذاکر نقاط مجاور داده شود و در این باب اختلاف نظری بین گمرک و نظمیه موجود نیست.

مهر وزارت مالیه

[پی نوشت:]

دستور لازم در تاریخ ۱۰/۴/۱۲ تحت نمره ۱۲۲۴۹ برای تشکیلات نظمیه داده شده است.

بتاریخ ۱۴ برج ۹ ماه ۱۳۱۰
نمره ۵۷۰۵ ضمیمه ........

وزارت مالیه
اداره گمرکات
دایره ........

۱۰/۹/۱۵

وزارت جلیله امور خارجه - اداره تذکره و تابعیت

با اشعار وصول مرقومه مورخه ۲۶ ماه گذشته نمره ۱۰۱۲۴/۳۰۶۰۶ زحمت افزا میشود نظمیه بوشهر و بنادر جاسک در خصوص تفتیش تذکرات از وزارت جلیله [illegible] و اداره گمرک [illegible] جواز مسافرت معروف حمل خروجی مسافرین تبعه ایران که به [illegible] مسقط و کویت میروند [illegible]. و حال آنکه مسافرین مزبور باید برای رفتن به نقاط مزبوره دارای تذکره مسافرت باشند و ورقه حمل خروجی مخصوص مسافرت [illegible] که [illegible] در خاک ایران تلقی میشود. برای رفع [illegible] که [illegible] مخصوص بین گمرک و نظمیه محلی روی داده ممکن است دستور صادر [illegible] نظمیه جات [illegible] تکلیف [illegible] آن اداره در موضوع [illegible] تا آنکه مسافرین فوق برای رفتن به بنادر خلیج و سواحل عربستان) باید اجرا [illegible] گردد.

[illegible]

[illegible] گمرک [illegible] داده بود [illegible] و نظمیه مرجوع [illegible]

ل - ۵۵۰

شماره: ۶۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

جناب آقای هر، وزیرمختار دولت پادشاهی انگلیس
آقای وزیرمختار

محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند که مطابق متحد المآل دفتر پستی بین‌المللی اتحاد عمومی پست برن مورخهٔ ۲۴ اوت ۱۹۳۲ نمره ۲۳۹/۵۷۸۷، ادارهٔ پست هندوستان اطلاع داده است که قریباً مقداری تمبر پست هند و انگلیس که روی آنها سورشارژ (بحرین) خورده است، صادر و به جریان انداخته خواهد شد. ضمناً حسب المعمول نمونه از این تمبرها توسط دفتر بین‌المللی برن برای ادارات پست ممالک عضو اتحاد ارسال خواهند داشت. دوستدار با ذکر مراتب فوق نسبت به این رفتار ادارهٔ پست هند و انگلیس که به حقوق ثابتهٔ مالکیت ایران دربحرین لطمه وارد آورده، قویاً اعتراض کرده و در تعقیب مراسلاتی که راجع به اثبات حقوق حقهٔ ایران در آن جزایر سابقاً به اسلاف آن جناب نوشته شده و دلایلی که در این خصوص اقامه گردیده؛ بار دیگر متذکر می‌شود که مبادرت به این قبیل اقدامات متصرفانه هر قدر متمادی و مکرر باشد، خدشه به مالکیت مسلمهٔ دولت شاهنشاهی وارد نیاورده و دولت متبوع دوستدار در نظریات خود نسبت به این موضوع پایدار است. در خاتمه امیدوار است که اقدامات لازمه از طرف آن جناب در جلوگیری از انتشار تمبرهای فوق به عمل آید و در هرحال از طرف دولت شاهنشاهی ایران به کلیهٔ دوایر پستی دستور داده شده است که از حمل پاکتهایی که در روی آنها تمبر سورشارژ بحرین الصاق شده باشد، امتناع ورزند. احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

وزارت امور خارجه

اداره: انگلیس
نمره: ۳۲۳۴۳
تاریخ: ۱۰۱۲۵۶ / ۱۳۱۱
ضمیمه: —

۱۰۱۲۵۴

۹۸۴

آقای وزیر مختار

۵۷۸۷ / ۲۳۹

محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند که مطابق [illegible] اخبار عمومی [illegible] مورخه ۲۴ اوت ۱۹۳۲

[illegible] هندوستان اطلاع داده است که قوای [illegible] هند و انگلیس [illegible] در بحرین [illegible]

در بحرین [illegible] خواهند [illegible]

خواهند داشت. مستدعی است [illegible] نسبت به رفتار [illegible] هند و انگلیس که تجاوز به حقوق ثابته مالکیت ایران

در بحرین [illegible] حقوق حقه ایران در آن جزایر [illegible]

آن جناب [illegible] شده [illegible] اقدامات [illegible]

تمامی [illegible] مالکیت مسلمه دولت شاهنشاهی [illegible] دولت متبوع مستدعی [illegible]

[illegible] است. در خاتمه امیدوار است که اقدامات [illegible] از طرف آن جناب [illegible]

[illegible] از طرف دولت شاهنشاهی [illegible]

[illegible] احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

جناب آقای [illegible] وزیر مختار دولت پادشاهی انگلیس

شماره: ۶۴
فرستنده: سفارت انگلیس ــ تهران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲ مهر ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسن علی‌خان غفاری کفیل وزارت خارجه
کفیل عزیزم

مراسلهٔ جناب اشرف نمرهٔ ۱۰۱۲۵۴ص/۱۴۵۱۱ مورخه ۲۶تیر گذشته (۱۷ ژویه) در باب مراسمی که رعایای ایرانی که مایلند به بحرین مسافرت نمایند باید اجرا کنند، واصل گردید.

۲. ملاحظهٔ آرشیوهای سنوات اخیره به شکل وضوح حاکی از این است که این مسئله موضوع مباحثهٔ بلاثمر و مفصل بوده است.

۳. به قراری که ملاحظه می‌کنم، تا آخر سال ۱۹۲۸، رعایای ایران مجاز بوده‌اند به اعتبار ورقهٔ (علم‌وخبر) به بحرین مسافرت نمایند.

۴. به همین نحو تا سنهٔ ۱۹۲۶ اهالی بحرین با اسناد مسافرتی صادره توسط مأمورین انگلیسی یا بحرینی مسافرت می‌نمودند.

۵. در سنهٔ ۱۹۲۶ مأمورین ایرانی شروع نمودند اوراق مزبور را توقیف نموده‌و اوراق ایرانی در عوض تحمیل نمایند.

۶. در سنهٔ ۱۹۲۸ شیخ بحرین تصمیم اتخاذ نمود دایر به اینکه به ایرانیان اجازه داده نشود به بحرین پیاده شوند مگر اینکه دارای یک پاسپورت مرتبی باشند که به ویزای یک نفر مأمور قونسولگری انگلیس رسیده باشد.

۷. تصمیم مزبور از اول ژانویه ۱۹۲۹ به موقع اجرا گذارده شده لکن در باب این ترتیب بعضی مستثنیاتی قائل شدند یکی از این مستثنیات راجع می‌شود به اعضای جهازات که در آن باب توضیحات دیگری لازم نیست.

یکی دیگر راجع می‌گردد به غواصان از هر ملیت که ممکن است به اعتبار یادداشتی که در (دفاتر غواصی) آنها قید می‌گردد، وارد بحرین شوند. استثنای سومی که مهمتر از همه است راجع می‌شود به تجار ایرانی که معمولاً در بحرین اقامت دارند (ودر بعضی موارد نیز راجع می‌شود به سایر تجار ایرانی) که مجازند به اعتبار جوازهای

(Noobjection) صادره از طرف حکومت بحرین حتی در صورتی هم که پاسپورت یا ویزاهایی نداشته باشند، به بحرین پیاده می‌شوند. دوستدار تصور می‌نمایم مراسلهٔ جناب اشرف اشاره می‌نماید به این جوازها که صدور آنها بلاشک مشروط است به اینکه یک نفر شخص معتبری در بحرین ضمانت تاجر مربوط را بنماید این شرط فقط به منفعت تجار ایرانی مزبور است. زیرا در غیر این صورت به ملاحظهٔ امتناع دولت ایران از صدور پاسپورت جهت بحرین یا شناختن ویزا جهت بحرین به کلی از مسافرت به بحرین ممنوع می‌گردند. وضعیت تجار ایرانی در حقیقت از همین حیث نسبت به سایر خارجه‌ها معتبر و مناسبتر می‌باشد زیرا کلیهٔ رعایای خارجه به انضمام اتباع انگلیس بایستی قبل از اینکه بتوانند به بحرین پیاده شوند تحصیل ویزا نمایند.

۸. جناب اشرف اشاره می‌فرمایند به قرار راجع به **Status quo** مورخهٔ سپتامبر ۱۹۲۹. وضوحاً قرار مزبور در اینجا مورد ندارد زیرا تصمیم راجع به پاسپورتها مذکوره در دو جملهٔ قبلی ۹ماه زودتر به موقع اجرا گذارده شده.

۹. در این صورت بحث قرار مزبور در اینجا چندان مورد ندارد لکن دوستدار خود را محق می‌دانم خاطرنشان نمایم که در وقتی که قانون نظام‌وظیفه وضع شد، دولت ایران این طور اظهار داشتند که اجرای قانون مزبور نسبت به بحرینی‌ها متضمن نقض‌قرار (**Status quo**) نمی‌باشد زیرا بحرینی‌ها اتباع ایران محسوب می‌گردیدند به نظر دوستدار مسلماً نمی‌توان حکومت بحرین را متهم به نقض قرار **Status quo** دانست در صورتی که نظامات راجع به پاسپورت یا تغییر نظامات فعلی را که معمولاً نسبت به خارجه‌ها اجرا می‌شود، در مورد ایرانیان نیز مجری دارند.

دوست صمیمی

۱۶۸

British Legation,

Gulhek,

September 24th, 1932.

My dear Excellency,

I duly received His Highness' letter No. 14511/S.101254 of July 17th on the subject of the formalities to be fulfilled by Persian subjects wishing to visit Bahrein.

2. An examination of the archives of recent years reveals very clearly that it is a subject fruitful of most sterile controversy.

3. I find that up to the end of 1928 Persian subjects were allowed to travel to Bahrein on the strength of an Elm-o-Khabar.

4. Similarly up to 1926 Bahreinis travelled to Persia on travel documents issued by British or Bahreini officials.

5. In 1926 the Persian authorities began to confiscate these papers and impose Persian papers.

6. In 1928 the Sheikh of Bahrein decided that Persians should not be allowed to land at Bahrein unless provided with a regular passport duly visaed by a British Consular Officer.

7...

His Excellency
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari
Gérant du Ministère des Affaires Etrangères.

[illegible handwritten Persian]

۷ - تصمیم فوق از اول ژانویه ۱۹۲۹ موقع اجرا [illegible]

[illegible handwritten Persian]

7. This decision was enforced as from January 1st, 1929, but certain exceptions are made to the rule. One of these applies to ships' crews and calls for no comment; another applies to divers, who may enter Bahrein, whatever their nationality, on the strength of an entry made in their "Diver's books": the third and most important applies to Persian merchants ordinarily resident in Bahrein (and in some cases to other Persian merchants) who are allowed to land on the strength of "No objection" passes issued by the Bahrein Government, even though not provided with passports or visas. It is these passes, the issue of which is doubtless conditional upon some person of standing in Bahrein vouching for the merchant concerned, to which I fancy His Highness' letter refers. This provision is made solely in the interests of these Persian merchants, who would otherwise be prevented by the refusal of the Persian Government to issue passports for Bahrein, or to recognise visas for Bahrein, from visiting the island at all. Persian merchants are in fact in a more favourable position that any other foreigners, all of whom, including British subjects, must secure visas before they

before they can land in Bahrein.

8. His Highness refers to the "Status quo" agreement of September 1929. It is clearly not involved, as the decision regarding passports mentioned in the two preceding paragraphs was put into force nine months earlier.

9. In the circumstances it is hardly relevant to discuss that agreement, but I feel justified in pointing out that when the conscription law was introduced the Persian Government maintained that it was no breach of the status quo to apply it to Bahreinis because they were regarded as Persian subjects. To my mind the Bahrein Government can certainly not be accused, of a breach of the status quo if they apply to Persians any passport regulations or modification of existing regulations which are generally applicable to foreigners.

Yours sincerely

R. H. Hoare

[illegible] ... به بحرین پیاده شوند [illegible]
[illegible] ویزا نمایند.

۸ — [illegible] ۱۹۲۹ [illegible]

۹ — [illegible]

[illegible]

دوست صمیمی

شماره: ۶۵
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران ــ بغداد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۱۱ ش
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به قراری که جراید بغداد می‌نویسند اخیراً شیخ عیسی آل خلیفه شیخ بحرین، وفات نموده و بدین مناسبت از طرف اعلیحضرت ملک فیصل تلگراف تعزیتی به عنوان پسرش شیخ حمد خلیفه مخابره شده است که اینک سواد ترجمهٔ شرح مندرجه در روزنامهٔ صوت العراق با ترجمهٔ تلگراف اعلیحضرت ملک فیصل و جواب شیخ حمد خلیفه تلواً تقدیم می‌شود.

سواد به دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی تقدیم شده است. وزیرمختار دولت شاهنشاهی

سواد شرح مندرجه در روزنامه صوت‌العراق مورخهٔ ۳۰دسامبر ۱۹۳۲

وفات امیر بحرین

به قراری که اطلاع رسیده، شیخ عیسی‌آل خلیفه امیر کنونی بحرین دارفانی را وداع و به رحمت ایزدی پیوسته است. این خبر تمام دوستان مرحوم مغفور را که دارای صفات حمیده و اخلاق پسندیده بود متأثر نمود.

امیر معظم‌له در شعبان ۱۲۶۵ هجری متولد و در اواخر سال ۱۲۸۶ در موقعی که ۲۱ساله بود به امارت نایل گردید. و اختلافات سیاسی را که بین پدر و عموی مرحومش ایجاد شده بود، مشاهده نموده و همچنین در محاربه‌ای که بین پدرش و دشمنان او تولید و منجر به شهادت پدرش گردید، حضور داشته و زخمهای زیادی بر بدنش وارد شده که تا دم مرگ اثر آن باقی بود. فقید مشارالیه به حسن معامله و اخلاق حسنه با رعایا و افراد فامیل خود معروف و مشهور بود. و پس از آنی که به سن پیری رسید، ولیعهد خود شیخ احمد پسر عیسی را از طرف خود نایب مناب نمود. ومشارالیه هم زمام امور را تا موقع مرگ پدرش که روز جمعهٔ ۸شعبان بود به دست گرفت.

اینک ما هم مراتب تعزیت خویش را به حاکم بحرین و جمیع افراد فامیل ایشان تقدیم و برای فقید مزبور طلب رحمت می‌نماییم.

از طرف اعلیحضرت ملک هم تلگراف ذیل به پسرش مخابره گردیده است:

والاحضرت شیخ حمد خلیفهٔ بحرین

در این مصیبت عظمی با شما شرکت جسته و خود را به وفات مرحوم والد شما رحمة‌الله‌علیه تعزیت می‌گوییم. و جواب ذیل هم از طرف شیخ حمدالخلیفه مخابره گردیده است:

(فیصل)

اعلیحضرت ملک فیصل بغداد:

تلگراف تعزیت آمیز شما در وفات والد واصل از احساسات شما ممنون و برای آن مرحوم طلب رحمت می‌نماییم.

(حمدالخلیفه)

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

نمره ۴۶۴۱۶

مورخه ۱۳۱۱/۱۰/۱۴

ضمیمه ۲

وزارت جلیله امور خارجه

بقرار یکه جراید بغداد منتشر ساختند اخیرا شیخ عیسی آل خلیفه شیخ بحرین وفات نموده و بدین مناسبت از طرف اعلیحضرت ملک فیصل تلگراف تعزیتی بعنوان پسرش شیخ حمد خلیفه مخابره شده است که اینک سواد ترجمه شرح مندرجه در روزنامه صوت العراق با ترجمه تلگراف اعلیحضرت ملک فیصل و جواب شیخ حمد خلیفه تلوا تقدیم میشود .

سواد بدفتر محترم مخصوص شاهنشاهی تقدیم شده است . وزیر مختار دولت شاهنشاهی

اداره دفتر
سواد ترجمه شرح مندرجه در روزنامه صوت العراق
نمره ۱۳
تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۲

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

---

## وفات امیر بحرین

بقراریکه اطلاع رسیده شیخ عیسی آل خلیفه امیر کنونی بحرین دار فانی را وداع و برحمت ایزدی پیوسته است. این خبر تمام دوستان مرحوم مغفور را که دارای صفات حمیده و اخلاق پسندیده بود متأثر نموده.

امیر معظم له در شعبان ۱۲۶۵ هجری متولد و در اواخر سال ۱۲۸۶ در موقعیکه ۲۱ ساله بود بامارت نائل گردید. و اختلافات سیاسی را که بین بحرین و عموی مرحومش ایجاد شده بود مشاهده نموده و همچنین در محاربه که بین پدرش و دشمنان او تولید و منجر بشهادت پدرش گردید حضور داشته و زخمهای زیادی ببدنش وارد شده که تا دم مرگ اثر آن باقی بود. فقید مشارالیه بحسن معامله و اخلاق حسنه با رعایا و افراد فامیل خود معروف و مشهور بود. و پس از آنکه بسن پیری رسید ولیعهد خود شیخ حمد پسر عیسی را از طرف خود نایب مناب نمود. و مشارالیه هم زمام امور را تا موقع مرگ پدرش که روز جمعه ۸ شعبان بود بدست گرفت.

اینک ما هم مراتب تعزیت خویش را بحاکم بحرین و جمیع افراد فامیل ایشان تقدیم و برای فقید مزبور طلب رحمت مینمائیم.

از طرف اعلیحضرت ملک هم تلگراف ذیل به پسرش مخابره گردیده است :-

والاحضرت شیخ حمد خلیفه بحرین

در این مصیبت عظمی با شما شرکت جسته و خود را بوفات مرحوم والد شما رحمة الله علیه تعزیت میگوئیم.

( فیصل )

و جواب ذیل هم از طرف شیخ حمد الخلیفه مخابره گردیده است :-

اعلیحضرت ملک فیصل بغداد.

تلگراف تعزیت آمیز شما در وفات والد واصل از احساسات شما ممنون و برای آن مرحوم طلب رحمت مینمائیم.

( حمد الخلیفه )

---

سواد تطبیق با ترجمه گردید

شماره: ۶۶
فرستنده: وزارت پست، تلگراف و تلفن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ دی ۱۳۱۱ش
متن سند:

محرمانه
متحد المال

ادارهٔ پست و تلگراف

به موجب اطلاع واصله از دفتر بین‌المللی برن، ادارهٔ پست هندوستان مبادرت به تهیهٔ و انتشار یک سری تمبر پستی هند و انگلیس که روی آنها سورشارژ «بحرین» **Bahrain** زده شده نمود که روی مراسلات صادره از بحرین به کار خواهند رفت. چون بحرین متعلق به ایران است و ادارهٔ دیگری حق انتشار تمبر مخصوص بحرین ندارد، برحسب تصمیم هیئت معظم دولت اگر پاکتهایی با تمبر مزبور از بحرین برسد، مانند مراسلات بی‌تمبر ملاحظه کرده و با دریافت دو مقابل نرخ متعلقهٔ داخله به گیرندگان تسلیم نمایید و اگر از تأدیه مبلغ مذکور امتناع نمودند، عیناً با ذکر علت به مبدأ مرجوع دارید.

وزیر پست و تلگراف و تلفن

نمونه ۱۹۴

بتاریخ ۱۷ / ۱۰ / ماه سنه ۱۳۱[illegible]

نمره ۱۵۸۷ ضمیمه

وزارت پست و تلگراف و تلفن

اداره: [illegible]

دایره: [illegible]

[illegible]

ادارهٔ پست [illegible]

موجب اطلاع واصله از [illegible] ادارهٔ پست [illegible]

و نشان یک سری تمبر پستی [illegible] روی آنها [illegible] Sultanabad

زده شده [illegible] به فروش رفته .

چون [illegible] متعلق به [illegible] و اداره دیگری حق [illegible] تمبر [illegible]

تقسیم [illegible] منظم [illegible] اگر [illegible] تمبر [illegible]

[illegible] کرده و با دریافت [illegible] نرخ متعلقه وجه [illegible] تسلیم نشده و اگر از

تاریخ مذکور [illegible] اطلاع نموده [illegible] با ذکر علت [illegible] به مرجع [illegible] دارید .

وزارت پست و تلگراف و تلفن

[illegible]

شماره: ۶۷
فرستنده: تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

محرمانه مستقیم

مقام وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مطابق راپورت نظمیهٔ بوشهر چند روز قبل قونسول انگلیس مقیم بحرین، مشهدی حسین پسر علی کاظم بوشهری و مشهدی عباس کازرونی و برادران که از تجار طبقهٔ دوم و مقیم بحرین هستند جلب و آنها را ملتزم و تهدید نمود که مجاز نیستند شبها دور هم جمع شوید و بعلاوه رفتار قونسول و جلالخان مستشار با اتباع دولت شاهنشاهی نسبت به سابق خشنتر شده است. مراتب را برای اطلاع به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی ـ سرتیپ آیرم

وزارت داخله

تشکیلات کل نظامیه مملکتی

اداره [illegible]
دایره [illegible]
شعبه

بتاریخ ۲۲ ... ۱۳۱۱
نمره ۱۰۹۶۹

محرمانه مستقیم ۷۹۴۴

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

[illegible]



۲۰۴

شماره: ۶۸
فرستنده: وزارت داخله ــ تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

محرمانه است

مقام وزارت جلیله امور خارجه

عطف به مرقومهٔ محترمه محرمانهٔ نمرهٔ ۱۳۵۴ ۱۰ ص/۲۶۹۳۳ــ۱۱/۸/۱۴ راجع به شهادت نامه هایی که اهالی عمانات برای ورود به خاک ایران در دست دارند، سواد راپرت محرمانهٔ نمرهٔ ۶۴۷ نظمیهٔ بوشهر متضمن سواد راپرت شعبهٔ تذکرهٔ نظمیهٔ مزبور تلواً برای استحضار آن وزارت جلیله ایفاد می گردد. متمنی است امر و مقرر فرمایند چنانچه در این خصوص نظر مخصوصی داشته باشند، مرقوم دارند که برای اجرای آن دستور لازم صادر گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی ــ سرتیپ آیرم

راپرت نظمیهٔ بوشهر مورخهٔ ۲۹ بهمن ۱۳۱۱ نمره ۶۴۷

محرمانه

مقام منیع ریاست جلیلهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی دامت عظیمه

محترماً سواد راپورت شعبهٔ تذکره را برای استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم و به اداره گمرکات نیز نوشته شده است که چنانچه ویزایی به عنوان بحرین دیده شود، فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. رئیس نظمیه بوشهر و بنادر.

سواد راپرت شعبه تذکره مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۱۱ نمره ۴۳۹
محرمانه

بعدالعنوان

طبق اطلاع حاصله در چند یوم قبل که یکی از مسافرین جهت ویزا نمودن تذکره که عازم بمبئی بود و قونسولخانهٔ انگلیس جهت ویزا نمودن تذکره خود رفته و تقاضا نموده که اجازه به مشارالیه داده شود که به بحرین پیاده شود، ویس قونسول انگلیس به مشارالیه اظهار می‌دارد که اگر مایل به پیاده شدن در بحرین هستند ممکن است که در تذکرهٔ شماویزای بحرین نیز داده شود نظر به اینکه جزء لاینفک خاک دولت شاهنشاهی است و برای اینکه خارجی‌ها نتوانند مدرکی تهیه نمایند، مستدعی است در صورتی که مقتضی دانند شرح لازم به ادارهٔ گمرکات نوشته شود که اگر ویزایی به اسم بحرین دیده شود فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. رئیس تذکره.

وزارت داخله
تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره کل ...
دایره ...
شعبه ...

بتاریخ ۱۴ ماه ۱۰ - ۱۳۱۱
نمره ۱۹۹۴۰ ضمیمه ...
۲۸۵

عکس تذکره

کرنه ۲

مقام وزارت جلیله امور خارجه

عطف بمرقومه محترمه نمره ۲۶۹۳۳/۱۰۱۳۵۴ ـ ۱۴/۸/۱۱ راجع به شهادت‌نامه‌ئی که لازمست برای ورود بخاک ایران در دست داشته ... نمره ۴۴۷ نظمیه و متحدالمآل صادره راپرت شده اگر نظمیه مراد از اوراق سجل احوال از وزارت جلیله تهیه گردد متمنی است [امر بتعیین فرم] چنانچه در این خصوص نظر مخصوصی داشته باشند مرقوم دارند که برای اجرای آن دستور لازم صادر گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرتیپ ... کریم



۲۲۲

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی

سواد راپورت نظمیه بوشهر مورخه ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۱۱ نمره ۶۴۷

محرمانه

مقام منیع ریاست جلیله کل تشکیلات نظمیه مملکتی دامت عظمته

محترماً سواد راپورت شعبه تذکره را برای استحضار خاطر مبارک طیاً تقدیم و باداره کارگزاری نیز نوشته شده است که چنانچه دبزانی به عنوان بحرین دیده شد فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. — رئیس نظمیه بوشهر [illegible]

سواد مطابق اصل است

افشار [illegible]

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی

سواد راپورت شعبهٔ تذکره مورخه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۱ نمره ۴۳۹۶

محرمانه

بعدالعنوان

طبق اطلاع حاصله چند یوم قبل یکی از مسافرین حبشه و برای ویزا نمودن تذکره عازم
بمبئی شده و به قونسولخانه انگلیس حبشه و برای ویزا نمودن تذکره خود رفته و تقاضا نموده اجازه
عبور را به او داده شده به جیبوتی پیاده شده ولی قونسول انگلیس عبور را به او اظهار میدارد
اگر مایلید پیاده شدن در جیبوتی هستید ممکن است در تذکره شما ویزای جیبوتی
نیز داده شود لطفاً بلکه جزء لاینفک خاک دولت شاهنشاهی است و ویزای اتباع
خارجی را نخواهند بدهد که تهیه نماید متذکر است در صورتیکه مقتضی دانند شرح
لازم به اداره گمرکات نوشته شود و اگر ویزای جیبوتی دیده شود فوراً
تذکره را به نظمیه اعاده دهند رئیس تذکره    سواد مطابق اصل است

سواد مطابق با اصل است    مهدی پور

شماره: ۶۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

با عطف مراسلهٔ نمرهٔ ۱۰۹۴۰ــ۱۱/۱۲/۱۶ حاوی راپورت نظمیهٔ بوشهر راجع به اظهار قونسول انگلیس در لزوم ویزا برای بحرین زحمت می‌دهد که دستوری که نظمیهٔ بوشهر به ادارهٔ گمرک داده‌اند، صحیح است و نباید ادارهٔ گمرکات ویزای قونسول انگلیس را برای اشخاصی که به بحرین می‌روند قبول نماید.

نمونه ۳ (محرمانه)

نمره ضبط

نمره ۲۲۶۶۸

دوسیه

# وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

موضوع مسوده

ضمیمه

مسئول پاکنویس [illegible]

تاریخ تحریر ۲۲ اسفند تاریخ پاکنویس ۲۲/ ۱۲ تاریخ ثبت و خروج [redacted] ۱۳/

عنوان مسوده [illegible]

اداره [illegible]

[illegible] ۱۰۹۳۰ ۱۶/۱۱/۱۰ [illegible]

[illegible] [redacted] [illegible]

[illegible]

۱۳۱۱ / ۱۲ / ۲۵

امضا : محمد علی فروغی

شماره: ۷۰
فرستنده: وزارت مالیه ـ ادارهٔ گمرکات
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۵ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه ـ ادارهٔ تذکره

یک فقره جواز مسافرت صادره برای یکی از سکنهٔ بحرین که در دفتر تفتیش تذکرهٔ لنگه ضبط شده است، تلواً ایفاد می‌شود.

شعبهٔ تفتیش تذکرهٔ سرحدات ابداً اهمیت به این قبیل اوراق نداده و با دارندگان آن مثل اتباع ایران رفتار می‌نماید.

از طرف وزیر مالیه

تاریخ ۵ بر ۹ ماه ۱۳۱

نمره ۱۰۸۱ ضمیمه

وزارت مالیه

اداره

دایره

وزارت جلیله معارف - اداره تذکره

یک فقره جواز مسافرت صادره برای یکی از کسبه بوشهر که در دفتر تفتیش تذکره لنگه ضبط شده ایفاد میشود.

شعبه تفتیش تذکره سرحدات لهذا رعایت مانع قبلی اداره آن نداده و بادارنده آن ورقه برای اجراء قانون رفتار نماید.

۷۳۸۷

۳۲۴۶۹

۲۰۴۹

حكومة البحرين
جواز السفر

بدون
تصوير

نمره ١٨١

نشهد بان محمد
من رعايا حكومة البحرين
متوجه من البحرين الى لنجه
بواسطة المركب
لاجل الزيارة
مسموح له ان يرجع الى بلاد البحرين بمدة اثنا عشر شهر من تاريخه
ادناه طبق التاريخ الهجري ويترل في ميناء المنامة
مصطحب الافراد الاتين من عائلته
هذه الشهادة صالحة لمدة ١٢ شهر عربي فقط

صدر بالبحرين يوم ٢٨ شهر جمادى الثانيه ١٣٥٢

بامر حضرة صاحب السعادة الشيخ حمد بن عيسى آل خليفه
سي . اس . اي حاكم حكومة البحرين

امضاء اوختم وصفة السلطة
التي اصدرت هذا الجواز

﴿ الاوصاف ﴾
(١) اسم الأب او للزوج علي
(٢) الامضاء
(٣) محل الابهام
(٤) الاوصاف العمومية مع الطول ٥/١/٤
(٥) العلامات الفارقة ليه [illegible]
(٦) الصفة احمر
(٧) العمر ٥٥ سنه
(٨) العنوان فى محل الاقامة [illegible]

# THE GOVERNMENT OF BAHRAIN.

No.
Photograph

No.

TRAVELLING PASS

THIS IS TO CERTIFY THAT

Mr.

subject of

is proceeding to

by

for the purpose of

He/She is permitted to return to the STATE OF BAHRAIN within months of the date hereof ( Anno Hejirah ), and land at the port of Manama.

He/She is accompanied by the following members of his/her family :—

This certificate is valid for ( Arabic ) months only.

Given at Bahrain
on the day of 13

By order of
His Excellency Shaikh Hamad bin Isa
Al Khalifah, C. S. I.,
Deputy Ruler of Bahrain.

( Signature or seal and description of
authority issuing this pass.)

Description,-

(1) Father's/Husband's name.

(2) Signature.

(3) Thumb Impression

(4) General Description, including height,

(5) Distinctive marks

(6) Occupation

(7) Age years

(8) Address at destination.

شماره: ۷۱
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت خارجه
تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷
متن سند:

**مستقیم محرمانه فوری**

وزارت امور خارجه

فرمانداری بوشهر تلگراف می کند، طبق اطلاع موثقی که از بحرین رسیده، شیخ بحرین در حدود پانصد نفر از ایرانیان را که هر یک پانزده تا بیست سال سابقهٔ اقامت دارند به عنوان اینکه بدون اجازه وارد گردیده، حبس و به آنها ابلاغ نموده خارج شوند. زن و بچه و کسان آنها متوحش و ضمناً مالکین به استناد رسیدن موعد آگهی نسبت به نقل‌وانتقال املاک متوحش و بذل توجه دولت را خواستارند.

مراتب به ریاست وزرا هم عرض شده است.

به جای وزیر داخله

بتاریخ ... ماه ۱۳۱۷
شماره ...

**وزارت داخله**

اداره کل امور کشور — مستقیم محرمانه فوری
دایره ..........

وزارت امور خارجه

فرمانداری بوشهر تلگراف میکند طبق اطلاع موثق کماز بحرین رسیده شیخ بحرین در حدود پانصد نفر از ایرانیان راکه هریک پانزده تا بیست سال سابقه اقامت دارند بعنوان اینکه بدون اجازه وارد گردیده حبس وبه آنها ابلاغ نموده خارج شوند زن و بچه وکسان آنها متوحش وضمنا مالکین باستناد رسیدن موعد آگهی نسبت به نقل وانتقال املاک متوحش وبذل توجه دولت راخواستارند .

مراتب بریاست وزراء هم عرض شده است .

بجای وزیر داخله

شماره: ۷۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله
تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۱۷ ش
متن سند:

وزارت داخله

عطف به نامهٔ شماره ۲۳۹/س ـ ۱۳۰ مورخهٔ ۱۷/۲/۱۱ راجع به ایرانیان بحرین اشعار می‌دارد: همان طور که مکرر به اطلاع آن وزارتخانه رسانده است، نظر به اینکه دولت شاهنشاهی جزایر بحرین را جزو لاینفک خاک ایران می‌داند، همواره در اقدام است که اختلافات موجوده رفع و حاکمیت ایران در جزایر مزبور تحکیم و تثبیت گردد، ولی چون هنوز این اختلافات مرتفع نشده و فعلاً وضعیت خاصی در بحرین جریان دارد که کاملاً مورد اعتراض دولت شاهنشاهی است، عجالتا ایرانیان آنجا را چاره نیست جز اینکه با کمال بردباری و بدون یأس‌ودلشکستگی منتظر نتیجهٔ اقدامات و توجهات دولت شاهنشاهی باشند. بنابراین چنانکه سابقاً هم از آن وزارتخانه خواهش شده بود، مقرر خواهند فرمود به وسایل مقتضیه به ایرانیان بحرینی توصیه شود صبر و تأمل را از دست نداده‌با متانت احساسات میهن دوستی و دولتخواهی را محفوظ و به توجهات اولیای دولت شاهنشاهی نسبت به تأمین وضعیت خودشان کاملاً امیدوار و مطمئن باشند. مخصوصاً به آنها گوشزد شود که دولت شاهنشاهی انتظار دارد ایرانیان بحرین به وسیلهٔ ابراز متانت و تحمل، اقدامات دولت شاهنشاهی را در راه تحکیم حق حاکمیت ایران نسبت به جزایر بحرین تسهیل و کمال علاقه‌مندی را به دولت و کشور خود به اثبات رسانند.

رونوشت به ضمیمهٔ رونوشت‌نامهٔ وزارت داخله برای استحضار خاطر ریاست وزرا تقدیم می‌شود.

وزیر امور خارجه

اداره عموم سیاسی

نمره ضبط ..................

نمره ۷۴۲۹ ..................

ضمیمه ..................

موضوع مسوده ..................

وزارت امور خارجه

اداره ..................

مسؤل پاکنویس ..................

۷۱۶ | تاریخ تحریر .................. تاریخ پاکنویس ۱۳۱۷/۲/۲۹ تاریخ ثبت و خروج ۱۷/۲/۳۸ ۱۲

عنوان مسوده ..................

وزارت داخله

عطف بنامه شماره ۲۲۹ مورخه ۱۱/۲/۱۷ راجع بایرانیان بحرین اشعار میدارد همانطوریکه مکرر باطلاع آنوزارتخانه رسانده است نظر باینکه دولت شاهنشاهی جزایر بحرین راجزو لاینفک خاک ایران میداند همواره در اقدام است که اختلافات موجوده رفع وحاکمیت ایران درجزایر مزبور تحکیم و تثبیت گردد ولی چون هنوز این اختلافات مرتفع نشده وفعلا وضعیت ناهنجاری در بحرین جریان دارد که کاملا مورد اعتراض دولت شاهنشاهی است علیهذا ایرانیان انجا را اجازه نیست جزاینکه با کمال بردباری بدون یاس و دلشکستگی منتظر نتیجه اقدامات و توجهات دولت شاهنشاهی باشند بنابراین چنانکه سابقاهم از آنوزارتخانه خواهش شده بود مقرر خواهند فرمود بوسائل مقتضیه بایرانیان بحرینی توصیه شود صبر و تامل را از دست نداده بامتانت احساسات میهن دوستی و دولتخواهی را محفوظ و بتوجهات اولیاء دولت شاهنشاهی نسبت باین وضعیت خودشان کاملا امیدوار و مطمئن باشند مخصوصا بآنها گوشزد شود که دولت شاهنشاهی انتظار دارد ایرانیان بحرین بوسیله ابراز متانت و تحمل اقدامات دولت شاهنشاهی را در راه تحکیم حق حاکمیت ایران نسبت بجزایر بحرین تسهیل و کمال علاقه مندی را بدولت و کشور خود باثبات رسانند .

---

رونوشت بضمیمه رونوشت نامه وزارت داخله برای استحضار خاطر ریاست وزراء تقدیم میشود .

کفیل وزارت امور خارجه

بایگانی ... [illegible]

جای نمره طالوع

شماره: ۷۳
فرستنده: وزارت خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۲۶ بهمن ۱۳۱۷
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

روزنامه النهار بیروت در شمارهٔ ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ خود شرحی تحت عنوان (بحرین در زیر تازیانه انگلیس مانده است ــ رایزن انگلیس دیکتاتور بحرین است) انتشار داده که ترجمهٔ آن در زیر نگاشته می‌شود:

«اوضاع بحرین روز به روز بدازبدتر می‌شود. اخیراً کلیه روزنامه‌های عربی که راجع به بحرین چیزی نوشته‌اند از ورود به بحرین ممنوع شده‌اند. شیخ بحرین آلت بیکاره در دست رایزن انگلیسی است. رایزن انگلیسی ملیون بحرین را زیر تازیانه و شکنجه افکنده است. مصیبت ملّیون بحرین کمتر از مصیبت ملّیون فلسطین نیست. چند روز پیش یکی از پیشوایان ملّیون بحرین از اثر تازیانهٔ رایزن انگلیسی در زندان وفات کرده است.»

**وزارت امور خارجه**

موضوع پاکنویس ..........

پیوست ..........

مسئول پاکنویس ..........

اداره سیاسی

کاپی ..........

۵۵۴۰

| تاریخ تحریر ۲۲/۱۱/۱۷ | تاریخ پاکنویس .......... | مسئول پاکنویس ۱۷/۱۱/۲۴ .......... ۱۳ |
|---|---|---|

عنوان پاکنویس: ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

روزنامه النهار بیروت در شماره ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ خود شرحی

تحت عنوان اکراد در زیر تازیانه انگلیسی ها در است - ایران انگلیسی

دیگر تحریر کردن است) انتشار داده که ترجمه آن در زیر نگاشته میشود:

«اوضاع کردها روز بروز بدتر میشود اخیراً کلیه روزنامه های عربی که راجع به کردها

چیزی نوشته اند از ورود به کردستان ممنوع شده اند. شیخ کردها که دولت بیچاره در

دست ایران انگلیسی است. ایران انگلیسی قتل کردها را زیر تازیانه و

شکنجه انگلیسها است مصیبت قتل کردها کمتر از مصیبت قتل فلسطینی ها نیست

چند روز پیش یکی از پیشوایان ملی کردها در اثر تازیانه ایران انگلیسی

در زندان وفات کرده است.»

درباره کردهای ... حفظ شود

۲۵/۱۱/۱۷

بایگانی ... اداره

۱۷/۱۱/۲۲

شماره: ۷۴
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۸
متن سند:

وزارت امور خارجه
پیرو گزارش شماره ۱۲۰۲ مورخ ۱۸/۲/۱۰ راجع به مسافرت ابن سعود به بحرین

سفارت عربی سعودی در بغداد بیانیه‌ای راجع به مسافرت ابن سعود به بحرین در جراید انتشار داده که ترجمهٔ آن به پیوست تقدیم می‌شود و به اضافه در جریدهٔ الاستقلال هم درج گردیده که ابن‌سعود به کویت هم عزیمت خواهد نمود ترجمهٔ آن را هم ملاحظه می‌فرمایند.

وزیرمختار

ترجمه از روزنامهٔ الاستقلال
مورخهٔ ۱۳۱۸/۲/۱۲

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود به کویت

تلگراف وارده از لندن حاکی است که اعلیحضرت عبدالعزیزالسعود پادشاه کشور عربی سعودی در اثر دعوت امیر کویت از معظم‌له برای مسافرت به پایتخت امارت تصمیم گرفته دعوت نامبرده را اجابت نماید و به قرار اطلاعاتی که از بحرین رسیده، اعلیحضرت ابن سعود روز سه‌شنبه آینده به قصد عزیمت به منطقهٔ قریه واقعه در مرز بین نجد و کویت و ملاقات با والاحضرت امیر احمد جابر صباح از طهران حرکت خواهد نمود.

ترجمه از روزنامهٔ الاستقلال
مورخهٔ ۱۳۱۸/۲/۱۳

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود به بحرین
بیانیهٔ سفارت سعودی به روزنامه‌ها

روز دوشنبه والاحضرت امیر فیصل آل‌سعود نایب ملک و وزیر خارجه به همراهی برادرشان والاحضرت امیر خالد و نیز جمال حسینی و شیخ حافظ وهبه و ابراهیم سلیمان،

به وسیلهٔ هواپیما وارد بحرین شده و از طرف امیر بحرین و امیر سعود ولیعهد و برادرشان امیر محمد و سایر رؤسای آل خلیفه وجوه بحرین از معزی الیهم استقبال به عمل آمده بود. والاحضرت امیر فیصل و همراهانشان صبح سه‌شنبه از بحرین حرکت و به قصد رسیدن به حضور ابن‌سعود به طهران عزیمت نمودند ظهر همان روز ابن‌سعود به همراهی ولیعهد خود و سایر امرای آل سعود و ملتزمین از ظهران به سمت بحرین حرکت و ساعت ده به آنجا وارد و از طرف امیر بحرین شیخ احمد آل خلیفه و عدهٔ زیادی از اهالی، از ایشان استقبال شایانی به عمل آمد. اعلیحضرت ابن‌سعود شام را نزد شیخ احمد خلیفه امیر بحرین صرف نمودند.

سفارت عربی سعودی ــ بغداد

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

اداره دفتر
نمره ۱۳۵۱
تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۸
ضمیمه ۲ فقره ترجمه

موضوع ـ مسافرت ابن سعود به بحرین وکویت

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش شماره ۱۲۰۲ مورخ ۱۸/۲/۱۰
راجع بمسافرت ابن سعود به بحرین

سفارت عربی سعودی در بغداد بیانیه ای راجع بمسافرت ابن سعود به بحرین در جراید انتشار داده که ترجمه آن به پیوست تقدیم میشود وباضافه در جریده الاستقلال هم درج گردیده که ابن سعود به کویت هم عزیمت خواهد نمود ترجمه آنراهم ملاحظه میفرمایند ۰۰

وزیرمختار

اداره کل سیاسی ۹۵۵
۱۸/۲/۲۷

سیم - سوم سیاسی
۱۸/۲/۱۹

۶۹۸۵
۱۸/۲/۲۲

ترجمه از روزنامه الاستقلال

مورخه ۱۳۱۸/۲/۱۲

## مسافرت اعلیحضرت ابن سعود بکویت

تلگراف وارده از لندن حاکی است که اعلیحضرت عبدالعزیز السعود پادشاه عربستان سعودی در اثر دعوت امیر کویت از معظم له برای مسافرت به پایتخت امارت تصمیم گرفته دعوت نامبرده را اجابت نماید و بقرار اطلاعاتیکه از بحرین رسیده اعلیحضرت ابن سعود روز سه شنبه آینده بقصد عزیمت بمنطقه عربی واقعه در سرزمین نجد و کویت جهت ملاقات با والاحضرت امیر احمد جابر صباح امیر کویت حرکت خواهد نمود.

---

مانند ترجمه است
مارمی

ترجمه از روزنامه الاستقلال

مورخه ۱۳۱۸/۱/۱۲

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود

ببحرین

بیانیه سفارت سعودی بروزنامه ها

روز شنبه والاحضرت امیرفیصل از آل سعود نائب الملک وزیر خارجه بهمراهی برادرزادگان والاحضرت امیرخالد ونیز جمال حسینی وشیخ حافظ وهبه وابراهیم سلیمان بوسیله هواپیما وارد بحرین شده واز طرف امیر بحرین وامیرسعود ولیعهد وبرادرزادگان امیرمحمد وسایر روساء آل خلیفه ووجوه بحرین ازمعززین اهالی استقبال بعمل آمده بود . والاحضرت امیرفیصل وهمراهانشان صبح سه شنبه ازبحرین حرکت وبقصد رسیدن بحضورابن سعود بظهران عزیمت نمودند ظهر همان روزابن سعود بهمراهی ولیعهد خود وسایرامراء آل سعود وملتزمین ازظهران بسمت بحرین حرکت وساعت ده بآنجا وارد واز طرف امیربحرین شیخ احمدآل خلیفه وعده زیادی ازاهالي ازایشان استقبال شایاني بعمل آمد اعلیحضرت ابن سعود شام رانزد شیخ احمد خلیفه امیر بحرین صرف نمودند .

سفارت عربی سعودی - بغداد

---

مانند ترجمه است

عاصمي

شماره: ۷۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ نخست وزیر
تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۱۸
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ جناب آقای نخست وزیر

روزنامهٔ الاهرام چاپ قاهره بیانات شیخ بحرین را که موقع هفتمین سال جلوس خود شرحی مشعر بر قدردانی از دولت انگلیس اظهار نموده، انتشار داده که ترجمهٔ آن برای آگهی پیوست تقدیم می‌شود.

جشن سال هفتم جلوس شیخ بحرین

لندن ـ دیروز مراسم جشن هفتمین سال جلوس شیخ بحرین با نهایت تجلیل در منامه برگذار گردید. شیخ بحرین در میان مهمانان نطقی ایراد کرده، چنین گفت:

«دولت بریتانیای عظمی از یک قرن‌ونیم پیش به خلیج‌فارس آمده و برای اهالی امنیت و صلح و سلام آورد و فرمانروایان عرب خلیج را تحت حمایت خویش قرار داده در عین حال استقلال تام‌وتمام آنها را محفوظ داشت. پدران و نیاکان ما به دوستی و پیمانهای دولت بریتانی اعتماد و اطمینان داشته ما نیز این دوستی را از آنان ارث می‌بریم و همینکه آتش جنگ افروخته شد، به قدر توانایی با دولت انگلیس همراهی کرده و پیوسته دوست و هواخواه این دولت بوده برای حفظ اصول دموکراسی با مرام نازی و طرفداران او مخالفت می‌کنیم.»

شماره

اداره پایگانی — وزارت امور خارجه — موضوع پاکنویس

اداره — اداره [illegible] — پیوست

پرونده — مسئول پاکنویس

| تاریخ تحریر ۱۸/۱۲/۷ | تاریخ پاکنویس | مسئول پاکنویس | ۱۳ |
|---|---|---|---|

عنوان پاکنویس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه

خلاصه ترجمه از الاهرام قاهره شماره ۱۹۹۰۷
تاریخ اصل ۱۱/ ۱/ ۴۰

جشن سال هفتم جلوس شیخ بحرین

لندن ــ دیروز مراسم جشن هفتمین سال جلوس شیخ بحرین با نهایت تجلیل در منامه برگذار گردید شیخ بحرین در میان مهمانان نطقی ایراد کرده چنین گفت:
دولت بریتانیای عظمی از یک قرن و نیم پیش بخلیج فارس آمده و برای اهالی امنیت وصلح و سلام آورد و فرمانروایان عرب خلیج را تحت حمایت خویش قرار داده درعین حال استقلال تام وتمام آنها را محفوظ داشت پدران و نیاکان ما بدوستی و پیمانهای دولت بریتانی اعتماد واطمینان داشته ما نیز این دوستی را از آنان ارث میبریم و همینکه آتش جنگ افروخته شد بقدر توانائی با دولت انگلیس همراهی کرده و پیوسته دوست و هوا خواه این دولت بوده برای حفظ اصول دموکراسی با مرام نازی و طرفداران او مخالفت میکنیم .ــ

شماره: ۷۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی_نخست وزیر
تاریخ: ۳ خرداد ۱۳۱۹
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی_جناب آقای نخست وزیر
خلاصهٔ ترجمهٔ روزنامهٔ البحرین راجع به بودجهٔ سال جاری جزیرهٔ بحرین برای آگهی به پیوست تقدیم می‌گردد.

بودجهٔ بحرین در سال جاری

جمع کل درآمد حکومت بحرین درسال جاری ۴,۵۰۷,۰۰۰ روپیه است که از آن جمله سه میلیون روپیه، سهمیه نفت و بقیه بابت درآمد گمرک و غیره می‌باشد و جمع کل هزینهٔ حکومت بحرین نیز همان مبلغ ۴۵۰۷۰۰۰ روپیه تعیین گشته است که از آن جمله یک میلیون‌ونیم بابت حقوق شیخ بحرین و سایر اعضای خاندان شیخ است و یک میلیون و سیصد هزار روپیه هزینهٔ فرهنگ و قریب یک میلیون روپیه صرف بیمارسانها و بهداری همگانی و مبارز با مالاریا خواهد شد.

حکومت بحرین ضمن بودجهٔ امسال خود یکصدوپنجاه هزار روپیه برای ساختمان یک بیمارستان تخصیص داده است.

موضوع پاکنویس

# وزارت امور خارجه

پیوست

مسئول پاکنویس

اداره [illegible]

شماره ۱۲۴۴۴/۲۲۴۵

پرونده

| | |
|---|---|
| تاریخ تحریر ۴/۳/۱۹ تاریخ پاکنویس | تاریخ ثبت و خروج ۹/۴/۱۹ ۱۳ |

عنوان پاکنویس [illegible]

[illegible]

پیوست [illegible]

[illegible]

۵/۳/۱۶

[illegible]

شماره ۵ [illegible]

خلاصه ترجمه از البحرین شماره ...
تاریخ اصل ۲۵/۲/۴۰

تاریخ ترجمه ۱۹/۳/۲
مترجم [illegible]

وزارت امور خارجه
اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

بودجه بحرین در سال جاری

جمع کل درآمد حکومت بحرین در سال جاری ۴،۵۰۷،۰۰۰ روپیه است که از آنجمله سه میلیون روپیه سهمیه نفت و بقیه بابت درآمد گمرک و غیره میباشد و جمع کل هزینه حکومت بحرین نیز همان مبلغ ۴۵۰۷۰۰۰ روپیه پیش‌بینی گشته است که از آنجمله یک میلیون و نیم بابت حقوق شیخ بحرین و سایر اعضاء خاندان شیخ است و یک میلیون و سیصد هزار روپیه هزینه ژاندارمری و قریب یک میلیون روپیه صرف بیمارستانها و مدارس [illegible] بالطبع [illegible] خواهند شد

حکومت بحرین ضمن بودجه امسال خود مبلغ پنجاه هزار روپیه برای ساختمان یک بیمارستان تخصیص داده است

اداره کل سیاسی
۱۹/۳/۲

[illegible]
۳۰۱۲
۱۹-۳/۲

[illegible]
۱۹/۳/۲

شماره: ۷۷
فرستنده: ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در هندوستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۱۹
متن سند:

وزارت امور خارجه

در یکی از روزنامه‌های مدرس نقل از روزنامهٔ پاری‌سوار **Parissoir** راجع به بحرین مقاله‌ای نوشته شد که بیشتر جنبهٔ فکاهی دارد. نگارندهٔ مقاله این طور می‌نویسد که نخست وقتی فرانک هلمس برای استخراج نفت به بحرین رفت، شیخ حاضر نمی‌شد با او داخل گفتگو شود و به او گفته بود در صورتی ممکن است راجع به نفت با او قراری بگذارد که چند چاه آرتزین برای پیدایش آب در بحرین حفر نماید. پس از آنکه سرگرد هلمس چند چاه آرتزین به او تحویل داد، شیخ به وی اجازه داد که آب اطراف بحرین را که محل صید مروارید است با بوی نفت متعفن سازد، ولی پس از آنکه فراورده‌های نفت بحرین در ۱۹۴۰ به یک میلیون و دویست هزار تن رسید، وحال آنکه فرآوردهٔ نفت گالیسی که آلمان آن طور طالب آن است، فقط ۵۰۰هزار تُن و فرآورده‌های نفت رومانی از هشت ملیون تن تجاوز نمی‌کند شیخ نظر خود را تغییر داد و دیگر دربند مروارید نیست، زیرا در حال حاضر مروارید را کسی نمی‌خرد، ولی نفت را همهٔ دنیا خواهان‌اند.

سر کنسول

ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران
هندوستان

شماره ۸۶۲
مورخه ۱۳۱۹/۶/۶

وزارت امور خارجه

در یکی از روزنامه‌های مدرس نقل از روزنامه‌ی [illegible] راجع به بحرین مقاله نوشته شده که بیشتر جنبه فکاهی دارد ـ نگارنده مقاله اینطور می‌نویسد که نخست وقتی فرانک هلمس برای استخراج نفت به بحرین رفت شیخ حاضر نمی‌شد با او داخل گفتگو شود و او گفته بود در صورتی ممکن است راجع به نفت با او قراری بگذارد که چند چاه آرتزین برای پیدایش آب در بحرین حفر نماید پس از آنکه سرگرد هلمس چند چاه آرتزین با تحویل داد شیخ به وی اجازه داد که آب اطراف بحرین را که محل صید مروارید است با بوی نفت متعفن سازد ولی پس از آنکه فراورده‌های نفت بحرین در ۱۹۴۰ به یک ملیون و دویست هزار تن رسید و حال آنکه فراورده نفت گالیسی که آلمان اینطور طالب آن است فقط ۵۰۰ هزار تن و فراورده‌های نفت رومانی از هشت ملیون تن تجاوز نمی‌کند شیخ نظر خود را تغییر داده دیگر در بند مروارید نیست زیرا ... حاضر مروارید را کسی نمی‌خرد ولی نفت را همه می‌خواهند

سرکنسول

اقتصادی
بیدرم
اطلاعات

۲۸۱۷-۲
۲۰ / ۶ / ۱۹

اقتصادی
۲۵۱۶
۱۹/۷/۲۱

شماره: ۷۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۱۳ آبان ۱۳۱۹
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

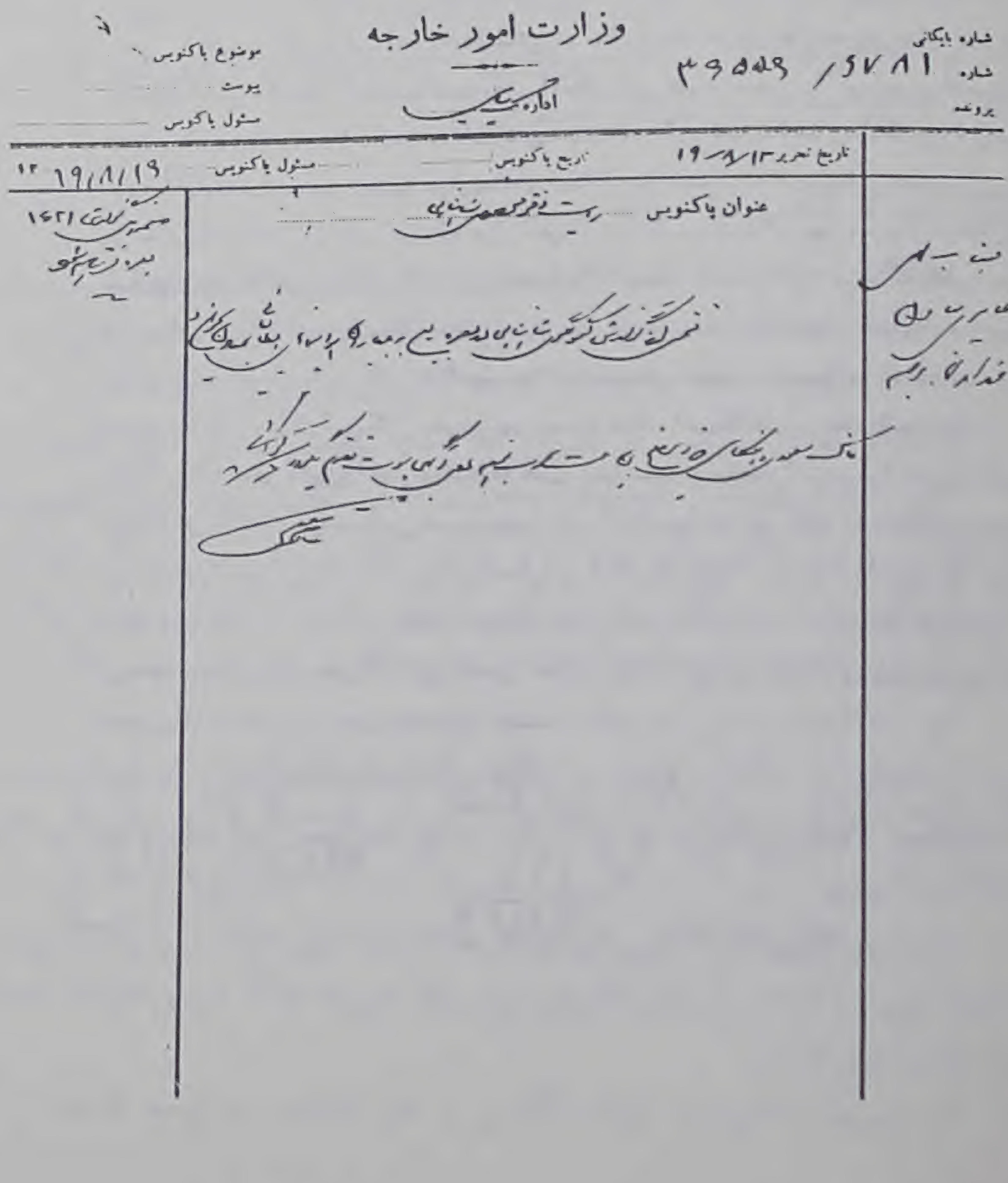
قسمتی از گزارش کنسولگری شاهنشاهی در بصره راجع به بمباران هواپیماهای ایتالیایی به معادن بحرین و خاک سعودی و انعکاسی که این موضوع بین هیئت عرب نموده برای آگهی به پیوست تقدیم می‌گردد.

**گزارش پانزده روز آخر مهر ماه**

وزارت امور خارجه

بمباران هواپیماهای ایتالیایی به معادن نفت بحرین و خاک سعودی تولید اضطراب بین مأمورین محلی و مخصوصاً انگلیسها نموده و حتی‌الامکان سعی دارند موضوع را کوچک و بی‌اهیمت جلوه دهند. دیروز با کنسول انگلیس ملاقات و ضمن صحبت که معلوم بود با اشخاص با اطلاع و اهل فن صحبت کرده، اظهار داشت: تصور نمی‌رود هواپیماهای ایتالی توانسته باشند از سومالی به بحرین پرواز و مراجعت کرده باشند، زیرا طول این راه هزار میل است که دو سره دو هزار میل تقریباً سه هزار کیلومتر می‌باشد و هواپیماهای ایتالی قادر به این مدت پرواز نیستند، احتمال قوی می‌رود که کشتی مخصوص حمل هواپیما در نزدیکی‌های مسقط و نقاط مجاور بحرین آمده و هواپیماها توانسته‌اند خود را به بحرین برسانند. به همین جهت به ناوهای جنگی ما در اقیانوس و سواحل هندوستان دستور داده شده است که با جدیت موضوع را تعقیب نمایند شرکت امریکایی بحرین نیز به وسیلهٔ دولت امریکا اعتراض نموده است. در هر حال مردم خیلی حرفها می‌زنند و حتی تاجری اظهار می‌داشت که هنوز نتوانسته‌اند چاهها را خاموش کنند و اضطراب و وحشت فوق‌العاده در بحرین برپاست و حتی پاره‌ای اظهار می‌دارند دو کشتی نفتکش هم در بندر بحرین غرق شده و رادیوی برلن هم کمکی برای انتشار این اخبار شده ولی انگلیسها ابداً به روی خود نیاورده و حتی تکذیب

می‌کنند. روزنامهٔ الثغر نیز ضمن اخبار لندن اضافه می‌کند، با وجودی که موسولینی اعلام کرده بود بی‌طرفی دولتهای اسلامی را محفوظ بدارد، برخلاف قول خود در ماه رمضان بی‌طرفی کشور مستقل سعودی و امارت بحرین را نقض نموده است.



تاریخ ۱۹/۸/۲
نمره ۱۹۲۱
پیوست ندارد

گزارش پانزده روز آخر مهرماه

کنسولگری ایران

بصره

وزارت امور خارجه

بمب باران هواپیماهای ایتالیائی به معادن نفت بحرین و خاک سعودی تولید اضطراب بین مامورین محلی و مخصوصا انگلیسها نموده و حتی الامکان سعی دارند موضوع را کوچک و بی اهمیت جلوه دهند دیروز با کنسول انگلیس ملاقات و ضمن صحبت که معلوم بود با اشخاص با اطلاع و اهل فن صحبت کرده اظهار داشت تصور نمیرود هواپیماهای ایتالی توانسته باشند از سومالی به بحرین پرواز و مراجعت کرده باشند زیرا طول این راه هزار میل است که دوسره دوهزار میل تقریبا سه هزار کیلومتر میباشد و هواپیماهای ایتالی قادر باین مدت پرواز نیستند احتمال قوی میرود که کشتی مخصوص حمل هواپیما در نزدیکیهای مسقط و نقاط مجاور بحرین آمده و هواپیماها توانسته اند خود را به بحرین برسانند بهمین جهت بناوهای جنگی مادر اقیانوس و سواحل هندوستان دستور داده شده است که با جدیت موضوع را تعقیب نمایند - شرکت امریکائی بحرین نیز بوسیله دولت امریکا اعتراض نموده است در هر حال مردم خیلی حرفها میزنند و حتی تاجری اظهار میداشت که هنوز نتوانسته اند چاهها را خاموش کنند و اضطراب و وحشت فوق العاده در بحرین برپاست و حتی پاره اظهار میدارند دو کشتی نفت کش هم در بندر بحرین غرق شده و رادیوی برلن هم کمکی برای انتشار این اخبار شده ولی انگلیسها ابدا بروی خود نیاورده و حتی تکذیب میکنند روزنامه الثغر نیز ضمن اخبار لندن اضافه میکند با وجودیکه موسولینی اعلام کرده بود بیطرفی دولتهای اسلامی را محفوظ بدارد برخلاف قول خود در ماه رمضان بیطرفی کشور مستقل سعودی و امارت بحرین را نقض نموده است.

۱۹۱۰
۱۹/۸/۹

شماره: ۷۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ نخست وزیری
تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۱۹
متن سند:

دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ نخست وزیری

رونوشت گزارش سفارت شاهنشاهی در برن راجع به مندرجات روزنامهٔ اسکیایتالیا چاپ لوگانوی سوئیس مورخهٔ ۲۶ ژانویهٔ ۱۹۴۱ مطابق ۶ بهمن ماه ۱۳۱۹، تحت عنوان چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته، برای استحضار خاطر محترم به پیوست تقدیم می‌گردد.

(گزارش سفارت شاهنشاهی ایران در برن)

روزنامه اسکیایتالیا در لوگانو (سویس) **Squilla Italica Lugano** شرحی راجع به واگذاری بازرسی چاههای نفت بحرین از طرف انگلیس به اتازونی منتشر نموده که عین قطعهٔ مزبور به پیوست ایفاد و ترجمهٔ آن به شرح زیر درج می‌شود:

چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته

طبق اطلاع واصله از نیویورک چاههای نفت انگلیس در بحرین (خلیج‌پارس) تحت بازرسی کامل اتازونی قرار داده شد. دولت انگلیس سعی می‌کند که کمک مالی اتازونی را برای پیشرفت جنگ به دست آورد، از این نقطه‌نظر ۵۰هزار سهام شرکت نفت تکزاس کمپانی **Texas Co** را که تاکنون در اختیارانگلیس بوده به اتازونی واگذار نموده.

این اطلاعات قابل ملاحظه است:

۱. تبلیغات انگلیس راجع به بمباردمان ایتالیا در بحرین که انتشار داده شده بود به منابع اتازونی خسارت وارد آورده، صحیح نبود زیرا این منافع اخیراً به اتازونی واگذار شده است.

۲. ترس ورود قوای هوایی ایتالیا در نقاط نفت‌خیز، انگلیس را وادار نموده است که نقاط مزبور را تحت حمایت اتازونی قرار دهد هرچند نقاط مزبور هزارها کیلومتر از مرکز ایتالیا دور است.

۳. تسویهٔ حسابها از طرف انگلیس به نفع اتازونی در توسعه است.

قطعهٔ روزنامهٔ **Actnalis Zurich** که در موضوع بالا و تاریخ پیدایش نفت بحرین به دست انگلیسها به پیوست ایفاد می‌گردد.

# وزارت امور خارجه

بایگانی ........

........

اداره [illegible]

موضوع پاکنویس ........

پیوست ........

مسئول پاکنویس ........

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۹۱۱ | تاریخ تحریر ۱۴/ ۱۲/ ۱۹ | تاریخ پاکنویس ۱۷/ ۱۲/ ۱۹ | مسئول پاکنویس ۱۳ |

۱۲/ ۱۱

عنوان پاکنویس [illegible]

[illegible] ۱۷۱۹ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۱ ژانویه ۱۹۲۱ [illegible] ۱۴۱۹ [illegible]

[illegible]

[illegible]

سفارت شاهنشاهی ایران
برن

اداره ..........
نمره ۱۷۱۹
تاریخ ۱۷ بهمن ۱۹
ضمیمه ..........

وزارت امور خارجه

روزنامه اسکیا ایتالیاد رلوگانو (سویس) Squilla Italica Lugano شرحی راجع به واگذاری

بازرسی چاههای نفت بحرین از طرف انگلیسها به اتازونی منتشر نموده، که عین قطعه مزبوره بپیوست ایفاد و ترجمه آن بشرح

زیر درج میشود.

چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته

طبق اطلاع واصله از نیویورک چاههای نفت انگلیس در بحرین (خلیج پارس) تحت بازرسی کامل اتازونی قرار داده شده

دولت انگلیس سعی میکند که کمک مالی اتازونی را برای پیشرفت جنگ بدست آورد از این نقطه نظر ۵۰ هزار

سهام شرکت نفت تکزاز کمپانی Texas Co را که تاکنون در اختیار انگلیس بوده به اتازونی

واگذار نموده.

این اطلاعات قابل ملاحظه است.

۱ـ تبلیغات انگلیس راجع به بمباردمان ایتالیاد در بحرین که انتشار داده شده بود بمنافع اتازونی خسارت وارد آورده

صحیح نبود زیرا این منافع اخیراً به اتازونی واگذار شده است.

۲ـ ترس ورود قوای هوائی ایتالیا در نقاط نفتخیز انگلیس را وادار نموده است که نقاط مزبور را تحت حمایت

اتازونی قرار دهد هرچند نقاط مزبور هزارها کیلومتر از مرکز ایتالیا دور است.

۳ـ تسویه حسابها از طرف انگلیسها به نفع اتازونی در توسعه است.

قطعه روزنامه Actualis Zurich که در موضوع بالا و تاریخ بید ایت نفت بحرین بدست؟

انگلیسها به پیوست ایفاد میگردد.

شماره: ۸۰
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۲۰
متن سند:

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران
آقای سهیلی عزیزم

جنابعالی در حل و تصفیهٔ عملی دو مسئلهٔ مربوط به بحرین یعنی مبادلهٔ تلگرافات و مبادلهٔ کیسه‌های پستی بین بحرین و بنادر ایران در خلیج‌فارس فعلاً مساعدت ذی‌قیمتی فرموده‌اید. و اینک اشعار می‌دارم که چنانچه بتوانید لااقل برای مدت جنگ یک راه حل عملی پیدا کنید که اشکالات موجوده در باب مسافرت اشخاصی که به مأموریت مهم به بنادر ایران می‌روند از قبیل مأمورین انگلیس که مقتضی است به بوشهر بیایند و اشخاصی از قبیل عملجات کشتی‌های شراعی بحرین که محتاج مساعدت هستند که بار کشتی‌ها را در بنادر ایران خالی کنند، رفع شود.

خدمت بزرگی به مملکتین ما به عمل آمده است. پیشنهاد می‌شود که این قبیل اشخاص گواهینامه‌های هویتی همراه داشته باشند و این اوراق فقط در مورد بنادر ایران در خلیج‌فارس از طرف مأمورین ایران مورد قبول واقع شود. این گواهینامه‌ها از طرف یک مقام صلاحیتدار انگلیس صادر خواهد شد و در آن تصریح خواهد گردید که به چه علت حامل آن به ایران می‌آید. واضح است که بخوبی معلوم خواهد شد که به وضعیت بحرین در اثر این ترتیب لطمه‌ای وارد نخواهد شد و این ترتیب کاملاً دارای جنبهٔ عملی بوده و منظور از آن تسهیل مسافرتهایی است که در بسیاری موارد برای ایران و مسافرینی که مایل به مسافرت می‌باشند مفید فایده خواهد بود.

مایلم خاطر جنابعالی را متذکر شوم که قضیهٔ نظیر و متشابه آن مربوط به اشخاصی است که لازم است از هندوستان جهت تعمیر و تجدید خط‌آهن از میر جاوه به زاهدان به ایران بیایند. از لحاظ اینکه کارهای ساختمانی که متضمن منافع مملکتین است، تسهیل گردد، دولت ایران لطفاً مقرر داشته‌اند که تشریفات مربوط به گذرنامه،

موقوف و گواهینامه‌های هویت صادرهٔ از طرف ادارهٔ بلوچستان مورد قبول واقع شود.

دوست صمیمی

(ار. دبیلیو. بولارد)

[پی نوشت:]

در جلسهٔ روز شنبه ۱۳۲۰/۱۱/۲۵ هیئت وزیران مطرح گردید و موافقت شد برای مدت جنگ و با شرط اینکه این عمل لطمه‌ای به حق دولت نسبت به بحرین نزند، جواب موافق داده شود.

British Legation,
Tehran.

سفارت انگلیس
طهران

۲۲ بهمن ۱۳۲۰

شماره ۱۰۲۱

آقای سهیلی عزیزم

جنابعالی در حلّ و تصفیه عملی دو مسئله مربوط ببحرین یعنی مبادله تلگرافات و مبادله کیسه های پستی بین بحرین و بنادر ایران در خلیج فارس فعلاً مساعدت ذیقیمتی فرموده اید و اینک اشعار میدارم که چنانچه بتوانند لا اقل برای مدّت جنگ یک راه حلّ عملی پیدا کنند که اشکالات موجوده در باب مسافرت اشخاصیکه بماموریت مهم به بنادر ایران میروند از قبیل مامورین انگلیسی که مقتضی است ببوشهر بیایند و اشخاصی از قبیل عمله جات کشتیهای شراعی بحرین که محتاج مساعدت هستند که بار کشتیها را در بنادر ایران خالی کنند رفع شود

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران
طهران

11th February, 1942.

No. 1021.

Dear Monsieur Soheily,

You have been instrumental in helping to bring about a practical solution for the time being of two questions relating to Bahrain, viz. the exchange of telegrams and the exchange of postal bags between Bahrain and Iranian Ports in the Persian Gulf, and I suggest that it would render a great service to our two countries if you could find a practical solution, at least for the period of the war, of the difficulties attendant upon journeys from Bahrain to Iranian Ports of persons travelling on important business, e.g. British officials who

/require

His Excellency,
Monsieur Ali Soheily,
Imperial Ministry of Foreign Affairs.

British Legation,
Tehran.



خدمت بزرگی بمملکتین ما بعمل آمده است
پیشنهاد میشود که این قبیل اشخاص
گواهی نامه های هویتی همراه داشته
باشند و این اوراق فقط در مورد بنادر
ایران در خلیج فارس از طرف مامورین
ایران مورد قبول واقع شود ۰ این گواهی
نامه ها از طرف یکمقام صلاحیت دار
انگلیس صادر خواهد شد و در آن تصریح
خواهد گردید که بچه علت حامل آن
بایران میاید ۰ واضح است که بخوبی
معلوم خواهد شد که بوضعیت بحرین
در اثر این ترتیب لطمه ٔ وارد نخواهد
شد و این ترتیب کاملاً دارای جنبه ٔ عملی
بوده و منظور از آن تسهیل مسافرتهائی
است که در بسیاری موارد برای ایران
و مسافرینی که مایل بمسافرت میباشند
مفید فایده خواهد بود ۰
مایلم خاطر جنابعالی را متذکر شوم
که قضیه ٔ نظیر و متشابه آن مربوط
باشخاصی است که لازم است از هندوستان
جهت تعمیر و تجدید خط آهن از میرجاو

require to visit Bushire, and such persons as Bahrain lightermen who are needed to help in unloading ships at Iranian ports. It is suggested that such persons should carry identity certificates which the Iranian authorities should recognise as valid only for the Iranian ports in the Gulf. These certificates will be issued by a competent British authority and would specify the reason why the bearer's entry into Iran is considered desirable. It would of course be fully understood that the question of the status of Bahrain was in no way affected by this arrangement, which would be purely practical and designed to facilitate journeys which in many cases would be of advantage to Iran as well as to the travellers wishing to make the journeys.

I would remind you of the somewhat

/analogous

British Legation,
Tehran.

بزاهدان بايران بيايند . از لحاظ
اينکه کارهای ساختماني که متضمن
منافع مملکتين است تسهيل گردد
دولت ايران لطفاً مقرر داشته اند که
تشريفات مربوط بگذرنامه موقوف و
گواهي نامه های هويت صادره از طرف
اداره بلوچستان مورد قبول واقع شود .

دوست صميمي

(ار. دبليو. بولارد)

analagous case of the persons requiring to come into Iran from India to work on the restoration of the railway from Mirjawa to Zahidan. In order to facilitate construction work which is designed to be of benefit to both the countries concerned, the Iranian Government have kindly arranged to dispense with the ordinary passport formalities and to recognise identity certificates issued by the administration of Baluchistan.

Yours sincerely
R. W. Bullard

شماره: ۸۱
فرستنده: ترجمهٔ روزنامهٔ اژیپسین توسط ادارهٔ اطلاعات و مطبوعات و ترجمه
گیرنده:
تاریخ: ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ش
متن سند:

شیخ جدید بحرین

بحرین دوشنبه ۲۳ فوریه ــ والاحضرت سرحمدبن عیس الخلیفه شیخ بحرین که به طور ناگهانی در ۲۰فوریه وفات نمود، پسر بزرگ وی سلمان جانشینش شد.

شیخ جدید در ابلاغیهٔ خود اظهار می‌دارد: «ما سلمان ابن حمد الخلیفه زمام دولت بحرین را برطبق آرزو و میل پدرم و رضایت کامل اعمام و برادران و سایر اقوام خود به دست می‌گیرم.

من رسماً و علناً وعده می‌دهم آرزو و آمال آنها را به عمل آورم. عقاید مذهبی خود را محفوظ و به کشور خویش صمیمانه و به طور درستکاری خدمت خواهم نمود.

آنچه از دستم برآید سعی و اهتمام به عمل خواهم آورد که عادلانه و عاقلانه حکمرانی نموده و روابط دوستانه را با بریتانیا ادامه داده و همیشه منافع وی را محفوظ خواهم داشت. خداوند در این امر مرا توفیق فرماید.»

حکمران بحرین چهل‌وهفت سال دارد و مورد احترام اهالی می‌باشد. وی یک مرد با وقار و متین میانه بالا بوده یک عرب حقیقی است و ورزش را دوست می‌دارد.

مناسبات وی با زمامداران کشورهای دیگر عرب دوستانه بوده و دوست صمیمی بریتانیای کبیر می‌باشد.

۱۰۸۶
۱۲/۱/۲

وزارت امور خارجه
اداره ای ....
اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه از روزنامه اژیپسین
تاریخ اصل ۲۴ فوریه ۱۹۴۲

تاریخ ترجمه ۲۶ اسفند
مترجم غ ۰ ع ۰ اردلا
۲۰/۱۲/۲۷

## شیخ جدید بحرین

بحرین دوشنبه ۲۳ فوریه ـ والاحضرت سرحمد بن عیسی الخلیفه شیخ بحرین که بطور ناگهانی در ۲۰ فوریه وفات نمود پسر بزرگ وی سلمان جانشینش شد ۰

شیخ جدید در ابلاغیه خود اظهار میدارد (( ما سلمان ابن حمد الخلیفه زمام دولت بحرین را برطبق آرزو ومیل پدرم ورضایت کامل اعمام وبرادران وسایر اقوام خود بدست میگیرم

من رسما وعلنا وعده میدهم ارزو وآمال آنهارا بعمل آورم ـ عقائد مذهبی خود رامحفوظ وبه کشور خویش صمیمانه وبطور درستکاری خدمت خواهم نمود ۰

آنچه ازدستم برآید سعی واهتمام بعمل خواهم آورد که عادلانه وعاقلانه حکمرانی نموده وروابط دوستانه را با بریتانیا ادامه داده وهمیشه منافع وی را محفوظ خواهم داشت ۰ خداوند دراین امر مرا توفیق فرماید ))

حکمران بحرین چهل وهفت سال دارد ومورد احترام اهالی می باشد ۰ وی یک مرد باوقار ومتین میانه بالا بوده یک عرب حقیقی است وورزش را دوست میدارد ۰

مناسبات وی با زمامداران کشورهای دیگر عرب دوستانه بوده ودوست صمیمی بریتانیای کبیر میباشد ۰

ورود بدفتر اداره سیاسی
نمره ۵۳۳۰
تاریخ ۲۰/۱۲/۲۷

... ...
... ...

۲۰/۱۲/۲۶

۱۶

# فصل ۲

# تنب و ابوموسی

شماره: ۸۲
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزیر اعظم (عین‌الدوله)
بتاریخ: ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۲
شماره: ۱۶۹
متن سند:

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امنع امجد اسعد معظم والا بندگان شاهزاده وزیر اعظم دامت شوکته‌الوالا

از قرار راپورت مسیو دامبرن، رئیس گمرکات بنادر خلیج فارس شیخ رأس‌الخیمه مدعی ملکیّت جزیرهٔ تامب شده و شیخ شرقا نیز ادعای ملکیّت جزیرهٔ ابوموسی نمـوده، بیرق خودشان را در آنجاها نصب نموده‌اند. محض استحضار خاطر مبارک جسارت گردید.

MINISTÈRE DES DOUANES ET DES POSTES

TÉHÉRAN, le ... 190

وزارت گمرک و پست

Ind: نمره ۱۴۹

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد معظم له آقای وزیر اعظم دامت شوکته العالی

ANNEXE:

از قرار راپورت مسیو هیرف رئیس گمرکات بنادر خلیج فارس شیخ رأس الخیمه مدعی ملکیت جزیره تنب شده و شیخ شارقه نیز ادعای ملکیت جزیره ابوموسی نموده و بیرق خود شان را در آنجاها نصب نموده اند متمنی است اصدار امر از طرف مبارک صادر گردد

شماره: ۸۳
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۳
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم‌افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد، چندی قبل به توسط جناب مؤتمن‌الملک به دوستدار اظهار شد که از قراری که می‌گویند شیخ شرجه بعضی عمارات در جزیرهٔ تمب احداث می‌نماید و خواسته بودند که این کار را ترک نمایند. تا اینکه اعلیحضرت اقدس همایونی از فرنگستان مراجعت و دولت ایران فرصتی داشته باشند، که ادعای حقوق سلطنتی خود را در جزیرهٔ مزبور ثابت نمایند. این خواهش جناب مستطاب اجل عالی را به دولت هندوستان و بالیوز اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم خلیج‌فارس تلگراف نمود، و چون تا دیروز جوابی نرسیده بود، تلگراف مجددی حاضر کردم، ولی امروز تلگرافی از میجر کاکس به دوستدار رسید. مشعر بر اینکه مشارالیه بشخصه به جزیرهٔ تمب رفته، معلوم نماید که آیا این راپورت که از جناب دریابیگی به جناب مستطاب اجل عالی رسیده حقیقت دارد یا خیر و معلوم شده که ابداً حقیقت ندارد. به نظر دوستدار افسوس است که اشخاصی به رتبهٔ جناب دریابیگی بدون اینکه قبل از وقت متحمل زحمت شده، معلوم نمایند که آیا هیچ حقیقتی در این گونه شهرتها هست یا خیر، تلگرافاً به حکومت مرکزی اطلاعاتی دهند که اسباب زحمت و مورث اشتباهات فی‌مابین دو دولت دوست گردد. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

امضا

۱۳۲۳
۲۸ رجب (؟)

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا میگردد

چندی قبل مربوط جناب [illegible] انگلیس مرقوم اظهار شده که در قراردادی که [illegible] شیخ شرحه بعضی عمارات در جزیره تمب احداث
فرمایند و خواسته بودند که بنگارد و ترک نمایند تا اینکه اعلیحضرت اقدس همایونی از فرنگستان مراجعت و دولت ایران [illegible]
که ادعای حقوق سلطنتی خود را در جزیره مزبور ثابت نماید این خواهش جناب مستطاب اجل عالی را دولت [illegible] رسانیدند و بالندن
اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم خلیج فارس تلگراف نمودند تا دیروز جوابی نرسیده بود تلگراف جوابی حاضر کردیم
ولی امروز تلگرافی از میجر کاکس در بوشهر رسید مشعر بر اینکه مشارالیه شخصاً بجزیره تمب رفته معلوم نموده که آیا این بیرق را که دریابیگی
که از جانب دریابیگی بجناب مستطاب اجل عالی رسید حقیقت دارد یا خیر و معلوم شد که ابداً حقیقت ندارد نظر باین
افسوس است که [illegible] دریابیگی [illegible] بودن اینکه قبلاً از وقت متحمل زحمت شده معلوم نمایند که آیا هیچ حقیقتی

[illegible]

شماره: ۸۴
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع‌افزا می‌گردد

مراسلهٔ مورخهٔ دیروز جناب مستطاب اجل عالی در باب جزیرهٔ تمب (تنب) و ابوموسی، شرف وصول بخشید. هر دلایلی که اقامه نمایند براینکه ادعای دولت ایران در ملکیت این دو جزیره بر ادعای شیخ شرغا تفوّق دارد، برای دولت هندوستان ارسال خواهد داشت.

جناب مستطاب اجل عالی باید ملتفت باشند که دوستدار این اشعاری را که اول وحله است اصغا می‌نماید، نمی‌تواند قبول کند که شیخ مزبور را نخواهد گذاشت بیرقی را که مأمورین گمرکی ایران پایین آورده‌اند، مجدداً به جای خود نصب نمایند و نیز خاطر محترم عالی را به ارتباط این مسئله متذکر می‌سازد که ما به دولت ایران اصرار ننمودیم که تا اینکه معارضهٔ ملکیت جزیرهٔ مزبور که از چندین سال قبل بین دولتین بوده است، از طرفین مرتفع نگردد و بیرق خود را از جزیرهٔ سیری بردارند. هرگاه شیخ شرغا بیرق موجود دولت ایران را از جزیرهٔ تمب (تنب) و ابوموسی برداشته بود، مسئله طور دیگری می‌بود. کاری که مشارالیه کرده فقط این بوده است که بیرق خود را در جزایری که هنوز رسماً در تصرف هیچ یک از دول نبوده، نصب کرده است و به ملاحظهٔ اینکه اول کسی بوده که آنجا را تصرّف نموده است، حق دارد که بیرق خود را به حال خود نگاه دارد تا اینکه در حقانیّت شرعیهٔ مشارالیه بر سه جزیرهٔ مزبور اختلافی به میان آید و در این موقع احترامات فایقهٔ قلبیهٔ خود را تجدید می‌نماید.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم [illegible] دام اقباله

مراسله مورخه [illegible] جناب مستطاب اجل عالی در باب جزیره تنب و ابوموسی شرف وصول بخشید [illegible]

بر اینکه دعوی دولت ایران در ملکیت این دو جزیره بر دعاوی شیخ شارجه تفوق دارد [illegible]

جناب مستطاب اجل عالی باید ملتفت باشند که [illegible] اول وهله [illegible]

نخواهند گذاشت بیرق [illegible] ایران [illegible]

[illegible] که با دولت ایران [illegible] تا اینکه [illegible] جزیره [illegible]

[illegible] بیرق [illegible] از جزیره [illegible] شیخ شارجه بیرق [illegible] ایران

از جزیره تنب و ابوموسی [illegible] بیرق

[illegible] نصب کرده است [illegible]

که [illegible] بیرق [illegible] شارجه [illegible]
۱۳۲۲

[illegible] جزیره [illegible]

[illegible]

شماره: ۸۵
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزیر اعظم (عین‌الدوله)
تاریخ: ۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۲
متن سند:
حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد اکرم افخم والا، شاهزاده عین‌الدوله وزیر اعظم دامت شوکته

با نهایت افتخار خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، مسیو (وافلارت) رئیس گمرکات عربستان به موجب قراردادی که بین حضرت مستطاب اشرف والا و وزیرمختار انگلیس شده بود، بیرق دولت علیه ایران و اجزای گمرکی را که در جزیرهٔ تانب گماشته بود، بدون صعوبت و اشکال خارج نمود. چیزی که هست همه متفق‌القول برآنند که جزیرهٔ مزبوره بدون شک و شبهه متعلق به دولت علیه ایران است، لیکن سند و دلیلی در این باب در دست نیست. جزیرهٔ ابوموسی نیز هنوز متنازع‌فیه است.

مسیو وافلارت به جزیره هنجان رفته، در آنجا دفتر تلگراف انگلیس دایر است. لیکن به جای بیرق دولت علیه که چندی قبل به توسط اتباع دولت جاوید آیت منصوب شده، بیرق دولت انگلیس را افراشته‌اند. مخصوصاً تلگراف‌چیان که اتباع دولت انگلیس‌اند مدعی هستند که چوب بیرق مزبور از بدو امر به توسط ایشان نصب شده است و مسلماً این مسئله بی‌اصل و مأخذ است.

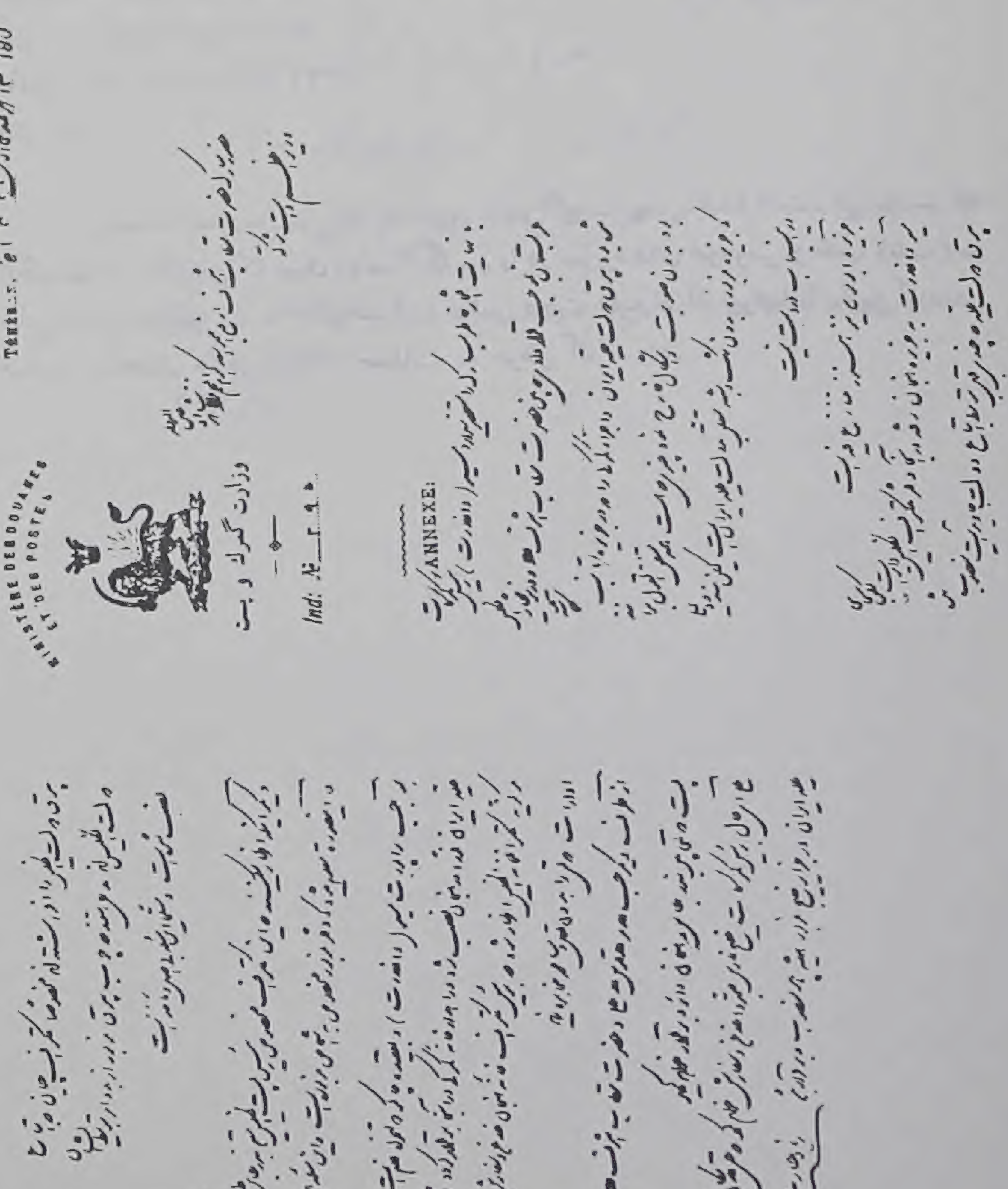
دیگر اینکه اظهار می‌کند که این تلگراف مخصوص رئیس پست انگلیس مقیم بندرعباس، و طلب انگلیسی است در این صورت معلوم می‌شود که دفتر مزبور مخصوص به اشخاص مزبوره است و این مسئله هم مخالف معاهده است.

به موجب راپورت مسیو (وافلارت) و به عقیدهٔ چاکر دولتخواه لازم است که بیرق دولت علیه ایران فوراً در هنجان نصب شود و راهدار خانهٔ گمرکی در آنجا برقرار گردد و مخصوصاً به ادارهٔ مرکزیه تلگرافخانهٔ انگلیس اظهار شود که به رئیس تلگرافخانهٔ هنجان غدغن و سفارش نمایند، تلگرافات ادارات دولتی را بدون تعلل و مسامحه مخابره نمایند.

از طرف دیگر حسب‌الامر الاقدس الاعلی و حضرت مستطاب اشرف والا، چند روز دیگر پست دولتی بین بندرعباس و هنجان دایر و برقرار خواهد گردید.

علی ای حال، به رئیس گمرکات خلیج فارس مجدداً غدغن و سفارش خواهم کرد که حتی‌الامکان بیرق دولت علیه ایران در جزایر خلیج مزبور همیشه باید منصوب و

برقرار باشد. زیاده جسارت است.



شماره: ۸۶
فرستنده: جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در هندوستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۲
متن سند:

روزنامهٔ مصور پاریس که به تاریخ ششم اگوست چاپ شده است، می‌نویسد که انگلیسها در ماه ژوئن که بیرق دولت انگلیس را در جزیره‌های ابوموسی و طنب (تنب) در خلیج فارس زده بودند، با حکم صدارت عظمی دولت علیه ایران بیرقها را پایین آوردند. محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض آن نموده.

جنرال قونسلگری دولت علیه ایران
در هندوستان
نمره ۱۳۳ فی ۲۸ صفر المظفر ۱۳۳۴

روزنامه مشهور پارسی در تاریخ ششم اگست جاری نشریات مرقومه
که انگلیسی در ماه ژوئن در برق دولت انگلیس را در فقره برقیه‌ای
آبوشهری و ملتب در خلیج فارس زده. لهذا با حکم صدارت
عظمی در لفافه ایشان برق‌ها را با این گزارش معروض تقدیم نمودیم
حسب الامر آن [illegible]
چاکر محمود نظم السلطان

شماره: ۸۷
فرستنده: یادداشت وزیر امور خارجهٔ وقت ایران
گیرنده:
تاریخ: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳
متن سند:

در باب تمب و ابوموسی با وزیرمختار انگلیس مذاکرات مفصل شد یک دفعه به واسطهٔ پیغام و یک دفعه بلاواسطه. خود دیشب مذاکره کرد حرف وزیرمختار انگلیس این است که من این اظهار دولت ایران را به دولت خود تلگراف نمایم تا جواب بدهند.

ولی این دو محل، ملک شیخ شرقان است سری هم که محل ممکن است مال شیخ شرقان است سری را دولت ایران تصرف کرد و بیرق در آنجا افراشته این دو محل تمب و ابوموسی را هم که دولت ایران ادعا دارد، شیخ شرقان بیرق بلند کرده هر دو طرف یا باید بیرق خود را بردارند. یعنی دولت ایران بیرق خود را از سری بردارد. شیخ شرقان هم بیرق خود را از تمب و ابوموسی بردارد تا رسیدگی شود یا اگر دولت ایران در سری مداخله خود را موقوف ندارد، شیخ شرقان هم مداخله دراین دو محل تمب و ابوموسی باید داشته باشد تا وقتی که تحقیق و رسیدگی شود. جواب داده شد که سری هرگز با تمب وابوموسی شباهت ندارد که هر معامله در تمب و ابوموسی شود در سری هم شود دولت ایران سری، تمب وابوموسی و تمام بنادر و جزایر خلیج‌فارس را ملک مخصوص خود می‌داند. شیخ شرقان بتازگی در این دو جزیرهٔ تمب و ابوموسی تصرفات کرد و بیرق بلند کرد و حقش همان بود که بیرق او موقوف و بیرق ایران افراشته شود، سفارت انگلیس اصرار کرد بیرق شیخ باقی بماند.

وزارت امور خارجه

نمره  دائره

[illegible]

شماره: ۸۸
فرستده: وزارت امور خارجه
گیرنده: حاکم بوشهر (دریابیگی)
تاریخ: ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۳
متن سند:

سواد تلگراف وزارت خارجه به توسط موقرالدوله به دریابیگی حاکم بوشهر

۱۹جمادی‌الاول ۱۳۲۳

تلگراف شما در باب تصرفات مالکانهٔ شیخ ابودعس در جزیرهٔ تمب رسید و به سفارت اظهار شد و به جنرال قونسولگری بوشهر تلگراف کردند و حالا از قرار اطلاعی که از جنرال قونسولگری می گویند، رسیده است. اظهار می دارند که شیخ مشارالیه در جزیرهٔ تمب ابداً تصرفی نکرده و خانه و بنایی نساخته است و نیز می گویند که جناب سامی هم در آنجا پیاده نشده‌اید و از جهاز با دوربین آنجا را تماشا کرده‌اید و بالنتیجه اظهارات شما را تکذیب می کنند و اظهار می‌دارند که جنرال قونسول بوشهر مأموری تعیین می کند. حاکم بوشهر هم مأموری معین نماید که این دو به اتفاق بروند در آنجا متفقاً اقدامات شیخ را مشاهده کنند و اگر این طور باشد، ممانعت از او خواهد شد. لهذا زحمت می دهم که اگر همین طور است که اظهار داشته اند، یک نفر مأمور مطلع شایسته با اطلاع جناب موقرالدوله معین کرده و اطلاع بدهید تا از اهتمام سفارت به جنرال قونسول اطلاع بدهد که مأمور معین نماید و به اتفاق بروند، تحصیل اطلاعات کرده راپورت صحیحی بدهند تا اقدامات لازمه بشود.

نصرالله مشیرالدوله

٤٢٩٢

براد کوکواف وزارت خارجیه [illegible]

١٩ جمادی الاولی ١٣٢٣

مقواف [illegible] ... بنجرال قونسولی [illegible]

[illegible]

[illegible]

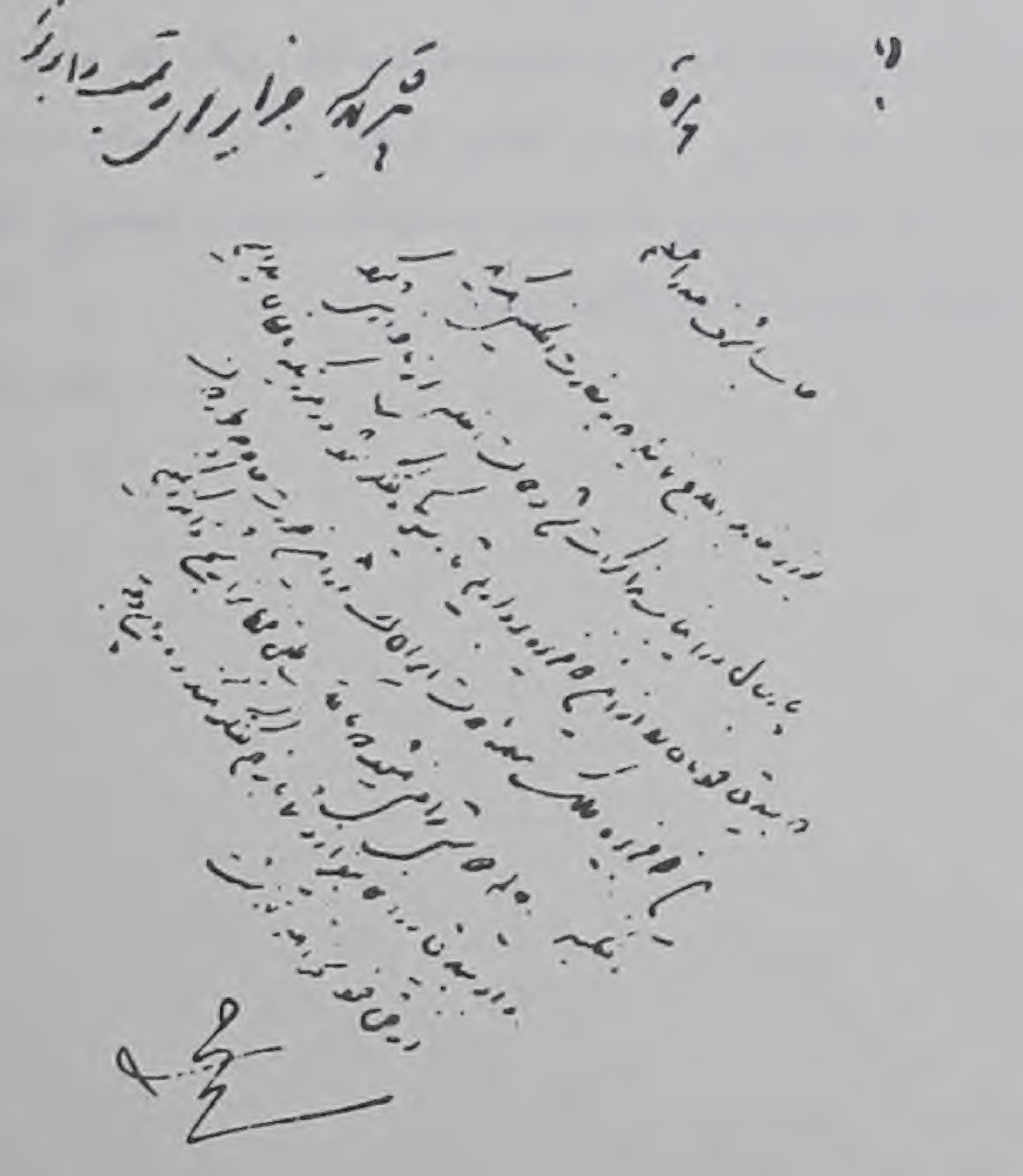
[illegible]

[illegible]

[illegible] بنجرال قونسولی [illegible]

شماره: ۸۹
فرستنده: مظفرالدین شاه
گیرنده: صدراعظم
تاریخ: ۱۳۲۳
متن سند:

جناب اشرف صدراعظم
به وزیر خارجه ابلاغ نمایند که به سفارت انگلیس بگوید، پارسال در این باب مذاکرات شد. دولت انگلیس از ما خواهش کرده که بیدق خودمان را از این دو جزیره برداریم تا رسیدگی و گفتگو شود در صورتی که ما خودمان می‌دانیم که این دو جزیره، ملک مسلمهٔ دولت ایران است در این صورت حالا چطور دولت انگلیس در عالم دوستی راضی می‌شود که ما ملک طلق خودمان را به شیخ واگذار کنیم و اوبیدق در آنجا بیفرازد. شما باز هم گفتگو کنید و ما به هیچ وجه از حق خود نخواهیم گذشت.
امضا: مظفرالدین شاه



شماره: ۹۰
فرستنده: کارگذاری اول بنادروجزایر خلیج ایران و سواحل بلوچستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

در اوایل سنهٔ ۱۳۲۶ تکران ملکم وکیل کمپانی استریک، چند نفر مزدور را با توصیهٔ خارجی از بوشهر به بندر لنگه فرستاده، از بندر لنگه نیز مزدور زیادی به معاضدت و همراهی و مباشرت علی و ابراهیم برادران آقا بدر بابیل و اسباب حفاری در جهاز بادی به جزیرهٔ ابوموسی رفتند. چندی در معدن مشهور ابوموسی گلک [ گل] سرخ حفر نموده . پس از آماده شدن مقدار کافی جهاز طبرستان از بوشهر به جزیرهٔ ابوموسی رفت و گلک [گل] موجوده را برای لندن حمل نمود. در موقعی که جهاز طبرستان مشغول حمل گلک بود، کاپیتان جهاز مشغول تحصیل اطلاعات و معلومات جدیده در جزیرهٔ مزبوره شده و گویا چند معدن گلک دیگر را نیز در آن جزیره پیدا نمودند، ولی اهمیتش از معدن اولی کمتر بوده در سنهٔ ۱۳۲۷ مجدداً همان علی و ابراهیم با چند مزدوری بدان جزیره رفته مشغول حفر گلک شدند، مقداری حفر و در یکی از جهازات کمپانی استریک به لندن فرستاده‌اند. گویا در اواخر سنهٔ ۱۳۲۷ مرتبهٔ ثالث نیز به همان ترتیب حفر و حمل لندن کرده باشند و مسلم است که این اقدامات وکیل کمپانی استریک نباید بدون اطلاع و اجازه جنرال قونسولگری انگلیس باشد.

محض اطلاع خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید.

۱۹ ... ۱۲

کارگذاری اول بنادر وجزایر خلیج ایران
وسواحل بلوچستان
اداره .
از مورخه ۱۴ شهر شوال‌المکرم سنه ۱۳۲۸
نمره عمومی خصوصی
نمره ۶۴

در اوایل سنه ۱۳۲۶ مستر ان علم ولسن کمپانی استریک چند نفر از ... را با توصیه خارجی از بوشهر
به بندر لنگه فرستاده از بندر لنگه ... نفر از ... با سمت خدمت و همراهی و مباشرت شیخ ابراهیم
را با ... بیل و اسباب حفاری در جهازی بجزیره ابوموسی رفتند چندی در معدن مشهور
ابوموسی مشغول استخراج خاک سرخ شدند پس از آماده شدن مقداری که در جهاز ... ستان از بوشهر
بجزیره ابوموسی رفت و خاک موجوده را برای لندن حمل نمود در موقع ورود جهاز ... ستان
مشغول حمل خاک بود کاپیتان جهاز مشغول تحصیل اطلاعات و معلومات جدیده در جزیره
مزبوره شده و گویا چند معدن خاک دیگر را نیز در آن جزیره پیدا نموده ولی در تفتیش
از معدن اولی اکتفا نمود در سنه ۱۳۲۶ مجدداً همان شیخ ابراهیم با چند نفر ... بدان جزیره رفته مشغول
حفر خاک شده مقداری حفر و در یکی از جهازات کمپانی استریک به لندن فرستاده اند گویا
در اواخر سنه ۱۳۲۷ دفعه ثالث نیز بهمان ترتیب حفر و حمل لندن کرده باشند و مسلم است
در این اقدامات وکیل کمپانی استریک بنا بر بدون اطلاع و اجازه جنرال قونسولگری
انگلیس بشر ... خاطر خطیر مبارک صدارت ... و ...

شماره: ۹۱
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

جزیرهٔ ابوموسی واقع در خلیج‌فارس بیست‌وپنج درجه و پنجاه دقیقه در عرض شمالی، و پنجاه‌وپنج درجهٔ طول شرقی، از گرینچ اتفاق افتاده. جنوباً پنجاه‌وپنج میل از لنگه و چهل‌وپنج میل از شارجه دور می‌باشد. مساحت ارضیهٔ آن تقریباً شش الی هشت میل‌مربع، جمعیت آن گاهی از سی الی چهل خانوار می‌رسد. این جزیره چون آب گوارا نداشته، غالباً غیرمسکون بوده است، و معلوم نیست ساکنین موقتی آنجا به کسی مالیات داده باشند و یا تحمیلی بر آنها از طرف شیخ یا رئیس برقرار شده بوده است یا خیر. سابق بر این که تمام برّ عمان جزو مستملکات ایران بود، مسلماً این جزایر در حال مسکونی و آبادی باجگذار و مالیات بدهٔ دولت علیه بوده‌اند. ولی از زمانی که تسلط ایرانیان از برّ عمان کاسته شد، این جزایر نیز هر روز به دست یکی از مشایخ اعراب افتاد و چون فایدهٔ فعلی و آنی نداشت، متصدیان امور بنادر در صدد رفع سلطهٔ مشایخ اعراب ازآنجاها برنیامدند و اوقاتی که معدن گلک [گل] در جزیرهٔ مزبوره کشف شد، مرحوم ناخدا علی بوشهری و حسن بن علی سمیه که وکیل کمپانی جهازات عجم [کشتی‌های ایرانی] در لنگه بود، به هر ملاحظه که داشته استخراج گلک [گل] را از شیخ شارجه اجازه نموده بودند. که گویا ناخدا علی و یا پسر او حقوق خود را به تجارتخانهٔ آلمانی ترک کرده بوده است که در سه‌چهار سال قبل تجارتخانه مزبوره می‌خواسته است بنای عمارتی در آنجا کرده و اسباب و مقتضیاتی فراهم بیاورد که شیخ شارجه مانع شده. موجب احداث مذاکرهٔ فی‌مابین انگلیسها و آلمانها گردید که گویا تاکنون این گفتگو فی‌مابین مأمورین دولتین معظم‌لها مطرح مذاکره است و هشت سال قبل موسیو دامرن رئیس گمرکات جنوب با اطلاع موسیونوز و یا به خودی خود بی‌موقع و بدون ملاحظه اطراف کار با کشتی دولتی مظفری به جزیرهٔ موسی رفته، بیدق دولت علیه را در آن جزیره نصب و تفنگچی و استعداد در آنجا گذاشت. ولی شیخ شارجه به سوق طبیعت عشایری و یا به تحریک دیگران به ادعای مالکیت برخواست، که گفتگوی این فقرها در دارالخلافه به کجا منجر و منتهی شده. البته در دفاتر وزارت جلیلهٔ خارجه باید

مضبوط باشد که بالأخره به حکم طهران، موسیو وافلر رئیس گمرک جنوب به جزیرهٔ مزبوره رفته تفنگچی و غیره را که موسیو دامرن در آنجا گذاشته بود، برداشت. محض مزید اطلاع خاطر خطیر جسارت به عرض ورزید.

( کارگذاری اول بنادر خلیج فارس )

تاریخ ۱۲ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۲۸

نمره ۶۳

جزیره ابوموسی واقع در خلیج فارس بیست و پنج درجه و نیم [illegible] عرض شمالی و پنجاه و پنج درجه طول شرقی [illegible]

قسمتهای جنوبا پنجاه و پنج میل از لنگه و چهل و پنج میل از شارجه دور واقع شده مساحت ارضیه آن تقریبا شش الی هشت میل مربع

جمعیت آن [illegible] خانوار [illegible] این جزیره چون آب گوارا نداشته غالبا غیرمسکون بوده است و معلوم نیست

[illegible] از طرف شیخ [illegible] بوده است [illegible] سابق [illegible] که تمام

[illegible] جزو متصرفات ایران بوده [illegible] این جزایر در حال [illegible]

[illegible] این جزایر [illegible] شیخ اعراب [illegible]

[illegible] شیخ اعراب [illegible] در جزیره [illegible]

[illegible] (کشتیهای ایرانی) [illegible]

[illegible] استخراج [illegible] از شیخ شارجه اجاره نموده [illegible] حقوق خود

[illegible] تجارتخانه [illegible]

[illegible] شیخ شارجه [illegible] انگلیس و آلمان

[illegible]

[illegible] رئیس گمرکات جنوب [illegible] ملاحظه اطراف کار [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] شیخ شارجه [illegible]

[illegible] به گفتگوی [illegible] جنوب به جزیره

[illegible] وزارت جلیله خارجه [illegible] بالاخره به حکم طهران موسیو وافلر رئیس گمرک جنوب به جزیره [illegible]

رفته تفنگچی و غیره را که موسیو دامرن در آنجا گذاشته بود برداشت محض مزید اطلاع خاطر خطیر [illegible]

[illegible]

شماره: ۹۲
فرستنده: (کارگذاری فارس)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

استخراج تلگراف رمز از شیراز

تلگراف رمز مورخهٔ چهارم ششم زیـارت چند روز گذشته هم کردستونی‌ها از طوایف قشقایی سیم را خراب کرده بودند. دولت علیهٔ ایران در ابوموسی تصرف مرددی نداشتند. در سال ۱۳۱۷ که معین‌التجار هرمز را اجاره کرد، چون جزیرهٔ ابوموسی گِل سرخ (اکسیداوایرن) دارد، ناخدا علی به رقابت او ابوموسی را از شیخ شارقه اجاره نمود. همان وقت بایستی مأمورین دولت از او مؤاخذه کنند و جزیره را تصرف نمایند، ولی اقدامی نشد. در اواخر سال ۱۳۲۱ بنده باز به بوشهر رفتم، این فقره را به وزارت خارجه نوشتم و به گمرک هم نوشتم مستقیماً به مشارالیه حکم شد و بیرق دولت را در ابوموسی و تمب افراخت. طولی نکشید که باز مستقیماً به او حکم رسید که بیرق دولت را از جزیره بردارد، همان ایام هم انگلیسها بنای بعضی تصرفات را در جزیرهٔ هنگام گذاشته که تفصیل آن را البته در دفتر وزارت خارجه ملاحظه فرموده‌اند.

[پی نوشت:]
آقای معاون وزارت خارجه

مجلس اداری رجوع به سابقهٔ این کار نموده، آنچه لازم است به وزارت داخله نوشته شود تا امضا نمایم.

حسینقلی ۲۷ شوال ۱۳۲۸

وزارت امور خارجه

اداره کابینه ۲۱ دائره رمز استخراج تلگراف رمز از شیراز

مورخه ۲۶ شهریور ۱۳۲۸

نمره ۹۴ ۰ ۱

تلگراف رمز نمره چهارم ششم زیارت چند روز گذشته هم کروستیا از جوانب قضیه

سیم به جواب که بعد از دولت علیه ایران در ابوموسی تصرف مالکانه داشته در سال ۱۳۱۷

که معین التجار امر به اجاره که جزیره ابوموسی گل سرخ (اکسید دو فرن)

داده نامه اعلا به رقابت او ابوموسی را از شیخ شارقه اجاره نموده الا وقت

بالنتیجه مأمورین دولت — از او مراجعه کرده و جزیره را تصرف نمایند ولی

اقدامی نشد در اواخر سال ۱۳۲۱ بنده باز به بوشهر رفتم این فقره را

به وزارت خارجه نوشتم و به گمرک هم نوشتم مستقیماً به مشارالیه حکم شده و بیرق

دولت را در ابوموسی نصب افراخت طولی نکشید که باز مستقیماً از

حکم رسید که بیرق دولت را از جزیره بردارد الان ایام الی المطلب ناتما

بعض تصرفات را در جزیره انجام گذاشته که تفصیل آن را البته در دفتر

وزارت خارجه ملاحظه فرمایند علیجه

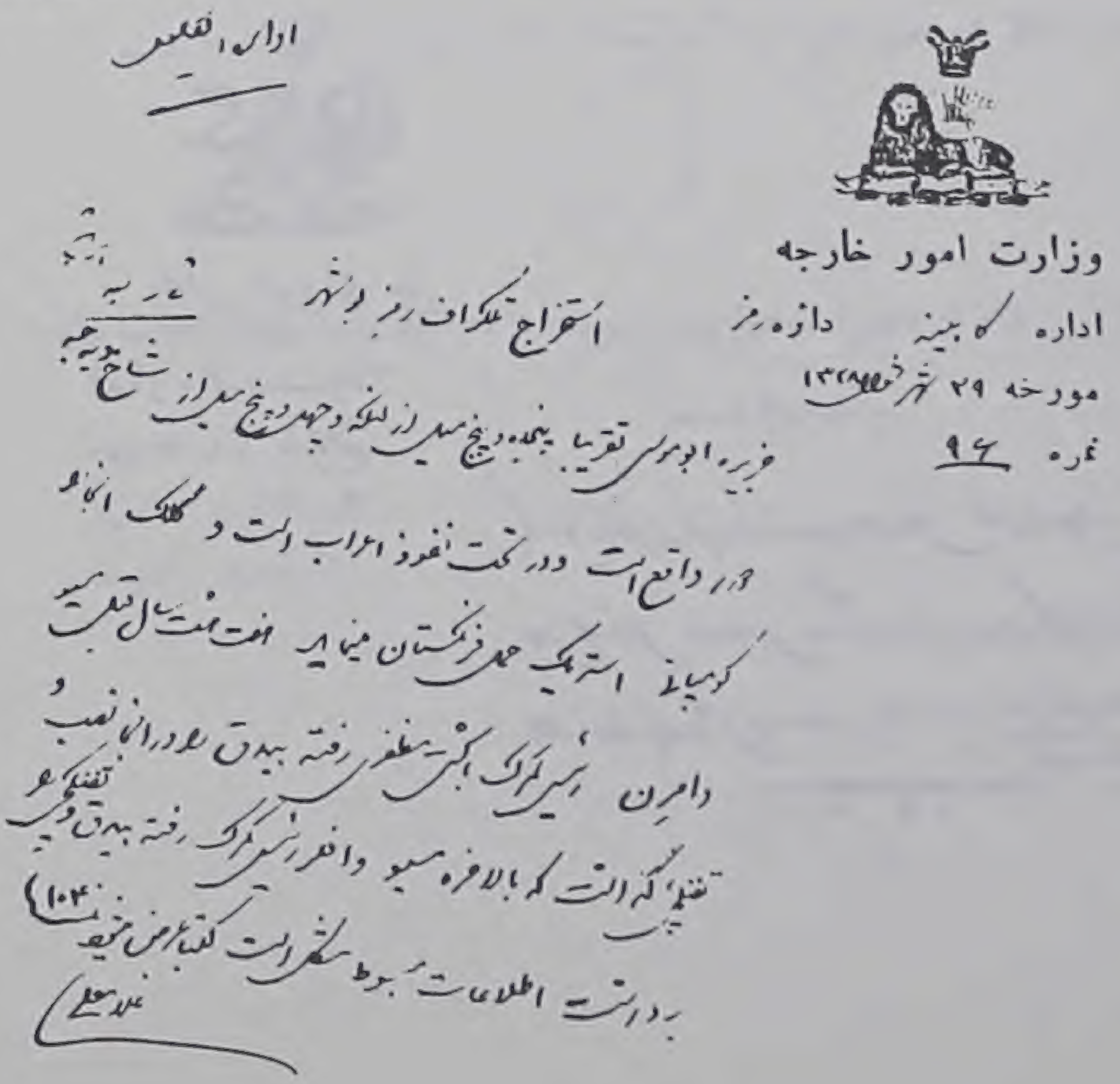
شماره: ۹۳
فرستنده: (کارگذاری بوشهر)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

استخراج تلگراف رمز بوشهر

جزیرهٔ ابوموسی تقریباً پنجاه‌وپنج میل از لنگه و چهل‌وپنج میل از شارجه دور واقع است و در تحت نفوذ اعراب است و گلک آنجا را کمپانی استریک حمل فرنگستان می‌نماید. هفت هشت سال قبل مسیو دامرن رئیس گمرک با کشتی مظفری رفته بیدق را آنجا نصب و تفنگچی گذاشت که بالاخره مسیووافلر رئیس گمرک رفته بیرق و تفنگچی را برداشت.

اطلاعات مبسوط مشکل است کتباً عرض می‌شود.

امضاء غلامعلی

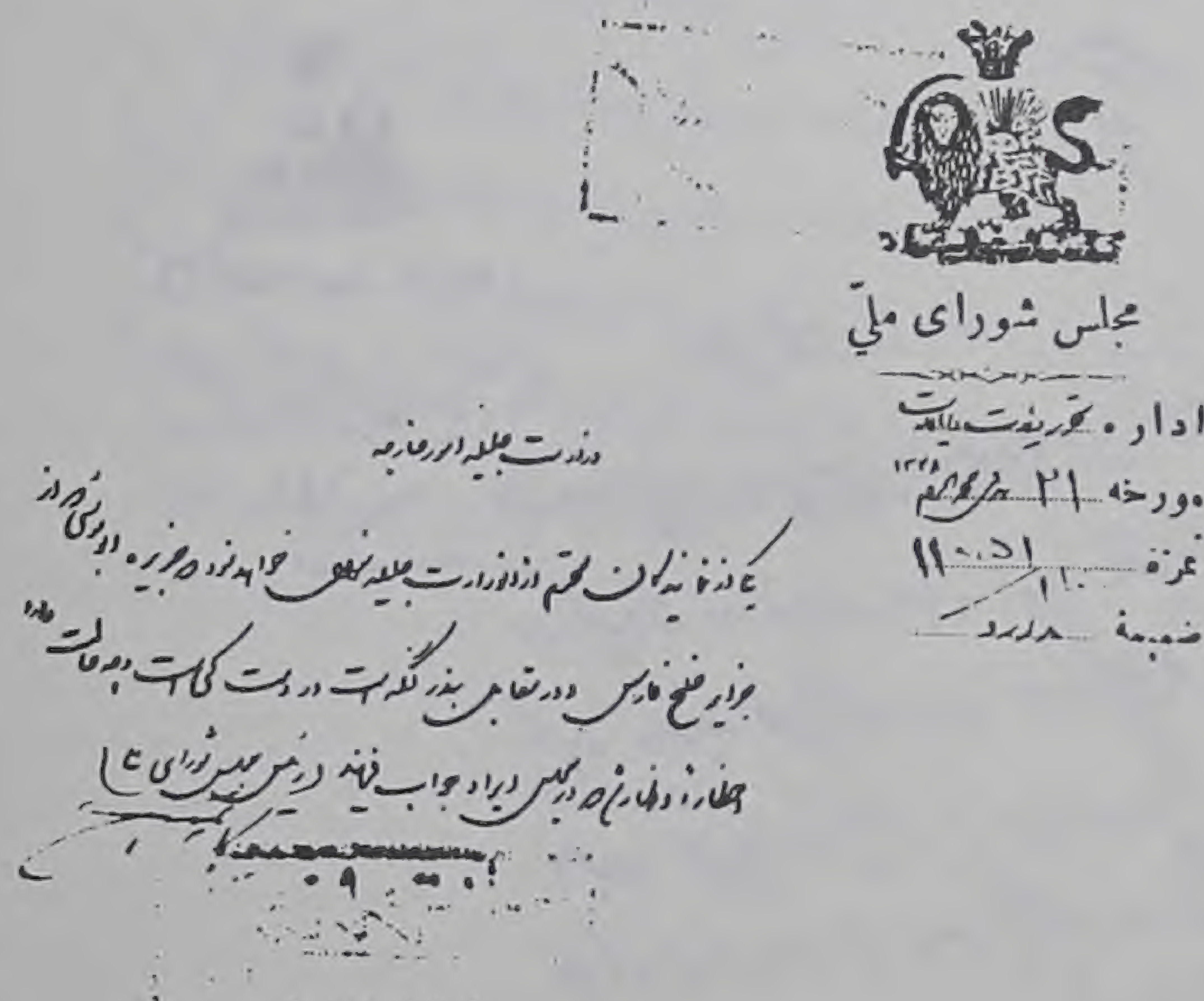

وزارت امور خارجه
اداره کابینه
دائره رمز
استخراج تلگراف رمز بوشهر
مورخه ۲۹
نمره ۹۶

شماره: ۹۴
فرستنده: مجلس شورای ملی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

یکی از نمایندگان محترم از آن وزارت جلیله سؤال خواهد نمود که جزیرهٔ ابوموسی که از جزایر خلیج فارس و در مقابل بندر لنگه است، در دست کی است و چه حالت دارد. اخطاراً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی
ذکاء‌الملک


مجلس شورای ملی
اداره
مورخه
نمره
ضمیمه

وزارت جلیله امور خارجه
یکی از نمایندگان محترم از آن وزارت جلیله سؤال خواهد نمود که جزیره ابوموسی که از جزایر خلیج فارس و در مقابل بندر لنگه است در دست کی است و چه حالت دارد اخطاراً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرمایند
رئیس مجلس شورای ملی

شماره: ۹۵
فرستنده: راپورت ادارهٔ اول سیاسی وزارت امور خارجه
گیرنده: (وزیر امور خارجه)
تاریخ: ۲۹ آذر ۱۳۰۵
متن سند:

راپورت

مکتوب وزارت مالیه و سابقهٔ آن در باب جزیره ابوموسی واقعه در خلیج فارس، از لحاظ مبارک می‌گذرد، سابقهٔ که این سنوات قدیمه در دفتر وزارت خارجه به دست آمده، موافق راپورتی است که ادارهٔ گمرک به وزارت مالیه داده و در لف است. از دو سه سال قبل که این مسئله مطرح شد، وزیرمختار انگلیس در مقام رد یاداشت وزارت خارجه راجع به ابوموسی برآمد و اظهار داشت که هرگاه دولت ایران بخواهد ادعای خود را بر آنجا که در تصرف شیخ شارجه است طرح کند، ما هم ناگزیریم که جزیرهٔ سیری را از دولت ایران مطالبه کنیم. شرحی در این باب به مقام ریاست وزرا نوشته‌که‌در کابینهٔ آنجا البته ضبط است حالا هر طور نظر مبارک است، مقرر فرمایند که به وزارت مالیه جواب نوشته شود.

[پی نوشت:]

سابقهٔ این کار از دفتر استخراج و راپورت داده شود تا تکلیف جواب وزارت مالیه معین شود.

امضا

۴ نمونه (۱۰)

تاریخ ۲۹ آذر سنه ۱۳۰۱

وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

دایره

مکتوب وزارت جلیله [illegible] ۱۱۵ در باب جزیره [illegible]

[illegible]

[illegible] وزارت جلیله [illegible]

[illegible] وزارت [illegible]

در [illegible] سال قبل [illegible] وزیر مختار

انگلیس [illegible] وزارت جلیله

راجع به [illegible]

[illegible]

[illegible]

ل - ۳۸۲

شماره سند: ۹۶
فرستنده: راپورت ادارهٔ اول سیـــاسی وزارت امور خارجه
گیرنده: (وزیر امور خارجه)
تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۰۵
متن سند:

نظر به راپورت واصله از کارگذاری بوشهر در خصوص جزایر تنب، ابوموسی و سیری و غیره و سؤال وزارت مالیه راجع به مالکیت دولت ایران در جزیره تنب و ابوموسی که ضمیمهٔ این راپرت است، مقرر فرموده‌اند راپورتی از دوسیه‌های قدیم‌وجدید وزارت خارجه تهیه و تقدیم شود. اینک به شرح ذیل مبادرت به عرض می‌ورزد:

در سنهٔ ۱۳۳۲ راپورتی به وزارت خارجه واصل گردید که جنرال قونسول انگلیس مقیم بوشهر در مقام اجارهٔ خاک سرخ واقعه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی از شیخ شارجه (از مشایخ جزایر عمان است) برآمده است راپورتی برحسب امر مقام وزارت از دوسیه‌های سابقه استخراج و تقدیم شد که خلاصه آن از این قرار است:

در زمان وزارت گمرک مسیونوز به تاریخ ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۲، رئیس‌گمرک بنادر خلیج می‌خواسته در جزیرهٔ تنب و ابوموسی بیرق دولت علیه را نصب نماید، شیخ رأس‌الخیمه (که از مشایخ جزایر عمان است) مدعی مالکیت جزیرهٔ تنب و شیخ شارجه مدعی مالکیت جزیرهٔ ابوموسی شده بیرق خودشان را در این دو جزیره نصب می‌نمایند.

سفارت انگلیس به موجب مراسلهٔ مورخهٔ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ به این مسئله استناد نمود که چون در این دو جزیره از طرف دولت ایران تصرفات مالکانه به هیچ‌وجه نشده و این دو شیخ اول کسی بوده‌اند که مبادرت در نصب بیرق نموده‌اند، دولت ایران دست نگاه دارد تا رسیدگی در حق مالکیت طرفین بشود. دولت ایران نیز بنابر مصالحی موقتاً بیرق خود را پایین آورده ولی بعد از چندی باز موضوع با سفارت انگلیس به میان گذاشته شده.

مدیر ادارهٔ انگلیس در تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ وزیرمختار را ملاقات نمودند. اظهار ژنرال قونسولگری انگلیس مقیم بوشهر را دایر براینکه چون سابقاً حکام بندر لنگه از مشایخ جواسمی بوده‌اند و مشایخ شارجه هم از همان طایفه هستند، و به این جهت حاکم بندر لنگه دخالتی در آنجا کرده است، رد و اظهار نموده است که جواسمی کنگی

از جواسمی عمانی مجزی بوده و هستند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است و راجع به جزایر مزبور نیز از روی نقشه این طور استدلال کرده است که این دو جزیره به ساحل ایران نزدیک و از عمان دور و از توابع بندر لنگه هستند و دخالت شیخین به کلی برخلاف حق است ولی سفارت موکول به مراجعه لندن نموده و اختلاف مزبور ادامه داشته است.

از مقام وزارت مقرر گردیده که مراسلهٔ اعتراضیه به سفارت نوشته شود.

در تاریخ دویم جوزای ۱۳۰۲ به سفارت انگلیس نوشته شد که نظر به حق مالکیت دولت ایران در دو جزیره مزبوره، لازم است جنرال قونسول انگلیس از مبادرت به اجارهٔ غیر مشروع خاک سرخ احتراز نماید.

معلوم شد قبل از اینکه مراسله به سفارت فرستاده شود، سفارت از خارج مستحضر گردیده و یادداشتی حضوری به حضرت اشرف آقای مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرای وقت داده، ولی آقای وزیر امور خارجه وقت مسبوق نبوده‌اند.

پس از اینکه مراسله به سفارت فرستاده شد، وزیرمختار انگلیس آن مراسله را با مکتوب دیگری که بعنوان حضرت اشرف آقای مستوفی‌الممالک می‌نویسد، به توسط نایب سفارت حضور حضرت معظم می‌فرستند و وزیرمختار در هر دو مکتوب خود، دوستانه آقای رئیس‌الوزرای وقت را واقف می‌کند که اگر در این ادعای مالکیت نسبت به تنب و ابوموسی تجدید مطلع شود، دولت انگلیس اقدامات مؤثره برای حفظ حقوق شیخ شارجه نسبت به جزایر مزبوره خواهد کرد.

دلایل مالکیت دولت علیه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی مطابق سابقه که در وزارت خارجه است، از این قرار است:

اولاً، جزیرهٔ تنب و ابوموسی سابقاً ضمیمهٔ حکومت بندر لنگه بوده است.

ثانیاً، نقشه را که وزارت جنگ انگلیس کشیده و وزارت خارجه انگلیس در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۱۷ ذیقعده ۱۳۰۵ (۲۷ ژوئیه ۱۸۸۸) به وزارت خارجهٔ ایران ارسال داشته است، در آنجا جزیرهٔ تنب و ابوموسی و سیری را جزو خاک ایران تعیین و به‌رنگ خاک داخلهٔ ایران رسم نموده‌اند و بحرین به رنگ مستملکات خارجی رسم شده است.

ثالثاً، جواسمی دو طایفه بوده‌اند عرب و عجم، طایفهٔ عجم در بندر لنگه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی سکنی نموده‌اند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است. فقط شیخ شارجه که از جواسمی عرب است، به عنوان اینکه سکنهٔ تنب و ابوموسی نیز جواسمی هستند، آنجا را جزء حکومت خود می‌دانند و اگر حقوق دولت ایران در تنب و ابوموسی

تعقیب نشود، حق دولت را در جزیرهٔ بحرین که دورتر از سواحل ایران است، متزلزل خواهد نمود.

بعد آقای مصدق‌السلطنه وزیر خارجهٔ وقت با وزیرمختار انگلیس شفاهاً داخل مذاکره شدند. وزیرمختار گفته بود که هرگاه دولت ایران بخواهد دعاوی خود را در خصوص جزیرهٔ تنب و ابوموسی تجدید نماید، دولت انگلیس هم در خصوص جزیرهٔ سیری دعوای خود را مسکوت‌عنه گذارده است، تجدید خواهد کرد. زیرا تصرفات دولت ایران در سیری از سپتامبر ۱۸۸۷ میلادی است که به آنجا قشون فرستاد و دولت انگلیس این تصرف را تصدیق نکرده و مطلب را مسکوت‌عنه گذارده است. حال هرگاه دولت ایران در دو جزیرهٔ مزبوره دعاوی خود را تکرار کند، دولت انگلیس هم ناگزیر است ادعای خود را در جزیرهٔ سیری اقامه کند.

وزیرمختار اظهار داشته است که در سنهٔ ۱۹۰۴ این عمل خاتمه یافته و دولت ایران فقط وقتی می‌تواند تقاضای رسیدگی در امر نماید که دلایل دیگری غیر از دلایل ۱۹۰۴ اقامه کند. وزیرمختار گفته بوده است نقشه و کاغذ (لُرد سالیس بُری) یک دلیل جدیدی است که در ۱۹۰۴ اقامه نشده و نمی‌تواند مدارک ادعای دولت ایران واقع شود.

آقای مصدق‌السلطنه یادداشتی برای ضبط در دوسیه مرقوم داشتند مشعر بر اینکه در جلسهٔ ۱۶ میزان ۱۳۰۲، موضوع جزیرهٔ تنب و ابوموسی برای دستور اقدام در هیئت وزرای عظام تعقیب شد به دلایلی که در صورت جلسهٔ مزبوره درج گردیده، قرار شد چندی تأمل شود تا مقصودی که دولت در نظر دارد انجام یافته و بعد از مراجعت وزیرمختار انگلیس از عربستان، در این باب اقدام شود. مقصود مزبور راجع به طغیان شیخ‌خزعل و قشون‌کشی دولت به خوزستان بوده است.

اخیراً هم گویا از طرف ادارهٔ گمرک یک کشتی برای تفتیش به جزیرهٔ ابوموسی رفته بوده است و سفارت انگلیس مکاتبهٔ خصوصی با ریاست وزرا، اعتراضاً نموده که البته در کابینهٔ ریاست وزرا ضبط است و وزیر مختار شفاهاً با آقای داود خان مفتاح، کفیل وزارت خارجه هم مذاکره کرده بوده است، حالا منوط به نظر دولت است.

امضا

[پی نوشت:]

محرمانه است

ریاست ادارهٔ اول سیاسی

به نظر بنده، اولاً باید تمام سوابق موجوده در این باب چه در وزارت خارجه و

چه در وزارتخانهٔ مالیه و داخله و جاهای دیگر، هرچه زودتر جمع‌آوری شده و مطالعات دقیقتری راجع به هریک از جزایر که در این راپرت ذکر شده، به عمل آید و وضعیت فعلی هر یک از آنها به طور صریح و قطعی معین گردد و البته می‌توان از ارباب بصیرت و مطلعین به وضعیات آن نقاط نیز تحقیقات لازمه نمود. تمام اسناد و دلایل مالکیت ایران را به دست آورد و بدیهی است عندالاقتضا دستورهای جامعی به مأمورین محلی هم صادر خواهید فرمود و ثانیاً پس از اینکه معین شد کدام یک از جزایر مزبوره بلامعارض و کدامیک از آنها متنازع‌فیه است، باید نسبت به قسمتی که بلامعارض است اقدام مقتضی برای تصرف آنها به عمل آید و در باب قسمت متنازع‌فیه لازم است مطالعات عمیقی برای پیدا کردن طرق قانونی تصرف آنها شده و معین شود که دولت ایران برطبق قوانین بین‌المللی و اساسنامهٔ جامعهٔ ملل به چه ترتیب می‌تواند در این باب اقدام نماید. بدیهی است به فوریت با تبادل‌نظر با رئیس ادارهٔ جامعهٔ ملل، راپرت جامع‌الاطرافی برای هیئت وزرا تهیه خواهید فرمود.

۱۳ بهمن

[پی نوشت:]

دستور حضرت آقای معاون کل به عرض مقام منیع وزارت رسید، مقرر فرمودند نظر به وضعیات سیاسی فعلی عجالتاً مسکوت بماند تا در موقع خود مطرح شود.

۲۲ بهمن ۱۳۰۵

٤ نمونه (۸)

بتاریخ ۲۱ ... ماه سنه ۱۳۰۵

نمره ........ ضمیمه ........

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

دائره: ........

راپورت

نظر به راپورت واصله از کارگزاری بوشهر در خصوص جزایر تنب و ابوموسی و سیری و غیره و استعلام وزارت جلیله راجع بمالکیت دولت ایران در جزیره تنب و ابوموسی که ضمیمه این راپورت است مشروحه راپورتی از دوسیه‌های قدیم و جدید وزارت خارجه تهیه و تقدیم شود یک شرح ذیل سابقه امر عرض میشود :

در سنه ۱۳۲۲ راپورتی بوزارت خارجه واصل گردیده که جنرال قونسول انگلیس مقیم بوشهر در مقام ادعای خاک سرخ واقعه در جزیره تنب و ابوموسی از شیخ شارجه (از شیوخ جزایر عمانات) برآمده است .

راپورتی که حسب الامر مقام وزارت از دوسیه‌های سابقه استخراج و تقدیم شده خلاصه آن از این قرار است :

در زمان وزارت گمرک مسیو نوز بتاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۲ بیرق گمرک را در خلیج [illegible] در جزیره تنب و ابوموسی بیرق دولت علیه را نصب نماید شیخ رأس الخیمه (که از شیوخ جزایر عمانات است) ادعای مالکیت جزیره تنب و شیخ شارجه ادعای مالکیت جزیره ابوموسی نموده بیرق خودشان را داخل در جزیره نصب مینمایند .

سفارت انگلیس بموجب مراسله مورخه ربیع ۱۳۲۲ [illegible] نوشته‌اند چون دولت این جزیره را از طرف دولت ایران تصرفات [illegible] نکرده لذا دولت [illegible] شیخ [illegible] که سابقاً در نصب بیرق نموده‌اند دولت ایران دست نگاه دارد تا رسیدگی در حق مالکیت طرفین بشود دولت ایران نیز با رضامندی موقتاً بیرق خود را پائین آورده ولی

بعد از چندی باز موضوع با سفارت انگلیس میان گذاشته شد .

مدیر اداره انگلیس در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۳۱ وزیر مختار را ملاقات نموده اظهار [illegible] قونسولگری انگلیس مقیم بوشهر راجع

۲

دلایل راجع به اینکه چون سابقاً حکام بندرلنگه از شیوخ جواسمی بوده‌اند و شیوخ شارجه هم از همان طایفه هستند و این جهت حاکم بندرلنگه قسمتی از آن

کرده است رد و اظهار نموده است که جواسمی لنگه از جواسمی عمان مجزی بوده و هستند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است و راجع به تکرار ...

در روی نقشه خطیه استدلال کرده است که این جزیره به ساحل ایران نزدیک و از متعلقات و از توابع بندرلنگه هستند و ...

... حق ... ولی سفارت موکول به جواب ... جزیره را ادامه داده است.

از شماره وزارت متبوعه گردیده که مراسله جوابیه به سفارت نوشته شود.

در تاریخ ۱۹ جوزای ۱۳۰۲ سفارت انگلیس نوشته که به نظر حکومت انگلیس دولت ایران در جزیره ... است جنرال قونسول

انگلیس و سفارت با عملیات غیر مشروع حاکم ... اعتراض نماید.

معلوم نیست قبل از اینکه مراسله سفارت نوشته شود سفارت از خارج مستحضر گردیده و یادداشت حضوری حضرت اشرف آقای مشیرالملک

رئیس الوزراء نوشته و ... وزیر امور خارجه وقت مسبوق نبوده‌اند.

پس از اینکه مراسله سفارت نوشته شد وزیر مختار انگلیس آن مراسله را با مکتوب دیگری به عنوان حضرت اشرف آقای ... فرستاده

می‌نویسد توسط نایب سفارت حضور حضرت معظم ... شد و وزیر مختار در ... مکتوب خود ... رئیس الوزراء

وقت ... که اگر دولت ایران ... به تنب و ابوموسی ... شود دولت انگلیس اقدامات مؤثره برای حفظ

حقوق شیخ شارجه نسبت به جزایر مزبوره خواهد کرد.

دلایل دولت علیه در جزیره تنب و ابوموسی مطابق سابقه‌ای که در وزارت خارجه است از این قرار است:

اولاً ـ جزیره تنب و ابوموسی سابقاً ضمیمه حکومت بندرلنگه بوده است.

ثانیاً — نقشه‌ای که وزارت جنگ انگلیس کشیده و وزارت خارجهٔ انگلیس در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۰۵ / ۲۷ ژانویه ۱۸۸۸ به دولت ایران داده

ایران داده است در آنجا جزیره تنب و ابوموسی و سیری را جزو خاک ایران تعیین و به رنگ خاک داخله ایران رسم نموده‌اند و بحرین را به رنگ متصرفات خارجی رسم نموده است.

ثالثاً — جواسم دو طایفه‌اند بعضی از آنها عرب و بعضی عجم، طایفه عجم در بندر لنگه در جزیره تنب و ابوموسی سکنی نموده‌اند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است، فقط شیخ شارجه که از جواسم عرب است به عنوان اینکه سکنه تنب و ابوموسی نیز جواسم هستند آنها را جزء حکومت خود میدانند و اگر حقوق دولت ایران در تنب و ابوموسی تعقیب نشود حاکمیت دولت را در جزیره بحرین که ۵۰ سال از مواضع ایران است متزلزل خواهد نمود.

بعد آقای مصدق‌السلطنه وزیر خارجه وقت با وزیر مختار انگلیس شفاهاً داخل مذاکره شدند، وزیر مختار گفته بود هرگاه دولت ایران بخواهد دعاوی خود را در خصوص جزیره تنب و ابوموسی تجدید نماید دولت انگلیس هم در خصوص جزیره سیری دعوای خود را که مسکوت‌عنه گذارده است تجدید خواهد کرد زیرا تصرفات دولت ایران در سیری از سنهٔ ۱۸۸۷ میلادی است که از آنجا قشون فرستاده و دولت انگلیس این تصرف را تصدیق نکرده و مطلب را مسکوت‌عنه گذارده است، حالا هرگاه دولت ایران در جزیره ابوموسی دعاوی خود را تکرار کند دولت انگلیس هم ناگزیر است ادعای خود را در جزیره سیری اقامه کند.

وزیر مختار اظهار داشته است در سنه ۱۹۰۴ این مسئله خاتمه یافته و دولت ایران فقط وقتی میتواند تقاضای دیگر درباره آنها نماید که دلایل دیگری غیر از دلائل ۱۹۰۴ اقامه کند.

وزیر مختار گفته بود نقشه و کاغذ (لرد سالیسبوری) یک دلیل جدیدی است که در ۱۹۰۴ اقامه نشده و نمیتواند مدرک ادعای دولت ایران واقع شود

۲

آقای مصدق السلطنه وزیر [illegible] برای ضبط ورقه سه مرقوم [illegible] در جلسه ۱۸ برج اسد ۱۳۰۲ موضوع جزیره تنب و ابوموسی

برای رسیدگی اقدام در هیئت وزراء عظام تعقیب نمودند لذا [illegible] در صورت جلسه مزبوره درج گردید قرار شد چندی تأمل شود تا مقصودی

که دولت در نظر دارد انجام یافته و بعد از مراجعت وزیر محترم [illegible] انگلیس از [illegible] در این باب اقدام شود مقصود [illegible]

قشون کشی دولت انگلستان بوده است.

اخیراً هم گویا از طرف اداره گمرک یک کشتی برای تفتیش بجزیره ابوموسی رفته بوده است و سفارت انگلیس مکاتبه مخصوص با ریاست وزراء

اعتراضاتی نموده است در کابینه ریاست وزراء ضبط است و وزیر محترم شفاهاً با آقای داود خان مفتاح کفیل وزارت خارجه هم مذاکره

کرده بوده است [illegible]

[illegible signature]

[illegible marginal notes]

ریاست اداره [illegible]

[illegible]

شماره: ۹۷
فرستنده: (قونسولگری ایران در بروکسل)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳۰ دی ۱۳۰۵
متن سند:

خلیج فارس

مقام منیـــع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به طوری که خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله مستحضراست، مطالعات و عقیدهٔ خود را راجع به خط سرحدی شط العرب در ضمن راپرت مورخهٔ ۳۰ شهریور ۱۳۰۴ به عرض رساند. اینک به اجازهٔ آن وزارت جلیله، نتیجهٔ مطالعات خود را در اطراف خلیج و جزایر آن تقدیم می‌دارد:

متأسفانه باید اظهار کرد که نظر به عدم علاقهٔ ایرانیان به دریانوردی خلیج فارس (یگانه راه آزاد رابط ایران با دنیا) هیچ‌وقت مانعی برای اجرای سیاست خارجیان در آن نبوده و این عدم علاقه باعث شد که ملل بیگانه آن را تحت سیادت خود قرار داده و کلیهٔ منافع مالی و سیاسی را منحصر به خود کنند. فدوی برای تحصیل دلیل این بی‌میلی و بی‌اعتنایی ملت ایران به این نقطهٔ مهم در این مدت چهارسال ونیم اقامت خود در اروپا، عمیقاً در این مسئله داخلی نه فقط به مطالعهٔ کتب بلکه با مذاکره با ایرانیانی که خود را از رجال سیاسی مملکت دانسته و بعضی از آقایان صاحب‌منصبان آن وزارت جلیله این‌طور نتیجه حاصل نموده که نه فقط به واسطهٔ عدم اطلاع اولیای امور و اعضای آن وزارت جلیله، بخصوص به تاریخ و موقعیت سیاسی مملکت است، بلکه بیشتر به واسطهٔ عدم میل و علاقه اعضای آن وزارتخانه به رشته که در آن خدمت می‌کنند است؛ چه به عقیدهٔ فدوی عضو وزارت خارجهٔ مملکتی که آگاه به وضعیت سیاسی مملکت خود نباشد و میل و علاقه به داشتن آن نداشته باشد، موفق به اجرای خدمات مرجوعه نخواهد شد و نیز زمامداران مملکتی که آگاه و علاقمند به وضعیت سیاسی مملکت خود نبوده هیچ وقت موفق به اخذ سیاست ثابتی نخواهند گردید. پس از ذکر این مقدمه بی‌مورد نمی‌داند قبلاً به شرح وضعیت جغرافیائی خلیج مبادرت ورزد:

وضعیت جغرافیایی خلیج ــ دربارهٔ وضعیت جغرافیایی خلیج دو عقیدهٔ مختلف است. انگلیسهای متجدد، خلیج فارس را ازتنگهٔ هرمز الی مجمره و بصره تفسیر می‌کنند. در

صورتی که ایرانی‌ها خلیج را از تنگهٔ هرمز الی فاو (دهنهٔ شط‌العرب) می‌دانند. البته آنها از این تفسیر مقصودی دارند که شاید صرفهٔ ما در تعقیب این عقیده نباشد و نیز شاید بهتر باشد همیشه عقیدهٔ‌خود را تعقیب و خلیج‌فارس را از فو [فاو] بالاتر ندانیم.

این خلیج دارای جزایر زیادی است که متأسفانه به واسطهٔ قرارداد سرحدی ایران و عثمانی ادعای دولت ایران از قسمت عمدهٔ آنها سلب گردیده زیرا در قرارداد مزبور می‌گویند (جزایر نزدیک به خاک ایران متعلق به ایران است) و از این جمله هم توانسته‌اند سوءاستفاده کنند. و به عقیدهٔ فدوی در صورتی که بزودی چاره برای آن نجوید، در آتیه دچار مشکلات زیادتری خواهیم شد زیرا به‌طوری که در نظر دارد، روزی در لندن با شخصی انگلیسی که به خیال تحصیل امتیاز گِل‌سرخ در جزیرهٔ هرمز بود، راجع به جزایر دیگر که دارای گل‌سرخ‌اند مذاکره می‌کرد. بنده اتفاقاً از جزیرهٔ ابوموسی صحبت نموده، شخص مذکور با توسل به فصل راجع به جزایر در خلیج در قرارداد سرحدی ایران و عثمانی اظهار نمود که جزیرهٔ مزبور متعلق به ایران نیست* و دلیل دیگری که اظهار می‌نمود این بود که آلمانها قبل از جنگ در جزیرهٔ مزبور بدون اجازهٔ هیچ دولتی شروع به استخراج گل‌سرخ نمودند. بنده اظهار کردم که بهترین دلیل براینکه این جزیره تعلق به ایران دارد این است‌که‌حاجی معین بوشهری در جزیرهٔ مزبور مشغول استخراج گل‌سرخ و این اجازه هم از طرف دولت ایران به او داده شده و هیچ سابقه هم ندارد که این جزیره به غیر دولت ایران تعلق داشته. باری از این قبیل ادعاها تدریجاً شده و می‌شود.

خلاصه جزایر در خلیج غالباً دو جنبه دارند، جنبهٔ اقتصادی و جنبهٔ استراتژی. فقط جزیره‌ای که امروزه از نقطه‌نظر اقتصادی بیشتر از سایرین طرف اهمیت است، بحرین است. و جزایری که از نقطه‌نظر استراتژی فوق‌العاده اهمیت دارند، جزایر ذیل‌اند:

هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب، ابوموسی، خارک و عبادان* که اهمیت آنها در قسمت تاریخی و استراتژی این راپورت به عرض می‌رسد. وضعیت تاریخی و استراتژی خلیج‌فارس: خلیج‌فارس از ازمنهٔ قدیم به واسطهٔ موقعیت محلی طرف توجه و استفادهٔ ملل مختلفهٔ غیر از ایران بوده است.

* [در پی نوشت:] این موضوع اشتباه شده است. قرارداد سرحدی راجع به شط‌العرب صحبت می‌کند نه راجع به خلیج‌فارس. ۱۲/۹/۲۱

*[در پی نوشت:] آبادان به خلیج ارتباطی ندارد.

مثلاً به طوری که از نوشتجات کس مُس **Cosmos** ها که در حوالی ۵۵۰–۵۳۰ میلادی نوشته، استفاده می‌شود، کشتی‌های چینی در این آب از دیر زمانی مشغول آمد و شد بودند و به طوری که کلنل یول **Yule** می‌نویسد این آمد و شد تا سنهٔ ۸۷۸ میلادی دوام داشته و در آن موقع به واسطهٔ جنگهای داخلی چین متروک گردید و غیر از این از هزاران سال قبل از مسیح، تجار بحرینی از راه دریا با مصری‌ها طرف معامله بوده و مروارید بحرینی در بازار مصر رواج کامل داشته امروزه هم به طوری که سرارنلدویلسن **Sir Arnold Wilson** (حاکم سیاسی بین‌النهرین در موقع جنگ و عضو کمپانی نفت جنوب امروزه که می‌نویسد ۸۰٪ مروارید دنیا را بحرین می‌دهد) خلاصه اینکه این قسمت آب همیشه یا تحت استفادهٔ فنقیه‌ها و یا چینی‌ها و یا بابلی‌ها و یا عربها و بالأخره پرتقالی‌ها و هلندی‌ها بوده و ملت ایران هیچ‌گاه خود را یک ملت دریانوردی نشان ندادند و به این واسطه این قسمت آب بدون مانعی برای استفـــاده سایرین آزاد بوده و هست. سنهٔ ۱۶۲۲ میلادی در حالی که حامل یک مشتری جدیدی برای خلیج بوده شروع و دولت انگلیس به اسم مساعدت با ایران در تصرف جزیرهٔ هرمز اولین دخالت خود را در خلیج مرعی ساخت از آن موقع روزبه‌روز اهمیت خلیج توجه انگلیسها را جلب نموده. فقط موقعی که ایرانی به خیال تشکیل قوای بحری افتاد و می‌رفت به اهمیت سواحل خود برخورد، عهد نادرشاه بوده. این پادشاه پس از مشکلاتی که در تشکیل قوای بحری در بحر خزر تحمل نمود (که شرح آن فعلاً از موضوع ما خارج است)، به تشکیل قوای بحری در خلیج شروع و کشتی‌های اولیه که از اروپا و ممالک دیگر خریداری نموده بالغ بر ۲۰ فروند بودند و فقط به این اکتفا نکرده، در بوشهر کارخانهٔ کشتی‌سازی دایر نموده و به طوری که لرد کرزن متوفی می‌نویسد یکی از کشتی‌های نیمه تمام که در اوایل قرن فعلی روی ماسه‌های بوشهر دیده می‌شدند. ولی متأسفانه باز به واسطهٔ جُبن ایرانیان از دریا، شاهنشاه مزبور مجبور شد ملاحان این کشتی‌ها را از هندوستان استخدام نماید و باز به طوری که کرزن می‌نویسد نظر به اینکه ملاحان مسلمان و مسلمانان هندوستان عموماً سنی مذهب هستند، لهذا در موقع جنگ برضد اعراب حاضر به جنگیدن با آنها که نیز سنی هستند نشده و پس از مقتول کردن صاحب‌منصبان ایرانی خود کشتی‌ها را برداشته از آبهای ایران خارج شدند!!!؟ تأسف‌آورتر اینکه پس از این قضیه، قتل نادرشاه صورت گرفت و به آن پادشاه با عزم فرصت تجدید این خیل داده نشد و این مسئـــله به ما تعلیـــم داد که اگر در آتیـــه تصمیـــمی در تشکیـــل قوای بحـــری بگیـــریم، به هر قســـم هست باید ایرانی‌ها را برای این کار تربیـــت کنیـــم.

دیگر این مسئله یعنی تشکیل قوای بحری در خلیج تکرار نگردید تا بعد از جنگ با افغان. این جنگ از طرفی خوشبختانه مضار نداشتن قوای بحری را به ایرانیان آموخت و باز برای دفعهٔ دیگر آنها را به تشکیل قوایی تشویق نمود. لهذا در سنهٔ ۱۸۶۵ میلادی دوسه کشتی که باز با ملاحان هندی و صاحب‌منصبان انگلیسی اداره می‌شد، تهیه گردید. ولی از طرف دیگر بدبختانه به انگلیسها آموخت که برای جلوگیری از هر اقدامی از طرف ایرانیان بر ضد منافع انگلیس، لازم است سیادت خود را در خلیج تحکیم نمایند و نیز استخدام صاحب‌منصبان انگلیسی برای کشتی‌های فوق‌الذکر خود یک موفقیت و فرصتی بود که بتوانند سواحل خلیج را بخوبی دقت نمایند. نقاطی که توجه انگلیسها را در خلیج جلب نمود جزیرهٔ هرمز و دیگری و بخصوص جزیرهٔ کوچک خارک در جلوی بوشهر است. کاپتن هانت **Hant** که در جنگ ایران و انگلیس بوده و شرح جنگ را می‌نویسد، از قول کلنل شیل **Sheil** (وزیرمختار وقت انگلیس در ایران ۱۸۵۳) این طور می‌نویسد: «این جزیرهٔ کوچک در سی میلی بوشهر واقع ودر هوای بدو ناسالم خلیج بهترین و سالمترین نقطه است. دارای ساحل خوب و آب بسیار گوارایی است که بوشهر را نیز مشروب می کند و از نقطه‌نظر استراتژی محافظ دهنهٔ شط‌العرب و دست انگلیس را قادر می‌کند که کنترل کامل به دو طرف خلیج داشته باشد و فعلاً صحبتی از اینکه در آتیه تجارت در این نقطه موفقیتی خواهد داشت، نخواهم کرد و مقصودم این نیست که این جزیره را با هرات معاوضه کنیم ولی در هر صورت این جزیره نقطهٔ بی‌قیمتی نیست»

این جزیره برطبق قرارداد سرحدی اخیر ایران و عثمانی متعلق به ایران* ونیز در نقشه‌هایی که اخیراً در سنهٔ ۱۹۱۸ توسط ادارهٔ ارکان حرب انگلیس منتشر گردیده، ذکری از اینکه این جزیره به غیر دولت ایران تعلق دارد، نمی‌کند ولی سرآرنلدویلسن سابق‌الذکر این طور می‌نویسد که: «انگلیس غیر از جزیرهٔ خارک و چند میل مربع در جنوب غربی جزیره قشم متصرفه دیگری در خلیج ندارد»

هیچ معلوم نیست که از روی چه مدرک و سندی این اظهار را می‌کند و این دو قسمت به چه شکل و در چه تاریخ جزو مستملکهٔ انگلیس شده است. غیر از محاسنی که دربارهٔ این جزیره کوچک معروض افتاد در اطراف آن نیز غوص مروارید هم می‌شود.

متأسفانه قرارداد سرحدی اخیر سندی است براینکه انسان بتواند راجع به سواحل عربستان خلیج صحبتی کند والا چند کلمه از منافعی که در آن طرف خلیج دارا

*[در پیوست:] کاملاً اشتباه است.

بوده و از دست داده‌ایم به عرض می‌رساند، فعلاً در اطراف آنچه که در دست ماست صحبت می‌کند. بنادر و جزایر دیگری که ازنقطه‌نظر استراتژی اهمیت دارد، هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب و ابوموسی است. این شش جزیره حکم قراولان تنگه، و بنادر جاسک و چاه‌بهار و راشین‌کوه و میدانی در خلیج عمان حکم پیش‌قراولان تنگه را دارند. در بعضی از این جزایر سابقاً استحکاماتی در ایام پرتقالی‌ها بنا شده بود که هنوز خرابهٔ آنها دیده می‌شود. کلیهٔ این جزایر خارج از نقطه‌نظر استراتژی دارای اهمیت مالی هم هستند، زیرا اغلب آنها دارای معادن گل‌سرخ یا نمک می‌باشند و متأسفانه دولت فقط استفادهٔ خیلی قلیل از گل‌سرخ می‌نمایند در صورتی که اگر کارخانهٔ آهن آب‌کنی در هرمز دایر و آهن گل‌سرخ را استخراج کنند شاید منافع آن در سال بعد بیش از پنج مقابل آنچه که امروزه است بشود و از قرار معلوم در سنوات قبل از جنگ، از طرف بعضی از کمپانی‌های اروپایی پیشنهادی در این خصوص به دولت شد ولی متأسفانه چون در ایران منافع شخصی همیشه بر منافع ملی برتری داشته این امر معوق ماند.

خلاصه تغییراتی که در اثر جنگ ایران و افغانستان در سیاست ایران پیدا شد، دولت انگلیس را مجبور نمود که بیشتر از بیشتر نظر خود را متوجه ایران نماید. از نقطه‌نظر مصالح مملکتی باید اظهار کرد که متأسفانه دولت ایران قبل از اینکه فکری برای خلیج نماید، شروع به اقداماتی نمود که خود موجب تحکیم سیادت انگلیس در خلیج گردید. یکی از آنها عقد قرارداد تجارتی ایران و روس ۱۹۰۲ بود که باعث ازدیاد نفوذ روس در ایران و شکست فاحش تجارت چای هندوستان شد. این قرارداد را دولت انگلیس یک شکست سیاسی بر خود فرض و لردلنزدون **Lansdone** وزیر خارجهٔ وقت انگلیس را مجبور نمود که سیاست خود را نسبت به ایران در مجلس لردها این قسم اظهار نماید، «بریتانیای کبیر با تمام قوا استقامت خود را در مقابل تصمیم هر ملتی در تأسیس قوایی در سواحل خلیج محفوظ خواهد داشت.» و در موقع دیگر نیز اظهار نمود که «ما تأسیس یک قوای بحری و یا استحکاماتی را در بنادر خلیج توسط ملت دیگری تهدید به منافع انگلیس فرض کرده و البته با تمام قوا در مقابل آن استقامت خواهیم کرد»

و در تعقیب این اظهارات در نوامبر ۱۹۰۳ لُـرد کرزن (نایب‌السلطنهٔ وقت هندوستان) با چهار کشتی جنگی مأمور بازدید سواحل خلیج گردید که خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله از تفضیل آن بخوبی مستحضر است و بالأخره نظر به اختلافاتی که بین دولتین انگلیس و روس و در تعقیب جنگ روس و ژاپن حاصل شده بود، به واسطهٔ عقد عهدنامهٔ ۱۹۰۷ مرتفع گردید و منافع انگلیس در خلیج توسط روسها رسماً شناخته

شد. (به قسمت دوم مراسلهٔ وزیر خارجه انگلیس سرادوارد گری منضم به عهدنامه ۱۹۰۷ رجوع شود.) (فدوی نیز از آن می‌ترسد که این عهدنامه یا شبیه آن در نتیجهٔ انقلابات چین تجدید شود.) آنچه تا اینجا به عرض رسید، سیاستی بود که دولت انگلیس تا قبل از جنگ بین‌الملل راجع به خلیج داشت حال باید دید بعد از جنگ چه تغییری در سیاست انگلیس حاصل گردید آیا این سیاست بر شدت خود افزود یا نه؟ متأسفانه باید اظهار نمود که نتیجهٔ جنگ طوری بوده که این سیاست چندین درجه بر شدت خود افزوده و برای اثبات این عقیده، توجه اولیای آن وزارت جلیله را به فصل راجع به استحکامات سرحدی در کتابی که کمیسیون مختلط نظامی ایران و انگلیس در تعقیب عهدنامهٔ ۱۹۱۹ منتشر گردید، جلب می‌نماید. غیر از این نفت ایران که ناجی بحریهٔ انگلیس در موقع جنگ واقع شد (به جلد اول کتاب بحران دنیا، تألیف مستر چرچیل وزیر بحریهٔ انگلیس در موقع جنگ مراجعه شود) دولت انگلیس را به تحکیم سیادت خود در خلیج مجبور نمود و امروز به واسطهٔ تأسیس راه هوایی امپراطوری (از لندن به کراچی) که از خلیج عبور می‌کند به موقعیت خلیج اهمیت فوق‌العاده خواهد داد. در مقابل تمام این اقدامات ما چه می‌کنیم و در چه فکریم!!!!!؟

آیا منافع ایران در خلیج به اندازهٔ یک‌صدم منافع دولت انگلیس که هزاران فرسنگ دور از ایران واقع شده نیست؟ صحیح است که در مقابل این مملکت کوچک ضعیف و حمله نمی‌توانیم کنیم ولی آیا از حق خود هم دفاع نمی‌توانیم کنیم؟ هر کس به این آب اظهار علاقه می‌کند ولی ما لب آن نشسته و حق دست زدن به آن نداریم!!!! امروز انگلیسها فردا ژاپونی‌ها یا دیگران اظهار علاقه به این آب خواهند کرد و ما باز تماشا خواهیم کرد.

گمان می‌کند زیاد از حد باعث تصدیع‌خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله شده، لهذا عقیدهٔ خود را در چند کلمه عرض و به راپورت خود خاتمه می‌دهد:

به طوری که خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله مستحضر است، به واسطهٔ سواحل طویل جنوب و عدم وجود پلیس بحری برای حفاظت آن، اقسام مال‌التجاره‌های مشروع و یا غیرمشروع به طور قاچاق وارد خاک ایران می‌شود و از این راه نه فقط شکست فاحش به عایدات مملکت وارد می‌آید بلکه اغلب امنیت مملکت هم تهدید شده است در صورتی که اگر یک قوای مختصری به اسم پلس بنادر یا پلیس خلیج (اسم آن را هم در ابتدا قوای بحری نمی‌گذاریم که باعث سوءظن بعضی‌ها شود) تأسیس و در کلیهٔ بنادر و جزایر پست‌هایی تشکیل و هم شکی نخواهد بود که عواید گمرکی جنوب در

سال بعد بیشتر از ۵۰٪ اضافه خواهد شد و مهمتر از همه نفوذ دولت جای‌گیر نفوذ دیگران خواهد گردید. این را هم لازم است به عرض رساند که برای اجرای این مقصود به طوری که در تمام ممالک متمدنه معمول است، برای هر بندر و جزیره یک قایق مسلح لازم است (قایق مسلح در اروپا به کشتی‌های کوچک زغالی یا نفتی می‌گویند که دارای دو تا چهار توپ سبک است و نیز برای اطلاع عرض می‌کند که به طوری که در موقع جنگ به تجربه رسیده کشتی‌های نفتی سرعت سیرشان نسبت به کشتی‌های زغالی بیشتر است) که پلیسهای هر پست بتوانند بخوبی وظایف خود را انجام دهند.

این یک اقدام اولیه خواهد بود که دولت برای حفظ منافع خود در خلیج خواهد نمود و این سیاست باید متدرجاً تعقیب و در مدتی که بیش از بیست‌وپنج سال نباشد دولت باید منافع مالی و استراتژی خود را به واسطهٔ تشکیل یک قوای بحری ثابتی بخوبی حفظ و مخصوصاً برای حفظ اراضی نفت‌خیز مجبور به استحکام سواحل و جزایر خلیج خواهیم شد لهذا محلهایی که از نقطه‌نظر استراتژی دارای اهمیت‌اند در نقشه ملفوفْ با رنگ قرمز رنگ نمود. مخصوصاً توجه اولیای محترم را به قسمت دماغه عمان جلب می‌نماید بیش از این تصدیع نداده عریضهٔ خود را به دوام استقلال میهن باستانی خود ختم می‌نماید.

فدوی عبدالله مطیع

[پی نوشت:] ادارهٔ محترم جامعهٔ ملل ملاحظه نمایند.

به عرض رسید که این راپورت شایان‌توجه و اقدام است.

[illegible] ۲۰ دی ۱۳۰۵

# خلیج فارس

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

نظر باینکه خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله مستحضر است معلومات و عقیده خود را راجع بخط سرحدی شط العرب در ضمن راپرت مورخه ۲۰ شهریور ۱۳۰۴ معروض داشته اینک با اجازه آن وزارت جلیله قسمتی معلومات خود را در اطراف خلیج و جزایر آن تقدیم میدارد :-

تا کنون باید اظهار کرد که در نظر بنده عدم علاقه ایرانیان در بحریه و در خلیج فارس (یگانه راه آزاد در رابط ایران و دنیا) هیچ وقت مانعی برای اجرای سیاست خارجی در آن نبوده و این عدم علاقه باعث شد که دیگران از این حالت مساعدت خود قرار داده و کلیه شئون پلتیکی و سیاسی را منحصر کنند فدوی برای تکمیل دلایل این موضوع و جلب توجه اولیای دولت ایران را به این نقطه مهم در این مدت چهار سال و نیم اوقات خود را در این مسئله داخل در نقطه معلومات گشته که به اداره و ایرانیان تمام خود را از رجال سیاسی مملکت دانسته و بعضی از آقایان صاحب منصبان آن وزارت جلیله این طور تصور کردند که عین فدوی هر نقطه بواسطه عدم اطلاع اولیای امور و اعضاء آن وزارت جلیله تصور تاریخ و موقعیت سیاسی مملکت است بلکه بیشتر بواسطه عدم میل و علاقه اعضاء آن وزارت خانه بوده که در آن خدمت نکرده‌اند چه بعقیده فدوی عضو وزارت خارجه مملکتی که آگاه بوضعیت سیاسی مملکت خود نباشد و میل و علاقه بدانستن آن نداشته باشد نمیتواند بر اجرای خدمات مرجوعه نائل شود و نیز زمامداران مملکتی که آگاه و علاقه‌مند به وضعیت سیاسی مملکت خود نباشند هیچ وقت موفق نخواهند سیاست ثابتی اتخاذ نمایند پس از ذکر این مقدمه که ضروری دانسته مقدمتاً شرح وضعیت جغرافیائی خلیج مبادرت میورزد :

وضعیت جغرافیائی خلیج — درباره وضعیت جغرافیائی خلیج هر عقیده مختلف است انگلیسها حدود خلیج فارس را از دهنه اروند الی محمره و بصره تفسیر میکنند در صورتیکه ایرانیها خلیج را از دهنه اروند الی فاو (دهنه شط العرب) میدانند البته از نقطه نظر این تفسیر تصوری دارند که شاید صرفه ما در تعقیب این عقیده نباشد و در هر صورت بهتر باشد که عقیده خود را تعقیب و خلیج فارس را از فاو بالاتر بدانیم .

این خلیج دارای جزایر زیادی است که تا کنون بواسطه قرارداد سرحدی ایران و عثمانی در سال [illegible] دولت ایران از قسمت عمده آنها

ساحت [illegible] سروان [illegible] ۱۱ [illegible]

بعرض برسد
آقای اداره ثبت شمال توجه
فرمانده [illegible]

ملک گردیده و نیز از قرار اطلاع روزنامه‌ها (جزایر بزرگ تنب که از متعلقات ایران است) دولت انگلیس [illegible] توانسته‌اند [illegible]
کنند و بقیه [illegible] در صورتیکه [illegible] چاره برای آن نکوشند در آتیه دچار مشکلات زیادتری خواهیم شد. نیز اطلاع دارید
[illegible] بعضی انگلیسی‌ها با یک کمپانی استخراج خاک سرخ در جزیره ابوموسی [illegible] بعضی جزایر دیگر هم دارای خاک سرخ [illegible]
[illegible] اتفاق افتاد که از جزیره ابوموسی جهت [illegible] ذکر [illegible] در باب جزایر در خلیج در قرارداد [illegible] ایران
[illegible] هر جزیره [illegible] متعلق به ایران است و [illegible] دیگر [illegible] قبل از جنگ در جزیره
[illegible] بدون اجازه هیچ مقامی [illegible] استخراج خاک سرخ [illegible] کردم [illegible] این جزیره متعلق
به ایران دارد [illegible] استخراج خاک سرخ [illegible] اجازه [illegible] از طرف دولت ایران باید
داده شده و [illegible] سابقه [illegible] این جزیره [illegible] دولت ایران تعلق داشته [illegible] از این قبیل ادعاها [illegible] شده است.
خلاصه جزایر در خلیج فارس هم جنبه دارند جنبه اقتصادی و جنبه استراتژی. فقط جزیره [illegible] از نقطه نظر اقتصادی بیشتر از سایرین
طرف اهمیت است بحرین است و جزایری که از نقطه نظر استراتژی فوق‌العاده اهمیت دارند جزایر ذیل است:

هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب، ابوموسی، خارک و عبادان

در اهمیت آنها در قسمت [illegible] استراتژی این [illegible] عرض می‌کنم:

وضعیت [illegible] استراتژی خلیج فارس: — خلیج فارس از ازمنه قدیمه به واسطه موقعیت [illegible] طرف توجه [illegible]
[illegible] Cosmos [illegible] در حوالی ۵۵۰–۵۲۰ میلادی [illegible]
کشتیهای چینی [illegible] Yule [illegible]
[illegible] ۸۷۸ میلادی دوام داشته [illegible]
[illegible] (ارمنی [illegible])
[illegible] Sir Arnold Wilson [illegible]
۸۰٪ [illegible]
[illegible]

در این موضوع [illegible] قصد [illegible]
۱۲/۹/۲۱

[illegible] ارسال [illegible]

؟

۴

و بدین واسطه این قیمت آب بدون منبع برای استفاده سایرین آزاد بوده است سنه ۱۶۲۲ میلادی در عالم ... که پرتغالیها در
بالای خلیج بوده شاه عباس و دولت انگلیس بسر ساعدت با ایران در تصرف جزیره هرمز اولین دخالت خود را در خلیج برعی ساخت
از آن تاریخ روز بروز اهمیت خلیج توجه انگلیسها را جلب نمود. فقط موقعی که در آن کمک تشکیل قوای بحری ایجاد
و رقابت با ابریت سواحل خود برخورد عهده در شاه ببعد این پادشاه پس از مسافرت تیکه در تشکیل قوای بحری در کرانه خود تکمیل نمود
(هم شرح آن مفصلاً در صفحه ما خارج است) تشکیل قوای بحری در خلیج شده و کشتیهای او نیز هم از اروپا و ممالک دیگر خریداری نمود
با بنادر ۲۰ فروند بوده و نقطه ابنی اتکا نیز در بندر کارخانه کشتی سازی دایر نمود و لطف‌الله لرد کرزن متوفی
می‌نویسد یکی از کشتیهای نیمه تمام را در اوایل قرن حاضر روی ماسه‌های بوشهر دیده‌ایم ولی تاسف نادر بواسطه جنون او پایان
یافت در پادشاه بزرگ ... مقدمه این کشتیها را از بنه و دستان انهدام نماید و باز لرد کرزن می‌نویسد: «نظر باینکه
بدرجه‌ای مسلمانان و مسیحیان بنه و دستان عموماً نصیب ... شده لهذا در موقع جنگ رضا اعراب حاضر به جنگیدن با آنها هم نیز
نبوده‌اند و پس از متفرق کردن همه صنعتگران خود کشتیها را به دریا پاره انداخته از آبهای ایران خارج شدند»!!!؟
بتف آوردم بنگرید پس از این قضیه قتل نادرشاه صورت گرفته و آن پادشاه با عزم و جرئت که به این خیال افتاده
در این مسئله ما تعلیم داده هر اگر در آتیه تصمیم در تشکیل قوای بحری بگیریم بهتر است که ایرانیها را برای اینکار تربیت کنیم زیرا
دیگر این مسئله تشکیل قوای بحری در خلیج فراموش گردیده تا بعد از جنگ با افغان این جنگ از طرف خود نتیجه مفید برای تشکیل
قوای بحری را به ایرانیان آموخت و هر برای دفعه دیگر آنها را به تشکیل قوای تشویق نمود لهذا در سنه ۱۸۶۵ میلادی پس از کشتی
هم باز با بنادر شمالی و مرکزی متصدیان انگلیسی از اداره این تهیه گردید ولی از طرف دیگر به کار آن انگلیسها آموخت هر برای
جلوگیری از هر اقدامی از طرف ایرانیان در صدد شدند انگلیسیها لازم است سیادت خود را در خلیج تکمیل نمایند و نیز اقدام صاحب منصبان
انگلیس برای کشتیهای بزرگ که هر کدام خود یک موقعیت و خصوصیتی بوده به ترتیبات سواحل خلیج را که به دقت نماینده نقاط مهم توجه
انگلیسها را در خلیج جزیره هرمز و دیگری در کلیه جزیره کوچک خارک در جلوی بوشهر است که این ... نوشت Shahnameh [?]
هم در جنگ ایران و انگلیس بوده و شرح جنگ را نیز از قول کلنل شیل Shiel که (وزیر مختار دولت انگلیس
در ایران ۱۸۵۲) اظهار نمودیم " این جزیره کوچک در سی میل بوشهر واقع و در هوای بد و ناسالم خلیج

۴

تهرانی و سالم‌ترین نقطه است دارای هوای خوب و آب بسیار گوارا است هر چند تهرانی‌ها از شهر دور هستند ولی از نقطه نظر

سوق‌الجیشی مهم نیست و به نقطه [illegible] دست انگلیس با قاعده [illegible] که از طرف خلیج داشته باشد و نقطه مهمی [illegible]

در آتیه تجارت [illegible] این نقطه اهمیتی خواهد داشت [illegible] و مقصود این نیست که این جزیره را به [illegible]

ولی در هر صورت این جزیره نقطه با اهمیتی نیست .

این جزیره بر طبق قرارداد سرحدی جزو ایران و متعلق به ایران و نیز در نقشه‌ای که انگلیس‌ها در سنه ۱۹۱۸ توسط اداره [illegible]

ارکان حرب انگلیس منتشر کرده‌اند ذکری از اینکه این جزیره به جزو جزایر ایران تعلق دارد نکرده ولی [illegible]

Arnold Wilson [illegible] انگلیسی [illegible] جزیرهٔ خارک [illegible]

در جنوب غربی جزیرهٔ قشم [illegible] در خلیج ندارد .

[illegible] از روی [illegible] و [illegible] این اطلاع را [illegible] و این هم قسمت [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] این جزیره کوچک [illegible] در اطراف آن [illegible] مرواریدی [illegible] .

[illegible] قرارداد سرحدی [illegible] خلیج [illegible] ?

در آن طرف خلیج [illegible] در اطراف [illegible] دست [illegible]

[illegible] جزایر دیگر [illegible] از نقطه نظر سوق‌الجیشی اهمیت دارد [illegible] قشم [illegible] هنگام [illegible] این [illegible] جزیره

حکم [illegible] تنگه [illegible] خلیج عمان حکم [illegible] تنگه را دارند

در [illegible] این جزایر [illegible] در ایام [illegible] جزایر [illegible] این جزایر خارج

از نقطه نظر سوق‌الجیشی دارای اهمیت [illegible] زیرا [illegible] دارای معادن خاک سرخ [illegible]

[illegible] خلیج [illegible] از خاک سرخ [illegible] در [illegible] کارخانه [illegible] در [illegible] و آهن [illegible]

[illegible] آن [illegible] از [illegible] که هم امروز [illegible] قرارداد [illegible] قبل از جنگ

از طرف [illegible] در این خصوص [illegible] در ایران [illegible]

[illegible] تا [illegible] داشته این امر [illegible] ماند .

۵

خلاصه تغییراتی که در اثر جنگ ایران و افغان در سیاست ایران پدید آمد دولت انگلیس را مجبور نمود که بیش از پیش نظر خود را
متوجه ایران نماید نه فقط نظر مصالح مملکتی باید اظهار کرد که متأسفانه دولت ایران قبل از اینکه فکری برای خلیج نماید
شروع به اقدامات تازه نموده که خود موجب کمک سیاست انگلیس در خلیج گردید که از آنها عقد قرارداد تجارتی ایران و روس ۱۹۰۲ بعد
در باب ازدیاد نفوذ روس در ایران و شکست فاحش تجارت هندوستان از این قرارداد دولت انگلیس یک شکست
سیاسی برای خود فرض کرده لرد لنزدون Lansdowne وزیر خارجه وقت انگلیس را مجبور نمود که در سیاست خود ثابت
با بیان در مجلس لردها این قسم اظهار نماید: «بریتانیای کبیر با تمام قوا استقامت خود را در مقابل تقسیم اراضی و در تأسیس
قوائی در سواحل خلیج محفوظ خواهد داشت.» و در موقع دیگر نیز اظهار نموده: «ما تأسیس یک قوای بحری و یا استحکامات را
در سواحل خلیج توسط دولت دیگری تهدیدی بر منافع انگلیس فرض کرده و البته با تمام قوا در مقابل آن استقامت خواهیم کرد.»
و در تعقیب این اظهارات در نوامبر ۱۹۰۳ لرد کرزن (نایب السلطنه وقت هندوستان) با چهار کشتی جنگی بطور
بازدید سواحل خلیج گردید که مطالعات او در آن زمان آثار جالبیه از تفصیل آن که در کتب مسطور است و بالاخره نظر با عقد قرارداد
بین دولتین انگلیس و روس در تعقیب جنگ روس و ژاپون حاصل شده بود و با بسط عقد عهدنامه ۱۹۰۷ مرتفع گردید
و منافع انگلیس در خلیج توسط روسها رسماً شناخته شد (در قسمت دوم مراسله وزیر خارجه انگلیس به عهدنامه ... سر ادوارد گری
منضمه به عهدنامه ۱۹۰۷ رجوع شود) [نه در متن از آن قسمتی که این عهدنامه راجع به آن ... چنین ... می‌شود].
آنچه تا اینجا عرض رسید سیاستی بود که دولت انگلیس تا قبل از جنگ بین المللی راجع به خلیج داشت حالا باید دید بعد از جنگ
چه تغییری در سیاست انگلیس حاصل گردید آیا این سیاست بر شدت خود افزوده یا نه؟ متأسفانه باید اظهار نمود که
نتیجه جنگ ظاهراً این سیاست جدید با درجه بر شدت خود افزوده و برای اثبات این عقیده توجه اولیای امور را
به فصل راجع به اکتشافات سه صد درک که کمپانی مختلط نفت ایران و انگلیس در تعقیب عهدنامه ۱۹۱۹ منتشر گردید
جلب نماید. غیر از این نفت ایران که ... انگلیس در موقع جنگ داشت (به جلد اول کتاب ... دنیا
تألیف مستر چرچیل وزیر بحریه انگلیس در موقع جنگ مراجعه شود) دولت انگلیس را به کمک سیاست خود در خلیج مجبور نمود
دائر نمودن بسط تأسیس راه پیمائی هوائی (از لندن به کراچی) که از خلیج عبور کند به موقعیت خلیج اهمیت فوق العاده داده

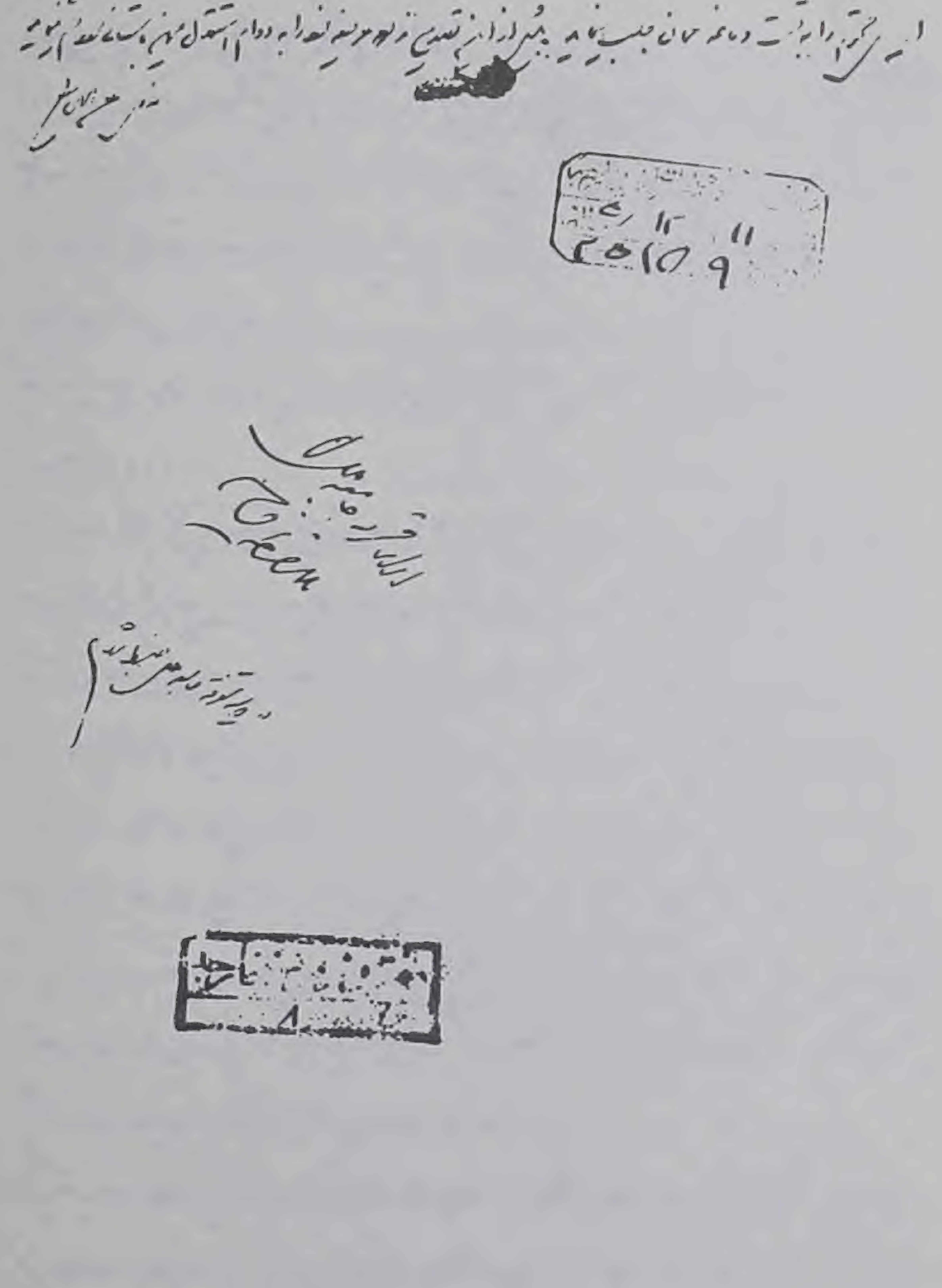
در مقابل این اقدامات ما چه بکنیم و در چه فکریم !!!!!!؟

آیا شاخ ایران در خلیج [فارس] به اندازه یک [illegible] شاخ قدرت انگلیس و برادران فرنگ در اروپا واقع شده است ؟ صحیح است ما [illegible] مملکت کوچک ضعیف و [illegible] نمی‌توانیم بکنیم ولی آیا از حق خود هم دفاع نمی‌توانیم بکنیم ؟ هر کس [illegible] کتاب [illegible] جواب آن [illegible] دست زدن به آن ندارم !!!! در روزنامه انگلیسی [illegible] دیگران [illegible] خواهید کرد و باز تماشا خواهید کرد .

نگاه کنید [illegible] خاک [illegible] که از [illegible] شده [illegible] چه [illegible] ؟ -

نظر به اینکه حفظ [illegible] انگلستان [illegible] به واسطه [illegible] حفاظت آن [illegible] خاک ایران [illegible] از این راه [illegible] مملکت [illegible] در صورتیکه اگر [illegible] [illegible] در [illegible] دولت [illegible] [illegible] این [illegible] تاکنون [illegible] جنگ [illegible] [illegible] ۱۰

و اینک [illegible] ابتدا [illegible] می‌خواهند [illegible] حفظ شاخ خود [در] خلیج می‌خواهند [illegible] [illegible] منافع [illegible] [illegible] حفظ [illegible] ۲ [illegible] از نقطه نظر [illegible] دارای [illegible] است [illegible]



شماره: ۹۸
فرستنده: سفارت انگلستان (قلهک)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ امرداد ۱۳۰۷ ش
متن سند:
فوری است
جناب مستطاب اجل آقای میرزا فتح‌الله‌خان پاکروان کفیل وزارت خارجه
آقای کفیل

افسوس دارم از اینکه خاطر محترم عالی را مراجعه دهم به یک حادثهٔ بسیار ناگواری که به واسطهٔ حرکت یک قایق موتوری گمرکی ایران در جزیرهٔ تمب واقعه در خلیج فارس در جنوب جزیره قشم رخ داده است

۲. ظاهراً چندی است که قایق ایران از طرف تمب در حرکت بوده و در اواخر ژوئیه یک قایق بادی متعلق به بندر دبی را گرفته و قایق مزبور را با پانزده نفر زن و بچه که در آن بوده‌اند به لنگه برده است.

۳. از قراری که به دوستدار اطلاع رسیده تمام مایملک عابرین مزبور از پول و جواهر و حتی ملبوس آنها را گرفته و آنها را با قایق در لنگه نگاهداشته‌اند قایق مزبور حامل بار نبوده است.

۴. جزیرهٔ تمب متعلق به شیخ رأس‌الخیمه که عرب است، می‌باشد و مشارالیه جزو خانوادهٔ شیخ شارجه است. گرفتن قایق بادی متعلق به یک نفر رعیت خارجه در آبهای یک نفر شیخ عرب مستقل یک رفتار فوق‌العاده سوئی از طرف مأمورین ایران می‌باشد و علاوه بر این برخلاف قانون و رسوم بین‌المللی است. نظر به عهدنامه‌های موجود فی‌مابین، این مشایخ عرب و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برحسب دستورالعمل دولت خود بایستی پروتست سختی از این رفتار جابرانه بنمایم.

۵. بنابراین محترماً از دولت علیه خواهشمندم فوراً به دایرهٔ مربوطه دستورالعمل دهند که قایق مزبور و عابرین آن را فوراً آزاد نموده و آنچه را از عابرین مزبور برده‌اند مسترد دارند. این مسئله را نیز باید اظهار دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای خود کاملاً این حق را محفوظ می‌داند که از طرف اشخاص که این رفتار نسبت به آنها شده است ادعای غرامت از دولت علیه بنماید موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نمایم.

British Legation,

Gulhek,

N: 204. August 4th,1928.

Urgent.

Monsieur le Gérant,

I regret to have to draw Your Excellency's attention to a most serious incident which has been brought about by the action of a Persian Customs motor boat at the island of Tunb situated in the Persian Gulf to the South of Kishm.

2. It appears that for some time past the Persian boat has been operating from Tunb and now at the end of July it has seized a sailing boat belonging to the port of Debai and taken the boat together with its fifteen women and children passengers to Lingah.

3. I am informed that the passengers have been deprived of all their belongings, money, jewels and even clothes and both they and the boat have been detained at Lingah. The boat carried no cargo.

4. The island of Tunb belongs to the Arab Sheikh of Ras-el-Khaimeh, who is allied to the family of the Sheikh of Shargah. In capturing a sailing boat belonging to a foreign subject within the territorial

waters

His Excellency
Mirza Fatoullah Khan Pakrevan,
Acting Minister for Foreign Affairs.

در آبهای یک شیخ عرب مستقل یک رفتار خارج از اختیار
شده از طرف مأمورین ایرانی مربوطه و علاوه بر این
برخلاف قانون و رسوم بین‌المللی است. نظر
به عهدنامه‌های موجوده بین این شیوخ عرب و دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان برحسب دستور دولت متبوعه
با تسلیم پروتست سختی از این رفتار خودسرانه اعتراض می‌نمایم
۵ ـ بنابراین تمنا دارد دولت علیه فوراً دستور
به ادارات مربوطه صادر فرمایند که قایق مزبور و مسافرین
آن را فوراً آزاد نمایند و کلیه اشیائی را که از آنها
گرفته شده است رد نمایند. اینجانب علاوه باید
اظهار دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
حق خود را محفوظ می‌دارد که
از طرف اشخاصی که این رفتار نسبت به آنها شده
ادعای خسارت از دولت علیه بنماید.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید

-2-

waters of an independent Arab Sheikh is an act of ultra vires on the part of the Persian authorities concerned and is, moreover, contrary to international law and usage. In view of the treaties which exist between these Arab Sheikhs and His Majesty's Government I have, on the instructions of my Government, to register a serious protest against this arbitrary act.

5. I have therefore the honour to request that the Imperial Government will at once issue instructions to the competent department to release the boat and its passengers immediately and to restore to the latter all the belongings of which they have been deprived. I am further to add that His Majesty's Government reserve to themselves full liberty to present to the Imperial Government a claim for compensation on behalf of the people who have been treated in this manner.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. C. Parr

شماره: ۹۹
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳۱ مرداد ۱۳۰۷ مطابق ۲۲ اوت ۱۹۲۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

دیروز تلگرافاً از تفصیل توقیف کشتی عرب در خلیج فارس سؤال نمود، اینک در تکمیل تلگراف خود به عرض می‌رساند؛ سه‌چهار روز است جراید اینجا راجع به این واقعه و اقدامات دولت انگلیس انتشاراتی می‌دهند و این مسئله از نقطه‌نظر اینکه عنقریب انعقاد جلسهٔ مجمع اتفاق ملل شروع می‌شود و لابد قضیهٔ بحرین نیز مطرح خواهد گردید، خیلی جالب توجه است و ممکن است با این شایعات مقاصد دولت علیه طور دیگری جلوه داده شود. بنده منتظر بودم که فوراً از جریان ماوقع این سفارت را مستحضر فرمایند که بتواند بدون فوت وقت انتشارات جراید را تکذیب و تصحیح نماید، متأسفانه تا امروز از آن وزارت جلیله ابداً در این موضوع اطلاعی نرسیده.

ترجمهٔ سه فقره روزنامجات را لفاً تقدیم می‌دارد که ملاحظه فرموده و مقرر فرمایند در این قبیل مسائل که دارای اهمیت است همیشه سفارت را در موقع خود از جریان قضیه مطلع سازند.

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

مورخه ۳۱ ماه اردیبهشت ۱۳۰۷
۲۲ ماه مه ۱۹۲۸
نمره ۳۹۲/۱۳۰۷
ضمیمه سه فقره ترجمه جراید

وزارت جلیله امور خارجه

دیروز که تلگراف نمره ۹ راجع به توقیف کشتی حرب در خلیج فارس شرف وصول داد بلافاصله در تلگرافی تکذیب خود بعرض میرساند

سه چهار روز است جراید اینجا راجع به این واقعه و اقدامات دولت انگلیس تشبثاتی مینمایند و این مسئله را تفصیلاً نظر باینکه

عنقریب انعقاد جلسه مجمع اتفاق ملل شروع میشود و این قضیه هم نیز مطرح خواهد گردید خیلی جالب توجه است و ممکن است

با این شایعات مقاصد دیگری را طور دیگر جلوه دهند بنده منتظر بودم که فوراً از جریان واقع این مسئله را

مستحضر فرمائید که بتوانم بدون فوت وقت انتشارات جراید را تکذیب و تصحیح نمایم متأسفانه تا امروز از

آن وزارت جلیله ابداً در این موضوع اطلاعی نرسید

ترجمه سه فقره از نوشتجات را ذیلاً تقدیم میدارد که ملاحظه فرموده و مقرر فرمایند در این قبیل مسائل که دارای اهمیت است

همیشه سفارت را در موقع خود از جریان قضیه مطلع سازند. اوامر مطاع

اداره [illegible] ۸/۹/۱۳۰۷

[illegible]

۱۲۰۴۹

شماره: ۱۰۰
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در جراید فرانسهٔ **Temps** و **Matin** از قول جراید انگلیس، مخصوصاً **(Daily Telegraph)** در باب توقیف کشتی عرب از طرف مأمورین گمرکی دولت علیه و ضبط قند محمول کشتی مذکور و اغتشاش بعضی نقاط ساحل خلیج فارس، شرحی درج و مخصوصاً جریدهٔ انگلیسی مقاله‌ای از روی کمال مخالفت و غرض نوشته، ادعا کرده است که جزایر خلیج مال اعراب و از طرف مأمورین ایران نسبت به آنها تعدی می‌شود و از لحن مقاله به طور کلی استنباط می‌شود که دولت هند قصد دارد جزایر خلیج را تحت حمایت خود گیرد. از طرف سفارت مدتی قبل از وصول تلگراف نمرهٔ ۶۰۶ آن وزارت جلیله، توسط سفارت لندن قضیه تکذیب و سواد رقعه و ابلاغیه که به آژانس **hawas** و سردبیر **Temps** فرستاده شده و آنها با بعضی تغییرات و حذف پاره‌ای جملات چاپ کرده‌اند، به انضمام قطعات روزنامه‌های مذکور و مقاله روزنامهٔ **Daily Telegraph** برای استحضار خاطر اولیای آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد. ضمناً معروض می‌دارد که مدلول تلگراف نمره ۶۰۶ در تکمیل ابلاغیهٔ سفارت به روزنامه‌های مذکور برای درج فرستاده خواهد شد.

تاریخ ۶ آذر ماه سنة ۱۳۰۷
نمرة ۵۶۲ ضمیمه ۸ فقره

سفارت شاهنشاهی ایران
در پاریس

وزارت جلیله امور خارجه

در جراید فرانسه Temps و Matin از قول جراید انگلیسی مخصوصاً (Daily Telegraph) مطالبی در باب توقیف کشتی جنگی از طرف مامورین گمرکات در بوشهر و ضبط قسمتی محمولات کشتی مذکور و اشغال بعضی نقاط ساحلی خلیج فارس درج و مخصوصاً جریده انگلیسی مقاله‌ای از روی کمال مخالفت و غرض نوشته اذعان کرده است هرگاه از جزایر خلیج فارس اعراب و از طرف مامورین ایران نسبت به آنها تعدی شود و از این مقاله بطور کلی استنباط میشود دولت انگلیس قصد دارد جزایر خلیج را تحت حمایت خود گیرد. از طرف سفارت مدتی قبل از وصول تلگراف نمره ۶۰۶ از وزارت جلیله و از طرف سفارت لندن قضیه تکذیب و بعد از رقعه و ابلاغیه در به اطلاع Havas و سردبیر Temps فرستاده شده و آنها با بعضی تغییرات و حذف پاره جملات چاپ کرده‌اند. با انضمام قطعات روزنامه‌های مذکور و مقاله روزنامه Daily Telegraph برای اینکه از لحاظ اولیای امور وزارت جلیله ارسال میگردد. تمنا معروض میدارد در موقع وصول تلگراف نمره ۶۰۶ در تکمیل ابلاغیه سفارت بروزنامه‌های مذکور برای درج فرستاده خواهد شد.

حسین علاء

اداره ... ۲۴/۹/۳۰۷

۱۲۷۰۴۷

شماره: ۱۰۱
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ شهریور ۱۳۰۷
نمره: ۲۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا فتح‌الله خان پاک‌روان
آقای کفیل

مراسلهٔ نمرهٔ ۱۱۰۲۴ مورخهٔ ۳۰ امرداد (۲۱ اوت)، در خصوص توقیف قایق بادی متعلق به بندر دُبی از طرف یک قایق گمرکی ایران، واصل و ازاینکه عابرین آن آزاد و اموال آنها مسترد شده اطلاع حاصل گردید. معجلاً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر می‌سازم که قند محموله در قایق را نمی‌توان به هیچ‌وجه قاچاق تصورنمود(به کلی صرف‌نظر از مالکیت جزیرهٔ تمب که در این باب بعد مطرح خواهد شد) مسلم است قایقی که متحمل شش هفته یا بیشتر دریانوردی می‌شود بایستی به طور مناسب آذوقه همراه داشته باشد و همچنین برخلاف تمام قوانین و رسوم بین‌المللی است که یک قایق در حال مسالمت مشغول دریانوردی است و مرتکب هیچ‌گونه جنایتی نشده، جبراً توقیف شود. بنابراین بایستی مجدداً خواهش کنم که قند مزبور را رها نمایند و این حق را برای خود محفوظ می‌دارم که برای این توقیف غیرقانونی مطالبهٔ غرامت کنم

در اظهاراتی که در جملات ۳و۴ مراسلهٔ جناب مستطاب‌عالی شده است، بایستی قویترین اعتراض را بنمایم.

اولاً، جناب مستطاب عالی اشاره فرموده‌اید به جزیرهٔ ابوموسی که حتی در مراسلهٔ دوستدار هم که مراسلهٔ جنابعالی در جواب آن است، اشاره هم به آن نشده است. بنابراین از ذکر آن در این مراسله خودداری بنمایم و فقط اظهار می‌کنم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به هیچ‌وجه نمی‌توانند ادعای مالکیت دولت ایران را نسبت به آن جزیره قبول نمایند.

ثانیاً، سابقاً در ضمن مذاکره، به جناب مستطاب عالی اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرت‌پادشاه‌انگلستان از این ادعای ناگهانی دولت ایران بر جزیرهٔ تمب با تأثیر متعجب شده‌اند. یقین دارم جنابعالی احساسات مودت‌آمیز دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان را که همیشه نسبت به حقوق سلطنتی ایران مشهود داشته‌اند، قدردانی می‌فرمایند. ولیکن دولت مشارالیها نمی‌توانند ادعای دولت ایران را بر مالکیت جزیرهٔ مزبور تصدیق کنند.

ثالثاً، جناب مستطاب عالی اظهار فرموده بودید که دولت ایران نمی‌توانند شیخ رأس الخیمه را مستقل یا مالک جزیره مزبور بدانند.

به دوستدار فرض است که از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به طور قطعی به جنابعالی اطلاع دهم که شیخ مزبور سالهای سال است که بدون اعتراض جزیرهٔ مزبور را در تحت تصرف داشته و باستثنای اینکه تا اندازه که به موجب روابط عهدنامه با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مربوط است، مستقل می‌باشد. در جملهٔ آخری مراسلهٔ آن جناب این طور نوشته شده (بنابراین دولت متبوعهٔ دوستدار به هیچ‌وجه نمی‌توانند رویه را که دولت انگلستان به عنوان داشتن عهدنامه با مشایخ عرب مذکور اختیار کرده‌اند، تصدیق و بالنتیجه اظهار حمایتی را که نموده‌اند، قبول نماید)

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به هیچ‌وجه ملتفت این اظهار نمی‌شوند زیرا که روابط فی‌مابین دولت مشارالیها و رؤسای اعراب یک صد سال بلکه بیشتر موجود بوده و قراردادهای قطعی که آخری آنها در ماه مارس ۱۸۹۲ بوده، با مشایخ رأس الخیمه و شارجه بسته شده و مشایخ مزبور در جزو سایر مطالب قبول نموده‌اند که هیچ دولتی بغیر از دولت انگلیس داخل قرارداد و مکاتبه نشوند. برای اطلاع جناب مستطاب عالی و دولت علیه صورت قرارداد اختصاصی که در ماه مارس ۱۸۹۲ با هر یک ازمشایخ بسته شد، لفاً ارسال می‌دارم اسامی از این قرار است: شیخ ابوظبی، دبی، عجمان، شارجه، رأس الخیمه و ام القواین، بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند قبول نمایند که دولت ایران مستقیماً با مشایخ مزبور داخل مراوده شوند و نیز به اعتقاد دولت مشارالیها اگر دولت ایران بر علیه آنها داخل عملیاتی شود، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نخواهد توانست که از اقدامات مشایخ برای تلافی جلوگیری نمایند و به این طور وقایع امنیت در خلیج فارس دچار اشکال خواهد شد. من مجدداً خاطر جناب مستطاب عالی را متذکر می‌شوم از اطمینانی که جناب آقای تیمور تاش به سرابرت کلایو داده‌اند و اظهار عقیده نمایم که اقدام محلی نه فقط ناقض این اطمینان خواهد بود بلکه به هیچ‌وجه اسباب پیشرفتی هم برای ادعای مندرجه در مراسلهٔ جناب مستطاب عالی نخواهد بود موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

ترجمهٔ قرارداد اختصاصی رئیس ابوظبی با دولت انگلیس مورخهٔ ۶مارس ۱۸۹۲

اینجانب زائدابن خلیفه رئیس ابوظبی در حضور لیوتنان کلنل ا.سی‌تالبت رزیدنت مقیم خلیج‌فارس به موجب این نوشته متعهد می‌شوم که از طرف خود و وراث و اخلاف خودم به شروط زیر عمل نمایم:

۱. به هیچ‌وجه داخل قرارداد یا مکاتبه با هیچ‌یک از دول به غیر از دولت انگلیس نشوم.

۲. بدون رضایت دولت انگلیس رضا ندهم که وکیلی از طرف دولت دیگری در خاک من توقف نماید.

۳. به هیچ‌وجه هیچ قسمت از خاک خود را واگذار و فروش و رهن یا به طور دیگری برای تصرف واگذار ننمایم، مگر به دولت انگلیس.

ابوظبی مورخهٔ ۶مارس ۱۸۹۲ مطابق ۵شعبان هجری ۱۳۰۹.

امضای زایدابن خلیفه رئیس ابوظبی

امضای ا.سی.تالبت لیوتنان کلنل مقیم خلیج‌فارس

لندزدون نایب‌السلطنه و فرمانفرمای هندوستان

در روز ۱۲ ماه مارس ۱۸۹۲ به تصدیق جناب نایب‌السلطنه و فرمانفرمای هندوستان در سیملا رسیده است.

ح.م. دوراند سکرتر خارجه هندوستان

(قراردادهایی که به امضای سایر مشایخ دوست که مشایخ دبی، عجمان، شارجه، رأس‌الخیمه و ام‌القواین رسیده و سه نفر اولی در تاریخ هفتم و دو نفر دیگر در تاریخ هشتم ماه مارس ۱۸۹۲ امضا نمودند موافق همین نوشته می‌باشد.)

۳۲۱

[illegible]

British Legation,

Gulhek,

September 7th, 1928.

No 228.

Monsieur le Gérant,

Your note No. 11024 of August 21st in regard to the seizure of a sailing boat belonging to the port of Debai by a Persian Customs vessel has been duly received and note has been taken of the release of the passengers and their belongings. I hasten, however, to inform Your Excellency that the sugar carried in the boat can in no way be considered to have been smuggled (quite apart from the question of the ownership of the island of Tunb with which I shall deal later) as it is obvious that a boat which is undertaking a cruise of six weeks and more must be suitably supplied with provisions. It is also contrary to all International law and usage to seize by force a vessel which is undertaking a peaceful cruise and committing no crime of any description. I must therefore request again that this sugar be released while reserving the right to claim compensation for this illegal seizure.

His Excellency
Mirza Fatoullah Khan Pakrevan,
Acting Minister for Foreign Affairs.

seizure.

It is, however, to the statements made in the third and fourth paragraphs of Your Excellency's note that I must take the greatest exception. In the first place Your Excellency refers to the island of Abu Musa which was not even mentioned in my communication to which your note is a reply. I propose therefore to refrain from alluding to it at all in this note except for stating that His Majesty's Government cannot admit any claim to ownership on the part of the Persian Government.

In the second place I have already informed Your Excellency in conversation that His Majesty's Government are painfully surprised at this sudden claim of the Persian Government to the island of Tunb. Your Excellency will I am sure appreciate the sympathetic consideration which His Majesty's Government have always given to Persia's sovereign rights but they are unable to admit the claim of the Imperial Government to own this island.

In the third place Your Excellency states that the Sheikh of Ras-el-Khaima can be considered by the Persian

Government

در اظهاراتی که در فقرات ۳ و ۴ مراسله
جناب مستطاب اجل عالی شده است باید با نهایت قوت ترتیب اعتراض
نمایم. اولاً – جناب مستطاب اجل عالی اشاره
فرموده‌اید به جزیره ابوموسی که حتی در مراسله
دوستدار هم که مراسله جنابعالی در جواب آن نوشته شده است
اشاره هم بآن نشده است بنابراین از ذکر آن
در این مراسله خودداری مینمایم و فقط اظهار میکنم
که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بهیچوجه نمیتوانند
ادعای مالکیت دولت ایران را نسبت بآن
جزیره تصدیق نمایند.
ثانیاً – سابقاً در ضمن مذاکره با جناب مستطاب اجل عالی
توضیح داده‌ام که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
از این ادعای ناگهانی دولت ایران به جزیره تنب
با تأثر متعجب شده‌اند. یقین دارم جنابعالی
ملاحظات مروت‌آمیز دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را
که همیشه نسبت بحقوق سلطنت ایران مبذول داشته‌اند
قدردانی میفرمائید ولیکن دولت معظم الیها
نمیتوانند ادعای دولت ایران را به مالکیت جزیره
مزبوره تصدیق کنند.
ثالثاً – جناب مستطاب اجل عالی اظهار فرموده‌اید که دولت علیه
میتوانند شیخ رأس الخیمه را مستقل یا مالک جزیره بدو

Government neither as independent nor as owner of the island in question.

It is incumbent on me to inform Your Excellency definitely on behalf of His Majesty's Government that this Sheikh has been in uncontested possession of the island for a great many years and that he is independent except insofar as he is bound by treaty relations with His Majesty's Government.

This brings me to the concluding point in Your Excellency's note to the effect that the Imperial Government "cannot in any way approve of the attitude "that the British Government has adopted "on the pretext of having treaties with "the above-mentioned Arab Sheikhs and "cannot accept the resulting declaration "which they make of protecting them".

His Majesty's Government entirely fail to understand this statement in view of the fact that the relations between them and the Arab Chiefs have existed for a hundred years and more and that definite agreements were made as late as March 1892 with the Chiefs of Ras-el-Khaima and Shargah whereby they agreed inter alia to enter into no agreement or correspondence with any Power other than the British Government.

For the

برسمیت .

بدوستدار فرض است که از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بطور قطع بجنابعالی اطلاع دهم که شیخ مزبور سالهای سال است که بدون معارض جزیره مزبور را در تحت تصرف داشته و باستثنای آنچه تا اندازه‌ای که بموجب روابط عهدنامه‌ای با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مربوط است مستقل میباشد

در جمله آخری مراسله آنجناب اینطور نوشته شده زیرا بنابرای دولت متبوعه دوستدار بهیچوجه نمیتواند رویه را که دولت انگلستان بعنوان داشتن عهدنامه با شیوخ عرب مذکور اختیار کرده‌اند تصدیق و اظهارات حاصله را که مینمایند قبول نماید ./

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بهیچوجه ملتفت این اظهار نمیشوند زیرا که روابط فیمابین دولت شاه‌الیها و رؤسای اعراب بیش از صد سال بلکه بیشتر موجود بوده و قراردادهای قطعی که اخیر آنها در ماه مارس ۱۸۹۲ بعمل با شیوخ رأس‌الخیمه و شارجه بسته شده و شیوخ مزبور در ضمن سایر مطالب تعهد نمودند که با هیچ دولت غیر از دولت انگلیس هیچ قرارداد و مکاتبه ننمایند

For the information of Your Excellency and of the Imperial Government I append to this note the text of the Exclusive Agreement concluded in March 1892 with each of the following Sheikhs :

The Chiefs of Abu Dthabi, Dabai, Ajman, Snargah, Ras-ul-Khaima and Umm ul Gawain.

His Majesty's Government are therefore unable to admit that the Persian Government should have direct dealings with the chiefs in question and are further of opinion that if the Persian Government take action against them His Majesty's Government will be unable to restrain the Chiefs from taking retaliatory action thereby rendering difficult the maintenance of peace in the Persian Gulf.

I venture again to remind Your Excellency of the assurance given to Sir R.Clive by His Excellency Teymourtache and to express the opinion that action taken locally will not only be a violation of this assurance but will also in no way further the claim advanced in Your Excellency's note.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. C. Parr

برای اطلاع جناب مستطاب اجل و دولت علیه صورت
قرار داد انحصاری که در ماه مارس ۱۸۹۲
با هر یک از شیوخ ذیل منعقد شده در این مراسله
ارسال میدارم: - شیخ ابوظبی - دبی
- عجمان - شارجه - راس الخیمه و ام القوین

بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
نمیتوانند قبول نمایند که دولت ایران مستقیماً
با شیوخ مزبور داخل مراوده شوند و نیز عقیده دارند
دولت شاهنشاهی اگر دولت ایران بر علیه آنها
داخل اقدام شود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
نخواهند توانست که از اقدامات شیوخ برای تلافی
جلوگیری نمایند و با این ترتیب ابقای امنیت در خلیج
فارس دچار اشکال خواهد شد.

مجدداً بجناب مستطاب اجل متذکر میشوم از
اطمینانی که جناب آقای تیمورتاش به سر روبرت کلایو
داده اند و اظهار عقیده مینمایم که اقدام محلی نه فقط
نقض این اطمینان خواهد بود بلکه بهیچوجه باعث پیشرفت ادعای
اظهار شده در مراسله جناب مستطاب اجل نخواهد بود
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم

ترجمه

قرارداد انحصاری شیخ ابوظبی با دولت انگلیس مورخه ۶ مارس ۱۸۹۲

اینجانب زاید بن خلیفه شیخ ابوظبی در حضور لیوتنانت کلنل ا. سی. تالبوت نماینده مقیم خلیج فارس
بموجب این نوشته متعهد میشوم که از طرف خود و ورّاث و جانشینان خودم شروط ذیل را عهد نمایم:

(۱) بهیچوجه وارد قرارداد یا مکاتبه با هیچیک از دول بغیر از دولت انگلیس نشوم.

(۲) بدون رضایت دولت انگلیس رضا ندهم که وکیلی از طرف دولت دیگری در قلمرو من توقف نماید.

(۳) بهیچوجه هیچ قسمت از قلمرو خودرا واگذار و فروش و رهن یا بطریق دیگر برای تصرف
واگذار ننمایم مگر بدولت انگلیس.

ابوظبی مورخه ۶ مارس ۱۸۹۲ مطابق ۵ شعبان هجری ۱۳۰۹

امضاء زاید بن خلیفه شیخ ابوظبی

امضاء ا. سی. تالبوت لیوتنانت کلنل مقیم خلیج فارس

لنزدون نایب السلطنه و فرمانفرمای هندوستان

در سیمله در ۱۲ مه ۱۸۹۲ بتصدیق جناب نایب السلطنه و فرمانفرمای هندوستان رسید
بتصویب رسید

اچ. م. دوراند سکرتر خارجه هندوستان

(قراردادهائی که با امضاء سایر شیوخ نشین که شارجه - دبی - عجمان - شارجه -
رأس الخیمه و ام القیوین رسیده است بهمین مضمون است تاریخ قراردادهای دیگر تاریخ
هشتم و ۱۰ مارس ۱۸۹۲ امضاء شده‌اند و متن آنها نوشته نشده است).

EXCLUSIVE AGREEMENT OF THE CHIEF OF ABU DTHABI with the BRITISH GOVERNMENT, dated the 6th March, 1892.

I, Zaeed bin Khalifah, Chief of Abu Dthabi, in the presence of Lieutenant-Colonel A.C.Talbot, C.I.E., Political Resident in the Persian Gulf, do hereby solemnly bind myself and agree, on behalf of myself, my heirs and successors to the following conditions, viz :-

1st - That I will on no account enter into any agreement or correspondence with any Power other than the British Government.

2nd - That without the assent of the British Government I will not consent to the residence within my territory of the agent of any other Government.

3rd - That I will on no account cede, sell, mortgage or otherwise give for occupation any part of my territory, save to the British Government.

Dated Abu Dthabi, 6th March 1892, corresponding to 5th Shaaban 1309 Hijri.

Signature of Zaeed bin Khalifa, Chief of Abu Dthabi.

A.C.TALBOT, Lieut-Col.,
Resident in the Persian Gulf.

LANDSDOWNE.
Viceroy and Governor General of India

Ratified by His Excellency the Viceroy and Governor General of India at Simla on the twelfth day of May 1892.

H.M.DURAND
Secretary to the Government of India,
Foreign Department.

(The agreements signed by the other Trucial Sheikhs, viz:- the Chiefs of Dabai, Ajman, Shargah, Ras-ul-Khaima, and Umm ul Gawain, the first three dated the 7th and the last two the 8th March, 1892, are identical in form).

شماره: ۱۰۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۰۷ ش
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

عطف به مرقومهٔ نمرهٔ ۱۱۱۰۸ مورخهٔ ۱۸مرداد ماه ۱۳۰۷ موضوع کشتی توقیفی در جزیرهٔ تمب، اینک سواد توضیحات ادارهٔ گمرکات به انضام سواد صورت استنطاق مربوطه را که در محل به عمل آمده تلواً برای استحضاراولیای آن وزارت جلیله ایفاد می‌دارد.

مهر وزارت مالیه

کشتی شراعی ناخدا عطیب‌بن رشید که حامل ۳نفر تبعهٔ ایران (محمد علی اهوازی، اسحق‌بن محمد و محمد بن ملا) و دو نفر خانم بی‌تذکره بود، در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۰۷، توسط قایق بخاری ۴گمرکات در شمال غربی جزیره تمب معاینه شد. برطبق اظهارات ناخدا، کشتی مزبور عازم قشم و مهتابی و سپس خصیب بوده. دور ۱۶ تیرماه دفتر کشتی گمرکی ذکری از انقلاب هوا ننموده، محمولات کشتی عبارت بوده است از ۱۶ من‌ونیم چای، ۲۷ من قند، ۳۳ من شکر و قریب ۶۰۰من برنج و خرما. بعلاوه خود ناخدا هم ۴۰۰ روپیه که ورود آن به خاک ایران ممنوع است، همراه داشته است. در موقع توقیف کشتی مزبور، کنترولر گمرکات که با قایق بخار حرکت می‌کرده به خانمهای مسافر کشتی مزبور که عازم قصیب بودند، پیشنهاد می‌نماید با کشتی حسن طالب بستانو که در راه با آن مصادف شده بودند، و می‌تواند کلیهٔ اسبابهای آنهارا حمل نماید، مسافرت نمایند، ولی مشارالیها این پیشنهاد را قبول نمی‌کنند. در موقع ورود کشتی مزبور به بندر لنگه مسافرین با تمام اشیای خود آن را و یکی از خانمها با قایق ناخدا محمد موسی صالح به سمت باسیدو (باسعیدو) عزیمت می‌نماید. برطبق حکم صادره از گمرکات بوشهر کشتی توقیفی مزبور با کلیهٔ محمولات و روپیه به استثنای قند و چای از توقیف خارج گردید. سواد صورت مجلسی که ضمیمه است، دیگر تردیدی راجع به قصد قاچاق قند توسط کشتی مزبور به ایران باقی نمی‌گذارد.

مبلغ چهار صد روپیه که به توسط موتر (موتور) نمرهٔ۲ از طرف ادارهٔ گمرکات

توقیف شده بود، تمام کمال به اینجانب رسیده. توضیح آنکه مبلغ سیصد روپیه مال خود من بوده و صد روپیه مال مسافری که در جهاز حقیر بوده می‌باشد و ملتزم می‌شوم که وجه صد روپیه را به خود مسافر رد کنم و اگر چنانچه بعداً مسافرین جهاز من از ادارهٔ گمرک ادعایی بنمایند، من‌ازعهده برآیم. لنگه ۱۷ مرداد ۱۳۰۷ ش.

عتیب‌بن راشد

مبلغ چهارصد روپیه در حضور ما امضا کنندگان ذیل تحویل عتیب‌بن راشد گردید.

| | | |
|---|---|---|
| محل امضا | محل امضا | محل امضا |
| محمدشریف حاجی عبدالرحیم آذری | حسن ابراهیم عمانی | ابراهیـــم کلداری |

مخفی نماند آنکه یک فروند جهاز (جالبوت) مال حقیر امضا کنندگان ذیل که موتر دولتی در غربی جزیرهٔ (تمب) گرفته، اینک به توسط ادارهٔ جلیله گمرکات لنگه جهاز مزبور با سامان آن مع کلیهٔ مال‌التجاره محمولهٔ آن که متعلق به خودم و پنج نفر عنصـــری که عبارت از سه مرد و دو زن باشد، تعلق داشته و اصل و عاید حقیر گردید و چنانچه من‌بعد ادارهٔ گمرک ادعایی از حقیر بکند، مسئول آن هستم، زیاده است.

عبیدبن راشد

به موجب فوق صحیح است اما قند و شکر و چای مسترد نشد و ضبط گمرک می‌باشد.

| | | |
|---|---|---|
| شهد تذاکر | شهد باقراره | حسن ابراهیم رحمانی |
| محمدشریف حاجی عبدالرحیم آذری | ابراهیم کلداری | سواد مطابق سواد است |

به توسط ادارهٔ جلیلهٔ گمرکخانهٔ بندر لنگه

یک فروند جهاز (جالبوت) مال حقیر امضا کنندگان ذیل که موتر دولت در شمال تمب مار حص نموده و اصل و عاید حقیرگردید و ملتزم هستم که هرگاه حکمی از ادارهٔ گمرکات بوشهر راجع به جهاز من و سایر اشیا برسد، به موجب حکم اطاعت نمایم.

عبد بن راشد دبی

موجب نوشتهٔ فوق باقرار ناخدا رسیده است.
عباسعلی کرسحی

کشتی با لوازم به ناخدا مسترد شد.
میرزا حیدر مفتش بنادر جز لنگه
سواد مطابق سواد است.

مقام محترم ریاست جلیلهٔ گمرکات بندر لنگه و مضافات

توقیراً معروض می‌دارم از آنجایی که بنده از وارد نکردن قند و چای و شکر به بنادر جزء ایران نمی‌دانم از حضرتعالی استدعا می‌نمایم، چون این دفعه بنده ابداً اطلاعی از قانون نداشتم، عفو فرمایند. ملتزم می‌شوم در آتیه که مال‌التجاره انحصاری به مهتابی و غیره ابداً حمل ننمایم. البته این دفعه را که مسبوق نبودیم، عفو فرمایید اگر من‌بعد به‌بنادر جزء لنگه قند و شکر و چای حمل نمایم، اداره هر چه مجازات در حق فدوی قرار بدهد مطیع هستم. مستدعی است این دفعه را عفو فرمایند که مطلع از قانون قند و شکر که به بنادر جزء برده نشود نبودیم.

عتیب‌بن راشد

در حضور ما امضاکنندگان ذیل این ورقه را اقرار و تقدیم نمود.

| | | |
|---|---|---|
| محل امضا | محل امضا | محل امضا |
| ابراهیم کلداری | حاج محمد شریف عبدالرحیم آذری | حسن ابراهیم |

سواد مطابق سواد است

صورت استنطاق ناخدا عتیب‌بن راشد که در تاریخ ۲۶تیرماه ۱۳۰۷ به عمل آمده

س) هویت خود را بیان کنید؟

ج) اسم: عتیب، اسم پدر: راشد، تبعهٔ ایران، ساکن دبی.

س) از کجا آمده و چند نفر مسافر در جهاز داری و به کجا می‌روی؟

ج) یک نفر مرد برای عباد، یکی برای مهتابی، یک مرد دیگر و دو زن برای خصیب دارم.

س) چه اجناس در جهاز دارید؟

ج) گندم، خرما، برنج، قند، شکر، چای، قهوه، تنباکو.
س) پاس اجناس جهازت را ارائه بده؟
ج) پاس ندارم.
س) آیا از دوبی تا نزدیک تمبار خط مستقیم آمده یا در بنادر دیگر ایران هم رفتی؟
ج) جای دیگر نرفته‌ام، اما بعد به مهتابی خواهم رفت.
س) مگر نمی‌دانی که ورود قند و شکر در بنادر کوچک ایران ممنوع است؟
ج) بلی می‌دانم، اما برای ایران نیست.
س) صندوق چای متعلق به کیست و شکر مال کیست و همچنین قندها؟
ج)چای و شکر متعلق است به مسافرین خصیب و قند مال مسافر مهتابی است.
س)در صورتی که اظهار داشتی قند و شکر و چای برای ایران نیست، چگونه کیسهٔ ۳۰ من قند متعلق به مسافر مهتابی است؟
ج) اما نمی‌دانم مقصرم همه به دست خودتان هرکار می‌کنید بکنید.
س) در صورتی که عبور جهازات حامل قند شکر و چای در بنادر کوچک و از نزدیکی آنها ممنوع است، چگونه به آنجا آمده و به مهتابی نیز می‌خواهی بروی؟
ج) بلی می‌دانم که ممنوع است، اما در ایران پیاده نمی‌کنم، می‌برم خصیب.
س) در صورتی که محل و مقصد تو خصیب می‌باشد، پس برای چه از دوبی به خط مستقیم به آنجا نرفته‌ای؟
ج) من گفتم که مسافر تمبار و مهتابی دارم.
س)چهار صد روپیه متعلق به کیست؟
ج) سیصد روپیه مال خودم و یکصد روپیه مال ملا محمد.
س) ورود روپیه به ایران ممنوع است. چرا آورده‌اید؟
ج) من نمی‌دانستم، از این به بعد نمی‌آورم.

محل امضای رئیس محل امضای جاسم محل امضای صفر محل امضای عسکر
آنباردار

محل امضای حکمی تفتیش تذکره

۳۳۱ ۶۳۴ ۶۵۲ ۶۳۱

س)ناخدا شما چند نفر جاشو دارید؟

ج) پنج نفر اهل جزیرهٔ قشم، دو نفر مال صلح، یکی مال گوران، دو نفر مال تول و یکی اهل کریه روان.

س) دو نفر ضعیفه مال کجا بودند؟

ج) یکی خواهر خودم، دیگری هم اصلاً خصیبی است.

در حضور ما امضاکنندگان ذیل از ناخدا اظهارات فوق استماع گردید.

محل امضا کتیمان — محل امضای جاسم — محل امضای میرزا

حیدر

عبداله محسن — مفتش بنادر

سواد مطابق سواد است

وزارت مالیه

اداره ...

دایره ...

بتاریخ ۲۸ ماه ۶ سنه ۱۳۰۷

نمره ۲۷۷۴۱ ضمیمه ۹

موضوع

وزارت جلیله امور خارجه

عطف بمرقومه نمره ۱۱۱۰۸ مورخه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۰۷

موضوع کشتی توقیفی در جزیره تنب انگلیس سواد توضیحات

اداره گمرکات باانضمام سواد صورت استنطاق مربوطه را

که در محلی بعمل آمده تلواً برای استحضار اولیاء آن وزارت جلیله

ایفاد میدارد.

اداره ..................
دایره ..................
تاریخ ..................۱۳
نمره ..................
ضمیمه ..................
موضوع ..................

# وزارت مالیه

کشتی شراعی ناخدا عطیب بن رشید که حامل ۳۳ نفر تبعه ایران و مقداری اجناس التجاره بوده [illegible]
در نقطه [illegible] در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۰۷ توسط قایق بخاری گمرکات در [illegible] توقیف و
معاینه شد. برطبق اظهارات ناخدا کشتی مزبور عازم قطر [illegible] بوده [illegible]
دفتر کشتی گمرکی [illegible] محمولات کشتی عبارت بوده است از [illegible]
[illegible] که در قوطی [illegible] ایرانی متعلق است
همراه داشته است. - در موقع توقیف کشتی مزبور مأمورین گمرکات که با قایق بخاری حرکت میکرده
[illegible] مسافر کشتی را که عازم قطر بوده‌اند پیشنهاد مینمایند [illegible] که در راه با آن
مصادف شده بودند [illegible] ولی مسافرین ایرانی این پیشنهاد را
قبول نمی‌کنند. در موقع ورود کشتی مزبور به بندر لنگه مسافرین با تمام اشیاء خود [illegible]
با قایق [illegible] - برطبق حکم صادره از گمرکات
در بندر کشتی توقیفی مزبور با کلیه محمولات [illegible] از توقیف خارج گردیده
[illegible] صورت مجلس که ضمیمه است دیگر تردیدی [illegible] قاچاق [illegible] توسط کشتی مزبور باقی
نمیگذارد

۸۵۱/۱

اداره ..........................
دایره ..........................
تاریخ .......................... ۱۳
نمره ..........................
ضمیمه ..........................
موضوع ..........................

# وزارت مالیه

مبلغ چهارصد روپیه که مربوط بموتر نمره (۲) از طرف اداره گمرکات توقیف شده بود تماماً
باینجانب رسیده توضیح آنکه مبلغ سیصد ۳۰۰ روپیه مال خودمن بوده و صد روپیه مال مسافری
که در جهازچی بوده میباشد و ملتزم میشوم که وجه صد روپیه را بخود مسافر رد کنم واگر چنانچه
بعداً مسافرین جهازمن از اداره گمرک ادعائی نمایند من از عهده برآیم لنگه ۱۷ امرداد ۱۳۰۷
حسن راشد

مبلغ چهارصد روپیه در حضور ما امضا کنندگان ذیل تحویل حسن راشد گردید

محل امضا
مهر شریف حاجی عبدالرحیم ذری

محل امضا
حسن ابراهیم حمانی

محل امضا
ابراهیم کلداری

اداره ..........
دایره ..........
تاریخ .......... ۱۳
نمره ..........
ضمیمه ..........
موضوع ..........

# وزارت مالیه

مخفی نماند آنکه یک فروند جهاز (عابدیت) مال خیر امضا کنندگان ذیل که موتور حرفتی در غرب جزیره (تنب) گرفته بودند توسط اداره جلیله گمرکات لنگه جهاز مزبور با سامان آن مع کلیه مال التجاره محموله آن که متعلق بخودم و پنجنفر خمری که عبارت از سه مرد و دو زن باشند تعلق داشته وصول و عاید خیر گردید و چنانچه من بعد اداره گمرک ادعائی از خیر بکند مسئول آن بنده میباشد

(عقیه بن راشد)

بموجب فوق صحیح است آنچه قند و شکر و چای مسترد نشده ضبط گمرک شده

| | | |
|---|---|---|
| شهد بذلک | شهد باقراره | حسن ابراهیم رحمانی |
| محمد شریف حاجی عبدالرحیم اذری | ابراهیم کلدری | سواد مطابق اصل است |

اداره..................................
دایره..................................
تاریخ ..................... ۱۳
نمره..................................
ضمیمه..................................
موضوع..................................

## وزارت مالیه

بتوسط اداره جلیله گمرکخانه بندر لنگه

یک فروند جهاز (جابرت) مال حقیر مهنا کسند کانی که بتوسط لت در شمال تنب مارمص

نموده و اهمی و عاید حقیر گردید تمنا دارم که هرگاه حکمی از اداره گمرکات بشهر راجع بجهاز فرو بیاید

اشیا رسید بموجب حکم اطاعت نمایم عبد بن راشد حربی

بموجب نوشته فوق
با لوازم ناخدا رسیده است
عباس کرسمی

کشتی با لوازم به ناخدا مسترد شده
میرزا حیدر مفتش بنادر جزء لنگه

سواد مطابق با اصل است

اداره ..................

دایره ..................

تاریخ .................. ۱۳

نمره ..................

ضمیمه ..................

موضوع ..................

# وزارت مالیه

مقام محترم ریاست جلیله گمرکات بندر لنگه و توابعات

دوقرا معروض میدارم زمانیکه بنده از ورود نمودن قند و چای و شکر به بنادر جزر ایران منع داشتم
از حضرتعالی استدعا مینمایم چون این ذهه بنده ابدا اطلاعی از قانون نداشتم عفو فرمایید ملتزم میشوم
در آتیه یکسال اجناس انحصاری به مهتابه و غیره ابدا حمل ننمایم البته این ذهه را که مسبوق نبودم عفو
فرمایید اگر من بعد به بنادر جزر لنگه قند و شکر و چای حمل نمایم البته هر چه مجازات در حق فدوی قرار دهید
مطیع هستم مستدعی است این ذهه را عفو فرمایید که مستطیع از حمل قند و شکر که به بنادر جزر برده نشود
نبودم عیب نخواهد شد

اداره ..................
دایره ..................
تاریخ .................. ۱۳
نمره ..................
ضمیمه ..................
موضوع ..................

# وزارت مالیه

در حضور ما امضا کنندگان ذیل این ورقه را اقرار و تصدیق نمود

شهد بالامضاء
ابراهیم کلدری

شهد بالامضاء
حاج محمد شریف عبدالرحیم اذری

شهد بالامضاء
حسن ابراهیم

سواد مطابق اصل است

اداره ...........
دایره ...........
تاریخ ........... ۱۴
نمره ...........
ضمیمه ...........
موضوع ...........

# وزارت مالیه

صورت استنطاق ناخدا عبید بن راشد که در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ بعمل آمد

س — هویت خود را بیان کنید

ج — اسم عبید اسم پدر راشد تبعه ایران ساکن دبی

س — از کجا آمده و چند نفر مسافر در جهاز داری و بکجا میروی

ج — یکنفر مرد برای عباد یکی برای مهتابی یکمرد دیگر و دو زن برای خصیب دارم

س — چه جنس در جهاز دارید

ج — گندم — خرما — برنج — قند — شکر — چای — قهوه — تنباکو

س — پاس اجناس جهازت را ارائه بده

ج — پاس ندارم

س — آیا از دبی تا نزدیک مهتابی خط مستقیم آمده یا در بنادر دیگر ایران هم رفته

ج — جای دیگر نرفته‌ام آمدم به مهتابی خواهم رفت

س — مگر نمیدانی که ورود قند و شکر در بنادر کوچک ایران ممنوع است

ج — بلی میدانم آنها برای ایران نیست

س — صندوق چای متعلق بکیست و شکر مال کیست و همچنین قندها

ج — چای و شکر متعلق است بناخدا خصیب و قندها مال مسافر مهتابی است

اداره..............
دایره..............
تاریخ.............. ۱۳
نمره..............
ضمیمه..............
موضوع..............

# وزارت مالیه

س — در صورتیکه اظهار داشتید قند و شکر و چای برای ایران نیست چگونه کیسه ۳۰ من قند متعلق به فرخ مهتابادی است

ج — اما نمیدانم مقصرم اگر هم هست خودتان هر کار میکنید بکنید

س — در صورتیکه عبور جهازات حامل قند و شکر و چای در بنادر کوچک و از نزدیکی آنجا ممنوع است چگونه با... آمده و مهتابادی نیز مشغول بودی

ج — بلی میدانم که ممنوع است اما در ایران پیاده میکنم میبرم خبیص

س — در صورتیکه مال و مقصد تو خبیص میباشد پس برای چه از جزیره بخط مستقیم بآنجا نرفته

ج — من گفتم در مسافرت تیار و مهتابادی دلالم

س — چهارصد روپیه متعلق بکیست

ج — سیصد روپیه مال خودم و یکصد روپیه مال ملا محمد

س — ورود روپیه بایران ممنوع است چرا آورده اید

ج — من نمیدانستم از این ببعد نمی آورم

محل انگشت ... عسکری تفتیش کرده ۶۳۱

محل امضاء صفر ناپردار ۶۵۲

محل امضاء رئیس — محل امضاء جاسم ۶۳۴

محل امضاء ملکی ۳۳۱

---

س — ناخدا تا چند نفر جاشو دارید

ج — پنج نفر اهل جزیره قشم دو نفر اهل مسیح یک اهل گوران نفر اهل تول یک اهل کری روداق

اداره ...................................

دایره ...................................

تاریخ ................................ ۱۳

نمره ...................................

ضمیمه ...................................

موضوع ...................................

# وزارت مالیه

س — دو نفر ضعیفه‌ها کی بودند

ج — یکی خواهر خودم دیگری هم همشیره حسین می‌باشد

در حضور ما امضاکنندگان ذیل از نامبرده اظهارات فوق استماع گردید

محل امضاء کیتاه      محل امضاء جاسم      محل امضاء میرزا حیدر

عبدالرحمن      منشی نادر

سر ایل قرب سلطان

شماره: ۱۰۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۱۶ شهریور نمرهٔ ۲۲۸ عزّ وصول بخشید. با مطالعهٔ مندرجات و ضمیمهٔ آن لازم می‌داند خاطر شریف را متذکر سازد که دولت متبوعهٔ دوستدار به هیچ‌وجه نمی‌تواند نقطه‌نظر خود را که در مراسلهٔ دوستدار، مورخهٔ ۳۰ امرداد نمرهٔ ۱۱۰۲۴ اشعار گردیده، تغییر دهد.

۱. به طوری که خاطر نشان کرده است، جزایر تمب و ابوموسی جزء لاینجزای مملکت ایران است و فوق‌العاده مایهٔ تعجب و تأسف است که این حق مسلم ایران محل تردید دولت انگلستان واقع شده است.

۲. راجع به تعهدنامهٔ شیخ ابوظبی که سواد آن را ارسال و اسامی شیوخ دیگری هم ذکر کرده و اشعار داشته‌اند که از آنها نیز این قبیل تعهدات را دارند، لازم می‌داند خاطر شریف را متذکر سازد، که هرگونه تعهدی که برعلیه حقوق و منافع ایران صورت گرفته و یا حقوق و منافع ایران را محدود سازد، مورد اعتبار و شناسایی نبوده و نمی‌تواند مدرک اقدامی از نقطه‌نظر حقوقی برعلیه ایران واقع گردد.

در خاتمه خاطر شریف را مستحضر می‌دارد، به موجب صورت مجالسی که از گمرک رسیده، قایقی که موضوع بحث است متعلق به یک نفر تبعهٔ ایران بوده و مسافرین آن هم بیش از پنج نفر نبودند و محمول آن موافق اقرار خود ناخدا و سایرین که صورت مجلس را امضا کرده‌اند، قند و شکر و چای قاچاق به مقصد جزیرهٔ قشم بوده است و دوستدار نهایت درجهٔ تأسف را دارد که در این موقع کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس توقیف یک قایق متعلق به تبعهٔ ایران را در آبهای ساحلی ایران که حامل قاچاق به مقصد ایران بوده است، مورد بحث قرار داده و در اطراف آن تا این درجه توجیهات و انتشارات غیر واقع شده است و در نتیجه در مطبوعات انگلیس برخلاف واقع انعکاساتی یافته است.

وزارت امور خارجه

اداره:

دائره:

نمره (۲)

بتاریخ ۹ شهریور ماه سنه ۱۳۰۷

غره ۱۹۲۸/۱ شنبه

مراسله محترمه مورخه ۱۶ شهریور ماه (۲۲۸) عز وصول بخشید بملاحظه مذاکرات شفاهی که اخیراً بین

خاطر شریف را متذکر میسازد دولت متبوعه دوستدار بهیچوجه نمیتواند نظریات خود را در مراسله

دوستدار مورخه ۳۰ مرداد ... تغییر دهد.

۱- بطوریکه خاطر نشان کرده است جواب مراسله دوستداری ... که ملک ایران است

در نهایت تعجب ... که حق مسلم ایرانی ... دولت انگلستان

واقع شده است.

۲- راجع به ... شیخ ... بحرین ...

... خاطر شریف ...

... حقوق و منافع ایرانی صورت گرفته و به حقوق و منافع ایران

محدود ... از ... حقوق

رعیه ایرانی واقع گردد.

در خاتمه خاطر شریف را متذکر میدارد ... که

موضوع ... متعلق به ... تبعه ایرانی ... آن

... ایرانی

... ایران ... و

... ایرانی ... انگلیس

... متعلق به تبعه ایرانی را ... ایرانی ...

... تبعه ایرانی ... است ...

... واقع شده است.

ل - ۹۰۲ ... ۲۸ ...

شماره: ۱۰۴
فرستنده: سفارت انگلیس طهران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷فوریهٔ ۱۹۲۹ مطابق ۱۸ بهمن ۱۳۰۷
متن سند:

یادداشت

در خصوص یک قایق متعلق به اعراب که مأمورین گمرکی ایران در تمب گرفته و در لنگه توقیف نموده بودند، در عرض تابستان گذشته مکاتبات زیادی فی‌مابین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجه به عمل آمده است. نتیجهٔ مکاتبات مزبور، اختلاف عقیده در خصوص مالکیت جزیره تمب ایجاد نمود.

مقصود از این یادداشت مذاکره در خصوص حق سلطنتی جزیرهٔ مزبور نمی‌باشد، بلکه یادآوری به دولت ایران است که در مراسلهٔ اولیه سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان (مورخهٔ ۴ اوت و نمره ۲۰۴ و همچنین در مراسلهٔ ۷سپتامبر نمره ۲۲۸ دولت انگلیس این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند که برای اشخاص که در این واقعه صدمه به آنها رسیده است، مطالبهٔ غرامت بنمایند و نیز چنین تصور می‌رود که دولت ایران حاضر باشند غرامتی در این مورد پیشنهاد نمایند. به آسانی می‌توان فهمید که توقیف قایق مزبور اسباب خسارت نقدی ناخدای آن شده است. به ملاحان و مسافرین نه فقط زحمت وارد آمده بلکه اموال شخصی آنها از میان رفته است. در نتیجهٔ تحقیقات کاملی که به عمل آمده، تقریباً غرامت معتدل این مسئله هزار روپیه برای ناخدای مزبور و چهار هزار روپیه برای تقسیم فی‌مابین ملاحان و مسافرین می‌باشد.

سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است که دولت ایران راهی برای ادای این غرامت به طوری که در فوق ذکر شد پیدا نماید. این را که اقتضای عدالت این نیست که جهات سیاسی مانع توانایی اشخاص متفرقه در حصول حقوق آنها بشود.

[پی نوشت:]
۷/۱۱/۲۰

مقرر فرمایید فوراً راپرت مختصری تهیه و ضمیمه و تقدیم شود که امروز عصر به عرض هیئت وزرا برسد.

سفارت انگلیس طهران

۱۸ بهمن ۱۳۰۷

ن ۳۶

یادداشت

در خصوص کشتی عربی که در تنب اداره گمرکات
ایران در توقیف گرفته و در لنگه توقیف نموده‌اند
در ظرف تابستان گذشته مکاتبات زیاد در بین سفارت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجه شاهنشاهی
نتیجه مکاتبات مزبوره اختلاف عقیده در خصوص مالکیت
جزیره تنب ابراز شد.
مقصود از این یادداشت مذاکره در خصوص حق حاکمیت
جزیره مزبوره نمی‌باشد بلکه یادآوری به دولت ایران است
که در مراسله اولیه سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
(مراسله مورخه ۴ اوت نمره ۲۰۴) و در مراسله
مورخه ۷ سپتامبر نمره ۲۲۸ دولت انگلیس
این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند که برای اشخاصی
که در این واقعه صدمه به آنها رسیده است مطالبه غرامت
نمایند. ضمناً تصور می‌رود که دولت ایران

British Legation,

Tehran,

No. 36. 7th February, 1929.

MEMORANDUM.

Considerable correspondence occurred during the summer between His Majesty's Legation and the Imperial Ministry of Foreign Affairs on the subject of an Arab dhow seized at Tunb by the Persian Customs authorities and detained at Lingah. This correspondence led to a divergence of opinion on the subject of the ownership of the island of Tunb.

The object of the present memorandum is not to discuss the question of the sovereignty of the island but to remind the Persian Government that both in the original Note from His Majesty's Legation (No. 204 of August 4th) and in the Note No. 228 of September 7th His Majesty's Government reserved the right to claim compensation for the persons who suffered injury by this incident. It is presumed also that the Persian

Government

Government would be prepared to offer compensation in this connection.

It will be easily realized that the detention of the dhow involved the captain in considerable pecuniary loss. The crew and passengers also suffered not only great personal inconvenience but also loss of private property.

As a result of careful investigations which have been made it has been estimated that reasonable compensation would be one thousand rupees for the captain and four thousand rupees to be distributed among the crew and passengers.

His Majesty's Legation trust therefore that the Imperial Government will see its way to accord compensation on these lines, as it would not be fair that political reasons should prevent these private sufferers from obtaining what is due to them.

حاضر باشند عوضی در این مورد پیشنهاد نمایند.
آسانی میتوان فهمید که توقیف قایق مزبور باعث
خسارت معتنابهی به ناخدای آن شده است
نه فقط زحمت و دردسر زیاد بلکه اموال شخصی آنها
از میان رفته است.
در نتیجه تحقیقات کاملی که بعمل آمده تقریباً عوض
متناسب این مسئله هزار روپیه برای ناخدا مقرر و
چهار هزار روپیه برای تقسیم بین ملاحان
و مسافرین میباشد.
سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است که دولت ایران
را برای جبران این خسارت بطوریکه در فوق ذکر شده بدهند
ببیند که انصاف و عدالت این نیست که جهات سیاسی
مانع تأدیه این اشخاص متضرر از تحصیل حقوق آنها شود

فوری

۲۰/۱۱/۷

شماره: ۱۰۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۸ مهر ۱۳۰۸
متن سند:

در جواب به مراسلهٔ نمرهٔ ۳۴۰ مهرماه جاری که در آن جنابعالی رجوع به یادداشت نمرهٔ ۳۶، ۱۸ بهمن ۱۳۰۷ نموده‌اید، زحمت می‌دهد ماحصل یادداشت مذکور این بود که با صرف نظر از مسئلهٔ حق سلطنتی جزیرهٔ تمب، کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس بروفق مراسلهٔ ۳ اوت و ۷ سپتمبر ۱۹۲۸ حق دعوی غرامت را برای مسافرین قایقی که در تمب مأمورین گمرک دولت علیه (به واسطهٔ حمل مال قاچاق) به بندر لنگه برده بودند، برای خود محفوظ می‌دارند. اساس این دعوی غرامت در مراسلهٔ ۴ اوت و ۷سپتمبر دو چیز بود.

۱. قایقی را که متعلق به تبعهٔ ایران نبود حامل پانزده زن و بچه بود، کشتی گمرکی ایران گرفته به لنگه برده و تمام مایملک مسافرین از پول و جواهر و حتی ملبوس آنها را گرفته‌اند.

۲. قایق حامل مال قاچاق نبود و قند و چای که در قایق بود آذوقهٔ لازمه برای شش هفته دریانوردی بود.

به طوری که در مراسلهٔ ۲۹ شهریور ۱۳۰۷ وزارت امور خارجه توضیح داده شد، اولاً اقدام مأمورین گمرک ایران در آبهای ساحلی ایران بوده است.

ثانیاً برحسب صورت مجالس موجوده که از گمرک رسیده، تمام آن صورتها را عبید بن راشد دوّبی ناخدای قایق در حضور چند نفر شاهد امضا کرده. عبیدراشد خود و پدرش تبعهٔ ایران هستند و مسافرین قایق هم بیش از ۵نفر که سه مرد تبعهٔ ایران و دو زن بیش نبودند و جز چهارصد روپیه (که آنهم قاچاق محسوب است) چیزی از اموال آنها گرفته نشده و آن چهارصد روپیه هم در لنگه بعد از خاتمه استنطاقات به موجب سندی که داده‌اند به خودشان مسترد شد. و حتی به زنهـــایی که عازم قشم بودند تکلیف شده بود که با کشتی حسن طالب بستان که در راه به آنها مصادف شده بود، با کلیه مایملکشان به مقصد خود بروند ولی آنها قبول نکرده بودند!!

ثانیاً قند و چایی که در قایق بود، برحسب صورت مجالس فوق آذوقه نبوده بلکه

به طور قاچاق به جزیرهٔ قشم حمل می‌شده و صورت آنها به قرار ذیل است: چایی ۱۶من، قند ۲۷من، شکر ۳۳من، برنج و خرما ۶۰۰۰من. مدت مسافرت حضرات به مقاصدشان بیش از یک یا دو هفته نمی‌توانست طول بکشد و فرضاً هم مدت شش هفته نظریهٔ سفارت قبول شود، در مدت شش هفته برای ۵نفر بیش از چهارمن قند، نیم من چای طرف احتیاج نمی‌شود پس به دلایل فوق و موافق اقرار خود ناخدا قند و چای محمولهٔ قایق مال قاچاق محسوب می‌شد.

و مراتب و حقایق مسلمهٔ فوق البته آن جناب تصدیق می‌فرمایید که نه فقط اسنادات به مأمورین گمرک دولت علیه در گرفتن مایملک و لباس زن و بچه‌های تصوری بسیار تعجب‌آور است، بلکه تعقیب از طرف کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس در چنین موارد و تا این درجه موجب تأسف می‌شود.

نمونه (۲)

وزارت امور خارجه

نوع مسوده: راپرت به سفارت انگلیس

موضوع مسوده: راجع به قایق ...

ضمیمه

مسؤل پاکنویس

اداره: انگلیس

دائره: شعبه

نمره عمومی: ۸۰۶

نمره خصوصی

کارتن

دوسیه

تاریخ تحریر ۱۶ ماه ۷ تاریخ پاکنویس ۱۷ مهر ماه تاریخ ثبت ۱۸

تاریخ خروج ۱۸ ماه ۷ سال ۱۳۰۷

۱۳۰۷

در جواب مراسله نمره ۳۰۲ مورخه ۳ مهرماه جاری در موضوع رجوع به یادداشت نمره ۳۰۶ مورخه ۱۸ بهمن

نموده اید زحمت میدهد. در خصوص یادداشت مذکور این نکته را ... صرف نظر از مسئله حق

سلطنتی جزیره بحرین که ... دولت فخیمه انگلیس بموجب مراسله ۳۰ اوت و ۷ سپتامبر ۱۹۲۸

حق دعوی غرامت را ... صاحبان قایق ... مأمورین گمرک دولت علیه (با استقلال

مال قاچاق) به بندر لنگه برده بودند برای ... 

اساس این دعوی غرامت در مراسله ۳۰ اوت و ۷ سپتامبر از قرار ذیل بود:

(۱) قایقی را که متعلق به تبعه ایران بوده و حامل ... زن و بچه بوده گشتی گمرک ایران گرفته

به لنگه برده و تمام اثاثیه مسافرین از بین ... و حتی ... آنها را گرفته اند

(۲) ~~...~~ قایق حامل مال قاچاق نبوده و ... در قایق بوده ...

شش هفته در ... بوده .

× بطوریکه در مراسله ۲۹ تیر ۱۳۰۷ وزارت امور خارجه توضیح داده شد .

۱

۸/۷/۱۶

× از اداره ... گمرک ایران ... 

نمونه (۲)

| | | |
|---|---|---|
| نمره عمومی ............ <br> نمره خصوصی ............ <br> کارتن ............ <br> دوسیه ............ | وزارت امور خارجه <br> اداره ............ <br> دائره ............ شعبه ............ | نوع مسوده ............ <br> موضوع مسوده ............ <br> ضمیمه ............ <br> مسؤل پاکنویس ............ |

تاریخ تحریر ............ ماه ............ تاریخ پاکنویس ............ ماه ............ تاریخ ثبت ............ ماه ............
تاریخ خروج ............ ماه ............ سال ۱۳۰

عبدالله راننده که با ماشین قاچاق او در حضور عبید نزد شما اعتراف کرده
عبید راننده خود و پدرش تقصیر را گذاشته و سایر مسافرین قاچاق را بیش از ده نفر در نظر گرفته [illegible]
و هر زمان پیش آمده و جزء لیبل رسیده و بیرون آمده قاچاق محسوب است چیزی از اموال آنها
گرفته نشده بود و آن لیبل رسیده و بیرون را [illegible] اشخاص ملاقات کرده سبب شدند
که داده و از گوشت آن [illegible] شده بود و حتی به همانها هم عازم قشم بود [illegible] شده بود
در بازرسی حسن طالب [illegible] در راه به آن تصادف شده [illegible]
[illegible] بوده ولی آنها تنزل کرده‌اند!!
تا اینجا [illegible] در قاچاق بود [illegible] صورت کابینه فوق اظهار نموده [illegible]
[illegible] صورت آنها [illegible] است . [illegible] ۱۹ [illegible] ۲۷
[illegible] ۳۳ [illegible] ۹۰۰۰ [illegible] مدت مسافرت [illegible]
پیش از یک [illegible] مدت شش هفته [illegible]
[illegible] و مدت شش هفته [illegible] از [illegible]

نمونه (۲)

| | | |
|---|---|---|
| نمره عمومی........ | **وزارت امور خارجه** | نوع مسوده........ |
| نمره خصوصی........ | اداره........ | موضوع مسوده........ |
| کارتن........ | دائره........ شعبه........ | ضمیمه........ |
| دوسیه........ | | مسؤل پاکنویس........ |

تاریخ تحریر........ ماه........ تاریخ پاکنویس........ ماه........ تاریخ ثبت........ ماه........

تاریخ خروج........ ماه........ سال ........ ۱۲۰

طرف احتیاج نمی‌شود تبصره بند فوق و [illegible] و قرارداد خود نامه‌ها نوشته شده و بجای محکمات قاچاق

مال قاچاق جزو محسوب بشود

با مراقبت و حقایق مسئله فوق اینجانب تصدیق می‌نمایم در ضبط استفادات گمرکی

گمرک دولت علیه در گرفتن مالیات و [illegible] که [illegible] تمام اوراق

~~[illegible]~~ از طرف کارگذاران دولت [illegible] ~~[illegible]~~

در حینی مرور و تا اینجا [illegible] تا سقف [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۰۶
فرستنده: وزارت جنگ ــ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۰۸
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

با ارسال سواد راپرت فرماندهٔ کل قوای جنوب، دایر به نصب بیرق و گماشتن مأمورین از طرف انگلیسها در جزیرهٔ تمب، و ابوموسی، که از شرف عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه گذشته، متمنی است از نتیجهٔ اقداماتی که در این باب به عمل می‌آید وزارت جنگ را مستحضر دارند.

کفیل ارکان حرب کل قشون

سواد راپرت فرمانده کل قوای جنوب
محرمانه
بعدالعنوان

بنابر اطلاعاتی که فرماندهٔ گردان بنادر داده است، از طرف انگلیسها در دو جزیرهٔ متعلق به ایران تمب و ابوموسی، اخیراً چند بیرق نصب گردیده و مأمورینی گماشته‌اند که این مسئله، اسباب تعجب و حیرت اهالی شده است. متمنی است مراتب را به شرف عرض خاکپای همایونی ارواحنا فداه برسانید.

فرماند کل قوای جنوب

وزارت جنگ

ارکانحرب کل قشون

دایره دفتر ارکان حرب [illegible]

شعبه [illegible]

نمره ۹۲۸۰

ضمیمه

مورخه ۵ [illegible] ۱۳۰۸

شعبه [illegible]

درجواب مراسله حروف واعداد ممیزه که مقدم بر نمره است با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

بطوریکه برابر راپرت فرمانده کل قوای جنوب دائر بنصب بیرق بگماشتن امنیه از طرف

انگلیس در جزیره تنب و ابوموسی [illegible] بیرق کماکان در جای خود گذشته

[illegible] از نقطه نظر [illegible] وزارت جلیله [illegible]

کفیل ارکان حرب کل قشون سرتیپ

[illegible]



دفتر

[illegible]

ارکان حرب کل قشون.

سواد راپرت فرمانده [illegible]

مورخه ۲۷ ماه ۱۱ ۱۳۰۸

نمره ۵۷۷۸ / ۱۰۷۵۰

ضمیمه مکتوب نمره ........

وزارت جنگ

محرمانه

[illegible]

بنا بر اطلاعاتی که فرمانده گردان [illegible] داده است از طرف انگلیسها در جزیره قشم باسعیدو [illegible]
[illegible] اخیراً چند [illegible] نصب [illegible] [illegible] مایه تعجب و حیرت اولیای
[illegible] است [illegible] [illegible] از نتیجه [illegible]
فرماندهی قوای جنوب [illegible]

[illegible] امیراحمدی

مطابق [illegible]

شماره: ۱۰۷
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۰۸
متن سند:

جناب سرابرت کلایو وزیرمختار انگلیس
آقای وزیرمختار

توقیراً به اطلاع آن جناب می‌رساند که مطابق اطلاعات واصله، در جزایر تمب و ابوموسی بیرق انگلیس افراشته شده است. دولت ایران جزایر مزبور را متعلق به خود دانسته و در مقابل این اقدام که منافی حقوق مالکیت ایران در جزایر مزبور است، خودرا ناچار به پروتست می‌بیند.

آنقدری که وزارت امور خارجه اطلاع دارد، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در باب مالکیت جزایر مذکوره هیچ نوع دعوی نداشته و افراشتن بیرق که حاکی از ادعای حقوق مالکیت است، عاری از هرنوع سابقه می‌باشد بنابراین با نهایت احترام از آن جناب متمنی است که اقدام در استقرار استاتوکو در جزایر مزبوره فرمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

وزارت امور خارجه

نمره ضبط ۸/۱۲-۶ ... موضوع مسوده ...
نمره ۱۴۴۷۰ اداره کل ... ضمیمه ...
دوسیه ... اداره ... مسئول پاکنویس ...

تاریخ تحریر ۵ ... ۸/۱۲ ... تاریخ پاکنویس ۸/۱۲/۵ ... تاریخ ثبت و خروج ۵/۱۲/۱۳۰۸

عنوان مسوده ...

آقای وزیر مختار

توقیرا باطلاع انجناب میرساند که مطابق اطلاعات واصله در جزایر تمب و ابوموسی بیرق انگلیس افراشته شده است دولت ایران جزایر مزبور را متعلق بخود دانسته و در مقابل این اقدام که منافی حقوق مالکیت ایران در جزایر مزبور است خود را ناچار به پروتست مینماید.

انقدریکه وزارت امور خارجه اطلاع دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در باب مالکیت جزایر مذکوره هیچ نوع دعوی نداشته و افراشتن بیرق که حاکی از ادعای حقوق مالکیت است عاری از هرنوع سابقه میباشد بنابراین با نهایت احترام از انجناب متمنی است که اقدام در استقرار استاتوکو در جزایر مزبوره فرمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

جناب سر رابرت کلایو وزیر مختار انگلیس.

شماره: ۱۰۸
فرستنده: وزارت امور خارجه (سواد این نامه از سفارت انگلیس به وزارت خارجه در سال ۱۳۰۸ ارسال شده است)
گیرنده: (سفارت انگلستان)
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳
متن سند:

جناب جلالت مآب فخامت نصاب دوستان استهظارا [استظهارا] مشفق مکرم مهربان

برای استحضار خاطر گرامی آن جناب جلالت‌مآب اظهار می‌دارد که در خصوص جزیرهٔ تمب و ابوموسی که دولت ایران آن دو جزیره را متعلق به خود می‌داند اقدام مباشرین گمرک در آن دو محل آنچه شده بدین موجب بوده است. ولی چون نتیجهٔ مذاکراتی راکه‌در حین ملاقات با آن جناب جلالت‌مآب چند روز قبل به عمل آمده به عرض حضور همایونی شاهنشاهی دامت سلطانه رسانید، امر و مقررشد که عجالتاً اقدامی را که مباشرین گمرک در آنجا نموده‌اند موقوف باشد و در آن دو محل از هیچ طرف نصب بیرق نشود تا بعداً قراری در خصوص آنها داده شود.

(مشیرالدوله)

سواد

۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۳

جناب جلالتمآب فخامت نصاب دوستان استظهارا مشفق مکرم مهربان

برای استحضار خاطر گرامی آن جناب جلالتمآب اظهار میدارد که در خصوص جزیره تمب و ابوموسی
که دولت ایران آن دو جزیره را متعلق بخود میداند اقدام به شروع نکرده در آن دو ملک
تا اینجا شبهه چنین مطلب بعید است ولی چون تهیه مذاکرات را که در حین ملاقات با آن جناب
جلالتمآب چند روز قبل بنده راجع به بعض مطالب با وزارت خارجه دولت علیه ایران
امروز مقرر شد که مقامات اقدامی را که باشند آنجا نکرده در آنجا نموده متوقف باشد
دولتین دوستی از هیچ طرف سبب نگرانی نشود تا بعدا قراری در خصوص آنها داده شود.

(ارشیر الدوله)

شماره: ۱۰۹
فرستنده: وزارت جنگ ــ ارکانحرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۴ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب مراسلهٔ نمرهٔ $\frac{۳۹۸-۵۷۹}{۲۲۱۷}$ و معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ $\frac{۱۰۴}{۷۱۰۱۲۱۴}$، صادره از ادارهٔ کل سیاسی در موضوع مداخلهٔ انگلیسها در جزایر تمب و ابوموسی، زحمت‌افزامی‌شود راپرتهای اخیر فرمانده تیپ مستقل کرمان و ادارهٔ تشکیلات نظمیه واصله به ارکان حرب کل قشون حاکی است که بیرق انگلیس در جزایر فوق‌الذکر چندی است افراشته شده. نظر به اینکه عملیات انگلیسها در جزایر مزبور برخلاف مالکیت دولت علیه و رویهٔ دوستانه است، مراتب اطلاع داده شد تا به هر قیمتی صلاح می‌دانند، این اقدام حق‌شکنانهٔ انگلیسها را مورد تعرض قرار داده و از نتیجهٔ اقدامات مؤثره این وزارتخانه را مستحضر دارند.

از طرف وزیرجنگ ــ کفیل ارکان حرب کل قشون

[پی نوشت:]
کاغذ خصوصی به وزیرمختار نوشته و حقیقت قضیه استفسار نمایند.

وزارت جنگ

مورخه ۱۴ / ۹ ماه ۱۳۰۹
شنبه

ارکان حرب کل قشون

دایره: محرمانه
شعبه
نمره ۵۰۳۲/د ۳۳۹۲ ۲۲۱۵۹

در جواب مراسله حروف و اعداد نمره که متمم نمره ثبت با نمره ذکر شود

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسله نمره ۳۹۸/۵۷۹ ۲۲۱۷ و معطوفاً به مرقومه نمره ۱۰۴ ۷۱۰۱۲۱۴ صادره از اداره سیاسی

در موضوع مداخله انگلیس‌ها در جزایر تمب و ابوموسی زحمت افزا میشود راپرتهای اخیر فرمانده تیپ مستقل [illegible]

داده در تشکیلات نظمیه وابسته به کارگذاری فوق حاکی است که بیرق انگلیس در جزایر فوق الذکر

چند ماه است افراشته شده نظر باینکه عملیات انگلیس‌ها در جزایر مزبور برخلاف حقوق مسلمه مملکت است تقاضا

و تمنی دارد که مراتب را تعقیب فرمایند تا بطوری که صلاح میدانند این اقدام حق شکنانه انگلیس‌ها را

مورد تعرض قرار داده و از نتیجه اقدامات متخذه این وزارتخانه را مستحضر دارند —

از طرف وزیر جنگ — کفیل ارکان حرب قشون [signature]

کابینه خصوصی وزارت خارجه [illegible]

ثبت دفتر کابینه وزارت امور خارجه
نمره ۹۴۴۶
نمره ثبت ۷۱۰۱۲۲۱
تاریخ ۱۳۰۹/۹/۱۶

انگلیس

شماره: ۱۱۰

فرستنده: وزارت امور خارجه

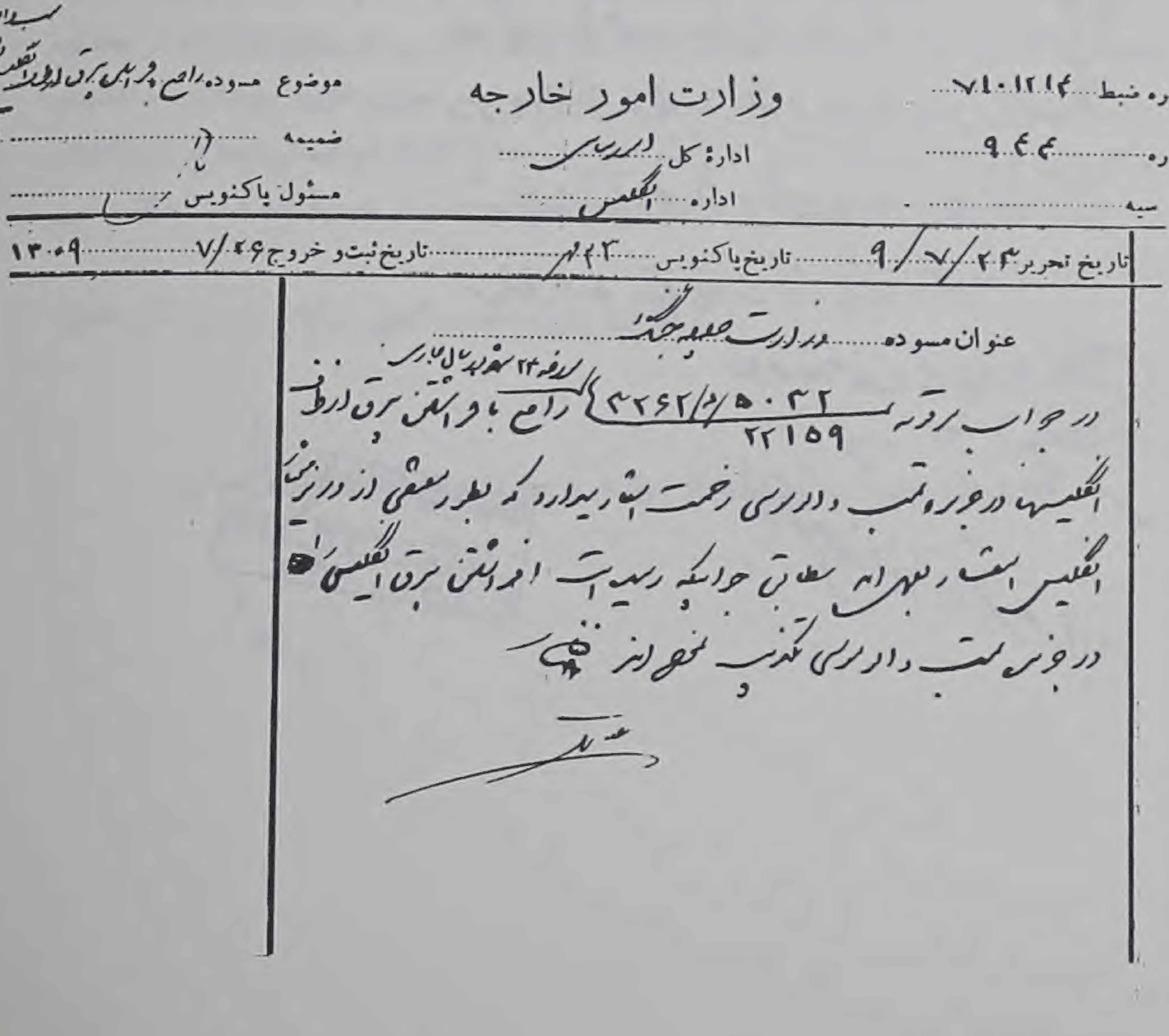
گیرنده: وزارت جنگ

تاریخ: ۲۶ مهر ۱۳۰۹

متن سند:

وزارت جلیلهٔ جنگ

در جواب مرقومهٔ نمرهٔ $\frac{۵۰۳۲-د-۳۲۶۲}{۲۲۱۵۹}$ مورخهٔ ۲۴ شهریور سال جاری، راجع به افراشتن بیرق از طرف انگلیسها در جزیرهٔ تمب و ابوموسی، زحمت اشعار می‌دارد که به طور مقتضی از وزیرمختار انگلیس استفسار به عمل آمد. مطابق جوابی که رسیده است افراشتن بیرق انگلیس را در جزیرهٔ تمب و ابوموسی تکذیب نموده‌اند.



شماره: ۱۱۱
فرستنده: وزارت جنگ ـ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ ۹۴۴/۷۱۰۱۲۱۴، صادره از ادارهٔ انگلیس مورخهٔ ۹/۷/۲۶ در موضوع برافراشته شدن بیرق انگلیس در جزایر تمب و ابوموسی زحمت اشعار می‌دهد، مراتب مجدداً از مأمورین مربوطه استفسار، سواد راپرت جوابیهٔ نمرهٔ ۱۸۲ و نمره ۱۷ ساخلو هنگام تلواً ارسال و به طوری که ملاحظه می‌فرمایید افراشته شدن بیرق در چندی قبل از طرف انگلیسها صحت داشته که از طرف سلطان ابن سالم حکومت رأس‌الخیمه جلوگیری گردیده و سکوت انگلیسها در مقابل ممانعت شیخ مزبور، خود دعوای مالکیت مشاراله و اظهارات انگلیسها را که در صدر مرقومهٔ نمرهٔ ۱۰۴/۷۰۱۲۱۴ مورخه ۲۷فروردین ۱۳۰۹ مندرج است، تأیید می‌نماید و نتیجهٔ حاصله اعم از بیرق انگلیسها یا شیوخ ساکنین جزایر مذکور منتهی به یک اصل (نقض حقوق مالکیت دولت شاهنشاهی) می‌باشد. متمنی است، از نتیجهٔ اقداماتی که از طرف آن وزارت جلیله معمول خواهد گردید، این وزارتخانه را مستحضر فرمایید.

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

دایره محرم

نمره ۳۸۷۴ / ~~۳۰۴۸ / ۱۲۹۰۶~~

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که مقدم نمره است با نمره ذکر شود

مورخه ۱۷ / ۲ / ۱۳۱۰

ضمیمه ۲

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً به مراسله نمره ۹۴۴ / ۷۱۰۱۲۱۴ صادره از اداره انگلیس مورخه ۹/۷/۲۴ در موضوع برافراشته شدن بیرق انگلیس در جزایر تنب و ابوموسی جهت استحضار مراتب مجدداً از ناحیه مربوطه استفسار شده سواد راپرت جواب نمره ۱۸۲ و نمره ۱۷ ناحیه ... بطوریکه ملاحظه میفرمائید برافراشته شدن بیرق در چندی قبل از طرف انگلیسها صحت داشته و از طرف سلطان ابن سالم حکومت رأس الخیمه جلوگیری گردیده و حکومت انگلیسها در مقابل ممانعت شیخ مزبور خود دعوای مالکیت مشارالیه را و اظهارات انگلیسها را در جواب مراسله نمره ۱۰۴ / ۷۱۰۱۲۱۴ مورخه ۲۷ فروردین ۱۳۰۹ مندرج است تأیید مینماید نتیجه حاصله اعم از بیرق انگلیسها یا شیوخ ساکنین جزایر مذکور حتی بیرق ... در نقض حقوق مالکیت دولت شاهنشاهی یکی است قطعی است از نتیجه اقداماتیکه از طرف وزارت جلیله عملی خواهد گردید اینوزارتخانه را مستحضر فرمائید

ثبت شد
۱۲ / ۲ / ۱۰

۷۴۱
۱۷ / ۲ / ۱۰

شماره: ۱۱۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۲۶ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ جنگ

با عطف به مراسلهٔ نمرهٔ ۱۷۳۰۴۹ خرداد جاریه در موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تمب و ابوموسی، حاوی راپرتهای ساخلوی هنگام توجه آن وزارت جلیله را بدین نکته جلب می‌نماید که جملات راپرتها پیچیده و باهم مخالف‌اند!

در راپرت نمرهٔ ۱۸۲ می‌نویسد سال گذشته از طرف انگلیسها در جزایر تمب و ابوموسی بیرق افراشته بودند ولی از طرف شیخ سلطان ابن سالم حکومت رأس‌الخیمه از افراشتن بیرق ممانعت به عمل آمد. اولاً معلوم نیست که بعد از افراشتن و بودن بیرق انگلیس برای مدتی شیخ رأس‌الخیمه ممانعت کرده بود یا اینکه از اول مانع برافراشتن شده بود؟

ثانیاً متعاقب آن می‌نویسد از قرار تحقیقات، جزیرهٔ تمب را شیخ رأس‌الخیمه جزء توابع خود قرار داده و جزیرهٔ ابوموسی را شیخ شارجه جزء مایملک خود قرارداده (چنانکه در نمرهٔ ۱۰۴ این وزارتخانه همین نکته تأیید شده است) در این صورت چطور می‌تواند شیخ رأس‌الخیمه در امور هر دو جزیره مداخله نماید!

و در راپرت نمره ۱۷ ساخلو هنگام می‌نویسد شیوخی که در جزایر تمب و ابوموسی بیرق افراشته‌اند، تبعهٔ عبدالعزیز ابن صعود می‌باشند معلوم نیست مقصود از صعود، ابن سعود پادشاه حجاز و نجد است یا ابن‌السعود دیگر است به طوری که در راپرت سابق ذکر کرده و صحیح هم هست شیخ رأس‌الخیمه و شارجه در آن جزایر بیرق افراشته و این شیوخ تبعهٔ کسی معلوم نیست باشند؛ و از طرف دیگر در راپرت ذکر شده علامت بیرق در تمب و ابوموسی یک پارچهٔ سرخ و حاشیه بیرق دورادور پارچه سفید است، علامت بیرق غیر از بیرق اعراب است. اگر این بیرق، بیرق اعراب نیست پس بیرق کیست. زیرا انگلیس غیر از سه قسم بیرق بیرق دیگری ندارد و در میان آنها هیچ یک همچو علامتی را ندارد. گذشته از اینها از طرف جهاز انگلیس یک پرده بیرق به چه مناسبت و چه مقصود تحویل محمود نام ایرانی ساکن جزیرهٔ تمب داده شده بود؟ و

اگر محمود هم نتوانسته است تمیز بدهد، علامت بیرق علامت انگلیس است یا اعراب چرا علامت آن را توضیح نداده! لهذا به ملاحظات فوق، از این راپرتها مفهوم صحیحی به دست نمی‌آید تا به یک نتیجه بتوان رسید. با این حال آن وزارت جلیله تصدیق می‌فرمایند که لازم است دستور به مأمورین محلی صادر شود که در راپرتهایی که می‌فرستند، نهایت دقت را نمایند که وزارتخانه‌های مربوطه نتیجه‌ومفهومی از آنها به دست بیاورند.

علاوه بر مراتب فوق به طوری که در مشروحهٔ نمرهٔ ۱۰۴ این وزارتخانه تصریح شده، دولت علیه جزایر مذکور را جزء مملکت ایران می‌شمارد و در سنهٔ ۱۳۲۲ برای تصرف و اجرای حق مالکیت اقدامات به عمل آورد. و از طرف دیگر دولت انگلیس مدعی است که آن جزایر متعلق به شیخ رأس‌الخیمه و شارجه است و این موضوع هم حال مدتی است بین دولت علیه و دولت انگلیس در ضمن مسائل دیگر مربوط به خلیج فارس، مورد مشاجره و مذاکره است و وزارت خارجه و دولت علیه در این خصوصات مذاکرات و اقدامات لازمه را اتصالاً تعاقب می‌نماید و از تحصیل حق دولت علیه، وزارت امور خارجه از تشبث به هیچ وسایل دیپلماسی و بین‌المللی فروگذار نمی‌کند. با این حال آن وزارت جلیله تصدیق می‌فرمایند این وزارتخانه در اجرای تکالیف و وظایف خود، ذرهٔ خودداری و تکاهل نورزیده و نخواهد ورزید.

نمونه ۳

# وزارت امور خارجه

محرمانه

نمره ضبط ________

نمره ۷۴۱

دوسیه ۴۳۰۷

اداره کل ________

اداره ________

موضوع مسوده تسوید مجلس

ضمیمه ________

مسئول پاکنویس ________

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷ | تاریخ تحریر ۱۳/۳/۱۳ ــ تاریخ پاکنویس ________ تاریخ ثبت و خروج ۲۶/۳/۱۳۱۰ | |

عنوان مسوده ________

عطف به راپرت نمره ۳۰۲۹ ــ ۱۷ خرداد جاریه در موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر
تنب و ابوموسی تاکنون راپرتهای مختلفی از آنجا ... رسیده به این نکته جلب نظر می‌نماید که جملات
راپرتها پیچیده و مبهم می‌باشند !

در راپرت نمره ۱۸۲ خرداد ماه گذشته از طرف انگلیسیها در جزایر تنب و ابوموسی بیرق افراشته بوده است
لکن از طرف شیخ سلطان ابن سالم حکومت رأس الخیمه از افراشتن بیرق مخالفت نمی‌کرده،
از قرار معلوم نیست که بعد از افراشتن و بودن بیرق انگلیسی در آنجا هم تا حال شیخ رأس الخیمه مخالفت کرده یا
اینکه از اول مانع برافراشتن شده بود؟

با تمام مسافت آن منزلیه از قرار تحقیقات جزیره تنب ملک شیخ رأس الخیمه جزو توابع خود قرار داده
و جزیره ابوموسی ملک شیخ شارجه جزو املاک خود قرار داده (چنانکه در نمره ۱۰۴ در همان ایام
همین نکته تأیید شده است) در اینصورت چطور می‌تواند شیخ رأس الخیمه در امور هر دو جزیره
مداخله نماید! و در راپرت نمره ۱۷ ... ماه خود منزلیه می‌نویسند که در جزایر تنب و ابوموسی
بیرق افراشته اند شیخ عبدالعزیز ابن سعود می‌باشند معلوم نیست مقصود از سعود ابن سعود
همان شاه حجاز و نجد است یا ابن سعود دیگری است، بطوریکه در راپرت سابق ذکر گردید
و صحیح آن هست شیخ رأس الخیمه و شارجه در آن جزایر بیرق افراشته و آن اتباع شیخ شارجه
کی معلوم نیست باشند؟

نمونه ۳

# وزارت امور خارجه

| | | |
|---|---|---|
| نمره ضبط ــــــــ | | موضوع مسوده ــــــــ |
| نمره ــــــــ | اداره کل ــــــــ | ضمیمه ــــــــ |
| بوسیله ــــــــ | اداره ــــــــ | مسئول پاکنویس ــــــــ |

تاریخ تحریر ــــــــ تاریخ پاکنویس ــــــــ تاریخ ثبت و خروج ــــــــ ۱۳

عنوان مسوده ــــــــ

و از طرف دیگر در روایت ذکر شده که علاقت بحرین در دست والی بوشهر که با رعیه بحرین
و حاشیه بحرین مراوده داشته است، علاقت بحرین غیر از بحرین اعراب است
اگر این بحرین بحرین اعراب نیست پس بحرین کجا است، زیرا انگلیس غیر از سه قسم بحرین
بحرین دیگری ندارد، و در سیاق آنها هیچ اثری هیچ علاقتی ترک ندارند، که گذشته از اینها از طرف
اهالی انگلیس یک پرده بحرین که مناسبت داده بمقصود و توقع محرومین ایرانی ساکن جزیره است
حاصل شده دارد؟ و اگر محروم بوده است تیز به علاقت بحرین علاقت انگلیس است
با اعراب، چرا علاقت آنها نفعی ندارد! لهذا تکیه خطابات فوق از این راه بهانه و مهمل
محض است نباید تا یک نتیجه تراش رسید، با این حال دولت کیفیه تصدیق می‌فرمایند
که لازم است دستور [illegible] یا بودن جمع سازی شود در راه تبلیغات در سفر نیشه بهانات دقت
نمایند که ... [illegible] که و دادن تمایل
در رابطه نتیجه و منظوری از آنها است بیاورید
علاوه بر عبارات فوق لطفاً که در سند دوم سند (۱۰۴) انگلیسی را بقانه نقض شده و تعقیب
قرارداد مذکور بر خلاف با مملکت ایران منعقد نموده در سنه ۱۸۲۲ برای تصرف و اجرای حق
مالکیت اقدامات لازمی آورد. و از طرف دیگر دولت انگلیس مدعی است که آن قرارداد
ستعمل مسخ رای انگلیس و مشارکت است و این بر حال حاضر بود که اینک کلیه

نمونه ۲

# وزارت امور خارجه

[نمر]ه ضبط ______

______

[ضم]یمه ______

اداره‌ٔ کل ______

اداره ______

موضوع مسوده ______

ضمیمه ______

مسئول پاکنویس ______

تاریخ تحریر ______ تاریخ پاکنویس ______ تاریخ ثبت و خروج ______ ۱۳

عنوان مسوده ______

دولت انگلیس در دو سه ماه دیگر رادیو تبلیغ فارسی [illegible] و وزارت امور

دولت علیه در خصوص مذاکرات و اقدامات [illegible] تقاضا [illegible]

از انگلیس حق [illegible] وزارت امور خارجه از [illegible] و ساعتی در رادیو [illegible]

[illegible] با این حال [illegible]

[illegible]

۱۲

شماره: ۱۱۳
فرستنده: وزارت دربار
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه
سواد کشف یک فقره تلگراف رمز واصله از بوشهر، لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال می‌شود.

وزیر دربار پهلوی
تیمور تاش

سواد مراسلهٔ وزارت جلیله پست و تلگراف نمره ۲۲۴ ۱۰/۳/۲۲

بعد از عنوان
یک ورقه رمز نمرهٔ ۲۵۱۵ بوشهر، برای استحضار خاطر مبارک محترماً تقدیم می‌گردد. در صورت اقتضا از شرف عرض و خاکپای مهر اعتلای مقدس بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه بگذرانید.

وزیر پست و تلگراف

سواد کشف رمز بوشهر از اداره کابینه وزارت پست و تلگراف نمره ۵۹۵/۱۳۱۰/۳/۲۲ شعبهٔ مرموزات

بعد از عنوان
راپرت واصله از رئیس پست لنگه: به طوری که در لنگه شایع است، جزیرهٔ تمپیار را که بین هنگام و بندر لنگه واقع و متعلق به دولت ایران است، انگلیسها از شیخ‌سلطان حکومت رأس‌الخیمه از قرار سالی پانصد روپیه به مدت پنجاه سال اجاره نموده‌اند.

۱۰/۳/۲۲ نمرهٔ ۲۵۱۵ ــ امضا

وزارت دربار پهلوی

اداره ........

تاریخ ۲۹/۳/ ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۱۷۵/م

سواد [illegible] نمره ۵۹۵ ۱۳۱۰/۳/۲۲ [illegible]

[illegible]

[illegible] تحقیق

[illegible]

۶ به نمره [illegible] ۱۰/۳/۲۲ ۲۵۱۹ ـ امضاء

---

وزارت دربار پهلوی

اداره ........

تاریخ ۲۹/۳/ ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۱۷۵/م

سواد [illegible] ۲۲۴ ۱۰/۳/۲۲

[illegible]

[illegible] کاغذ ... ۲۵۱۹ [illegible]

[illegible]

۱۱۷۵/م
۱۳۱۰/۳/۲۹

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

سواد کشف یک فقره تلگراف رمز واصله از رادیو شهر لندن برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال میشود.

وزیر دربار پهلوی

بایگانی
۱۰/۳/۳۰

۱۰۶۵۲

شماره: ۱۱۴
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ آبان ۱۳۱۱
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ ۷۴۱ــ۲۶ــ۳ــ۱۰ صادره از ادارهٔ انگلیس راجع به موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تمب و ابوموسی، اینک سواد راپرت توضیحهٔ نمرهٔ (۳۱۰۰) گردان مستقل عباسی ، واصله از تیپ مستقل کرمان تلواً برای مزید استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد.

سواد راپرت گردان مستقل عباسی نمره ۳۱۰۰ مورخه ۳ مهر ۱۳۱۱

بعدالعنوان

عطف به‌امریهٔ نمرهٔ ۵۰۳۸ ۱۱/۶/۲۹، طبق اطلاع حاصله جزیرهٔ بن‌موسی دارای هفت خانوار جمعیت و از طایفهٔ جاسمی که خود را تحت قیومیت شیخ شارجه می‌دانند، در دو سال قبل دولت انگلیس یک چوبی به اسم علم در آنجا نصب کرده تا مدت یک سال باقی بوده. بعداً به واسطهٔ دلتنگی که شیخ فوق‌الذکر از انگلیسها، علمی در آنجا نصب نشده فقط یک چوبی در آنجا باقی است که معروف است به علم شیخ و گاهی که شیخ شارجه بدانجا می‌آید، یک پارچهٔ قرمزی به اسم پردهٔ علم بدان نصب می‌نمایند. خاتمتاً معروض می‌دارد که جزیرهٔ بن‌موسی ضمیمهٔ بندر لنگه بوده و اهالی لنگه هم از طایفهٔ جاسمی می‌باشند.

یاور نصرتی

مورخه ۹ / ۸ ماه ۱۳۱۱
ضمیمه ۱

ضبط
۱۰ / ۸ / ۱۱

# وزارت جنگ
ارکان حرب کل قشون

رکن دوم
شعبه ۱
نمره ۹۱۴۲ / ۱۱۲۱ / ۱۵۱۰

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

عطفاً بمرقومه نمره ۷۴۱ / ۲۶ / ۳ / ۱۰ - صادره از اداره انگلیس راجع
بموضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تنب و ابوموسی اینک سواد
راپرت نوضیحه نمره (۳۱۰۰) گردان تنگستان حامی و اصله از تیپ مستقل
کرمان لفاً برای مزید استحضار آن وزارت جلیله ارسال میگردد.

[illegible]

۱۹۶

ثبت شد

ارکان حرب کل قشون

سواد راپورت ... [illegible]

مورخه ۲/۶/ ماه ۱۳۱۱

نمره ۱۰۴۰۴

ضمیمه مکتوب نمره ...

# وزارت جنگ

[illegible]

تلطف نامه نمره ۵۰۴۸ ۲۹/۵/۱۱ طبق اطلاع حاصله جزیره بنی فرور دارای بیست خانوار جمعیت و از طایفه ... هستند در حدود

... سال است تحت تبعیت شیخ شارجه بوده‌اند در دو سال قبل دولت انگلیس یک چوبی باسم علم در آنجا نصب کرده تا

یکسال باقی بوده بعد آنرا بواسطه دستخطی که شیخ ... از انگلیس ... علمی در آنجا نصب نشده فقط یک چوبی در آنجا ...

... است به علم شیخ و گاهی در شیخ شارجه به آنجا ... یک پارچه قرمزی باسم بیرق و علم به آن

نصب می‌نماید ... [illegible] در جزیره بنی فرور ... [illegible] ... از طایفه ... [illegible]

یاور [illegible]

شماره: ۱۱۵
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ خرداد ۱۳۱۲
متن سند:

آقای میرزا محمد خان شایسته ــ وزارت جلیلهٔ امور خارجه
آقای شایستهٔ عزیزم

خاطر شریف را مراجعه می‌دهم به مراسله خصوصی که جناب میرزا غفارخان جلال در تاریخ ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت)، بلافاصله قبل از حرکت خود در باب مذاکراتی که در سنهٔ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) در باب جزایر تمب و ابوموسی به دوستدار نگاشته‌اند.

به نظر دوستدار چنین می‌رسد که اشتباهی رخ داده باشد و جناب آقای جلال به مناسبت عجله در حرکت خود، تاریخ مراسلهٔ مرحوم مشیرالدوله به عنوان سرآرترهاردینگ را که سواد آن را ارسال داشته بودند، اشتباهاً خوانده بودند. تاریخ مراسلهٔ مزبور ۳۱ می ۱۹۰۵ (۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳) که اشعار داشته‌اند، نبوده بلکه ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴ (۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۲) بوده است. در واقع در جواب این مراسله بوده که سرآرتورهاردینگ مراسلهٔ مورخهٔ روز ۱۵ ژوئن ۱۹۰۴ را که سواد آن را در طی مراسلهٔ خود مورخه ۲۶ اوت ۱۹۳۲ (۴ شهریور ۱۳۱۱) به جناب آقای جلال ارسال داشته‌ام، نگاشته بودند. در هر حال تصور نمی‌نمایم دولت علیه دو مراسله به یک مضمون به سفارت ارسال داشته باشند.

[پی نوشت:]
به عرض رسید.
سواد مراسلهٔ جناب آقای جلال در دوسیه نبود. به طور خصوصی از سفارت خواسته شد.

سفارت انگلیس طهران

۳ خرداد ۱۳۱۲

آقای شایسته عزیزم

خواهشمندم به مراسله خصوصی که جناب
آقای غفارخان جلال در تاریخ ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت)
بلافاصله قبل از حرکت خود درباب مذاکراتی که در سنه ۱۹۰۴
(۱۳۲۲) درباب جزایر تنب و ابوموسی جریان داشت به اینجانب
نگاشته‌اند.

بنظر دوستدار چنین میرسد که اشتباهی رخ داده است
و جناب آقای جلال نظر بعجله در حرکت خود تاریخ
مراسله مرحوم مشیرالدوله بعنوان سر آرتور هاردینگ را
که سواد آنرا ارسال داشته بودند اشتباهاً خوانده بودند.
تاریخ مراسله مزبور ۳۱ مه ۱۹۰۵ (۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۳)
نبوده بلکه ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴
(۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۲) بوده است. در واقع در جواب
همین مراسله بود که سر آرتور هاردینگ مراسله مورخه ۱۵ ژوئن ۱۹۰۴ را
که سواد آنرا در ضمن مراسله خود مورخه ۲۶ اوت ۱۹۳۲
(۴ شهریور ۱۳۱۱) بجناب آقای جلال ارسال داشته‌ام
نگاشته بود. بهر حال تصور نمیکنم دولت علیه
دو مراسله بیک مضمون به سفارت ارسال داشته باشند.

British Legation,

TEHRAN.

May 28th 1933.

Dear Mr. Sheyesteh,

May I ask you to refer to the private letter which His Excellency Mirza Ghaffar Khan Jelal wrote to me on April 29th (9th Ordibehesht) immediately before his departure on the subject of the discussions that took place in the year 1904 (1322) respecting the islands of Tamb and Abu Musa.

It seems to me that some confusion has occurred, and that in the rush of departure Jelal has mis-read the date of the letter from Mushir-ed-Dowlch to Sir Arthur Hardinge of which he enclosed a copy. It was not dated May 31st, 1905 (Rabi-ul-Avval 26th 1323) as he stated, but June 14th 1904 (Rabi-ul-Avval 29th 1322). It was in fact in reply to this letter that Sir Arthur Hardinge wrote his note of June 15th 1904, of which I sent Jelal a copy in my letter of August 26th 1932 (4th Shahrivar 1311). At least I suppose the Imperial Government would not have sent the Legation two notes in identical terms.

Yours sincerely

R. H. Hoare

Mirza Muhammad Khan Sheyesteh,

Ministry for Foreign Affairs.

شماره: ۱۱۶
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: به وزارت امور خارجه ارسال گردیده
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۱۵
متن سند:
محرمانه مستقیم

وزارت مالیه
تعقیب نامهٔ شمارهٔ (س ۱۹۱۲/۱۰۷۲) ۱۵/۱۱/۱۷ راجع به استخراج گل سرخ از جزیرهٔ بوموسی اینک سواد گزارش خلیفه‌بن راشد، ضابط جزیرهٔ سری که به وسیلهٔ حکومت بنادر جنوب رسیده است، لفاً ایفاد می‌گردد.ــ از طرف وزیر داخله
سواد مطابق اصل است.

گزارش ضابط سری به حکومت لنگه

موضوع جزیرهٔ‌بن موسی واقع در خلیج ایران، اینک در چند سال قبل یک نفر کمپانی آلمانی برای استخراج معدن (گل گلک) از جزیرهٔ مذکور امتیاز از شیخ شارجه نموده بوده است که کمپانی مذکور در سنوات ماضیه اشتغال به کار گلک در جزیرهٔ مذکور داشته. بعد از آن تا به حال هم مدتی بوده که استخراج معدن مزبور ساقط، واحدی استخراج نداشته است تا آنکه سال گذشته موقعی که زمام حکمرانی لنگه عهدهٔ آقای فهیمی بود، مجدداً یک نفر کمپانی انگلیسی، امتیاز استخراج معدن مذکور از شیخ شارجه موسوم به سلطان ابن سقر نمود و محمولهٔ کشتی هم حمل و صادر داشته است. بعد از آن تا به حال استخراج معدن مذکور موقوف بوده ولی‌باز ازبیست روز به این طرف مجدداً کمپانی فوق‌الذکر اشتغال و استخراج معدن مذکور داشته و دارد و همچنین در اثر استخراج معدن جزیرهٔ مذکور، چند خانواده از اهالی جزیره سری قصد مسافرت و مهاجرت به عمان و بنی موسی داشته بوده. ولی اینجانب از مسافرت و مهاجرت ایشان از جزیره ممانعت و جلوگیری داشته‌ام و فقط چند نفری از ایشان برای اشتغال موقتی در جزیرهٔ بنی موسی عازم شده‌اند و قریباً مراجعت به سری می‌دارند و خانواده ایشان هم در جزیرهٔ سری مقیم معیشت دارند. ضابط سری خلیفه بن راشد. سواد مطابق اصل است.ــ سواد مطابق سواد است.

اداره درامد معادن

وزارت مالیه

سواد نامه‌وزارت داخله نمره س ۱۰۱ / ۱۱ / ۵۰۰۲ مورخه ۱۶ اسفند ۱۵-۱۳ وزارت / اداره که اصل آن

به نمره ... و تاریخ ... در اندیکاتور ثبت شده

محرمانه مستقیم

وزارت مالیه

تعقیب نامه شماره (س ۲ ۱۰۷ / ۱۹۱۱۲ ) ۱۵ / ۱۱ / ۱۷ راجع باستخراج گل سرخ از جزیره بوموسی اینک سواد گزارش خلیفه‌بن راشد ضابط جزیره سری که بوسیله حکومت بنادر جنوب رسیده است لفا ایفاد میگردد . ـ ازطرف وزیر داخله

سواد مطابق اصل است .

۱۳۱۸

وزارت ماليه

اداره درامد معادن

سواد گزارش ضابط سری بحکومت لنگه

مورخه

نمره

موضوع جزیره بنی موسی واقع در خلیج ایران اینک درچند سال قبل یکنفر کمپانی المانی برای استخراج
معدن (گل گلك) از جزیره مذکور امتیاز از شیخ شارجه نموده بوده است که کمپانی مذکور درسنوات
ماضیه اشتغال بکار گلك درجزیره مذکور داشته بعد ازان تا بحال هم مدتی بوده که استخراج معدن
مزبور ساقط و احدی استخراج نداشته است تاانکه سال گذشته موقعیکه زمام حکمرانی لنگه عهده اقای
فهیمی بود مجددا یکنفر کمپانی انگلیسی امتیاز استخراج معدن مذکور از شیخ شارجه موسوم بهسلطان
ابن سقر نموده ومحموله کشتی هم حمل و صادر داشته است بعدازان تا بحال استخراج معدن مذکور
موقوف بوده ولی بازاز بیست روز باینطرف مجددا کمپانی فوق الذکر اشتغال و استخراج معدن مذکور
داشته و دارد و همچنین دراثر استخراج معدن جزیره مذکور چند خانواده از اهالی جزیره سری قصد
مسافرت و مهاجرت بعمان و بنی موسی داشته بوده ولی اینجانب از مسافرت و مهاجرت ایشان از جزیره
ممانعت و جلوگیری داشتهام و فقط چند نفری ازایشان برای اشتغال موقتی درجزیره بنی موسی عازم
شدهاند و قریبا مراجعت به سری میدارند و خانواده ایشانهم در جزیره سری مقیم و معیشت دارند
ضابط سری خلیفه بن راشد . ـ سواد مطابق اصل است ـ سواد مطابق مطابق اصل است .

شماره: ۱۱۷
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۱۵
متن سند:

وزارت امور خارجه

به طوری که استحضار دارید به‌وسیلهٔ آن وزارتخانه از دولت انگلستان تقاضا شده است، مادام که تکلیفِ قطعی جزیرهٔ ابوموسی تعیین نگردیده، دولتین ایران و انگلیس از استخراج معدن خاک سرخ جزیرهٔ مزبور خودداری نمایند. معهذا مطابق اطلاعاتی که به این وزارتخانه رسیده است، برخلاف انتظار از طرف شرکت انگلیس که مرکز آن در انگلستان است و نمایندهٔ آن در شارجه می‌باشد، با اجازهٔ سلطان نام شیخ شارجه مرتباً اقدام به استخراج خاک سرخ نموده و به وسیلهٔ کشتی‌های استریک به خارجه حمل می‌نمایند. نظر به اینکه این اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی ایران است، متمنی است مراتب را به مقامات مربوطه یادآوری و تقاضا فرمایید که دستورات لازمه به کمپانی مزبور بدهند که از مداخله در امر استخراج معادن خاک سرخ جزیرهٔ فوق خودداری و نتیجه را هم به این وزارتخانه اعلام فرمایید.

کفیل وزارت مالیه

مدل ۵۰۱

وزارت ماليه

اره ..........

بره ..........

بتاريخ ۸/۱۲ ماه ۱۳۱۵

شماره ۴۷۹۹۴ ضميمه ..........

موضوع ــ خاك سرخ جزيره ابو موسي

وزارت امور خارجه

بطوريكه استحضار دارند بوسيله آنوزارتخانه از دولت انكلستان تقاضا شده است مادام كه تكليف قطعي جزيره ابوموسي تعيين نكرديده دولتين ايران و انكليس از استخراج معدن خاك سرخ جزيره مزبور خود داري نمايند معهذا مطابق اطلاعاتي كه باين وزارت خانه رسيده است بر خلاف انتظار از طرف شركت انكليس كه مركز آن در انكلستان است و نماينده آن در شارجه ميباشد با اجازه سلطان نام شيخ شارجه مرتبا اقدام باستخراج خاك سرخ نموده و بوسيله كشتيهاى استريك بخارجه حمل مينمايند نظر باينكه اين اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهي ايران است متمني است مراتب را بمقامات مربوطه ياد آورى و تقاضا فرمائيد كه دستورات لازمه بكمپاني مزبور بدهند كه از مداخله در امر استخراج معادن خاك سرخ جزيره فوق خود دارى و نتيجه را هم باين وزارتخانه اعلام فرمائيد ٠ ــ كفيل وزارت ماليه

[signature]

ادارۀ [illegible]

۱۵/۱/۹

دفتر كابينه وزارت امور خارجه

نمره ۵۴۴۴

۹ آذر ماه ۱۵ ۱۲ ۱۳۱۵

۵۲۹۷

۱۵/۱۲/۱۰

شماره: ۱۱۸
فرستنده: گزارش ادارهٔ محرمانهٔ وزارت خارجه
گیرنده: وزیر خارجه
تاریخ: ۱۶ فروردین ۱۳۱۶
متن سند:

فوری است

به عرض می‌رسد

در دو سال قبل که شرکت انگلیسی موسوم به **Golden valley** ، اجازهٔ استخراج خاک سرخ جزیرهٔ ابوموسی را از شیخ‌محمود، شیخ شارجه تحصیل نمود و بعداً هم که انگلیسها شروع به استخراج خاک سرخ در جزیرهٔ مزبور نموده‌اند؛ حق مالکیت خودمان را به جزیرهٔ ابوموسی خاطرنشان نمودیم و نسبت به اقدام شرکت انگلیسی در تحصیل امتیاز و استفادهٔ غیر مشروع از منابع ثروت این جزیره اعتراض کردیم.

اقدامات خودمان را در آن وقت بر روی این پایه قرار داده‌ایم: دولت ایران ابوموسی را ملک خود می‌داند و اقدام شرکت به منزلهٔ تصرف مالکانه در مال غیر است و چون اساس مناسبات ما بر این است که تا موقع انعقاد عهدنامهٔ جدید نسبت به اختلافاتی که داریم، اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد، ننمائیم. لذا این اقدام را نقض قراری می‌دانیم که راجع به مسائل متنازع فیه فی‌مابین داده شده است.

سفارت انگلیس اظهار داشته که نقض قراری نشده چون شیخ‌شارجه فعلاً مالک و متصرف جزیره است، و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است. بنابراین کاری خارج از قاعده نشده است. در آن موقع به سفارت جواب داده شده، تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد، چون به مالکیت او ما معترض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی‌بماند تا تکلیف معلوم بشود. لذا شیخ حق نداشته تصرفاتی‌که دال بر مالکیت است بنماید.

چون وزارت مالیه اخیراً اطلاع می‌دهند که انگلیسها مرتباً خاک سرخ جزیرهٔ ابوموسی را استخراج و حمل می‌نمایند و این اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی است، بعلاوه نقض قراری است که راجع به مسائل متنازع فیه با انگلیسها داریم، لذا مراتب به عرض رسید تا در صورتی که تصویب بفرمایند در زمینه که سابقاً اقدام شده، مجدداً اقدام و به سفارت انگلیس اعتراض بشود.

اداره ...... [illegible]
نمره ......
تاریخ ۱۶/۱/۱۶ [?]
ضمیمه ...... بپیوست ندارد [?]

**وزارت امور خارجه**

درست

بعرض میرسد

در دو سال قبل که شرکت انگلیسی موسوم به Golden Valley اجازه استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسیٰ را از شیخ محمود شیخ شارجه تحصیل نمود و بعداً هم که انگلیسها شروع به استخراج خاک سرخ در جزیره مزبور نموده اند حق مالکیت خودمان را به جزیره ابوموسی خاطرنشان نمودیم ونسبت به اقدام شرکت انگلیسی در تحصیل امتیاز واستفاده غیر مشروع از منابع ثروت این جزیره اعتراض کردیم •

اقدامات خودمان را در آنوقت بر روی این پایه قرار داده ایم : دولت ایران ابوموسی را ملک خود میداند واقدام شرکت بمنزله تصرف مالکانه در مال غیر است وچون اساس مناسبات ما بر این است که تا موقع انعقاد عهدنامه جدید نسبت به اختلافاتیکه داریم اقداماتیکه اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد ننمائیم واین اقدام را نقض قراری میدانیم که راجع به مسائل متنازع فیه فیمابین داده شده است •

سفارت انگلیس اظهار داشته که نقض قراری نشده چون شیخ شارجه فعلاً مالك و متصرف جزیره است و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است بنا براین کاری خارج از قاعده نشده است در آنموقع بسفارت جواب داده شده تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد چون به مالکیت او ما معترض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتیکه دال بر مالکیت است بنماید •

۲۹/۱/۳۱۶

چون وزارت مالیه اخیرا اطلاع میدهد که انگلیسها مرتباً خاک سرخ جزیره ابوموسی را استخراج وحمل مینمایند واین اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی است وعلاوه نقض قراری است که راجع به مسائل متنازع فیه با انگلیسها داریم لذا مراتب بعرض رسید تا در صورتیکه تصویب بفرمایند در زمینه که سابقاً اقدام شده مجدداً اقدام و بسفارت انگلیس اعتراض بشود •

[illegible signature]

شماره: ۱۱۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۵ خرداد ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت مالیه

عطف به نامهٔ شمارهٔ (۱۲۳۱۰) مورخهٔ ۱۶/۳/۱۶ راجع به عدم استخراج خاک سرخ در جزیرهٔ ابوموسی و جلوگیری از عملیات شرکت انگلیسی اشعار می گردد، موضوع با سفارت انگلیس مطرح گردیده و با اعتراض به عملیاتی که برای استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسی می‌شود تذکر داده شد که دولت ایران جزیرهٔ ابوموسی را ملک خود می‌داند و اقدام شرکت به منزلهٔ تصرف مالکانه در مال غیر است و چون اساس مناسبات ما بر این است که نسبت به اختلافاتی که داریم، اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد، ننمائیم، لذا این اقدام را نقض قراری می‌دانیم که راجع به مسائل متنازع فیه بین دولتین ایران و انگلیس داده شده است و تقاضا شد دستور فوری به کمپانی مزبور صادر نمایند که از مداخله در امور استخراج معادن خاک سرخ جزیرهٔ نامبرده خودداری نماید. بدیهی است وزارت امور خارجه موضوع را دنبال نموده و نتیجه را در موقع به آن وزارتخانه اعلام خواهند داشت.

۲ ۱۲۲۲۰

ضبط:
نمره: ۱۲۲۲۰
سیاه:

# وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

موضوع مسوده:
ضمیمه:
مسئول پاکنویس:

۱۰۵ | تاریخ تحریر ۲۲/۲/۲۵ | تاریخ پاکنویس ۲۵/۲/۲۵ | تاریخ ثبت و خروج ۲۶/۲/۲۵ | ۱۳۲۵

عنوان مسوده: وزارت [illegible] مالیه

عطف به نامه شماره (۱۲۲۱۰) مورخه ۵/۲/۲۵ راجع به عدم استخراج خاک سرخ
در جزیره ابوموسی و جلوگیری از فعالیت شرکت انگلیسی اشعار میگردد موضوع با سفارت
انگلیس مطرح گردیده و به اقدامی که جدیداً هم برای استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسی
شروع شده تذکر داده شده که دولت ایران جزیره ابوموسی را جزء خاک خود میداند و اقدام
شرکت بمنزله تصرف مالکانه در مال غیر است و چون این مسئله مناسبات ما
را [illegible] نسبت به اختلافاتی که داریم اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت
باشد ننمائیم لذا این اقدام را نقض قراری میدانیم که راجع به مسائل متنازع فیه بین
دولتین ایران و انگلیس داده شده است و تقاضا شده دستورات فوری به کمپانی مزبور
صادر نمایند که از ادامه در امر استخراج معادن خاک سرخ جزیره ابوموسی خودداری نماید
به [illegible] وزارت امور خارجه موضوع را دنبال نموده نتیجه را در موقع به آن وزارتخانه
اعلام خواهد داشت.

[illegible]

در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شماره: ۱۲۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۱۶ ش
متن سند:

وزارت مالیه

عطف به نامهٔ مورخه ۱۶/۵/۲۸ شمارهٔ ۱۹۳۹ راجع به استخراج گل سرخ جزیرهٔ ابوموسی به استحضار آن وزارتخانه می‌رساند، سفارت انگلیس اظهار می‌دارد که دولت انگلستان در نظریه که راجع به این موضوع در ۱۹۳۵ اظهار داشته است، باقی است و می‌گویند چون شیخ شارجه فعلاً مالک و متصرف جزیره است، و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است؛ لذا کار او خارج از قاعده نبوده و نقض قراری نشده است. به سفارت انگلیس جواب داده شد تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد، چون به مالکیت او متعرض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتی که دال بر مالکیت است بنماید.

از طرف وزیر امور خارجه

سوم سیاسی

ضبط ..........

وزارت امور خارجه

موضوع مسوده ..........

ضمیمه ..........

مسئول پاکنویس ..........

اداره ..........

۵۰ > تاریخ تحریر .......... تاریخ پاکنویس .......... تاریخ ثبت و خروج .......... ۱۳

عنوان مسوده: ..........

وزارت مالیه

عطف بنامه مورخه ۱۶/۵/۲۸ نمره ۱۹۲۹ راجع باستخراج گل سرخ جزیره ابوموسی باستحضار آن وزارتخانه میرساند سفارت انگلیس اظهار میدارد که دولت انگلستان در نظریه که راجع باینموضوع در ۱۹۲۵ اظهار داشته است باقی است و میگویند چون شیخ شارجه فعلا مالك و متصرف جزیره است و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است لذا کار او خارج از قاعده نبوده و نقض قراری نشده است بسفارت انگلیس جواب داده شد تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد چون بمالکیت او تصریح مستقیم قرار شده است وضعیت بهمین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتیکه دال بر مالکیت است بنماید

از طرف وزیر امور خارجه

شماره: ۱۲۱
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت امور خارجه

از اقداماتی که نسبت به مداخلات شیخ شارجه در جزیرهٔ ابوموسی و فروش خاک سرخ آنجا فرموده و نتیجه را به وسیله ۲۶۴۳۴/۲۵۰۸ اعلام فرموده‌اید، استحضار حاصل گردید. ضمناً مقتضی است به مقامات مربوطه تذکر بدهند که اتباع انگلیس نبایستی از این وضعیت استفاده نموده و با پرداخت وجه قلیلی یکی از معادن مهم جزیره را متصرف و بهره‌برداری نماید. در خاتمه انتظار می‌رود که با توجهات آن وزارتخانه، موضوع جداً تعقیب و بیش از این موجبات خسارت دولت فراهم نگردد.

کفیل وزارت مالیه

مدل ۵۵۱

بتاریخ ۹/۲۷ ماه ۱۳۱۹
شماره ۲۶۹۸۶ ضمیمه

موضوع ـ کل سرخ جزیره ابوموسی

وزارت مالیه

اداره معادن

وزارت امور خارجـــه

از اقداماتی که نسبت بمداخلات شیخ شارجـــه در جزیره ابوموسی و فروش خاکسرخ انجا فرموده و نتیجه را بوسیله ۲۵۰۸ / ۲۶۴۳۴ اعلام فرموده اید استحضار حاصل گردید ضمنا مقتضی است بمقامات مربوطـــه تذکر بدهند که اتباع انگلیس نبایستی از این وضعیت استفـــاده نموده وبا پـــرداخت وجه تلیلی یکی از معـادن مهـم جزیـره رامتصرف و بهره بـرداری نماید درخاتمه انتظار میرود که با توجهـــات انوزارتخانـــه موضوع جـــدا تعقیب و بیش از این موجبـــات خسارت دولت فراهـــم نگردد. ـ کفیل وزارت مالیـــه

۲۷۴۶۸
۱۹/۹/۲۸
۲۶۳۸
۱۹/۹/۱۳

شماره: ۱۲۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۵ دی ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت مالیه

پاسخ شمارهٔ $\frac{۳۴۴۲۸}{۳۸۲۵ش}$ راجع به مداخلهٔ شیخ شارجه در جزیرهٔ ابوموسی اشعار می‌شود که در تعقیب اظهارات و تذکرات مکرر سابق، مجدداً با سفارت انگلیس مذاکره و خاطرنشان شد که چون دولت شاهنشاهی معترض مالکیت شیخ مزبور نسبت به جزیره ابوموسی می‌باشد، و قرار شده است وضعیت به همین حال بماند تاتکلیف معلوم شود. لهذا مداخلات شیخ‌شارجه در آنجا چه به عنوان تصرف و چه به عنوان مالکیت، موردی ندارد و عملیات مشترک انگلیس برای استخراج خاک سرخ آن جزیره هم مخالف ترتیب راجع به حفظ استاتوکو می‌باشد. سفارت انگلیس وعده داده نتیجهٔ اقدامات خود را به وزارت امور خارجه آعلام دارد.

۳

وزارت امور خارجه

ضبط: ..................

: ...........................

به: ...........................

موضوع مسوده ..................

ضمیمه ..................

مسئول پاکنویس ..................

اداره ..........

| | | |
|---|---|---|
| ۱۳/۳ | تاریخ تحریر ۲۰/۱۰/۱۵ | تاریخ پاکنویس ۲۱/۱۰/۱۵ تاریخ ثبت و خروج ۲۵/۱۰/۱۴ ۱۳ |

عنوان مسوده .......... وزارت مالیه ..........

پاسخ نامه شماره ۸۲۲۲۴/۳۸۲۵ ش راجع به ... نفت شارجه در جزیره ابوموسی اشعار میشود که بتعقیب اظهارات مذاکرات و تذکرات مکرر سابق مجدداً با سفارت انگلیس مذاکره و خاطرنشان نموده چون دولت شاهنشاهی معترض مالکیت شیخ مزبور نسبت بجزیره ابوموسی میباشد و قرار شده است وضعیت بهمین حال بماند تا تکلیف قطعی معلوم گردد لهذا استخراج شیخ شارجه در آنجا چه بعنوان تصرف و چه بعنوان مالکیت مورد ندارد و عملیات شرکت انگلیسی برای استخراج خاک سرخ آن جزیره هم خلاف ~~...~~ ترتیب است و باید تعطیل شود تا ترتیب ~~...~~ میباشد. سفارت انگلیس وعده داد نتیجه اقدامات معموله را به وزارت امور خارجه اعلام دارد.

[امضا] ۴/۱۰

این مذاکره بین اینجانب و آقای ... نایب اول سفارت انگلیس در ۲۰/۱۰/۱۵ واقع شد

۹/۱۰ [امضا]

رئیس

# فصل ۳

# قشم

شماره: ۱۲۳
فرستنده: حسن بن شیخ محمد المعینی القشمی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۰ق
متن سند:

تصدقت گردد فدوی جان‌نثار، حسن بن شیخ محمد المعینی القشمی

چون واجب و لازم است که هر روزه به عرایضات حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل امجد افخم روحی فداه جسارت نموده، اظهار چاکری و جان‌نثاری خود نماید. به دست‌آویز مراحم بیکران گستاخی نمود استدعای فدوی جان‌نثار براین است که در هر حال نظر مرحمت اثر شامل حال فدوی دانسته که ملجأ و ملازی دیگر ندارم. چاکر سالهاست که آباً عن جداً نیابت جزیرهٔ قشم داشته‌ایم و خدمت به دیوان نموده در فرمانبرداری و تنظیم ملک و رعایا هیچ کوتاهی نداده امساله علی‌العجاله که جزیرهٔ قشم به دیگری واگذار شده ولی امیدواری تمام دارم که باز به خود جان‌نثار تفویض شود. مستدعیم که جان‌نثار از خواطر مرحمتی مظاهر محو نفرموده و در سلک یکی از چاکران و بستگان خود محسوب دانسته که مقصود و مرام فدوی همین است و به صدور قواله‌جات مرحمت آیات بین الاماثل والاقران مفتخر و سرافرازم فرمایند. باقی ظل عالی مخله و لایزالی.

تصدقت شوم

فدوی عبدالحسین بن شیخ محمد المنیجی القشتی

[illegible] ولادرم است که هر روزه بلوامات حضور بندگان

حضرت مستطاب اجل امجد افخم روحی فداه جسارت بمعروض میدارد چاکری و جان نثاری خود را به مراحم بیکران

گستاخی نمود بسمت حضور بندگی فدوی شاه [illegible] برای آنست که در هر حال الطاف مرحمت شامل حال فدوی و [illegible] است

ملجا و ملاذی دیگر ندارم چاکر سالهاست [illegible] از [illegible] جز بر [illegible] داشته‌ام و خدمت بر [illegible]

در قربان برداری و تنظیم ملک و [illegible] هیچ کوتاهی [illegible] که بحمدالله تعالی [illegible] که چون [illegible] بدعهدی دارد [illegible] شده

ولی تمنا و زیاد تمام دارم هر بار [illegible] مستدعیم که [illegible] از خدا [illegible] مرحمت [illegible]

و [illegible] یکی از [illegible] گران [illegible] محبوب داشته معصود [illegible] احسان [illegible] بصدور

مرحمت [illegible] بالدائم والاقرار [illegible] فرمایند [illegible] الحمد لله

شماره: ۱۲۴
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ مرداد ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در ورود به بوشهر لزوماً از کارگذار لنگه پارهٔ توضیحات لازمه نسبت به تصرفات انگلیسها در لافت و باسعیدو و وضعیت آنجاها خواسته بودم که جواباً به رسم اختصار بعضی اطلاعات داده و برای تکمیل تحصیل اطلاعات مفیده اجازه مسافرت به عباسی خواسته بود، چون لافت و با سعید از اضلاع جزیرهٔ قشم در بندرعباس نزدیکتر است، بهتر آن دانستم که تحقیقات لازمه از کارگذار عباسی به عمل آید و بنابراین شرحی به کارگذار مشارالیه اشعار و توضیحات لازمه را سریعاً خواستار شدم. اینک راپورتی تحت نمرهٔ ۳۷۰ از کارگذار عباسی متضمن مشروحه جداگانه که شامل وضعیات با سعید و تصرفات انگلیسها است به ضمیمهٔ سواد نقشه آنجا که از دفتر قدیم مأمور متوفی انگلیسها حاج محمود نام حفاظ استخراج نموده، به کارگذاری کل رسیده است که محض استحضار وزارت جلیله خارجه سواد راپورت واصله و منضمات آن را لفاً تقدیم می‌دارد. با سعید و نقطهٔ مهم استراتژی و برای لنگرگاه کشتی‌ها بهترین بندر جزیرهٔ قشم است.

عبدالله

[پی نوشت:]

بندر لافت از بنادر جزیره قشم است.

سواد راپورت کارگذاری عباسی به تاریخ ۲ اسد ۱۳۰۲

نمرهٔ ۷۱۸ زیارت کرده، از بابت لافت تاکنون اجانب در آنجا تصرفات نداشته سابقاً هم نداشته‌اند. نقطهٔ مزبوره قصبهٔ معتبری است از جزیره قشم در شمال جزیره در کنارهٔ دریا واقع است. از بابت با سعید و شرح آن نگاشته لفاً تقدیم داشت با نقشه آن که از دفتر قدیمه حاجی محمد محمود حفاظ مأمور متوفی انگلیسها برداشته شده است.

کارگذار عباسی محمد علی

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دوسیه ۱۲۰۲
تاریخ ۱۷ [illegible]
نمره ۸۳۱

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

در ورود به بوشهر از [illegible] کارگذاری [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
در خصوص جزیره قشم [illegible] نزدیکتر است [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] راپورت تحت نمره ۳۷۰ [illegible]
[illegible] [illegible]
حاج محمد [illegible] اخراج نموده [illegible]
سواد راپورت [illegible] [illegible]
و [illegible] بندر جزیره قشم [illegible]

بندر لافت از بنادر جزیره قشم است

[illegible] ۱۰/۶/۳

[illegible]

مورخه شهر ........ ۱۳

مطابق ۳ حوت ۱۳۰۲ ئیل

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

سواد راپورت کارگذار عباسی

نمره: مراسله ۳۷۰

نمره ۷۱۸ زیارت گردید از بابت لافت باکوتن اجانب در اینجا تصرفات نه کسی سابقاً هم همراه آمده اند

نقطه مزبوره قصبه معتبری است از جزیره قشم در شمال جزیره در کناره دریا واقع است —

از بابت باسعیدو شرح آن نگاشته تلغرافاً تقدیم داشت بقیه آن که از قدیم تعمیر حاجی محمد محمود حافظ

مأمور مستوفی انگلیس برداشته شده است —

کارگذار عباسی

صحیح

مطابق است

شماره: ۱۲۵
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۴ بهمن ۱۳۰۴
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

مرقومهٔ مطاعهٔ مورخهٔ ۱۴ دی ماه نمرهٔ ۲۰۷۸۰ راجع به با سعیدو زیارت گردید. مداخلهٔ انگلیسها به قراری که تحقیق شده است، از سنهٔ ۱۲۳۴ بوده که از آنجا به عنوان استاسیون کشتی‌ها ابنیه و عمارت مفصلی ساخته بودند و در سنهٔ ۱۳۰۰ محل مزبور را ترک کرده به هنگام رفتند و فقط یک نفر مستخدم ایرانی را در آن ابنیه گذارده که همه روز بیرق دولت انگلیس را در آنجا می‌افراشتند و در جنگ بین‌المللی ابنیهٔ مذکوره که قدری مخروبه شده بود، مجدداً تعمیر نموده و یک عده قشون در آنجا داشتند به طوری که سابق عرض شده است، از آن تاریخ به بعد دیگر در آنجا بنای جدیدی احداث نکرده‌اند. اینکه کفیل کارگذاری در ضمن راپورت نمرهٔ ۸۸۸ عرض نموده است، از طرف دولت علیه ایران با سعیدو به انگلیسها واگذار شده در این باب سندی و مدرکی در دفتر کارگذاری هم نیست ولی مشارالیه اظهار می‌دارد که موقعی‌که کارگذار بندرعباس بوده و مخصوصاً برای پاره‌ای تحقیقات به محل مذکور رفته، سواد فرمان مرحوم فتحعلی شاه قاجار را که خطاب به سیدسعید امام مسقط صادر شده، در دفتر انگلیسها که در نزد همان ایرانی مستحفظ بوده، دیده است. ممکن است سواد آن فرمان هم از میان رفته باشد البته پس از اینکه وزارت جلیله خواستند راجع به محل مذکور مذاکر و اقدامی فرمایند اگر انگلیسها فرمان و مستمسکی داشته باشند، ارائه خواهند داد.

وزارت امور خارجه

کارگذاری اول بنادر

خلیج فارس

نمره ۱۰۳۳

ضمیمه —

بتاریخ ۴ برج بهمن ماه سنه ... ئیل ۱۳۰۳

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

پیرو مطالعه مرقومه ... ماه سنه ۲۰۶۸ راجع به باسعیدو زیارت کرده

بقراری که تحقیق شده است از سنه ۱۲۳۰ ببعد که در آنجا عده ... انگلیسی

ابنیه و عمارت مفصلی ... بوده و در سنه ۱۳۰۰ ... کم ...

... فقط تعمیر شده ... ابنیه که ... برق ...

انگلیس را در آنجا باقی ... در جنگ بین‌المللی ابنیه مذکوره که ...

شده بود مجدداً تعمیر نموده یک عده قشون در آنجا داشتند ...

عرض شده است از آن تاریخ به بعد دیگر در آنجا بنای جدیدی احداث

... کمپنی کارگذاری در جواب راپرت نمره ۸۸۸ عرض نموده است از طرف

... ایران باسعیدو به انگلیسها واگذار شده در این باب سندی ... که

... اظهار میدارد که موقعیکه ... مخصوصاً ...

... فرمان مرحوم فتحعلی شاه قاجار را که خطاب به ... صادر شده ...

... آن فرمان هم از میان رفته باشد ... وزارت جلیله ...

ابلاغ ... ۲/۱۱

جواب مذکور مذاکره و اقدامی فرمایند که انگلیسها فرمان مستمسکی داشته باشند

ارائه خواهند داد

۲۰ حوت ۱۳۰۳

شماره: ۱۲۶
فرستنده: راپرت ادارهٔ اول سیاسی وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش
متن سند:

راپورت

در خصوص با سعیدو که مراسلهٔ نمره ۵۰۰۱ وزارت مالیه را به ادارهٔ اول سیاسی مراجعه و مقرر فرموده‌اند، اظهارنظر شود. مراتب ذیل را مطابق سوابقی که در دوسیه امر موجود است، به عرض می‌رساند: از وزارت جنگ در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ نهم آبان ۱۳۰۴، سواد راپورتی از ارکان حرب جنوب واصل و مشعر بود براینکه در باسعیدو که جزو جزیرهٔ قشم است، در موقع جنگ بین‌المللی انگلیسها، عمارات و انبار ذوغال [زغال]سنگ بنا کرده و بعد از جنگ محل مزبور را تخلیه و به هنگام رفته و در ثانی به باسعیدو مراجعت و مشغول تعمیرات شده‌اند. برطبق راپورت مزبور، از وزارت خارجه شرحی به کارگذاری بنادر نوشته شده بود که تحقیقات لازمه را نموده، راپورت دهد. از کارگذاری مزبور جوابی رسیده که انگلیسها در سنهٔ ۱۸۱۸ میلادی فرمانی به اسم بنای استاسیون برای کشتی‌های جنگی از دولت ایران در زمان فتحعلی شاه گرفته و بنایی در آنجا نموده‌اند و در سنهٔ ۱۳۰۰ هجری آنجا را متروک داشته و به یک نفر از گماشتگان خود که تبعهٔ ایران بوده، تفویض کرده‌اند که در روزهای یکشنبه بیرق انگلیس را در آنجا بلند نموده و در جنگ عمومی مجدداً آنجا را تعمیر و انبار ذوغال [زغال]سنگ نموده و بعد از جنگ باز آنجا را متروک و به همان ایرانی گماشتهٔ خود واگذار کردند و چون در دفتر وزارت امور خارجه، سابقه راجع به فرمان واگذاری آن قسمت به انگلیسها نبوده و فقط راپورتهایی از کارگذاری عباسی و بنادر در دفتر کل موجود است که آنها هم اشاره به فرمان کرده‌اند که بنای استاسیون در جزیرهٔ قشم برطبق آن فرمان بوده، مجدداً به کارگذاری بنادر اشعار شده است که هرگونه مدرک در این خصوص به دست آورد به وزارت امور خارجه ارسال دارد. از کارگذاری مزبور راپورتی رسیده که به سند و مدرکی دسترس‌پیدا نکرده‌اند.

نظر به مراتب معروضه در فوق، عقیدهٔ اداره اول این است که از سفارت انگلیس مدرک تصرفات آنها در نقطهٔ مزبوره خواسته شود که در صورتی که مدرکی داشته باشند،

معلوم شود که تا چه حد و چه مقدار اجازه و امتیاز دارند. والاّ رسماً تقاضای کف بر آنها بشود. ضمناً این نکته را معروض می‌دارد که مطابق راپورتهای موجوده در موقع جنگ عمومی، انگلیسها در پاره نقاط دیگر جنوبی ایران نیز بناهایی نموده و بعد از جنگ خراب کرده‌اند. سواد شرحی که از کارگذاری عباسی راجع به وضعیت باسعیدو و تصرفات انگلیسها در آنجا به ضمیمهٔ سواد نقشه آنجا به کارگذاری بنادر فرستاده شده و از آنجا به وزارت امور خارجه ارسال داشته‌اند نیز محض مزید استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم می‌شود.

[پی نوشت:]

مدلول این راپورت سابقاً به عرض وزرای وقت هم رسیده بود، ولی تصمیم قطعی اتخاذ ننمودند.

۱ نمونه (۸)

بتاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه سنه ۱۳۰۷

نمره: ضمیمه: [illegible]

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

دائره:

راپورت

در خصوص باسعیدو که موسوم است (۵۰۰۱) وزارت جلیله [illegible] اداره [illegible] متوجه [illegible] نظر [illegible]

که در [illegible] راپورت [illegible] وزارت جنگ [illegible] ۱۲۰۴ [illegible]

[illegible] باسعیدو که جزو جزیره قشم است [illegible] انگلیسها عمارات [illegible]

[illegible] باسعیدو [illegible] تعمیرات [illegible] راپورت [illegible]

۱۸۱۸ [illegible] انگلیسی [illegible] راپورت [illegible] انگلیسها [illegible]

باسعیدو [illegible] ۱۳۰۰ [illegible] در زمان فتحعلیشاه [illegible]

[illegible] یک نفر از گماشتگان خود [illegible] بیرق انگلیس [illegible]

[illegible] جنگ [illegible]

[illegible] قسمت انگلیسها [illegible]

[illegible] موجود است که [illegible] قسم [illegible]

کارگزاری [illegible] وزارت [illegible]

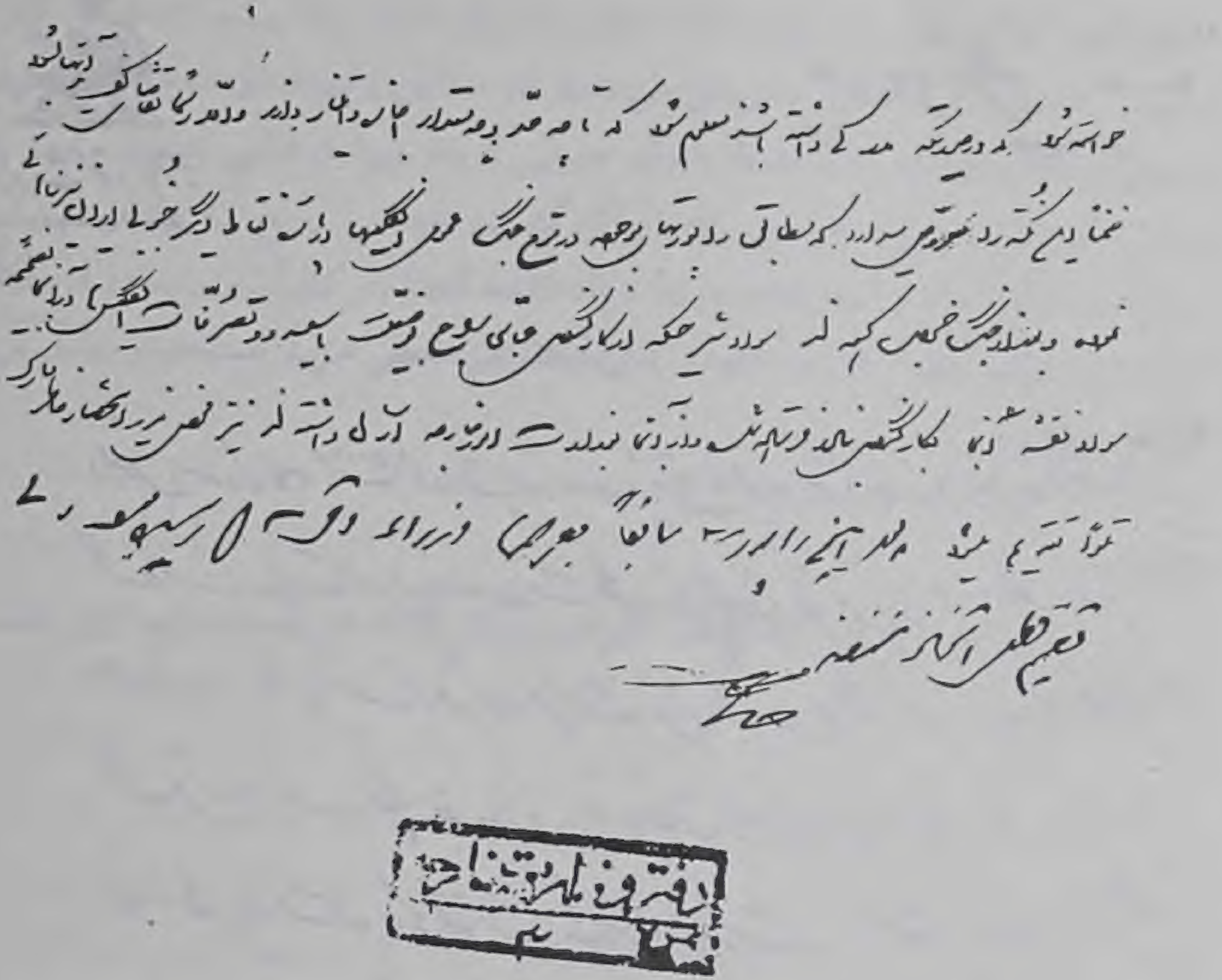
[illegible]

نظر [illegible] انگلیس [illegible] تصرفات [illegible]

[illegible]

ل - ۲۸۳

[illegible]



[illegible]

شماره: ۱۲۷
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ تیر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمدعلی‌خان فروغی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

سررجینالدهود، در طی مراسلهٔ خود، نمرهٔ ۱۲۶ مورخهٔ ۱۷ مارس (۲۶اسفند ۱۳۱۱)، محترماً به استحضار خاطر جناب اشرف رسانیدند که مأمورین ایرانی داخل در حوزهٔ انگلیس در باسعیدو شده و از چند نفر از صاحبان نخلستانها مالیاتهایی اخذ کرده‌اند. سواد قبوض مربوطه نیز ارسال گردیده بود.

۲. حال اطلاع یافته‌ام که در تاریخ ۱۰ می گذشته (۲۰ اردیبهشت)، رئیس ادارهٔ مالیهٔ جزیرهٔ قشم، دو نفر از این اشخاص را به باسعیدو ایران احضار نموده و مدت چهار ساعت آنها را توقیف کرده است. مشارالیه سعی کرده بود که به وسیلهٔ تهدید قبوضی را که بابت مالیات به آنها داده بودند، پس بگیرد. لکن چون قبوض را به خارج فرستاده بودند، نتوانستند به این امر اقدام نمایند. بعلاوه مجبور شده‌اند نوشته امضا نمایند دایر به اینکه درختهای آنها در خاک ایران غرس شده و خود آنها رعایای ایران هستند. موضوع اولی برخلاف حقیقت است. اما مطلب ثانی محتمل است حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد. لکن در هر صورت به هیچ‌وجه ربطی با موضوع اخذ مالیات در نواحی انگلیس ندارد.

۳. محترماً خواهشمندم که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی داده شود که از این قبیل رفتار خودداری نمایند و نیز خاطرنشان می‌نمایم که سررجنیالدهود، در مراسلهٔ خود مورخهٔ ۱۲ می گذشته (۲۲ اردیبهشت) اشکالاتی را که در نتیجهٔ اقدامات این اعضای جزء تولید می‌گردد به استحضار خاطر جناب اشرف رسانیدند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نماید.

[پی نوشت:]
به عرض مقام وزارت رسید، فرمودند نوشتن به وزارت مالیه صلاح نیست که این

قبیل اقدامات از طرف مأمورین ایران نشود. باید شفاهاً مذاکراتی نمود تا اصل مسئله حل شود.

British Legation,
Gulhek.
19th July, 1933.

No. 372.

Monsieur le Ministre,

In his note No. 126 of March 17th (Esfand 26th, 1311), Sir Reginald Hoare had the honour to bring to Your Highness' notice the fact that Persian officials had entered the British a... at Basidu and had collected taxes from certain owners of date gardens. Copies of the receipts given were enclosed.

2. I now learn that on May 10th last (Ordibehesht 20th) the head of the Malieh Department of Kishm Island summoned two of these men to Persia... Basidu and detained them for four hours. He tried by threats to make them hand back the receipts they had been given for their taxes, but the receipts had been sent away and they could not do so. They had also to sign a letter stating that their plantations were in Persian territory and that they were Persian subjects. The first admission is incorrect; the second may or may not be true, but is quite irrelevant to the question of taxation in the British area.

/3.

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi,
Minister for Foreign Affairs.

3. I have the honour to request that instructions be sent to the local authorities to refrain from conduct of this nature and to point out that Sir Reginald Hoare, in his letter of May 12th last (Ordibehesht 22nd), has already brought to Your Highness' notice the difficulties that are being caused by the actions of these subordinate officials.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

Vaz[?]

مستدعی است حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد.
کند در هر صورت بهیچوجه ربطی بمأمورین دولت
انگلیس ندارد.
سه — تمنا دارد خواهشمندم که تعلیمات لازمه بمأمورین محلی
داده شود که از این قبیل رفتار خودداری نمایند و نیز
خاطر نشان نمایند که سر رجینالد هور در مراسله
مورخه ۱۲ می گذشته (۲۲ اردیبهشت) توجه آن حضرت اشرف را
که در نتیجه اقدامات این اعضاء جزء تولید میگردد و باشکال
خاطر جناب اشرف را جلب نموده است.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

بعرض مقام وزارت رسید
در مورد ... وزارت ... 
... اقدامات ... از طرف مأمورین ایران
نشده. ...
۱۲/۵

جواب داده شود.

شماره: ۱۲۸
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول مهر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای انوشیروان خان سپهبدی کفیل وزارت امورخارجه
آقای کفیل

محترماً وصول مراسله را که جناب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ (۱۲ سپتامبر جاری) به دوستدار نگاشته اند و راجع بوده است به پایین کشیدن بیرق انگلیس در باسعیدو در ۳۱ژویه گذشته (۹مرداد ۱۳۱۲)، از طرف صاحب منصبان بحریهٔ دولت علیه اطلاع می دهم.

۲. دوستدار بفوریت متن مراسلهٔ مزبور را به وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم حال برحسب دستورالعمل معزی الیه، خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازم که دوستدار تأیید مندرجه در مراسلهٔ فوق الذکر را نسبت به اظهاراتی که جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در تاریخ ۲۶ اوت گذشته (۴ شهریور) شفاهاً به دوستدار فرمودند، یاداشت نمودم. به این معنی که اقدام صاحب منصبان فوق الذکر از بحریهٔ دولت شاهنشاهی با اجازهٔ دولت علیه نبوده و دولت علیه آن را رد کرده است و اینکه اقدام دیسیپلین به عمل آمده و احکامی صادر شده که از اقدامات بحریهٔ دولت علیه که ممکن است به یک اتفاق بین المللی منجر شود، جلوگیری به عمل آید و علاوه براین احکامی به مأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که به ترتیبات بحری انگلیس مداخله ننمایند و مخصوصاً این مسئله را تأمین کند که صاحب منصبان بحریهٔ دولت علیه در آتیه چنانچه با یک وضعیت غیرعادی مواجه شوند که دارای جنبهٔ بین المللی باشد، قبل از مبادرت به هر اقدامی به طهران مراجعه و کسب تکلیف نمایند.

۳. به اتکای اظهارات فوق الذکر و اطمینانهای کتبی و شفاهی دولت علیه، محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس مسرورند از اینکه می‌توانند این قضیه را خاتمه یافته محسوب دارند.

۴. ضمناً سرجان سایمون به دوستدار دستورالعمل داده‌اند که بار دیگر توجه

جدی جنابعالی را معطوف سازم به شکایات مختلفه که برعلیه اقدامات بحریهٔ ایران و سایر جهازات مسلح متعلقه به دولت علیه در مورد دیدن بدون اجازهٔ محل چراغ دریایی در جزیرهٔ تمب (رجوع شود به مراسله دوستدار نمره ۴۲۹ مورخه ۲۲ اوت (۳۱ مرداد) و در مورد سه فقره قضایای مربوطه به مداخلاتی که در بلمهایی که دارای بیرق کویت بوده به عمل آمده (رجوع شود به مراسلات دوستدار نمره ۳۶۲ــ۳۹۴ــ۳۹۵ مورخه ۱۸ژویه (۲۷تیر) ۲۹ژویه (۷مرداد) ۲۹ژویه (۷مرداد) و در باب اقدامات بی‌قاعدهٔ یک قایق بخاری مسلح گمرک در آبهای ساحلی مسقط) (رجوع شود به مراسلهٔ نمرهٔ ۴۰۳مورخهٔ ۳اوت (۱۲مرداد) به عمل آمده است. محترماً اظهار امیدواری می‌نمایم که بزودی جوابهای عاجل و رضایت‌بخشی به مراسلات فوق‌الذکر که مبتنی بر اطمینانهای دوستانه که حال دولت علیه داده‌اند بوده باشد، دریافت دارم.

۵. در این مورد و به ملاحظهٔ اطمینانهای جامع مذکور در فوق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را محق می‌دانند چنین تصور کنند که بحریهٔ دولت علیه حال تعلیمات قطعی دریافت داشته است که در اواسط دریای خلیج‌فارس از مداخله به بلمهای هندی و جهازات متعلق به حکومتهای عرب واقعه در ساحل خلیج‌فارس خودداری نمایند. این را یک چنین مداخله‌از طرف یک جهاز جنگی خارجی از حدود آبهای ساحلی خود در مواردی که مقررات عهدنامهٔ مخصوص بین حکومتهای مربوطه وجود نداشته باشد، بکلی با قانون و رسوم بین‌المللی مخالف است. بلاشک فقط به ملاحظهٔ عدم اطلاع از این موضوع بوده است که قضایای مورد شکایت در سابق اتفاق افتاده. با این تصور که تعلیمات لازمه از طرف دولت علیهٔ ایران به مضمون فوق صادر شده است، به صاحب‌منصب ارشد بحری انگلیس در خلیج‌فارس اطلاع داده شده که دیگر جهتی مشاهده نمی‌شود که تکرار نظایر این قضایا پیش‌بینی شود. این سوءتفاهمهایی که موجب این حوادث بوده، مرتفع گردیده است.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

سفارت جلیله انگلیس

اداره انگلیس و مستعمرات

مهر ۱۳۱۲

۲۵۰۱۸

۱۲/۷/۵

نمره ۴۸۰

British Legation,
Gulhek.
23rd September, 1933.

No. 480.

آقای کفیل

تصدیق وصول مراسله را که جناب اشرف آقای میرزا محمدعلی خان
فروغی در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ (۱۲ سپتامبر) به اینجانب
به دوستدار نگاشته‌اند راجع به پائین کشیدن بیرق
انگلیس در باسعیدو در ۳۱ ژوئیه گذشته (۹ مرداد ۱۳۱۲)
از طرف صاحب‌منصبان بحریه دولت علیه ایران می‌نمایم.

۲- دوستدار فوراً متن مراسله مزبور را به وزیر امور خارجه
اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم. حال حسب‌الدستور معظم‌له
خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازم که دوستدار تأیید
مندرجه در مراسله فوق‌الذکر را نسبت به اظهاراتی که
جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در تاریخ ۲۶ اوت گذشته
(۴ شهریور) شفاهاً به دوستدار فرموده‌اند یادداشت نمودم
مبنی بر اینکه اقدام صاحب‌منصبان نامبرده بحریه دولت
شاهنشاهی بدون اجازه دولت علیه بوده و دولت علیه آن را
رد کرده است و اینکه اقدام دیسیپلینی اتخاذ گردیده و احکامی
صادر شده که از اقدامات بحریه دولت علیه که ممکن است

جناب مستطاب اجل آقای میرزا انوشیروان خان سپهبدی کفیل وزارت امور خارجه

Monsieur le Gérant,

I have the honour to acknowledge receipt of the note addressed to me on September 12th last (Shahrivar 21st, 1312) by His Highness Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi, on the subject of the hauling down of the British flag at Basidu on July 31st last (Mordad 9th, 1312) by officers of the Imperial Persian navy.

2. I immediately communicated the text of this note to His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs, on whose instructions I have the honour to inform Your Excellency that I take act of the confirmation contained therein of the statements already made to me orally by His Highness the Minister for Foreign Affairs on August 26th last (Shahrivar 4th), namely that the action of the said officers of the Imperial Persian Navy was unauthorised by and disapproved by the Imperial Government; that disciplinary action has been taken and orders issued with a view to prevent

/action

His Excellency
Mirza Anoshirvan Khan Sepahbodi,
Acting Minister for Foreign Affairs.

action by the Imperial Persian navy which might lead to an international incident; and further that orders have been issued to the responsible Persian naval authorities to avoid interference with British naval arrangements and in particular to ensure that officers of th Imperial Persian navy shall in future report to Tehran for orders before taking action when confronted with an unusual situation of an international kind.

3. On the basis of the above statements and assurances of the Imperial Government, both written and oral, I have the honour to inform Your Excellency that His Majesty's Government in the United Kingdom are glad to be able to consider the incident as closed.

4. At the same time Sir John Simon instructs me to invite Your Excellency's earnest attention once more to the various complaints against the the actions of the Persian navy and other armed vessels belonging to the Imperial Government in the matter of the unauthorised visit to the lighthouse on the island of Tamb (my note No. 429 of August 22nd - Mordad 31st), in the three cases of interference with dhows flying the flag of Koweit (my notes Nos. 362, 394 and 395 of 18th July (Tyr 27th), 29th July (Mordad 7th), and 29th July

/(Mordad

بحریه شاهنشاهی منجر شود جلوگیری بعمل آید و علاوه براین
احکامی به مأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که از ترتیبات
بحری انگلیس مداخله ننمایند و مخصوصاً امر شده افسران
کشتی‌های جنگی دولت علیه در آتیه قبل از اقدام به یک
وضعیت غیر عادی مواجه شوند که دارای جنبه بین‌المللی
باشد قبلاً به تهران گزارش داده و کسب تکلیف
نمایند.

۳ - با توجه به اظهارات فوق الذکر و اطمینانهای کتبی
و شفاهی دولت علیه اینجانب افتخار دارد به اطلاع برساند که
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس مسرورند
از اینکه میتوانند این قضیه را خاتمه یافته محسوب دارند.

۴ - ضمناً سر جان سایمن به دوستدار دستور داده‌اند
که مجدداً توجه جدی جنابعالی را به شکایات متعدده
که بر علیه اقدامات بحریه ایران و سایر کشتیهای مسلح متعلقه
دولت علیه در مورد دیدن بدون اجازه از چراغ دریائی
در جزیره تنب (مراسله دوستدار نمره ۴۲۹
مورخه ۲۲ اوت (۳۱ مرداد) و سه مورد تفتیش
قضایای مربوط به جلوگیری از بغله‌ها که دارای بیرق
کویت بوده‌اند (مراسلات دوستدار نمره ۳۶۲ -
۳۹۴ و ۳۹۵ مورخه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر)

۲۹ ژوئیه (۷ مرداد) ۲۹ ژوئیه (۷ مرداد)
و در باب اقدامات بیقاعده یک قایق گمرکی مسلح متحرک
در آبهای ساحلی مسقط (راجع به نامه اینجانب نمره ۴۰۳
مورخه ۳ اوت (۱۲ مرداد) بمباحثات. تمنا
۴۱۲۳۹ ۹۱۰
اظهار امیدواری مینمایم که بزودی جوابهای رضایتبخش
بخش در جواب یادداشتهای فوق الذکر که مبنی بر اطمینانهای دوستانه
که حالیه دولت علیه داده اند بجانب دریافت دارم.
۵- در این مورد و بملاحظه اطمینانهای جامع که فوق
مذکور دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را محق
میدانند چنین تصور کنند که بحریه دولت علیه حال
تعلیمات قطعی دریافت داشته است که در اواسط دریای
خلیج فارس از مداخله به کشتیهای بادبانی هندی و کشتیهای
متعلق بحکومتهای عرب واقعه در سواحل خلیج فارس خودداری
نمایند. بعلاوه چنین مداخله از طرف یک جهاز جنگی خارج
از حدود آبهای ساحلی خود در مواردیکه مقررات مخصوصی
بین حکومتهای مربوطه منعقد نشده باشد کلیتاً با قانون و رسوم
بین المللی مخالف است. بدون شک فقط بملاحظه عدم اطلاع
از این موضوع بوده است که قضایای مورد شکایت در سابق
اتفاق افتاد. با این تصور که تعلیمات لازمه از طرف
دولت علیه ایران بمضمون فوق صادر گردیده است مناسب میباشد
بکرات جسارت در خلیج فارس اطلاع داده شود که اگر حتی

(Mordad 7th) respectively, and in the case of the irregular proceedings of an armed customs launch in Muscat territorial waters (my note No. 403 of 3rd August - Mordad 12th). I have the honour to express the hope that I may shortly receive from Your Excellency early and satisfactory answers to the above notes in the spirit of the friendly assurances now given by the Imperial Persian Government.

5. In this connection and in the light of the comprehensive assurances enumerated above, His Majesty's Government feel justified in assuming that the Imperial Persian navy have now received definite instructions to refrain on the high seas of the Persian Gulf from interference with Indian dhows and with vessels belonging to the Arab States bordering on the Persian Gulf, such interference by a warship outside her own territorial waters being totally at variance with international law and usage where no special treaty arrangements exist between the States concerned. It is doubtless merely through ignorance of this fact that the incidents complained of have occurred in the past. On the assumption that the necessary instructions have been issued by the Imperial Persian Government in this

/sense

۴۱۱



[illegible] که دیگر در نظایر این قضایا پیش‌بینی
نشود زیرا سوء تفاهماتی که موجب این حوادث بوده
رفع گردیده است.
[illegible] نوشته شده [illegible]

sense, the British Senior Naval Officer in the Persian Gulf has been informed that there is no longer any reason to anticipate the recurrence of such incidents, the misunderstandings which gave rise to them having been removed.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

شماره: ۱۲۹
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۶ مهر ۱۳۱۲
متن سند:

آقای شارژدافر

مراسلهٔ شریفهٔ مورخهٔ اول مهر ماه جاری نمرهٔ ۴۸۰ که در جواب مراسلهٔ ۲۱شهریور ۱۳۱۲ نمره ۲۳۲۹۲ جناب اشرف آقای فروغی به جناب آقای سپهبدی نگاشته‌اید، واصل گردید. دوستدار مسرورم که موافق مدلول مراسلهٔ مزبوره، رفع نگرانی که در باب پارهٔ حوادث واقعه در خلیج‌فارس داشته‌اید، شده و قضیه از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خاتمه یافته تلقی گردیده است. ضمناً لازم می‌دانم خاطر شریف را به دو نکته ذیل متوجه سازم.

اولاً دوستدار نمی‌توانم مقصود از جمله ذیل را: «و علاوه براین احکامی به مأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که به ترتیبات بحری انگلیس مداخله ننمایند» که در قسمت دوم مراسلهٔ شریفه ذکر شده، درک کنم.

ثانیاً نظر به اینکه جریان مذاکرات مابین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجهٔ شاهنشاهی با طرز دوستانه و حسن تفاهم بوده، خبر منتشره در آژانس تلگرافی بریطانیا و مخصوصاً رویهٔ بعضی از جراید انگلستان در طرز انتشار این خبر مخالف با روح صمیمیت موجوده بوده و یقین دارم تصدیق خواهند نمود که حقاً می‌تواند موجب تأثر و نگرانی اولیای دولت شاهنشاهی باشد.

راجع به مسائل دیگری که در مراسلهٔ سابق‌الذکر به آنها اشاره شده، امیدوارم بزودی نظریات خود را جداگانه به استحضار خاطر شریف برسانم. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارم.

[پی نوشت:]

در جلسه ۱۵مهر ماه هیئت وزرا مذاکره و عیناً مطابق شرح فوق به تصویب رسید.

۲۵۰۹۸
۱۶/۷/۱۲

بکابینه وزارت بتاریخ ...... ماه ............ سنه ۱۳

نمره ............ ضمیمه ............
۱

وزارت مالیه

آرشیو [illegible]

۲۱۶۰

اداره ............

دایره ............

مراسله شریفه نمره اول مهر ماه جاری نمره ۴۸۰ در جواب مراسله
۲۳۲۹۲ مورخه ۲۱ شهریور در جواب ۱۲/۶/۱۲ راجع [illegible] آقای فروغی بجناب آقای سفیر کبیر انگلیس
وصول گردید. [illegible] از [illegible] مراسله مزبوره [illegible]
گذرانده [illegible] حوادث واقعه در خلیج فارس [illegible]
شده چنانچه از طرف دولت اعلیحضرت [illegible]
خاتمه یافته تلقی گردیده است.

ضمناً لازم میدانم خاطر شریف را بنکته ذیل متوجه سازم
[illegible] قرارنامه معتقد [illegible] از جمله ذیل را :
( و علاوه بر این حکمی [illegible] ایران صادر شده
[illegible] تجارت بحری انگلیس [illegible] )
که در قسمت ۵ مراسله شریفه ذکر شده درک [illegible] ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~
ثانیاً نظر باینکه جریان مذاکرات مابین سفارت اعلیحضرت

...

[illegible] که گفته شده و در وزارت جلیله خارجه شاهنشاهی بطرز [illegible] چیده شده

بعد خبر منتشر شده در آن بین که چند نفر [illegible] با [illegible] و بعضی از جراید گفته شده

در طرز انتخاب راپرت خبر مخالف با روح صمیمیت [illegible] یقین دارم تصریح خواهد

نمود حقایق قضیه را بجهت [illegible] اولیای دولت شاهنشاهی بنمایند

راجع بمسائل دیگر که در مراسله [illegible] اشاره شده استدعا دارم [illegible]

نظریات خود را [illegible] با کمال [illegible] خاطر شریف [illegible]

احترامات فائقه تقدیم میدارم

در جلسه ۱۵ مرداد هشت [illegible] وزرا [illegible]

وفق [illegible] شرح فوق [illegible]

شماره: ۱۳۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی، وزیر امور خارجه
آقای وزیر

برحسب دستورالعمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان، محترماً مراسلهٔ ذیل را به جناب مستطاب عالی می‌نگارم.

۲. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس متأسف‌اند از اینکه بایستی در باب یک قضیه راجع به مداخلهٔ مدیر گمرکات ایران مقیم باسعیدوی ایران در مورد یک بلمی که در ساحل ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو لنگر انداخته بود، به دولت علیه شکایت نمایند.

۳. مشاهده گردیده بود که مدیر گمرک که کراراً از طرف صاحب‌منصبان جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مورد مداخله نسبت به ترتیبات فعلی در باسعیدو مورد اخطار و تذکر واقع شده بود، تقریباً در ساعت شش غروب روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) از یک بلمی که تفتیش نموده بود، پیاده می‌شود. بلم مزبور بلافاصله در ساحل ناحیهٔ انگلیس و داخل آبهای ساحلی متصل به قسمت مزبور لنگر انداخته بود. نزدیکترین نقطهٔ ساحلی (و در نقطه که مدیر گمرکات پیاده شده بود) تقریباً به مساحت یک میلی داخل حدود ناحیهٔ انگلیس بوده است. مدیر به اتفاق فراش خود بوده است.

۴. این اقدام مدیر عبارت از یک نقض صریح **Statusquo** بوده که به طوری که دولت علیه مسبوق‌اند، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس برطبق آن **Statusquo** حقوق انحصاری خود را در مورد ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو اعمال می‌دارند و نمی‌توانند اغماض نمایند که یک نفر مأمور ایران بدون اجازه وارد آن شود.

۵. در حالی که مدیر گمرک را برای تحقیق مسئله به یکی از جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان که در ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو لنگر انداخته بود، برده

بودند، مشارالیه اظهار داشته بود که احکام کتبی که در دست دارد بالصراحه حاکی از این است که موظف است، داخل کلیهٔ بلمهایی که در هر قسمت از باسعیدو لنگر انداخته اند، بشود.

۶. این اظهار برای مأمورین بحری انگلیس غیر ممکن می‌ساخت این قضیه را یک عدم اطلاع یا سوءتفاهم محلی بدانند. لهذا برای تصفیهٔ رضایت‌بخش این قضیه به صاحب‌منصب ارشد بحری دستور داده شده بود که مدیر گمرک و فراش او را بدون تعویق در بندرعباس پیاده کرده و به حکمران بندرعباس اطلاع دهد شکایتی دایر به رفتار مدیر به دولت مرکزی در طهران خواهد شد.

۷. امیدوارم جناب مستطاب عالی از نقطه‌نظر حفظ روابط حسنه، همه گونه اقدامات لازمه به عمل آورده و مقرر خواهند داشت تعلیمات فوری و مصرح به کلیهٔ مأمورین از هر سمت در باسعیدو و حوالی آن صادر شود که این مسئله تأمین گردد که نظایر این قضایا در آتیه رخ نخواهد داد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

No. 529. October 14th 1933.

Monsieur le Ministre,

I have the honour, under instructions from His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs, to make the following communication to Your Excellency:

2. His Majesty's Government in the United Kingdom regret that they have to complain to the Imperial Government regarding a case of interference by the Persian Mudir of Customs who is stationed in Persian Basidu, with a dhow lying off the shore of the British area at Basidu.

3. The Mudir, who has repeatedly been cautioned by officers of His Majesty's Ships against interfering with the existing arrangements at Basidu, was seen at about six-o-clock in the evening on October 9th (17th Mehr) landing from a dhow which he had been inspecting. This dhow was lying immediately off the shore of the British area and in the territorial waters adjoining this area. The nearest point on the shore (and the point where the Mudir landed) was about one mile within the boundary of the British area. The Mudir was accompanied by his ferrash.

4. This

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi,
Minister for Foreign Affairs.

سفارت انگلیس
طهران

۲۲ مهر ۱۳۱۲
نمره ۵۲۹

آقای وزیر

برحسب دستور جناب وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان
مراتب ذیل را به جناب مستطاب عالی تبلیغ میدارم.
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان متأسف است
از اینکه باید در باب یک قضیه مداخله
مدیر گمرکات ایران مقیم باسعیدوی ایران
در مورد یک جهاز که در ساحل ناحیه انگلیس در باسعیدو
لنگر انداخته بود به دولت علیه شکایت نماید.
۳ – مشارالیه که مکرر از طرف صاحب منصبان جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان
در مورد مداخله نسبت به ترتیبات فعلی در باسعیدو
اخطار شده بود دیده شد که تقریباً در ساعت
شش غروب روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) از یک
جهاز که تفتیش نموده بود پیاده شد. جهاز مزبور بلافاصله
در ساحل ناحیه انگلیس و در آبهای ساحلی متصل
به ناحیه مزبور لنگر انداخته بود. نزدیکترین نقطه ساحل
(و آن نقطه که مدیر گمرکات پیاده شده بود) تقریبا

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه

۳۲۵۴

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.



مبادرت کرده [illegible] مدیر در ناحیه انگلیسی بوده است
مدیر باتفاق فراش خود بوده است.
۴ — این اقدام مدیر عبارت از یک نقض صریح
وضع موجود میباشد که بطوریکه دولت علیه مستحضرند
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس [illegible]
آن وضع موجود حقوق انحصاری [illegible]
ناحیه انگلیس در باسعیدو [illegible]
[illegible] یک نفر مأمور ایرانی بدون اجازه وارد آن شود
۵ — در حالیکه مدیر گمرک را جهت تحقیق بیکی از
جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان که در ناحیه انگلیس باسعیدو
لنگر انداخته بودند برده بودند اظهار داشته بود که احکام
کتبی که در دست دارد بالصراحه حاکی از این است که [illegible]
جهازات کوچک که در هر قسمت از باسعیدو لنگر انداخته
شود.
۶ — این اظهار مدیر مأمورین بحری انگلیس غیر ممکن ساخت
این قضیه را یک عدم اطلاع یا سوء تفاهم محلی بدانند و
بنا بر این برای تصفیه رضایت بخش این قضیه بصاحب منصب ارشد بحری
دستور داده شده بود که مدیر گمرک و فراش او را بدون تعویق
در بندر عباس پیاده کرده و بحکمران بندر عباس اطلاع دهد
که شکایتی راجع به رفتار مدیر بدولت مرکزی در طهران فرستاده شده.
۷ — امیدوارم جناب مستطاب عالی از نقطه نظر حفظ

4. This action on the part of the Mudir was a clear infringement of the status quo, under which, as the Imperial Government are aware, His Majesty's Government in the United Kingdom exercise exclusive rights in connexion with the British area at Basidu, where they cannot tolerate intrusion by any Persian official.

5. The Mudir, on being taken for investigation on board one of His Majesty's Ships which was then lying off the British area at Basidu, stated that his written orders were definitely to the effect that he was to board all dhows lying off any part of Basidu.

6. This statement made it impossible for the British naval authorities to regard the case as one of local ignorance or misunderstanding, and with a view to the satisfactory disposal of the incident the Senior Naval Officer has accordingly been instructed to land the Mudir and his ferrash at Bander Abbas without delay and to inform the Governor of Bander Abbas that a complaint regarding the conduct of the Mudir is being addressed to the Central Government at Tehran.

7. I trust that Your Excellency will take all necessary measures in the interests of good relations, to cause

urgent

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

-3

روابط حسنهٔ مزبوره اقدامات مؤثره مبذول دارند و دستور
فرمایند بابت تعلیمات فوری و مشروح بکلیهٔ مأمورین
از هر قبیل در باسعیدو و حوالی آن صادر شود که دیگر
مشاهده نشود که نظایر این قضایا در آتیه رخ
نخواهد داد
موقع مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید

urgent and precise instructions to be issued to officials of all kinds in the neighbourhood of Basidu which shall ensure that there shall be no recurrence of such incidents.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

V A L Mallet

شماره: ۱۳۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سیدباقرخان کاظمی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر می‌سازم که حسب‌الوظیفه مندرجات مراسلهٔ شریفهٔ نمره ۲۷۹۷۸ مورخه ۲۷مهر۱۳۱۲ (۱۹ اکتبر) را در باب باسعیدو به وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم. حال از سرجان سایمون تعلیماتی به دوستدار رسیده جواب ذیل را بنگارم.

۲. جناب مستطاب عالی بلاشک مستحضرند که قرارداد **Statusquo** که در مراسلهٔ خود نمرهٔ ۵۲۹ مورخه ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) بدان مراجعه نمودم، عبارت از یک قرارداد غیرکتبی شرافتمندانه **Gentelmans agreement** است که در سال ۱۹۲۸ در وقتی که برای اولین دفعه در باب دخول در مذاکرات راجع به عقد یک قرارداد کلی که شامل بعضی مسائل معوقه بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایران بوده، پیش آمد داده شد و پس از آن در مواقع عدیده از طرف وزیر امور خارجه وقت قرارداد مزبور را با سررابرت کلایو و سررجینالدهور شفاهاً تأیید گردید. قرارداد مزبور عملاً عبارت از یک موافقتی است دایر به اینکه تا زمانی که مذاکرات مزبور به خاتمهٔ موفقیت‌آمیزی نرسیده و یا اینکه قطعاً متروک نشده است، هیچ‌یک از دولتین تا حدی که مربوط است به مسائل مورد مذاکره اقداماتی بری تغییر **Statusquo** در خلیج‌فارس به عمل نخواهند آورد. به عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مفهوم قرارداد **Statusquo** تا حدی که مربوط به ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو می‌شود این است که کلیهٔ این قبیل حقوقی که در عرض مدت یکصدوده سال تصرف انگلیس مورد استفاده بوده است، بدون مداخلهٔ ایران کمافی‌السابق مورد استفاده بوده باشد. حقوق مزبور همواره شامل قضاوت انحصاری انگلیس در داخل ناحیهٔ مزبور می‌باشد که در این صورت مأمورین ایران در آنجا وظایفی را انجام ندهند. به این جهت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند دخول بدون اجازه مأمورین ایران را در داخل ناحیهٔ انگلیس که عبارت از یک

نقض **Statusquo** می‌باشد، مجاز دارند.

۳. مدیر گمرک به این جهت توقیف گردیده بود که با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر به او داده شده بود، اصرار داشت سعی نماید وظایف خود را که برخلاف حقوق مزبوره است در ناحیهٔ انگلیس اجرا نماید و در وقتی که مورد ایراد واقع گردیده بود، اظهار داشته بود که برطبق تعلیمات مقام عالی‌تر رفتار می کرده است. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می‌نمایم.

… LEGATION,
TEHRAN.

30th October, 1933.

No. 553.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to inform Your Excellency that I duly communicated to His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs the contents of your note No. 27978 of October 19th (Mehr 27th, 1312) respecting Basidu. I have now received instructions from Sir John Simon to make the following reply:

2. Your Excellency is no doubt aware that the status quo agreement to which I referred in my note No. 529 of October 15th (Mehr 23rd) is an unwritten "gentleman's agreement" reached in the year 1928 when the question first arose of embarking upon negotiations for the conclusion of a general treaty to cover certain questions outstanding between the Governments of the United Kingdom and Persia, and since orally confirmed with Sir R. Clive and Sir R. Hoare on numerous occasions by the Minister for Foreign Affairs of the day. This agreement is in effect an understanding that until the negotiations shall have

/been

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi,
Minister for Foreign Affairs.

۸ آبان ۱۳۱۲

نمره ۵۵۳

آقای وزیر

محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر میسازم که حسب الوظیفه
مندرجات مراسله شریفه نمره ۲۷۹۷۸ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۱۲
(۱۹ اکتبر) را درباب باسعیدو به وزیر امور خارجه اعلیحضرت
پادشاه انگلستان مخابره نمودم. حال از سر جان سایمون
تعلیماتی به دوستدار رسیده که جواب ذیل را بنگارم:

۲ - جناب مستطاب عالی البته مستحضرند که قرارداد
که در مراسله متحدالمال نمره ۵۲۹ مورخه ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر)
بدان مراجعه نموده عبارت از یک قرارداد غیر کتبی شفاهی
(gentleman's agreement) است که در سال ۱۹۲۸
در وقتیکه برای اولین دفعه درباب دخول در مذاکرات
راجع بعقد یک قرارداد کلی که شامل بعضی مسائل معوقه
بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایران باشد پیشنهاد
داده شد و بعد از آن در مواقع عدیده از طرف وزیر
امور خارجه وقت قرارداد مزبور با سر رابرت کلایو و
سر رجینالد هور شفاهاً تأیید گردید. قرارداد مزبور

۲۱۸۰۳

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه

مگر عبارت از یک موفقیت است و یا اینکه تا زمانیکه
مذاکرات مزبوره بنتیجه موفقیت آمیزی نرسیده و یا اینکه
قطعاً متروک نشده است هیچیک از دولتین متعاهدتین
مربوط است بمسائل مورد مذاکره اقداماتی برای تغییر
ستاتوکو در خلیج فارس بعمل نخواهند آورد.
بعقیده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعهد قرارداد
ستاتوکو تا حدیکه مربوط بناحیه انگلیس در باسعیدو میشود
اینست که کلیه این قبیل حقوقی که در عرض مدت یکصد و ده سال
تصرف انگلیس مورد استفاده بوده است بدون مداخله ایران
کما فی السابق مورد استفاده خواهد بود. حقوق مزبوره همواره
شامل قضاوت انحصاری انگلیس در داخل ناحیه مزبوره بوده که
در نتیجه مامورین ایرانی در آنجا وظایفی را انجام نمیدهند.
بهمین جهت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند دخول
بدون اجازه مامورین ایرانی را در ناحیه انگلیس که
عبارت از نقض ستاتوکو است مجاز دارند.
۳ — مدیر گمرک از اینجهت توقیف گردیده بود که با وجود
تذکرات مکرره که در این اواخر باو داده شده بود اصرار داشت
سعی نماید وظایف خود را که بخلاف حقوق مزبوره است
در ناحیه انگلیس اجرا نماید و در موقعیکه مورد سئوال واقع
گردیده بود اظهار داشته بود که برطبق تعلیمات مقام
عالیتر رفتار مینماید.

been brought to a successful conclusion or definitely abandoned, neither of the two Governments will take any steps to alter the status quo in the Persian Gulf so far as the questions at issue are concerned. As applied to the British area at Basidu, the status quo agreement is held by His Majesty's Government in the United Kingdom to mean that all such rights as have been enjoyed by them ther during the one hundred and ten years of British occupation will continue to be enjoyed without Persian interference. These rights have always comprised exclusive British jurisdiction within the said area, where Persian officials, in consequence, perform no duties. For this reason His Majesty's Government cannot admit the intrusion of Persian officials into the British area, which constitutes an infringement of the status quo.

3. The Mudir of Customs was arrested because he insisted, in spite of many recent warnings, on attempting to exercise his functions in the Britis area in derogation of these rights, and when challenged asserted that he was acting under instructions from superior authority.

I avail myself of this opport /unity

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید
می‌نماید.

unity to renew to Your Excellency the
assurance of my highest consideration.

شماره: ۱۳۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۲ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

آقای شارژه‌دافر

مراسله شریفهٔ مورخهٔ هشتم آبان ۱۳۱۲ نمره ۵۵۳ که در جواب مراسلهٔ دوستدار مورخه ۱۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ ترقیم یافته، عز وصول بخشید.

از مدلول آن این طور معلوم می‌شود، تنها امری که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان می‌خواهند به موجب آن وانمود کنند که رفتار مأمورین‌بحریهٔ آن دولت نسبت به مدیر گمرک باسعیدو جایز بوده، همانا مسئلهٔ استاتوکو می‌باشد.

دوستدار فعلاً نمی‌خواهم در اصل مسئلهٔ استاتوکو در خلیج‌فارس که آن را یک قرارداد غیرکتبی شرافت‌مندانه در سال ۱۹۲۸ ذکر فرموده‌اید، داخل در بحث شوم و نظریات خود را در این باب به موقع دیگری محول می‌کنم. ولی میل دارم خاطر شریف را متذکر شوم که هیچ‌وقت حق قضاوتی برای دولت انگلیس در هیچ قسمت از باسعیدو وجود نداشته و همیشه مأمورین دولت شاهنشاهی در باسعیدو انجام وظیفه نموده‌اند و همین اظهار خود شما در مراسلهٔ خودتان که می‌نویسید «با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر به مدیر گمرک داده شده بود. مشارالیه اصرار داشت سعی نماید وظایف خود را اجرا کند» دلیل براین است که مأمورین ایران در آنجا به انجام وظیفهٔ خود مشغول و دوایر مربوطهٔ ایران در کلیهٔ نقاط باسعیدو به تکالیف مأموریتی خود عمل نموده و ادارهٔ مالیه قشم هم همیشه تمام مالیاتهای قانونی را از کلیهٔ قصبهٔ باسعیدو دریافت داشته‌اند، و در صورتی هم که رعایت استاتوکو لازم باشد باید همین وضعیت که حاکی از اعمال حق حاکمیت ایران در آن نقاط است محترم شمرده شود و در هرحال یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که معنی استاتوکو این نیست که هر روز مأمورین انگلیس اقدامات تازه‌ای در خلیج‌فارس بنمایند و به محض اینکه فردای آن روز اعتراضی از طرف دولت ایران بشود، جواب بدهند که دیروز این طور بوده و به موجب استاتوکو باید به همین حال باقی بماند. بلکه طبیعتاً باید برای احتراز از چنین وضعی، پایهٔ هر اقدام و ادعایی مبتنی بر اساس و مدرکی بوده باشد و متأسفانه با وجود اینکه وزارت امور خارجه شاهنشاهی

در موارد عدیده که آخری آنها دهم خرداد ۱۳۰۵ بوده، مدرک اظهارات و دعاوی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در باسعیدو خواسته‌اند، تاکنون جوابی به این تقاضای دولت شاهنشاهی داده نشده است. مسئلهٔ قابل توجه در حادثه باسعیدو این است که رفتار مأمورین بحریهٔ انگلیس که عبارت از چندین رفتار مغایر اصول مسلمهٔ بین‌المللی و خلاف دوستی می‌باشد، با هیچ ترتیبی موافقت نمی‌کند و برفرض که دولت انگلستان ادعایی داشته باشند که از آنجا استفاده‌ای می‌کرده‌اند، چنین اقداماتی از طرف بحریهٔ انگلستان نمی‌بایستی شده باشد.

دوستدار تصریحاً خاطرنشان می‌کنم که دولت شاهنشاهی و افکار عمومی ایران حقاً این رفتار را ناقض حق حاکمیت ایران و مخالف با حیثیات مملکت شاهنشاهی می‌دانند و با حسن روابط موجوده بین مملکتین نمی‌توانند جهتی برای این امر تصور نمایند و یقین دارند هرگاه موضوع به هر مجمع بین‌المللی و یا به هر قاضی بی‌طرفی مراجعه شود، قطعاً حق را به طرف ایران خواهند داد.

در خاتمه، دوستدار وظیفهٔ خود می‌دانم که به جمله (ناحیهٔ انگلیس) مندرجه در مراسلهٔ شریفه اعتراض خود را تکرار و به طوری که در مراسلهٔ ۲۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ خود اشعار داشته‌ام تقاضای دولت شاهنشاهی را در ترمیم این رفتار و تأدیب مأمورین مربوطه انگلیس تجدید نمایم.

موقع را برای ابراز احساسات صمیمانه مغتنم می‌شمارم.

محل امضا: کاظمی

سواد مراسله وزارت امور خارجه بسفارت انگلیس نمره ۱۹۸۰۲ مورخه ۱۱/۸/۱۳۱۲

آقای شارژه دافر

مراسله شریفه مورخه هشتم آبان ۱۳۱۲ نمره ۵۵۴ که در جواب مراسله دوستدار مورخه ۱۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ ترقیم یافته عز وصول بخشید .

از مدلول آن اینطور معلوم میشود تنها امری که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میخواهند بموجب آن وانمود کنند که رفتار مامورین بحریه آن دولت نسبت بمدیر گمرک باسعید و جائز بوده همانا مسئلهٔ استاتوکو میباشد .

دوستدار فعلا نمیخواهم در اصل مسئلهٔ استاتوکو در خلیج فارس که آنرا یك قرار داد غیر کتبی شرافتمندانه در سال ۱۹۲۸ ذکر فرموده اید داخل در بحث شوم و نظریات خود را در این باب بموقع دیگر محول میکنم ولی میل دارم خاطر شریف را متذکر شوم که هیچوقت حق قضاوتی برای دولت انگلیس در هیچ قسمت از باسعید وجود نداشته و همیشه مامورین دولت شاهنشاهی در باسعید و انجام وظیفه نموده اند وهمین اظهار خود شما در مراسله خودتان که مینویسید با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر بمدیر گمرک داده شده بود مشارالیه اصرار داشت سعی نماید وظائف خود را اجرا کند " دلیل براینست که مامورین ایران در آنجا بانجام وظیفه خود مشغول و دوائر مربوطه ایران در کلیه نقاط باسعید و بتکالیف ماموریتی خود عمل نموده و اداره مالیه قشم هم همیشه تمام مالیاتهای قانونی را از کلیه قصبه باسعید و دریافت داشته اند و درصورتی هم که رعایت استاتوکو لازم باشد باید همین وضعیت که حاکی از اعمال حق حاکمیت ایران در آن نقاط است محترم شمرده شود و در هر حال یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که معنی — استاتوکو این نیست که هر روز مامورین انگلیس اقدامات تازهٔ در خلیج فارس بنمایند و بمحض اینکه فردای آنروز اعتراضی از طرف دولت ایران بشود جواب بدهند که دیروز اینطور بوده و بموجب استاتوکو باید بهمین حال باقی بماند بلکه طبیعة باید برای احتراز از چنین وضعی پایه هر اقدام و ادعائی مبتنی بر اساس و مدرکی بوده باشد و متاسفانه با وجود اینکه وزارت امور خارجه شاهنشاهی در موارد عدیده که آخری آنها دهم خرداد ۱۳۰۵ اند بوده مدارك اظهارات و دعاوی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در باسعید وخواسته

ـ ۲ ـ

تا کنون جوابی بابت تقاضای دولت شاهنشاهی داده نشده است .

مسئلهٔ قابل توجه در حادثه پاسعید و اینستکه رفتار مامورین بحریه انگلیس که عبارت از چندین رفتار مغایر اصول مسلمهٔ بین المللی و خلاف دوستی میباشد با هیچ ترتیبی موافقت نمیکند و برفرض که دولت انگلستان ادعائی داشته باشند که از آنجا استفادهٔ میکرده اند چنین اقداماتی از طرف بحریه انگلستان نمیبایستی شده باشد .

دوستدار تصریحاً خاطر نشان میکنم که دولت شاهنشاهی و افکار عموی ایران حقاً این رفتار را ناقض حق حاکمیت ایران و مخالف با حیثیات مملکت شاهنشاهی میدانند و با حسن روابط موجوده بین مملکتین نمیتوانند جهتی برای این امر تصور نمایند و یقین دارند هرگاه موضوع بهر مجمع بین المللی ویا بهر قاضی بیطرفی مراجعه شود قطعاً حق را بطرف ایران خواهند داد .

در خاتمه دوستدار وظیفهٔ خود میدانم که بجمله ( ناحیه انگلیس) مندرجه در مراسلهٔ شریفه اعتراض خود را تکرار و بطوریکه در مراسله ۲۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ خود اشعار داشته ام تقاضای دولت شاهنشاهی را در ترمیم این رفتار و تادیب مامورین مربوطه انگلیس تجدید نمایم .

موقع را برای ابراز احساسات صمیمانه مغتنم میشمارم .

محل امضاء . کاظمی

شماره: ۱۳۳
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

خدمت جناب مستطاب اجل آقای کاظمی وزیر محترم امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه راجع به قضایای واقعه در باسعیدو، اینک سواد چهار فقره راپرت واصل از بندرعباس را به ضمیمهٔ سواد بارنامه جهازی که از طرف صاحب منصب انگلیس، فرمانده مستحفظین انبار باسعیدو به ناخدای جهاز بادی داده شده، تلواً برای استحضار خاطر محترم ارسال می‌دارد.

وزیر مالیه

راپرت گمرک قشم مورخه ۲۰ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم ایالتی گمرکات اقصی جنوب

محترماً عین راپرت واصله از دفتر هنگام و ورقهٔ ضمیمه آن را راجع به جهاز شراعی وارده در باسعیدو تقدیم می‌دارد. متمنی است دستوری برای این قبیل جهازات که از نقطهٔ مزبور به قوهٔ اجبار بدون اسناد گمرکی حرکت و به بنادر داخله وارد می‌شوند، مرقوم فرموده و ضمناً تکلیفی برای جهاز فعلی و امتعهٔ آن که فاقد از جواز کاپوتاژ و اجازهٔ حرکت می‌باشد، معین فرمایند.

مدیر گمرک قشم دولتشاهی

راپرت گمرک هنگام مورخه ۱۶ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم گمرکات ناحیه قشم

محترماً معروض می‌دارد دیروز یک فروند جهاز بادی متعلق به ناخدای محمد ابراهیم ساکن هنگام که در تحت اختیار جهازات جنگی انگلیس بوده، از باسعیدو وارد شده. ۱۰ راس گوسفند حمل دارد بدون جواز کابوتاژ و اجازهٔ حرکت می‌باشد. از قراری که خود ناخدا اظهار می‌دارد، نمایندهٔ سیاسی انگلیس که در باسعیدو می‌باشد، مانع

شده که بروم اجازهٔ حرکت کابوتاژ گوسفند تحصیل نمایم. گفته است چون از باسعیدوی انگلیس حرکت می کند لازم نیست بروید اجازهٔ حرکت و جواز کابوتاژ از گمرک بگیرید. ناخدا گفته نمی‌توانم بدون اجازه حرکت به هنگام بروم، مدیر هنگام مطالبهٔ اجازه حرکت می‌نماید و اسباب زحمت برای بنده خواهد شد. نمایندهٔ سیاسی قبول نکرده که برود گمرک اجازه حرکت بگیرد حکم کرده گوسفندها را حمل کرده خودش یک ورقه به اسم مانیفست و اجازهٔ حرکت که لفاً تقدیم شده نوشته داده به ناخدا گفته حرکت کنید. ناخدا چیزی که در دست دارد همین ورقه است که نمایندهٔ سیاسی به مشارالیه داده است. جهاز موضوع بحث نه دارای اجازه حرکت و نه جواز کابوتاژ ده راس گوسفند است. آیا با این جهاز چه نوع رفتار باید کرد منتظر دستور است محض اطلاع عرض شده مدیر گمرک هنگام.

امضا شریفی

راپرت گمرک صلح مورخه ۲۰ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم گمرکات ناحیه قشم دام بقائه

محترماً اطلاع می‌دهد، عطف به مرقومهٔ نمرهٔ ۱۲۴۹ــ۱۲/۷/۱۶ آن ریاست محترم، ۱ امروز صبح جهاز مال از لنگه وارد و به موجبی که ناخدا اظهار می‌داشت، در موقع حرکت دو لنگهٔ پاکت اداری به ناخدای مزبور تحویل نموده‌اند که به آقای مدیر باسعیدو تحویل نموده، رسید دریافت بدارد. دو روز قبل وارد باسعیدو می‌شود و به اداره می‌رود که پاکت را تحویل نماید. آقای مدیر و فراش را ملاقات نمی کند. از منزل آقای مدیر سؤال می کند که آقای مدیر کجا تشریف دارد. اظهار می‌دارند که تقریباً دو روز است که باسعیدو محلی که انگلیسها سکنی دارند برای تفتیش جهازی رفته، هنوز برنگشته است و به طوری که خبر رسید، خودش با فراش انگلیسها توقیف نمودند. ناخدای مزبور از منزل آقای مدیر می‌رود در شهر که درست بفهمد قضایا از چه قرار بوده. به طوری که جویا می‌شود ظاهراً جهاز بادی از بندرعباس میوه حمل داشته برای عمان جهاز مزبور در جلو باسعیدو کهنه که محل سکنای انگلیسهاست، لنگر انداخته آقای مدیر و فراش برای تفتیش و رسیدگی به جهاز مزبور به آن محل می‌روند. همان موقع یک نفر از انگلیسها پول به نوکرش می‌دهد و امر می کند که به جهاز رفته میوه خرید کند، نوکر مزبور برای خرید به جهاز می‌رود ظاهراً آقای مدیر از فراش جلوگیری می کند. فوراً نوکر مزبور برگشته و به ارباب خودش خبر می‌دهد. شخص انگلیسی درباب

همان نوکر امر به چند نفر از نظامیهای خودشان می کند. همین که مدیر و فراش از جهاز پایین آمدند، نزد من بیاورید. آنها هم به موجب امر آن رفتار کرده، مدیر و فراش به نزدش می برند حکم می کند آنها را در مسافرخانه توقیف نمایند و گویا به وسیلهٔ بی‌سیم به کشتی جنگی خودشان اطلاع می‌دهد. پس از مدتی کشتی جنگی وارد و صاحب منصبان آن پیاده می‌شوند و به مسافرخانه رفته آقای مدیر و فراش را به کشتی برده توقیف می کند و گویا هم قضایا را به بوشهر اطلاع داده‌اند؛ ۲ــ ساعتی نگذشت شتربانی از باسعیدو آمد سؤالات شد. به موجب شرح فوق اظهار داشت و گفت تا دیروز هم مرخص نشده‌اند؛ ۳ــ مجدداً همین امروز هم برادر عیال علی عبدالرحمن فراش گردان آمد، سؤال نمود، می گفت شخصی از باسعیدو آمد و اظهار داشت هنوز در کشتی توقیف هستند.

مدیر گمرک صلح

سواد راپورت مورخهٔ ۲۴ مهر ۱۳۱۲ مدیر گمرک باسعیدو

مقام محترم ریاست کل گمرکات ایالتی بندرعباس و مضافات دام‌اقباله

با کمال احترام معروض می دارد که یوم ۱۷ مهر ماه ۱۳۱۲ ساعت ۱۲ کشتی جنگی فام لوین به بندر باسعیدوی کهنه لنگر انداخت ساعت ۴ اینجانب با مستحفظ خود حرکت کردیم به طرف باسعیدوی کهنه برای تحقیقات. دربین باسعیدوی کهنه و نو یک فروند جهاز بادی لنگر انداخته بود. ملاحظه کردیم که جهاز مزبور متعلق به حاجی علی مقیم بندرعباس بود. اینجانب با مستحفظ خود رفتم در جهاز ملاحظه شد که خربزه و انجیر و گردو و غیره از بندرعباس به ساحل دریا لدی‌الورود یک نفر از صاحب منصبان کشتی جنگی با یک نفر مترجم با چهار نفر نظامی مسلح ساحل دریا ما را گرفتن و اظهار نمودند که مگر شما نمی‌دانید که این بندر خارجه است. جواب دادم خیر دیگر اظهار نمود که اینجا بندر خارجه است و شما حق ندارید در ورود و خروج جهازات در این بندر تفتیش کنید. جواب دادم که شما کتباً به ما بنویسید تا دستور از ریاست مافوق خود بخواهم هرنوع دستور دهد اطاعت کنم. فوراً ما را گرفتن تحت‌الحفظ بردند به گارد خودشان تا ساعت ۱۰ از شب دیگر تحت‌الحفظ ما را حرکت دادند به کشتی جنگی لوین و ما را نگاهداشتند. مورخهٔ ۱۸ مهر ساعت یک از کشتی لوین ما را حرکت دادند به کشتی بدیفر. کاپیتان بدیفر فرمود که مگر شما نمی‌دانید اینجا بندر با سعیدو خارجه است، جواب دادم خیر و به ما معلوم نیست دیگر اظهار فرمود که باسعیدو بندر خارجه است و

شما حق ندارید که جهازات در این بندر ورود و خروج تفتیش کنید. جواب دادم که دستور از ریاست مافوق خود می‌خواهم هرنوع امر فرمایند (،) اطاعت می‌کنم. دیگو ما را مراجعت دادند به کشتی لوین تحت‌الحفظ نگاهداشتند. امروز ۲۳ مهر ۱۳۱۲ به بندرعباس به حکمران کل ایالتی بندرعباس رسانیدند. محض اطلاع عرض شد از آن ریاست محترم کل ایالتی بندرعباس استدعا دارم که نوعی بفرمایند که به هر چند زودتر به پست خود حرکت کنم و مشغول به خدمت دولت خود باشم و مخارج مسافرتم معین فرمایند. مدیر گمرک باسعیدو.

عبدالنور شهورزی

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره

بتاریخ ۱۸/ ۸ ماه ۱۳۱۰

نمره ۹۰۸۰ ضمیمه ۵ ورق

محرمانه

خدمت جناب مستطاب اجل آقای کاظمی وزیر محترم امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه راجع بقضایای واقعه در باسعیدو یک دوره چهار فقره راپورت واصله از بندرعباس را لفاً بضمیمه یک طغرا نامه جاتی که از طرف صاحب منصب انگلیسی فرمانده مستحفظین انبار باسعیدو بناظر انبار باسعیدو داده شده است برای استحضار خاطر محترم ارسال میدارد.

وزیر مالیه

۳۳-۹

ل - ۵۰۰

وزارت ماليه

اداره: اداره کل گمرکات

تاریخ: ۱۳۱۲/۸/۲۰

نمره: ۱۲۷۰

ریاست محترم دوائر گمرکات [illegible] جنوب

محترماً عین راپرت واصله از [illegible] بنگال و ورقه ضمیمه آن را راجع به جهاز [illegible] وارده در [illegible] تقدیم میدارد

تمنی است دستور دهید [illegible] پیشنهاد [illegible] نقطه نظر [illegible] توجه [illegible] آثار [illegible] وارد

میشوند مراقبت [illegible] جهاز [illegible] وجه [illegible]

[illegible] فرمایند — مدیر کل گمرکات [illegible]

[illegible] اداره [illegible]

[illegible]

وزارت مالیه

اداره ...............

سواد راپرت گمرک بوشهر

مورخه ۱۳/۲/۱۶

نمره ۴۲۶

ریاست کل گمرکات جنوب

محترماً به عرض می‌رساند در روز [illegible] یک فروند جهاز [illegible] که [illegible] جناب [illegible] انگلیس [illegible]

وارد شده [illegible] گرفته [illegible] حمل [illegible] گمرک [illegible] خود جهاز [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] جناب [illegible] گمرک [illegible]

[illegible] جناب [illegible] گمرک [illegible] جهاز [illegible] گمرک [illegible]

مدیر کل [illegible] جناب [illegible] گمرک [illegible]

[illegible]

[illegible] گمرک [illegible]

[illegible] گمرک [illegible]

[illegible]

رئیس گمرک بوشهر [illegible]

[illegible]

وزارت مالیه

اداره ....

سواد راپورت گمرک صفحه

مورخه ۱۳۲۷/۲۰

نمره ۳۳۳

ریاست محترم کل گمرکات جناب آقای قسیم دام اقباله

... ۱۲۳۹ / ۱۲/۷/۱۶ ... نمره ۱ امروز صبح ... [illegible]

[illegible]

رونوشت برابر اصل است

[illegible]

وزارت مالیه

اداره ...........

سواد ...........

مورخه ۱۳۱۲/۷/۲۴

نمره [illegible]

تصدق حضور مبارکت گردم حضرت اجل آقای میرزا عباس‌خان [illegible] دام [illegible]

جناب اجل [illegible] در روز ۱۷ مهر ۱۳۱۲ ساعت ۱۲ کشتی [illegible] که [illegible] ساعت [illegible] بتوسط خود [illegible]

[illegible] که [illegible] جهاز [illegible] کردم [illegible] جهاز [illegible] عباس [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] از [illegible] عباس [illegible] کشتی [illegible] جهاز [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible] ورود و خروج جهازات [illegible] خود [illegible]

[illegible] ساعت ۱۰ [illegible] تحت‌الحفظ [illegible]

[illegible] بشهر [illegible]

روز ۱۸ مهر [illegible] کشتی [illegible] جهازات [illegible]

جواب [illegible] جهاز [illegible] بشهر [illegible] جهازات [illegible] ورود

و خروج [illegible] خود [illegible]

[illegible] تحت‌الحفظ [illegible] روز ۲۲ مهر ۱۳۱۲ [illegible] عباس [illegible]

[illegible] عباس [illegible]

[illegible]

[illegible] [signature]

Port clearance Certificate British Basidou

Name of ship

Show in charge of
Mohamed Ebrahim

Bound from to
British Basidou Hengam

Cargo 10 sheeps

Number of crew

Four

Bridport
Salut
Officer in charge of quar
British Basidou

Date 5 October 1933

۳۲۱۱

وزارت مالیه

اداره ______

دایره ______

تاریخ ______ ماه ______ ۱۳۱

نمره ______ ضمیمه ______

PORT CLEARANCE CERTIFICATE-BRITISH BASIDU

NAME OF SHIP
Dhow in charge of Mohamed Ebrahim

BOUND FROM
BRITISH BASIDU
TO
HENJAM

CARGO
10 SHEEP

NUMBER OF CREW
F O U R

BRIDPORT

SAB; LT.

OFFICER IN CHARGE OF GUARD,

BRITISH BASIDU

DATE 5 October 1933

سواد مطابق با اصل است
(مدیر اداره کمرکات)
(دارالترجمه)

سواد مطابق سواد است

شماره: ۱۳۴
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ آبان ۱۳۱۲
متن سند

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مرقومهٔ مورخهٔ ۱۳۱۲/۸/۲ نمره ۲۸۳۸۱، صادره از ادارهٔ محترمهٔ اروپا و امریکا راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی به پیاده کردن قوا در باسعیدو عز وصول داد. جواباً به عرض می‌رساند در موقعی که برای مذاکره در زمینهٔ اوامر تلگرافی به وزارت امور خارجه رفته بودم در این خصوص هم مذاکره کردم. رئیس ادارهٔ شرق اظهار می‌داشت که اخیراً در آنجا قوایی پیاده نشده. ولی از مدتی قبل تا به حال در آن نقطه عدهٔ مختصری وجود دارد که گاهگاهی عوض می‌شوند. عدهٔ مزبور عبارت است از ۸ تا بین دو صاحب‌منصب، دو ملاح و یک آشپز با وسایل آشپزخانه و عدهٔ دیگری به آنها علاوه شده و ممکن است در موقعی‌که این عده تغییر و دسته دیگری به جای آنها می‌آمده است، این تصور رفته که قوای نظامی به آنجا پیاده شده است و توپ و توپخانه هم در کار نبوده ضمناً به طور شوخی می‌گفت ممکن است عرابهٔ حامل اشیای آشپزخانه و اشیای مزبور را به جای توپ و تیر الیوز گرفته باشند. مراتب محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

شارژدافر نوری اسفندیاری

سفارت شاهنشاهی ایران

۷۵۷
۱۳۱۲/۸/۲۹

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه مورخه ۲۰/۸/۱۳۱۲ نمره ۲۸۳۸۱ صادره از اداره [illegible] اروپا و امریکا راجع به اعتراض
پست شاهنشاهی به پیاده کردن قرارداد با [illegible] واصل و جواباً معروض میدارد در موقعی که [illegible] اداره [illegible]
به وزارت امور خارجه رفته بودم در [illegible] مذاکره کردم رئیس اداره شرق [illegible] است [illegible]
قرار پیاده شده ولی از مدتی قبل تا حال در آن نقطه عده [illegible] وجود دارد [illegible] عده [illegible]
عبارت است از ۸ تا [illegible] در [illegible] [illegible] عده [illegible]
ممکن است [illegible] [illegible] [illegible]
وزارت [illegible] در کار [illegible] [illegible]
[illegible] عرض شد

[illegible]

اداره اروپا و امریکا

۳۳۶۳۵
۱۳۱۲/۹/۱۵

شماره: ۱۳۵
فرستنده: یادداشت برای ضبط در دوسیه (پرونده) توسط آقای شایسته
گیرنده:
تاریخ: آبان ۱۳۱۲
متن سند

در تاریخ شانزدهم آبان که در سفارت فرانسه برای شام میهمان بودم، آقای مالت شارژدافر انگلیس را ملاقات نمودم. پس از حادثهٔ مدیر گمرک باسعیدو و مذاکرات سختی که با تلفن بین بنده و ایشان شده بود، تا حال یکدیگر را ندیده بودیم. در این مجلس مذاکرات مختصری مابین ما شد. چون مشارالیه را دعوت به بریج کردند به بنده اظهار داشت که اگر میل دارید، ممکن است وقت دیگری باهم صحبت کنیم. بنده جواب دادم بی‌میل نیستم و فردا ساعت ده را معین نمودم. مشارالیه در ساعت مقرر به وزارت خارجه آمده، قریب دو ساعت‌ونیم ملاقات ما طول کشید در مطالب مختلفی باهم صحبت نمودیم که یادداشت آنها در دوسیه‌های مربوطه می‌باشد. راجع به حادثهٔ اخیر باسعیدو هم مذاکرات مفصلی به عمل آمد که خلاصه آن به قرار ذیل است:

شارژ دافر اظهار داشت واقعهٔ مدیر گمرک باسعیدو مربوط به یک سلسله حوادثی است که از چندی قبل به این طرف در خلیج فارس ظاهر شد و نمی‌توان یک واقعه را به طور علی‌حده وتنها قضاوت نمود. رفتاری که مدتی است بحریهٔ شاهنشاهی نسبت به مسلمهای اعراب ساکنین خلیج اتخاذ نموده‌اند و همچنین مسئلهٔ پایین آوردن بیرق انگلیس در باسعیدو و اصراری که مأمورین ایران در داخل شدن در حوزهٔ انگلیس در باسعیدو داشته‌اند، تماماً منجر به این پیشامد شده است.

بنده جواب گفتم از بیان شما چنین معلوم می‌شود که احساسات عامهٔ ایرانیان در اینکه حادثهٔ مدیر گمرک یک امر تهیه شده بود، کاملاً موافق با واقع است و مأمورین انگلیس برای تلافی قضایای گذشته این رفتار را نموده و بعد هم در تمام حدود خلیج مطلب را شهرت داده‌اند تا به عقیدهٔ خودشان جبران کاملی کرده باشند. شارژدافر جواب داد این طور نیست برای اینکه اگر مدیر گمرک به آنجا نیامده بود، این واقعه پیش نمی‌آمد. بنده جواب گفتم مدیر گمرک همیشه انجام وظایف خود را می‌نمود، چگونه فقط حالا بحریهٔ انگلیس این رفتار را نمود. شارژدافر اظهار کرد که یک بار دیگر هم در سال ۱۹۲۸ چنین واقعه راجع به مدیر گمرک پیش آمده بود، ولی مخصوصاً

مکاتبه نکرده‌اند و سرربرت کلایو شفاهاً این مطلب را با وزارت دربار ختم نمودند. در سال گذشته هم وقایع کوچکی اتفاق افتاد که ما لازم ندانستیم تذکر بدهیم ولی در باب اخذ مالیات از باسعیدو شکایت نمودیم. بنده گفتم که حقیقتاً این رفتار باعث تعجب شخص من گردیده زیرا بکلی خارج از رویهٔ معمولی دولت انگلیس می‌باشد که چنین رفتار این اندازه سخت و خشن بنماید: فرض کنیم که دولت انگلیس در باسعیدو انبار ذغالی برای کشتی‌های خود داشته آیا این مسئله تولید حق مالکیت در آن نقطه می‌نماید؟ و بر فرض اینکه دولت ایران در نتیجهٔ اوضاع و احوال مخصوصه نخواسته یا نتوانسته مانع برقراری انبارها بشود، آیا این مسئله تولید حق آب ساحلی در آن قسمت از خاک ایران برای دولت انگلیس می‌کند؟ خود شما می‌دانید که آب ساحلی عبارت از آبهایی است که وصل به سواحل یک مملکتی باشد. آیا دولت انگلیس آن قسمت مخصوصهٔ باسعیدو را خاک خود می‌داند که برای آن آبهای ساحلی قایل شده است؟ بعلاوه بر فرض محال که تمام این مسائل را ممکن بدانیم آیا این رفتاری که نسبت به مدیر گمرک شده، امری است که با هیچ عادت و معمول و قوانین بین‌المللی وفق می‌دهد؟ فرض کنیم مدیر گمرک یک مملکتی در خاک مجاور مملکت دیگر داخل شود و کارهایی بکند تصور می‌کنم وظیفهٔ مملکت ثانوی آن است که مانع عملیات او بشود و یا اینکه او را از ورود به خاک خود منع کند. دستگیری او به وسیلهٔ قوای بحری نظامی برای چیست؟ معلوم می‌شود مدیر گمرک را که در حین انجام وظیفه دستگیر کرده‌اند، مدت پنج روز در کشتی جنگی توقیف و از یک کشتی به کشتی دیگر برای استنطاق برده‌اند. ملاحظه می‌نمایید که چندین رفتار خلاف ترتیب شده بعلاوه چیزی را که تصور نمی‌کنم خود شما هم بتوانید محملی برای آن قایل شوید، این است که کشتی جنگی انگلیسی مدیر گمرک را از محل خود برداشته و بدون اجازهٔ قبلی ایران وارد آبهای ساحلی بندرعباس شده است.

شارژدافر گفت شما قضایایی را که در ایران و از طرف مأمورین ایران اتفاق می‌افتد بکلی فراموش می‌کنید. هنوز مدت طولانی از دستگیری کاپیتن ماک‌لو انگلیسی توسط بحریهٔ ایران و توقیف او در محمره نگذشته، آن هم یک مأمور و صاحب‌منصب انگلیسی بود که در موقع انجام وظیفه، بحریهٔ ایران او را دستگیر کرده‌اند. بنده جواب دادم که در آن قضیه تصور نمی‌کنم لازم باشد دولت انگلیس داخل در بحث با ما شود زیرا تابعیت کاپیتن ماک‌لو در این موقع اثری ندارد. دولت عراق که کاپیتن ماک‌لو را استخدام نمود، به دولت ایران در این باب مراجعه نمود و جواب لازم شنیده است. بعلاوه

طرز تسویهٔ قضایا مابین ما با دولت عراق بکلی غیر از وضعی است که با شما داریم. ما با عراق دو مملکت همسایه هستیم که در طول سرحداتمان هزاران وقایع رخ می کند و دوستانه آنها را حل و تسویه می کنیم. شارژدافر انگلیسی گفت: آیا شما تصدیق ندارید که اصلاً یک حس ضد اروپایی در ایران تولید شده است؟ ملاحظه بفرمایید هیچکس حق رفت‌وآمد با ما را ندارد و یک نفر شخصی که گاهی به سفارت می‌آمد و با بعضی از اعضای سفارت دوستی و آشنایی داشت، الان مدت هشت ماه است در حبس می‌باشد. شخص مزبور موسوم به رشیدی است و چند مرتبه سررجینالدهور با جناب اشرف آقای فروغی در باب او مذاکره کرده‌اند که معظم‌له جواب داده‌اند که این شخص یک نفر تبعهٔ ایران است شما چرا در کار او مداخله می کنید. بنده اظهار داشتم که از قضیهٔ رشیدی هیچ خبر ندارم و تقریباً می‌توانم یقین داشته باشم که برای توقیف او علت و جهتی بوده ولی درهرحال جوابی که آقای رئیس الوزرا به آقای وزیر مختار در این موضوع داده‌اند، خیلی کافی است. در خصوص حس ضد اروپایی که اظهار داشتند، لازم است تذکر دهم که من شخصاً با نظر شما همراه نیستم و چنین عقیده دارم که ایرانی به واسطهٔ اخلاق ملایمت و میهمان‌نوازی که دارد، نمی‌تواند ضد خارجی بشود. راست است که می‌شنوم طبقهٔ نظامیان از معاشرت و رفت‌وآمد با سفارتخانه‌های خارجی تا حدی خودداری می کنند. ولی این مسئله در نتیجهٔ وضع جغرافیایی و همسایگی ایران با مملکتی است که تمام ممالک دنیا پارهٔ احتیاطات نسبت به آنها می‌نمایند. شما می‌دانید که اگر در اینجا دقتهای خیلی زیادنشود، ممکن است تبلیغاتی به عمل آید که نه تنها برای ایران بلکه برای ممالک دیگر هم مضر بوده باشد. من تصور می کنم که دولت انگلستان از این رویهٔ که اظهار می کنید باید خوشحال باشند. نه متأسف زیرا منافع آن عاید آن دولت می‌شود.

حقیقت امر این است که من شخصاً از اظهارات شما تعجب می کنم زیرا تصور می‌کردم دولت انگلستان منافع عالیتری در شرق نزدیک و شرق وسطی دارند که نمی‌بایستی به این جزئیات اهمیت بدهند و در هرحال وظیفهٔ خود می‌دانم به شما تذکر دهم که واقعهٔ دستگیری و تبعید مدیر گمرک باسعیدو یک محیط فوق‌العاده نامساعدی را بین ما تولید نمود و تا زمانی که این مسئله جبران نشود و دولت انگلیس رضایت خاطر ما را فراهم ننماید، به هیچ‌وجه نخواهیم توانست به یکدیگر نزدیک بشویم و یک همکاری و معاضدت معنوی برای تسویهٔ مسائل مهمه بنمائیم و خیال می کنم وظیفهٔ شما این باشد که همین مطالب را به دولت خودتان اطلاع بدهید و چگونگی قضایا را به آنجا

بفهمانید و کوشش کنید هرچه زودتر اقدام در استرضای خاطر ما بنمایند. زیرا دوام این وضع تولید کدورتهایی خواهد نمود که به آسانی رفع آن ممکن نخواهد گردید.

شایسته

اداره اروپا و آمریکا
نمره ...
تاریخ ...
ضمیمه ...

**وزارت امور خارجه**

اداره کل ضبط [illegible]

صفحه ۱

خاطرات

در تاریخ شنبه [illegible] آبان که در سفارت فرانسه [illegible] شام مهمان بودم آقای [illegible] شارژ دافر انگلیس را ملاقات نمودم. پس از حادثه مدیر گمرک باسعیدو و مذاکرات سختی که با یکدیگر [illegible] داشتیم تا حال یکدیگر را ندیده بودیم. — در این ملاقات مذاکرات مختصری با هم داشتیم [illegible] دعوت به [illegible] کردند به بنده اظهار داشت که اگر میل داشته باشید ممکن است وقت دیگری با هم [illegible] بنده جواب دادم [illegible] هستم و فردا ساعت ده را معین نمودم. — شارژ دافر [illegible] آمد [illegible] ملاقات با طول کشید [illegible] تحقیق [illegible] مذاکرات مفصلی [illegible] در [illegible] راجع به حادثه اخیر باسعیدو [illegible] آن به قرار ذیل است:

شارژ دافر اظهار داشت واقعه مدیر گمرک باسعیدو مربوط به یک سلسله حوادثی است که از چندی قبل به این طرف در خلیج فارس ظاهر شده و نگرانی [illegible] واقعه را [illegible] [illegible] [illegible] اعراب ساکن خلیج [illegible] [illegible] [illegible] ماموری [illegible] ایران [illegible] پایین آوردن بیرق انگلیس در باسعیدو [illegible] [illegible] آمده است. در [illegible] انگلیس در باسعیدو [illegible] ایرانیان [illegible] حادثه [illegible] بنده جواب گفتم [illegible] مدیر گمرک [illegible] واقع است و ماموری انگلیس [illegible]

ره ...........................
ره ...........................
یخ ...........................
میمه ...........................

وزارت امور خارجه

صفحه ۲

دفعات سال گذشته این رفتار را نموده و عده‌ای در آن حدود خلیج مطلب را شهرت داده‌اند که بعضی [illegible]
نقوش آن جزایر ال [illegible] شنیده. شارژ دافر در جواب [illegible] انگلیس [illegible] لکن اگر
مدیر گمرک‌ها [illegible] این وضع پیش نماید. بنده جواب گفتم مدیر گمرک البته [illegible]
وظایف خود را [illegible] فقط مالکیت انگلیس این رفتار را [illegible]. شارژ دافر [illegible]
که یک بار دیگر هم در سال ۱۹۲۸ چنین واقعه‌ای به مدیر گمرک پیش آمده بود ولی [illegible]
وزیر [illegible] شفاها این مطلب را با وزارت در [illegible] در سال گذشته [illegible]
دوام [illegible] اتفاق [illegible] لازم بود [illegible] ولی در باب اخذ مال [illegible]
نموده‌ام. بنده گفتم که حقیقة این رفتار باعث تعجب شخص می‌گردد زیرا [illegible] خارج از [illegible]
دولت انگلیس [illegible] که چنین رفتاری از [illegible] و خشن [illegible]: فرض کنیم که دولت
انگلیس در [illegible] آیا [illegible] تولید حق مالکیت
[illegible] در آن نقطه [illegible]؟ در فرض اینکه دولت ایران [illegible] در نتیجه اوضاع و احوال [illegible]
[illegible] آیا [illegible] تولید حق [illegible] ساحل [illegible] از
از خاک ایران [illegible] دولت انگلیس [illegible]؟ [illegible] که [illegible] ساحل [illegible]
[illegible] آیا دولت انگلیس [illegible] مال [illegible]
بخاک [illegible] که [illegible] آن [illegible] ساحلی [illegible]؟ [illegible]
این [illegible] نسبت به مدیر گمرک [illegible]

وزارت امور خارجه

صفحهٔ ۴

رسوم و قوانین بین‌المللی وفق می‌دهد؟ فرض کنیم مأمور گمرک یک مملکتی در خاک کشور مملکت دیگر
داخل شده و کارهائی بکند که برخلاف وظیفه و مملکت ثانوی است که مانع عملیات او بشود و یا اینکه
او را از ورود به خاک خود منع کند و دستگیری او بوسیلهٔ قوای بحری نظامی کدام جهت است؟
مأمورین گمرک را که در حین انجام وظیفه دستگیر کرده‌اند مدت پنج روز در کشتی جنگی توقیف
و از یک کشتی به کشتی دیگر انتقال داده‌اند. ملاحظه نمائید که چقدر رفتار خلاف
ترتیب شده و چیزی را که برخلاف مقررات شناخته‌اند محاکمه [illegible] مأمورین آن [illegible] نموده است که
کشتی جنگی انگلیس مأمور گمرک را از کنار [illegible] برداشته و بدون اجازهٔ مقام ایران وارد آبهای ساحلی
بندرعباس شده است.

شاید راجع به قضایائی که در ایران و از طرف مأمورین ایران اتفاق افتاده
گله و اظهار می‌کنید ولی از مدت طولانی از دستگیری کاپیتان ماکلور انگلیس توسط مأمورین
ایران و توقیف او در محبس بگذرد! آنهم کاپیتان ماکلور صاحب منصب انگلیسی بوده که آنرا
انجام وظیفه مأمورین ایران او را دستگیر کرده‌اند. بنده جواب عرض کردم که در آن قضیه کاملاً بر
بحکمیت لازم باشد حاضرم که انگلیس داخل در بحث با شخص زیرا [illegible] کاپیتان ماکلور
در این موضوع اثری ندارد. دولت عراق که کاپیتان ماکلور را استخدام نموده بدولت ایران
در این باب مراجعه نموده و جواب لازم را شنیده است علاوه بر این قضیه قضایا مابین
ما و دولت عراق کاملاً [illegible] است که با یکدیگر داریم. ما با عراق هم مملکت
هستیم که در طول سرحدات آن هزاران وقایع رخ می‌دهد ولی آنها را [illegible]

ن

ش ........
ش ........
م ........

صفحه ۲

وزارت امور خارجه

ش. روزنامه‌نگار انگلیسی گفت آیا شما تصدیق ندارید که اخیراً یک حس ضد اروپائی در ایران
تولید شده است؟ ملاحظه بفرمائید [illegible] رشد داده [illegible] دیگر شخصی
دیگر [illegible] سفارت [illegible] سفارت [illegible] ملت ایران
مدت [illegible] است در حس [illegible] رشیدی است وعده
[illegible] در باب [illegible]
جواب [illegible] که این شخص تکلیف تبعه ایران است شما چرا در کار او مداخله می‌کنید
[illegible] که از قصه رشیدی هیچ خبر ندارم و [illegible] اطلاع داشته باشم
[illegible] رئیس الوزراء [illegible]
[illegible] در خصوص حس ضد اروپائی [illegible]
[illegible] که ایرانی [illegible] اخلاق [illegible]
[illegible] خارجی [illegible] طبقه [illegible]
از [illegible] داده [illegible] خارجی [illegible] خودداری می‌کنند ولی این
مسئله [illegible] ایران [illegible]
[illegible] شما باید بدانید که اگر [illegible]
ممکن است [illegible] نه تنها برای ایران بلکه [illegible]
من تصور نمی‌کنم [illegible] انگلستان [illegible] ایران [illegible] که اظهار می‌کنید [illegible]
باشند [illegible] زیرا [illegible] حقیقت [illegible] است که

ره ..................................

ه ..................................

یخ ..................................

میمه ..................................

صفحه ۴۵

وزارت امور خارجه

من شخصاً از اظهارات شما تعجب میکنم زیرا تصور میکردم دولت انگلستان منافع عالیتری در شرق نزدیک و شرق وسطی دارد که بمراتب بیش از جزئیات اهمیت دارند و در این حال وظیفه نخست وزیر ایران ایجاب کرده‌ام که دامنه دستگیری و تبعید مدیر گمرک را بعد از آنکه محیط خوزستان نامساعدی را ایجاب نماید تولید نمود و بار دیگر تکرار نمایم که در سنین جوانی نخست دولت انگلیس رضایت خاطر با ارائه حقایق بهیچوجه نخواهم توانست که دیگر نزدیک شویم و در ایجاد یک همکاری در مقصد مستندی کلیه تشویق‌هایی که قبلاً نمودم و جلوگیری کنم وظیفه شما این است که این مسطور را به دولت متبوع خود اطلاع بدهید و جلوگیری از قضایایی را که بنمایند و کوشش کنید از هر اقدامی اقدام در رفع تیرگی خاطر بنمایید زیرا دوام این وضع تولید کدورتهایی خواهد نمود که با بانی رفع آن ممکن نخواهد گردید.

[signature]

شماره: ۱۳۶
فرستنده: یادداشت برای ضبط در دوسیه (پرونده) توسط آقای شایسته
گیرنده:
تاریخ: ۲ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

در تاریخ چهارشنبه اول آذر ماه جاری یک ساعت قبل از ظهر که حسب الامر مقام وزارت به ملاقات وزیرمختار انگلیس رفته بودم، مذاکرات مختلفی به عمل آمد که یادداشت هریک در دوسیهٔ مربوطه ضبط است. در مسئلهٔ باسعیدو نیز مذاکراتی شد که خلاصه آن به قرار ذیل است: بنده اظهار داشتم در مدت غیبت جنابعالی از طهران پارهٔ حوادث ظاهر شد که متأسفانه چندان مطبوع نیست. آیا از جزئیات آنها اطلاع حاصل نموده اید؟ وزیرمختار جواب داد که در لندن به طور کلی و اجمال مطلع شدم در اینجا هم این دو روزه مقداری زیاد کاغذ خوانده‌ام. بنده گفتم چنین رفتاری گویا از طرف مأمورین انگلیسی سابقه نداشته باشد و مخصوصاً چیزی که بیشتر باعث تأثر و هیجان افکار عمومی می باشد این است که همه تصور می کنند این واقعه مخصوصاً فراهم شده و نیت و مقصود خاصی در این عمل بوده است. وزیرمختار اظهار داشت، مطمئن باشید که این‌طور نیست و اگر درست دقت کنید خواهید دید که در هر دو واقعه شروع امر از طرف مأمورین ایران بود. پیشامد پایین آوردن بیرق به دست صاحب منصب بحریهٔ شاهنشاهی شده در این واقعه هم مدیر گمرک داخل در محوطهٔ انگلیس شده است. ملاحظه نمودید که در واقعهٔ بیرق، ما این قدر سخت‌گیری نکردیم و اهمیت ندادیم و حال آنکه حق داشتیم ایستادگی کنیم. بنده جواب دادم قضیهٔ بیرق که خوشبختانه خاتمه یافته و دولت انگلستان موافقت خود را در ختم مسئله اطلاع داده‌اند لکن در هرحال این دو مطلب به هیچ وجه به یکدیگر شباهت ندارند. در قضیهٔ بیرق پس از آنکه شارژدافر شما مطلب را به وزارت امور خارجهٔ طهران اطلاع داد، فوراً به ایشان گفتیم که امر خوبی واقع نشده و دولت ایران دستوری در این باب نداده بود و در حقیقت این واقعه را تصدیق ننمودیم. بعد که هم لندن تقاضا کردند، همین مطالب را بنویسیم به هیچ وجه کوتاهی نکرد فوراً همان اظهارات شفاهی خودمان را کتباً تأیید نمودیم. لکن در مورد توقیف مدیر گمرک خود شما یعنی سفارت انگلیس به دولت ایران رسماً نوشت و تمام قضایا را اقرار و تصدیق نمود. البته حوادث غالباً اتفاق می افتد ولی اصرار به اینکه این واقعه صحیح

بوده، غیرقابل قبول می‌باشد. بعلاوه مأمورین انگلیس چندین خلاف را یکمرتبه مرتکب شده‌اند. اولاً دستگیری مدیر گمرک در حین انجام‌وظیفه؛ ثانیاً استنطاق و توقیف او در مدت پنج روز؛ ثالثاً تبعید او با کشتی جنگی و به وسیلهٔ قوای نظامی بحری از محل مأموریت؛ رابعاً داخل شدن کشتی جنگی انگلیس در آبهای بندرعباس بدون اطلاع و اجازه قبلی. ملاحظه می‌فرمائید که این رفتار مثل یک کینه‌ورزی و تلافی می‌باشد.
وزیرمختار گفت مکرر به مدیر گمرک گفته شده بود که به حدود «بگوییم باسعیدوی انگلیسی» نیاید و باز هم اصرار درآمدن داشته و عجمهایی که در آن حدود بوده‌اند، تفتیش می‌نموده. بنده اظهار داشتم که خود شما برای پیدا کردن یک اسمی یعنی یک صفتی برای باسعیدو که منتسب به خودتان نمایید اشکال و زحمت دارید. با این حال به جهت آبهای آنجا حدودی قایل شده‌اید؟! مگر شما باسعیدو را خاک انگلیس می‌دانید؟ وزیرمختار بعد از مختصر تأملی جواب داد «بگوییم که خیر» بنده گفتم پس در این صورت به آب ساحلی آنجا چه تملک و نفوذی دارید؟ وزیرمختار گفت اگر در یک خاک ساحلی باشید و آب آنجا در تحت تسلط شما نباشد، نمی‌توانید در آن خاک نفوذ داشته باشید. راست است که شما در باسعیدو مالیات گرفته‌اید اما همیشه مورد اعتراض ما بوده. مکرر به وزارت امور خارجه نوشته‌ام که رفتار مأمورین جزء ممکن است تولید اشکالی بکند. در سال گذشته صحبتی با جناب اشرف آقای فروغی کرده‌ام که تا حدی آن را تصدیق فرمودند. مطلب من این بود که مأمورین ایران در جنوب دارای این عقیده هستند که اگر نسبت به خارجی‌ها بدرفتاری بکنند، مرکز نسبت به آنها بدبین نخواهد بود. آقای فروغی فرمودند که چون سابقاً ایرانیان نسبت به خارجی‌ها خیلی تواضع می‌نمودند، شاید حالا این یک عکس‌العملی است که تا حدی وضع سابق را تعدیل خواهد کرد. بنده گفتم شخصاً من از مأمورین جنوب اطلاعی ندارم ولی ما در وزارت امور خارجه هروقت حق با خارجی‌ها است صریحاً می‌گوییم و هرگاه هم حق ندارند آن را هم بدون پرده اظهار می‌داریم و دولت ایران از این رویهٔ ما ناراضی نیست.
بعلاوه اگر مأمورین گمرک یا مأمورین مالیه و سایر ادارات به باسعیدو برای انجام وظایف می‌روند آنجا را خاک ایران می‌دانند. مکرر دولت ایران از سفارت انگلیس تقاضا کرد که اگر مدرکی در مالکیت باسعیدو دارند، ارائه دهند و تاکنون هیچ چیزی دیده نشده. خوب است بفرمایید سند و مدرک شما نسبت به باسعیدو چیست؟
وزیرمختار قدری تأمل نمود، گفت در طرح عهدنامه که ابتدا با وزیر دربار سابق و بعد با ایشان و حضرت اشرف آقای فروغی تهیه و تنظیم شده، قید گردیده که دولت انگلیس از

کلیهٔ حقوق خود نسبت به باسعیدو صرف‌نظر خواهد کرد. اگر دولت انگلیس حقوق نداشته، صرف‌نظر کردن چه معنی دارد؟ بنده با خنده گفتم منطق جنابعالی به نظر بنده خیلی غریب می‌آید! و تصور نمی‌کنم حقوقاً تأثیری داشته باشد زیرا یک عهدنامه تا امضا نشده، کان‌لم‌یکن است و نمی‌توان بدان استناد نمود. پس از امضا هم دیگر حق یا ادعایی نیست زیرا برگذار شده است. ملاحظه بفرمائید تمام قضایایی که در آنجا پیش می‌آید به دولت ایران حق اعتراض و گله می‌دهد مسترمالت صریحاً به وزارت خارجه نوشتند که هیچ قسم تأسیسات جدیدی در باسعیدو نشده حالا می‌شنویم که گویا خیال دارند بی‌سیم دایر نمایند. علایم جدیدی در دریا و خشکی گذارده‌اند. یک مغازهٔ بزرگی تأسیس نموده‌اند که کلیهٔ اجناس انحصاری یا ممنوعه را در آنجا می‌فروشند و مردم رفته به آزادی می‌خرند و به داخله خاک ایران می‌آورند. یک عده نظامی بحری در حدود سی نفر در آنجا نگاهداشته‌اند. بعلاوه برای تبلیغات و جلب اهالی روزی هشت انه به سکنهٔ آنجا پول می‌دهند. با این حال چگونه می‌خواهید که دولت ایران معترض نباشد؟ وزیرمختار گفت هیچ مانعی ندارد که اگر شما تصور می‌کنید در آنجا اجناس ممنوعه را می‌فروشند به ما اطلاع بدهید که جلوگیری بشود. بنده جواب دادم که پیشامد اخیر و رفتاری که نسبت به مدیر گمرک شده، به قدری مهم است که قبل از تسویهٔ آن و تحصیل استرضای دولت شاهنشاهی تصور نمی‌کنم بتوان به مسائل دیگر پرداخت و تا خاتمهٔ رضایت‌بخش این قضیه یک محیط نامساعدی مابین ما موجود خواهد بود که هرگونه معاضدت و همکاری و حسن تفاهم غیرممکن به نظر می‌رسد و ما انتظار داریم که جنابعالی با شخصیت و مقامی که در پیشگاه دولت انگلستان دارید، چگونگی مطلب و حقانیت دولت ایران را به آنجا بفرمایید که اقدام لازم در ترمیم فوری این پیشامد بنمایند.

محمد شایسته

**وزارت امور خارجه**

یادداشت ملاقات خطاب در ...

در تاریخ چهارشنبه ... ماه جاری ساعت ۶ بعدازظهر حسب‌الامر شاهانه در وزارت امور خارجه بودم تا با
وزیر مختار انگلیس ملاقات کنم. مذاکرات مختلفی بعمل آمد که یادداشت آن جداگانه به عرض میرسد. در رابطه با خطابات
در مسئله با عیسی و نیز مذاکرات انجام شده محرمانه که تقدیم گردیده است: بنده اظهار داشتم
در مدت غیبت جنابعالی از تهران، به حوادث ظاهر شده تا نشان داد که اعلیحضرت همایونی نسبت
به دولت انگلیس ... آنچه اطمینان حاصل نموده‌اند! وزیر مختار جواب داد که در ... اطلاعات واصله
معلوم بود که اعلیحضرت از طرف ... انگلیس سابقه
ندارد ... مقداری از آنچه گفته شد خوانده‌ام. بنده گفتم چنین رفتاری از طرف ما
نداشته‌ایم و محرمانه چیزی را گفته باشد تا اثر و بنیاد اظهارات رسمی بشود ... میکنند
لیکن واقعه محرمانه فراهم شده و نسبت به تصور خاصی در انتشار آن است. — وزیر مختار اظهار داشت
مطلبی را شنیده‌ام اطلاع نیست و اگر درست دقت کنید خواهید دید در هر حال واقعه شروع ارزنده
جواب ما ... بود. پیش آمد و پیش آوردن این برق به دست ما منتسب به ... نشده بود
لیکن واقعه ... دیگری واقع شد ... انگلیس نبوده است ... واقعه برق ما اینقدر
سخت‌گیری نکردیم و اهمیت ندادیم و حال آنکه حق داشتیم استفاده کنیم. بنده جواب دادم قضیه
برق ما ... خاتمه یافته و دولت انگلستان را راحت خود را ... شده اطمینان داده‌اند
...

وزارت امور خارجه

۲

لکن این دو جریان در مطلب به هیچ وجه بیکدیگر شباهت ندارند: در قضیه [illegible] پس از آنکه شش روز از وقوع
مطلب را بوزارت امور خارجه اطلاع دادند [illegible] فوراً [illegible] گفتیم در امر خود واقف شده و حالت [illegible]
[illegible] در حقیقت این واقعه را تصدیق نمودیم بعد هم [illegible] اتفاق کرده [illegible]
این مطالب را [illegible] به هیچ وجه [illegible] فوراً [illegible] اظهارات شفاهی خود ما را کتباً تأیید نمودیم لکن
در مورد توقیف مدیر گمرک خود ولی سفارت انگلیس به دولت ایران [illegible] گذشت [illegible] یا
اقرار و تصدیق نمود. البته حوادث غالباً اتفاق می‌افتد [illegible] اصرار بنده که این واقعه صحیح نبوده
[illegible] قبلاً [illegible] بعد [illegible] دولت انگلیس چنین ضعف را [illegible] رنجیده شده‌اند اولاً و [illegible]
مدیر گمرک در حین انجام وظیفه ثانیاً استنطاق و توقیف او در مدت [illegible] ثالثاً تبعید او با کشتی
جنگی و بوسیله قوای نظامی بحری [illegible] را [illegible] شده کشتی جنگی انگلیس [illegible] بندرعباس
[illegible] و احتیاط قبیح. ملاحظه میفرمائید در این رفتار [illegible] کینه [illegible] و تهدید [illegible]. — وزیر مختار
گفت مکرر به مدیر گمرک گفته شده بود [illegible] بگوئیم [illegible] انگلیس [illegible] اصرار
[illegible] داشته [illegible] تفتیش می‌نمود. بنده اظهار داشتم در خود [illegible] پیدا کرد
[illegible] برای [illegible] داریم. با اینکه [illegible] آبهای آنجا حدود [illegible] شده‌اید؟!
مگر [illegible] خاک انگلیس پیدا [illegible]؟ وزیر مختار [illegible] جواب [illegible] بگوئیم [illegible]. بنده
گفتم [illegible] آب سواحل آنجا چه [illegible] نفوذی دارید؟ وزیر مختار گفت اگر [illegible]
خاک سواحل باشید و آب آنجا در تحت تسلط [illegible] نمیتوانید [illegible] خاک نفوذ داشته باشید

**وزارت امور خارجه**

۳

راست است در شوروی باسعیدو ایالات گرفته اند آنها هیچ وقت مورد اعتراض نبوده. مگر وزارت امور خارجه
نوشته ام در رفتار مأمورین جزء ممکن است ترتیب اثر داده بکند. ولی سالها گذشته حتی جناب اشرف
آقای فروغی هم که مأموریت آنرا تصدیق کرده‌اند. مطلب مهم این است که مأمورین ایران هم باید
دارای این عقیده باشند که اگر نسبت به خارجه بد رفتاری کنند برگردد نسبت به آنها بد خواهد بود
آقای فروغی فرمودند چه سابقاً ایرانیها نسبت به خارجه خیلی تواضع مینمودند شاید حالا این یک
عکس العمل است و مأموری وضع سابق را تجدید خواهد کرد. — بنده گفتم شنیده ام از مأمورین خودمان
اطلاع ندارم ولی ما در وزارت امور خارجه هر وقت حق با خارجه است صریحاً میگوییم و هرگاه
حق ندارند آنرا هم رد [illegible] اظهار میداریم دولت ایران از این رویه ما ناراضی نیست. بعد گفت
اگر مأمورین گمرک یا مأمورین امنیه و سایر ادارات به باسعیدو بیایند و وظایف بدهند آنها
را خاک ایران میدانند. — مگر دولت ایران از سفارت انگلیس تقاضا کرده اگر موارد جنایت
باسعیدو وارد باشد [illegible] که [illegible] چیزی دیده نشده. خوب است نمره [illegible] مورد
نسبت به باسعیدو رعیت؟ وزیر مختار قدری تأمل کرد گفت در طرح عهدنامه ابتدا با وزیر دربار
سابق و بعد با [illegible] و حضرت اشرف آقای فروغی تهیه و تنظیم شده قید گردیده دولت انگلیس از
کلیه حقوق خود نسبت به باسعیدو صرف نظر خواهد کرد. اگر دولت انگلیس حقوقی نداشته صرف نظر
کردن چه معنی دارد؟ بنده عرض کردم منطق جنابعالی بنظر بنده خیلی غریب می‌آید! در قضاوت [illegible]
حقوقی تأثیری نداشته زیرا که عهدنامه تا انعقاد نشده کان لم یکن است و [illegible] ۱۵ [illegible] ۱۵ شهریور

ب

خ ..............

به ..............

وزارت امور خارجه

۲

[illegible] هم دیگر حق یادداشت [illegible] زیاد بگذارده است. ملاحظه بفرمائید تا چه اندازه

[illegible] آنها [illegible] می‌کند که دولت ایران حق اعتراض [illegible] نمی‌دهد. [illegible] وزارت خارجه [illegible]

در این قسمت [illegible] سیاست جدیدی [illegible] شده حاضر میشوند [illegible] خیال وارد [illegible]

جدیدی [illegible] گذاشته‌اند یک عده بزرگ [illegible] اجناس انحصاری یا ممنوعه

را در آنجا [illegible] شده و مردم رفته [illegible] به داخله خاک ایران می‌آورند. یک عده [illegible]

در حدود سی نفر را آنها نگاه داشته‌اند [illegible] برای تحقیقات و جلب آنها [illegible] مدتی است آنها به [illegible]

آنها [illegible]. با این طور که نخواهید دولت ایران [illegible] مدیر [illegible] مانعی ندارد

و اگر [illegible] تصور [illegible] آنها اجناس ممنوعه را [illegible] شده با اطلاع [illegible] گمرکی [illegible] بنده جواب دادم

و می‌بینم که امید و رفتار [illegible] نسبت به همدیگر [illegible] است [illegible] قبل از [illegible] استخدامی

دولت شاهنشاهی تصدیق [illegible] و تا خاتمه [illegible] قضیه

یک [illegible] موجود خواهد بود هر گونه مساعدت و همکاری و حسن [illegible] غیرممکن [illegible]

[illegible] ۱۳۱۲ [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۳۷
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چون تلگرافاً امر فرموده بودند که هرگاه راجع به قضیهٔ باسعیدو مقالاتی در جراید انگلیس درج شود مطلب را تلگرافاً به عرض رسانید، لهذا پس از انتشار شرحی که در نمرهٔ ۱۶ نوامبر مجلهٔ شرق نزدیک درج شده بود، مراتب را تلگراف نمود. چنانکه ملاحظه می‌فرمایند سردبیر مجلهٔ مزبور بیطرفانه شرح واقعه و نظریات دولتین را نسبت به این امر نگاشته و هیچ نوع ایهام و اشاره که موهن به حال ایران باشد، ننموده است. چون قطعهٔ مزبور در جزو سایر قطعات به وزارت جلیله ایفاد شده، ارسال مکرر را زاید می‌داند. ضمناً به عرض می‌رساند که تا به حال جراید در این خصوص هیچ خبر و مقاله منتشر ننموده‌اند و بعضی‌ها هم به بنده مراجعه و اظهار داشتند اگر مایل باشید چیزی در این باب بنویسیم، اطلاعاتی به ما بدهید تا منتشر کنیم. ولی از آنجا که ممکن بود انتشار یک خبر جلب توجه کرده و سایر روزنامه‌نگاران را متوجه و بیدار کند و اخبار و مقالاتی در اطراف امر بنویسند که در آتیه اسباب زحمت و محتاج به تکذیب باشد، بنده صلاح را در این دیدم حالا که جراید به طور کلی چیزی ننوشته‌اند، ادامهٔ سکوت به حال ما مفیدتر خواهد بود.

شارژدافر نوری اسفندیاری

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

نمره ۸۳۰
۱۳۱۲/۹/۷

وزارت جلیله امور خارجه

چون مذاکره امر [illegible] در هیچ جا [illegible] و قضیه [illegible] که در جراید انگلیس درج شود مطلب را [illegible] بعضی رجال [illegible]

پس از انتشار شرحی در نمره ۱۰ نوامبر [illegible] درج شده بود در این باب [illegible] حاجت به مداخله [illegible]

بطوریکه شرح [illegible] و اطلاعات [illegible] را نسبت به [illegible] ایجاب [illegible] و اشاره به بعضی رجال ایران [illegible]

چون قطعه مزبور در خصوص [illegible] ارسال گردید [illegible] بعضی [illegible] در این [illegible]

ایشان خبر و مقاله منتشر نموده اند و بعضی‌ها هم [illegible] اظهار داشته‌اند اگر مایل باشند چیزی در این باب [illegible]

ولی [illegible] غیر مناسب [illegible] کرده و سایر روزنامه نگاران را [illegible] و چنانچه [illegible] در اطراف این قضیه

در روزنامه‌ای [illegible] محتاج به تکذیب [illegible] صلاح [illegible] و جراید بطور کلی چیزی ننوشته‌اند

[illegible] شارژ دافر [illegible]

[illegible]

۳۴۴۲۵
نمره ضبط
تاریخ ۲۲/ ماه ۹/ ۱۳۱۲

[illegible]

شماره: ۱۳۸
فرستنده: راپرت ملاقات با وزیرمختار انگلستان توسط آقای کاظمی
گیرنده:
تاریخ: ۸ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

راپرت ملاقات با وزیرمختار انگلستان

سردجینالدهور وزیرمختار انگلستان روز چهارشنبه هشتم آذر ۱۳۱۲ به ملاقات اینجانب درعمارت وزارت امورخارجه آمده و در ضمن مذاکره سایر مسائل تلگرافی را که از دولت متبوعهٔ او راجع به قضیه مدیر گُمرک باسعیدو به سفارت رسیده بود، قرائت نمود. تلگراف مزبور مشعر بود که دولت انگلیس پس از مداقه کامل در جریان امر و وصول اطلاعات تفصیلی قضیه اعتراف می‌کنند که اقداماتی که نسبت به مدیر گمرک با سعیدو به عمل آمده، مورد نداشته و ممکن بود فقط به اجازهٔ او به باسعیدوی نو اکتفا می‌شد و مراتب به استحضار دولت ایران می‌رسید و دولت ایران می‌تواند این اعتراف را به منزلهٔ اظهار تأسف تلقی نماید. اینجانب به مشارالیه اظهار داشتم با موضوع مهم دیگری که این ایام در پیش داریم، بهتر است مذاکره در این باب رابه موقع مناسبتری بگذاریم و اصلاً در ورود به موضوع و مذاکره در آن امتناع کردم.

وزیرمختار انگلستان مجدداً شرحی بیان نمود که پس از ملاقات پنجشنبهٔ گذشته که مفصلاً نقطه نظر دولت شاهنشاهی را برای من توضیح دادید، تلگراف مفصلی به لندن کردم و تمام نظریات شما را تشریح کردم و این جواب آن تلگراف می‌باشد و خوشوقتم که توضیحات شما و اقداماتی که من متعاقب آن کردم ما را به این نتیجه رسانید که دولت انگلیس چنین اعتراف و تصدیقی بکند و بعلاوه بمن دستور داده‌اند اطمینانهای مجدد و مکرری راجع به حسن نیت دولت انگلستان و علاقه‌ای که در حفظ و ازدیاد دوستی با دولت شاهنشاهی دارد، بدهم و اگر سوء تفاهمی حاصل شده باشد که مقصود از اقدامات نسبت به مدیر گمرک باسعیدو اهانت به مأمورین ایران بوده است، آن را نیز مرتفع سازم.

اینجانب جوابی به این اظهارات نداده و موضوع مهمتری را که در پیش بود، مذاکره کردم.

توضیحاً اشعار می‌دارد که روز پنجشنبه دویم آذر ۱۳۱۲ پس از اینکه

سررجینالدهور به طهران مراجعت کرده بود، در عمارت وزارت امور خارجه او را ملاقات و به تفصیل هرچه تمامتر موضوع مدیر گمرک باسعیدو را مطرح و نقطه‌نظر دولت شاهنشاهی را کاملاً تشریح و جبران امر و تأدیب مأمورین مربوطه را خواستم و اظهارات امروز وزیرمختار انگلیس اشاره به آن مذاکرات بود.

امضا: کاظمی

—

وزارت امور خارجه

راپرت ملاقات با وزیر مختار انگلستان

سر رجینالد هور وزیر مختار انگلستان روز چهارشنبه هشتم آذر ۱۳۱۲ بملاقات اینجانب در عمارت وزارت امور خارجه آمد
و در ضمن مذاکرات سایر مسائل یادداشتی را که از طرف دولت متبوعه او راجع بقضیه هنگام باسعیدو بسفارت [illegible] تسلیم نموده
[illegible] مرور [illegible] بدولت انگلیس پس از مذاکرات دوستانه [illegible] اطلاعات تفصیل قضیه [illegible]
در قطعات [illegible] هنگام باسعیدو [illegible] مورد [illegible] فعلاً [illegible] باسعیدو [illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible] دولت ایران معتقد [illegible] [illegible]
اینجانب [illegible] بموضوع [illegible] دارم بهتر است مذاکره در این باب
بموقع مناسب تری [illegible] در موضوع مذاکره در آن اجتناع کنم.
وزیر مختار انگلستان [illegible] از ملاقات هفته گذشته [illegible] نقطه نظر دولت [illegible]
برای شما توضیح داده [illegible] شما را تشریح کنم و این جواب آن
[illegible] توضیحات شما [illegible] آن [illegible] دولت انگلیس
چنین [illegible] و [illegible] دولت انگلیس
[illegible] دولت [illegible] دارد [illegible]
نسبت بهنگام باسعیدو [illegible] ایران [illegible] آن [illegible] سازم.
اینجانب جوابی [illegible] اظهارات ایشان [illegible] موقع بهتری [illegible] مذاکره کنیم.

---

توضیحاً [illegible] روز [illegible] آذر ۱۳۱۲ پس از آنکه سر رجینالد هور [illegible] در عمارت
[illegible] ملاقات [illegible] هنگام باسعیدو [illegible] نقطه نظر دولت [illegible]

۱۲/۹/۸ [illegible]

شماره: ۱۳۹
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه، سواد چند فقره راپرت واصله از بوشهر را راجع به قضایای اخیر باسعیدو، تلواً برای استحضار خاطر محترم ایفاد می‌دارد.

وزیر مالیه

[پی نوشت:]

آقای شایسته در دوسیهٔ مربوط ضبط شود. از بعضی از اطلاعات مندرجه در ضمائم می‌توان استفاده نمود.

راپورت نمرهٔ ۲

توقیف شدن مدیر و مستحفظ باسعیدو توسط کشتی جنگی انگلیسی شورهم

پس از آنکه عمل تحویل اداره به آقامیرزاعلی خان خوشکیش نمره ۱۵۹۶ مدیر جدید باسعیدو خاتمه یافت، عیال مستحفظ باسعیدو را (شهری) محرمانه خواسته تحقیقات کامل به شرح ذیل در خصوص گرفتاری مدیر و مستحفظ از مشارالیها گردید ذیلا قضیه واقعه را معروض می‌دارد

در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۱۲ طرف عظر جهاز بادی متعلق به حاج علی‌سودی اهل عباسی حامل کرده، مویز و هندوانه جهت دوبی از طرف عباسی وارد باسعیدو می‌شود و در طرف شمال اداره لنگر می‌اندازد فعلاً مدیر و مستحفظ جهت تفتیش جهاز مذکور از اداره حرکت می‌کند. هر دو بدون اسلحه موقعی که وارد می‌شوند عبدالله پسر محمد موسی و محمد پسر عبد محمد موسی هر دو نزدیک جهاز بادی حاضر بودند به محض مشاهدهٔ مدیر مستحفظ برای تفتیش جهاز فوراً به ادارهٔ سیاسی انگلیسها در باسعیدو رفته (راپورت ادارهٔ سیاسی و غیره علی‌حده تحت نمرهٔ ۳ معروض می‌شود) و از حضور و تفتیش

و عملیات مدیر ادارهٔ سیاسی انگلیس را مطلع ساخته، اداره سیاسی فوراً یک نفر صاحب منصب با چهار نفر نظامی اروپایی مسلح به اتفاق یک نفر مترجم به طرف کشتی بادی اعزام به محض ورود مدیر و مستحفظ را از جهاز بادی حاج علی‌سودی صدا زده در اثر صدا مدیر و مستحفظ از جهاز بادی پایین وقتی که روبرو می‌شوند، مترجم از قول صاحب‌منصب به مدیر می‌گوید که شما باجازهٔ کی جهت تفتیش به این محل آمده‌اید. مدیر جواب می‌دهد که ما اجزای گمرک دستور تفتیش جهازات که در هر نقطهٔ باسعیدو توقف نمایند، داریم. مترجم از قول صاحب‌منصب می‌گوید همان‌طوری که شما دستور تفتیش جهازات را دارید ما هم دستور توقیف شما را داریم. بنابراین بفرمائید شما را به کشتی جنگی باید ببرم مدیر جواب می‌دهد که ما دستور مدافعه در این گونه موارد نداریم به هرجا که بخواهید شده حاضرم به اتفاق آنها از آن محل حرکت می‌کنند و مدت شش روز در همان کشتی شور هم (**Shorehame**) توقیف بوده و در این مدت از سلامتی خودشان با خانواده از کشتی جنگی مکاتبه می‌نمودند و جواب خانواده نیز به آنها می‌دادند. (لاکن تمام مراسلات که ردوبدل می‌شود سانسورمی نمودند) در روز ششم مدیر و مستحفظ هریک رختخواب و چند دست لباس از خانهٔ خود خواسته و فرستاده شد و به وسیلهٔ کشتی جنگی لوپن (**Lopen**) آنها را از باسعیدو حرکت می‌دهند ولی حرکت آنها به کدام طرف نبوده افواهاً می‌گویند به طرف عباسی برده‌اند.

مورخه ۲۴ مهر ۱۳۱۲
رئیس محاسبات گمرک لنگه

مورخهٔ ۱۹ مهر ۱۳۱۲
ریاست محترم‌ولایتی گمرکات لنگه

از قرار مسموع عصر ۱۷ مهر ماه آقای مدیر باسعیدو با مستحفظ رفته‌اند در باسعیدوی کهنه. مأمورین خارجی برده‌اند در جهاز آتشی و تاکنون معلوم مرخصی آنها نیست.

مدیر گمرک نمکدان ــ نعمت‌الله ۶۳۷

راپورت نمرهٔ ۳:
اقدام و عملیات انگلیسها در باسعیدو

محوطه‌ای که انگلیسها فعلاً در باسعیدو تصرف و مشغول ساختمان می‌باشند، طبق نقشهٔ ضمیمه طرف مغرب جزیرهٔ قشم و تقریباً سه‌هزار قدم طرف مغرب ادارهٔ

گمرک باسعیدو واقع ــ سابقاً انگلیسها فقط دارای یک چوب بیرق و عمارت کوچکی به نزدیک ساحل دریا طرف مغرب جزیره بودند و در اسفند ۱۳۱۱ که شخصاً خودم آنجا را بازدید نمودم، محوطهٔ آنها دارای حدود معینی نبوده یعنی حدودی رسماً برای خود قایل نشده بودند. لکن امروزه هزاران ذرع به طرف داخل جزیره قلو رفته‌اند و به وسیلهٔ بیرقهای کوچک که در زمین نصب نموده‌اند حدود را تشخیص داده ودر هر طرف از حد شخصی یک خیمه بر پا نموده که مأمن و مسکن مستحفظین مسلح اروپایی و یک توپ مسلسل است.

بعلاوه از ساختمان اولیه یک ساختمان بزرگی برپا نموده‌اند که در طرف آن ادارهٔ‌سیاسی یا چند نفر اعضا و طرف دیگر اداره تلفون بی‌سیم (رادیو) معین نموده و در وسط عمارت مسافرخانه برای واردین و محل ورزش داخلی از قبیل (بلیارد) تهیه نموده و نزدیک آن عمارت یک مغازهٔ بسیار بزرگ باز و از هر قسم جنس از قبیل مشروبات اروپایی، زیرپیراهن، چادرشب، جوراب، بیسکویت، چاه‌کیت، شکرجارمی، برنج، آرد، سیب‌زمینی و غیره و غیره برای فروش تهیه دیده‌اند و هرکس می‌تواند در مقابل وجه نقد جنس خریدای نماید. جهت نمونه قدری شکر آن دکان که دومن گمرک به یک روپیه قیمت دارد ضمیمه تقدیم می‌شود. شکر مذکور شکر تجارتی ایران وعمانات نیست، بلکه شکری است که در اروپا مصرف می‌شود، زیرا که رنگ آن قرمز و شیرینی آن دو مقابل شیرینی شکر تجارتی است معروف شکر (گر) به غیر از بیرق بزرگ که در ساحل غربی و سایر بیرقهای کوچک که در حدود معینه بین آن محوطه و شهر باسعیدو نصب نموده‌اند، ضمناً همه روزه عملهٔ ایرانی یعنی اهالی باسعیدو مشغول خرد نمودن سنگ جهت ساختمان و جاده برای اتومبیل‌رانی می‌باشند. حالیه به طور دایم در دریای باسعیدو یعنی در مقابل حدود مشخصه یک فروند کشتی جنگی در اول دیک موتور لانج زره‌پوش در آخر حد لنگر انداخته هروقت جهازی در مقابل بیرقهای حدود مشخصه توقف کند، انگلیسها ممانعت و صریحاً اخطار می‌کنندکه یا باید در جلو گمرک یا در لنگرگاه آزاد اشغال شده بایستید کما اینکه موتور خود بنده روبه‌روی بیرقهای مزبور لنگر انداخت، فوراً از طرف موتور زره‌پوش اخطار فوق ابلاغ گردید ــ لنگه، مورخهٔ ۲۴ مهر ۱۳۱۲.

رئیس محاسبات گمرک لنگه

وزارت مالیه

اداره ... [illegible]

دایره ...

بتاریخ ۱۱ ماه ۹ ۱۳۱۲

نمره [illegible]

محرمانه مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب [illegible] سابقه [illegible] وزارت

[illegible]

[illegible]

وزیر مالیه

ضبط شود

[illegible] ۱۲/۹/۱۲

ثبت ۳۳۵۳۸

۱۲/۹/۱۲

[illegible]

۳۵۰۰

۵۰۰ -

راپورت نمره ۲

توقیف شدن مدیر مستحفظ باسعید و توسط کشتي جنگي انگلیسي شورهم

پس ازآنکه عمل تحویل اداره باتا میرزا علي خان حونکیشر نمره ۱۵۹۶ مدیر جدید باسعید و خاتمه یافت عیال مستحفظ
باسعید و را (شهری) محرمانه خواسته تحقیقات کامل بشرح ذیل درخصوص گرفتاری مدیر مستحفظ ازشارالیها کردید
ذیلا قضیه واقعه رامعروض میدارد
درتاریخ ۱۷ مهر ۱۳۱۲ طرف عظر جهاز بادی متعلق بحاج علي سودی اهل عباسي حامل کردد — مویز وهندوانه جهت
دبي ازطرف عباسي وارد باسعید و میشود ودرطرف شمال اداره لنگر میاندازد فعلا مدیر مستحفظ جهت تفتیش جهاز
مذکور ازاداره حرکت میکند هرد و بدون اسلحه موقعیکه وارد میشوند عبد الله پسر محمد موسي ومحمد پسر عبد محمد موسي
هرد ونزدیك جهاز بادی حاضر بودند بمحض مشاهده مدیر مستحفظ برای تفتیش جهاز فورا باداره سیاسي انگلیسها در
باسعید ورفته (راپورت اداره سیاسي وغیره علیحده تحت نمره ۳ معروض میشود) و ازحضور وتفتیش وعملیات مدیر اداره
سیاسي انگلیس رامطلع ساخته اداره سیاسي فورا یکنفر صاحب منصب باچهار نفر نظامي اروپائي مسلح باتفاق یکنفر
مترجم بطرف کشتي بادی اعزام بمحض ورود مدیر مستحفظ را ازجهاز بادی حاج علي سودی صدا زده دراثر صدا مدیر
مستحفظ ازجهاز بادی پائین وقتیکه روبرو میشوند مترجم ازقول صاحب منصب بمدیر میگوید که شما باجازه کي جهت تفتیش
باین محل آمده اید مدیر جواب میدهد که ما اجزاء گمرك دستور تفتیش جهازات که درهرنقطه باسعید و توقف نمایند داریم
مترجم از قول صاحب منصب میگوید همانطوریکه شما دستورتفتیش جهازات را دارید ماهم دستورتوقیف شما را داریم بنابراین
غرمائید شما رابکشتي جنگي باید ببریم مدیر جواب میدهد که ما دستور مدافعه دراینگونه موارد نداریم بهرجا که بخواهید
برده حاضرم باتفاق آنها ازآن محل حرکت میکنند ومدت شش روز درهمان کشتي شورهم ( Shoreham )
توقیف بوده و دراینمدت از سلامتي خودشان باخانواده ازکشتي جنگي مکاتبه مینمودند وجواب خانواده نیزبانها مي
دادند (لاکن تمام مراسلات که رد وبدل میشود سانسور مینمودند) درروز ششم مدیر مستحفظ هریك رختخواب و
چند دست لباس ازخانه خود خواسته وفرستاده شد و بوسیله کشتي جنگي لوپن ( Lupin ) آنها را ازباسعید و
حرکت میدهند ولي حرکت آنها بکدام طرف نبوده انواها میگویند بطرف عباسي برده اند

مورخه ۲۴ مهر ۱۳۱۲

رئیس محاسبات گمرك لنگه

سواد مطابق با سواد است

مورخه ۱۹ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم ولایتی گمرکات لنگه

ازقرارمسموع عصر ۱۷ مهرماه آقای مدیر باسعید و با مستحفظ رفته اند درباسعیدوی کهنه مامورین خارجی برده اند درجهاز آتشی وتاکنون معلوم مرخصی آنهانیست

مدیرگمرک نمکدان ـ نعمت الله ٦۲۷

سواد مطابق باسواد است

راپورت نمره ۲

( اقدام و عملیات انگلیسها در باسعیدو )

محوطه که انگلیسها فعلا در باسعیدو تصرف و مشغول ساختمان میباشند طبق نقشه ضمیمه طرف مغرب جزیره قشم وتقریبا سه هزار قدم طرف مغرب اداره گمرک باسعیدو واقع ـ سابقا انگلیسها فقط دارای یك چوب بیرق وعمارت کوچکی بنزدیك ساحل دریا طرف مغرب جزیره بودند و در اسفند ۱۳۱۱ که شخصا خودم آنجارا بازدید نمودم محوطه آنها دارای حدود معینی نبوده یعنی حدودی رسما برای خود قائل نشده بودند لکن امروزه هزاران ... ذرع بطرف داخل جزیره قلو رشیه ... و بوسیله بیرقهای کوچك که در زمین نصب نموده اند حدود را تشخیص داده و در هر طرف ازحد شخصی یك خیمه برپا نموده که مامن ومسکن مستحفظین مسلح اروپائی و یك توپ مسلسل است

بعد و از ساختمان اولیه یك ساختمان بزرگی برپا نموده اند که در طرف آن اداره سیاسی یاچند نفر اعضاء و طرف دیگر اداره تلغون بی سیم ( رادیو ) معین نموده و در وسط عمارت مسافرخانه برای واردین ومحل ورزش داخلی ازقبیل ( بلیارد ) تهیه نموده ونزدیك آن عمارت یك مغازه بسیار بزرك باز و از هر قسم جنس ازقبیل مشروبات اروپائی زیر پیراهن چادرشب ـ جوراب ـ بسکویت چاه کیت شکر چارمی برنج ارد سیب زمینی وغیره وغیره برای فروش تهیه دیده اند وهرکس میتواند درمقابل وجه نقد جنس خریداری نماید جهت نمونه قدری شکر آن دکان که دو من گمرک بیکروپیه قیمت دارد ضمیمه تقدیم میشود ـ شکر مذکور شکر تجارتی ایران وعمانات نیست بلکه شکریست که در اروپا مصرف میشود زیرا که رنك آن قرمز وشیرینی آن درمقابل شیرینی شکر تجارتی است معرفی شکر ( گر ) بغیر ازبیرق بزرك که در ساحل غربی وسایر بیرقهای کوچك که در حدود معینه بین آن محوطه و شهر باسعیدو نصب نموده اند ضمنا همه روزه عمله ایرانی یعنی اهالی باسعیدو مشغول خورد نمودن سنگ جهت ساختمان وجاده برای اتومبیل رانی میباشند حالیه بطور دائم در دریای باسعیدو یعنی درمقابل حدود مشخصه یکنفر ولد کشتی جنگی در اول دیك موتور لانچ زره پوش در آخر حد لنگر انداخته هروقت جهازی درمقابل بیرقهای حدود مشخصه توقف کند انگلیسها ممانعت وصریحا اخطار میکنند که یابایند درجلو گمرک یا درلنگرگاه آزاد اشغال شده بایستید کما اینکه موتور خود بنده روبروی بیرقهای مزبور لنگر انداخت فورا ازطرف موتور زره پوش اخطار فوق ابلاغ گردید ـ لنگه مورخه ۲۴ مهر ۱۳۱۲

رئیس محاسبات گمرک لنگه

سواد مطابق با سواد است

شماره: ۱۴۰
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۱۲/۹/۱۵ تحت نمرهٔ ۳۳۸۰۸ متضمن سواد راپورتی که به دفتر مخصوص شاهنشاهی راجع به عملیات عمال انگلیس در باسعیدو شرف وصول داد. مطالبی که نوشته شده است، راپورتهای واصله به وزارت داخله را که سواد آنها در موقع خود به آن وزارت جلیله ارسال شده است، تأیید می‌نماید. موضوع همان توقیف مدیر گمرک باسعیدو بردن مشارالیه به عباسی و تعیین حدود باسعیدوی کهنه که اسم آن را با سعیدوی انگلیس گذارده‌اند، می‌باشد. این راپورت خبر تازه بر معلومات وزارت جلیله نمی‌افزاید. تمام اقدامات حق‌شکنانه که به آن در راپورت ضمیمه اشاره شده است، تأیید می‌شود. چون تقاضا کرده‌اند که در این باب تحقیق بشود، در واقع تکرار یک وقایعی خواهد بود که مکرر و مشروحاً راپورتهای آن به وزارت جلیلهٔ خارجه ارسال گردیده است.

مهر وزارت داخله

در هر صورت به حکومت بنادر دستور داده شد که در مندرجات راپورت مذکور دقیقاً تحقیق نموده نتیجه را اطلاع دهد.

[پی نوشت:]
ادارهٔ اروپا و آمریکا
باید منتظر راپورت حکومت بنادر شد.

وزارت داخله

کابینه

تاریخ ۱۸ آذر ماه ۱۳۱۲

نمره ۱۴۵۵۰ ضمیمه

۸۳۰

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسله محترمه ۱۵/۹/۱۲ نمره ۳۳۸۰۸ متضمن سواد راپرت [illegible]

راجع به تبلیغات عمال انگلیسی در بلوچستان و [illegible] بلوچستان نوشته شده است راپرت [illegible]

که سواد آنها در [illegible] به وزارت جلیله ارسال شده است [illegible] موضوع [illegible]

[illegible] و تعیین حدود بلوچستان [illegible] عمال انگلیس [illegible]

خبر تازه [illegible] وزارت جلیله [illegible]

[illegible] واقع [illegible]

راپرت [illegible] به وزارت جلیله خارجه ارسال گردیده است

در هر صورت [illegible] تحقیق [illegible]

اداره [illegible]

۱۲/۹/۱۸

۳۴۱۷۴

۱۲/۹/۱۹

باید منتظر راپورت [illegible] شد.

شماره: ۱۴۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

شخصی و محرمانه

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه
وزیر عزیزم

پس از تفکر در اطراف مذاکرات پریروز که فی‌مابین به عمل آمد، دو نکته به نظر دوستدار رسید که برای اینجانب روشن نیست:

موضوع اول این است که آیا برحسب میل صریح اعلیحضرت اقدس همایونی بوده است که به دوستدار اشعار فرمودید که خوب است در طی مذاکرات خود با اعلیحضرت اقدس همایونی از بحث در مسائل سیاسی خودداری نمایم یا خیر؛ و موضوع ثانوی اینکه یادداشتی را که اصرار می‌فرمایید درباب مدیر گمرک تهیه نمایم برای چه منظوری احتیاج دارید.

لازم است در باب موضوع ثانی قدری بحث کنم. این است که سعی می‌نمایم مقصود خود را واضح سازم. در فلان موقع یک دولتی (مثلاً دولت x) ممکن است بخواهد مخصوصاً با دولت دیگر (دولت y) رویهٔ صلح‌جویانه اتخاذ کند و بنابراین ممکن است یک اقدام مخصوص به عمل آورد، مشروط براینکه این اقدام به اطلاع عموم نرسد، دو ایراد در مورد انتشار این اقدام در بین عموم موجود است، الف) در صورت اشتهار موضوع ممکن است دول دیگر توقع داشته باشند نظیر این معامله نیز دربارهٔ آنها به عمل آید؛ ب) ممکن است به وسیلهٔ تحریک مذاکرات و تنقیدات در مملکت x نتایجی را که به واسطهٔ اقدام صلح‌جویانه در مورد مملکت y حاصل گردیده است خنثی نماید.

اجازه دهید این موضوع را تطبیق نماییم با مسئله راجع به اتفاقات مربوط به بیرق و مدیر گمرک (در حالی که مسلماً اختلاف نظر خود را در مورد بعضی جنبه‌های مسئلهٔ اخیر محفوظ می‌داریم.)

دوستدار می‌توانم تصور نمایم که در صورتی که دولت انگلیس اصرار می‌ورزیدند، ممکن بود دولت ایران حاضر شوند تأسفات رسمی خود را در ضمن یادداشتی برای

توهینی که به بیرق انگلیس وارد آمده است، اظهار دارند. با این مفهوم که یک چنین یادداشتی به طبع نخواهد رسید و ممکن بود در تحت این عنوان به طبع یادداشت مزبور ایرادی نمودند که انتشار این مسئله منجر به مذاکرات و مذاکرات منجر به مشاجراتی می‌گردید که باعث تهییج افکار عمومی و مضر نسبت به منظوری شود که یادداشت برای آن منظور نوشته شده بود.

به همچنین به طریق اولی در خصوص مسئلهٔ مدیر. دوستدار شفاهاً بعضی مسائل را به آنجناب بیان کردم که از دوستدار خواهش می‌نمایند روی کاغذ بیاورم.

تصور فرمایید مطالب مزبور را نوشتم و آن جناب آنچه را نوشتم در مجلس قرائت فرمودید، در نتیجه آن ممکن است سؤالاتی در مجلس پارلمان انگلیس به عمل آید که مفاد آن این باشد (آیا عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان براین است که مدیر گمرکات در اتخاذ اقدامی که به عمل آورده‌و منجر به این اتفاق گردیده، محق بوده است و چنانچه محق نبود چرا دولت انگلیس این رویهٔ صلح‌جویانه غیرلازم را اتخاذ نموده‌اند.)

این مسئله تقریباً بلاشک منجر به مذاکراتی در باب قضیهٔ بیرق خواهد گردید و قس علی ذلک.

خلاصه اینکه بایستی بار دیگر خود را دچار مذاکرات و مشاجرات عمومی مشاهده نمود و در نتیجه از اقدام به اموری که وظیفهٔ حقیقی ما محسوب و در مقابل داریم بازخواهیم ماند.

خواهشمندیم لطفاً در باب نکات فوق دقت فرمایند تا دوستدار بتوانم وضعیت را با کمال وضوح به دولت متبوعهٔ خود اطلاع دهم.

ضمناً بی‌نهایت ممنون خواهم شد جواب سؤالی را که در قسمت اول این مراسله نموده‌ام و راجع است به موضوع شرفیابی دوستدار، در طی امروز جواب بدهید.

دوست صمیمی: ر. هور

ترجمه

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

۱۳۱۲    ۱۹۳۳
۱۸ سپتامبر ۲۷ شهریور

شخصی و محرمانه

وزیر محترم

برای تشکر در الطاف دوستانه که به اینجانب [illegible] که فیمابین [illegible]. دو هفته قبل [illegible] دوستانه رسید که برای جواب

پوشیده نیست :

موضوع این است که آیا بر حسب [illegible] اعلیحضرت [illegible] ۳ ژوئیه [illegible] که دو دسته [illegible] رجوع است

[illegible] دوستانه خود با اعلیحضرت [illegible] ۳ ژوئیه در [illegible] در مسائل سیاسی خود در [illegible]

در موضوع نادر [illegible] یا [illegible] درباب [illegible] شاید [illegible] منظور

چه جواب داده‌اید :

عذر است درباب موضوع نادر قدری بحث کنم این است که سعی می‌شود مقصود خود را واضح سازم

در خلال موقع یکی دولتی (از شعبه دولت X) ممکن است بخواهد مقصود خود را با دولت دیگر

(دولت Y) روابط صلح‌جویانه [illegible] کند و بنابراین ممکن است یکی اقدام مخصوص

[illegible] شود به اینکه این اقدام با اطلاع عموم نرسد و در موارد [illegible] انتشار

این اقدام در بین عموم موجب است (الف) در صورت انتشار موضوع ممکن است

با [illegible] از [illegible] خاطر وزیر [illegible]

ممکن است [illegible] که از آنها اطلاع [illegible] نیز ملاحظه نظریاتی نسبت به داشته توقع دول دیگر

[illegible] و صلح [illegible] که روابط [illegible] تمایلی × در مملکت تغییرات و تحریکات [illegible] بوسیله

در مورد مملکت [illegible] گردیده است [illegible]

[illegible] مربوط به برق [illegible] مسئله [illegible] تطبیق [illegible] موضوع را [illegible]

(در حالیکه [illegible] اختلاف نظر [illegible] در مورد [illegible] مسئله اخیر [illegible])

[illegible] دولت انگلیس [illegible] که [illegible] تصور نمائیم [illegible] ممکن بود

[illegible] برق انگلیس [illegible] دولت [illegible] حاضر شوند [illegible]

[illegible] نخواهد [illegible] چنین [illegible] با این [illegible] دارد [illegible] ممکن بود

[illegible] مسئله [illegible] که [illegible] مزبور [illegible] بعنوان [illegible]

[illegible] منظور [illegible] تهییج افکار عمومی [illegible] که [illegible] منجر [illegible]

[illegible] اوراق [illegible] چنین [illegible] نوشته [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] جنابعالی [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] تصدیع [illegible] مطالب مزبوره را نوشتم [illegible]

(۳)



در نتیجه این مکاتبات سؤالاتی که در مجلس پارلمان انگلیس میکنند در مجلس قرائت فرموده

که مفاد آن این باشد (آیا حقیقتاً دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بر این است که

در [illegible] و در [illegible] اقدامی که [illegible] و [illegible] باید اتفاق گردیده [illegible]

و خاتمه [illegible] دولت انگلیس این روزها صلح جویانه [illegible] ) .

این مسئله [illegible] قضیه برای [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] که [illegible] و مشاوره [illegible]

[illegible] که [illegible] تحقیق [illegible] داریم [illegible] خواهیم ماند .

[illegible] دولت [illegible]

و صلح دولت [illegible]

[illegible] که در قسمت [illegible]

در [illegible] در [illegible] جواب [illegible] . [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۴۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۶ دی ماه ۱۳۱۲
متن سند:

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی
جریدهٔ العالم‌العربی از قول جراید سوریه خبری راجع به باسعیدو نقل نموده که ترجمهٔ آن تلواً ایفاد می‌گردد.

وزیر امور خارجه: کاظمی

ترجمه از العالم‌العربی ــ بغداد

تغییر سیاست انگلیس

جراید سوریه خبر ذیل را انتشار داده‌اند:
دولت انگلیس به قشون و مؤسسات نظامی خود در باسعیدو دستور داده است که آنجا را تخلیه کنند. وجود مؤسسات مزبوره موجب سوءتفاهم دایمی بین دربار طهران و لندن شده بود. اکنون که قوای نظامی انگلیس اراضی ایران را تخلیه نمود، انتظار می‌رود که تأثیرات سوئی که از وجود قوای مزبور در آنجا بین دولتین تولید شده بود، به کلی زایل و برطرف گردد.

نمونهٔ ۳

# وزارت امور خارجه

نمره ضبط

نمره ۳۷۰۶۴

دوسیه

موضوع مسوده تخلیه باسعیدو

ضمیمه

مسئول پاکنویس

اداره اطلاعات و مطبوعات

| ۷۸۹ | تاریخ تحریر ۶ دی ماه ۱۳۱۲ تاریخ پاکنویس ... تاریخ ثبت و خروج ۱۳۱۲/۱۰/۱۱ |
|---|---|

عنوان مسوده ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

جریده (العالم العربی) ارگان رابطه سوریه خبری راجع به ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ باسعیدو نقل نموده که ترجمه آن تلواً ایفاد میگردد

~~[illegible]~~ امور خارجه

وزارت امور خارجه

ترجمه از العالم العربی – بغداد
شماره ۳۰۰۴
مورخه ۲۳ کانون اول ۱۹۳۳

## تغییر سیاست انگلیس

جرائد سوریه خبر ذیل را انتشار داده اند :
دولت انگلیس به قشون و مؤسسات نظامی خود در باسعیدو دستور داده است که آنجارا تخلیه کنند وجود مؤسسات مزبوره موجب سوء تفاهم دائمی بین دربار طهران و لندن شده بود اکنون که قوای نظامی انگلیس اراضی ایران را تخلیه نمود انتظار میرود که تاثیرات سوئی که از وجود قوای مزبور در آنجا بین دولتین تولید شده بود بکلی زایل و برطرف گردد.

شماره: ۱۴۳
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ دی ۱۳۱۲ (در مراسله اشتباهاً ۷آذر ۱۳۱۲ ذکر شده)
متن سند:
جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه دولت علیه ایران
آقای وزیر

برحسب تعلیمات وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان، محترماً به استحضار خاطر جناب مستطاب عالی می‌رسانم که از تاریخ وقوع قضیه باسعیدو که در تاریخ نهم اکتبر (۱۷مهر) اتفاق افتاد، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس دقیقاً موضوع را تحت توجه خود قرار داده‌اند.

تعلیماتی را که به محض وصول راپورت تلگرافی راجع به توقیف مدیر گمرک باسعیدو دولت انگلستان صادر نموده است، بدیهی است بایستی بدون تأخیر صادر شده باشد تا مأمور مزبور در قید توقیف نماند. راپورت اولی تلگرافی این واقعه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را دلالت به اخذ این نتیجه نموده بود که اقدام مدیر گمرک مزبور عامراً تهیج آمیز بوده است. ولی راپورتهای کتبی مشروحتری که بعداً واصل می‌شود، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را متقاعد می‌سازد که این تصور مقرون به اشتباه بوده و حالیه متوجه می‌شوند که تنها مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که عبارت از تجدید تأیید از تفسیر آنها از **Status quo** بوده بخوبی حاصل می‌شد. در صورتی که فقط تعلیماتی صادر می کردند که مدیر مزبور را به محل مأموریت خود عودت داده و بعد اقدام مشارالیه را به استحضار خاطر اولیای دولت علیه می‌رساندند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستـــان این طور استنباط می کنند که ممکن است برای دولت علیهٔ ایران چنین تأثیری حاصل شده باشد که مقصود از اقدامی که در اعزام مدیر گمرک مزبور به بندرعباس شده، اعمال تحقیر بوده است. برحسب دستور وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان، دوستدار موظفم که رفع این تأثیر بکلی غیرواقعی را در صورتی که حقیقتاً وجود داشته باشد، نموده و خاطر جناب مستطاب عالی را به این نکته معطوف دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است روابط دوستانه و تاریخی موجود بین مملکتین نه تنها بادوام و پایدار بوده، بلکه از نظر منافع مشترکهٔ ذات‌البین همواره مزید گردد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

ر.هور

[پی نوشت:]

این مراسله به عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنافداه و به عرض هیئت محترم وزرای عظام هم رسید.

۱۲/۱۰/۱۱

سفارت انگلیس - طهران
۷ آذر ۱۳۱۲
نمره ۶۶۲

آقای وزیر

برحسب تعلیمات وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترماً بتحضر خاطر عالی میرساند که از تاریخ وقوع قضیه باسعیدو که در تاریخ نهم اکتبر (۱۷ مهر) اتفاق افتاد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس دقیقاً موضوع را تحت توجه خود قرار داده اند - تعلیماتی که بمحض وصول راپورت تلگرافی راجع به توقیف مدیر گمرک باسعیدو دولت انگلستان صادر نمودند بدیهی است بایستی بدون تأخیر صادر شده باشد تا مأمور مزبور در حال توقیف نماند - راپورت اولی تلگرافی این قضیه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را دلالت باخذ این نتیجه نمود که اقدام مدیر گمرک مزبور عامداً تحریک آمیز بوده است. ولی راپورتهای کتبی مشروح‌تری که بعداً رسید موجب شد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را متقاعد سازد که این تصور تقریباً باشتباه بوده و حالیه مستحضر شده‌اند که تنها مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که عبارت از تجدید تائید از تفسیر آنها از وضع status

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی
وزیر امور خارجه دولت علیه ایران

---

No. 662.

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

December 28th, 1933.

Monsieur le Ministre,

I have the honour under instructions from His Majesty's Secretary of State for Foreign Affairs to inform Your Excellency that since the incident which occurred at Basidu on October 9th His Majesty's Government in the United Kingdom have given careful consideration to the question. The instructions issued by them on receiving a telegraphic report of the arrest of the Mudir of Customs at Basidu had obviously to be issued without delay in order that this official should not remain in detention. The original telegraphic report of this incident led His Majesty's Government to infer that the Mudir's action was intentionally provocative. More detailed written reports subsequently received however convinced His Majesty's Government that this supposition was erroneous and they now realise that their sole purpose, that is to say, the reaffirmation of their interpretation of the status quo would

have

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi
Minister for Foreign Affairs.

۲۵۵۱

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

-2-

مقصود به خوبی حاصل می‌شد در صورتیکه فقط تعلیمات صادر میکردند که مدیر
فوراً به محل مأموریت خود عودت داده و بعد اقدام مشارالیه
را به استحضار خاطر اولیای دولت علیه می‌رساندند. - دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع حاصل نموده‌اند که ممکن است
برای دولت علیه ایران چنین تأثیری حاصل شده باشد که مقصود از
اقداماتیکه در اعزام مدیر گمرک فوق به بندرعباس شده اهانت و تحقیر
بوده است. - حسب الامر وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه
انگلستان دوستدار مأمورم که رفع این تأثیر کاملاً غیرواقعی را
در صورتیکه حقیقتاً وجود داشته باشد نموده و خاطر آن جناب مستطاب
را به این نکته معطوف دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه
انگلستان مایل است روابط دوستانه و تاریخی موجود بین
مملکتین نه تنها ادامه داشته بلکه برای منفعت طرفین از لحاظ منافع مشترکه
دولتین بیش از پیش برقرار گردد -

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم -

have been equally well served had they simply issued instructions for the Mudir to be sent back to his post and had then brought his action to the notice of the Imperial Government. They understand that the Imperial Government may have formed the impression that the action taken in causing the Mudir to be conveyed to Bander Abbas was intended to inflict humiliation. I am instructed by His Majesty's Secretary of State for Foreign Affairs to remove this entirely erroneous impression, if indeed it exists, and to remind Your Excellency that it is the desire of His Majesty's Government that the traditional friendship existing between our two countries shall not only continue but be increased to their mutual advantage.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

R. H. Hoare

۱۲/۱۰/۱۱

شماره: ۱۴۴
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ دی ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو راجع به تخلیه باسعیدو لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد.

مهر: وزارت داخله

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو مورخ ۱۲ آذر ۱۳۱۲

تبریک ـ زنده باد اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران ارواحنا فداه

بعد العنوان ـ با کمال احترام معروض می‌دارد که مورخهٔ دهم آذرماه ۱۳۱۲ کلیهٔ مستخدمین دولت انگلیس ساکن باسعیـــدو کهنه با تمام اثاثیهٔ خودشان حرکت نمودند. در کشتی بیدفرد مورخهٔ ۱۱ آذرماه، صبح کشتی شورای وارد شد و عصر ۱۳۱۲/۹/۱۱ کشتی بیدفرد و شوران از باسعیدو حرکت کردند. فقط چوب علم کوچک بالای مسافرخانه باقی است. بدون پردهٔ علم و علم بزرگ سابقی با پرده علم به حال خود باقی است و ابداً از اعضا و اجزای انگلیسها در باسعیدو حاضر نیست. محض اطلاع عرض شد.

امضاء: مدیر گمرک باسعیدو

وزارت داخله

اداره سیاسی

دایره ...

بتاریخ ۱۰ دی ماه سنه ۱۳۱۲

نمره ۸۹۴/۱۶۲۰ ضمیمه دارد

محرمانه

مستقیماً

وزارت جلیله امور خارجه

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو راجع به تخلیه باسعیدو لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله

ارسال میگردد

اداره اروپا و امریکا

۱۲/۱۰/۱۰

۳۷۰۹۶

۱۳۱۲/۱۰/۱۱

۱۲/۱۰/۱۲ اداره ...



۳۶۳۳

اداره امور سیاسی

## وزارت داخله

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو اداره مورخه ۱۴ آذر ۱۲ که اصل آن بنمره ۱۱۵ اداره وزارت ثبت شد

تبریک — زنده باد اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران ارواحنا فداه

بعد العنوان — با کمال احترام معروض میدارد در نمره دوم آذرماه ۱۳۱۲ کلیه مستخدمین دولت انگلیس ساکن باسعیدو کهنه با تمام اثاثیه خودشان حرکت نموده در کشتی بیدفورد سوار شدند ۱۱ آذرماه صبح کشتی مزبوره وارد و عصر ۱۱/۹/۱۳۱۲ کشتی بیدفورد با مزبوران از باسعیدو حرکت کرد. فقط چوب علم کوچک بالای مسافرخانه باقی است بدون پرده علم و علم بزرگ سابقی با پرچم علم بحال خود باقی است و ابداً از اعضاء و اجزاء انگلیسیها در باسعیدو حاضر نیست محض اطلاع عرض شد. امضاء مدیر گمرک باسعیدو. سواد مطابق اصل است

شماره: ۱۴۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۳ دی ۱۳۱۲
متن سند:

آقای وزیرمختار

مراسلهٔ محترمهٔ مورخه ۷دی جاری (۲۸دسامبر ۱۹۳۳) نمرهٔ ۶۶۲ راجع به توضیحاتی که در قضیهٔ مدیر گمرک باسعیدو اشعار فرموده بودند، زیب وصول بخشیده و به استحضار اولیای دولت شاهنشاهی رسید. دوستدار وظیفهٔ خود می‌دانم خاطر محترم را به جمله‌ای که راجع به استاتوکو مرقوم فرموده‌اند، معطوف ومخصوصاً تصریح نمایم که نقطه‌نظر دولت شاهنشاهی در این باب سابقاً چه کتباً و چه شفاهاً توضیح گردیده و تعبیری که در این خصوص می‌فرمایند مورد موافقت دولت شاهنشاهی نمی‌باشد و حتی هرگاه چنانکه مرقوم فرموده‌اند فقط به اعادهٔ مدیر گمرک هم اکتفا می‌شد، باز هم این مسئله مورد اعتراض دولت شاهنشاهی می‌بود. زیرا دولت ایران هیچ‌وقت هیچ نوع حقی برای دولت انگلستان در باسعیدو نشناخته و نخواهد شناخت.

در خاتمه اشعار می‌دارد که اگر چه توضیحات آن جناب راجع به قضیهٔ مدیر گمرک باسعیدو به هیچ‌وجه قانع‌کننده نیست، لکن چون در آخر مراسلهٔ محترمه فوق‌الذکر تصریح به میل دولت فخیمهٔ انگلستان در حفظ و ازدیاد روابط دوستانهٔ موجوده بین مملکتین فرموده‌اند و دولت شاهنشاهی نیز عین همین تمایل را دارد (و) نمی‌خواهد دولتین در این مورد مشاجره و کشمکش داشته باشند و مترصد است که دولت انگلستان تدابیری اتخاذ نماید که از تکرار نظایر این قبیل پیشامدهای مخالف انتظار در آتیه کاملاً جلوگیری به عمل آید. موقع را برای تجدید احترامات فایقه مغتنم می‌شمارد.
وزیر امور خارجه: کاظمی

اداره اروپای غربی و امریکا
نمره ۴۷۳۲۱
تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳
ضمیمه

وزارت امور خارجه

آقای وزیر مختار

(۳۶۲)

مراسله محترمه مورخه ۷ دی جاری (۲۸ دسامبر ۱۹۳۳) نمره ۶۶۲ راجع بتوضیحاتی که در قضیه مدیر گمرک باسعید و اشعار فرموده بودند زیب وصول بخشیده و باستحضار اولیای دولت شاهنشاهی رسید.

دوستدار وظیفه خود میدانم خاطر محترم را بنقطه که راجع به استاتوکو مرقوم فرموده اند معطوف و مخصوصا تصریح نمایم که نقطه نظر دولت شاهنشاهی در این باب سابقا چه کتبا و چه شفاها توضیح گردیده و تعبیری که در این خصوص میفرمایند مورد موافقت دولت شاهنشاهی نمیباشد وحتی هرگاه چنانکه مرقوم فرموده اند فقط بلعاده مدیر گمرک هم اکتفا میشد باز هم این مسئله مورد اعتراض دولت شاهنشاهی میبود زیرا دولت ایران هیچوقت هیچ نوع حقی برای دولت انگلستان در باسعید و نشناخته و نخواهد شناخت.

در خاتمه اشعار میدارد که اگرچه توضیحات آنجناب راجع بقضیه مدیر گمرک باسعید و بهیچوجه قانع کننده نیست لکن چون در آخر مراسله محترمه فوق الذکر تصریح بمیل دولت فخیمه انگلستان در حفظ و ازدیاد روابط دوستانه موجوده بین مملکتین فرموده اند و دولت شاهنشاهی نیز عین همین تمایل را دارد نمیخواهد دولتین در اینمورد مشاجره و کشمکش داشته باشند و مترصد است که دولت انگلستان تدابیری اتخاذ نماید که از تکرار نظائر این قبیل پیش آمدهای مخالف انتظار در آتیه کاملا جلوگیری بعمل آید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد.

علی سهیلی [؟]

کاظمی - وزیر امور خارجه

فصل ۴

# کیـــش

شماره: ۱۴۶
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳صفر ۱۳۲۶
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

در ماه ژانویهٔ گذشته معاون وکیل انگلیس در لنگه و نمایندهٔ شیخ چارک با قایقی عازم جزیره قیس بوده‌اند که به شکایات بعضی از رعایای انگلیس ساکن جزیرهٔ مزبور رسیدگی نمایند؛ قایق مزبور بیرق انگلیس را افراشته. مع‌هذا شخصی موسوم به شیخ محمد حسن که موقتاً ضابط جزیرهٔ مزبور بود، خودش به قایق تیر انداخته یا باعث تیراندازی به قایق مزبور شده است. اهمیت این بی‌احترامی که نسبت به بیرق یک دولت دوست شده است، احتیاج به اظهار ندارد. به موجب قانون بین ملل و بر حسب اصول احترام و برای حفظ نام نیک خود دولت علیه مجبور است که تنبیه علنی مناسب عاجلی به مقصر که حال از جزیره به داخله فرار کرده است، بنمایند. خواهشمندم دولت علیه عاجلاً به فرمانفرمای فارس دستورالعمل دهند که صولت‌الملک حکمران جزیرهٔ مزبور را مجبور دارند که شیخ محمد حسن را دستگیر و برای تنبیه در بوشهر به حکمران بنادر تسلیم دارد. حکمران بنادر از این واقعه مطلع و باقونسول جنرالگری انگلیس در این باب در کار مذاکره‌اند. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

۱۳۲۲
[illegible] صفر

British Legation.
Tehran.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم [illegible]

درباره روز گذشته [illegible] [illegible] جزیره [illegible] در باب [illegible]

از قراری [illegible] جزیره مزبوره [illegible] بیرق [illegible]

جزیره مزبوره [illegible] بیرق [illegible] است [illegible] ایران

یک دولت [illegible]

دولت علیه مجبور است [illegible] از جزیره [illegible] باشند

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۴۷
فرستنده:
گیرنده:
تاریخ: ۱۵صفر ۱۳۲۶
متن سند:

فدایت شوم. رقیمهٔ شریفهٔ نمره ۲۴۰۱ زیارت شد. اینکه ازسفارت انگلیس اظهارشده است در ماه ژوئن در جزیرهٔ قیس شیخ محمد حسن نام به قایقی که بیرق انگلیس را داشته تیراندازی کرده و در مجازات او اقدامات خواسته بود، عجالتاً چون نقطهٔ مزبور به فارس دوردست است و خود دریابیگی به آن طرفها رفته به اقتضای تکلیف تلگراف لازم صادر و اینک لفاً ارسال خدمت عالی داشتم که پس از ملاحظه مقرر دارید مخابره شود و سوادی را هم که در جواب مراسله سفارت ارسال فرموده اید، ملاحظه نمودم و این مطلب را برای استحضار خاطر عالی عرض می نمایم که رعیت انگلیس در آن حدود معین است، هندی است و سندی حیدرآبادی و اغلب از اهالی آنجا در قایقهای خودشان برای اینکه بیشتر رعایت امنیت بشود پردهٔ بیرق انگلیس را بلند می کنند و این مسئله طبعاً اسباب زحمت فراهم می کند چرا که اهالی آن حدود غیر از کشتی های بزرگ، قایق زیاد دارند و هریک از سکنهٔ سواحل قایقهای یکدیگر را می‌شناسند و با هرکسی که عداوت دارند یقیناً در بعضی موارد استعمال اسلحه می‌شود و آن وقت در حالتی که هر دو طرف رعیت داخله است، بودن بیرق انگلیس تولید یک زحمتی می کند و این کار تا ممکن است باید جلوگیری بشود. طوری که آقابدر نام پسر حاج محمد امین با اغلب عداوت دارد و البته مطلع هستید اهالی لار را سابقاً خسارتی وارد و هشتادهزار روپیه ادعا می کردند و باعث همین آقابدر بوده و نبیل السلطنه هم کمال اطلاع را دارد. پس از آنکه خاطر محترم تا یک اندازه از این ترتیبات اطلاع حاصل نمود، به هر طوری که مقتضیات تکلیف است به سفارت جواب مرقوم فرمایید زیاده عرضی ندارد. در این فقره بعضی مطالب هست که باید حضوراً ملاقات بشود. بعد هر اقدام لازم باشد به تصویب خود حضرتعالی خواهد شد. به همین ملاحظه عجالتاً تلگراف نکردم تا خدمت عالی حضوراً مذاکره شود.

۱۰ شهر صفر ۱۳۲۶

۱۵۸۹

واصل شد — رقیمه شریفه نمره ۲۲۰۱ با یادداشت سفارت انگلیس

انگلیس [illegible] رسید که در ماه ذی[illegible] در جزیره قیس شیخ محمدحسن نام تلغرافچی
برق انگلیس را [illegible] کرده و در عمارت او [illegible]
علاوه چون نقطه مزبور [illegible] است و جزو دریابیگی [illegible]
باقتضای تکلیف [illegible] صادر و [illegible] در سال [illegible] عالی
داشتم که پس از ملاحظه مقرر دارید مجازات شود و برادری دارم که در جواب [illegible]
سفارت در سال گذشته ملاحظه نمودم و این مطلب را در [illegible]
عرض شده [illegible] رعیت انگلیس وارد که تعیین است [illegible] ملت
و جنب در زمانها که در قایق های خودشان برای اسکله [illegible]
شود [illegible] برق انگلیس را [illegible] کنند و [illegible] و دایم [illegible]
چرا که [illegible] غیر از کشتی های بزرگ قایق زیاد دارد و [illegible]
[illegible] قایق های یکدیگر را می شناسند [illegible] که عداوت دارند
در بعضی موارد استعمال [illegible] شود [illegible]
[illegible] برق انگلیس [illegible]
[illegible] که آقا [illegible] حاج محمد [illegible] عداوت
دارد [illegible]
[illegible] آقا [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۴۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دریابیگی—چابهار
تاریخ: ۲۶صفر ۱۳۲۶
متن سند:

از سفارت انگلیس اظهار می‌دارند که در ماه ژانویهٔ گذشته به قایقی که پردهٔ انگلیس را داشته و در جزیرهٔ قیس شیخ محمد حسن که موقتاً ضابط جزیرهٔ مزبور بود، خودش به قایق مزبور تیر انداخته و یا باعث تیراندازی شده است. جناب سامی مأمور هستید که در مراجعت از چابهار تحقیقات کرده و در صورت ثبوت و از روی حقانیت مرتکب را تنبیه و ترضیه خاطر قونسولگری را به عمل بیاورید که رفع شکایت بشود. البته با کمال دقت این کار را انجام کنید.

حسن مشیرالدوله

**وزارت امور خارجه**

| | |
|---|---|
| نمرهٔ کتاب ثبت | ۳۱۸۱ |
| کارتن ۷ | دوسیه ۱۲ |
| نمره های قبل | |
| ضمیمه | |

تاریخ خروج ۲۶ صفر ۱۳۲۶

سواد تلگراف وزارت خارجه به دریابیگی چاه بهار

از سفارت انگلیس اظهاری دارند در دو ماه [illegible] گذشته تلگرافچی [illegible]

و در جزیره قیس شیخ محمد حسن [illegible] ضابط جزیره [illegible] تلگرافچی [illegible]

و [illegible] جناب سالار [illegible] در این [illegible] از چاه بهار

تحقیقات کنید و در صورت ثبوت [illegible] از روی حقانیت [illegible]

ترضیه خاطر قونسول [illegible]

دیگر [illegible] انجام [illegible] مشیرالدوله

شماره: ۱۴۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۲۶صفر ۱۳۲۶
متن سند:

از مضمون مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ (۳) شهر صفرالمظفر ۱۳۲۶ در باب اینکه اظهار نموده بودند در ماه ژانویهٔ گذشته به قایقی که بیرق انگلیس داشته ، شیخ محمد حسن نام تیر انداخته و یا باعث تیراندازی شده بوده است، با حصول تأسف اطلاع حاصل نمود و هرگاه این مسئله به طور عمد واقع شده باشد، بیشتر محل افسوس خواهد بود زیرا که احترامات بیرق دولتی همه وقت منظور نظر خاص اولیای دولت علیه بوده و می‌باشد و برای تحقیق امر مخصوصاً به جناب دریابیگی تلگراف شد که در مراجعت از چابهار به جزیرهٔ قیس رفته مرتکب را معلوم و تنبیه لازم بنماید و زاید نمی‌داند خاطر محترم را متذکر شده توضیح فقرات ذیل را خواستار شود که تاکنون معاونی برای وکالت قونسولگری آن دولت فخیمه در بندر لنگه یا جاهای دیگر به وزارت خارجه معرفی نشده و افراشتن پردهٔ بیرق آن دولت فخیمه را به قایقی که راکب آن نمایندهٔ شیخ چارک تبعهٔ دولت علیه بوده، نمی‌داند به چه ملاحظه بوده این موقع را مغتنم شمرده.

حسن مشیرالدوله

**وزارت امور خارجه**

| | |
|---|---|
| نمرهٔ کتاب ثبت | ۱۷۸۸ |
| کارتن ۳ | دوسیه ۱۳ |
| نمره های قبل | |
| ضمیمه | |

تاریخ خروج ۲۶ صفر ۱۳۲۶

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت انگلیس

از مضمون مراسله آن جناب مورخه (۳) شهر صفر المظفر ۱۳۲۶ در باب اینکه اظهار نموده و خبر
در باره [illegible] گذشته [illegible] برق انگلیس و اینکه شیخ محمدحسن نام [illegible] در باب [illegible]
شده بود با کمال تأسف اطلاع حاصل نموده در صورتی که این مسئله بطور عمد واقع شده باشد
بیشتر محل افسوس خواهد بود زیرا که احترامات برق انگلیس همه وقت منظور نظر اولیای
دولت علیه بوده و میشود و برای تحقیق امر مخصوصاً به آن جناب در باب [illegible] که در [illegible]
از چابهار [illegible] رفته هر یک را معلوم و مشخص [illegible] نماید و در باید [illegible]
را مشخص کرده توضیح [illegible] را خواستار شود تا کنون [illegible] برای وکالت قونسولگری
این دولت [illegible] در بندر لنگه [illegible] به وزارت خارجه معرفی نشده و [illegible]
برق این دولت [illegible] شیخ [illegible] بوده [illegible]
[illegible] این موقع را مغتنم شمرده [illegible]

شماره: ۱۵۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: رئیس الوزرا ــ وزیر داخله
تاریخ: ۲۷صفر ۱۳۲۶
متن سند:

رقیمه مبارکهٔ نمره ۱۵۸۹ در باب تیراندازی که برحسب اظهار سفارت انگلیس در جزیرهٔ قیس به پردهٔ بیرق انگلیس شده است، زیارت شد. شرحی را که در موضوع مرقوم فرموده بودند تمام در جای خود متین است که مزیدی برآن متصور نیست ولی نکته دراین است که بیرق هر دولت در خاک دولت دوست محترم است و باید در همه جا رعایت احترام آن را منظور بدارند و گذشته از این هم راکب قایق را چنانکه اظهار داشته‌اند، معاون وکیل قونسولگری انگلیس مقیم بندر لنگه بوده‌است. در این صورت مسلم است که باید ترمیمی به عمل بیاید که رفع شکایت سفارت بشود و چون حدوث این واقعه و تأخیر در اقدام آن مستلزم شدت شکایت سفارت و موجب مزید زحمت بود، از طرف وزارت خارجه به دریابیگی تلگراف شد که در مراجعت از چابهار به آنجا رفته بعد از تحقیقات دقیقتر و معلوم نمودن، مرتکب را تنبیه و موجبات رضایت قونسولگری انگلیس را فراهم نمایند. لازم است که از طرف باشرف حضرت مستطاب عالی هم به مشارالیه همین‌طور تلگراف شود که اقدامات به عمل آورند.

حسن مشیرالدوله

وزارت امور خارجه

| | |
|---|---|
| نمرهٔ کتاب ثبت | ۱۵۷۲ |
| کارتن ۳ | دوسیه ۱۳ |
| نمره های قبل | |
| ضمیمه | |

تاریخ خروج ۲۷ [illegible] ۱۳۲۶

سواد رقیمه وزارت خارجه به رئیس الوزراء وزیر داخله

رقیمه‌ای که به نمره ۵۸۹ [illegible] اظهار سفارت انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۵۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۳آبان ۱۳۰۰
متن سند:

راپورت از کارگذاری لنگه به کارگذاری بنادر جنوب در باب جزیرهٔ قیس و مالیات آنجا رسیده است که به وزارت خارجه فرستاده‌اند. اینک سواد آن را لفاً برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌شود.

سواد کارگذاری بندرلنگه به تاریخ ۲۳شهریور ۱۳۰۰

مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج‌فارس

جزیرهٔ قیس از جمله جزایر مهمهٔ خلیج‌فارس و محل صید مروارید است. چند نفر اتباع انگلیس از هندو و حیدرآبادی در آنجا اقامت دارند. در این سنوات اخیره یک فروند کشتی دولتی انگلیس موسوم به (کاید) به عنوان اینکه حامل یک چراغ دریایی برای راهنمایی کشتیهای بخاری است، همیشه در آنجا لنگر انداخته. جزیرهٔ مزبوره را قوام‌الملک هرساله به مبلغ جزئی اجاره می‌دهد ولی عایدات سالیانه آن نقطه فقط از مالیات مروارید تخمیناً بیست هزار تومان است و از عایدات مزبوره معلوم نیست که در سال چه مبلغ به دولت می‌رسد.

حسین (مهر) (حسام‌السادات)

| | | |
|---|---|---|
| نوع مسوده [illegible] | وزارت امور خارجه | نمره عمومی ۱۲۲۸ |
| موضوع مسوده | اداره [illegible] | نمره خصوصی ۱۱۶۰ |
| ضمیمه | | کارتن ۵۱ |
| پاکنویس کننده | بتاریخ [illegible] ۱۳۰۰ | دوسیه ۱۴ |

[illegible]

[illegible] جزیره قیس [illegible]

[illegible] خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مورخه ۱۲ شهر محرم ۱۳۴۰

مطابق ۲۳ برج سنبله تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد راپورت کارگذاری بندر لنگه

مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج فارس

نمره مراسله ۱۷۷

جزیره قیس از جمله جزایر متعلقه خلیج فارس و محل صید مروارید است چند نفر اتباع انگلیس از هندو

حیدرآباد در آنجا استحکامات دارند — در این سنوات اخیره یک فروند کشتی چراغ انگلیسی موسوم به

دکاید، بعد از آنکه حالا یک چراغ دریائی برای راهنمائی کشتیهای تجارتی آنجا ... در آنجا

مگر از جهت جزیره مزبوره را قوام الملک از قرار سالیانه مبلغی جزئی اجاره میدهد و استحقاقات

سالیانه آن فقط از مالیات مروارید تخمینا بیست هزار تومان است دارد جاهات

مزبوره معلوم نیست ... در ساحل ... مبلغ ... دولت ... — حسین زاده دوام اقبال ،

محمد سلطان ... صدیق ...

[signature]

# فصل ۵

# هرمز

شماره: ۱۵۲
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

شرف دارم خاطر جناب مستطاب عالی را به مراسلهٔ مورخهٔ بیست‌ویکم رجب گذشته خود مراجعه دهم. در مراسلهٔ مزبور به دولت ایران خاطر نشان نموده بودم، لزوم مراعات عهود با معین‌التجار را که مأخذ قراردادی است با یک تجارتخانهٔ انگلیس برای دادن گل‌سرخ از جزیرهٔ هرمز، حال می‌شنوم که دولت ایران امتیاز معین‌التجار را در معادن هرمز فسخ نموده واز این جهت برای مشارالیه غیرممکن است که قرارداد منعقدهٔ فی‌مابین خود با تجارتخانه انگلیس را مجری بدارد. بنابراین باید از جناب مستطاب عالی خواهش نمایم، اقدامات لازمه برای حفظ مصالح تجارتخانه انگلیس به عمل آورند و نیز شرف دارم به جناب مستطاب عالی اطلاع دهم که هرکس امتیاز معادن هرمز را تحصیل نماید، دولت انگلیس باید در حفظ قرارداد منعقده با تجارتخانه انگلیس تأکید نماید در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

British Legation,
Tehran.

سلخ ربیع الاول
۱۳۲۸

[illegible]

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای ... وزیر امور خارجه دام اقباله

شرف دارم خاطر جناب مستطاب عالی را به مراسله نمره ۲۰ بیست و دوم رجب گذشته خود مراجعه داده و در این خصوص دولت ایران

خاطرنشان نمایم که در لزوم مراعات عهود با جنس انگلیس به راه ماخذ قرار داده شده است که تجارت خانه این جنس مالیات [illegible]

که کل نرخ از جزیره هرمز حال شنیده که دولت ایران اجناس انگلیس را به بوشهر و بنادر جنوب ... به طور ... اداره ... تجارت

که قرار داده منعقده فیمابین خود با تجارت‌خانه انگلیس مداخله دارد با ایران باید که جناب عالی عنوان یا با قرادادهای ... مساعد

تا به تجارت‌خانه انگلیس ضرر وارد نشود زیاده زحمت نداده موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید انگلیس

[illegible]

G. Barclay

شماره: ۱۵۳
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: غره ربیع‌الثانی ۱۳۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

نظر به مراسلهٔ خود مورخهٔ دیروز شرف دارم به جناب مستطاب عالی اطلاع دهم که ازقرار مسموع دولت ایران کار معادن گل سرخ هرمز را تصرف نموده و قراردادی با استریک کمپانی امضا نموده‌اند که مقدار پنج هزار تن گل سرخ از هرمز به کمپانی مزبور بدهند. این معامله بر نقض قرارداد فی‌مابین معین‌التجار و اندرووير کمپانی انگلیس می‌باشد که کمپانی مزبور به موجب آن قرارداد منحصراً باید مقدار معینی گل سرخ از جزیرهٔ هرمز برای مدت معینی تحصیل نماید. مبنای قرارداد مزبور بر فرمان همایونی است که به معین‌التجار امتیاز معادن هرمز داده شده و بنابراین برای تمام خسارتی که به کمپانی اندرووير به واسطهٔ فسخ امتیاز معین‌التجار وارد آید، باید دولت ایران را مسئول بدارم و حال که دولت ایران کار معادن را تصرف کرده‌اند باید حفظ قرارداد اندرووير کمپانی را تأکید نمایم. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نمایم.

۱۳۲۸
یکشنبه [illegible]

British Legation.
Tehran.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم [illegible] احترامات تقدیم [illegible]

نظر به اینکه [illegible] دیروز شرف [illegible] به خدمت جناب مستطاب [illegible] که [illegible] دولت ایران کار معادن خاک سرخ را [illegible] تفویض [illegible]

و [illegible] باشرکت [illegible] که [illegible] خاک سرخ [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] خاک سرخ [illegible] جزیره هرمز [illegible]

[illegible] آقای معین التجار [illegible] بنابراین [illegible]

[illegible] آقای معین التجار [illegible] دولت ایران [illegible] و حال که دولت ایران کار معادن [illegible]

[illegible] در این موقع احترامات فائقه [illegible]

Barclay

۱ م ۲

شماره: ۱۵۴
فرستنده: وزارت فواید عامه
گیرنده: (وزارت امور خارجه)
تاریخ: ۲۰ربیع الثانی ۱۳۲۸
متن سند:

راجع به بنادر و جزایر جنوب در خصوص معادن کلک و گوگرد و نمک و غیره در جنوب ایران که چند کمپانی جهت اجاره و امتیاز گرفتن به توسط وزارت فواید عامه، لوایح پیشنهاد مجلس نموده بودند، در کمیسیون مذاکرات شد. چون حاج معین التجار ادعا می نماید که جزایر مزبوره در اجاره من است، لهذا ایشان را با تمام اسناد مربوط به امتیاز و اجاره به کمیسیون دعوت می‌شود چندین جلسه با حضور وزیر فواید به اسناد ایشان مراجعه و مداقه شد و تفصیل آنها از قرار تفصیل ذیل است:

۱. فرمانی بود مشعر بر واگذاری معادن گل‌سرخ از طرف دولت به حاج ناخدا علی بوشهری، در تاریخ پنجم ذیقعده ۱۳۰۷.

۲. فرمان دولتی که معادن گل‌سرخ را ده ساله از قرار مبلغ دوازده هزار تومان در سال به ملک التجار بندر عباس داده‌اند، در تاریخ قوی ئیل ۱۳۱۲.

۳. ورقهٔ انتقالنامه که ورثهٔ ملک التجار بندر عباس آقا محمد شریف نام در سنهٔ ۱۳۱۴ حقوق امتیازنامهٔ خود را به حاج معین التجار بوشهری واگذار نمود.

۴. فرمان امتیازی که دولت به موجب آن امتیاز معادن گل‌سرخ و غیره را به ارسم و ملکم تکران تجار مسیحی واگذار نموده، در تاریخ رجب ۱۳۱۴. در حاشیهٔ همان فرمان در تاریخ ۱۱محرم ۱۳۱۷ از طرف دولت به مهر مرحوم میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه، بطلان امتیاز تجار مسیحی را تصریح امتیاز حاج معین التجار را تصدیق نموده و سفارت انگلیس نیز امضا نموده که حاج معین التجار خسارت تجار مسیحی را داده و حقوق آنها باطل شده است.

۵. مراسلهٔ مرحوم امین الدوله صدراعظم به سفارت انگلیس در باب تصدیق حکمیت راجع به حقانیت معین التجار و بطلان تجار مسیحی.

۶. فرمان دولتی به تاریخ رمضان ۱۳۱۵ راجع به حقانیت و ابقای امتیاز معادن خلیج فارس برای حاج معین التجار از زمان اجارهٔ سابق و بطلان فرمان دولتی که به تجار مسیحی داده شده بود.

۷. فرمان دولتی به تاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ که امتیاز معادن مزبور را بدون مدت

به حاج معین‌التجار و قراردادهای سابقه را تصدیق می کند.

۸. دستخط شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه طاب‌ثراه خطاب به ولیعهد به تاریخ ایلان‌ئیل ۱۳۲۳ در تأیید و تقویت فرمان سنهٔ ۱۳۲۲ و نیز حاج معین‌التجار در کمیسیون اظهار نمودند که من به موجب فرمان و دستخط اخیر که در دست دارم، محق هستم لیکن هر قرار عمومی که دولت در کار معادن بدهد من هم تابع آن قرارداد خواهم بود؛

ثانیاً کسانی که مایل به قبول اجارهٔ این معادن هستند، خوب است دولت مقرر فرمایند، معادن بنادر خلیج‌فارس به طور کمپانی و شرکت دایر شود و سرمایه تقسیم با سهام شود که این اشخاص یا هرکس که خواسته باشد قبول سهم و شرکتی نماید، آزاد باشد.

ثالثاً نظر به مقدمات چندین ساله و زحماتی که در طول مدت در آبادانی و حفظ این بنادر برده‌ام، البته حق تقدم من در مجلس تصدیق خواهد شد و مع‌هذا حاضرم که به هرطور عدل و انصاف اقتضا و حکم نماید، تابع و مطیع باشم. نظریات کمسیون در خصوص اسناد حاج معین‌التجار در حقانیت و عدم آن از قرار ذیل است:

بعد از فرمان پادشاهی که در سنهٔ ۱۳۱۵ صادر شده و اجارهٔ ده سالهٔ حاج معین‌التجار را که شروعش از سال ۱۳۱۳ بوده است، به موجب فرمان، ملک بندرعباس که ورثهٔ آن شرعاً منتقل نموده است، تأکید می‌نماید اوراقی که بعد از آن فرمان حجت خود می‌داند اعضای کمیسیون در تصدیق آنها رأی ندارند، چنانچه ملاحظه می‌شود قبل از ختم مدت اجاره فرمانی صادرنموده‌اند. در سنهٔ ۱۳۳۲ توضیح که چون مدت اجاره و امتیاز حاج معین‌التجار منقضی شده بود، این فرمان صادر می‌شود که از این تاریخ و مابعد معادن بنادر خلیج‌فارس کماکان در تصرف مشارالیه بوده، همان سالیانه چهارده هزار و چهارصد تومان را به دولت بپردازد و دستخط هم که در سنهٔ ۱۳۲۳ صادر شد، فرمان مزبور و مدلول آن را تأکید نموده و حاج معین‌التجار نظر به کلمهٔ مابعدها که در فرمان است و عبارت تغییرناپذیر که در دستخط است، اجاره و امتیاز خود را ابدی فرض می‌نمایند و کمیسیون نمی‌تواند یک اجارهٔ ابدی را تصویب و آن فرمان و دستخط سنه ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ در باب ابدی بودن را باطل می‌داند و لغت او را توصیه می‌داند و هرگاه خواسته باشد مدت اجاره را مطابق فرمان ۱۳۱۵ که از سال ۱۳۱۳ می‌داند، مدت در سنهٔ ۱۳۲۳ منفصل و تصرفات حاج معین‌التجار از آن به بعد به موجب سند است.

کمیسیون مورخهٔ ۹ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ با حضور جناب وزیر مالیه و جناب وزیر فواید عامه و چند نفر دیگر از نمایندگان تشکیل شد و اوراق و اسناد را کاملاً ملاحظه

شده، رأی اخیر کمیسیون و وزرای محترم این نوع قرار گرفت که چون حاج معین‌التجار سندی ندارند که حقانیت ایشان را مدلل نماید و این معادن جنوب هم از قانون کلیهٔ معادن مستثنی است و تقریباً حکم خالصه معدن فروزج را دارد، چون مکشوف بوده و خرج استخراج از معدن و کیسه نمودن خاک را و حمل به انبار و از انبار به کشتی، کلیهٔ صدی هشت خرج برمی‌دارد، یعنی از یکصد هزارتومان خاک نودودوهزار تومان نفع می‌برده است؛ لهذا اجاره دادن را هم مناسب ندانسته بهتر این است که خود دولت معادن خلیج‌فارس را تصرف نماید و به توسط مأمورین خود در جزایر و بنادر به هرنوع که صلاح می‌دانند اقدام نمایند. حال بسته به نظر مجلس است.

منتصرالسلطان

وزارت فوائد عامه



سواد نمره [illegible] راپرت کمیسیون [illegible] و جزایر جنوب در خصوص معادن نمک و گوگرد و خاک سرخ و غیره از جزایر ایران که چگونه

مورخه ۳۰ [illegible] ۱۳۲۸

نمره

جهت اجاره و امتیاز آن از طرف وزارت فواید عامه برای پیشنهاد [illegible] به کمیسیون مذاکرات شد چون حاج معین التجار ادعا می‌نماید که جزایر مزبوره در اجاره ایشان است لهذا ایشان را با تمام اسناد مربوطه با امتیاز و اجاره به کمیسیون دعوت شد چند جلسه با حضور آقای وزیر به اسناد ایشان مراجعه و مذاکره شد و تفصیل آنها از قرار تفصیل ذیل است

(۱) فرمان [illegible] واگذاری معادن نمک و خاک سرخ از طرف دولت به حاج [illegible] بوشهری در تاریخ پنجم ذی‌حجه ۱۳۰۲

(۲) فرمان دولتی که معادن خاک سرخ را ده ساله از قرار سالی دوازده هزار تومان در سال به ملک التجار بندرعباس داده شده در تاریخ ذی‌الحجه ۱۳۱۲

(۳) ورقه انتقال نامه که ورثه ملک التجار بندرعباس آقا محمد شریف نام در سنه ۱۳۱۴ حقوق امتیاز نامه خود را به حاج معین التجار بوشهری واگذار نموده

(۴) فرمان امتیازی که دولت بر حسب آن امتیاز معادن خاک سرخ جزایر را به [illegible] تجار مسیحی واگذار نموده در تاریخ رجب ۱۳۱۲ در حاشیه همان فرمان در تاریخ ۱۱ محرم ۱۳۱۳ از طرف دولت [illegible] میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه به بطلان امتیاز تجار مسیحی [illegible]

۱۱) امتیاز حاج معین التجار را تصدیق نموده و سفارت انگلیس نیز امضا نموده که حاج معین التجار از جانب تجار روسی را داده و حقوق آنها پایمال شده است

۵) مراسله مرحوم امین الدوله صدراعظم به سفارت انگلیس در باب تصدیق حقانیت امتیاز حاج معین التجار و باطل دانستن امتیاز تجار روسی

۶) فرمان مورخه ماه رمضان ۱۳۱۵ راجع به تجدید اجاره جزایر و سواحل خلیج فارس برای حاج معین التجار از سنوات اجاره سابق و باطل دانستن فرمانی که به تجار روسی داده شده بود

۷) فرمان مورخه تاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ که جزایر و سواحل را به مدت [illegible] به حاج معین التجار و قرارهای سابق را تصدیق میکند

۸) دستخط شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه خطاب به [illegible] به تاریخ ۱۳۲۳ [illegible] و تقویت فرمان ۱۳۲۲ و نیز حاج معین التجار در کمیسیون اظهار نموده که برحسب فرمان و دستخط اخیر که در دست هست حق داشتم [illegible] قرار عمری که در دست دارد در کار سواحل [illegible] تا سه [illegible] خالی بود

ثانیاً کمیسیون در قبول اجاره این سواحل متفق است [illegible] مقرر و [illegible] سواحل با [illegible] خلیج فارس [illegible] کمپانی در شرکت دارند و سرمایه تقسیم به سهام شود که این با خارجی یا هر کسی که خواسته باشد قبول نموده و شرکتی تمام آزاد [illegible]

ثالثاً نظر به مقدمات چند ساله و زحماتی که در طول مدت در آبادانی و حفظ این بنادر به جهت [illegible] حق تقدم [illegible] در جمیع تصدیق خود [illegible] و [illegible] حاضرم که به طور عدل [illegible] اقتضا و حکم نماید تابع [illegible] نظریات کمیسیون در خصوص بنادر حاج معین التجار در حقانیت عدم آن از قرار ذیل است

بنادر و جزایری که در [illegible] سنه ۱۳۱۵ به مدت [illegible] اجاره داده شده به حاج معین التجار که از حیث [illegible] از سال ۱۳۱۲ به بعد است [illegible] بنادر و جزایری که در [illegible] تفتیش نموده است [illegible] و اوراقی که بنادر را به [illegible] خارجی [illegible] کمیسیون در تصدیق آنها رای نداده چنانچه ملاحظه میشود قبل از ختم مدت اجاره فرمانی صادر شده در ۱۳۲۲

صنیع که چون مدت اجاره و امتیاز حاج معین التجار منقضی شده بود و این فرمان صادر شود که از این تاریخ
دو ساله معادن بنادر و ضمیمه فارس که کماکان در تصرف مشارالیه بماند سالیانه چهارده هزار و چهارصد تومان
موقت بپردازد و دو تقاضا هم که در سنه ۱۳۲۳ صادر شد فرمان مزبور را [illegible] ابتدائیه نمره و حاج معین التجار
نظر بکلیه معادن بنادر در فرمان است و عبارت تعبیر نامه که در تقاضا است اجاره و امتیاز خود را برای [illegible]
و کمیسیون نمی‌تواند یک اجاره [illegible] تصرف و آن فرمان و تقاضا سنه ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ در باب این [illegible]
باطل میداند و نسخت او را تصدیق می‌دانند و هرگاه خواسته باشند مدت اجاره را مطابق فرمان ۱۳۱۵ قرار
بدهند مدت مزبوره در سنه ۱۳۲۳ منقضی و تصرفات حاج معین التجار از آن ببعد بموجب سند است

کمیسیون مورخه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸ با حضور جناب وزیر مالیه و جناب وزیر فواید عامه و چند نفر دیگر از
هیئت کابینه تشکیل شده اوراق و اسناد را کاملاً ملاحظه شد رأی اخیر کمیسیون و وزرای محترم این طور قرار
گرفت که چون حاج معین التجار [illegible] که [illegible] آن را [illegible] در این معادن [illegible] از
قانون کلیه معادن مستثنی است و تقریباً حکم خالصه معدن فیروزه را دارد چون [illegible]
استخراج از معدن [illegible] خاک سرخ و جزیره [illegible] زیادی [illegible] خرج زیادی دارد
بیش از [illegible] هزار تومان خاک [illegible] تومان نفع برده است لهذا اجاره [illegible]
بهتر این است که خود دولت معادن ضمیمه فارس را تصرف نماید و توسط مأمورین خود در جزایر و بنادر
هر نوع که مصلحت می‌دانند اقدام نمایند حال بسته بنظر مبارک است مقرر العمل [illegible]

شماره: ۱۵۵
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ذیحجهٔ ۱۳۲۸ــ۱۶دسامبر ۱۹۱۰
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

در باب قراردادی که در این اواخر فی‌مابین دولت علیه و استریک کمپانی برای فروش مقداری گل سرخ از جزیرهٔ هرمز امضا شد. به تاریخ بیست و پنجم ذیقعدهٔ گذشته مراسله به جناب مستطاب عالی نگاشته و اظهار داشتم که دولت دوستدار برای هر خسارتی که به مصالح انگلیس وارد آید، دولت علیه را کماکان مسئول خواهد دانست مگر اینکه دلیل مثبتی به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ارائه دهند که امتیاز معین التجار قبلاً منقضی شده بوده است. حال شرف دارم از جناب مستطاب عالی مسئلت نمایم به دوستدار اطلاع دهند که آیا چنین ثبوتی را می‌توانند ارائه دهند یا خیر. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

[پی نوشت:]

ادارهٔ انگلیس به وزارت فواید عامه و معارف بنویسید و کسب تکلیف نماید و مراقب باشید که خیلی زود جواب نوشته شود همین کاغذ را هم روز یکشنبه ۱۵ذیحجه به مجلس وزرا بیاورید.

۱۳۲۸ ... ۱۹۱۰

British Legation,
Tehran.

در باب [illegible]

در باب قرار داد [illegible] دولت علیه [illegible] فروش [illegible]

تاریخ بیست و پنجم ذیقعده گذشته [illegible] دولت [illegible]

۳ اگر چنین [illegible] دولت علیه را [illegible] مسئول خواهد دانست [illegible]

[illegible] نقض شده است حال شرف دارم از جناب مستطاب [illegible]

که آیا چنین [illegible]

Barclay

شماره: ۱۵۶
فرستنده: مجلس شورای ملی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳۲۸ق
متن سند:

[تلگراف اهالی هرمز به مجلس شورای ملی و نخست وزیر و وزیر داخله]

مجلس مقدس شورای ملی مقام حضرت اشرف رئیس‌الوزرا، مقام وزارت داخله عرض می کنیم. ما بیچارگان رعایای جزیرهٔ هرمز از دست تعدیات کسان گمرک از جان خود سیر شده‌ایم. متصل بهانه‌جویی می‌کند ماها را چوب می‌زنند، اخراج بلد می‌نمایند، فرنگی‌ها و ارامنه از دست‌اندازی به ناموس ما می‌نمایند. آخر کجا انصاف است ما بیچارگان رعایای ایران این طور گرفتار باشیم. از این هوای گرم ما را مجبور می‌کند به کار کردن، نصف اجرت به ما می‌دهند. سابقاً که دست معین‌التجار بود، سالی چهار ماه خودمان کار می‌کردیم یک ماه بعد از عید دست از کار می‌کشیدیم. حال این قسم گرفتار شده‌ایم. اغلبی از ما را اخراج کرده‌اند که پناه برده‌اند به مشایخ عمان و آنقدر به ما سخت گرفته‌اند که جرئت نداریم شرح حال خود را به جایی بگوئیم. هرگاه مطلع شوند فوراً چوب‌زده خانمان را تصرف کرده از هرمز خارجمان می‌کنند. چنانچه جمعی را کرده‌اند، محض‌اله این غلامان را از دست این فرنگی و ارامنه نجات دهید. یک نفر آدم محرمانه خرج دادیم فرستادیم بوشهر این تلگراف را بکند و جواب بگیرد. هرگاه به داد این بیچارگان نرسید، همگی مجبوریم پناه می‌بریم به مشایخ جزیره‌هایی که از خاک ایران خارج شده که اقلاً جان و ناموسمان محفوظ شود. عموم اهالی هرمز ابوالقاسم‌الموسوی، محمد حسین، احمد بحرینی، محمد تقی، باقر، رضاعلی، غلامعلی، محمد امین، رضا، علی‌رضا، احمد، عمانی، محمد، ابراهیم، عباسقلی، مرتضی‌الموسوی، عیسی، محمد علی، حسین، علی، صفر، رستم، عبدالرحیم، خلیل، علی، حسین، ناصر.

مجلس شورای ملی

سواد تلگراف [illegible]

اداره ..........

نمره ..........

مورخه ..........

مجلس مقدس شورای ملی توسط مقام حضرت اشرف رئیس الوزرا بمقام وزارت داخله عرض میکنیم. بیچارگان رعایای [illegible]

نهایت تعدیات که از [illegible] خودسر شده ایم تعدی بهانه جوئی میکنند ۲۰ ماه جواب [illegible] اخراج [illegible]

خیال میکنند [illegible] دارد نه نهایت اخذ ناموس ، خیال میکنند [illegible] انصاف است . بیچارگان رعایای

ایران اینطور گرفتار باشیم [illegible] مجبور میکنند فرار کردن [illegible] بامید نیستیم که دولت

[illegible] چاره [illegible] کار میکردیم کجا . [illegible] دست [illegible] کار میکشیدیم حال این قسم گرفتار

شده ایم اغلبی [illegible] ما را اخراج کرده اند که پناه [illegible] باعث گرفته اند که جرئت نداریم

شرح حال خود را بیان نمائیم هرگاه مطلع شوند فورا جواب [illegible] تصرف کرده اند [illegible]

میکنند چنانچه [illegible] ما از دولت این [illegible] امید

[illegible] فرستادیم به شهر این تلگراف را بکنند جواب بگیرد هرگاه [illegible]

این ستمکاران نرسید [illegible] مجبوریم [illegible] پناه [illegible] ایران خارج شده [illegible]

[illegible] محفوظ شود عموم اهالی [illegible] ابوالقاسم [illegible] محمدحسین [illegible]

محمدتقی [illegible] رضا [illegible] محمد [illegible] رضا [illegible] محمد ابراهیم [illegible]

مرتضی [illegible] جلیل [illegible] حسین [illegible] صفر رستم عبدالرحیم [illegible]

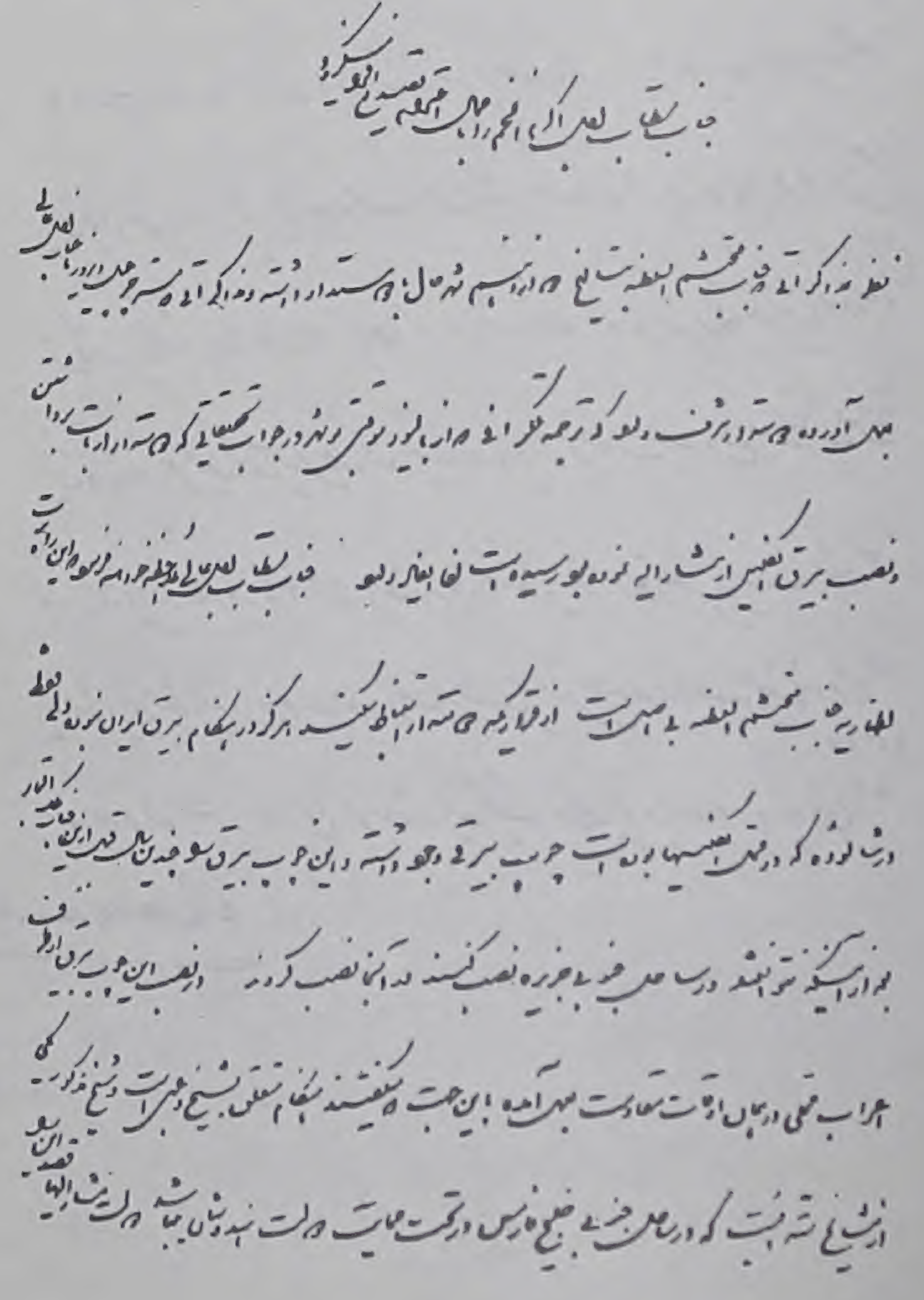
فصل ۶

# هنگام

**شماره:** ۱۵۷
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ربیع‌الثانی ۱۳۲۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد، نظر به مذاکراتی که جناب محتشم‌السلطنه به تاریخ دوازدهم شهر حال با دوستدار داشته و مذاکراتی که متسر چرچیل دیروز با جناب اجل عالی به عمل آورده، دوستدار شرف دارد که ترجمهٔ تلگرافی که از بالیوز موقتی بوشهر در جواب تحقیقاتی که دوستدار از بابت برداشتن و نصب بیرق انگلیس از مشارالیه نموده بود رسیده است، لفاً ایفاد دارد. جناب مستطاب اجل عالی ملاحظه خواهند فرمود که این راپرت اظهاریه جناب محتشم‌السلطنه بی اصل است. از قراری که دوستدار استنباط می‌کند هرگز در هنگام بیرق ایران نبوده ولی فقط در شالوده که در محل انگلیسی‌ها بوده است چوب بیرقی وجود داشته و این چوب بیرق را چندین سال قبل از این جناب ملک‌التجار بعد از اینکه نتوانستند در ساحل جنوبی جزیره نصب کنند، در آنجا نصب کردند. در نصب این چوب بیرق از طرف اعراب محلی در همان اوقات مقاومت به عمل آمده به این جهت که می‌گفتند هنگام متعلق به شیخ دعبی است و شیخ مذکور یکی از مشایخ تبـه‌ای است که در ساحل جنوبی خلیج‌فارس در تحت حمایت دولت هندوستان می‌باشد. دولت مشارالیها قصد این را ندارد که این دعوی شیخ دعبی را تقویت نماید و یا اینکه اقتدار دولت ایران را در هنگام رد کند. هرگاه لازم شود (چنانچه احتمال دارد لزوم به هم رساند) این چوب بیرق را محض اتمام عمارت برده‌اند این مسئله را نباید سیاسی تصور نمود. خصوصاً که بیرقی نیست و فقط چوبی است بی‌بیرق که باید به جهت منظورات بنایی برداشته شود و در صورتی که لازم شود، می‌توان مجدداً آن را در جای دگر نصب نمود. هرگاه بعد از این در هنگام بیرقی نصب شود، بیرق مزبور مثل بیرقهای دیگری خواهد بود که چندین سال است به رضایت دولت ایران در سایر تلگرافخانه‌های ساحل دریا مثل گوادر و جاشک و بوشهر نصب است و ضمناً باید این مسئله را اظهار نماید که این بیرقها برای نشان دادن علایم لازم است و نمی‌توان آنها را برای منظورات سیاسی تصور کرد. امیدوارم که این توضیحات مطبوع طبع جناب مستطاب اجل عالی واقع گردد. چندان لزومی ندارد

اظهار نماید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز حقوق سلطنتی ایران را بر هنگام انکار ننموده و این مسئله از این مشهود می گردد که تصرف ما در آنجا بر حسب امتیازی است که از طرف اعلیحضرت شاه مرحوم نوراله مضجعه به ما داده شده است در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می نماید.



ندارد که این جزیره شیخ جنبی را تقویت نماید و یا اینکه بقدر دولت ایران سعی در نگاهداری کند هرگاه قبلاً نموده

(چنانچه خیال فرموده‌اید بهر بهانه) این چوب بیرق را مخصوص اتمام عمارت زده همیشه در انبار شنیده‌ایم سابق

تصور نمود خصوصاً که بیرق نیست و فقط چوب بی بیرق را باید بحسب منظورات بانی برداشته شود

بعد هر بیرقی که لازم شود بتوان همره آنرا در جای دیگر نصب نمود هرگاه بعد از این در سنجاق بیرق نصب شود

بیرق نزد بعضی بیرقهای دیگری خواهد بود چنانچه ممکن است بر خلاف دولت ایران و سایر طرفهای ساحل

شده گواه در و جای دیگر نصب است ضمناً باید این مسئله را اظهار نمایم در این بیرقها بعضی نشان با العمل علامت است

و نتیجه آن اظهار بعضی منظورات سیاسی تصور کرد امیدوارم در این توضیحات مطلع جناب مستطاب اجل ساعی گردد

چون لزومی نبود اظهار نمایم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز حقوق سلطنتی ایران را به نگاه انکار ننموده

و این مسئله از این مشهود است که در تصرف ما در آنجا بر حسب اجازه‌ای است که از طرف اعلیحضرت شاه مرحوم

۱۳۲۲

مرحمت شده است در این موقع احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم ۱۸ شهر ...

شماره: ۱۵۸
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳۲۳
متن سند:

**سواد راپرت مسیواستاس رئیس گمرک بندر عباس**

در جوابِ تلگراف مورخهٔ ۱۲دسامبر گذشته، خاطر شریف را از نتیجهٔ تفتیش شخصی خودم در خصوص سفر سلطان مسقط به جزیرهٔ هنگام مستحضر می‌دارم. سلطان پس از آنکه در چندین بنادر عرب ساعتی توقف نمود، بالأخره صبح ۳۰نوامبر گذشته با کشتی خودش که موسوم به نورالبحر است، وارد جزیره هنگام گردید. مترجم از کشتی به ساحل به ملاقات رئیس تلگراف انگلیس رفته و بعد به میرزا کریم‌خان مدیر گمرک اظهار داشت که سلطان در کشتی مایل است او را ملاقات نماید. مدیر فوراً رفت در کشتی و سلطان بعضی سؤالات از او نمود. من‌جمله پرسید شما در اینجا چه می‌کنید و این بیرق اینجا چیست؟ این جزیره مال ایران نیست و متعلق به انگلیس است و از او پرسید عایدات این جزیره چقدر است. بعد مسیو لولو رئیس تلگراف وارد شد و میرزا کریم‌خان اجازه گرفته بیرون آمد. بعد از ظهر شخصاً به دفتر تلگرافخانه آمده و در آنجا شیخ هنگام را ملاقات نمود و شیخ هنگام را قبل از وقت رئیس تلگراف اطلاع داده بود که به تلگرافخانه بیاید. شیخ چندین نفر عرب مسلح که تماماً تفنگهای مارتین داشتند، همراه داشت که بلاانفصال از هر طرف شروع به شلیک گذاشته بودند به قسمی که میرزا کریم‌خان خود را در خطر می‌دانسته که مبادا به او آسیبی برسد و دو جای بیرق به واسطهٔ گلولهٔ سوراخ به هم رسانده و مخصوصاً پس از حرکت سلطان اعراب نزدیک چوب بیرق شده و آن وقت اصل واقعه اتفاق افتاد. من فوراً روانهٔ این نقطه شدم که ببینم آیا مقصود آنها و هدف تیر آنها مخصوصاً بیرق بوده است یا خیر. محلی که بیرق در آنجا واقع است ترتیب زمین مخصوصاً مدلل می‌سازد که اگر تیراندازی آنها از برای بیرق نبوده، ممکن بود که هیچ تیر به امتداد بیرق نیاید. بالأخره شیخ به میرزا کریم‌خان گفته بود که او نمی‌تواند مسئول حرکات اخیراً خود بشود. منهم خواستم او را ببینم فوراً حرکت کرده وقت برای ملاقات من نداد.

فقط شرحی بود که از این واقعه عرض نمودم. اظهارات سلطان مسقط کافی است

که بفهماند این مسئله چقدر مهم است و که جزیرهٔ هنگام تا چه اندازه در خطر است. چنانچه مسبوق هستید دفتر گمرکی هنگام در انتهای جزیره نزدیک تلگرافخانه مقابل تنگه (دیریستان) خیلی دور از دهکده اعراب واقع است و ساختمان تازه هم باید در همین مکان بشود و جهت انتخاب این مکان این است که در مقابل تنگه دیریستان واقع شده و بعلاوه ملاحظه بعضی خطرها از محل اعراب هم دور است تا امروز تمام اقدامات ما بی نتیجه مانده ولی گمانم این است موقع برای بردن نتیجه مساعد است. خوب است یک نفر اجزای کاری قابل یا چند نفر تفنگچی برای این دفتر روانه نموده و نیز بخواهید که به حاکم بوشهر حکمی صادر گردد که با کشتی (پرسه پولیس) گوش‌مالی به آنها بدهد و با همین پست یک قطعه گلوله که در پای چوب بیرق بوده است، فرستادم و چون بیرق را با همان حال فردای آن روز میرزا کریم‌خان بلند کرده است، باد در سوراخ جای گلوله پیچیده و بکلی او را پاره کرده است. جز فراش گمرک و معماری که در تلگرافخانه کار می‌کند، شاهد دیگری در این خصوص ندیده‌ام ولی اظهارات هر دوی آنها موافقت باهم دارد.

EMPIRE de PERSE

MINISTÈRE DES DOUANES
ET DES POSTES

ADMINISTRATION
DES POSTES

Ind: №

سواد راپرت مسیو [illegible] رئیس گمرک [illegible]

ANNEXE

در جواب تلگراف نمره (۱۲) و سایر گذشته خاطر شریف را مستحضر می‌دارم در خصوص سفر سلطان مسقط به جزیره [illegible] هنگام [illegible] سلطان [illegible]
سلطان پس از آنکه در جزیره [illegible] با عرب [illegible] نمره (۲۰) [illegible] گذشته [illegible] رسم [illegible] بجزیره [illegible] اگر [illegible]
[illegible] رئیس تلگرافخانه انگلیس رفته و به [illegible] کرد [illegible] رئیس گمرک [illegible] سلطان [illegible] اداره [illegible]
دولتی و سلطان [illegible] از او [illegible] روسیه [illegible] بیرق [illegible] این جزیره [illegible]
[illegible] رئیس تلگراف [illegible] اجازه گرفته [illegible]
تلگرافخانه [illegible] رئیس تلگراف [illegible] تلگرافخانه [illegible]
چندین نفر عرب [illegible] از هر طرف [illegible]
[illegible] بیرق [illegible]
حرکت سلطان [illegible] بیرق [illegible] فوراً [illegible]
[illegible] بیرق [illegible] مستحضر [illegible]
[illegible] بیرق [illegible] ممکن [illegible] بیرق [illegible]

دیروز از مشهد مراسلات چیزی از خط شما [illegible] نهم خواستم اداره [illegible] حرکت که وقت برای [illegible] فرستاد

فقط شرحی بود که از این رقعه عرض نمودم [illegible] سلطان مستدعی است که [illegible] این نسخه [illegible] است در جزئیه [illegible] [illegible] در خطرات [illegible]

و دیگر گرفتن [illegible] در اینجا [illegible] یک [illegible] مقابل گنبد در پیشانی [illegible] [illegible] واقع است و ساختمان [illegible] [illegible]

و چه انتساب این بنای این است که در مقابل گنبد در پیشانی [illegible] [illegible] [illegible] بعضی [illegible] از [illegible] [illegible] تا امروز [illegible]

به [illegible] [illegible] رقعه [illegible] ساعت است خوب است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نقش [illegible] این [illegible] [illegible]

[illegible] صالح کرده که [illegible] [illegible] اگر [illegible] [illegible] یک قطعه [illegible] [illegible] برای [illegible] فرستادم

و چون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که است [illegible] [illegible] که است

خبر فرستادن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شماره: ۱۵۹
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۴صفر ۱۳۲۴
متن سند:

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف آقای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه دامت شوکته. مرقومهٔ مبارک مورخه ۹صفر نمره ۲۵۹ که به افتخار این بنده صادر و از جهت فرستادن سی‌وچهل نفر مسلح به جزیرهٔ هنگام تحقیق فرموده بودید، زیارت گردید. علت غایی فرستادن این تفنگچی‌ها به‌جزیرهٔ‌مزبوره در چهارم آوریل و در راپرت نمرهٔ ۲۵۹۸۸ به حضور مبارک تقدیم شده است که به واسطهٔ ترتیب و قرارداد با کمپانی تلگراف مسترد شده در جزیرهٔ هنگام بنای اداره گمرک بشود ولی همین که شروع به ساختمان آنجا کردند، دویست نفر عرب مسلح با تفنگ ورود می‌کنند و زمین آنجا را متصرف شده و عمله‌جات را از کار کردن ممانعت نمودند و در حقیقت برای اینکه حمایت از عمله‌جات آنجا شده، مجدداً شروع به ساختمان بنمایند. رئیس گمرک بندرعباسی این تفنگچیان را فرستاده با این حال، کمـــاندن کشتی انگلیس (فوکس) مانع از پیاده شدن سربازان گمرک به آن جزیره شده است. در حالی که اظهار داشته است که جزیرهٔ هنگام متعلق است به شیخ مسقط و شیخ مزبور هم در تحت حمایت دولت فخیمهٔ انگلیس است.

قبول این مسئله محل تردید است. جزیرهٔ هنگام محققاً حق دولت ایران است در این صورت حق داریم که در آنجا ادارهٔ گمرک ایجاد نماییم. با این تفصیل برای رفع این غائله، تلگراف کردم که کار بنایی و ساختمان جزیرهٔ هنگام را تا پس از برطرف شدن اشکالات حالیه در عهدهٔ تعویق بگذارد. در این موقع مراتب عبودیت و بندگی خود را حضور مبارک عالی تجدید می‌نماید.

Téhéran, le 18 avril 1906

**EMPIRE DE PERSE**

MINISTÈRE DES DOUANES
ET DES POSTES

No. 21697.

۲۱۴۹۷

A Son Excellence Mochir-ed-Doulèh
Ministre des Affaires Etrangères
à TEHERAN.

Par Sa lettre en date du 19 Safar No. 259, Votre Excellence a bien voulu me demander des renseignements au sujet de l'envoi de 30 à 40 personnes armées à l'île d'Hendjam.

Les événements qui ont motivé l'envoi de ces tofangtchis ont été exposés à Votre Excellence par mon rapport en date du 4 avril courant, No. 20988.

En vertu d'un arrangement conclu avec la Compagnie télégraphe on a commencé à Hendjam, île incontestablement persane la construction d'une douane.

Les travaux étaient a peine commencés que deux cents arabes armés de fusils envahirent notre terrain et défendirent à nos ouvriers de travailler. C'est pour protéger ces gens et pouvoir continuer la construction de notre douane que le Directeur de Bender-Abbas envoya des tofangtchis.

Mais le commandant du "Fox" croiseur anglais, étant intervenu, empêcha le débarquement de nos soldats en disant

در این صورت حق داریم که در آنجا گمرک دایر نمائیم
با وجود این برای رفع هر نوع [illegible] تلگراف کردم که کار [illegible]
جزیره هنگام را تا [illegible]
[illegible]

que l'île d'Hendjam appartenait au Cheik de Mascate, lequel est sous le protectorat anglais.

Cette assertion est évidemment erronée; Hendjam appartient sans conteste à la Perse, et nous avons par conséquent le droit d'y établir une douane.

Néanmoins, pour éviter tout conflit, j'ai télégraphié de suspendre tous travaux à Hendjam jusqu'après règlement des difficultés actuelles.

Je prie Votre Excellence de vouloir bien agréer les assurances de mon respectueux dévouement.

L'ADMINISTRATEUR DES DOUANES
GERANT AD INT. DU MINISTERE DES DOUANES
DES POSTES ET DE LA TRESORERIE GENERALE

[signature]

شماره: ۱۶۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ربیع الثانی ۱۳۲۴
متن سند:

**فوری است**

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد

الآن تلگرافی از قونسول جنرال انگلیس مقیم بوشهر رسیده که جناب دریابیگی در شرف هستند که با جهاز پرس پلیس به هنگام بروند. یقین است که این فقره بر حسب دستورالعملی است که از طرف دولت ایران به ایشان داده شده است. مقصود از این عزیمت این است که در صورت امکان اعراب آنجا را متقاعد و در صورتی که ممکن نشود آنها را مجبور نمایند که بگذارند گمرکخانه در آنجا احداث گردد. جناب مستطاب اجل عالی وعده فرمودند که عجالتاً در این کار اصراری نخواهد شد و امیدوارم که به جناب حکمران بوشهر دستورالعمل داده شود که از هر قسم اقدامات حربیه صرف نظر نمایند تا اینکه قراری در این باب داده شود در این موقع احترامات فایقهٔ قلبیهٔ خود را تجدید می نماید.

British Legation
Tehran

۱۳۲۲
هشتم ربیع الثانی

فوری است

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دام اجلاله العالی [illegible]

امروز تلگرافی از قونسول جنرال انگلیس مقیم مشهد رسیده که جناب وزیر مختار از [illegible]

رئیس مجلس [illegible] بوده معین است [illegible] به حسب دستورالعمل است از طرف دولت ایران [illegible]

واضح شده است مقصود از این زحمت این است که در صورت امکان جواب آن را به تعجیل [illegible]

ممکن شود [illegible] که جناب مستطاب اجل عالی [illegible]

[illegible] حکمران [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۶۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله
تاریخ: ۱۹مرداد ۱۳۰۲
متن سند:

در موقعی که آقای مبین‌الممالک متصدی حکومت بنادر جنوب بوده‌اند، راپورتی به تاریخ بیست‌ودویم دلو ۱۳۰۱ راجع به اوضاع جزیرهٔ هنگام به وزارت امور خارجه داده‌اند و اینک سواد آن را لفاً ارسال می‌دارد که در خصوص اداره کردن جزیرهٔ مزبور تعلیمات لازمه به حکومت بنادر صادر فرمایند.

**راپورت کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس بتاریخ ۲۲دلو ۱۳۰۱**

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

جزیرهٔ هنگام مطابق صورت مجلسین که بنا به تحقیقات از دو محل هنگام که یکی را (هنگام) و دیگری را (هنگام عرب) می‌نامند، به عمل آمده. از نظر مبارک خواهد گذشت و با تحقیقات و اظهاراتی که شده و در دو سیه ضبط و در صورتمجلس درج است، محتاج نیست از وضعیت و خصوصیات محل جداگانه توضیحاتی را عرض نماید. (شیخ احمد بن عبید) تقریباً شصت سال دارد و سنی و طریقهٔ وهابی را پیروی می کند و تصور نمی‌رود با توجهات دولت و اقداماتی که باید بشود بتواند مقاومت کند. فقط امر صریح دولت با تصمیم قطعی و اعزام مأمور مهمی و یا شخص حاکم بنادر که مطیع اوامر مرکز و علاقه‌مند به مملکت خود باشد و با هیچ گونه تهدید و تطمیع محلی از اطاعت امر خارج نشده و اشکالاتی را فراهم نیاورد، با جهاز دولتی و یکصد نفر نظامی و توپ که یکصد نفر هم از چریک محلی همراه باشد، بکلی رفع غائله نموده شیخ فراری یا دستگیر ضابط دیگری از طرف حکومت بنادر خلیج انتخاب. مالکیت دولت محفوظ و در سال که مانعها به واسطهٔ قاچاق مال التجاره و عدم پرداخت تعرفهٔ گمرکی ضرر دولت است، بر عایدات دولت افزوده خواهد شد. در هنگام عرب باستثنای دو نفر هندو که مشغول کسب و شاید مال التجاره قاچاقی هم به دست آنها فروش می‌رسد، انگلیسی نیست ولی در هنگام که مأمور گمرک هست انگلیسها تلگرافخانهٔ بی‌سیم و با سیم دارند و مرکز زغال‌سنگ هم که از لندن حمل و جهت جهازات انگلیسی در خلیج به مصرف می‌رسد،

هنگام است و ادارهٔ دیگر هم دارند که مشهور به ادارهٔ نفط و متعلق است به جزیرهٔ قشم و برای اشیا، جهت معدن و آذوقه، جهت اشخاص جهازات به هنگام وارد می‌نمایند و از هنگام به (کارگه) حمل می‌شود و از قرار مذکور، ادارهٔ گمرک مکرر خواسته است در هنگام برای گمرک آنجا محلی بسازد انگلیسها مانع شده و به معاذیری این اقدام را جلوگیری کرده‌اند. اینک که بنده به حکومت بنادر منصوب شده‌ام هیچ مذاکره و اقدامی در این مسائل نخواهم نمود یا اینکه صورت مجلسها و راپورتها به عرض اولیای معظم دولت رسیده، هر طور امر و مقرر فرمایند با کمال افتخار برای انجام اوامر مطاعه حاضر و امیدوارم موفقیت حاصل نمایم.

[پی‌نوشت:]

سواد به وزارت داخلـــه فرستـــاده و نوشته شود که به حکومت بنـــادر تعلیمات لازمه در اداره کردن آنجا بدهند.

نوع مسوده: مخابرات واقعه
موضوع مسوده:
ضمیمه:
پاک نویس کننده:

وزارت امور خارجه

اداره: ...

بتاریخ ۱۹ حمل ۱۳۰۲

نمره عمومی: ۶۳۷۹
نمره خصوصی:
کارتن: ۸۵۱
دوسیه: ۸۲۱

۹/۴/۰۲

در بروشوری که ... بین الملک متصدی حکومت بنادر جنوب به ضمیمه راپورت بتاریخ
بیست و دوم دلو ۱۳۰۱ راجع باوضاع جزیره انگام بوزارت امور خارجه
دیده شده اینک برای آنجا قشون ارسال میدارند و در صورتیکه ادارات گمرک ۵ جزیره
زیر نظر تشکیلات حوزه حکومت بنادر میباشند

انتظام الملک

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

مقام منیع وزارت جلیله خارجه

دایره

تاریخ ۲۲ دلو ۱۳۰۱ [illegible]

نمره ۱۱۶۹ [illegible]

[illegible]

۵۱/۲۱

[illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه کابینه — ورود
تاریخ ۲۰ شهر ... ۱۳۰
نمره ۱۲۰۸۱

[illegible]

شماره: ۱۶۲
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷آذر ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

عطف به معروضات سابقه و راپورت کنونی کارگذار عباسی نمرهٔ ۶۳۳ که سوادش در ضمن معروضه نمره ۱۴۲۰ تقدیم شده است. جزیرهٔ هنگام نظر به موقعیت استراتژی که دارد، اهمیتی را جایز و امروز تکیه‌گاه بحری دولت انگلیس است و اینکه برخلاف معمول (فاس میل) کشتی سریع‌السیر پستی که در موقع معین به بندرعباس و بوشهر و بصره می‌آمد و بدون توقف پست را تحویل می‌دهد و می‌گیرد و بلادرنگ به نقطهٔ مقصود عزیمت می‌نماید، به هنگام رفته، دلیل بر این است که انگلیسها بر اهمیت آنجا افزوده و پست مقرر نیز دایر کرده و یا می‌خواهد تأسیس نمایند. جزیرهٔ هنگام سوای معدن نمک که گویا وزارت فواید عامه به میرزا حسینعلی کلش اجاره داده است، دیگر اهمیت اقتصادی ندارد. ولیکن اهمیت سیاسی و نظامی او بسیار و قابل توجه است چنانکه خاطر اولیای وزارت جلیله مسبوق است، انگلیسها از دولت علیه فقط اجازه ساختن یک تلگرافخانه در آنجا دارند. در اوان جنگ بین‌الملل که دورهٔ فترت برای ایران پیش آمد، انگلیسها برای عملیات نظامی در بین‌النهرین که کشتی‌های جنگی علی‌التوالی به آن حدود می‌فرستادند جزیرهٔ هنگام را تکیه‌گاه بحری قرار داده، انبار ذغال و چندین آب‌انبار در آنجا بنا نموده و عدهٔ سپاهی در آنجا گماشته‌اند. از ادارهٔ گمرک عباسی فقط شعبهٔ کوچکی در آنجا است که نسبت به مؤسسات انگلیس حکم صفر را دارد و اگر توجهی مبذول نشود از دست می‌رود. راست است که هنگام منافع مادی برای دولت چندان ندارد ولی موقعیت نظامی و بحری آنجا به قدری در خلیج مهم است که از توصیف خارج است. علی‌هذا تذکراً عرضه می‌دارد که اگر مقتضی بدانند برای سنهٔ آتیه در بودجهٔ مقرری جهت یک نفر نایب‌الحکومه با لوازماتش منظور و امر شود. حاکم بنادر با اطلاع کارگذار یک نفر تربیت شده با سواد و با اطلاع انتخاب و به آنجا مأمور بفرستند و اینکه عرض می‌کنم با اطلاع کارگذاری محض این است آدم بی‌سواد بیکاره و بی‌اطلاع چنانکه معمول به این صفحات است، مأمورننمایند که

عدمش به از وجود باشد، دیگر مصارف ابتدایی هم برای ساختن یک آب‌انبار و منزل مسکونی لازم خواهد بود، منوط به ارادهٔ قدسیه اولیای دولت است.

معاضه‌السلطان

[پی نوشت:]

به اطلاع هیئت وزرا رسید، قرار شد به وزارت داخله نوشته شود. فرمودند به وزارت داخله نوشته شود.

[illegible]

**کارگذاری اول بنادر خلیج فارس**

دایره [illegible]

تاریخ [illegible] ١٣٠٢

نمره ١٤٢٢

١٤٢٠

[illegible]

شماره: ۱۶۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: کارگذاری بنادر خلیج فارس
تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۰۲
متن سند:

راپورت مورخهٔ ۱۷قوس نمرهٔ ۱۴۲۳ راجع به وضعیات جزیرهٔ هنگام و لزوم اعزام یک نفر نایب‌الحکومه به آنجا واصل گردید. مدلول آن به وزارت داخله اشعار گردید که اقدام مقتضی بنمایند.

نمونه (۸)

نمرهٔ عمومی ۲۲۴۳۷

نمرهٔ خصوصی

کارتن ۹ ۵۹

دوسیه ۱ ۲

وزارت امور خارجه

اداره

دایره ........ شعبه

نوع مسوده

موضوع مسوده

ضمیمه

مسئول پاکنویس

تاریخ پاکنویس ــ برج ــ تاریخ ثبت ۱۸ برج ــ تاریخ تحریر ــ برج ــ تاریخ خروج ۱۸ برج ــ ئیل ۱۳۰۰

راپورت مورخه ۲۱ قوس نمره ۱۲۲۳ راجع به وضعیات جزیره هنگام و لزوم اعزام

یک کشتی جنگی به آنجا [illegible] به وزارت جلیله [illegible] در آتیه

مستحضر باشید

[illegible]

شماره: ۱۶۴
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مرقومهٔ مبارکهٔ نمرهٔ ۲۲۳۳۷، حاکی از وصول معروضهٔ نمرهٔ ۱۴۲۳ این کارگذاری دایر به وضعیات جزیرهٔ هنگام و لزوم اعزام یک نفر نایب‌الحکومه به آنجا زیارت گردید. از قرار معلوم وزارت جلیله خارجه به عرایض این کارگذاری ترتیب اثر داده و مقرر فرموده‌اند که در سال آتیه نایب‌الحکومه به جزیرهٔ هنگام اعزام شود.

معاضه‌السلطان

x

**کارگذاری اول بنادر خلیج فارس**

دایره —
بتاریخ ۱۶ [illegible] ۱۳۰۲
نمره ۱۷۸۵

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه [illegible]

[illegible] ۲۲۳۳۷ [illegible] ۱۳۲۲ [illegible]

جزیره [illegible] زیارت گردید [illegible]

[illegible] کارگذاری ترتیب اثر داده [illegible]

[illegible]

اداره [illegible] ۲۴۳۶۰

شماره: ۱۶۵
فرستنده: وزارت جنگ ــ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۴ تیر ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در موقع ورود قوای ساخلو هنگام به محل مزبور کاپتن جهاز انگلیسی موسوم به انترپریز، شرحی کتباً به صاحب‌منصب قوای اعزامی دولت علیه نوشته که ترجمهٔ آن را لفاً برای استحضار خاطر محترم ارسال می‌دارد. به طوری که ملاحظه خواهند فرمود، صدور چنین مراسله از طرف صاحب‌منصب بحری انگلیس غیر مقتضی بوده. علی‌هذا متمنی است، مقرر فرمایند مقامات مربوطه را به این نکته متوجه دارند، که از صاحب‌منصب خود مؤاخذه نموده و قویاً از تکرار نظایر آن خودداری نمایند. بدیهی است نتیجه اقدامات مبذوله را به وزارت جنگ اعلام خواهند فرمود.

**سواد ترجمه**

به من دستور داده شده است که با صاحب منصب فرماندهٔ قوای ایرانی تماس حاصل کنم. احکام صادره به من این است که وظیفهٔ من فقط حفظ جان و مال اتباع انگلیس است. به هیچ‌وجه نمی‌توانم اجازه بدهم که مشارالیه (فرماندهٔ ایرانی) داخل اراضی امتیازی انگلیس بشود و یا اینکه در قضایای مربوطه به بحریه یا تلگرافخانه یا املاک رعایای انگلیس دخالتی بشود. به هیچ کار دیگر علاقه نداشته و میل هم ندارم که دخالت نمایم. ۱۰مه ۱۹۲۸.

کاپتن...
فرماندهٔ قوای انگلیس در هنگام

وزارت جنگ

ارکانحرب کل قشون

رکن ... دوم ... مدیریت؟ [illegible]
شعبه ...

نمره ۱۹۳۲ / ۱۹۴۵ د

مورخه ... بهمن؟ ... ماه ۱۳۰۷
شعبه ...

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم نمره است با نمره ذکر شود

وزارت جلیله خارجه

در موقع ورود قوای ساخلو هنگام تبدیل کاپیتن [illegible] انگلیسی [illegible] به [illegible]
[illegible] قوای [illegible] نوشته که ترجمه از آن برای استحضار
خاطر محترم ارسال میدارد [illegible] خواهشمند است [illegible]
صاحبمنصب [illegible] انگلیس [illegible] بوده [illegible]
این نکته [illegible] صاحبمنصب خود [illegible] نموده [illegible]
آن خودداری نمایند [illegible] نتیجه اقدامات [illegible] را بوزارت جنگ
اعلام خواهند فرمود [illegible]

[illegible]

ارکان حرب کل قشون
سواد ترجمه
مورخه ........ ماه ........ ۱۳
نمره ........
ضمیمه مکتوب نمره ........

# وزارت جنگ

بمن دستور داده شده است به صاحب‌منصب فرمانده قوای ایرانی اطمینان بدهم که از احکام صادره بمن این است

در وظیفه من فقط حفظ جان و مال اتباع انگلیس است بهیچوجه بمن قرار اجازه بدهم پیش رانیه (فرمانده ایرانی)

دامن از امنیت اتباع انگلیسی بود و یا آنچه در قضایای مربوط به بحریه یا تلگرافخانه یا آنکه رعایای انگلیسی

دخالتی نبود. با هیچ کار دیگر علاقه نداشته و میل ندارم در دخالت نمایم ۱۰ مه ۱۹۲۸

کاپیتان ........

فرمانده قوای انگلیسی در هنجام

شماره: ۱۶۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۳۱ تیر ۱۳۰۷
متن سند:

مسترپار شارژدافر دولت فخیمه انگلیس
آقای شارژدافر

از وزارت جنگ ترجمهٔ شرحی را که کاپیتن کشتی انگلیسی به رئیس ساخلو هنگام در موقع اعزام قوای دولتی به محل مزبور نوشته است، ارسال داشته‌اند که فوق‌العاده باعث تحیر است. اینک دوستدار سواد شرح مزبور را لفاً برای اطلاع آن سفارت ارسال می‌دارد ضمناً لازم می‌داند خاطر محترم را به مندرجات شرح مزبور که تماماً مورد اعتراض دولت ایران است، حتی عنوانی که کاپیتن مزبور برای خود قایل شده و یقین دارم از بی‌اطلاعی کاپیتن مزبور به روابط و مناسبات بین‌المللی می‌باشد، متوجه سازم.

اولاً اینکه کاپیتن مزبور نوشته است حفاظت جان و مال اتباع انگلیس مربوط به او است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند فرماندهٔ ایرانی را اجازه دهد که داخل اراضی امتیازی انگلیس بشود، امری است که برخلاف استقلال و حق حاکمیت ایران در جزیرهٔ مزبور می‌باشد. و هیچ جای شبهه نیست که حفاظت جان و مال اتباع خارجه در تمام خاک ایران به عهدهٔ مأمورین مملکتی بوده و فقط مشارالیهم می‌توانند برطبق قوانین از آنها حمایت نمایند.

ثانیاً به طوری که در مراسلهٔ سابق نمرهٔ ۱۸۰۳ نوشته است، دولت ایران امتیازی در آن حدود واگذار ننموده که کاپیتن مزبور به آن اشاره می‌نماید. بعلاوه حفاظت هر امتیازی هم که دولت به دیگران بدهد، به عهدهٔ خود او است و مأمورین خارجی حق هیچ عنوانی در این خصوص ندارند. ضمناً کاپیتن می‌نویسد که اجازه نخواهد داد فرماندهٔ ایرانی در بحریه وتلگرافخانه و املاک رعایای انگلیس دخالت کند، بر وزارت امور خارجه معلوم نیست، مقصود کاپیتن مزبور از این عنوان چیست، مؤسسات و املاک رعایای خارجه در خاک ایران که در حدود قوانین تحصیل شده باشد مطیع مقررات مملکتی بوده و دولت ایران به هیچ‌وجه اجازه نخواهد داد که برخلاف حق حاکمیت

ایران مأمورین خارجه در این خصوص دخالت نمایند.

در خاتمه، دوستدار به نام دولت متبوعهٔ خود به این رفتار صاحب‌منصب مزبور که به خود اجازه داده است برخلاف اصول حقوق بین‌المللی و حق استقلال و حاکمیت دولت ایران چنین مراسله‌ای به رئیس قوای ایرانی در هنگام بنویسد، قویاً اعتراض نموده و از اولیای آن سفارت محترم تقاضا دارم صاحب‌منصب مزبور را به وظایف خود متوجه و این رفتار را مورد مؤاخذه قرار داده و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

۴۲
۲

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

دائره:

۴ نمونه (۸)

بتاریخ [illegible] ماه [illegible] سنه ۱۳۰

نمره ۱۰۵۰۷ ضمیمه

[illegible]

نسخه از سفارت جنگ ترجمه شرحی را که کاپیتن [illegible] انگلیسی رئیس [illegible] در [illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

شرح [illegible] که [illegible] کاپیتن [illegible]

[illegible]

[illegible] کاپیتن [illegible] انگلیس مربوط [illegible] فرمانفرما [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (۱۸۰۲) [illegible] کاپیتن [illegible]

[illegible]

[illegible] فرمانفرما [illegible] انگلیس [illegible] کاپیتن [illegible]

[illegible] دولت فخیمه انگلیس

[illegible]

ل - ۲۸۳

[illegible]

هیچوقت [illegible]

[illegible]

استعمال [illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۰/۲/۷

شماره: ۱۶۷
فرستنده: وزارت جنگ ـ ارکان حر ب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۵ مهر ۱۳۰۷
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ (۱۳۴۲۵) ادارهٔ اول سیاسی متضمن سواد رقعهٔ خصوصی شارژدافر انگلیس در موضوع محل اقامت نظامیان ایرانی در هنگام زحمت‌افزا می‌شود: اولاً در موضوع محلی که بنابر مفاد رقعهٔ مزبور (سالهاست برای ادارهٔ تلگراف هند و اروپایی اختصاص داده شده) چون کیفیت تخصیص محل مزبور برای ادارهٔ تلگراف هند و اروپ بر این وزارتخانه مجهول است، لهذا از اظهار نظریه در این قسمت خودداری نموده و چنانکه ضرورت داشته باشد که در جواب این قسمت از مراسلهٔ خصوصی شارژدافر توضیحاتی داده شود، موکول به مطالعات مخصوصی است که البته از طرف آن وزارت جلیله بایستی به عمل آید. ثانیاً اینکه شارژدافر در مراسلهٔ خصوصی خود می‌نویسد وجود نظامیان در آن قسمت از جزیرهٔ اسباب زحمت تلگرافچی‌ها است و انتظامات و عملیات محلی معمولی را مشکل می‌سازد، محتاج به توضیحات کاملتری است زیرا که در هنگام فقط ده نفر نظامی توقف دارند. طبل و شیپور هم ندارند که اسباب زحمت تلگرافچی‌ها فراهم شود و بالأخره چگونه ممکن است وجود ده نفر نظامی ایرانی در آنجا محلی را دچار اشکال نماید. ثالثاً اینکه اظهار شده است دولت انگلیس حق دولت ایران را به اعزام نظامی به محل مزبور (در موقع لزوم) انکار نمی‌کند، قابل مطالعه و تامل است. زیرا که جزیرهٔ هنگام جز لایتجزای ایران و بنابراین حق اعزام قوای نظامی اولیای دولت در آن حدود اعم از موقع لزوم یا غیر موقع لزوم غیر قابل انکار است. در هر حال تشخیص (موقع لزوم) فقط مربوط به اولیای دولت علیه می‌باشد. رابعاً راجع به اینکه آیا ممکن است نظامیان از محل فعلی به قسمت دیگر از جزیره انتقال داده شوند. متمنی است مقرر فرمایید اعلام دارند که از نقطه نظر سوابق موجوده در آن وزارت جلیله و از نقطه نظر حقوقی و بین‌المللی چه تفاوت و امتیازی بین این قسمت از جزیره و سایر قطعات جزیره هنگام موجود است. زیرا مادامی که خصوصیاتی برای این

قسمت معین از جزیره اثبات نشود، به عقیدهٔ این وزارتخانه تفاوتی بین قسمت مزبور و سایر قطعات مملکت شاهنشاهی نمی‌توان قایل شد. خامساً راپرتهای واصله به ارکان حرب کل قشون حاکی است که محل اقامت نظامیان نسبت به ابنیه و عمارات ادارهٔ تلگراف هند و اروپ مسافت زیادی دارد و حقیقتاً این وزارتخانه نمی‌تواند استنباط نماید که وجود نظامیان در محل فعلی چه اذیتی ممکن است برای مأمورین تلگرافخانه داشته باشد.

با مراتب فوق چنانچه بر طبق سوابق موجود در آن وزارت جلیله و از نقطه نظر حقوقی و سیاسی لازم باشد که مابین قسمتهای مختلفه جزیرهٔ هنگام تفاوتی گذاشته شود و نظامیان ساخلوی جزیرهٔ مزبور از محل فعلی به قسمت دیگری از جزیره انتقال داده شوند، متمنی است مقرر فرمایید نظریات هیئت معظم دولت را در این موضوع اعلام دارند تا تصمیمات لازمه اتخاذ شود.

از طرف وزیر جنگ ــ کفیل ارکان حرب کل قشون

امضا: سرتیپ نخجوان

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون
رکن اول
شعبه

نمره ۴۳۶۴ / ۳۳۴۳۱/د

در جواب مراسله حروف واعداد ممیزه که مقدم نمره است با نمره ذکر شود

مورخه ۲۵ ... ماه ۱۳۰۷
ضمیمه

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً بمرقومه نمره (۱۳۴۲۵) اداره اول پولیتیکی متضمن سواد رقعه خصوصی شارژدافر انگلیس در موضوع عدم اقامت نظامیان ایرانی در هنگام
جهت اطلاع زحمت افزا میشود اولاً در موضوع تنب و بنا بر مفاد رقعه مزبور (ساختمانهائی برای اداره تلگراف هند و اروپ اختصاص داده) چون گویا
تخصیص تنب مزبور برای اداره تلگراف هند و اروپ بر هنوز از کجا مجهول است لهذا از اظهار نظریه در این قسمت خودداری نموده چنانچه
ضرورت داشته باشد در جواب این قسمت از مراسله خصوصی شارژدافر توضیحاتی داده شود موکول باطلاعات مخصوصی است که آن وزارت
جلیله باستی بدست آورد ثانیاً اینکه شارژدافر در مراسله خصوصی خود مینویسد وجود نظامیان در این قسمت از جزیره باعث جهت تکلیفهائی است
اختلافات و تعقیبات تنب معمولی انگلیس جیاز و محتاج بتوضیحات کاملتری است زیرا در هنگام فقط ده نفر نظامی توقف دارند طبیعی
و ... مذاکره در باب جهت ... فراهم شود و بالاخره چگونه ممکن است وجود ده نفر نظامی ایرانی در بنادر (اختلافات) تنب را دچار
اشکال نماید ثالثاً اینکه اظهار نموده است دولت انگلیس حق دولت ایران را باعزام نظامی بجزیره مزبور (در موقع لزوم) انکار نمیکند قابل ملاحظه
و دقت است زیرا اگر جزیره مزبور جزء لاینفک خاک ایران و بنا بر این حق اعزام قوای نظامی از طرف اولیای دولت در هر وقت و هم از موقع
لزوم یا غیر موقع لزوم غیر قابل انکار است و در هر حال تشخیص (موقع لزوم) فقط مربوط باولیای دولت علیه میباشد در اینجا راجع باینکه آیا ممکن است
نظامیان از یک نقطه بنقطه دیگر از جزیره انتقال داده شوند تصمیم متخذ و اقدام لازم هم از نقطه نظر سوابق موجوده در آن وزارت جلیله و از نقطه
نظر خصوصی بین المللی چه تفاوت و امتیازی بین این قسمت از جزیره و سایر قطعات جزیره مزبور موجود است زیرا با وجودیکه مخصوصاً برای اینکه قسمت
معینی از جزیره ثابت نشود ... هنوز از کجا قطعاً و قسمتی قسمت مزبور و سایر قطعات انگلیس ... نمیتوان اطمینان داشت ... از زمینهای واقعه
با رسالهای ... که ... نظامیان ... دولتی ... اداره تلگراف هند و اروپ مساحت ... حقیقت هنوز از کجا معین نیست
اتخاذ نماید وجود نظامیان در ... از حیث ... برای ... داشته باشد —
بنا بر مراتب فوق چنانچه برطبق سوابق موجوده در آن وزارت جلیله و از نقطه نظر حقوقی و سیاسی لازم باشد که با این قسمتهای مختلفه جزیره هنگام تفاوت نگذاشته نشود
و نظامیان مامور جزیره مزبور از یک نقطه بنقطه دیگری از جزیره انتقال داده شوند تصمیم آن متخذ و نتیجه مطلع و مراتب را اداره این
موضوع اعلام دارند تا تعلیمات لازمه ابلاغ شود — از طرف وزیر جنگ — کفیل ارکان حرب کل قشون ...

[امضاء]

اداره سیاسی
۴۳۰

شماره: ۱۶۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۶دی ۱۳۰۸
متن سند:

جناب سر ربرت‌هانری کلایو وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمهٔ انگلیس
آقای وزیر مختار

از قرار اطلاعات واصله انبار زغال‌سنگ در جزیرهٔ هنگام چند نفر مسلح به عنوان مستحفظ نگاه داشته است. البته آن جناب تصدیق دارند که نگاه داشتن مستحفظ مسلح از طرف انبار زغال‌سنگ خارج از رویه است. لهذا از جنابعالی محترماً متمنی است در این خصوص تحقیق نموده و دوستدار را مطلع فرمایند که اگر انبار زغال‌سنگ جزیرهٔ هنگام محتاج به مستحفظ است از طرف دولت عدّهٔ مستحفظ که لازم است تعین شود. در این موقع احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نماید.

۴ نمونه (۸)

بتاریخ ۱۶/۱۰ بماه [illegible] ۱۳۰۸

نمره ۱۲۲۹۵ ضمیمه —

وزارت امور خارجه

اداره کل [illegible]

اداره [illegible]

آقای وزیر مختار

در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در جزیره هنگام [illegible] چند نفر [illegible] مسلح [illegible] [illegible]

که [illegible] تحت [illegible] مسلح از طرف [illegible] خارج نشده است تنها از [illegible]

در اینخصوص تحقیق نموده و [illegible] که دیگر [illegible] به تصرفات از طرف [illegible]

که مقدم است تعیین شود. در ذیل [illegible] احترامات فائقه خود را تجدید مینماید

[illegible]

۱۵ [illegible]

۱۵/۱۰

جناب سر [illegible] وزیر مختار دولت پادشاهی انگلیس

شماره: ۱۶۹
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

**به کلی محرمانه ـ مستقیم**

وزارت جلیله امور خارجه

نظر به اینکه عنقریب کشتی‌های بحریهٔ شاهنشاهی از ایطالیا وارد خلیج فارس خواهد شد و جزیرهٔ هنگام برای توقف کشتی‌های ایران ضرورت دارد، علی‌هذا متمنی است مقرر فرمایند از طرف آن وزارت جلیله شرح لازم به سفارت انگلیس صادر و تقاضا شود که جهازات جنگی انگلیس از اقامت در هنگام صرف نظر نمایند.

از طرف وزیر جنگ: کفیل ارکان حرب کل قشون

مورخه ۳ / ۱۱ ماه ۱۳۱۱
ضمیمه

# وزارت جنگ

بکلی محرمانه — مستقیم

ارکان حرب کل قشون

دایره ...
شعبه ...
نمره ۷۴۵۴

در جواب مراسله حروف و اعداد
مبرزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

نظر باینکه عنقریب کشتی‌های خریداری از ایطالیا وارد خلیج فارس خواهد شد و جزیره هنگام برای توقف کشتی‌های ایران ضرورت دارد علیهذا مستدعی است مقرر فرمائید از طرف آن وزارت جلیله شرح لازم بسفارت انگلیس صادر و تقاضا شود که جهازات جنگی انگلیس از آن [illegible] صرف نظر نمایند. — از طرف وزیر جنگ: کفیل ارکان حرب کل قشون

بایگانی
۲۲/۶/۱۱

۲۴۰۲۲
۴۱۰۳
۱۱/۶/۲۸

نمره ۷۴۱۵

شماره: ۱۷۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

**مراسله به وزیر مختار انگلیس**

آقای وزیر مختار

خاطر شریف استحضار دارد که دولت شاهنشاهی برای محافظت سواحل خود در خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق، شش فروند کشتی ابتیاع نمود که قریباً به خلیج مزبور وارد خواهند شد.

به طوری که حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی و حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه در ضمن مذاکرات شفاهی خاطر آن جناب را مستحضر داشته‌اند، برای اقامتگاه کشتی‌های مزبور جزیرهٔ هنگام محل مناسب تشخیص داده‌شده‌و کشتی‌های ایران لنگرگاه خود را در آنجا قرار خواهند داد. بنا به مراتب فوق از آن جناب خواهشمند است، اقدام فرمایید که به مأمورین مربوطهٔ دولت پادشاهی انگلستان دستور فوری صادر گردد که جهازات جنگی دولت معزی الیها از اقامت در جزیرهٔ هنگام صرف نظر نمایند. نظر به اینکه قبل از ورود کشتی‌های بحریهٔ ایران باید وسایل لازمه برای اقامتگاه در محل مزبور تهیه گردد، تسریع در انجام مقصود از طرف آن جناب موجب تشکر دوستدار خواهد بود.

موقع را...

نمونهٔ ۴

# وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

| | |
|---|---|
| نمره ضبط ۶۱۰۲۵۲۳ | موضوع مسوده |
| نمره ۲۲۰۴۴ | ضمیمه |
| دوسیه ۷۶۱۵ | مسؤل پاکنویس |

تاریخ تحریر ........ تاریخ پاکنویس ........ تاریخ ثبت و خروج ۲۸/ ۶/ ۱۳۱۶

عنوان مسوده: مراسله به [illegible] انگلیس

آقای وزیر مختار

محترماً خاطر [illegible] را [illegible] میدارد [illegible] [illegible]

در خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق کشتی‌های جنگی [illegible] به بنادر خلیج [illegible]

وارد خواهند شد . نظر به [illegible] [illegible] [illegible] و

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کشتی‌های [illegible] جزیره [illegible] [illegible]

و کشتی‌های ایران لنگرگاه . [illegible] خواهند داد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] انگلیس [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از اوقات در جزیره [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کشتی‌های [illegible] ایران [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] از طرف آن جناب [illegible]

[illegible] [illegible] خواهد [illegible]

موقع را [illegible] .

شماره: ۱۷۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسنعلی‌خان غفاری کفیل وزارت امور خارجه
آقای کفیل

محترماً وصول مراسلهٔ جناب مستطاب عالی نمرهٔ ۲۳۰۴۴/۴۱۰۳۵۲۳ مورخه ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) را که در آن اشعار شده بود که به ملاحظهٔ اینکه قرار است جهازات بحریهٔ ایران قریباً وارد شود، مایل‌اند جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان از استفاده از لنگرگاه هنگام صرف‌نظر نمایند، اطلاع می‌دهم.

دوستدار مندرجات مراسلهٔ مزبور را به دولت متبوعهٔ خود اطلاع می‌دهم و محترماً در موقع معین جواب دولت مشارالیها را به آن جناب ارسال خواهم داشت. ضمناً یک موضوعی است که مایلم توجه آن جناب را بدان متوجه سازم. در طی مذاکراتی که با حضرت اشرف آقای وزیر دربار و جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در روز قبل از حرکت شخص محترم اخیرالذکر به اروپا به عمل آوردم، جناب اشرف آقای فروغی اظهار داشتند که قصد دارند در صورتی که در ژنو فرصتی به دست آید، در باب مسائل معوقه راجع به روابط انگلیس و ایران با وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مذاکراتی به عمل آورند. یکی از این مسائل بلاشک موضوع راجع به مؤسسات بحری انگلیس در هنگام می‌باشد. بنابراین دوستدار به هیچ‌وجه سعی نمی‌نمایم تعجب خود را از تقاضای مندرجه در مراسلهٔ جناب مستطاب عالی مخفی دارم. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

۵۶۱

۳۰/۶/۱۱ سفارت انگلیس

۲۹ شهریور ۱۳۱۱

آقای کفیل

مرقومه محترمه جناب مستطاب عالی نمره ۲۳۰۴۴/۴۱۰۳۵۲۳
مورخه ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) را که در آن اشعار
شده بود که نظر به ورود قریب سفاین بحریه ایران
قریباً وارد خواهد شد سفاین اعلیحضرت پادشاه انگلستان
از استفاده از لنگرگاه هنگام صرف نظر نمایند اطلاعاً
دوستدار مندرجات مراسله مزبوره را به دولت متبوعه خود
اطلاع میدهم و در موقع مقتضی جواب دولت متبوعه را
به آنجناب ارسال خواهم داشت.
ضمناً یک موضوعی است که مایلم توجه آنجناب را بدان معطوف
سازم — در طی مذاکراتیکه با حضرت اشرف آقای وزیر دربار
و حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه در روز قبل از حرکت
شخص محترم اخیرالذکر به اروپا بعمل آوردم حضرت اشرف آقای فروغی

British Legation,

Gulhek,

September 20th, 1932.

No. 461.

Monsieur le Gérant,

I have the honour to acknowledge receipt of Your Excellency's Note No. 23044/4103523 of September 19th stating that in view of the imminent arrival of the vessels of the Persian navy it is desired that His Majesty's Ships shall cease to use the Henjam anchorage.

I am communicating the contents of this note to my Government and shall have the honour to forward their reply to Your Excellency in due course.

Meanwhile there is one point to which I desire to invite Your Excellency's attention. In the course of the conversation which I had with Their Highnesses the Minister of Court and the Minister for Foreign Affairs on the day before the latter left for Europe, His Highness Feroughi expressed

the



۷/۳۱/۱۳
جناب مستطاب اجل آقای حسنعلی خان غفاری کفیل وزارت امور خارجه

His Excellency
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari
Gérant du Ministère des Affaires
Etrangères.

-2-

the intention of discussing with His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs the outstanding questions affecting Anglo-Persian relations, if opportunity offered at Geneva. One of these questions is undoubtedly the British naval establishments at Henjam. I will not therefore make any attempt to conceal my surprise at the request formulated in Your Excellency's note.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. H. Hoare

اظهار داشته‌اند که قصد داشتند در صورتیکه در ژنو فرصت
دست آید در باب مسائل متعلقه راجع به روابط انگلیس
و ایران با وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان مذاکره
بنمایند. یکی از این مسائل بلاشک موضوع راجع
به تأسیسات بحری انگلیس در هنگام میباشد. بنابراین بنده
نمیتوانم تعجب خود را از تقاضای مندرجه در
مراسله جناب مستطاب عالی مخفی بدارم.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید
مینمایم

شماره: ۱۷۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

وزارت جلیلهٔ جنگ

در جواب مرقومهٔ مورخهٔ ۱۱/۶/۲۳ نمره ۷۴۵۳ راجع به صرف‌نظر کردن جهازات انگلیس از توقف در جزیرهٔ هنگام تصدیع می‌دهد که مراتب به سفارت انگلیس در طی مراسله ابلاغ و تقاضا شد که هرچه زودتر مقدمات این کار را فراهم آورند.

نمونهٔ ۳

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس [?]

نمره ثبت طبع ۴۱-۳۳-۵-۲ [?]

نمره ۲۲-۴۲ [?]

دوسیه ح ۱ م ۷

موضوع مسوده

ضمیمه

مسؤل پاکنویس

تاریخ تحریر ۲۱/۶/۱۳۱۱ [?] تاریخ پاکنویس تاریخ ثبت و خروج ۱۳

عنوان مسوده [illegible]

فوری – [illegible]

در جواب مرقومه نمره ۲۳/۶/۱۱ ۷۴۵۳ راجع به [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۷۳
فرستنده: فروغی نخست وزیر از ژنو
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۱۱
متن سند:

از ژنو

معاون وزارت خارجهٔ انگلیس به ملاقات آمده از قضیه هنگام گله کرده گفت در مذاکراتی که اخیراً شد، گفتگوی این بود که کشتی‌های که نیز آنجا باشند و به‌طوری که لازم است مسئله جزء عهدنامه حل شود. حالا اگر در بیرون کردن کشتی‌های ما از هنگام اصرار و عجله نمایید، چنین خواهیم دانست که مذاکرهٔ عهدنامه را قطع می‌کنید. گفتم ما قطع نمی‌کنیم شما اهمال دارید و علاقه نشان نمی‌دهید. پرسید آیا هم منزلی ما و شما ممکن خواهد بود. گفتم می‌دانید من صلاحیت تصدیق این مسئله را ندارم باقی قشون کشتی‌های شما در آب و خاک ایران مطلوب نیست اما تا وقتی که از طهران حرکت کردم تصمیمی از دولت در این باب ندیده بودم. و در عالم دوستی معتقدم به وزیر مختار خودتان در طهران دستور بدهید در حل مسائل اهتمام کند. گفت این فقره را به وزیر خارجه می‌نویسم و می‌گویم شما مأیوس نمی‌شوید خود او هم دوسه روز دیگر ژنو بر می‌گردد و با شما ممکن است مذاکره کند چون طبع او را مستعد مذاکرهٔ بعضی ندیدم دیگر حرفی نزدم، اما با کمیسر عالی عراق مفصلاً صحبت کنم چون خودش مایل بود و مبادرت کرد.

فروغی

وزارت امور خارجه

اداره کل ..........

اداره ..........

نمره ..........

تاریخ ..........

۵۱۳۴

۱۰ مهر ۱۳۱۱

[illegible]

معاون وزارت خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۷۴
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسنعلی خان غفاری کفیل وزارت خارجه
آقای کفیل

در ضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۴۴۱ مورخه ۲۰سپتامبر ۱۹۳۲ (۲۹شهریور ۱۳۱۱)، محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر ساختم که تقاضای دولت علیه را در باب برچیدن فوری مؤسسه بحری انگلیس در هنگام که خیلی موجب تعجب دوستدار گردیده بود، به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس مخابره نمودم. حال دستورالعمل دارم جواب ذیل را بنگارم:

۲. چندین سال است مذاکراتی در باب انعقاد عهدنامه مودت بین دولتین ما جریان دارد در مورد بسیاری از مسائل موافقت حاصل شده است. سایر نکات هنوز معوق مانده و در تحت مذاکره است. از جملهٔ موضوع مؤسسه بحری هنگام می‌باشد که چندین سال است که در روی اساس فعلی باقی می‌باشد. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل‌اند که وقایهٔ مؤسسه مزبور را برای یک عده سنوات دیگر در تحت شرایط عهدنامه کمافی‌السابق تأمین نمایند و از ابتدای مذاکرات اطلاع یافته‌اند که دولت علیه اصولاً با این مسئله که یک قسمت از تصفیهٔ کلی مسائل معوقه محسوب می‌شود، موافقت داهند.

۳. این موضوع مفهوم عموم است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز سعی نکرده‌اند ادعایی ثابت کنند در اینکه تسهیلات راجع به تهیهٔ سوخت جهازات و تسهیلات راجع به تفریح اعضای جهازات را که اسکوادرن آنها در خلیج‌فارس در هنگام از آن استفاده می‌نموده‌اند یک قسم حق حاکمیت محسوب می‌شود یا اینکه به حق حاکمیت ایران خللی وارد می‌آورد و نیز دولت مشارالیها در طی مذاکرات جاری سعی نکرده‌اند که بیش از رضایت دولت علیه در مورد ادامهٔ استفاده از تسهیلات مزبور در مقابل یک حق سالیانه چیزی تحصیل کنند

۴. از مراتب فوق واضح است که موضوع هنگام قطعاً مربوط می‌شود به مذاکرات راجع به عهدنامهٔ کلی و نمی‌تواند از آن تفکیک شود و دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان مایل‌اند که دوستدار مؤکداً اشعار دارم. که نمی‌توانند مذاکرات فعلی را ادامه دهند مگر اینکه تقاضایی که تحت مذاکره است، مسترد شود.

۵. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطمئن‌اند که منفعت طرفین چنین اقتضا می‌نماید که روابط خود را بر روی یک اساس معاضدت ضمیمانه قرار دهند و تعیین دارند که دولت ایران در این نظریه شرکت دارند و دولت علیه حاضر خواهند بود که پس از رسیدگی مجدد به این مسئله تقاضای خود را تعقیب ننمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

۵۶۹

۱۹ آبان

ادارهٔ [illegible] انگلیس

11/9/12

ترجمه کنید

در ضمن راپرت خود نمره ۴۴۱ مورخه ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۲ (۲۹ شهریور ۱۳۱۱) افتخاراً خاطر جنابعالی را مستحضر ساختم که تقاضای دولت علیه را در باب برچیدن فوری موسسه بحری انگلیس در هنگام که خیلی موجب تعجب دوستدار گردیده به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس مخابره نموده‌ام. حال دستورالعمل دارم جواب ذیل را بنگارم:

۲ – چندین سال است مذاکرات در باب انعقاد معاهده مودت بین دولتین ما جریان دارد. در موارد بسیاری از مسائل توافق حاصل شده است. سایر نکات هنوز معوق مانده و در تحت مذاکره است. از جمله موضوع موسسه بحری هنگام میباشد که چندین سال است که در روی اساس فعلی باقی میباشد. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایلند که موسسه مزبوره را برای [illegible] مدت [illegible] در تحت شرایط معاهده

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسنعلی خان غفاری کفیل وزارت امور خارجه

10th November, 1932.

No. 548.

Monsieur le Gerant,

In my note No. 441 of the 20th September 1932 (29th Shahrivar 1311) I had the honour to inform Your Excellency that I had submitted to His Majesty's Government in the United Kingdom the request of the Imperial Government, which had greatly surprised me, for the immediate withdrawal of the British naval establishment at Henjam. I am now instructed to formulate the following reply:

2. For some years past negotiations directed to the conclusion of a treaty of friendship have been conducted between our two Governments. Agreement has been reached on a variety of points. Others are still outstanding and are still under discussion. Among them is the question of the British naval establishment at Henjam, which has existed on its present basis for many years. His Majesty's Government

/desire

Son Excellence
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari,
Gerant du Ministere des Affaires Etrangeres.

کمافی‌السابق تأمین نمایند و از ابتدای مذاکرات
اطلاع یافته‌اند که دولت علیه ایران با این مسئله
که جزئی از تصفیه کلیه مسائل معوقه محسوب بشود
موافقت دارند.

۳ — این موضوع مفهوم عموم است که دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز سعی نکرده‌اند ادعا
ثابت کنند در اینکه تسهیلات راجع به تهیه سوخت
جهازات و تسهیلات راجع به تفریح اجزاء جهازات را
که اسکادرن آنها در خلیج فارس در هنگام از آن
استفاده نموده‌اند یک قسم حق حاکمیت محسوب بشود
یا اینکه به حق حاکمیت ایران خللی وارد می‌آورد
و نیز دولت متبوعه اینجانب در طی مذاکرات جاریه سعی نکرده‌اند
که بیش از رضایت دولت علیه در مورد ادامه
استفاده از تسهیلات مزبور در مقابل یک حق‌السالیانه
چیزی تحصیل کنند.

۴ — از مراتب فوق واضح است که موضوع
هنگام قطعاً مربوط بشود به مذاکرات راجع به عهدنامه کلی
و نمی‌توانند از آن تفکیک شود و دولت اعلیحضرت
پادشاه انگلستان مایلند که دوستدار صریحاً اظهار دارد

desire to secure the continued existence of this establishment for a further period of years under the terms of the treaty, and they have understood from the outset of the negotiations that the Imperial Government were agreeable to this in principle as part of a general settlement of outstanding questions.

3. It is a matter of common knowledge that His Majesty's Government have never sought to establish any claim that the fuelling and recreational facilities which their squadron in the Persian Gulf have enjoyed at Henjam constitute any sort of sovereign right or in any way impair Persian sovereignty nor have they endeavoured in the course of the current negotiations to obtain anything more than the consent of the Imperial Government to the continued use of these facilities in return for an annual rent.

4. It is evident from the foregoing that the question of Henjam is definitely connected with, and cannot be divorced from, the general treaty negotiations and His Majesty's Governmen desire me to state categorically that they cannot contime the present

/negotiations

که فرستادند مذاکرات قطع را ادامه نخواهند داد مگر آنکه
تقاضائی که تحت مذاکره است مسترد شود.
۵ — دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطمئن است
که منفعت طرفین چنین اقتضا می‌نماید که روابط خود را
بر روی یک پایه مساعدت صمیمانه قرار دهند و یقین دارند
که دولت ایران در این نظریه شرکت دارد و در تجدید مطالعه
حاضر خواهد بود که پس از رسیدگی مجدد به این مسئله
تقاضای خود را تعقیب ننماید.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم

negotiations unless the request under discussion is withdrawn.

5. His Majesty's Government are convinced that it is to the interest of both parties to establish their relations on a basis of cordial cooperation and they are confident that this view is shared by the Persian Government and that the latter will be prepared on a re-examination of the matter not to press their request.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. H. Hoare

شماره: ۱۷۵
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۱۱
متن سند:

**خیلی فوری محرمانه مستقیم**

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

سواد راپرت نمره ۲۱۰۸ کفیل فرماندهی قوای بحریهٔ جنوب راجع به رفتار سفاین شاهنشاهی در نقاط شمالی آبهای خلیج‌فارس و بحر عمان تلواً ارسال، متمنی است مقرر فرمایید نسبت به مفاد راپرت مزبور نظریهٔ آن وزارت جلیله را اعلام دارند تا از همان قرار به قوای مزبور دستور مقتضی صادر گردد.

مهر وزارت جنگ

**سواد راپرت کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب**

**محرمانه**

مقام رفیع بندگان حضرت ریاست محترم ارکان حرب کل قشون

مفتخراً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، مطابق اطلاعات غیرمستقیمی که فدوی تحصیل کرده، گویا دولت انگلیس راجع به قسمت شمالی جزیرهٔ هنگام ادعایی دارد و نظر به اینکه در تمام نقاط شمالی آبهای خلیج‌فارس و بحرعمان کشتی‌های شاهنشاهی بدون هیچ احتیاط ملاحظه رفتار کرده و همه را متعلق به دولت شاهنشاهی می‌دانند مستدعی است اگر دربارهٔ بعضی از این نقاط ملاحظاتی باید بشود، مقرر فرمایید مراتب اطلاع داده شود که برخلاف نظریهٔ آن مقام رفیع رفتاری نشده باشد.

کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب یاور بایندر

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن ۲

شعبه ۱

نمره ۱۱۴۷۱ / ۷۰۰۰

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متضمن نمره است با نمره ذکر شود

مورخه ۲۷ / ۹ / ۱۳۱۱

ضمیمه ۱

انگلیس

خیلی فوری محرمانه مستقیم ۲۸۰۰ – ۱۱/۹/۲۸

وزارت جلیله امور خارجه

سواد راپرت نمره ۲۱۰۸ کفیل فرماندهی قشون جنوب راجع برفتار

سفاین انگلیسی در نقاط مختلفه آبهای خلیج فارس و بحر عمان برای اطلاع

متمنی است مقرر فرمایند نتیجه راپرت نمره ۲ را از وزارت جلیله

اعلام دارند تا از ما ... تقدیم ... دستور تحقیق صادر گردد –

[illegible]

۱۱۴۵۰۱

| | |
|---|---|
| [illegible] | [illegible] |
| نمره | ۳۴۹۶۷ |
| [illegible] | ۱۱۲۵۴ |
| [illegible] | ۲۸/۹/۱۱ |

نمره ۱۵۳۰ – ۱۱/۹/۲۹

مربوط به اداره انگلیس

۲۹ آذر

ارکان حرب کل قشون – اداره تجربه حرب

وزارت جنگ

محرمانه

واده: ریاست کمیسیون [illegible]

مورخه ۱۷ آذر ماه ۱۳۱۱

نمره ۲۱۰۸

ضمیمه مکتوب نمره ۵/۱/۱۵۴۷۱

مقام منیع [illegible] محترم ارکان حرب قشون

مفتخراً خاطر مبارک را مستحضر میدارد مطابق اطلاعات غیرمستقیم [illegible] گویا است
انگلیسی راجع به قسمت شمالی جزیره [illegible] ادعائی دارد و نظر باینکه در تمام نقاط شمالی آبهای
خلیج فارس و بحر عمان کشتی‌های [illegible] بدون هیچ اشکال ملاحظه [illegible] کرده و همه را
متعلق به دولت شاهنشاهی [illegible] مستدعی است اگر درباره بعضی از این نقاط ملاحظاتی
باید بشود مقرر فرمایند نتیجه [illegible] در این مورد نظریه [illegible]
کمیسیون [illegible] تجربه حرب یادداشت نمایند

[illegible]

شماره: ۱۷۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارتِ جنگ
تاریخ: ۳ دی ۱۳۱۱
متن سند:

**فوری محرمانه مستقیم**

وزارت جنگ

با عطف به مراسلهٔ نمرهٔ ۵۴۷۱،د،۷۰۰۰ حاوی سواد راپورت کفیل فرماندهٔ قوای بحری جنوب راجع به اطلاعات مشارالیه مربوط به قسمت شمالی جزیرهٔ هنگام، به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند که مطابق اطلاعات وزارت امور خارجه دولت انگلیس نسبت به جزیرهٔ هنگام هیچ‌وقت دعوی نداشته است. سابقاً قطعه زمینی برای سکنی و عملیات تلقرافچیان [تلگرافچیان] انگلیس و انبار زغال‌سنگ برای کشتی تجارتی از طرف دولت معین شده بود. در اواخر کشتی‌های جنگی انگلیس برای زغال‌گیری بدانجا تردد می‌کردند. در ۲۸شهریور به سفارت انگلیس نوشته شد. دولت شاهنشاهی ایران برای محافظت سواحل خود در خلیج‌فارس و جلوگیری از قاچاق، شش فروند کشتی ابتیاع نموده و قریباً به خلیج وارد می‌شوند و به‌طوری که شفاهاً تذکر داده شد برای اقامت کشتی‌های ایران جزیرهٔ هنگام محل مناسب تشخیص داده شد. و خواهش گردید اقدامات نمایند که جهازات جنگی انگلیس از اقامت در جزیرهٔ هنگام صرف‌نظر نمایند ولی سفارت انگلیس و دولت انگلیس در مکاتبات و مذاکراتی که شد علاقه به حفظ ترتیبات سابقه نشان داده و اظهار امیدواری برای کنارآمدن در این خصوص نموده‌اند اگرچه دولت شاهنشاهی در زمینهٔ تصمیم نظریهٔ اولیه جواب داده ولی مذاکرات هنوز کاملاً خاتمه نیافته. نظر به مراتب فوق بهتر است وضعیت موجوده عجالتاً در هنگام از طرف مأمورین مرعی شود تا مذاکرات خاتمه یابد.

نمونهٔ ۳

نمره ضبط ۱۲۵۴۳

# وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

نمره ۳۳۷۶۷

دوسیه [illegible]

موضوع مسوده [illegible]

ضمیمه [illegible]

مسؤل پاکنویس [illegible]

تاریخ تحریر ۱ دی — تاریخ پاکنویس ۷ — ۱۰ — تاریخ ثبت و خروج ۹ — ۱۰ — ۱۳۱۱

عنوان مسوده: وزارت مالیه

عطف به مراسله نمره ۲۰۰۰ مورخه ۱۵/۳/۷۱ [illegible] راجع به [illegible]

[illegible] شارژدافر دولت شاهنشاهی در بغداد [illegible]

[illegible] زغال سنگ [illegible]

[illegible] برای زغال [illegible]

[illegible] دولت شاهنشاهی ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نظریات [illegible]

[illegible]

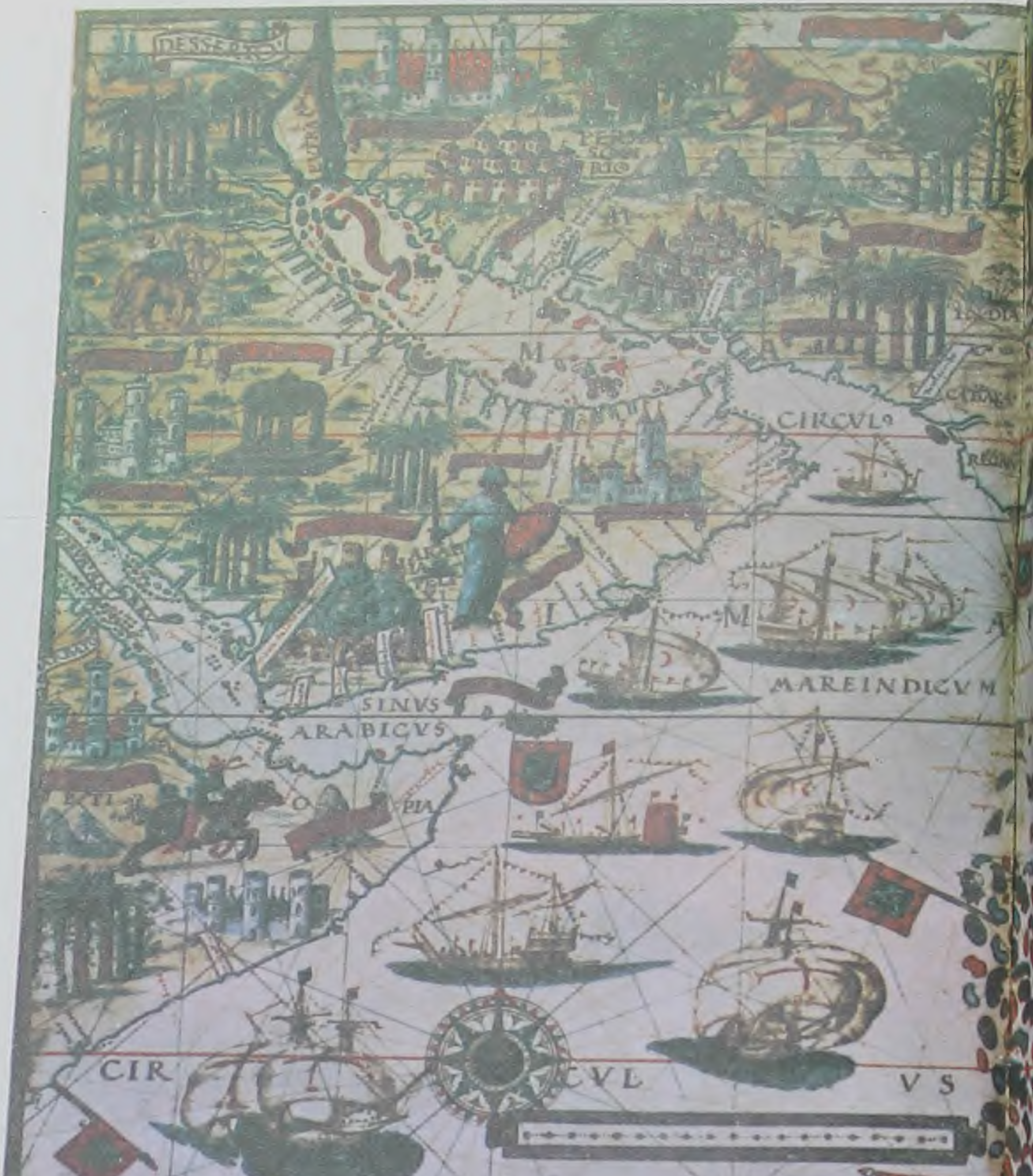
* علاقه [illegible]

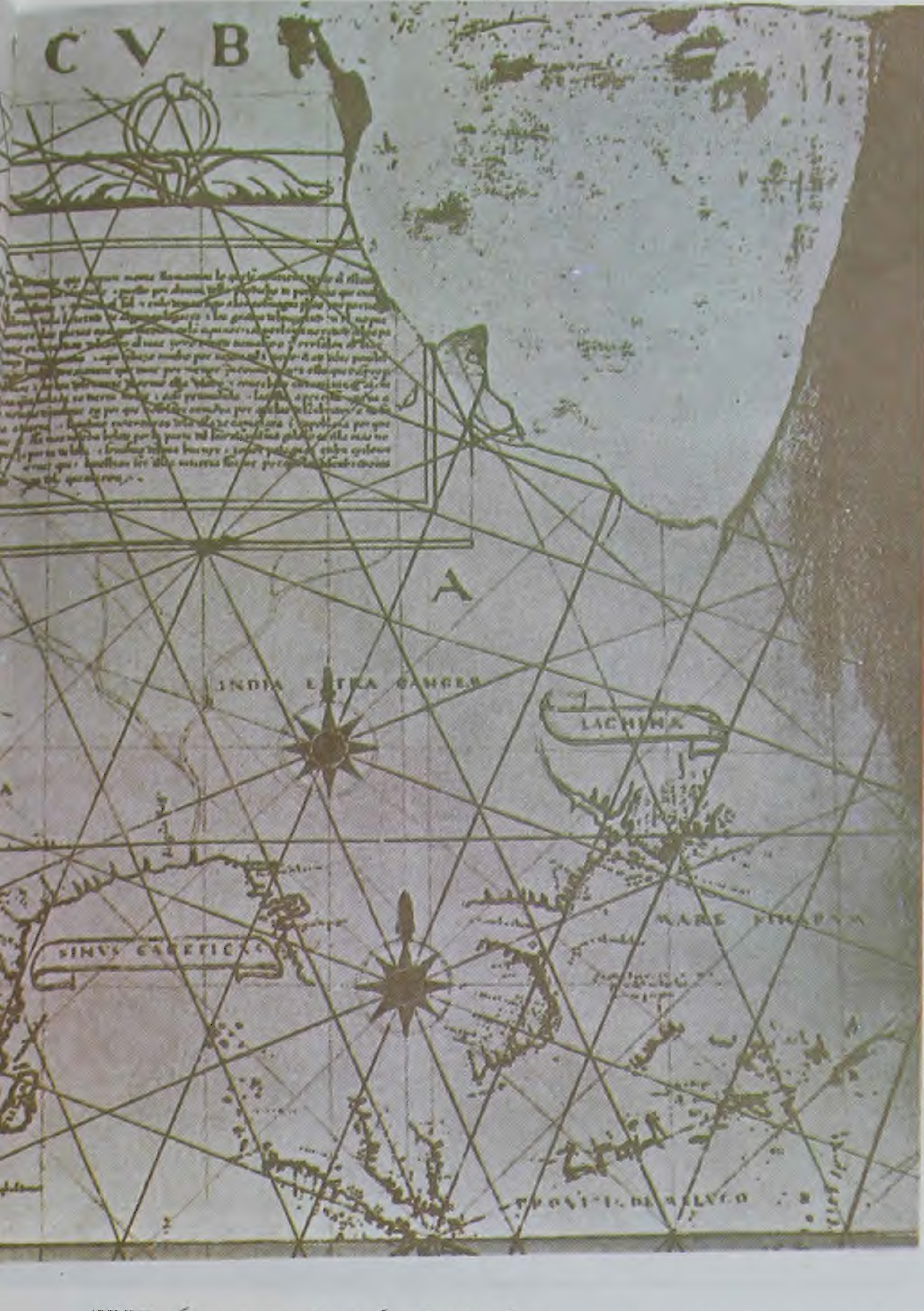
[illegible]

# نقشه ها




یک نقشهٔ پرتقالی (تهیه‌شده‌در سال ۱۵۱۹م) موجود در کتابخانهٔ ملّی پاریس که در آن خلیج فارس «میرپرسیو» (MARE PERSICV) به معنی دریای پارس و همچنین دریای سرخ با نام «سینوس عربیکوس» (SINNVS ARABICVS) ذکر گردیده‌است.


DESSERTO
INDIA
CIRCVLo
MAREINDICVM
SINVS
ARABICVS
CIR
CVL
V S




یک نقشهٔ پرتقالی (تهیه شده در سال ۱۵۲۷م) موجود در وایمار آلمان شرقی که در آن خلیج فارس «سینوس پرسیک»(SINVS RERSIC) و دریای سرخ «سینوس عربیک» (SINVS ARABIC) ذکر شده‌است.


VNDO SEA DES
MARE CAS PIVM
PERSIA
SINVS PERSICVS
ARABIA FELIX




یک نقشهٔ قدیمی موجود در آرشیو وزارت امور خارجه که در آن خلیج فارس به‌همین نام (PERSIAN GULF) آمده‌است.




PER






یک نقشهٔ قدیمی که در آن خلیج فارس «بحر فارس» ذکر شده‌است.

طرح روی جلد از: اسدالله کی

**دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی**

**وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران**

تهران ــ خیابان شهید باهنر ــ خیابان شهید آقایی

صندوق پستی: ۱۷۹۳ ــ ۱۹۳۹۵

**بها ۳۲۰۰ ریال**